



بازدید شد
۱۳۸۲
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب
مؤلف
موضوع
شماره قفسه
شماره ثبت کتاب
بازدید شد
۱۳۸۲
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب
مؤلف
موضوع
شماره قفسه
شماره ثبت کتاب
۲۸۰۵

نماز است که قبل از فوت محل آن بیاد آید پس اگر خواندن فاتحه را فراموش
کند و بعد از خواندن سوره و قبل از رکوع بیادش آید فاتحه را بخواند
و سوره را اعاده نماید و اگر رکوع را فراموش کند و بعد از خم شدن بقصد
سجود و قبل از سجود بیادش آید راست ایستد و رکوع را بجا آورد و جایز نیست
که اکتفا بان خم شدن کند خواه آن خم شدن بحد رکوع رسیده باشد و خواه
کمتر از حد رکوع باشد و خواه زیاده بران و اگر هر دو سجده را یا تشهد اول را
فراموش کند و بعد از ایستادن و قبل از رکوع بیادش آید دو سجده و تشهد را
بجا آورد و نماز را باتمام رساند و اگر یک سجده را فراموش کرده پس اگر بعد از
سجده که کرده نشسته است و طمانینه بجا آورده احتیاج بنشستن و طمانینه
دیگر نیست و الا بنشیند و طمانینه را بجا آورد و احتیاج بسجده سهو نیست و اگر شخص
در فعل از افعال نماز شک کند و ماموم او را بفعل آن یا بر عدم فعل آن واقف
سازد بر شخص آن واجب است که عمل بر قول ماموم نماید اگرچه ماموم یک کس
باشد و عادل نباشد و درین صورت بر شخص آن سجده سهو واجب نیست و وقف
احتی ماموم شخص را جایز است که باشارت دست باشد اگر نزدیک

سیقولون ثلثة

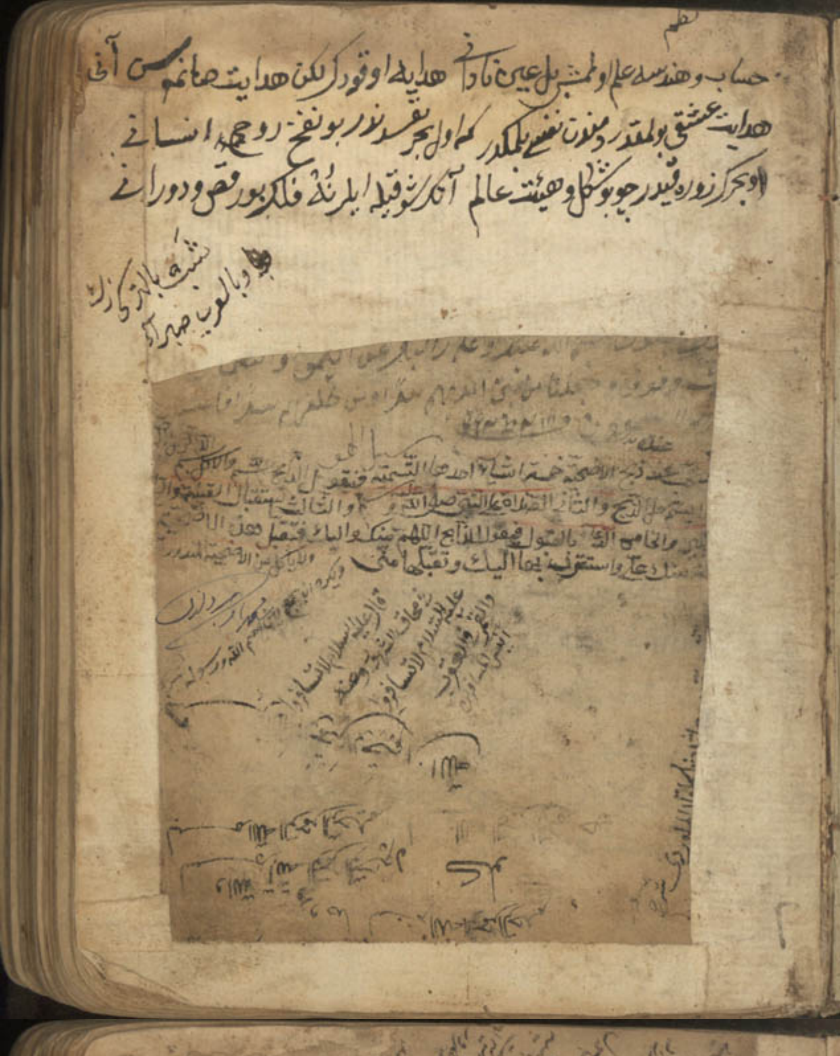
بر شخص نماز باشد یا بلفظ قران مثل آنکه شخص شک کرده باشد در نماز چهار
رکعتی میانه دو و سه یا میانه سه و چهار و ماموم داند که سه رکعت کذارده
پس از سوره کهف سیقولون ثلثة بخواند و اگر شخص سهو بسیار در نماز
کند بحیثیتی که او را در عرف کثیر السهو گویند درینصورت تلافی انچه نکرده برو
واجب نیست هرچند محلش باقی باشد و سجده سهو نیز برو واجب نیست و بعضی از
مجتهدین او را وقتی کثیر السهو میگویند که در سه نماز متوالی سه سهو کند یا در
یک نماز سه سهو و اگر شک بسیار کند بحیثیتی که در عرف او را کثیر الشک گویند
ملتفت نشود هرچند محل باقی باشد و نماز او صحیح است و سجده سهو برو واجب نیست
پس اگر مثلا شک کند در خواندن سوره قبل از رکوع برو واجب است که بان ملتفت
نشود برکوع رود و سوره را نخواند و اگر سوره را درینصورت بخواند آن نماز
باطل است هرچند بعد از خواندن ظاهر شود که نخوانده بود فصل دوم در بیان
خللی که سجده سهو بسبب آن واجب میشود و آن هفت موضع است اول فراموش
کردن یک سجده دوم فراموش کردن شهادتین در تشهد سیم فراموش
کردن صلوات بر پیغمبر و آل او بشرط آنکه محل هر یک از ین سه کذشته

باشد

ایستاده بکذارد و دو رکعت نشسته و مخیر است در تقدیم هر کدام که خواهد
و بعضی از مجتهدین بر انند که دو رکعت نشسته را مقدم باید داشت پنجم شک
کردن میانه دو و پنج بعد از اکمال سجدتین ششم شک کردن میانه سه و پنج
بعد از رکوع اما اگر قبل از رکوع این شک واقع شود آن رکعت را منهدم
سازد تا شک او میانه دو و چهار شود و حکم آن مذکور شد اما برو دو سجده
سهو واجب است بواسطه زیاده کردن قیام هفتم شک کردن میانه دو و سه و
پنج بعد از اکمال سجدتین هشتم شک کردن میانه دو و چهار و پنج بعد از
اکمال سجدتین درین چهار صورت مجتهدین را دو وجه است یکی آنکه بنا
بر کمتر نهد و نماز را اتمام کند وجه دیگر آنکه نماز باطل است و در صورت آخر جمعی
دیگر کفته اند و آن بنا بر چهار نهادن است و دو رکعت احتیاط ایستاده بجا
آوردن و دو سجده سهو کردن نهم شک کردن میانه دو و سه و چهار و پنج بعد از
اکمال سجدتین و این حکم صورت هشتم دارد با زیادتی دو رکعت احتیاط
نشسته و اگر خواهد یک رکعت بجای آن ایستاده بکذارد دهم شک کردن
میانه چهار و پنج پس اگر بعد از سجود است سلام دهد و دو سجده سهو بجا

اورد و اگر قبل از رکوع است ان رکعت را منهدم سازد تا شک او میان
چهار شود پس مخیر است در گذاردن یک رکعت احتیاط ایستاده یا دو رکعت
نشسته و دو سجده سهو بجا آورد و اگر بعد از رکوع است بعضی از مجتهدان
نماز را باطل میدانند و بعضی مثل شک قبل از رکوع میدانند یازدهم شک کردن
میانه سه و چهار و پنج در این صورت بعضی بر آنند که بنا بر سه نهد و نماز را تمام
کند و نماز احتیاط نکند و بعضی بر آنند که بنا بر چهار نهد و یک رکعت احتیاط
ایستاده بگذارد و دو سجده سهو بجا آورد دوازدهم آنکه شک تعلق برکعت
ششم گیرد درین صورت بعضی از مجتهدین بر آنند که این نماز باطل است و
بعضی بر آنند که بنا بر کمتر نهد و حکم آن مثل حکم تعلق شک برکعت پنجم
و هرگاه در عدد رکعات نماز سنتی شک واقع شود مصلی مخیر است در
بنای اقل و بنای بر اکثر و بنای بر اقل افضل است فصل در بیان نماز احتیاط
بدانکه آنچه در اصل نماز واجب است در نماز احتیاط واجب است مثل طاهر
از حدث و خبث و استقبال قبله و ستر عورت و نیة قربت و تکبیر
و تشهد و تسلیم و چهار امر در نیت آن واجب است که در نماز اصل

اول



نظم

حساب و هندسه علم او نمی بل عین نادانی هدایه او قودری لکن هدایت جانم حسن آنی
هدایت عشق بو لمقدر منون نفحی بلمکدر کم اول بحر بقصد نور بو نفخ روحه انسانی
او بحر کز زوره قید رجو بو شکل و هیئت عالم آنکر شو قبله ایلرند فلک بور قص و دورانی

نشئه بالترک و بالعرب

... الضحیة خمسة اشیاء احدها التسمیة فیقول ...
... والثانی الصلاة علی النبی صلی الله ... والثالث استقبال القبلة ...
والخامس ... بالقبول فیقول الرابع اللهم منک والیک فتقبل ...
... واستقر ... بها الیک وتقبلها منی

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین
حمد بی حد و ثنای بی عد مر خالق احد و رازق صمد را که برگزید بشر را بر
کل مخلوقات ولقد کرمنا بنی آدم و برکشید بعضی را بر بعضی و
رفعنا بعضهم فوق بعض درجات و بنا فرید آدمی را و پرورا مکر
از برای بندگی که وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون و بنا فرید از برای
بازی را افحسبتم انما خلقناکم عبثا وانکم الینا لا ترجعون و رزق
رسانیش از وجود ایشان متکفل شد که وما من دابة فی الارض الا علی الله
رزقها و شکر و سپاس بی قیاس مر پروردگاری را که از رحمت قدیم
و کرم عمیم خویش عاصیان رانده را و فاسقان درمانده را بقبول توبه
و عفو گناه امیدوار کرد غافر الذنب وقابل التوب و با حسان جزیل از برای
تسکین دل مجرمان مشموم بخطیة و عاصیان مغموم بمعصیة را بتو بال رحمت
و بشریت مغفرت بشارت داد که لا تقنطوا من رحمة الله ان الله
یغفر الذنوب جمیعا و بلطف و فضل خویش نیکوکاران را برگزید و پرهیزگاران را
برکشید که ان اکرمکم عند الله اتقیکم و بدخول بهشت و بدرجات عالیه
ان المتقین فی جنات ونهر فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر و بنعیم با

باقی ان الابرار لفی نعیم و بشربت قربت عینا یشرب بها المقربون در
دار خلود وعده فرمود قوله الحق و وعده الصدق جل جلاله و عم نواله و صد
و صلوات بی نهایت و تحیات بی غایت بروح مقدس و مطهر متوجه بنا
وما ارسلناک الا رحمة للعالمین و متوجه بدواج لولاک لما خلقت الا
فلاک باد است سید المرسلین و خاتم النبیین محمد رسول الله صلی الله علیه
وسلم و بر صد هزاران درود بر روان و آل او که مصابیح ظلم و مخادع کرم اند
اما بعد میگوید بنده ضعیف گناهکار امیدوار برحمت پروردگار
جل جلاله و عم نواله محمد مجرم بصیر ادیب غفر الله له ولوالدیه اصغر و
احقر خدام درگاه سلطان المشایخ والاولیاء قدوة الزهاد والا
صفیاء کاشف الحقایق مظهر الدقایق حجة الحق علی الخلق قطب
الاقطاب فی الارضین ملک المشایخ فی العالمین وارث الانبیاء و
المرسلین ختم الواصلین والعارفین نصر الحق والشرع والدین رضی الله عنه
وارضاه وجعل بحبوحة الجنة مثواه چون دیدم درین زمان بعضی عوام
الناس عربی نمی خوانند و اگر می خوانند بر معانی آن اطلاع ندارند و از فایده آن
محروم می مانند این ضعیف فایده چند در فضیلت نماز و روزه و زکوة و صدقه

وفي دوره اليون ان فرعون وهامان وجنودهما في النار الجحيم وما رحمت
ان فرعون وهامان وجنودهما في النار الجحيم وما رحمت
ان فرعون وهامان وجنودهما في النار الجحيم ولكن الكم

وتهلیل و ذکر و ادعیه و وِردها از کُتُبِ معتبر از تفاسیر و اخبار و فقه و سلوک
و اوراد مشایخ و وردی از والد خود و عمّ خود مولانا ضیاء الدین صاحب تفسیر
مغنی علیه الرحمة والغفران دیده و شنیده بودم جمع کردم و از برای فواید عوام
خلق این درویش بقدر فهم خویش هرچه پارسی بود عین آن کتاب نقل کردم و عربی را
بزبان پارسی در قلم آوردم تا عوام خلق و فرزندان ایشان درین رغبت نمایند
از فایدهٔ این بی بهره نمانند و مواظبت کنند تا بمطالب و مقاصد و بسعادت
دارین رسند و این مجموع را مفتاح الجنان نام کردم و فهرست این بیست پنج
باب بافضول در قلم آمد التماس از مخدومان و مکرمان زمانه آنچه درین او
راق بنظر تصویب بینند و اگر سهو و خطا یابند بقلم کرم اصلاح فرمایند
و عیب و منقصه را بذیل عفو و لطف بپوشند فهرست ابواب اینست باب
در کلمهٔ تهلیل و ذکر و استغفار و دعاها که هر روز در سحرگاه و شبانگاه
بخوانند و فضیلت صلوات مشتمل بر پنج فصل فصل اول در کلمهٔ تهلیل
مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه بگوید هر روزی و هر بامدا
دی بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله محمد رسول الله کرامت کند خدای تعالی
او را هفت چیز بهشت جای اول قبض کند روح او را بر مسلمانی دوم آسانی

سورة ق قال الحکیم من قرأها لیلة الجمعة ثلث مرات وکان علی عینیه
غشاوة زالت وکانت له نوراً فی قبره باذن الله تعالی تمت

آسان کند بروی سختی جان کندن سیم منور کرداند گور او را چهارم
بنماید او را منکر و نکیر به بهترین صورتها خوش پنجم نامهٔ اعمال او بدست
راست بدهند ششم گران کرداند ترازوی او را بحسنات هفتم بگذ
راند از پل صراط چون برق جهنده نقل از خلاصة الحقایق که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که شفاعت من روز قیامت کسی راست که بگوید لا اله
الا الله و حذیفة الیمان گفت رضی الله عنه که روز قیامت مردی را بیارند از قوم موسی
علیه السلام حق تعالی فرشتگان را گوید بنگرید هست چیزی از نیکی برین بندهٔ
من تا رستگاری یابد بدان امروز جز آنکه در نگین او می بینم که نوشته است
لا اله الا الله پس حق تعالی گوید در آرید بندهٔ مرا در بهشت بدرستی که بیامرزیدم
او را و روایت ابو بکر الصدیق رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
بر شما باد که بسیار بگویید کلمهٔ لا اله الا الله و استغفار بدرستی که شیطان میگوید
هلاک کردم من مردمان را بگناه و ایشان هلاک کردند مرا بگفتن لا اله الا الله
پس هرگاه اینچنین بینم ایشان را هلاک کنم بهوا و بدعتها و ابن عباس رضی الله عنه
میگوید رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که تلقین کنید مردگان خود را یعنی بیماران
خود را کلمهٔ شهادت لا اله الا الله پس هرکه بگوید نزدیک مردن واجب

شود او را بهشت صحابه پرسیدند که یا رسول الله اگر در حالت صحت این کلمه بگوید
رسول علیه السلام دو بار فرمود که واجب شود او را بهشت واجب شود او را
بهشت و چون از روی کرم از تفسیر مغنی در حدیث است که تلقین کنید بیماران
خود را نزدیک مردن کلمهٔ لا اله الا الله و ایشان را امر مکنید تلقین کلمه شاید که او را در آن
حال دشوار نماید و یا در غضب شود و منکر شود باید که خود بنزدیک او
بلند بخواند تا او بشنود تا در زبان یا در دل بگوید از خلاصة الحقایق روایت میکند
امیر المؤمنین علی رضی الله عنه که گفت مردی را بدهند نامهٔ اعمال بدست او روز
قیامت آن نامه از شب تاریک سیاه تر بود روی حرفی باشد که از و نور چون چراغ
روشن بتابد و آن کلمهٔ لا اله الا الله باشد پس حق تعالی گوید بندهٔ من مبالغت کرد
در ثنای من امروز من مبالغت کنم در رضای او و کعب الاخبار رضی الله عنه گفت
وحی کرد خدای تعالی سوی ادریس علیه السلام که بگوی قوم خود را تا این کلمه بگویند که
لا اله الا الله و پس بکنند هرچه خواهند قوم را گفتند و ایشان گفتند اگر بند
از بند ما جدا کنند ما نگوییم لا اله الا الله و مرویست از انس رضی الله عنه که رسول
علیه السلام فرمود خبر کرد جبرائیل علیه السلام مرا و گفت بشارت مر امت ترا
بدرستی هرکه بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له در آید در بهشت و حرام شود بروی

سورة الملک قال الحکیم اذا قرأها ...

بروی آتش دوزخ و علما گفته اند که باقی نماند در آخر الزمان مگر چیزی از طاعتها را
ثوابی مگر در دو چیز شهادت لا اله الا الله و درود بر رسول علیه السلام زیرا که طا
عتها بیشتر خالی نباشد از ریا و عجب مگر این دو چیز و فضیل گفت بسا بنده باشد
که بگوید لا اله الا الله و من ترسم بروی از آتش دوزخ گفتند چگونه یا ابا علی گفت
پیش او مردی غیبت مردی کند و او را خوش آید گوید لا اله الا الله یا بگوید سبحان الله
و یا بگوید زیادت کن و مرویست از پیغامبر علیه السلام گفت بیارند روز قیامت
نود و نه نامهٔ اعمال یک بنده که در آن همه گناهان و خطاها باشد درازی هر نامهٔ
از مشرق تا بمغرب پس بنهند این همه نامها در یک پلهٔ میزان و در پلهٔ دوم
حسنات او بنهند پس راجح آید سیئات او بر حسنات پس روان کنند او را
سوی دوزخ پس فرمان دهد باری تعالی فرشتگان را که باز گردانید بندهٔ مرا
نزد من پس خدای عز وجل گوید هست ترا نزدیک من حسنهٔ نهادم در ترا
زوی تو پس آن بنده بگوید الهی نیست مرا حسنه و تو آن خداوندی که ظلم نکنی
مقدار ذرهٔ پس بگوید حق تعالی ترا نزدیک من ذخیره است پس بیرون آرد
خدای تعالی کاغذ بیاض مقدار انگشت نبشته بران لا اله الا الله محمد رسول الله
پس بنهند آن را در یک پلهٔ میزان و نهاده شود نود و نه نامه در پلهٔ دیگر پس راجح آید

بلکه کلمهٔ شهادت بر پلهٔ دیگر بس روان کنند آن بنده را سوی بهشت نقل از کفایهٔ
شعبی در خبر است که موسی علیه السلام مناجات کرد گفت یا رب مرا رهنمونی کن
بر عملی که بجای آوردن آن مشتقی در نفس من بر سوی خدای عز و جل وحی کرد
بموسی که بگوی لا اله الا الله موسی علیه السلام این کلمه بگفت هیچ مشتقی او را
لاحق نشد تا بار دوم و سیوم دعا کرد هر بار همین فرمان می شد که بگوی
لا اله الا الله چهارم کرت دعا کرد گفت یا رب من عملی میخواهم که مرا در آن مشتقی باشد
بس وحی کرد خدای تعالی بموسی بدرستی که من سهل کردم گفتن این بر تو و اما
گفتن این کلمه مر کافران را دشوارتر است از بر بردن کوه بدندان و آورده
اند که از بنی اسرائیل چون کسی خواستی که کلمهٔ لا اله الا الله بگوید چهل روز گوشت
نخوردی و چهل روز با زن خود جماع نکردی و چهل روز گناه نکردی تا آنگاه
ممکن بودی که چهار هزار گناه کبایر او را خدای تعالی بیامرزد و در حدیث بدیع المعانی
آورده است که مد مبالغه مد کلمه لا اله الا الله است بر مذهب ابن کثیر مد مقدار
دو الف است مر مبالغت را در نفی اله غیر خدای و در تفسیر مغنی آورده است که
دو مرد بودند که بدعوی با یکدیگر خصومت کردند و بخصومت رسول آمدند
بس یکی سوگند خورد بر دعوی صاحب خود و گفت بالله الذی لا اله الا هو بمد

بمد گفت چون سوگند خورد جبرائیل علیه السلام بیامد و گفت و گفت این مرد
سوگند بدروغ خورد و لیکن خدای تعالی این مرد را بیامرزید بدان سبب که
کلمه را بمد گفت و ابو اللیث در کتاب تنبیه خود آورده است که واجب است بر همه
مسلمانان که بسیار گویند قول لا اله الا الله و درخواست کنند از حق تعالی در سا
عتهای شب و روز تا باز نگیرد این کلمه را از ایشان و نگاه دارد نفس او را از معاصی و
در مضمرات آورده است که اگر مسلمانی بر مسلمانی بگوید که بگو لا اله الا الله اگر نگوید
کافر شود اگر معتقد ایمان باشد از تفسیر منیر خبر است از پیغامبر صلی الله علیه
و سلم با سناد درست که گفت خدای تعالی کتابی پیدا آورد چنانک خواست پیش
از انک خلق آفرید بدو هزار سال بر عرش نهاده ندا کرد که یا امت احمد پیش
از انک از من عطا خواستید عطاتان دادم و پیش از انک آمرزش خواستید
بیامرزیدم و هر که کلمهٔ طیبه بگوید در بهشت در آرم انیست و ما کنت بجانب
الطور از کفایهٔ شعبی حذیفهٔ یمانی گفت رضی الله عنه که من بر رسول علیه السلام در آمدم
رسول را تکسری بود که در آن رحلت خواست کرد و امیر المؤمنین علی رضی الله
عنه نزدیک رسول نشسته بود بس رسول فرمود که مرا تکیه کنید تا بنشینم گفتم علی
را بگذار مرا که بشت مبارک رسول را در کنار خود گیرم رسول علیه السلام گفت

یا حذیفه نزدیک من آی حذیفه میگوید نزدیک رفتم رسول فرمود که هر که ختم کار او
بکلمهٔ شهادت شود که لا اله الا الله در آید به بهشت و هر که ختم کار او بروزه شود در
آید به بهشت و هر که را ختم کار او بطعام دادن شود در آید در بهشت بس من گفتم
یا رسول الله بر سینه دارم این حدیث را یا آشکاره کنم رسول علیه السلام فرمود
نی بلکه آشکارا کن و شیخ عبد الله در کتاب شرف النبی چنین آورده است که
بر پیشانی صد و بیست چهار هزار پیغامبر نبشته بود که لا اله الا الله محمد رسول الله
چنانک ما بهمهٔ پیغامبران ایمان داریم امت پیشین نیز بمحمد صلی الله علیه و سلم
ایمان داشتند از خلاصة الحقایق سوال چه چیز است از اشیا باقی و فانی که ثمن بهشت
کدام است جواب برسید حشر رسول را که ثمن بهشت جنت یعنی بهای بهشت
گفت کلمهٔ لا اله الا الله و فرمود هر بنده که بگوید کلمه لا اله الا الله در شب یا در روز
محو کرده شود گناهان گذشتهٔ او از نامهٔ اعمال او و ثبت کرده شود بجای او
نیکیها ایضا ابن عباس رضی الله عنه گفت که رسول علیه السلام فرمود که خدای
تعالی فرشته آفریده است از آن روز که آسمان و زمین را آفریده است او را
امر کرده است که بگوید لا اله الا الله و او دایم همین کلمه میگوید و در گفتن
قطع نمی کند و دم نمی زند و تمام نمی کند بس چون تمام کند این کلمه را همان ساعت

ساعت خدای عز و جل امر کند اسرافیل را تا صور بدمد و قیامت قایم شود
و از تفسیر مغنی در حدیث است که هر بنده در شب یا در روز بگوید لا اله الا الله
مگر آنکه محو کرده شود گناه او و از آن کلمه مرغ سبز بیافرینند در بهشت و
بخورد از میوه‌های بهشت و بیاشامد از جویهای بهشت و چون قبض کر
ده شود روح آن بنده آن مرغ گوید الهی بیافریدی مرا از تسبیح آن کس
بس روح او را با من گردان بس خدای تعالی روح او را در حواصل آن مرغ
کند و بچرد آن مرغ با آن روح در بوستانهای بهشت تا روز قیامت ایضا از تفسیر
مغنی در حدیث است بدرستی که خدای تعالی ستونی آفریده است از نور سر او زیر
عرش است و اسفل او زیر هفتم زمین چون بنده بگوید کلمه لا اله الا الله
وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله آن ستون در جنبش
آید بس بگوید خدای تعالی ساکن شو بس آن ستون گوید چگونه ساکن شوم
مادام که نیامرزی گوینده این کلمه را از تنبیه ابو اللیث رسول صلی الله علیه و سلم
گفت یا جبرائیل چگونه بود مردمان را روز قیامت گفت بزمین سفید باشند
که بر آن زمین گناه نکرده باشد هرگز آنگاه جبرائیل علیه السلام گفت که دوزخ
یک خروشیدنی بخروشد بس ملائکه در عرش آویزند هر فرشته گوید یا رب

هیچ چیزی نخواهم مگر خویشتن را و کوهها همه بکوازند از هول دوزخ الله
بیارند دوزخ را با هفتاد هزار فرشته تا بدارند پیش خدای عز و جل و ندا آید
از حق تعالی یا دوزخ سخن کوی بسخن آید و بگوید لا اله الا الله بعزت
و عظمت تو که امروز کینه بکشم از آنکسانی که اندر دنیا روزی تو خوردند
و کسی دیگر را پرستیدند و از من هیچ کس اندر نکذرد جواب ز رسول
صلی الله علیه و سلم گفت یا جبرائیل جواز او چه باشد روز قیامت گفت بشارت باد
ترا یا محمد که امت تو با جواز آیند هر آن کس که بگوید لا اله الا الله بگذرد از پل
دوزخ رسول گفت شکر مر آن خدایرا که الهام داد امت مرا شهادت
آن لا اله الا الله روایت کند انس بن مالک رضی الله عنه از رسول صلی الله
علیه و سلم که مردی گفت یا رسول الله بهای بهشت چیست رسول
علیه السلام گفت بهای بهشت قول لا اله الا الله روایت کنند که مردی
بود از بنی اسرائیل عابدتر از همه بنی اسرائیل و مردی دیگر بود
فاسق تر از همه بنی اسرائیل در عهد موسی علیه السلام موسی را
خبر کردند که فلان عابد فرمان یافت و نیز گفتند که هم فلان فاسق
فرمان یافت موسی صلوات الله علیه قصد آن بود که بر عابد نماز کند

کند جبرائیل آمد از خدای تعالی هژده هزار عالم و گفت یا موسی جای این مرد عابد
بدوزخ است و جای مرد فاسق اندر بهشت موسی علیه السلام متعجب
فرو ماند بیامد نزدیک زن عابد و بپرسید از حال عابد گفت ای زن این
عابد اندرون خانه چه کار است و عبادت او چگونه بود از نهان مردم زن گفت
وی عابدترین عابدان بود چنانک بر شما پوشیده نیست موسی گفت عمل
وی چگونه بود زن گفت یا رسول الله چون بجامهٔ خواب در آمدی میگفت
خنک مرا که از ایخ موسی آورد بنزدیک ما همه حق است موسی علیه السلام
چون این بشنید از گونهٔ خویش بشد پس بنزدیک زن فاسق آمد و بپرسید
از حال شوی او زن گفت شوی من فاسق ترین فاسقان بود چنانک بر شما
پوشیده نیست موسی گفت عمل کردار وی چگونه بود زن گفت چون پای در بستر
نهادی نخست بگفتی قول لا اله الا الله و رسول صلی الله علیه و سلم گفت هر که
بگوید لا اله الا الله از دهان او مرغی بیرون آید سبز و آن مرغ را دو پر سفید
باشد بدو رو با قوت بافته بپرد تا زیر عرش و مر آن مرغ را بانگی باشد چون بانگ
زنبور فرشتگان گویند بیارام ای مرغ مرغ گوید نیارامم تا گوینده مرا نیامرزد
و هم در آن حال آمرزیده شود گوینده قول لا اله الا الله پس آن مرغ را هفتاد

هزار زبان باشد تا گویندهٔ خویش را آمرزش خواهد تا روز قیامت چون روز
قیامت شود آن مرغ بیاید و دست گویندهٔ خویش را بگیرد و به بهشت ببرد و
روایت کند ابوذر غفاری رضی الله عنه من گفتم یا رسول الله مرا کاری آموز که
مرا بهشت نزدیک کرداند و از دوزخ دور کرداند رسول گفت یا اباذر
چون از تو بدی آید جهد کن که از پس آن نیکویی کنی تا ده چندان بود که گناه
جزا که یک بدی را یک جزا نویسند و یک نیکی را ده ثواب نویسند گفتم یا رسول الله
لا اله الا الله گفتن از نیکی هست رسول علیه السلام گفت گفتن لا اله الا الله
نیکوتر از همه نیکیها است و فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه آورده است که واجب
است بر همهٔ مردمان که بسیار گویند قول لا اله الا الله و از خدای تعالی همی خواهند
روز و شب که این قول را از ایشان باز نستاند و خود را از معصیتها باز دارند که اندر دنیا
بسیارند که این قول را میگویند چون بآخر عمر میرسند از وی باز ستانند از
سبب کارهای بد و شومی گناه او و از دنیا بیرون می برندشان با کافران
کدام حسرت معصیت باشد بزرگتر از این که مردی بود نام او مسلمان اندر همه عمر
خویش تا بمیرد قول لا اله الا الله نگوید و چون روز قیامت برخیزد نام وی از کافران
باشد این است از همه حسرتهای بدتر و حسرت نبود آنرا که او را از آتش کرده بدوزخ
حسرت

فائده
[illegible] رضی الله عنهم اجمعین ابی طالب و کذا الاعلی بن ابی عثمان بن عفان عمر بن خطاب ابوبکر الصدیق و کذا محمد رسول الله و کذا عدد لا اله الا الله و کذا [illegible]

دوزخ برند و لیکن حسرت آنکس را بود که از مسجد بیرون آرند و بآتش برند و این
همه از سبب بد کرداریست و بر حرامها دلیری کردن و بسیار کس هست که چیزی از آن
کسی بدست وی افتد آنرا بر خویشتن نفقه کند و گوید آنرا بستری باز دهم و بحق خواهم
ناگاه اندرین میان بمیرد و پیش از آنکه خصم را خشنود کند و بسیار کس هست که میان
وی و میان جفت وی حرامی افتاده باشد گوید چگونه حیله کنم این زن را که مادر فرزندان
منست و از وی فرزند دارم و برین مصر باشند ناگاه مرگ آید و هم بر آن حرام
بمیرد و باشد که از وی باز گیرند ایمان از پس جهد کن ای برادر اندر صلاح باز کرد
کار خویش از آنک مرگ آید و تو هیچ چیز ناساخته و تو ندانی که این مرگ کی آید و بدان
ای برادر که کار عمر اندر چیست و حسرت بسیار بر تو باد که بسیار بگویی قول لا اله الا الله
از فواید الاسلام میگوید بدانکه کلمهٔ لا اله الا الله گفتن بوقت گرویدن فریضه است
بعده تکرار سنت است لا اله نفی است و الا الله اثبات اله حق ای لا معبود
للخلق الا الله و لا یستحق الالوهیة الا الله و لا واجب العبودیة الا الله
یعنی نیست سزای پرستش مگر خدای عز و جل و نیست و نباشد سزای پرستش
مگر خدای عز و جل و بدانکه بگفتن کلمهٔ لا اله الا الله کفر صد ساله کافر محو می
شود باید که این کلمه ورد سازد تا اگر از وی چیزی از موجبات کفر در وجود آید

یا آمرجا باشد برین کلمه تجدید ایمان نشود و ایمان وی مدام در عصمت باشد و چون
یکفتن این کلمه عادت داشته باشد امید بود که بوقت نقل از دنیا همین کلمه بزبان
آورد کما تعیشون تموتون و ختم کار او برین کلمه شود که من ختم بلا اله
الا الله دخل الجنة نقلا از کتاب تقویم هرکه ایمان آرد برسالت محمد علیه السلام
و نشناسد او را و نداند که کدام محمد است پس بدرستی که مومن نباشد و
از امت او نباشد یعنی اگر نام بزرگ و جد محمد را نداند و از عقیدهٔ مولانا حافظ
الدین رحمة الله علیه بدرستی که پیغامبر ما محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن
هاشم بن عبد مناف رسول خداست نامه شیخ المشایخ جلال الدین تبریزی
بجانب شیخ الاسلام بهاء الدین زکریا قدس الله روحهما این بود بسم الله
الرحمن الرحیم خدای تعالی برکات کلمهای خواص که محرم اسرار این کلمهٔ طیبه اند برو
زکار آن عزیز احسن الله له فی الدارین و اکرمه فی المنزلین برساناد دل عزیز آن
برادران از کدورت محبت این خاکدان فانی که غار غرور است نه دار سرور پاک
کرداناد تا دیدهٔ دل کرد دو بآن نظر بآخرت بنکرد که کارگاه حقیقی آنست
و مشتاق آن عالم پاک کردد پس معلوم شد که رفتن بدان عالم طیب الا بکلمهٔ
طیبه کوید ممکن نکردد زیراکه او را از آن عالم فرستاده اند تا بنور او ازین

ازین خرابهٔ تاریکی فانی و ظلمت نفس را نجات یابیم و بدان عالم رویم چنانکه مهتر
عالم و سرور آدم علیه السلام می فرماید که بعثت علی قول لا اله الا الله پس آن برا
درباید که دل و زبان یکی باشد این کلمه کردانند چون از مخلوقات تنها باشد بآواز بلند میکوید
و چون در میان خلق باشد آهسته میکوید چنانکه کسی نشنود که حروف این کلمه را
بالب که پردهٔ حرف است کار نیست و لب می جنباند دربارگاه در خلا و ملا که باشد تا
او نباشد تا در آن وقت که بزیر پیک حضرت الوهیت در رسد و بدان عالم خواند
او با تو باشد و دلیل رهبر جان تو باشد و ترا بران جاودان حضرت برساند که
فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر و آورده اند که بر جملهٔ درهای بهشت این کلمه
نبشته اند که لا اله الا الله محمدا رسول الله و در دربهشتم نبشته اند که لا اله الا الله محمد رسول الله
من اراد السلامة فی الدارین فلیعتصم بقول لا اله الا الله محمد رسول الله و ان
وسیلة الغلوب در حدیث آمده است بروایت ابو هریرة رضی الله عنه از
رسول علیه السلام که هرکه بکوید لا اله الا الله و لا حول و لا قوة الا بالله و می شمرد
و عقد می کیرد بانکشتان تا پنج انکشت بکیرد اکر بمیرد او در آن روز یا در آن
شب یا در آن ماه که این کلمات کفته باشد بیامرزد خدای تعالی کناه او که کرده بود

فصل دوم در ذکر و فضیلت تفکر و فضیلت خواندن قرآن

میکند بذکر

و فضیلت بسم الله الرحمن الرحیم در فضیلت ذکر از خلاصة الحقایق از رسول علیه السلام
که خدای عز و جل میفرماید که مرا بندهٔ خود حاضرم چون او مرا یاد کند و در ذکر من هر
دو لب می جنباند و رسول علیه السلام فرمود ابو درداء رضی الله عنه که نشستن
تو در نزدیک قومی که ذکر میکنند بهتر است از عبادت هزار سال و مومن چون سر
بنشینند نزد یک قومی که ذکر خدای کوید بکشاید خدای تعالی درهای رحمت و
نخیزانند از آن مقام مکر آمرزیده پس منادی ندا کند که عملها از سر کیرید که بیا
مرزیدیم کناهان شما را و ابن عباس روایت میکند از رسول علیه السلام
که وحی کرد خدای تعالی بموسی علیه السلام یا موسی بدرستی که من میخواهم با تو جلیس
شوم و با تو سخن کویم پس چون موسی آن بشنید بتعظیم برخاست و بنشست پس
وحی کرد بموسی کفت یا موسی چون تو مرا یاد کردی من با تو هم نشین شدم
و خدای تعالی فرموده است که من جلیس اویم که مرا یاد کند و کعب الاحبار کفت
رضی الله عنه که مومن را از شیطان سه حصار است ذکر خدای عز و جل و
قرآئت قرآن و مسجد مرویست که مردی بیامد بخدمت رسول علیه السلام
و کفت یا رسول الله بشرایع اسلام بسیار است وصیت کن مرا بچیزی اندکی
رسول علیه السلام فرمود باید که زبان تو بذکر خدای تعالی بود همیشه آن مرد کفت

کفت یا رسول الله مرا این قدر بسنده باشد رسول فرمود بسنده است
مو تر او در خبر است که جبرئیل علیه السلام کفت پیغامبر را صلی الله علیه و سلم
بدرستی که خدای عز و جل میکوید که دادم امت ترا چیزی که ندادم امت دیکر را
پرسید آن چیست یا جبرئیل کفت در کلام خود فرمود فاذکرونی اذکرکم
غیر از امت تو امت دیکر را نکفته است از تفسیر مغنی رسول علیه السلام فرمود که
ذکر کوید بهترین خدا یرا ذکر خامل کفتند یا رسول الله ذکر خامل کدامست کفت
ذکر خفی ایضا رسول علیه السلام فرمود که هر چیزی را صیقل است و صیقل
دل ذکر خدای عز و جل ایضا رسول علیه السلام فرمود که مطیع باشد خدا یرا
پس ذکر خدای کوید و اکرچه او را نماز و روزه و تلاوة قرآن اندک باشد و هرکه
عاصی شود خدا یرا پس فراموش کند ذکر خدا را و اکرچه بسیار بود او را نماز و
روزه و تلاوة قرآن و رسول علیه السلام فرموده است بهترین ذکر کلمه لا اله الا الله
است و بهترین دعا الحمد لله و در مرصاد العباد آورده است بسیار مشایخ
کلمه لا اله الا الله اختیار کرده اند و این کلمه خاصیتی دارد در تنویر باطن و در
معرفة المریدین آورده است که ذکر ما مورد در میان مشایخ طبقات
سه ذکر است یکی لا اله الا الله محمد رسول الله دوم سبحان الله و الحمد لله

ولا اله الا الله والله اکبر بسم یا حی یا قیوم لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر
اگر ذکر لا اله الا الله اختیار کند سه بار لا اله الا الله بگوید ده بار محمد رسول الله بگوید
اگر ذکر سبحان الله اختیار کند بیست یکبار بگوید و بعد از آن بگوید رب
الهمنی خیرا و رشدا و اگر ذکر یا حی یا قیوم اختیار کند سه بار بگوید و بیشتر
در وقت سحر گوید بآواز بلند چنانکه اهل خانه و دیگران نیز حظی بگیرند
و اگر [illegible] و اگر نگویند باری بشنوند و برکت این چنین ذکر گفتن
بسیار است و بعضی میگویند که آهسته بگوید اما کلمة الله بآواز بلند بگوید
و چندان ذکر بگوید که هر تار موی که بر تن اوست زبان گردد چنانکه پیدا
ر هم جوارح او زبان شده است و در کفایه شعبی آورده است که
در هر موضع و در هر کاری تسمیه گویند که شیطان را در آن حظی و نصیبی نباشد
بدرستی که در خبر آمده است چون یکی از شما بخانه در می آید شیطان هم دنبال
او بخانه در می آید چون بوقت در آمدن بخانه بسم الله بگوید شیطان گوید
مرا مدخل نیست درین خانه و چون طعام پیش آرند بگوید بسم الله پس
شیطان گوید مرا درین طعام نصیب نیست و همچنین در آب
خوردن و اگر بوقت خفتن بگوید بسم الله شیطان گوید خوابگاه من

اگر بوقت

من اینجا نیست و آب پس گوید چگونه باشد حال من در خانه که مرا سکونت
نیست و طعام نیست و آب نیست و اگر بوقت در آمدن بخانه بسم الله نگوید
شیطان با او در خانه آید و اگر در طعام خوردن تسمیه نگوید شیطان با او
بخورد همچنین در آب خوردن اول شیطان دهان بر کوزه نهد بعد
از آن آب خورنده و اگر بوقت جماع با حلال خود تسمیه نگوید شیطان
با او جماع کند و دلیل صحت این قول باری تعالی است وشارکهم فی الاموال
والاولاد و مشارکت در اموال در اکل و شرب است و اما مشارکت در اولاد
هر فرزندی که کم عقل و عضوی از اعضای او شکسته و معیوب است آن
از اثر شیطانست و شیطان گوید خانه یافتم و طعام و آب و خوابگاه می
یابم از خانهٔ این بیرون نمی آیم و همچنین اگر در وقت بیرون آمدن از خانه
بسم الله بگوید شیطان از و بگریزد و آورده اند که دیو برادیوی پیش آمد
یکی از یشان فربه بود و دیگر لاغر فربه پرسید از لاغر که حال تو چیست و چرا
چنین لاغری لاغر گفت من بر مردی می باشم اگر در خانه می آید بسم الله میگوید
و اگر از خانه بیرون می رود بسم الله میگوید و اگر طعام میخورد بسم الله میگوید
و اگر خواب میکند بسم الله میگوید من از و شب و روز گریزان می باشم پس لاغر پرسید

از فربه که حال تو چیست که ترا فربه می بینم او گفت من بر مردی مسلط شده ام که در
خانه می آید غافل و طعام و آب میخورد و خواب می کند و از خانه بیرون می رود و هیچ
بسم الله نمی گوید من با او درین همه شریکم و اگر از خانه بیرون می رود من بر گردن
او سوار می شوم پس سنت اینست که چون از خانه بیرون آید بگوید بسم الله الرحمن
الرحیم بسم الله و بالله و توکلت علی الله و علی ملة رسول الله حسبی الله ولا حول
ولا قوة الا بالله اللهم اعصمنی واعصم دینی و دنیای و آخرتی پس هر کجا که برود
فرشته با او رود تا آنگاه که در خانه آید و در تفسیر منیر ابن عباس رضی الله
عنهما گفت حق تعالی فرمود بگو ای محمد سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم عدد ما علم وزنة ما علم و
ملأ ما علم پس گفت هر که بگوید این را بنویسد او را شش چیز اول نامش از ذا
کرین الله کثیرا نویسند و فضل این بیشتر از آن باشد که شب و روز خدا را عبادت
کند و یاد کند و از بهر او در بهشت درختان نشانند و گناهان وی بریزند
همچون برگ درختان که خشک شوند و خدای تعالی بروی برحمت بنگرد و هر که
خدای برحمت بنگریست هرگز او را عذاب نکند از تفسیر مغنی رسول علیه السلام
فرمود صحابه را بگیرید سپرهای را گفتند برای دشمنان گفت نه بلکه از برای

از برای آتش گفتند چیست سپرهای ما از آتش فرمود که سبحان الله والحمد لله
تا آخر ایضا پیغامبر علیه السلام گفت چون مرا بمعراج شد سوی آسمان پس
بدیدم ابراهیم خلیل را علیه السلام گفت مرا گفت امت ترا تا بسیار کنند از غذای آس
بهشت بدرستی که خاک آن خوش بوی است و زمین آن فراخ است رسول فرمود که من
گفتم چیست غذای آس بهشت گفت سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر و در خبر است که مردی گفت من قرآن خواندن نمی دانم یا رسول الله مرا
چیزی آموز که بجای قرآن بخوانم رسول علیه السلام فرمود که بگوی سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر آن بگفت و پس بپرسید که بهرهٔ من چیست که
این همه ستودن حق است رسول فرمود در عقب این بگوی اللهم اغفر لی وارحمنی
وعافنی واهدنی از ملفوظ شیخ فرید الدین قدس الله سره العزیز وقتی بخدمت
شیخ شهاب الدین سهروردی قدس الله سره العزیز حاضر بودم فرمود که چون حق
تعالی بنده را خواهد که دوست گیرد در ذکر بروی گشاده گرداند پس او را در سرای
فردانیت فرود آرد و آن محل عظمت و جلال باشد و فرمود که در حدیث است
که ذکر مولی بر زبان داشتن نشان ایمان است و بیزاری از نفاق و حصار است
او را از دیو و حرز است او را از آتش دوزخ بعد از آن فرمود که در شرح مشایخ

نبشته دیدم که چون مؤمن این دهان باز کند بذکر خدای ندا بر آید از آسمان که برخیزید
شادیها کنید که خدای تعالی شما را بیامرزید از تفسیر مغنی رسول علیه السلام فرمود
هر که مخان عاجز شود که پندارد از دو دیری نزارد که با دشمن جهاد کند و بخیلی کند
درمال که آنرا نفقه کند پس ذکر خدای بسیار کوید و از تفسیر منیر سلاح مؤمن آنست
بر ابلیس که چون طعام خورد بگوید بسم الله و از طعام فارغ شود بگوید الحمد لله و چون
کناهی کند بگوید اَسْتَغْفِرُ الله و چون قرآن خواند بگوید اعوذ بالله و چون
شیطان وسوسه کند بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا الله ایضا رسول علیه السلام فرمود که
ذاکر در میانِ غافلان چون مرد تیغ زن بود در میانِ کریزندکان نقل از و
صای رسول علیه السلام که یا علی هر که هر روز میکوید بیست بار اَللّٰهُمَّ بَارِکْ لِی فِی
الموتِ وَفِیمَا بَعْدَ الْمَوْتِ حساب نکند باوی باری تعالی بدانچ داده است او را
در دارِ دنیا از تنبیه ابو اللیث اندر خبر است که موسی علیه السلام گفت یا رب
چگونه بشناسیم دوست ترا و دشمن ترا ندا آمد که یا موسی هر آنکس که من
دوست دارم اندر وی دو علامت بدید آورم اول آنکه الهام دهم وی را
بذکر خود تا یاد کند مرا پس من فرشتکان را فرمان دهم تا او را یاد کنند اندر
آسمان و او را نگاه دارم از جمله حرامها و از چیزی که مستوجب خشم من شود
دیکر آنکه

شود تا خشم و عذاب من بر وی فرو نیاید و باز چون بنده را دشمن دارم
اندر وی دو علامت بدید آرم اول آنکه ذکر خود را بر زبان وی فراموش کنم
و دیکر آنکه مر او را رها کنم تا آن در حرامها افتد تا لاجرم ببینی که عذاب من بر وی
فرو آید ایضا روایت میکند ابو الفتح از پدر خویش که مردی از صحابه رسول
بر ستوری نشسته بود آن ستور بسر اندر آمد آن مرد گفت لعنت بر تو باد
رسول علیه السلام بشنید گفت این چنین مکوی که بچنین گفتار دیو بزرگ گردد
تا چنان شود که خانه از وی پر شود و لیکن بگوی بسم الله که دیو بدین کلمه ضعیف
کردد از خلاصة الحقایق ابو هریره رضی الله عنه گفت که رسول علیه السلام فر
مود که اهل آسمان خانهای اهل زمینی که در آن ذکر میکویند روشن می بینند چنانکه اهل
زمین ستارکان می بینند ایضا آورده اند که مردی بحج روان شد در راه بمسجدی در
در آمد دو رکعت نماز بگزارد و گفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَی کُلِّ حَالٍ پس چون حج گزارد و باز
کشت و هم در آن مسجد در آمد و نماز کرد و خواست تا بگوید الحمد لله علی کلِ
حال آوازی شنید که مشغول کردی تو هفتصد هزار فرشته آسمان را بنبشتن ثواب
حمد اول که تو گفته بودی هنوز فارغ نشده اند و حاتم اصم گفت سلاح شیطان
بر تو مدح کردن مردمان و ثنا گفتن ایشانست و سلاح تو بر شیطان ذکر

خدای است عز و جل ایضا از خلاصة الحقایق سوال حق تعالی نفاق را ببدی یاد
کرد و پیدا کرد مقام منافقان را در آتش پس از چه چیزی بنده بیرون آید از
نفاق جواب ابو هریره رضی الله عنه روایت میکند از رسول علیه السلام که هر که بسیار
کوید ذکر خدای عز و جل او تبرا باشد از نفاق ایضا سوال مؤمنان مأمور بود
بذکر گفتن کثیر چیست بیان کثرت در ذکر جواب ابو یزید بسطامی رحمة الله علیه
گفت ذکر کثیر بشمار نیست و لیکن ذکریست بحضور دلست غفلت دل ایضا
ابو هریره گفت رضی الله عنه که رسول علیه السلام فرمود چون بنده بگوید یا رب
یا رب یا رب سه بار حق تعالی کوید لبیک عبدی فضیلت تفکر از تفسیر زا
هدی تفکر بر سه وجه است تفکر در عیبهای نفس خود است تا آنرا در صلاح آرد
و این بمنزلت عبادت یکشبانه روز است و تفکر در آلای و نعمای باری تعالی است
و این بشکر و طاعت می آرد و بمنزلة عبادة یکساله است و تفکر در آفرینش
زمین و آسمانهاست و دلایل وحدانیت حق تعالی از بن ثبات ایمانست و این
بمنزلة عبادت شصت ساله است از تفسیر مغنی رسول علیه السلام فرمود که تفکر
یک ساعت بهتر است از عبادت هفتاد ساله و هم فرمود که تفکر یک ساعت بهتر است
از عبادت آدمیان و پریان و آورده اند که در بنی اسرائیل عابدی را چنان می بود که چون

چون سی سال عبادت میکردند خدای تعالی ابری بر وی نامزد کردی تا بر سر او سایه
افکندی عابدی سی سال عبادت کرد اثر آن نوبر بر مادر خود شکایت کرد مادر
گفت تو هیچ کناه کرده در این سی سال گفت نی و قصد هم نکرده ام بگناه مادرش
گفت بسوی آسمان نظر کرده پس نظر باز داشته بغیر فکرت گفت بسیار چنین کردم
پس مادرش گفت کسی این چنین کند او این کرامت نیابد فضیلت خواندن قران
از تفسیر مغنی در خبر است هر که قرآن را پیش روی خود کرد اند بقیامت پیش او میرود سوی
بهشت و هر که پس پشت اندازد در قیامت پس او می آید و در کردن او می زند تا او را بدوزخ
راند نعوذ بالله و در خبر است که عدد درجه بهشت باندازه قرآن خواندن بود
اگر کسی بعضی از قرآن داند یا آنچه داند پس وی را گویند ملائکه اگر قرآن را زیاده دانستی
درجه تو زیاده بودی عتبة بن الغلام کوید از پیغامبر علیه السلام شنیدم که گفت هر که را
قرآن خواندن پنهان بود همچنان بود که صدقه پنهان دهد و هر که قرآن آشکارا
خواند همچنان باشد که صدقه آشکارا دهد و اگر پنهان خواند ثواب فاضلتر و بیشتر
بود و رسول علیه السلام گفت که شب معراج کناهان امت من عرضه کردند بس ندیدم
از آن بزرکتر کناه که قرآن بیاموزد و فراموش کند روز قیامت بیهرا آیی که فرا
موش کرده باشد درجه که بنام وی بود فرو نهند و قرآن بر وی خصمی کند و رسول

که پیغامبر علیه السلام فرمود عرضه کرده می شود بر من اعمال امت من

علیه السلام گفت هرکه قرآن بیاموزد فراموش کند روز قیامت آنکس را بیارند
بینی بریده امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله علیه گفت هرکه قرآن ختم کند در
سالی دوبار حق آن گزارده باشد از بهر آنکه رسول علیه السلام گفت که جبرائیل عرضه
کرد قرآن را بر من دوبار در آن سال که فرمان رسید مرا از حق تعالی و از خلاصة الحقایق
انس بن مالک رضی الله عنه گفت بدرستی که نمی بینم هیچ گناهی بزرگتر از آن آیتی و سورتی
که کسی یاد می گیرد فراموش میکند امام احمد حنبل رحمة الله علیه گفت من دیدم
در خواب حضرة عزة را جل جلاله هزار بار پس گفتم یا رب کدام عبادت قرب شود سوی
تو بنده ترا خدای تعالی فرمود که یا احمد بتلاوت کلام من گفتم یا رب بفهم یا
بغیر فهم خدای تعالی فرمود که گفت فهم کند یا نکند و رسول علیه السلام فرمود
که اگر خواهی که خدای با تو سخن گوید تو قرآن بخوان و اگر خواهی که تو با خدای
سخن گویی نماز بگذار را تفسیر معنی در حدیث است که هرکه بخواند هر شبی از قرآن
سی آیت او را از غافلان نوشته نشود و هرکه بخواند از قرآن هر شبی صد آیت مر او را
ثواب قیام شب نویسند و هرکه دویست آیت بخواند او را از مطیعان و
مخلصان نویسند و هرکه چهارصد آیت بخواند او را از عابدان نویسند و هرکه ششصد
آیت بخواند او را از متقیان نویسند و هر هفتصد آیت بخواند او را از مطیعان و متو

متواضعان نویسند و هرکه هزار آیت بخواند نویسند بنام او قنطاری و قنطار
مال کثیر را گویند گفته گویند بقول پوست گاو پر زر را گویند این قدر ثواب او را بدهند
و هرکه دو هزار آیت بخواند او را از آنکسان نویسند که ایشان را یقین بکمال باشد
فضیلت بسم الله الرحمن الرحیم از صلوة مسعودی روایت میکند خواجه
امام محمد طیار رحمة الله علیه که فردای قیامت اهل عرصات مستوجب عقوبت
شده باشند و ملائکه عذاب بریشان آویخته باشند و جوانان پیران را گویند که
شما پیش روید که شما مقتدایان و مقدمان ما بودید و باز پیران زنان را گویند شما پیش
روید که شما ضعیفانید باشد که خدای تعالی بر ضعیفی شما ببخشاید و همچنان روند تا لب
دوزخ بندهٔ مؤمن چون عادت کرده بود در دنیا به بسیار گفتن بسم الله الرحمن
الرحیم و چون قدم در دوزخ نهد بگوید بسم الله الرحمن الرحیم آتش دوزخ پانصد ساله
راه از وی کناره گیرد مالک بانگ بر آتش زند که چرا نمی گیری ایشان را آتش گوید من ایشان را
چگونه بگیرم که ایشان نام پروردگار مرا برحمانی و رحیمی یاد می کنند خطاب عزت در رسد که
ایشان بندهٔ من اند و آتش بندهٔ منیست ای آتش نام مرا عزت می دارد که بعزت داشت
نام خود من اولیتوم پس برکت بسم الله الرحمن الرحیم همه را آزاد کند و باز بسم الله
نوزده حرفست و زبانیه نوزده اند چون بندهٔ مؤمن بسم الله الرحمن الرحیم بگوید خداوند

عز و جل او را از نوزده زبانیهٔ دوزخ نگاه دارد و خواجه امام زاهد فخر رحمة الله علیه
حدیث روایت کرده است باسناد درست از رسول علیه السلام که فردای قیامت
که آمنا به و صدقنا هزار بنده را که در جریدهٔ اعمال او بغضه یا بسم الله الرحمن الرحیم
برآید که گفته بود خداوند بنده را از آتش دوزخ آزاد کرداند و از خلاصة الحقایق
مرویست آدم صلوات الله علیه در دنیا آمد بترسید بر فرزندان خود از عذاب
چون بسم الله الرحمن الرحیم منزل شد گفت الحمد لله سلامت ماند نو فرزندان
من از عذاب خدای عز و جل از زاد الارواح آورده است که فرعون پیش از آنکه
دعوی خدای کرد بر در قصر خود نبشته بود بسم الله الرحمن الرحیم بعد از آن
چون دعوی خدای کرد موسی علیه السلام بر وی آمد دعوت کرد او را باسلام
او قبول نکرد چونکه وی قابل نشد بهلاک او دعا کرد حق تعالی گفت یا موسی
تو هلاک او میخواهی و نظر بر کفر او میکنی و من نظر میکنم سوی آنچه نبشته است
بر در او پس کسی که نبشته بود بسم الله الرحمن الرحیم بر در او ایمن شده بود از هلاک
اگرچه کافر بود پس مؤمنی که بسم الله الرحمن الرحیم نبشته است در صحیفهٔ دل و یاد
دارد و میگوید مر توان دانست که وی را چه کرامت باشد و در خبر است که وحی
کرد خدای تعالی بموسی علیه السلام که هر نفسی که از دنیا بیرون می آید تشنه می رود

مگر کسی که بسم الله الرحمن الرحیم گفته باشد و مظفر دریا گفت پرسیدم از
حضرت علیه السلام از فضیلت بسم الله الرحمن الرحیم و فضیلت امت محمد گفت در شب
معراج پیغامبر علیه السلام گفت از حق تعالی سوال کردم که الهی ترا بر امت من
فضل و منت بسیار است پس کدام منت است که هیچ منت ورای آن نیست گفت
یا محمد از امروز تا آن زمان که دنیا بسر آید هر که از امت تو متولد شود و او را نامی
نهند که یک حرف او از حروف بسم الله الرحمن الرحیم باشد و حروف بسم الله ده است
باقی مکرر است چون روز قیامت شود خلق اولین و آخرین نشر و حشر شوند
و فرمان وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا در رسد و جملهٔ خلایق بحکم آن روی بدوزخ
آرند چون امت تو که یک حرف از حروف بسم الله الرحمن الرحیم در نام او باشد قدم
در دوزخ نهد آتش دوزخ هزار ساله راه از پیش قدم او بگریزد پس آنکسی که بسم الله
الرحمن الرحیم بر زبان راند آتش دوزخ بروی کار نکند و آنکسی که جملهٔ قرآن یاد
دارد نتوان دانست که منزلت او چه قدر بود و مظفر دریا گفت از خضر علیه السلام
پرسیدم که مهتر عالم علیه السلام گفته است که مؤمن ببهشت نرود مگر بخواندن بسم الله
الرحمن الرحیم گفتم خواندن او چگونه بود گفت ای مظفر دریا ترا در این سخن بگویم که
کسی نشنوده است مگر من و لقمان حکیم و پسرش و آن چنان بود که روزی لقمان پسر

خود را پند می داد و گفت هر کار که کنی بگوی بسم الله الرحمن الرحیم و هیچ کار مکن مگر
بگفتن بسم الله الرحمن الرحیم لقمان بر این پند بداد بعد از آن روز برحمت حق
پیوست گفت ای مظفر و ریا از لقمان حکیم شنودم بهشت را هشت در است
معروف و یک در دیگر هست نام آن در ریان و از آن در کسی نرود مگر روزه
داران ماه رمضان و آنکسانی که باخلاص گفته باشند بسم الله الرحمن الرحیم و
باید که کور نکنند آنرا یعنی هر سه میم ها را بسم الله است با چشم نویسند خدای
تعالی مر او را هزار هزار نیکی بدهد و محو کند از وی هزار هزار بدی و بر آید برای
او هزار هزار درجه در بهشت و روایت که بر ساق عرش بسم الله الرحمن الرحیم نبشته
است و از آن چهار چشمه حق تعالی روان کرده است چشمه آب از میم بسم الله و
چشمه شیر از هاء الله و چشمه شهد از میم الرحمن و چشمه خمر از میم الرحیم و این
چهار چشمه روانست و در حوض کوثر می آید و این حوض پیغامبر ما راست
علیه السلام و تخصیص این چهار چشمه چیست و مرویست که چون اهل بهشت
بهشت در آیند در بهشت ایشان تلخی جان کندن چشیده باشند و در
آتش در آمده باشند و بعد از آن که آب حیوة خورده باشند شیر دهند
تازه و زنده باشند که پرورش یابند و ضعیفی نکنند و بعد از آن خمر دهند تا خوش

و حایض و ضعیف شده باشند اول بشانند آن ... دهند تازه ... دراجع

خوش وقت شوند و اندوه و غم از باطن ایشان بطلی برود و فراموش کنند و بعد
از آن شهد دهند تا تن درست شوند و بیماریها و زحمتهای ایشان بطلی برود
و آورده اند که مردی مر مردی را سحر در آموخت و او را گفت که باید که تو چهل روز
ذکر خدای نگویی تا ترا این سحر دست دهد آن مرد روزی بمکتب بگذشت شنید که
کودکی میخواند که بسم الله الرحمن الرحیم چون این مرد از آنجا بگذشت عمل سحر از وی
باطل شد این حال کسی است که شنیده است پس چگونه بود حال کسی که بسم الله
الرحمن الرحیم بگوید و یاد گیرد و رسول علیه السلام فرمود که بدرستی که چون معلم
هر کودک را بگوید که بسم الله الرحمن الرحیم پس کودک بگوید بیزاری دهد
خدای تعالی آن کودک را و معلم را و مادر و پدر و یرا از آتش دوزخ **فصل**
سیم در فضیلت استغفار از خلاصة الحقایق رسول علیه السلام فرمود بدرستی که
هر دردیرا داروئیست و داروی گناه نیست مگر استغفار و در خبر است که نیست
از بنی آدم مگر او را دو صحیفه است فرشتگان عمل روزی نویسند و در صحیفه
دوم عمل شبی نویسند پس می پیچند آن هر دو صحیفه را پس اگر در آن صحیفه
استغفار دیگر گناه باشد روشنائی نور در آن صحیفه می تابد و اگر استغفار
نباشد پس به پیچند هر دو صحیفه را سیاه و تاریک و رسول علیه السلام فرمود که استغفار

بگوید یعنی توبه کند او مصر بر گناه نباشد اگر چه در آن روز هفتاد بار همان گناه را بکند
و در خبر است که ابلیس علیه اللعنه گفت من شکستم پشت بندگان خدا بگناه و ایشان
شکستند پشت مرا باستغفار لقمان حکیم گفت مر پسر را که ای پسر غافل مباش از گفتن
استغفار بدرستی که خروس از تو زیرکتر است که ندا میکند در سحرگاه و تو خفته می باشی
در حدیث است که صوت سه است یعنی آواز که آنرا دوست میدارد خدای تعالی
یکی بانگ خروس و دوم آواز خواندن قرآن سیم آواز گویندگان استغفار
در سحرگاه **ایضاً** پیغامبر علیه السلام گفت که خدای عز و جل فرموده است
هر که بداند که من قادرم بر آمرزش بیامرزم او را و باک ندارم از وسیلة الخلق
در حدیث آمده است که رسول علیه السلام گفت که من در روزی پیش از هفتاد
بار استغفار میگویم و توبه میکنم و گفت ای مردمان باز گردید بحضرت
عزت و توبه کنید که من هر روز صد بار توبه میکنم و بحق باز میگردم یعنی
میگویم استغفر الله و اتوب الیه و عبد الله بن عمر رضی الله عنهما که ما بشمردیم
در مجلس رسول الله علیه السلام بر یکجای صد بار بگفت رب اغفر لی و تب
علیّ انک انت التواب الرحیم و در حدیث آمده است که حق تعالی عادت
نکرد اند بنده را بگفتن اللهم اغفر لی الا نشان آنست که حق تعالی میخواهد که

هر که او را بیامرزد و در خبر آمده است که خدای عز و جل گفت بموسی علیه السلام
که هر که استغفار کند در سحرگاه آمرزش خواهند مر او را هر چیزی که برو آفتاب
و ماه می تابد تا ماهیان در دریا و یا موسی من سوگند خورده ام که رحمت کنم و بیا
مرزم گناهکار را که استغفار گوید در وقت سحرگاه و یا موسی چون جمع شوند
خلق اولین و آخرین جدا کنم اهل بهشت را از اهل دوزخ بروزه ایام بیض
و باستغفار در سحرگاه یا موسی حق است آنچه من گفتم بدرستی که روزه داران
ایام بیض و گویندگان استغفار در سحرگاه سیراب میروند و سیراب بر خیزند
از گور و سیراب در آیند ببهشت و بیرون نروند از دنیا تا عرض کرده
نشود بر ایشان مقام ایشان از بهشت یا موسی گویندگان استغفار در سحرگاه
و روزه داران ایام بیض حشر کرده شود بر شتری از شتران بهشت و رویهای
ایشان تابان باشد چون ماه شب چهارده و بدهم مر ایشان را بیزاری
از آتش و امان از عذاب یا موسی گویندگان استغفار در سحرگاه گران گر
دانم ترازوی نیکی ایشان را بر بدی در روز قیامت و ثابت کردانم قدم
ایشانرا بر پل صراط و اگر درآورد بغضب من باشند و در آخر عمر خشنود
شوم از ایشان و در کفایة شعبی آورده است حکایت از محمد مستیر رحمه الله

بدرستی که او گفت در آمدم بر محمد بن منکدر رحمة الله و در خود میگفتم

استغفر الله پس بشنید آنرا چون نشستم نزدیک او مرا گفت که تو استغفار

روان میگویی این توبه کذابانست گفتم چگونه استغفار کنم گفت استغفار

را هفت چیز باید اول آنکه ندامت باشد بدل دوم فرمان بردار کند

امر خدای سیم باز استد از آنچه خدای تعالی نهی کرده است چهارم دریابد فوایت را

پنجم ادا کند حقوق بندگان تا فارغ باشد نفس او روز قیامت ششم گدا

ختن نفس است بطاعتها هفتم آنکه بچشاند هر عضو برا حلاوت طاعت

چنانکه چشانیده است حلاوة معصیت پس چون بکوید بعد از ان

استغفر الله مر آن استغفار را بانگی باشد چون بانگ زنبور انگبین بالا

میرود بی حجاب از تفسیر معنی در حدیث است که هر که بگوید استغفر الله

واتوب الیه بصدق دل آمرزیده شود گناهان او اگرچه رجوع باز

بدان کند و مقاتل گفت که رسول علیه السلام فرمود اهل مکه را که توبه کنید و

استغفار گویید ایشان فرمان رسول نبردند و توبه و استغفار نکفتند

حق تعالی ایشانرا مبتلا کرد بقحط هفت سال تا استخوان سوخته و

سگان مردار بخوردند ایضا در حدیث است که این استغفار بگوید

بگوید استغفر الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه آمرزیده

شود گناهان او و اگرچه مثل کف دریا گناه دارد وایضا مرویست که مر

دی بیامد بر حسین بن علی رضی الله عنهما و گفت من صاحب مالم و فرزندی ندارم

مرا چیزی تعلیم کن شاید که خدای تعالی مرا فرزندی روزی کرد انکه گفت برو

استغفار کن آن مرد هر روز استغفار بسیار میکرد چنانکه هر روز هفتصد بار

استغفار کفتی خدای تعالی او را ده پسر روزی کرد ایضا از تفسیر مغنی در

حدیث است که هر کرا مال نبود که صدقه دهد پس استغفار گوید مر

مؤمنین و مؤمنات را بدرستی که آن صدقه است سید الاستغفار رسول

علیه السلام فرمود هر که این استغفار بگوید در هر روز یکبار بخواند اگر در آن

روز پیش از شبگاه بمیرد از اهل بهشت باشد و اگر در شب بخواند اگر پیش

از صبح قضا برسد و اجل در آید از اهل بهشت باشد ابن عباس گفت

رضی الله عنه که این استغفار را از زبان مبارک رسول علیه السلام شنیدم در عقب

هر نمازی ترک نکردم و این استغفار را ورد خود ساختم بعد از نقل از دنیا

او را در خواب دیدند پرسیدند که خدای با تو چه کرد گفت که بیامرزید و

بهشتم روزی کرد از برکت این استغفار که رسول فرموده بود و استغفار

اینست اللهم انت ربی لا اله الا انت خلقتنی وانا عبدک وانا علی عهدک

ووعدک ما استطعت اعوذ بک من شر ما صنعت ابوء لک بنعمتک

علی وابوء بذنبی فاغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت از تفسیر

زاهدی این استغفار آدم پیغامبر است علیه السلام چون از آدم زلت در وجود

آمد و او را از بهشت بدنیا فرستاد سیصد سال بگریست بعد از ان حق تعالی

او را این استغفار الهام داد و بیاموخت چون آدم علیه السلام این استغفار

بگفت بیامرزید حق تعالی او را چنانکه در قرآن میگوید فتلقی آدم من ربه

کلمات فتاب علیه و امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت با این

استغفار هیچ گناه نماند اگرچه گناه وی بیشتر از ریگ بیابان و موج دریا باشد

استغفار اینست لا اله الا انت سبحانک وبحمدک رب عملت سوءا و

ظلمت نفسی فتب علی انک انت التواب الرحیم لا اله الا انت سبحانک

وبحمدک رب عملت سوءا وظلمت نفسی فاغفر لی وانت خیر الغافرین

لا اله الا انت سبحانک وبحمدک رب عملت سوءا وظلمت نفسی فارحمنی و

انت خیر الراحمین و از خلاصة الحقایق آورده است که رسول علیه السلام

فرموده است که هر کرا نماز مثل نماز من نبود آن نماز مردود دست بر صاحب

چون نماز برسیدند یا رسول الله چگونه گزاریم مثل نماز تو رسول فرمود هر که این

استغفار بعد از آنچه گزارده باشد سه بار بگوید نماز او مثل نماز من باشد گفتند

یا رسول الله آن استغفار کدامست رسول علیه السلام این استغفار فرمود

و این استغفار را اسناد بسیار است سحرگاه و بعد از ادای هر پنج نماز

سه بار بخواند استغفار اینست اللهم انی استغفرک من کل ذنب اذنبته

عمدا او خطأ سرا او علانیة واتوب الیک من الذنب الذی اعلم

ومن الذنب الذی لا اعلم وانت علام الغیوب و از تفسیر منیر و احیای

علوم درج است که هر که مؤمنانرا آمرزش خواهد و شش بار این استغفار

هر روز بگوید ایزد تعالی همه خصمانرا خشنود کرداند اگر همه روی زمین خصم

او باشد ایزد تعالی همه را خشنود کرداند کاو را خبر نباشد و همه مؤمنان در حق او

شفاعت کنند استغفار اینست اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین

والمسلمات حیهم ومیتهم وشاهدهم وغائبهم وصغیرهم وکبیرهم ذکرهم

واناثهم انک تعلم متقلبهم ومثویهم انک علی کل شیء قدیر از خلا

صة الحقایق ابن عباس رضی الله عنهما گفت رسول علیه السلام هر که استغفار

کند مؤمنین و مؤمنات را در هر روزی بیست پنج بار بیرون آرد خدای تعالی غل

غش از سینهٔ او و بتو بیند او را از ابدالان **ایضاً** مرویست که رسول علیه السلام
بعیادت مریضی رفت از انصار و او در نزع بود پس رسول علیه السلام او را گفت توبه
کن زبان او بسته شده بود و کاری کرد رسول علیه السلام بگریست از آن حال که
توبه نمی توانست کردن پس از ساعتی رسول علیه السلام تبسم کرد عمر رضی الله عنه
ازین سوال کرد رسول علیه السلام فرمود تعجب کردم از فضل خدای عز و جل بد
رستی که این مریض زبان بسته بود بتوبه کار نمیکرد و سر بسوی آسمان برداشت
و در دل تفکر کرد و ندامت آورد پس خدای تعالی او را بیامرزید و گفت که بنده
من عاجز است بزبان از گفتن توبه و من میدانم ندامت دل او را پس بیامرزیدم
او را **ایضاً** ابو عبد الله بن مریض در حالت نزع بود پس پدر من مریض را
گفت یا ابا محمد بگو استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه
مریض بسیار جهد کرد و کوشید و این استغفار بگفت و نقل کرد بعد از آن
او را در خواب دیدند و از حال او پرسیدند که خدای تعالی با تو چه کرد گفت بیامرزید
و گفتند بکدام عمل گفت بتلقین ابو حفص و ابو عبد الله گفت پدر من هزار بار
همین گفتی که اگر با مریض ملاقات شود باید استغفار تلقین کنید که دو چیز درین
جمع است هم استغفار و هم ذکر و اگر کلمهٔ تهلیل تلقین کنید شاید که از هیبت

هیبت مرگ او را گران آید نعوذ بالله منها **فصل چهارم** در ورد صبح
و فضیلت او چون صبح صادق بدمد سه آیت از اول سورة الانعام بخوانند
و آیهٔ فالق الاصباح نیز بخوانند و این دعا بخوانند الحمد لله الذی اذهب عنا
اللیل مظلماً بقدرته و جاء بالنهار مبصراً برحمته اللهم هذا خلق جدید
و یوم جدید فافتحه علی بطاعتک و اختمه لی بمغفرتک و رضوانک
و ارزقنی فیه حسنة تقبلها منی و زکها و ضعفها لی و ما عملت فیه من
سیئة فاغفر لی و تجاوز عنی انک غفور الرحیم اللهم اغفر لی و ارحمنی
و اهدنی و اجبرنی و ارزقنی و عافنی و اعف عنی از خلاصة الحقایق سفیان
ثوری رحمة الله علیه گفت هر که بامداد کند و تضرع نکند بخدای تعالی برین
دعا بدرستی که غرق شود در فتنهٔ دنیا و هلاک شود اول دعا بگوید
یا رب انت اله عالم و انا عبد جاهل اسألک ان ترزقنی علما حتی اعبدک
لک بعلمک و الا هلکت و دوم دعا بگوید یا رب انت اله غنی و انا عبد
فقیر اسألک ان تحفظنی حتی لا اذنب بما احتاج الیه بشیء من امور
الدنیا و الا هلکت و سیم دعا بگوید یا رب انت اله قوی و انا عبد ضعیف
اسألک ان تعیننی حتی اغلب الشیطان بقوتک و الا هلکت و مرویست

از رسول علیه السلام هر که بامداد کند و این چهار تحمیدات بگوید خوف باشد بروی از
زوال نعمت اینست الحمد لله الذی اذهب باللیل مظلماً بقدرته و جاء بالنهار
مبصراً برحمته خلقنا خلقاً جدیداً بعزته و الحمد لله الذی ستر علینا عیوبنا
و لم یفضحنا بین عباده الحمد لله الذی جعل اجالنا و ارزاقنا فی خزانته
و لم یجعلها فی خزانة غیره از ملفوظ ملک المشایخ و الاولیاء فرید الحق و الدین
رحمة الله علیه فرمودند که در آثار بعضی نوشته دیدم جوانی بود بیرون
از حد فاسق پیوسته در معصیت بودی و اما وقت صبح و وقت خفتن
این کلمات بسیار گفتی و بعد از آن در کار دیگر مشغول شدی الغرض چون آن
جوان نقل کرد او را در خواب دیدند که در بهشت می خرامید خلق را عجب
آمد از و سوال کردند که این دولت از کجا یافتی جواب داد که اگر چه من مرد فاسق
بودم اما هیچ کاری می کردم که وقت صبح و وقت خفتن کلمهٔ ما شاء الله لا
قوة الا بالله بسیار گفتمی هر سعادت که یافتم از گفتن این کلمه یافتم و آورده اند
از فواید القلاید و درر المعانی که برای اطراف خود بدمد حق تعالی او را دران روز
از هژده هزار بلا نگاه دارد از تفسیر منیر انس گفت که پیغامبر علیه السلام
فرموده است هیچ کسی نباشد از امت من که بامداد برخیزد ده بار بگوید اعوذ بالله

هر بامداد از بستر ... برخیزد هفت بار سورهٔ الحمد لله با تسمیه بخواند

بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم و اعوذ بک رب ان یحضرون که
خدای عز و جل فرشته بگمارد تا شیطان را ازوی دور کند تا شبانگاه و اگر شبانگاه
خواند همچنین و ابن عمر رضی الله عنهما روایت میکند که مردی بیامد به نزد رسول صلی
الله علیه و سلم از فقر بنالید و گفت یا نبی الله دنیا از من روی گردانیده است
و هیچ چیز از دنیا بدر من نیست پس رسول صلی الله علیه و سلم او را فرمود که
کجایی تو از نماز ملائکه و تسبیح خلایق که بدان منزل میشود رزق از آسمان
و تسبیح اینست باید که صبح و پیش از گزاردن سنت نماز بامداد صد بار
بگویی سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم و بحمده استغفر الله و
اتوب الیه دنیا بر تو در آید خوار شده و هر بار که این کلمه بنده بگوید حق
تعالی از آن تسبیح فرشته آفریند تا قیامت خدا را تسبیح و عبادت کنند و ثواب آن
در نامهٔ این ذاکر می نویسند پس روزگاری نگذرد که آنکس ورد کرده بود
توانگر گردد و از در خلقان بی نیاز شود و از نفیس مغنی در حدیث است که
دو کلمه است که آن دوست اند بنزدیک رحمان و سبک اند بر زبان و گران اند
بر میزان سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم و بحمده از مشارق
رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که بگوید بامداد شبانگاه سبحان الله

وَبِحَمْدِهِ صد بار بنیا بند بدو روز قیامت یکی از و فاضلتر مگر کسی که این تسبیح گفته باشد
و هرکه این تسبیح صد بار بگوید محو کرده شود گناه او و اگرچه مانند کف دریا باشد
ایضاً رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا
شَرِیْکَ لَهٗ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ روزی صد بار او
را باشد ثواب آزاد کردن ده بردهٔ و نبشته شود در دیوان شیطان آن
روز تا شب و روز قیامت نیاید یکی فاضلتر از وی مگر مردی که زیاده گفته
باشد از وی در فواید الفواد آورده است که هر روز این کلمه صد بار بگوید نیک
اسباب خوش باشد و خوش زید و در ترغیب الصلوة آورده است خواجه
امام زاهد فخر الدین رحمة الله علیه حدیثی روایت کرد باسناد درست از
رسول صلی الله علیه وسلم که بندهٔ مؤمن چون بامداد برخیزد ده بار بگوید
اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ خدای عز وجل فرشتگان
بفرستد تا آن بنده را از شر دیوان نگاه دارند و در حدیث دیگر آمده
است که بنده است مؤمن چون بامداد برخیزد دیوان در وی آویزند
چنانک زنبوران در عسل چون او بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
بسم الله الرحمن الرحیم خدای تعالی فرشتگان فرستد تا دیوان را از آن بنده

بنده دور کنند چنانک عسال مگس را به باد زن از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید
الدین روح الله هر که ده آیت از سورهٔ بقره بخواند برین ترتیب که چهار آیت
اول سوره و آیة الکرسی و دو آیت بعد از آیت الکرسی و سه آیت از آخر سوره
هرگز شیطان در آن خانهٔ او نرود تا شب و اگر شب بخواند در نرود
تا روز مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم گفت که حق تعالی فرمود مرا یا محمد
بگو مر امت خود را تا بگویند لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
ده بار نزدیک صبح و ده بار نزدیک در آمدن شب و ده بار بوقت خفتن
خدای تعالی گفت دفع کنم وقت خواب بلاها را از وی و بوقت شب
کید شیطان و بوقت صبح ایمن بود از غضب من از وسیلة القلوب در حدیث
آمده است که هر که بامداد بگوید ده بار بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم صد فرشته آن روز عبادهٔ خود بروی صدقه کنند و هر که
وقت خفتن در شب ده بار بگوید بیرون آید از گناه چنانک آن روز
از مادر زاده باشد از منافع قرآن جعفر صادق رضی گفت هر که سورهٔ جمعه
بنویسد با خود دارد و یا بخواند در بامداد شبانگاه ایمن باشد از وسوسهٔ
شیطان و آمرزیده شود از آن گناه که در آن شب روز کرده باشد از تفسیر حفنی

رسول صلی الله علیه وسلم فرمود مر صحابه را که شما عاجز می آیید که عهد کنید با خدای
تعالی عهدی در هر بامداد و شبانگاه گفتند چگونه است آن عهد رسول گفت صلی الله
علیه وسلم بگویید در بامداد و شبانگاه اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ
الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ اِنِّیْ اَعْهَدُ اِلَیْکَ فِیْ هٰذِهِ الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا بِاَنِّیْ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیْکَ لَکَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُکَ وَرَسُوْلُکَ لَا تَکِلْنِیْ
اِلٰی نَفْسِیْ فَاِنَّکَ اِنْ تَکِلْنِیْ اِلٰی نَفْسِیْ تُقَرِّبْنِیْ مِنَ الشَّرِّ وَتُبَاعِدْنِیْ مِنَ الْخَیْرِ وَ
اِنِّیْ لَا اَثِقُ اِلَّا بِرَحْمَتِکَ فَاجْعَلْنِیْ عِنْدَکَ عَهْدًا تُوَفِّیْهِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ اِنَّکَ
لَا تُخْلِفُ الْمِیْعَادَ چون بنده این بگوید فرشته بفرمان خدای تعالی آنرا مهر کند و در
زیر عرش بنهد پس چون روز قیامت شود منادی ندا کند کجا اند آن کسانی که مر ایشان را است
بنزدیک خدای تعالی عهد در آیند به بهشت ایضاً از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود هر که بگوید در بامداد و شبانگاه ده بار این دعا را که لا اله الا الله
والله اکبر و سبحان الله وبحمده استغفر الله ولا حول ولا قوة الا بالله الاول
والآخر الظاهر الباطن بیده الخیر یحیی ویمیت وهو حی لا یموت وهو علی
کل شیء قدیر بدهد خدای تعالی مر او را شش خصلت اول آنک نگاه دارد او را از شر
شیطان و از لشکر او و دوم گرد برگرد او ده نزده فرشته باشند تا او را نگاه

توفینیه بدل

نگاه دارند سیوم گران کنند میزان او بحسنات چهارم بدآرند برای او درجه در بهشت
که آنرا آرزو برند نیکوکاران پنجم زنی دهند او را از حوران در بهشت ششم ثواب
مر او را از ثواب خوانندگان قرآن و توریة و انجیل و باشد او را ثواب حج و عمرهٔ مقبول
و اگر در آن شب بمیرد شهید باشد مرده ع نقل از وصایای رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
یا علی هر که ذکر خدای تعالی کند پیش از صبح و بعد از طلوع آفتاب و پیش از
غروب شرم دارد پروردگار ما که او را عذاب کند باتش اگرچه گناه او برسد بعدد
ستارگان آسمان بهفتاد بار از تنبیه ابو اللیث رسول صلی الله علیه وسلم گفت هر که با
مداد برخیزد بزرگترین اندوه او باد بود دنیا بود خدای تعالی اندر وی سه خصلت
بنهد اول اندوهی که هرگز بریده نشود از وی دوم شغلی که فارغ نبود از وی
سیم درویشی که به پایان نرسد از وی از وسیلة القلوب در حدیث آمده است که
من نام حتی اصبح بال الشیطان فی اذنیه یعنی هر که بخسبد تا صبح شود شیطان در
گوشهای او بول کند چون خفتن و سخن گفتن و نماز تطوع کردن بهر سه در وقت
دمیدن روز کراهیتست بذکر و تسبیح مشغول باید بودن تا اول روز بر تو مبارک
گردد و اثر آن در روزی و درعمر و عمل شود از خلاصة الحقایق سلیمان دارانی
گفت شنیدم از صالح بن عبد الجلیل که او گفت وحی کرد خدای تعالی سوی داود علیه السلام

وگفت بار او دبعزّت وجلال من که من نظر کنم در روی پیران هر بامداد و شبانگاهی
ومیگویم هم مر اورا ای بندهٔ من موی تو سفید شد واستخوان تو باریک شد
وتن تو ضعیف شد و عمر تو بزرگ شد و هنگام آن رسید که آمدن تو بر من باشد
پس شرم بدار من بدرستی که من شرم میدارم از تو **فصل پنجم در فضیلت**
درود صبح از ملفوظ ملک المشایخ والاولیاء فرید الحق والدین رحمة الله
علیه بر لفظ مبارک راند که در آثار مشایخ آمده است و نبشته دیدم هر که
یکبار صلوات فرستد بر رسول صلی الله علیه وسلم همچنان پاک گردد
از گناه گویی که این زمان از مادر زاده است و صد هزار نیکی در نامهٔ اعمال
او نویسند آنگاه اورا از اولیای خدای نویسند بعد از ان هم درین محل فر
مود که وقتی هارون الرشید نور الله مرقده که زحمتی پیدا شده بود چنانکه
یک سال و شش ماه در زحمت بود حالت نزع در آمد قضا را شیخ ابو بکر شبلی
رحمه الله علیه درپیش در او میگذشت این خبر بسمع هارون رسید که امام ابو
بکر می گذرد کسان را فرستاد بعزت تمام خواجه ابو بکر شبلی را بالا برد همین
که هارون الرشید را بدید گفت که خاطر خوش دار که اکنون نیکو شدی یکبار
درود بخواند بر هارون و میرو دست فرو آورد در حال هارون الرشید از زحمت

زحمت نیکو شد آخر معلوم شد که یکبار درود خوانده است از برکت آن درود
صحت یافت بعد از ان شیخ الاسلام بر لفظ مبارک راند که آنکسی را که می باید
درود بسیار فرستد اگر پنج درود بفرستد بهتر بود که این درود یکیست اما
در هر دو وردی فضیلت و یکیست و این پنج درود اینست اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ
بعدد من صلّی علیه وصلّ علی محمّدٍ بعدد من لم یصلّ علیه وصلّ علی
محمّدٍ کما تحبّ وترضی ان تصلّی علیه وصلّ علی محمّدٍ کما ینبغی الصّلوة علیه
وصلّ علی محمّدٍ کما امرتنا بالصّلوة علیه آنگاه شیخ الاسلام بر لفظ
مبارک راند که این سبب آن گفتم که مولانا فقیه ابو الحسین یحیی زندویستی
رحمة الله علیه در روضه این دو فضیلت نبشته است اول آنکه امام مسلمانان
شافع رحمة الله علیه در بعضی بعد از نقل بخواب دیدن پرسید که خدای تعالی
با شما چه کرد امام شافعی فرمود که حضرت عزّوجلّ وعلا مرا بیامرزید از برکت
این پنج درود که بر خواجهٔ عالم می فرستادم صلی الله علیه وسلم امّا فضیلت
دوم آنست که روزی مصطفی صلی الله علیه وسلم نشسته بود و یاران گرد بر گرد او
و ابو بکر صدیق رضی الله بر طرف دست راست او بود جوانی بیامد سیّد عالم فر
مان داد تا بالا تر از ابو بکر نشیند ابو بکر متأمّل شد یاران پنداشتند مگر این

جوان مهتر خضر است علیه السلام پیغامبر روی سوی ابو بکر کرد گفت
ای ابو بکر این مرد مهتر نیست آن مقدار درود که او بر من می فرستد که هیچ کس نمی
فرستد ابو بکر گفت یا رسول الله مگر این جوان طعام و آب نمی خورد و بهیچ
مصلحتی مشغول نمی شود بجز درود پیغامبر علیه السلام فرمود طعام و آب میخو
رد و بمصالح خود مشغول میشود امّا یکبار بامداد بر من درودی فرستد
ویکبار در شب هم برین نسق که بالا گفته شده است از تفسیر منیر رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود اگر نشینند قومی در مجلسی پس برخیزند متفرق شوند بغیر آنکه
بر من صلوات ندهند برنخیزند مگر آنکه بابوی گنده از مردار گنده تر و رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود درود من در کتاب نویسند فرشتگان اورا آمرزش
خواهند مادام که نام من دران کتاب باشد و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
هر که بر من درود بگوید اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ فی الانبیاء وعلی اسمه فی الاسماء وعلی
جسده فی الاجساد وعلی قبره فی القبور وعلی روحه فی الارواح نبشته شود
در صحیفهٔ او هزار نیکی و پاک کرده شود هزار بدی و برآورده شود برای
او هزار درج و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که درود گوید بر من بروزی
صد بار روان کرده شود مرورا دران وقت که راه بهشت را گم کرده بود

بود از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که درود گوید بر من بیافریند
خدای تعالی از ان درود او فرشتهٔ مر اورا دو بال باشد یکی بمشرق و یکی بمغرب
و سر او بزیر عرش باشد و او میگوید بار خدایا درود گوی بر بندهٔ خود مادام که
او درودی گوید مر پیغامبر ترا از تفسیر منیر رسول صلی الله علیه وسلم گفت که
مؤمن نباشد کسی که من بنزد وی دوست تر نباشم از تن و مال و فرزندان و
همهٔ آدمیان و در خبر دیگر است که هیچ کس حلاوت ایمان نیابد تا که من محمّدام دو
ستر نباشم بنزد وی از مادر و پدر و فرزندان و عیال تن وی و از همه آدمیان
نیز از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که چون من یاد کرده شوم نزد
دیگر کسی و او بر من نفرستد درود در آید در آتش و دور بود از رحمت خدای تعالی و
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که خدای تعالی موکل کرده است بر من دو فرشته
پس هر که درود میگوید بر من آن دو فرشته اورا دعا میگوید و آمرزش میخواهند و
میگویند خدای تعالی ترا بیامرزاد و فرشتگان دیگر آمین گویند و رسول الله صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که درود گوید بر من یکبار خدای تعالی بر وی ده بار درود گوید و هر که ده بار
درود گوید خدای تعالی صد بار بر وی درود گوید و هر که صد بار بر من درود گوید خدا
تعالی اورا برائت از نفاق و برآئی از آتش بدهد و ساکن گرداند اورا روز قیامت

باشهیدان و شیخ عبد الله در کتاب مشارق النبی آورده است که مؤمن روز
قیامت بدر بهشت آید نام محمد بر پیشانی او نقش بیند او را بگذارند واگر
نام او نه بینند نگذارند و هر پیغامبر را که کار پیش آمدی نام محمد صلی الله علیه وسلم
را شفیع آوردی از کفایه شعبی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که درود گوید
بر من یکبار من درود گویم برو ده بار آورده است در کتاب شعبی که ابرا
هیم نخعی رحمة الله علیه شاگردی بود فقیه نقل کرده او را بخواب دیدند
بر سر او کلاه مجوسی بود از وی سوال کردند که ترا چه رسید که بدین حال می بینم
جواب داد که چون من نام محمد می گفتم درود نمی فرستادم از سبب آن حق
تعالی مرا عقوبت کرده از تفسیر مغنی آورده است حمزه گفت که من می نبشتم
حدیث رسول صلی الله علیه وسلم و نام رسول صلی الله علیه وسلم می نبشتم ولیکن
وسلم نمی نبشتم در خواب دیدم که مرا گفت یا حمزه چیست مر ترا که تمام نمی کنی
درود من حمزه میگوید بعد از آن می نبشتم مکرر درود و سلام بتمام و در خبر است
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بار خدایا هر که مرا دوست دارد روزی
بده او را بقدر کفاف و هر که دشمن دارد مرا پس زیاده کن مال او
و فرزندان او از وصایای رسول صلی الله علیه وسلم فرمود یا علی هر که بر من

بر من درود فرستد هر روز و هر شب صد بار دو بار گفت واجب شود مر او را
... شفاعت من واجب شود مر او را شفاعت من واگر چه او از اهل کبا
بر باشد از تنبیه ابو اللیث رحمة الله علیه روایت میکند از فقیه ابو جعفر که رسول صلی
الله علیه وسلم گفت هر که صلوة دادن بر من فراموش کند راه بهشت را گم کرده
باشد از وسیلة القلوب ابی بن کعب رضی الله عنه گفت من پرسیدم از
رسول صلی الله علیه وسلم که چه فرمای یا رسول الله اگر من دعاهای خود را چهار
قسم کنم یک قسمت از آن صلوة گویم گفت اگر زیاده کنی ترا بهتر گفتم دو قسم صلوة
گویم گفت اگر زیاده کنی ترا بهتر گفتم اگر سه قسم صلوات گویم گفت اگر زیادت
کنی ترا بهتر گفتم اگر چهار قسم صلوات گویم گفت چون چنین کردی آنگاه
همه مهمات تو کفایة شود و گناهان تو آمرزیده شود پس مؤمن را آمینی
دو غم است یکی کفایت مهمات و یکی کفایت سیئات چون هر دو غرض از
یک کار بر می آید آن لازم باید گرفت از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که بمیرد بر محبت محمد و آل محمد شهید میرد و مغفور میرد و
تایب مؤمن و با کمال ایمان و با سنت و جماعت میرد و بشارت دهد ملک الموت
او را به بهشت و با عزاز و اکرام او را به بهشت برند چنانکه عروس را در خانه شوهر

وگشاده شود در گور وی دو در بهشت و قبر او مزارگاه فرشتگان رحمت باشد و هر که
بمیرد بر بغض محمد و آل محمد بیاید روز قیامت و نبشته باشد بر پیشانی او که نومید
است این از رحمت حق تعالی و کافر میرد و بوی بهشت نیابد و آورده اند که مردی را
دختری بود است و او لعبه بازی میکرد یک روز آن مرد برخاست و جمله لعبه بازی آن
دختر بشکست و یکان یکان در آتش می انداخت درمیان آن لعبها یک لعبه بود که او را
شبه سیدان دو گیسوی کشه بود چون چون آن لعبه را بدید از جهت حرمت مشابهت
در آتش نینداخت چون آن مرد نقل کرد او را بخواب دیدند پرسیدند چگونه است
حال تو گفت مرا در پیش کرسی قضا بردند من ترسان بودم فرمان آمد از حضرت عزت
جل جلاله که ملائکه او را بیامرزیدیم بآن تعظیم دو گیسو متشابهت سادات که آن لعبه را نسوختی

باب دوم در فضیلت وضو و غسل و ثبت داشتن مؤلب و مسواک
مشتمل بر سه فصل فصل اول در فضیلت وضو و غسل باید که بندهٔ مؤمن
مدام بر با وضو باشند و خود را عادت کنند با وضو کردن زیرا که هر که
با وضو باشد به هیچ بلایی مبتلا نشود و هر کرا بلای برسد و او بی وضو باشد
ملامت نکند مگر نفسی خود را چنانکه پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود که
من اصابت بلیة وهو محدث فلا یلومن الا نفسه و رسول صلی الله

صلی الله علیه وسلم فرمود آمرزش خواه بهند فرشتگان آنکس را که با وضو
باشد مادام که حدث نرسیده است و قال علیه السلام من مات علی الوضوء مات
شهیدا هر که با وضو باشد شهید مرده باشد قال علیه السلام الوضوء حصن
المؤمن و قال علیه السلام الوضوء سلاح المؤمن فرموده است که وضو
حصار مؤمن است و سلاح مؤمن پس کسی که در حصار باشد و با سلاح هیچ
دشمنی بر وی دست نیابد از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که هر که وضو کند و یا غسل کند آن موضع او را تا روز قیامت و رسول صلی
الله علیه وسلم گفت بیارند مرد را روز قیامت و وزن کنند اعمال او را
پس راجح آید سیئات او بر حسنات او پس بیارند پارهٔ جامه که بدان بعد از
وضو و غسل روی و اعضا را پاک کرده باشد و در پلهٔ حسنات او نهند
پس راجح آید حسنات او بر سیئات و لهذا مکروه نیست نزدیک ابو حنیفه
رحمة الله علیه مسح اعضا بعد از وضو و غسل بخرقه و رسول صلی الله علیه وسلم
فرموده است که هر که با وضو خسپد فرشته با او در جامهٔ خواب او بایستد پس
بیدار نشود آن بنده از خواب ساعتی از شب مگر آنکه آن فرشته دعا کند مر او را
و بگوید ای بار خدای بیامرز این بنده خود را که با وضو خفته است از صلوة مسعودی

مرد

دعا کند

رسول صلی الله علیه وسلم می فرماید که من از پروردگار خود شنیدم جلّ جلاله
گفت هرکرا حدث رسد و وضو نکند بدرستی که جفا کرده باشد بر من و هرکرا
حدث رسد و وضو کند و دو رکعت نماز بگذارد و حاجت دینی و دنیایی
خود بخواهد بدرستی که بر من جفا کرده باشد و هرکرا حدث رسد و وضو کند
و دو رکعت نماز بگذارد و حاجت دینی و دنیایی خود بخواهد و اگر من
اجابت نکنم بدرستی که من جفا کرده باشم و نیستم من پروردگار جفا کننده
این حدیث بر طریق وعده است نه بر طریق وجوب که اصلح بنده بر حق واجب
نیست و حکم حق بر بنده حجت نی از خلاصة الحقایق بعضی از اهل معرفت
گفته اند هر که مدام با وضو باشد گرامی کند او را خدای تعالی بهفت خصال
اول رغبت کند در صحبت او دوم همیشه تر باشد قلم کاتبان اعمال او
از نبشتن ثواب سیم تسبیح گویند اعضاء او و جوارح او چهارم تکبیر اولی از وی
فوت نشود پنجم چون بخسپد خدای تعالی فرشتگان فرستد تا او را نگاه دارد
از میان و پریان و دیوان ششم آسان کند خدای تعالی بر وی سختی و دشواری
جان کندن هفتم در زینها و امان خدای تعالی باشد تا دام که با وضو است و فرقد
سنجی رحمه الله گفت در خواب دیدم که انگشت خورد من با من خصومت میکند

میکند و از من می پرسد و میگوید چه شد ترا که از جملهٔ اندام تو من عذاب کرده میشوم
فرقد سنجی گفت نمی دانم پس انگشت خرد گفت چون تو وضو میکنی انگشتری نمی گردانی
و امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه وسلم فرموداو چیزی را که
بسوزاند از امتان من آتش مواضع انگشترین و ناف باشد که ترک آورده باشد در
وضو و غسل و گفته اند که طهارت دو است طهارت ظاهر و طهارت باطن و طهارت
ظاهر باب و خاک است چون آب موجود باشد باب وضو سازد و در عدم آب
بخاک تیمم کند و اصل خلقت بشر ازین هر دو است و بدین هر دو آتش دنیا کشته می شود
پس امید هست که با مر فضل حق آتش آخرت نیز ازین هر دو کشته شود اما طهارت
باطن شکستگی و فروتنی و خوف و حضور در دل و مرویست که عایشه رضی الله
عنها بشم رسیدی پس هرگاه که بانگ نماز شنید همان زمان دست ازان باز
داشتی و ناری که رسیده بودی همچنان کشاده گذاشتی و در دوکل در نیاوردی و
برخاستی و بوضو مشغول شدی از وی ازین حال سوال کردند گفت از رسول صلی الله
علیه وسلم شنیدم که گفت چون مؤذن بانگ نماز گوید بدرستی که هر عملی بنده بعد از بانگ
نماز بکند آن فضیلت نصیب شیطان است از ترجان صلوة چون از وضو فارغ گردد
روی بقبله آرد و این کلمات بگوید در خبر است که خدای تعالی وعده کرده است

هر که در عقب طهارت این کلمات بگوید او را بیامرزم و از وی خشنود شوم و گفته اند
فسبح در سوره نصر امر بدین کلمات است عایشه میگوید رضی الله عنها گفتم یا رسول
الله کلماتی شنوم پیوسته میگویی که پیش ازین نمی گفتی گفت در سورهٔ النصر بدین
کلمات فرموده شدم و هر که از مجلس برخیزد و این کلمات بگوید آنچه در آن
مجلس خیر گذشته باشد پذیرفته شود و اگر شر گذشته باشد آمرزیده شود کلمات
اینست سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ
إِلَيْكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ و روایت میکند امیر المؤمنین علی رضی الله
عنه که من از رسول صلی الله علیه وسلم شنیدم این حدیث بسیار نفع دارد مر خدای
تعالی این حدیث آمرزید و همین روایت ابو بکر الصدیق رضی الله عنه گفت که من
از پیغامبر علیه السلام شنیدم نیست از مردی که گناهی کرده باشد پس او وضو کند
و وضوی نیکو با احتیاط و بشستن هر عضوی دعای آن بخواند دو رکعت نماز
بگذارد مگر که آمرزیده شود و بقول بعضی بخواند در رکعت اول بعد از فاتحه وَمَنْ
يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا و در رکعت
دوم بعد از فاتحه بخواند وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ
فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا

وَهُمْ يَعْلَمُونَ بعد از نماز استغفار گوید بیامرزد خدای تعالی او را و این نماز را
نماز توبه گویند از کفایهٔ شعبی مرویست مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود روزی مر صحابه را چیست پنج چیزی بی پنج چیزی گفتند خدای
و رسول او دانا ترست پس رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که یکی ازان
آنست که کشتن بی تیغ و دوم آمرزش بی توبه سیم رضای خدای تعالی
خدمت و بی عبادت چهارم بسیاری مال بی کسب و تجارت پنجم پاکی بغیر آب
اما قتل بی تیغ آنست که بگوید بسم الله الرحمن الرحیم شیطان بگدازد چنانکه
ارزیز بالای آتش و اما آمرزش بی توبه آنست که چون کسی بتقاضای حاجت نشسته
باشد مستقبل قبله بفراموشی بعد ازان او را یاد آید و همان ساعت روی بگرداند
از قبله بدرستی که خدای تعالی او را از برای حرمت قبله بدرستی که خدای تعالی او را
بیامرزد و اما رضای حق تعالی بی خدمت آنست که استنجا کند باب بعد از کلوخ
خود را پاک کرده باشد اما بسیاری مال بغیر کسب و تجارت آنست که بگزارد نماز
خفتن را بجماعت و بگذارد نماز وتر در خانه و دو رکعت نماز آنست که سنت
نماز بامداد در خانه و بگذارد فریضهٔ بامداد در مسجد و اما حاصل شدن
طهارت بی آب آنست که بگوید در آغاز وضو بسم الله الرحمن الرحیم پاک شود جمله

اعضای او از گناه بی آب آنست که بجوید و هر که بسم الله نگوید پاک نشود مگر
اعضای وضو و مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده که وضو بر وضو
نور است بر نور روز قیامت و در حدیث دیگر آمده هر که وضو کند بر وضو
بنشسته شود او را ده نیکی و مرویست از شیخ الشیوخ اوحد الدین کرمانی
رحمة الله علیه هر که بعد از اتمام وضو این دعا بخواند حق تعالی او را بصد و بیست
سال برساند دعا اینست اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مَحْبُوبًا فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ وَبَلِّغْنِی اِلَی مِائَةٍ
وَعِشْرِینَ وصلی الله علی محمد وآله اجمعین و پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود نیک
ترانِ امتِ من آنکسان باشند که وضو کنند با آب اندک و بدترین امت من
آنکسان باشند که اسراف کنند با آب وضو و مظفر دریا بر سید از خضر علیه السلام
که گفته است خدای عز وجل خَلَقَکُمْ مِنْ تُرَابٍ یعنی شما را از خاک آب آفریدیم حکمت
چیست گفت فردا که قیامت شود از تو دو بوی آید یکی بوی پیغامبر یعنی خاک و یکی
بوی آب و دوزخ گوید که الهی از تن بندگان تو بوی می آید که بوی پیغامبران
می ماند و گوشت پیغامبران بر آتش حرامست فرمان آید از حق تعالی که چنین
است تو نیز ایشان را مسوزان تا بدان سبب همه از آتش برهند و به بهشت برسند
و دیگر گفت ای مظفر دریا آتش را بدو چیز توان کشت با آب و خاک و تو با هر دو

با هر دو طهارت کن تا چون قیامت شود آتش دوزخ بر تو هر دو توان کشت نقل از
دوازده مسئله مسئله هفتم آنست که ابلیس لعنة الله گفت خضر علیه السلام را که
چون مومن موحد خود را نگاه دارد بوجه حلال بنکاح مشغول گردد چون
اتفاق مجامعت افتد غسل جنابت بروی واجب آید چون برای غسل کردن
بجای خالی میرود و خود را برهنه کند ابلیس لعین میگوید بر سر او باستم و او را
بوسوسه مشغول کنم تا شرط غسل از سنتها و فریضها فراموش کند اگرچه
احتیاط کند و خاطر دل را جمع کند دست دراز کنم و انگشت خود را بر یک
موضع از تن او بنهم تا بهمه اندام او آب برسد و آن موضع انگشت خشک ماند
و او پندارد که همه اندام خود شسته است غسل کرده او خود همچنان جنب باشد
و آب دست نماز میکند تا از شومی آن کافر گردد نعوذ بالله منها جواب رسول صلی الله
علیه وسلم گفت یا خضر علاج او آنست که بوقت غسل جنابت باید که هشیار باشد
و غافل نگردد و جهد امکان بکوشد چون دو بار آب بخود ریخته باشد بار سیم
کلمه تمجید بگوید و آب بر خود ریزد تا دیو بگریزد و غسل او درست گردد و از
جنابت پاک شود بعد از غسل این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِی مِنَ الدَّنَسِ وَالْاَقْذَارِ
وَاغْسِلْنِی مِنَ الذُّنُوبِ الصَّغَائِرِ وَالْکَبَائِرِ برحمتک یا ارحم الراحمین مسئله هشتم

ابلیس لعنة الله گفت بوقت آبدست برای کُنز بول و غایط ایشان در آیم و بعض
از بول ایشان باز دارم تا او پندارد که آب دست پاک کردم چون در نماز حاضر شود دست
از آن موضع دور برم تا بقیهٔ بول بیرون آید و ناخبر باشد یا بادی از وی شود
و آبدست او تباه گردد و او بی آبدست نماز کند تا در دنیا و آخرت گرفتار
گردد و او پندارد که نماز تمام کردم و فریضه همچنان در گردن او بماند و او
را خبر نباشد نعوذ بالله منها جواب رسول صلی الله علیه وسلم گفت که یا
خضر علاج او آنست در ابتدای آبدست کردن بجد امکان بکوشد و شرایط
اِسْتِنْجا و اِسْتِبْرا نگاه دارد و سه بار کلمه تمجید بگوید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ الَّذِی خَلَقْتَهُ لِی عَدُوًّا یَکِیدُنِی کَیْدًا وَ
اَجْرَیْتَهُ مَجْرَی الدَّمِ مِنِّی یَرَانِی مِنْ حَیْثُ لَا اَرَاهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا
بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ رسول صلی الله علیه وسلم گفت مر علی رضی الله عنه را که یا علی
چون تو وضو کردی بعد از وضو بگو بسم الله اِنِّی اَسْاَلُکَ تَمَامَ الْوُضُوْءِ وَتَمَامَ
الطُّهُورِ وَتَمَامَ رِضْوَانِکَ وَمَغْفِرَتِکَ بدرستی که این دعوة وضو است و فضیل
عیاض رحمة الله علیه ... هفتاد درست کمترین آن فقر است و هر که تمام کند
وضو را و بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ لَا مَلْجَا وَلَا مَنْجَا اِلَّا اِلَیْهِ باب

ابتدا آ
بدل

سه بار کفایت شود آن همه روزه بفرمان خدای تعالی و امیر المؤمنین علی رضی الله عنه
گفت چون بنده خواهد که وضو کند باید که پنج وضو کند اول وضوی دست
بشوید دل خود را از غل و غش و خیانت و کفر و حسد دنیا و جان پاک
کند لقوله تعالی وَثِیَابَکَ فَطَهِّرْ یعنی قَلْبَکَ فَاَصْلِحْهُ دوم وضوی زبانست
از دروغ و غیبت و از فضول از سخن چینی و لغو و مانند این لقوله تعالی لَا تَقْفُ مَا
لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ اِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ الی آخره سیم وضوی شکم است
از حرام و شبهه لقوله تعالی کُلُوا مِنْ طَیِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاکُمْ و چهارم وضوی
پشت است از پوشیدن حرام بدرستی که نماز قبول نیست مگر بلباس حلال لقوله
تعالی وَرِیشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَی پنجم باطنست و اعضای اربعه و آنرا گفته آید پیغامبر
صلی الله علیه وسلم فرمود هر که با وضو خسپد فرموده شود روح او را تا طواف
کند بعرش و سجده کند مر خدای را عز وجل و در خبر است باسناد
درست از ابو امامة الباهلی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که
چون مسلمانی آبدست کند گناه از چشم و گوش و دست و پای او فرو
ریزد تا از عصیان و گناه پاکیزه و آمرزیده می شود و آبدست کفارتست
هر گناهی را که پیش از آن کرده باشد و آن نماز که کند او را زیادتی باشد

روایت کرد عقبه بن عامر رضی الله عنه از عمر رضی الله عنه و از رسول صلی الله
علیه وسلم که فرمود هرکه وضو تمام کند و فارغ شود از پس آن بگوید اَشْهَدُ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ گشاده
شود از بهر او روز قیامت درهای بهشت تا از هر دری که خواهد در آید از
صلوة مسعودی رسول صلی الله علیه وسلم فرموده است که ده چیز از جمله جفا است
یکی آنکه هرکرا حدث رسد و طهارت نکند جفا کرده است و اگر طهارت کرده
و دو رکعت نماز نگزارد جفا کرده است و اگر نماز بگزارد دعا نکند جفا کرده است
و چون دعا کند ابتدا بر مادر و پدر نکند جفا کرده است و چون بمسجد اندر آید
نماز نگزارد و بنشیند جفا کرده است و چون مصحف باز کند قرآن نخواند جفا کرده
است و چون مادر و پدر را بنام بخواند جفا کرده است و اگر بانگ نماز شنود جواب
نکند جفا کرده است و اگر دو کس با یکدیگر دوستی کنند نام همدیگر نپرسند
جفا کرده است و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود یا علی بر تو باد اگر از طهارت فارغ
شوی اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بخوانی و بعد از آنکه قدمها شسته باشی خداوند عز و جل بهر
طهارتی ثواب پنجاه سال عبادت کرامت کند امیر المؤمنین علی رضی الله عنه
طهارت ساخت و فضله آب طهارت بخورد و گفت هرکه فضله آب طهارت بخورد

اگر ح

بخورد خدای تعالی عز و جل آنرا علاج بیماریها کرداند که اَطِبّاء از معالجة آن عاجز
آمده باشند ایضا از صلوة مسعودی امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه گفت که
پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه طهارت سازد و بعد از آنکه طهارت کرده باشد
آب آن برگیرد و برکردن مسح آرد و این تسبیح بخواند سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِیْكَ لَكَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوْبُ اِلَیْكَ
و آنگه سوی زمین نظر کند و بگوید وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُوْلُكَ خدای
عز و جل گناه خرد و بزرگ او را بیامرزد از خلاصة الحقایق رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود که وضو در زمستان برابر غزای یکساله است و ابو امامة الباهلی
رضی الله عنه گفت که پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود که خشک کردن آب بقیه
وضو را مؤمن دهند که اندر آن شفا است از هفتاد دردی که کمترین درد آن
تاسه است و در خبر است که رسول صلی الله علیه وسلم از ابلیس پرسید که دشمن ترین
کرا او را گفت مادام که با وضو است نماز او فوت نشود مر اغمی سخت است از این
در فضیلت غسل از تفسیر مغنی در حدیث است که بیاید غسلی که از احتلام کرده باشد
روز قیامت در صورة نیکو و زیبا که مثل آن صورة کسی ندیده باشد بر سر او تاجی باشد
از نور که روشنایی او از مشرق تا مغرب باشد و آن تاج را هفتاد هزار رکن باشد از
در سفید

یا قوت سرخ و زبرجد سبز باشد پس بگوید ای فلان بن فلان می شناسی مرا آنکس
گوید نمی شناسم پس او را ببرد و بر کتف خود بنشاند و از پل صراط بگذارند چون
برق پیش از خلایق بر در بهشت رود در بزند ندا آید که تو کیستی گوید من غسلم
پس باز کنند بروی درهای بهشت و بگوید در آی از هر کدام در که خواهی و شفاعت
کند بعدد هر مویی که بر تن او ست هفتاد عاصی را و بدهد خدای تعالی بعدد هر قطره
جشمه در بهشت و قصرها دهد بعدد ستارگان آسمان و قطرهای باران و ریگ بیابان
و کفک دریاها در بهشت و بدهد خدای تعالی او را در هر قصری چیزی که نه هیچ چشم دیده
باشد و نه هیچ گوش شنیده و نه در دل هیچ بشر گذشته و در غسل جنابت نیت
کند که نَوَیْتُ اَنْ اَغْتَسِلَ مِنَ الْجَنَابَةِ و در غسل جمعه بگوید نَوَیْتُ اَنْ اَغْتَسِلَ
لِصَلٰوةِ الْجُمُعَةِ یا بگوید تنظیفا للجمعة و همچنین در غسل عیدین نیز بگوید تنظیفا
لِلْعِیْدِ و در غسل جنابت و احتلام اول آب در دهان و بینی کند و مبالغت
کند اگر روزه دار نباشد و استنجا کند و احتیاط کند و در آن کوشد که آب
به بن هر تاره موی برسد هر تاره موی بر سند و اگر یک بن موی آب نرسد از
عهده غسل بیرون نیامده باشد فصل دوم در فضیلت سنت ... [illegible]
گرفتن از صلوة مسعودی موی لب پست داشتن سنت است و دراز داشتن

داشتن بدعت شومی بدعت بود که چون آب بلب نرسد و طهارت غسل در
دست نبود و نماز روا نبود رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه موی لب پست
دارد خدای عز و جل او را چهار نور کرامت کند یکی نور در روی و یکی نور
در دل و یکی نور در قیامت و ثواب چندان بود که صد اشتر سرخ موی خریده
و در راه خدای تعالی همه را صرف کرده بود رسول صلی الله علیه وسلم فرموده است
هرکه موی لب پست نکند و بگذارد دراز شود خدای تعالی او را به چیزی
عقوبت کند از شفاعت من بی نصیب باشد و از حوض من آب نخورد و منکر
نکیر را بکمارند بروی بغضب و بحدیث آمده است از رسول صلی الله علیه وسلم
چون بنده مؤمن موی لب پست دارد و کلمه شهادت گوید آن کلمه شهادت
را هفت آسمان حجاب نکند همچنان میرود تا ساق عرش و همچون زنبور
عسل او را بانگ می آید خطاب عزت در رسد که چرا ساکن نمی باشی گوید
ای پروردگار من چگونه ساکن باشم که گوینده مرا هنوز نیامرزیده امر
آید از خدای تعالی که گوینده آمرزیدیم پس آنگاه ساکن گردد پس اگر موی لب
دراز دارد و کلمه شهادت گوید آن کلمه شهادت گرد دهان وی بگردد و بیرون
نیاید کاتبان اعمال او را گویند چرا بیرون نمی آیی تا ثواب آن تو بنویسیم گوید چگونه

بیرون آیم که این بنده پردهٔ بلند در راه من گذاشته است و رسول صلی الله
علیه وسلم گفت فردای قیامت اهل عرصات سجده آرند پروردگار را سجدهٔ
تحیت مگر کافران که سجده نتوانند آوردن که ایشان همچون سر دن گاو
است مانده باشند و کسانی که موی لب دراز داشته باشند آن موی ها در زمین
استوار شده باشد مانند میخ ها و ایشان را مانع باشد از آوردن سجده تا اهل
عرصات ایشان را فرق توانند کرد از میان مؤمنان **فصل سیم در
فضیلت مسواک** از صلوة مسعودی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که پاک
کنید دهانهای خود را بمسواک که وی راه قرآنست و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
مسواک پاک کنندهٔ دهانست و شادی فرشتگانست و سبب رضای حق است
و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که چهار چیز سنت منست و سنت انبیا علیهم السلام
که پیش از من بوده اند از مرسلان نکاح کردن و شرم داشتن و بوی خوش
بکار داشتن و مسواک کردن و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که دو رکعت نماز گزا
ردن با مسواک فاضلتر است از هفتاد رکعت بغیر مسواک و شفای جمله بیما
ریهاست مگر مرگ و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که مرا برادرم جبرئیل علیه السلام
در چهار کار چندانی مبالغت کرد گمان بردم که بر امتان من فریضه شد یکی نیکو

نیکو داشتن اهل و پرده چندان مبالغت کرد که گمان بردم که طلاق بر امتان
من حرام شود و دیگر در نیکو داشتن همسایه چندان مبالغت کرد
گمان بردم که همسایه از همسایه میراث گیرد و دیگر در حق نماز شب چندان
مبالغت کرد گمان بردم که پارسایان امت من شب نخسبند و دیگر در حق
مسواک کردن چندان مبالغت کرد که گمان بردم که بر امتان من فریضه
شد و بباید داشتن که صلی الله علیه وسلم آخرین تسبیح چه گفت و آخرین
دعا چه کرد و آخرین وصیت چه کرد و آخرین فعل چه کرد و آخرین تسبیح
سُبحانَ اللهِ والحمدُ لله ولا إله الا الله والله اکبر و آخرین دعا اللهمّ
هوّن علی سکرات الموت و آخرین وصیت الصلوة وما ملکت ایمانکم
نماز بر پای دارید و زیردستان را نیکو دارید و آخرین فعل مسواک کرده
روایت کرد مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم
در سکرات الموت پشت مبارک در بر من نهاده بود محمد بن ابی بکر رضی
الله عنهما از در حجره در آمد مسواک بر سر دستار چه بسته بود رسول صلی
الله علیه وسلم در آن مسواک نگاه کرد سؤال کردم که یا رسول الله بمسواک رغبتی
هست رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هست مسواک از برادر بگرفتم و در

دهان مبارک رسول مبارک رسول آب نمانده بود از آب دهان خود تر کردم
و دهان رسول صلی الله را مسواک کردم رسول از دار الغنا بدار البقا رحلت
کرد از ینجاست که ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها بر عیال الآن دیگر مفاخرت
کردی بدو چیز یکی آنکه آب دهان من در دهان رسول شد و هم مفخر عالم
جان در بر من داد و ابراهیم نخعی رحمة الله علیه گفت که رسول صلی الله علیه
وسلم بخواب دیدم گفتم یا رسول الله چه چیز میخوانم و یاد می دارم مرا تعلیم
فرمود که جای از چند چیز اندک خور اندک خسب و قرآن بسیار خوان و نماز
بسیار کن و بهر نمازی طهارت کن و بهر طهارت مسواک کن چون از خواب
اندر آمدم این وصیت را بجای آوردم در میان اندک روز مقتدای عالمیان
شدم چون زهد وی پیش مادرش حکایت کردند گفت سخن وی مگوئید که وی
بسیار خوراست وی در کنابی بقضای حاجت دو بار می رود من یکبار و دیگر
مسواک سنت مؤکد است هر که سنت وی را منکر شود شاید که امام باوی حرب
کند همچنانکه با حربیان و عبد الله مبارک رحمة الله علیه عمر خود را سه قسمت کرده بود
یک سال بحج رفتی و یکسال بغزا ~~مبارک رحمة الله علیه عمر خود~~ رفتی و یکسال علم درس
گفتی تا آن سال که بغزا رفته بود بر قلعهٔ کافران ظفر نمی یافت در آن اندیشه بخواب رفت

رفت رسول صلی الله علیه وسلم را بخواب دید رسول صلی الله علیه وسلم گفت در چه اندیشهٔ
گفت یا رسول الله بر این قلعه دست نمی یابم رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که
کجای از طهارت با مسواک ساختند دیده بانان از بالای قلعه نگاه کردند آن
حالت بدیدند خدای تعالی هیبتی در دل ایشان انداخت برفتند با میر قلعه
بگفتند که جماعتی آمده اند آدمی خوارند دندانها تیز میکنند تا اگر بر ما ظفر یابند
دمار از ما بر آرند خدای تعالی هیبتی در دل ایشان افکند قاصدی بیرون
فرستاد که چه مال و انعامی خواهید یا جان ما عبد الله مبارک رحمة الله علیه گفت نه مال خواهیم
و نه جان ما بلکه همه اسلام آرید همه اسلام آوردند از برکات اقامت آن سنت را
نقل از شرح السنه مرویست از ابو دردا رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود بر شما باد که مسواک کنید و غافل مباشید از وی و مداومت کنید بر وی
بدرستی که در ویست چهار خصلت اول آنکه خشنود کند رحمان را جل جلاله
بدرستی که در بهشت در آید دوم بجای آوردن سنت است و هر که سنت
رسول صلی الله علیه وسلم را بجای آورد رسول از وی خشنود شود سیم نماز با مسواک
تضعیف می شود یک رکعت برابر هفتاد و پنج رکعت نماز بی مسواک چهارم
فراخی و توانگری آرد و فقر برود و بکسب محتاج نشود بوی دهان خوش کند ششم

کوشت بن دندانرا تخت کند هفتم درد سر را ببرد هشتم درد دندانرا ببرد نهم
فرشتگان با او مصافحه کنند چون زیبایی نور روی ببینند دهم دندانها پاکیزه دارد
و درخشان کنند یازدهم فرشتگان در عقب او بروند از خانه تا مسجد و از مسجد
تا بخانه دوازدهم استغفار کنند مرورا حملهٔ عرش سیزدهم اقتدا کرده باشد
بجملهٔ پیغامبران و متابعت کرده باشد آثار ایشان را چهاردهم کشاده شود
بروی دری از درهای بهشت در آید از آن در بغیر حساب پانزدهم نبشته
شود مر او را ثواب نیکی بعدد هر که مسلمان می شود از آن روز که مسواک کرده
باشد تا روز قیامت شانزدهم بسته شود بروی درهای دوزخ هفدهم
آمرزش خواهند او را همه پیغامبران هژدهم قبض کند ملک الموت روح
او را طاهر مطهر نوزدهم نیاید ملک الموت نزد وی بجهت قبض روح مگر
صورتی که بدان قبض کرده است ارواح انبیا علیهم السلام را بیستم
بیرون نرود از دنیا تا سیراب نکنند او را از رحیق مختوم و این شرابیست
از شرابهای بهشت خالص و مهر کرده بمشک بیست یکم زیاده حفظ او را و ذکا
آرد در دل او و حکمت را بیست دوم چون بمیرد گور او فراخ شود از دنیا
فراختر کنند بیست سیم زیان نرساند او را چیزی جنبندگان زمین بیست چهار

بسم الله الرحمن الرحيم لكل نبإ مستقر وسوف تعلمون

چهارم بوشیده شود کسوت پیغامبران و در آید در بهشت با پیغامبران بی حساب
و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود امیر المؤمنین علی رضی الله عنه یا علی مسواک
مکن که استاده باشی که از آن درد زانوها خیزد و مسواک در حالت کشت کرده
و راه رفتن که از آن درد پشت خیزد و مسواک مکن در حمام که بویدها نرا کند
کند و مسواک مکن چون تو در مسجد در آیی که بدرستی دشمن بود نزد خدای
تعالی و مسواک مکن چون تو در پهلو خفته باشی که بوهها از آن علت سپرز پیدا
شود و در محیط آورده است که مسواک از درخت تلخ باید که بوی دهان را
خوش کند و بیخ دندانها را محکم کند و معده را قوی کند و لیکن
باید که مسواک به پری انگشت خرد دست بود و بدرازی یک بدست و باو
جود مسواک با نگشت نکند از ترجمه احیا رسول صلی الله علیه وسلم گفت دهنها
راه گذر قرآنست بمسواک کردن آنرا خوش باید داشت و باید که در وقت
مسواک کردن نیت آن باشد که دهن خود را برای خواندن قرآن و ذکر
خدای تعالی پاک میکنم از تفسیر مغنی در حدیث است که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که در مسواک ده خصلت است خشنودی خدای و دشمنی شیطان
و شادی فرشتگان و محکم و پاکیزه کننده است مر گوشت بن دندان را و تباهی

اربعة ختم القرآن في ركعة واحدة الامام الاعظم وتميم الداري وعثمان بن عفان وعبد الله بن زبير سعيد بن جبير رضي الله عنهم من المستطرف

و خستگی بن دندانرا ببرد و بینایی دیده روشن کند و بوی دهن را خوش کند
و بلغم را کم کند و بجای آوردن سنت است و مزید حسنات است و رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود که در شب معراج در بهشت بگذشتم حوران بهشت مرا
بدیدند سلام کردند و من جواب سلام ایشان بگفتم مرا گفتند حسن ما زیاده
میشود **باب سیم در فضیلت نماز و فضیلت صف**
اول و فضیلت جماعت و قرات و ورد و دعا که بوقت هر نمازی خوانند
و فضیلت شب جمعه و روز جمعه و فضیلت مسجد و بانگ نماز و آن مشتمل
بر چهار فصل **فصل اول در فضیلت نماز** بجای آوردن آن و صفت
آداب و ترک نماز و وسواس و غفلت و ریا و اخلاص در نماز **ذکر فضیلت**
نماز رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که نماز ستون دین است هر که آنرا بپای
دارد خانهٔ دین او بسلامت ماند و هر که آنرا ترک کند خانهٔ دین او خراب شود
پس کسی که خانهٔ دین خود را خراب کند و عمارت خانهٔ دنیایی فانی او را چه فایده کند
از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اول چیزی که حساب کرده با بنده
روز قیامت از نماز بود اگر در نماز کامل بود نویسند و اگر نقصان یابند خدای تعالی
فرمان دهد ملائکه را که ببینید و اعمال دیگر را همین حکم است و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود

جزء
شود
کامل

فرمود بدرستی مر خدای عز و جل فرشته است ندا میکند بوقت هر نمازی که بشتابید
بسوی فرو نشاندن آتشها که شما برافروخته اید آن برای نفسهای شما **از تفسیر مغنی**
ابو بکر الصدیق رضی الله عنه گفت که حاضر نشده ام من نمازی را که هرگز مگر آنکه شنیدم
که فرشتگان ندا میکرد ندای فرو زند آدم برخیزید بسوی فرو نشاندن آتش که
افروخته اند از برای نفسهای شما پس فرو نشانید آن آتش را بنماز خویش **و ابن**
عباس رضی الله عنهما گفت هر که دو رکعت نماز بگزارد و شادی او از گزاردن نماز
اندک باشد از در آمدن در بهشت او از دنیا بیرون رود خدای تعالی از وی بیزار باشد
بدرستی که در نماز رضای باری تعالی است و در آمدن بهشت رضای نفس **و ابن**
سیرین گفت اگر مرا مخیر گردانند در میان بهشت ~~رضای نفس من~~ و دو رکعت
نماز من دو رکعت نماز اختیار کنم زیرا که در نماز رضای پروردگار است و در بهشت
رضای نفس من **و نعمان نوافعل** گفت که بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم
آمدم گفتم یا رسول الله اگر من نمازهای فریضه را بگزارم و حلال را حلال دانم و
حرام را حرام دانم و زیاده نکنم برین چیزی ببهشت در آیم رسول صلی الله علیه وسلم
گفت آری در آی ببهشت **از تفسیر منیر** در مجلس است از داود علیه السلام که هر روز
خواهم که عذاب فرستم بر اهل زمین چون بر گروه بندگان بنگرم عذاب از ایشان بردارم یکی بدان

ایزد تعالی گفت که

کسانِ که از بهر خدای تعالی بیکجای دوستی دارند بهر دوم بدانکه مؤمنان مراد در سحرگاه
استغفار کنند سیم بدان کسانِ که مسجد ها را آبادان دارند رسول صلی الله علیه وسلم گفت
که قید کنید چهار چیز را بچهار چیز مال را بزکات و ایمان را بنماز و صحت را بصدقه و
علم را بکتابت و در خبر است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی که مراست صد و
هفتاد سنت پس عمل کنید برین همه سنتها اگر امید دارید شفاعت مرا و اگر نتوانید که
عمل کنید همه را پس چاره نباشد مر شما را که عمل کنید شش سنت مرا پس از آن هر که این شش
سنت را عمل نکند مرا در نیابد و هر که مرا در نیابد ببهشت نرود اول عمل کردن آن راسِ
مال من است دوم ذکر که آن میوهٔ دل منست سیم سخاوت که آن خوی منست چهارم
خواندن قرآن و آن روشن کنندهٔ غم اندوه منست و پنجم غزا که آن پیشهٔ منست
و ششم فقر است آن اختیار منست پس گفت بوشیع طاقت نگاه دارید دوازده
رکعت سنت مؤکده را در هر روزی و شبی بدرستی که جبرئیل علیه السلام مرا گفت
یا محمد اگر خواهد امت تو که دریابد روز قیامت ثواب انبیا و مرسلان پس مواظبت کنید این دوازده رکعت سنت را دو رکعت بعد از فریضهٔ نماز شام و دو رکعت
بعد از فریضهٔ نماز خفتن و آورده اند که مردی بیامد نزد ابوهریره رضی الله عنه و گفت که
من از حب مرگ می ترسم ابوهریره گفت هیچ وقت نماز میگزاری بجماعت گفت

دو رکعت سنت پیش از فریضهٔ نماز بامداد و چهار رکعت قبل الظهر پیش و دو رکعت بعد از وی

آری نخ

گفت بلی گفت نماز جمعه میگزاری گفت بلی گفت پس بجیس هرگز بنه که باشد بر تو باکی نیست
از صلوهٔ مسعودی علامت ایمان آید مؤمن چیست رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود علامت مؤمن را سه نشانست نماز گزارد و روزه دارد و صدقه بدهد
مراد ازین روزهٔ ماهِ رمضانست و از زکوة مال و از مادر مؤمنان عایشه رضی الله
عنها سوال کردند که آنچه معنی است که خدای تعالی مر نماز را در قرآن مجید بسیار
یاد کرده است و هیچ عبادتی را این مقدار ذکر نفرموده عایشه گفت که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که چیزی را دوست دارد ذکر آن بسیار کند چون خدا
وند عز وجل نماز را دوست داشت ذکر آن بسیار گفت و ابی بن کعب رضی الله
روایت کرد از رسول صلی الله علیه وسلم که اول حسابی که خدای عز وجل روز قیامت
کند با بنده از نماز کند هر که از عهدهٔ نماز بیرون آید امید هست که حسابهای دیگر بروی
دشوار شود آسان شود و نجات یابد و اگر بعقبهٔ صلوة در ماند حسابهای
دیگر بروی دشوار شود و بمانند در سقر و اصحاب دست راست که ایشان در
بهشت باشند آن بدکرداران را ببینند در دوزخ ایشان را گویند که شما را چه آورد اندرین
جای ایشان گویند ما نبودیم از جملهٔ نماز گزاران از وصایای رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود دوسترین بندگان نزد خدای تعالی بنده ایست که سجده کند و در سجده بگوید.

رَبِّ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْلِی فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ از تیسیر الو
الکبیر روایت کرده که وانبا لپیغامبر علیه السلام صفت کرد مر امت محمد را
صلی الله علیه وسلم و گفت مر قوم خود را که نماز کنید که اگر قوم نوح علیه السلام
نماز گزاردندی بآب غرقه نشدندی و اگر قوم عاد نماز گزاردندی باد ایشان را هلاک
نکردی و اگر قوم ثمود نماز گزاردندی صیحه مر ایشان را نگرفتی از خلاصة الحقایق
در روایتست که عیسی پیغامبر علیه السلام بدید عابدی را که عبادت کرده بود خدای عز وجل
را بسیار سال و برا گفت در آخر الزمان پیغامبری پیدا شود و مر او را امتی باشد عمر
های ایشان اندک باشد از شصت تا هفتاد و غایت عمر تا صد سال بود زنان بخواهند و فرزندان برآیند و عمارتها بنا کنند آن عابد در تعجب ماند گفت در چنین
مدت سهل مشغول شوند برین چیزها اگر عمر من آن مقدار باشد در دو رکعت نماز
صرف کنم ذکر فضیلت بجای آوردن امر از خلاصة الحقایق مرویست
که ابراهیم پیغامبر علیه السلام زراعت میکرد و زمین را آب میداد چون وقت نماز
رسید بنماز مشغول شد حق تعالی فرمود مر ملائکه را که بنگرید سوی بندهٔ من که او هم زراعت دنیا میکند و زراعت آخرت و شیخ ابوبکر وراق رحمة الله علیه گفت که
من چهار کتاب و چهار صحیفه که حق تعالی بر انبیا منزل کرده است بخواندم معانی آنرا

آنرا فهم کردم مقصود من این بود که بدانم که چیست مراد حق تعالی از آفریدن
این خلق پس یافتم مراد او در دو چیز یکی تعظیم داشتن فرمانهای خدای تعالی و دوم تعظیم
خلق خدای تعالی و آن شفقت است بر خلق خدای عز وجل و در خبر است که نیست از
روزی که میگذرد مگر ندا میکند و میگوید ای فرزند آدم غنیمت دار مرا شاید که نباشد
روزی دیگر مر ترا بعد از من و نیست از شبی از شبها مگر که ندا میکند و میگوید ای فرزند آدم غنیمت
دار مرا شاید که بعد از من شبی دیگر نباشد مر ترا از تفسیر منیر در خبر آمده است که مؤمن چون
از گور بیرون آید نیکیهای او را بصورت نیکو کرداند او گوید حنا بیع من کلتی پس او میبرد تا به بهشت
برد او را و کارهای کافر را بصورت زشت کردانند و او را نیز همچنان در دوزخ برد از تفسیر منیر
در خبر آمده است که رسول صلی الله علیه وسلم گفت خدای تعالی میگوید ای بندهٔ من تا تو مرا پرستی
و بمن دانی و امید از من داری من آمرزگارتوم با هر چه داری اگر بیش من آیی از روی زمین پر از گناه
آری آمرزش تو دارم پس از آنکه با من شرک نیاورده باشی و آورده اند که عیسی پیغامبر
علیه السلام خفته بود در سایهٔ دیواری عورتی بیامد و پای بروی زد و بانگ کرد و گفت
برخیز ازین سایه عیسی صلوة الله علیه برخاست و در آفتاب بنشست و مکر بیست
آن زن بیامد عذر خواهی آغاز کرد عیسی علیه السلام گفت من ازین نمی گریم که بر من بانگ زدی
و بیدار کردی و لیکن میگریم از لطف خداوند خود که مرا بگذاشت غافل از طاعت خود واز ثلا

شوی بخدمت پروردگار جل جلاله تا مشغول ...

خلاصة الحقایق آورده‌اند که مردی ابن سماک را گفت که مرا وصیتی کن گفت وصیت
کنم ترا بسه چیز که آن بهتر است ترا از هزار حدیث که نبشته‌ام اول آنک مشغول شو تا
شوند مردمان بخدمت تو دوم دور طمع خود را از خلق تا دور کنند مردمان
عذاب ترا از تو سیم نگاه دار خلق خود را تا نجات یابی از خشم خدای و سفیان
ثوری رحمة الله علیه گفتند کدام چیز عجب تر است نزدیک تو گفت مردی که خدا
را عز و جل بشناسد و او را طاعت نمی کند و مرویست که حق تعالی در توریه
گفته است ای فرزند آدم بدرستی که هرگز امید بهشت نداری مگر بصبر کردن
از معصیت و هر که صبر کند از معصیت برهانم او را از آتش و مقاتل سلیمان
گفت که در توریه یافته‌ام که خدای تعالی گفته است که فرزندان آدم اگر امید برحمت من
دارید پس لازم گیرید طاعت من و اگر ... میترسید از عذاب من پس پرهیز کنید از نافرمانی
من تا بیابید در آخرت رضای من از تفسیر منیر پیغامبر صلی الله علیه وسلم گفت که حق
تعالی در شب معراج گفت مرا یا محمد کفارات در چیست گفتم در رفتن قدمها بسوی
جماعتها و چشم داشتن نماز از پس نماز و آب دست تمام کردن باب سرد حق تعالی گفت
راست گفتی یا محمد پس گفت درجات در چیست گفتم سلام آشکارا کردن و طعام دادن و نماز
شب گزاردن گفت راست گفتی یا محمد پس گفت منجیات در چیست گفتم ترسیدن از خدای

از خدای عز و جل پنهان و آشکارا و میانه بودن در حال توانگری و درویشی و حق
گفتن در حال خشنودی و خشمگینی گفت موبقات چیست گفتم بخل و فرمان
هوا کردن و برای خود معجب بودن گفت راست گفتی و گفت یا محمد بترسان این
را با امت خود از خلاصة الحقایق آورده‌اند که حبیب عجمی چون از شب یک پاس
یا دو پاس بگذشتی زن خود را بیدار کردی و گفتی یا حماله برخیز تا راه آخرت
قطع کنیم بدرستی که قافله گذشت و سفر بعید است و توشه راه اندک سفیان
ثوری رحمة الله علیه چون شبی طعام سیر خوردی با نفس خود گفتی اگر حمار را علف
زیاده شود او را کار زیاده باید کرد شب را تمام قیام کردی تا صبح و وهب
بن منبه رحمة الله علیه گفت در توریه یافتم که خدای تعالی فرموده است یا فرزند آدم
منم آنک مراست ملک و نیست زوال ملک مرا پس بشتاب و عبادت
کن مرا تا عطا کنم ترا ملکی که زوال نباشد آنرا ای فرزند آدم منم آنک بیافریدم موت
را و موت در نیابد مرا پس بشتاب عبادت کن مرا تا عطا کنم ترا حیاتی که در نیابد
ترا مرگ در ذکر ترک آوردن و تاخیر نماز از تفسیر منیر آورده آورده‌اند که در
زمان اول ابلیس علیه اللعنة در میان خلق خود را پیدا کردی و آشکارا نمودی مردی
ابلیس دید گفت چه کنم که من مثل تو شوم ابلیس گفت وای بر تو از من هیچ کس این

نخواسته است چگونه است که تو از من میخواهی آن گفت دوست میدارم که
متجمع تعالی باشم پس ابلیس ویرا گفت که اگر میخواهی که مثل من باشی دو چیز کن نماز را خوار
دار و ترک نماز گیر و از سوگند راست و دروغ باک مدار سوگند خوردن
عادت کن پس آن مرد گفت که من عهد کردم با خدای تعالی که ترک نماز نکنم و همه
عمر سوگند نخوردم پس ابلیس گفت نیاموخت کسی بحیله از من مکر تو از خلاصة
الحقایق آورده که امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت هر که بانگ نماز بشنود
و اجابت نکند یعنی نماز نگزارد بغیر عذر پس او را نماز نیست یعنی او مسلمان نیست
و هر که ترک جماعت گیرد یعنی نماز بجماعت نگزارد پس او بدعت افتاد بیرون آرد
خدای تعالی برکت را از نفس او و همال او التفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم گفت
هر که ترک آرد نماز تا بگذرد وقت آن نماز پس آن نماز را قضا کند در غیر وقت آن
عذاب کند خدای تعالی او را یک حقب یعنی هشتاد سال رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که بکشد هفتاد ولی را از اولیاء خدا و بسوزاند هزار مصحف
را و زنا کند با هزار دختر بکر و بکشد هزار فرشته مقرب پس او نزدیکتر باشد رحمت
خدای تعالی از آنکس که تاخیر کند نماز را از وقت خویش از مشکل سلوک روزی شخصی بحضرت
رسالت آمد و گفت یا رسول الله هر چند که من رنج بیشتر میبرم گرسنه‌تر می شوم رسول

رسول صلی الله علیه وسلم فرمود تو نماز نمی کنی گفت میکنم فرمود اهل عیال تو چه گفت هیچ
نتوانند رسول صلی الله علیه وسلم بتعجب بماند که در خانه این مرد چه بوده که نماز نکنند
در آن خانه درویشی چه کند فرمان آمد که وقتی بی نمازی میگذشت و در خانه
این مرد باز بود نظر آن بی نماز در خانه این مرد افتاد چهل سال است از آن خانه
او بر گرفته‌اند و پرسیدند از ابو حفص بخاری رحمة الله علیه از کسی که نماز نگزارد
گفت که نظر کردم در جمله کتابها و در جمیع قرآن مگر بیابم قولی در آن کسی که نماز
نگزارد مسلمان باشد یا نه پس نیافتم که کسی نماز نگزارد مسلمان باشد از تفسیر
منیر رسول صلی الله علیه وسلم گفت تا بنده پنج وقت نماز گزارده دارد و حق
آن نگاه دارد همیشه بر عهد خدای باشد و خدا از عهده او بیزار نباشد و آورده‌اند
که یحیی پیغامبر علیه السلام را کودکان گفتند بیرون آی با ما تا بازی کنیم و او چهار
ساله بود گفت مرا از برای بازی آفریده نشده‌ام ذکر وسواس و غفلت
در نماز از خلاصة الحقایق آورده‌اند که مردی پرسید بزرگی را از بزرگان دین که این
چه حکمت است که سلف بوده‌اند چون از نماز و از طاعتی که فارغ می شده‌اند بدان
خایف می بوده‌اند که آن قبول شده است یا نه و ما بدان دلخوش می شویم و خوف
نداریم آن بزرگ گفت که سلف عملی میکردند نه عمل بندگان مطیع مر مولای

وما عملی میکنیم عمل مکره و چون از مکره اکراه برود بدانی دل خوش شود و در خبر است که
چون وقت نماز می رسد ابلیس علیه اللعنة لشکرهای خود را میگوید متفرق شوید
و بروید مردمان از نماز باز دارید و مشغول کنید بکارهای دنیا تا تأخیر کنند
نماز را از وقت و اگر اینچنین نتوانید ایشانرا بدان دارید تا رکوع و سجود و قرأت
و تسبیح و دعا تمام نیارند و اگر این هم نتوانید دل ایشانرا در نماز مشغول
کنید تا بغفلت بگزارند و اگر برینها هیچ کدام قدرت نیابند بازگردد و خجل ند
خجل شده پس باید که مؤمن بپیند اسد افعال شیطانرا و از دور باشد و تعکل
کند بر خدای عز و جل در کل حالت و هر که خواهد که از شر شیطان و از وسواس
او ایمن باشد ساعة فساعة بخدای پناه گیرد و بگوید اللهم انی اعوذ بک
من شر نفسی و شر الشیطان و وسواسه الوسواس او ایمن باشد از تفسیر
مغنی در حدیث است هر که وضو و وضو تمام و نماز گزارد و رکوع و سجود تمام بجا
رد و قرأت بحضور دل بخواند آن نماز او را بگوید نگاه دارد خدای تعالی ترا
چنانک نگاه داشتی تو مرا و بالا رود آن نماز سوی آسمان و مر او را روشنایی
و نور باشد و گشاده شود مر او را درهای آسمان تا برود و در حضرت عز و جل شفاعت
کند مر صاحب خود را و اگر نماز ضایع کرده و رکوع و سجود تمام نیاورده و قرأت

کنده

و قرأت نیکو نخوانده بود پس بگوید آن نماز ضایع کند خدای تعالی ترا چنانک کردی
مرا پس بالا رود آن نماز سوی آسمان سیاه و تاریک بود چون بآسمان رسد درهای
آسمان برو بسته شود پس پیچیده شود آن نماز چنانک جامه کهنه و زده شود
بر روی او و از کفایه شعبی در خبر است که هیچ وزنی ندارد نزد خدای تعالی
بمقدار پر پشه نماز گزاردن بعلت و ذکر کفتن بغفلت و درود گفتن بر رسول صلی الله
علیه و سلم بی حرمت از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه و سلم فرموده چون بنده از
برای نماز بر می خیزد و بنماز شروع میکند حجاب از میان دور میشود بدرستی که بنده
در نماز حدیث نجات نیست پس چون بنده در نماز بسوی دیگر بنگرد و بگوید من
او را پروردگار عالمیان که ای بنده سوی که می نگری کیست او از من بهتر
نزد تو ای فرزند آدم بش من آی بدرستی که من بهترم ترا از آنک می نگری سوی
او پس چون بنده بار دوم بنگرد هم مثل این ایزد تعالی بگوید بار سیم بنگرد
همچنین بگوید چون بار چهارم بنگرد اعراض کند خدای تعالی از وی نعوذ بالله
من هذه الحالة تفسیر منیر در خبر است که دیوی هست او را متقاضی گویند
شیطان او را بر عابدان گماشته است تا هر وقتی که طاعتی کنند گرد ایشان میگر
دد و تقاضا میکند و وسواس تا آن رایش مردمان بگوید و آن همه تباه شود

ایضاً در تفسیر این آیت والذین فی صلوتهم خاشعون ابن عباس
رضی الله عنه گفت خاشع در نماز ~~می گزاریم ندانستم~~ آن بود که چپ و راست ننگرد
سعید بن جبیر رضی الله عنه گفت چهل سال است که نماز می گزارم ندانسته ام که بر چپ
و راست من که بوده است معاذ بن جبل رضی الله عنه گفت هر که در نماز بارش خود
عمداً نگاه کند که بر چپ و راست او کیست او را نماز نیست ایضاً از تفسیر منیر
مردی در نماز بارش خود بازی میکرد رسول صلی الله علیه و سلم گفت اگر این مرد را دل
خاشع بودی اندام وی نیز خاشع بودی و خواجه حسن بصری رحمة الله علیه
گفت سیصد مرد از صحابه رسول صلی الله علیه و سلم رضی الله عنهم دیدم هفتاد تن
از آن بدری بودند شبها نماز کردندی و در وقت سحرگاه گریستن گرفتندی و گفتندی
خداوند از ما بپذیرد گفت پرسیدم که چندین زاری چرا میکنید گفتند از بیم آنک نپذیرد
از عایشه رضی الله عنها و عن ابیها مرویست که پرسیدم از رسول صلی الله علیه و سلم
از تفسیر این آیت والذین یؤتون ما آتوا و قلوبهم وجلة یعنی آنکسانی که عمل صالح
میکنند و دلهای ایشان می ترسد گفتم یا رسول الله یعنی اینها گناهکاران باشند که گناه
میکنند و از خدای می ترسند گفت نه یا عایشه اینها آنکسان باشند که نماز میکنند و زکوة
می دهند و روزه میدارند و می ترسند که نپذیرد نقل از دوازده مسئله مسئله چهارم آنست که

آنست که ابلیس لعنه الله گفت بمهتر خضر علیه السلام که گناهانی کبیره را چون ترک
نماز فریضه و محرمات دیگر گناهان بر دل آسان کنم و سبک گردانم و بلذات
شهوات ترغیب گردانم تا در آنها فساد کنند و بر مردمان مصلح زاهد نمایند و او
پندارد که مسلمانم نزد خدای تعالی منافق باشد و غرض من از وی حاصل آید نعوذ بالله
من ذلک خضر میگوید علیه السلام که آن دوازده مسئله را ابلیس لعنه الله گفته بود
من بخدمت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود و جواب هر مسئله را سؤالی گفت و گفت
یا خضر علاج او آنست که چون خود را درین حالت یابد کلمه تجدید بسیار گوید و این
دعا بخواند اللهم انی اعوذ بک من الشرک والنفاق ومن غلبة الشقاوة
علی السعادة بحق لا اله الا الله محمد رسول الله ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره
علی الدین کله ولو کره المشرکون مسئله پنجم شیطان گفت زاهدان و عابدان
را در ریا اندازم و وسوسه کنم که هر طاعت کنی و عبادت چنانکن که خلق دانند و ترا
بچشم تعظیم بنگرند و صدقه چنان ده که مردمان ترا سخی خوانند تا چنان شود تا
هستی همه عمل او ریا گردد و رضای خدا را بخوشآمد نفس بدل کند و در
حضور مردمان نماز بحضور بگزارد و قرأت دراز خواند و در رکوع و سجود
تسبیحات تمام بجای آورد و در نماز خشوع نماید و در خلوت بدندی گزارد و ارکان

بود م گفتم رسول چون آن شنید او را بگریست بعد از آن هر که مسئله را علاج

تمام نیارد تا از شومی ریا خذلان او را دریابد و سهم طاعت او حبطه شود نعوذ بالله منها
جواب رسول صلی الله علیه وسلم چون این بشنید فرمود نعوذ بالله من الشرک
الخفی گفتند یا رسول الله شرک خفی چیست گفت ریا پس فرمود علاج او آنست
چون حال خود بدین صفت یابد کلمهٔ تمجید بسیار گوید و این دعا بخواند اللهم احفظنا
ولا تفضحنا واعصمنا من الریاء ومتابعة متابعة الهوی ووفقنا بطاعتک
خالصة لمرضاتک یا ارحم الراحمین مسئله نهم آنست که بوقت گزاردن نماز
فریضه سینهٔ او در آیم و دلش را بشغلهای دنیا پریشان کنم تا از حضور نماز باز ماند
و نماز از وی فوت شود و بسهو و لغو افتد و چنان بود که در آن نماز وی را هیچ ثواب نباشد
و رکوع و سجود تمام بجای نیارد غافل و از در نماز در آید و بیرون آید پندارد که از
عهدهٔ نماز بیرون آمده است و نماز در گردن او همچنان مانده فردای قیامت در
وادی ویل دوزخ باشد نعوذ بالله من ذلک جواب رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود یا خضر علاج او آنست که پیش از صبح سه بار کلمهٔ تمجید بگوید و سورهٔ
قل اعوذ برب الناس بخواند و این دعا بخواند اللهم انی اعوذ بک من شر شیطان الذی
یوسوس فی الصلوة اللهم قهره بسلطانک سلطانه علی حتی افوز بنجاتک
وانت نجی المؤمنین یا ارحم الراحمین و در خبر است که شیطان بخدمت رسول

رسول صلی الله علیه وسلم آمد بفرمان رب الکعبه و هر چه رسول می پرسید جواب
میگفت و افعال خود را بیان میکرد و گفت یا رسول الله اگر یکی از امتان تو
قصد نماز کند و خواهد که نماز بگزارد من شیطانی را بر وی موکل کرده ام تا با
وی میگوید وقت بسیار دور است و از هر نوع مشغولی در خاطر او آرد تا و
قت نماز بگذرد و اگر بدین باز نماند کسی را از فرزندان آدم بر وی آرم تا او را مشغول
کند بحدیث بیع و شری و بسی از اسباب چون آ وقت نماز شود باید نماز بگزا
رد همچنانک مرغ دانه چیند رکوع و سجود تمام نیارد پس رد کند خدای
تعالی نماز او را بدو فردای قیامت باز زنند بر روی او و مگر که خدای تعالی او را توبه
کرامت کند که توبه محو کنندهٔ گناهانست از تفسیر مغنی در خبر است که
زایل نشود قدمهای بنده از پیش خدای روز قیامت تا پرسیده نشود او را
پنج خصلت اول بپرسند از جوانی او که در چه صرف کردی دوم از عمر بپرسند که در چه
گذرانیدی سیم از مال بپرسند که از کجا کسب کردی چهارم از نفقه بپرسند که مال را
بچه خرج کردی پنجم از علم بپرسند که چه عمل کردی بدانچ دانستی دیگر آداب
از شرح اوراد آداب نماز آنست بر خویشتن در نماز بر هر دو ساق یعنی
هر دو دست بر زمین ننهد و نخیزد و راست داشتن هر دو قدم و میان هر دو

قدم مقدار چهار انگشت بگذارد و بیرون آوردن دستها از آستین وقت
گفتن تکبیر اول و سر را در قیام پیش افکندن چنانک زنخ بسینه نرسد
و نظر کردن در حالت قیام در موضع سجود و نظر کردن بر پشت پای
در حالت رکوع و نظر کردن در سر بینی در حالت سجده و نظر کردن در حالت حالت
قعده و پوشیدن دهن نزدیک آمدن فاژهٔ دهن و دفع کردن سرفه چندانکه
تواند و نظر کردن در حالت سلام سوی کتف راست و کتف چپ و برخاستن
امام چون موذن اقامت حی علی الفلاح رسد و شروع کردن امام بنماز فریضه
چون موذن قد قامت الصلوة بگوید انس بن مالک رضی الله عنه گفت
ادب در عمل علامت قبول عملست عبد الله مبارک گفت رحمة الله علیه
هر که خوار دارد فرایض را عقوبت کرده شود بحرمان معرفت ذکر صفت
نماز آورده اند که مصلی را احتیاج است در دو رکعت نماز بدوازده مسئله
و هر که این نداند او را چاره نیست که دوازده هزار مسئله بیاموزد و مسئله
زیرا که این دوازده مسئله را از دوازده هزار مسئله استنباط کرده اند و
ضو نماز بدان تمام میشود اول علم است و تمام علم سه چیز است دانستن حلال
از حرام و فریضه را از سنت و الهام را از وسوسه دوم وقت و تمام وقت

در کنار

وقت در سه چیز است مهیا بودن مر وقت را و انتظار زوال و شنیدن
بانگ نماز سیم وضو است و تمام وضو سه چیز است رسانیدن آب بمواضع
فریضه و ادای سنت فضایل با فریضه دیگر پاک کردن باطن را چنانک پاک میکند ظاهر
را با آب چهارم پاکی جامه و تمام او سه چیز است اصل او از حلال باشد و در دوختن نشست
و پوشیدن با اخلاص پنجم معرفت قبله است و بداند که کعبه قبلهٔ مؤمنانست
و هر که روی او از کعبه بگردد در نماز او فساد پذیرد و هر که دل او از حق بگردد
دین او فساد پذیرد و باید که نیت کند بیت را و مقام را و اگر نیت کرد مقام را و نیت
نکرد بیت را نماز روا نباشد لقوله تعالی و ول وجهک شطر المسجد الحرام بداند
که رسول صلی الله علیه وسلم کدام کدام مسلمانانست و همچنان بداند که در پس مقام
ابراهیم استاده است ششم نیت است لقوله علیه السلام انما الاعمال بالنیات
و تمام او سه چیز است بداند این کدام نماز است فریضه است یا سنت و بداند که
او را بدان که امر کرده است و بداند که پیش که استاده است هفتم تکبیر اول است
و تمام او سه چیز است فراغ دل از شغل دنیا و برداشتن دستها هشتم قرائت
است و تمامی او سه چیز است خواندن سورهٔ از قرآن آنچه که آسان تر است بر
وی و بترتیل خواندن و فاتحه خواندن با سه آیت نهم رکوع است و تمامی او سه چیز است

برابر داشتن پشت وکردن ونهادن هر دو کف دست بر هر دو زانو برابر داشتن هر دو دست وهر دو پای مقابل قبله وگفتن سبحان ربی العظیم سه بار **دهم** سجودات وتمامی او سه چیز است نهادن زانوها اول بر زمین پس دستها پس پیشانی وبینی وگفتن سبحان ربی الاعلی سه بار **پانزدهم** خواندن التحیات است وتمامی او سه چیز است نشستن بر پای چپ وایستاده پای راست التحیات لله تا عبده ورسوله وسلام گفتن بسنت ونیت کردن ملائکه را وجمله مؤمنان را وامام را **دوازدهم** اخلاص است وتمامی او سه چیز است چون تنها باشد نماز نیکو بگزارد وچنانک با مردمان گزارد که در خلوت بگزارد ودیگر نیت کند نمازی بعد ازین گزارد بهتر ازین گزارد پس این وضو ونماز تمامست چنانکه حق تعالی فرموده است ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر وبدانک نماز مواصلت است یا مواصلت پس هرکرا نماز او باز دارد از فحش ومنکر پس آن نماز مرا او را مواصلت است ومرد را بعد است نه قرب **از صلوة مسعودی** پنج نماز را بیان میکند چون آدم علیه السلام در بهشت شد شب ندیده بود چون بدنیا افتاد شب درآمد هوا تاریک شد آدم ازان اندیشه مند شد چون صبح بدمید وبرا

وبرا معلوم شد که شب وروز هر دو مرکبند وروزه شکرانهٔ آن دو حال را دو رکعت نماز گزارد بر ما فریضه شد دو رکعت نماز بامداد **وپدر ملت ابراهیم** خلیل صلوات الله علیه چون بخواب دید که فرزند را قربان باید کرد پس چون خدای تعالی فدا فرستاد واز خوف آتش نمرود نجات یافت شکرانهٔ آن چهار حالت را چهار رکعت نماز بگزارد پس بر ما فریضه شد چهار رکعت نماز پیشین **یونس** پیغامبر علیه السلام چون از خوف زلت واز ظلمت شکم ماهی واز ظلمت دریا نجات یافت وبشارت ایمان قوم شنید شکرانهٔ آن چهار رکعت نماز گزارد پس بر ما فریضه شد چهار رکعت نماز دیگر **وعیسی** علیه السلام بشکرانهٔ آنکه من بندهٔ ام وپیغامبر ومادر من بندهٔ خداست عز وجل وپیغامبر نه وخداوند مرا ان گفتن ثالث ثلثه که ترسایان گفتند نگاه داشت سه رکعت نماز گزارد بر ما فریضه شد سه رکعت نماز شام **وچون موسی علیه السلام** از مدین بمصر رفت وصفورا را درد ولادت گرفت وهوا تاریک شد وابر باریدن گرفت وبرق جستن گرفت ورعد غریدن گرفت وگرگ در رمه افتاد هر چند موسی علیه السلام آهن بر سنگ زد شعله آتش بیرون نیامد بر طور سینا نوری دید پنداشت که نار است قدم زد واز آنجا که طور سینا سیصد فرسنگ راه بود خدای تعالی در ساعتی بر آنجا رسانید چون

کلام باری تعالی شنید از آنجا بازگشت تا بشارت پیغامبری وهوا گشاده وگرگ از گله رفته وصفورا بار نهاده شکرانهٔ آن چهار حالت را چهار رکعت نماز بگزارد پس بر ما فریضه شد چهار رکعت نماز خفتن **وچون رسول** صلی الله علیه السلام از معراج باز آمد فرمود که خدای تعالی بر شما نماز زیاده کرد ادا نید وآن نماز وتر است وقت وی بعد از نماز خفتن تا صبح ووتر طاقست وخدا وند تعالی طاق دوست دارد **چون بندهٔ** مؤمن بقیامت سر از خاک تیره بر آرد براقی ببیند نورانی بر سر خاک وی ایستاده ویرا گوید برمن نشین که من ثواب نماز بامداد توام بروی نشیند می بردش تا به نزد آدم صفی علیه السلام **از آنجا** براقی دیگر پیش آید همچنان نورانی گوید برمن نشین که ثواب نماز پیشین توام بروی نشیند می بردش تا به نزد پدر ملت ابراهیم خلیل صلوات الله علیه **از آنجا** براقی دیگر پیش آید ازان نورانی تر گوید برمن نشین که من ثواب نماز دیگر توام بروی نشیند می بردش تا به نزد یونس علیه السلام **از آنجا** براقی دیگر پیش آید گوید برمن نشین نزد تو که ثواب نماز شام توام بروی نشیند می بردش تا به نزد عیسی علیه السلام **واز آنجا** براقی دیگر پیش آید گوید برمن نشین که من ثواب نماز خفتن توام بروی نشیند می بردش تا به نزد موسی علیه السلام **واز آنجا** براقی دیگر پیش آید

آید گوید برمن نشین که من ثواب نماز وتر توام بروی نشیند می بردش تا به نزد محمد رسول صلی الله تا بمقام شفاعت **ایضا** از صلوة مسعودی در وقت تکبیر اول دست بر آوردن سنت است چون دست بر آرد تا بکجا بر آرد بر قول طاوس یمانی تا زبر سر وبر قول مالک رحمة الله تا برابر سر وبر قول شافعی رحمه الله تا بکتف وبقول علما رحمهم الله تا نرمهٔ گوش وامام اعظم ابو حنیفه رحمة الله علیه گفته است که حدیثی بمن رسیده است مشهور را امید وارم چنانک فردای قیامت آمنا به وصدقنا بندهٔ که مستوجب عذاب عقوبت شده باشد وفرشتگان ویرا سوی دوزخ می برند خطاب عزت در رسد که دست از وی بدارید که ویرا در خزینهٔ ما طاعتی است که او را خبر نیست دست ازان بندهٔ بدارید چون بنده نجات یابد مناجات کند گوید الهی پروردگارا این چه طاعت بود که مرا ازوی خبر نیست خطاب در رسد گوید بندهٔ از بندگان من در دنیا نماز میکرد در وقت تکبیر اول دست ورا تا بکتف بر آورده بود ویرا امر کرد که دست تا نرمهٔ گوش بر آرد که آن اولی است من ترا آمرزیدم **وسه جای** دست برهنه داشتن سنت است **یکی** در وقت که دست در وقت تکبیر اول **دوم** در وقت مناجات **سیم** در وقت که دست در دست برادر مسلمان نهد **وابو یوسف** رحمة الله علیه گفت که این سه سنت

را اقامت کردم پروردگار مرا سه چیز کرامت کرد یکی آنکه عزیز شدم دوم توانگر شدم سیم مقتدای عالمیان شدم در فواید ونوادر خوجه امام ابو الحسن رستغفنی و امام بشاعری رحمهما الله آورده اند که بسیار جهد کردیم تا دل خود را در نماز حاضر یابیم نیافتیم مگر بچند خصلت یکی آنکه طهارت را از نقصان نگاه داشتیم وجامه را از نجاست اندک نگاه داشتیم وزبان را از لغو وغیبت نگاه داشتیم وحلق را از حرام وشبهه نگاه داشتیم ودر حالت قیام چشم را بجای سجده داشتیم خود را در نماز حاضر یافتیم وهر که این خصلتها بجای آرد خدای عز وجل ایمان بدوی نگاه دارد آورده اند که نوح علیه السلام ابلیس را لعنه الله دید گفت ای ملعون تو چه کار ملعون شدی گفت بسه کار یکی آدم که در سجده چشم پوشیده داشتمی وچون بقیام رفتمی قدمها بجای سجده نهادمی ودر قیام گاه برین پای استادمی وگاه بدان پای دیگر نشستمی این سه چیز بود که بسه خصلت گرفتار شدم تکبر وبخل وحسد کبرش آن بود که آنا خیر در خود دید وحسدش آن بود که میخواست که آدم نباشد وبخلش آن بود که آوردن سجده بخیلی کرد تا ملعون شد ومظفر در باب گفت از خضر علیه السلام پرسیدم که در شبان روزی هفده رکعت نماز فریضه

فریضه است حکمت چیست گفت ای مظفر در باب حکمت آنست که در شبانروزی پانزده رکعت نماز فرض است هشت رکعت در روز و هفت در شب و بهشت رکعت هشت در بهشت بر تو گشاده کردانند وآن چهار رکعت نماز پیشین وچهار رکعت نماز عصر است وهفت رکعت نماز شب هفت در دوزخ بر تو بندند وآن سه رکعت نماز شام وچهار رکعت نماز خفتن است از آن سبب که بهشت روشن است هشت رکعت بروشنی بگذارد ودوزخ تاریکی دارد هفت رکعت بتاریکی بگذارد باقی دو رکعت نماز مانده از شب است که نماز بامداد می توان گزارد وسحر توان خورد ونه از روز است که خورشید برنیامده است این آنست که بیک رکعت گناه روز بیامرزد وبیک رکعت گناه شب بیامرزد از خلاصة الحقایق سوال چیست فساد در نماز بنده بغیر حضور دل در حدیث آمده است بدرستی که مردی نماز میگذارد ونمی نویسند مر او را از نماز مگر نصفی یا چهاریکی یا پنج یکی از نماز این بقدر حضور دل اوست در نماز ذکر اخلاص از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم گفت هر که عملی کند از برای دنیا پس مر او را در آخرت نصیبی نباشد واین دلالت میکند بر آنکه روا نباشد گرفتن اجرة تعلیم قرآن وبانگ نماز وحج وجز آن زیرا که اجرة

از حظهای دنیاست ایضا در حدیث است که چون روز قیامت شود امت مرا سه گروه کنند یک گروه آن باشند که عبادت کرده باشند خدای تعالی را از برای دنیا دوم گروه آن باشند عبادت کرده باشند خدای تعالی را با اخلاص پس خدای تعالی بگوید آن طایفه را که عبادت کرده باشند از برای دنیا که خواستن شما چه بود از عبادت من گویند دنیا پس بگوید لاجرم دنیا شما را نفع نکرد بدانچه جمع کردید پس ایشانرا سوی دوزخ روان کنند پس خدای تعالی بگوید آن طایفه را که عبادت بریا کرده باشند چگونه عبادت کردی مرا گویند بار خدای تعالی گوید مزد از آن کسان طلب کنید که برای او عبادت کرده اید پس ایشانرا نیز سوی دوزخ برند پس بگوید خدای تعالی آن طایفه را که عبادت خالص کرده اند از بهر خدای که چه خواستید بعبادت من گویند الهی تو میدانی نیت ما وعقیدت ما خالص از برای تو بود پس حق تعالی گوید راست گفتید ایشانرا فرمان آید که بسوی بهشت روان کنید وآورده اند که مردی نیم شب بیدار شد ونماز تهجد دو رکعت بگزارد وبرخاست تا دو رکعت دیگر بگزارد مردی نزد وی گذشت این مصلی را در خاطر خوش آمد که این مرد مرا در خدمت مولای دید نماز تمام کرد در خواب شد بخواب دید که او را میگویند که آن دو رکعت نماز که تو کردی شایسته حضرت درگاه

درگاه ما نیست شایسته ما عملی خالی باشد از ریا التفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم گفت که از جبرائیل علیه السلام پرسیدم که اخلاص چیست گفت من از پروردگار جهانیان جل جلاله سوال کردم از اخلاص که اخلاص چیست ایزد تعالی فرمود که اخلاص سریست از اسرار من ودیعت نهادم آنرا در دل هر که آنرا دوست میدارم از بندگان خود ورسول فرمود صلی الله علیه وسلم که ای فرزند آدم الاخلاص الاخلاص یعنی اخلاص را لازم گیر بدرستی که بنده نجات نیابد روز قیامت مگر با اخلاص ودر آثار آمده است که مردمان همچون مردگان اند مگر عالمان وعالمان همه خفتگانند مگر عاملان وعاملان همه غافلانند مگر مخلصان ومخلصان در خطر عظیم اند ومخلص کسی است که نیست در ایمان او نقصان وشکی ونه در عمل او ریایی وفضیل عیاض رحمة الله علیه گفت ترک عمل از جهت مردمان ریاست وعمل از جهت مردمان شرک است واخلاص آنست که از این هر دو نگاه دارد وابو الحسن فوشنجی گفت اخلاص چیزیست که فرشتگان آنرا نتوانند نبشت وشیطان آنرا ابطال نتواند کرد ومردمان بر آن اطلاع نیابند وحکیمی گفته است که من شرم میدارم از پروردگار خود که او را عبادت کنم از خوف آتش پس من چون بنده باشم که اگر بترساند کاری کنم واگر نترساند نکنم وبدرستی که شرم میدارم من از پروردگار خود که او را

عبادت کنم از خوف یا امید بهشت پس من چون اجیر باشم که اجرة بدهد عمل کنم
واگر اجرة ندهد عمل نکنم **فصل دوم فضیلت** صف اول از **کفایه شعبی** مروی
ست که مردی بیامد بخدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم وگفت یا رسول الله
مرا عملی بگوی که با آوردن آن عمل ببهشت روم رسول صلی الله علیه وسلم فر
مود که امامت کن واگر نتوانی مؤذنی کن واگر آن هم نتوانی در صف اول نماز
بگذار برابر پشت امام **از فتاوی** ینبغی صف اول فاضلتر است از صف دوم و
صف دوم فاضلتر است از صف سیم و در خبر است که رحمت اول نزول میشود
بر امام پس بر صف اول پس بر صف دوم و سیم تا آخر پس باید که بنده در صف اول
باشد تا بعد از امام اول رحمت بدو رسد از تهذیب اولی مقام در صف اول
فرجه نباشد در صف دوم بایستد **از مضمرات** آورده است اگر در صف اول
فرجه یابد در صف دوم نه ایستد بکشاید صف دوم را و بصف اول برود و آن فرجه را
بگیرد زیرا که حرمت نباید کو فت صف دوم را مادام که فرجه صف اول را هشته باشند
از عوارف هرکه ترک آرد صف اول را از خوف آنکه تنگی نشود مؤمنان را در صف دوم
بایستد بدهد خدای تعالی او را ثواب صف اول بی نقصان **از تفسیر منیر**
در رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه ترک آرد صف اول را از خوف آنکه ایذا بی ترسد

نرسد مسلمانی را و در صف دوم و سیم بایستد بدهد خدای تعالی او را ثواب صف اول
از خلاصة الحقایق وهب بن منبه گفت که کعب الاحبار ملازم در صف آخر نماز کردی
از وی سؤال کردم گفت بدرستی که من در توریة یافته ام که امت محمد صلی الله علیه وسلم
مردان باشند که چون سجده کنند یکی از ایشان سر برنداشته باشد از سجده که حق
تعالی بیامرزد آنکس را که در عقب او باشد گفت من بدین نیت در صف آخر بایستم
که شاید که پس من کسی استاده باشد بسبب سجده او آمرزیده شوم **از تفسیر منیر**
رسول صلی الله علیه وسلم گفت که حجت است که اگر بندگان بدانند که چه ثواب است در
بقرعه با یکدیگر آن عمل نکنند یکی بگاه رفتن بمسجد دوم بانگ نماز گفتن و سیم در
صف اول ایستادن **ایضا** در خبر است هرکه فرجه را ببندد در صف اول برآرد
خدای تعالی برای او بدان درجه و بنا کند برای او خانه در بهشت **از کفایه شعبی** در
خبر است که پنج گام است که ثواب آن کس نداند مگر خدای تعالی **یکی** آنکه گام زند تا فرجه
صف اول بگیرد **دوم** آنکه گام زند بطلب علم **سیم** آنکه گام زند برای پیوستن رحم
چهارم آنکه گام زند در غزا از صف مسلمانان سوی صف کافران وقت قتال **پنجم** آنکه گام
زند بجهت اصلاح در میان دو کسی بدکند که ثواب این گامها کسی نداند مگر خدای تعالی
و در خبر است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی که بهترین صف مردان صف اول است

و بدترین صف ایشان صف آخر است و بهترین صف زنان آخر صف ایشانست و بدترین
صف ایشان صف اول ایشانست **و مرویست** که رسول صلی الله علیه وسلم گفت که قومی باشند
از امت من همیشه در آخر صفها ایستند تا خیر دارد خدای تعالی ایشانرا از آتش دوزخ
پس از سبب این خبر مستحب است که بگذرند از صفها چون ممکن باشد و ببندد فرجه
را و این در پنج نماز است اما در نماز میت مستحب آنست که در صف آخر بایستد **در خبر است**
که هرکه بایستد در صف اول در قفای امام بنویسند مر او را صد نماز هرکه بایستد بر
راست امام در صف اول بنویسند هشتاد پنج نماز و هرکه بایستد بر چپ امام در صف
اول بنویسند مر او را پنجاه نماز و هرکه بایستد در صفهای دیگر بنویسند مر او را بیست
پنج نماز و بدرستی که صف اول مرتبه دارد بیک شرط و آن آنست که طعام و لباس او را
حلال باشد اما چون پر شد شکم او از حرام صف اول و آخر برابر است **از خلاصة
الحقایق** آورده اند که سعید بن المسیب رضی الله عنه هرگز نماز جماعت در صف
اول فوت نشده بود مدت چهل سال روزی در مسجد در آمد کسی دیگر سابق
شده بود و مقام گرفته بسیار تاسف بخورد ندای شنید که بایست و نماز خود
بگذار که بدرستی که تو دریافتی صف اول را و اجر مصیبت را **از تفسیر منیر** ابن عباس
رضی الله عنهما گفت روزی رسول صلی الله علیه وسلم می فرمود که خدای تعالی با همه فرشتگان

فرشتگان خود و همه درود دهند بر آنکسان که در صف اول باشند در نماز **صحابه**
در صف اول غلبه کردند و قومی را که خانها دور بود گفتند بفروشیم و به نزدیک
مسجد خانه سازیم تا در صف اول جای گیریم این آیت آمد که ما صف اول را می بینیم
و می دانیم ما بندگانرا مکافات بر نیت ایشان دهیم **و سفیان ثوری** گفت رحمة الله
علیه صلحای که بوده اند اگر از ایشان نماز جماعت فوت شدی یک هفته تعزیت داشتندی
و اگر تکبیر اول فوت شدی سه روز تعزیت داشتندی و اگر صف اول فوت شدی
یک روز تعزیت داشتندی **از خلاصة الحقایق** سؤال کیست از صف اول در مسجد
جواب ابو سعید خدری رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اول
گروه که در آیند در مسجد ایشان از اهل صف اول اند اگرچه در صف اول نماز نگزارند
و در خبر است که رسول صلی الله علیه وسلم پرسید از شیطان لعین کیست ترا می ر
نجاند گفت آنکه در صف اول ایستادن میکرد پس قومی که خانها از مسجد دور داشتند
گفتند خانها بفروشیم و به نزدیک مسجد خانه سازیم تا صف اول یابیم پس رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود هرکه سوی مسجد آید او را بهر گامی چندین ثواب و چندین درجه
در بهشت برآرند چون مردمان این بشنیدند خانها از مسجد دور گرفتند تا بهر
گامی ثواب بیشتر یابند و بر رسول صلی الله علیه وسلم وحی آمد که ما مردمانرا اجرا بنیت

ایشان دهیم رسول صلی الله علیه وسلم گفت بهترین صفها صف اول است و بهترین
صف اول راستهای امام است و بهترین راستهای صف اول آنکه با امام نزدیک‌تر باشد
و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که چون قسمت میکند خدای تعالی رحمت را اول منزل
می شود بر سر امام پس بر سر کسی که در عقب امام است پس بر راستهای صف اول پس
بر جبهای صف فصل سیم در فضیلت نماز بجماعت از خلاصة الحقایق رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که خبر کرد مرا جبرائیل علیه السلام ثواب نماز بجماعت را و
برانگیخت مرا یعنی چندان ترغیب کرد که من ترسیدم که قبول نیست نماز مگر
بجماعت از عبدالله بن ام مکتوم می آرند که او مردی بود نابینا بخدمت رسول
صلی الله علیه وسلم آمد و گفت یا رسول الله من مردی نابینا ام و میان من
تو در میان راه درختان انبوه اند در هم پیچیده و مرا دست کشی نیست
مرا رخصت ده در نماز خفتن و نماز بامداد که در مسجد حاضر نشوم رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که تو بانگ نماز می شنوی گفت بلی رسول علیه او را رخصت
نداد از فواید الفواد سخن در نماز بجماعت افتاد در آن باب نیک مبالغه و غلو کرد
اگر دو کس باشند هم جماعت باید کرد اگر چه دو کس جماعت نباشند اما ثواب جماعت
باشد و این دو تن باید که برابر ایستند و صلوة مسعودی آورده است که نماز بجماعت

بجماعت گزاردن سنت موکد است و نا آوردنش معصیت است و بدعت
و ضلالت و اما احمد حنبل رحمهما الله گفتند که اگر امام در رکوع باشد و مردی
محتشمی در آید و امام درنگ کند در رکوع بدرستی که امام کافر شود در ساعت
زیرا که در نماز شریک آورد و اگر محتشم نباشد و با امام نمی داند که وی کیست پس اگر
منتظر او شود تا دریابد بعضی مشایخ رحمهم الله تعالی گفته اند که مکروه است
و بعضی گفته اند مکروه نیست و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که روان شود
بسوی مسجدها باری تعالی از برای طلب جماعت پس مر او راست بهر گامی برفتن و آمدن
ده نیکی و پاک شود از وی ده بدی و ابوهریره رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود تارک الجماعت ملعونست در توریة و ملعونست در زبور و ملعون
نست در انجیل و ملعونست در فرقان و اگر براه رود زمین بروی لعنت کند
و آسمان بروی لعنت کند و اگر بسوی آسمان نظر کند لعنت کند و عبد ابن علی رضی الله
عنهما از رسول صلی الله علیه وسلم که مردی سوال کرد و گفت یا رسول الله اگر مردی تمام
شب قیام کند و روز روزه دارد و در نماز بجماعت حاضر نگردد رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود در آتش باشد و آورده اند که مردی نزد ابن عباس آمد از بصره یکماه راه
و بپرسید از مردی که شب را قیام کند و روز را روزه دارد و بجماعت حاضر نشود

گفت در آتش باشد و سفیان بن عیینه گفت که مردی بود در کوفه از اغنیا بجماعت
حاضر نشدی او مهمانی کرد و خلق را طلب کرد و هیچ کس بروی حاضر نشدی گفتند
ما اجابت نکنیم دعوت کسی را که او اجابت نکند دعوت خدا را و آورده اند که قبول
نکند خدای تعالی عذر چهار کس در روز قیامت مردی که بانگ نماز بشنود و بجماعت
نیاید بی عذری و مردی که بروی حج واجب باشد و حج نکند بی مانعی و کسی که بر سر طعام
خوردن باشد سایلی بروی برسد او را از آن طعام نده هد و کسی که و بر او منکری
پیش آید از آن منع نکند عذر ایشان مقبول نیست از تفسیر منیر ابن عباس گفت
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود اگر شما بدانید که در نماز بجماعت چه ثوابست بیایید
اگر چه بزانو باید آمدن و گفت چون امام باشد و دو تن از پس او نماز کنند بنویسند
در نامهٔ هر یکی از ایشان بهر رکعتی هزار رکعت نماز و هزار شهرستان بنام او در بهشت بنا کنند
و هزار حور العین را جفت او کردانند و بسه تن سه هزار و چهار تن چهار هزار و پنج
تن پنج هزار و شش تن شش هزار و هفت تن هفت هزار و هشت تن هشت هزار
و نه تن نه هزار و چون ده شود بر فزایند و هر یکی سی و شش هزار نماز نویسند و سی و
شش هزار شهرستان و سی و شش هزار حور العین بنام او بیافزایند و چون از ده
تن زیاده شوند اگر همه دریاها مداد کردند و درختان قلم و آدمیان و پریان کاتب

شوند ثواب یک رکعت نماز نتوانند نبشت پس رسول صلی الله علیه وسلم را گفتند
زیادت کن که خدای تعالی شرف ترا زیاده کرداند گفت بدان خدای که تن جان من بفرمان
اوست که یک رکعت نماز که مومن بجماعت بگزارد بهتر بود که عبادت یکساله و بهتر
از هزار اسیر آزاد کرده و بهتر از هزار اسب در راه غزا سبیل کرده و بهتر از یکساله
مکه را مجاور بودن و مومنی که سنت جماعت را دوست دارد خدای تعالی او را دوست دارد
و فرشتگان او را دوست دارند و بامداد و شبانگاه در بهشت از بهر او گشاده
کردد و بامداد آمرزیده برخیزد و شبانگاه آمرزیده باشد و خدای عز و جل بوقت مرگ
او ملک الموت را سوی او بفرستد همچنانکه سوی پیغامبران فرستاد و مرگ او
چون شهیدان باشد و خدای تعالی گور وی را مرغزاری کرداند از مرغزارهای بهشت
و از این جهان نرود تا جای خود در بهشت نه بیند و از جوی های آن آب نخورد و از
میوه های آن نخورد و روز قیامت هزار تن از اهل بیت خود شفاعت کند چون
از گور برخیزد حله بپوشانند و تاجی از نور بر سرش نهند و رویش تابان باشد
و با صدیقان و شهیدان در سایهٔ عرش جایش دهند و بدان خدای که مرا بحق بخلق
فرستاد که هر که بر سنت جماعت بمیرد درهای بهشت بروی بگشایند تا از هر در که خواهد
بی حساب در آید و رفیق ابراهیم خلیل علیه السلام باشد چون بامداد کند

مؤمن در امان خدای تعالی باشد تا نماز پیشین و همچنین در پنج نماز و درین
باب اخبار و فضایل بسیار است مختصر کردم از صلوة مسعودی ثواب
تکبیر اول انس بن مالک رضی الله عنه روایت میکند از رسول صلی الله علیه وسلم
هر که این پنج نماز بجماعت نگاه دارد خدای تعالی ثواب هزار شهید در دیوان او
نبشته گرداند و ابوبکر رضی الله عنه گفت که هر که یک ختم قرآن کند بعدد هر حرفی
که در قرآنست خدای تعالی امر فرماید تا بنام آن بنده در بهشت کوشکی بنا کند
واگر من توفیق یافتمی که هزار ختم قرآن کردمی و آن همه از من فوت شدی بر دل
من آن رنج نرسیدی که تکبیر اول از من فوت شدی و امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه
گفته است که هر که گرسنه را طعام دهد و یا روزه دار را بعدد هر ذره که دران طعام باشد
خدای تعالی امر کند تا بنام آن بنده در بهشت کوشکی بنا کنند واگر من توفیق یافتمی که همه
گرسنگان و روزه داران عالم را طعام دادمی و آن همه از من فوت شدی بر دل من
آن رنج نرسیدی که تکبیر اول از من فوت شدی و امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه
گفت که هر بنده قربان کند بعدد هر موی که دران قربانست خداوند عز وجل امر
کند تا بنام آن بنده در بهشت کوشکی بنا کنند واگر من توفیق یافتمی جمله بدنهای
عالم را قربان کردمی آن همه از من فوت شدی بر دل من آن رنج نرسیدی که تکبیر اول از من فوت

فوت شدی و امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت هر که کافر را در معرکه گاه
بکشد بعدد هر موی که بر تن آن کافر است خدای عز وجل امر فرماید که بنام آن
بنده در بهشت کوشکی بنا کنند واگر من توفیق یافتمی که جمله کافران عالم را در
معرکه گاه بکشتمی و آن همه از من فوت شدی بر دل من آن رنج نرسیدی که تکبیر
اول از من فوت شدی بنابر آنست که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده است که تکبیر اول
به از دنیا و آنچه در دنیاست و عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرد از
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر کرا در دنیا یک تکبیر فوت شود بقیامت وی را چندان
حسرت و ندامت و مشقت بود که چهل هزار بار بسؤال منکر و نکیر مشغول
شده استی بنده را حسرت و ندامت زیاده ازان بود بنابر آن اصل که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که تکبیر اول به از دنیا و آنچه در دنیاست و آورده اند
که در عهد رسول صلی الله علیه وسلم دو مرد بودند میان ایشان برادر خواندگی
و محبت بود یکی از ایشان نقل کرد آن مرد دیگر دعا کرد و گفت الهی مرا بدو بر
سان که من طاقت فراق او ندارم او هم نقل کرد پس او را بخواب دیدند گفتند که
رسیدی بدان یار خود گفت نه که او از من بالاتر است بهفتاد درجه گفتند بچه
درجات بچه یافت گفت روزی ما هر دو بار بسوی مسجد می رفتیم تا نماز بگذاریم یار من

سابق شد از من و تکبیر اول را دریافت و من در نیافتم از صلوة مسعودی
رسول صلی الله علیه وسلم گفت یا علی نیکبخت را سه علامت است قوتش از حلال بود
ونشست وخاست او با عالمان بود و نماز بجماعت بگزارد و بدبخت را سه علا
مت است قوت وی از حرام بود و از علما دور بود رسول صلی الله علیه وسلم
فرموده است که نصرت خدای تعالی در جماعتست هر که نماز تنها گزارد بدوزخ رود
و ابن عباس رضی الله عنه روایت کرد که سایلی از رسول صلی الله علیه وسلم سوال
کرد که مردی هست که زکوة مال می دهد و روزه ماه رمضان میدارد و حج
میرود و جهاد و نماز با شما میگزارد ولیکن نماز خفتن بجماعت نمی آید رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هو فی النار تا یک ماه آن سایل همین سوال میکرد
و رسول صلی الله علیه وسلم وی را همین جواب میداد و رسول صلی الله علیه وسلم
فرموده است هر که چهل روز نماز بجماعت بگزارد چنانک هیچ تکبیر اول
از وی فوت نشود خدای تعالی امر فرماید تا از برای او دو برات دهند یکی برا
ت از نفاق دوم برات از فراق رسول صلی الله علیه وسلم فرموده است هر که نماز
صبح و نماز خفتن را بتاریکی شب بجماعت نگاه دارد او مؤمن است
هر که جماعت نگاه ندارد منافقست حقا کما قال النبی صلی الله علیه وسلم

که

وسلم ان اثقل الصلوة علی المنافقین صلوة العشاء وصلوة الفجر و رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هر که اقتدا کند با امام متقی چنان بود که به پیغامبری
اقتدا کرده و هر که اقتدا کند با امام عالمی چنان بود که اقتدا کرده است بمن
پس معلوم شد که عالم از عابد فاضلتر است و نشاید هیچ مقتدی پیش از امام
سر بر دارد واگر سر بر داشت و دانست که امام سر بر نداشته است باید که باز رود
سر بسجده نهد که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده است هر که پیش از امام سر
بر دارد از سجده سر وی چون سر خر شود در گور از صلوة مسعودی رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که در سه وقت آسمانها و زمینها بنالند بحضرت عزت و
عرش در جنبش آید یکی وقتی که کسی یتیمی را بکشد یا زنی عذر کند دیگر وقتی که تکبیر
اول مؤمنی فوت کند آسمان بنالد که خداوندا مرا فرمان ده تا بر سر وی زنم
فرمان آید که ساکن باش بنده منست باشد که توبه کند بیامرزم اگر چنین بنده
را خداوند عز وجل بیامرزد فضل کرده باشد [illegible] واگر عقوبت کند عدل
کرده باشد ظلم نه از وصایای رسول صلی الله علیه وسلم فرموده است که تمنا
کرده است جبرائیل علیه السلام آرزو برده است که باشد با بنی آدم بهفت
خصلت یکی پنج نماز با امام دوم مجالست با علما سیم عیادت مریض چهارم

دیگر وقتی که زنا کند و از زنا غسل آرد

روی جنازه پنجم آب داد تشنه را ششم صلح کردن میان دو کس هفتم گرامی
داشتن یتیم را یا علی حریص باش بر آنچه تمنا کرده است جبرئیل علیه السلام از
تنبیه ابو اللیث رحمة الله علیه گفته اند که هر که پیوسته نماز بجماعت گزارد خدای
تعالی مر او را پنج خصلت کرامت کند اول تنگی از عیش وی ببرد دوم
عذاب گور از وی بردارند سیم نامهٔ اعمال او بدست راست دهند چهارم از
صراط بسلامت بگذرانند پنجم ببهشت اندر آید بی حساب و هر که نماز بجماعت
نگزارد بدوازده عقوبت گرفتار گردد سه اندر دنیا و سه بوقت مرگ و سه اندر
گور و سه اندر قیامت اما آنچه که در دنیا بود اول برکت از کسب او ببرند
دوم سیمای نیکان از روی او ببرود سیم در دل مردم دشمن گردد و آن سه
که بوقت مرگ باشد اول جان او گرسنه و تشنه بردارد اگر خلقان هفت [illegible]
نوشندی که همچنین است یکی آدمی از نماز جماعت دست باز نداشتندی دوم جان
کندن بر وی دشوار گردد سیم کلمهٔ شهادت نیابد و آن سه که در گور است
گور بر وی تنگ بود و سوال منکر و نکیر با هول و فزع بود و گور وی تاریک بود
بود و آن سه که در قیامت است اول خشم حق تعالی بر وی بود دوم حساب
بر وی دشوار بود سیم عذابش سخت بود از خلاصة الحقایق معاذ نسفی

نسفی گفت خواجه شقیق را نماز پیشین از جماعت فوت شد پنجاه درم
صدقه بداد و یکماه تعزیت داشت میگریست و میگفت اللهم اعطنی اجر
ما فاتنی و آورده اند که ربیع خثیم باد فالج داشت هر دو جانب او را دو کس
می گرفتند آنگاه گام زدی و پنج وقت نماز بجماعت حاضر شدی وی را گفتند
ترا رخصت است اگر تنها نماز در خانه بگزاری گفت چگونه کسی باشد که حی علی الصلوة
حی علی الفلاح بشنود اجابت نکند و آورده اند که مردی نابینا سوی مسجد روان
شد تا نماز خفتن بجماعت بگزارد در شبی باران بود زن گفت چرا در خانه نمی گزاری
گفت بروم مسجد تا ادا کنم شکر دستها و پایهای خویش پس از مسجد بخانه آمد
در خواب شد چون بامداد برخاست هر دو چشم او بینا شده بود پس بزن
خود گفت بنگر پروردگار مرا که شکر کردم او را اجر داد مرا بنگر من
از ملفوظ شیخ نظام الدین رحمة الله علیه روایت کردند و فرمودند که از
شیخ شنیده ام که مذکری بود که در سخن او خلق را ذوقی وقتی بود و
بسیار راحت میگرفتند و هیچ مسلمه مجلس تذکیر نبودی که چندین خلق
پیراهن پاره نکردندی و او را اتفاق عزیمت زیارت کعبه افتاد آنجا رفت
خلق مشتاق تر شدند که مولانا را اینچنین سخن کی بود چون زیارت

حج اسلام بجای آورد و باز گردید عشر عشیر آن قبول که داشت نمانده خلق
هم در آن مسجد جمع شدند و حلقه کردند و با او گفتند که ما مشتاق بودیم
که مولانا بیاید و در سخن او راحت بیابیم اول در سخن شما راحتها داشتیم چون
زیارت کعبه کرده باز گشتید در سخن شما قبولی نمانده است این از کدام شو
مست مولانا گفت که خدای تعالی میداند که تا من رفته ام و آمده ام جرمی و معصیتی
از من در وجود نیامده است مگر یک چیز کرده ام و همان زمان دانستم
که بهترین نعمتها از من برود همچنان شد و آن این بود که یک نماز جماعت
از من فوت شد اما در وقت گزاردم این از شومی آنست درین محل
خواجه بگریست و حاضران همه بگریستند که از برای فوت یک نماز بجماعت که در
وقت گزارد این شومی روی دارد و بیچاره آنکه اصلا بجماعت نمی رسد
و با آنکه بیشتر اوقات نمی رسد و تنها میگزارد و از کاهلی جماعت ترک میکند
حال او چگونه خواهد بود و مناسب این فایده دیگر فرمودند در معنی آنکه
رعایت و حفظ اوقات خمسه فایده دارد که شیخی بود که خلق بر وی رجوع میکر
دند اگر چه در آن وقت اکابر بسیار بودند اما خلق بدو توجه میکردند او با
خود گفت که در من طاعتی و عبادتی که مشایخ را باشد نیست پس این توجه خلق

خلق از چیست آوازی شنید که بجماعت رسیدن را بسیار مراعات آن از تو قبول
کردیم و این حکایت در فواید الفواد آمده است فصل چهارم در درود بعد از
نماز بامداد نقل از کافی مرویست از رسول صلی الله علیه وسلم هر که سنت نماز با
مداد در خانه بگزارد حق تعالی او را سه چیز کرامت کند اول فراخ کند رزق او دوم
کم کند منازعت را میان او و اهل او و ختم کار او با ایمان بود نقل از کتاب العوارف
هر که در سنت نماز بامداد در رکعت اول بعد از فاتحه الم نشرح بخواند و در رکعت
دوم بعد از فاتحه الم تر کیف بخواند وی را سور زحمت نرسد و اگر مدام بخواند
همه عمر ناسور زحمت ندهد و تجربه کرده اند که اگر کسی را خصمی باشد مغلوب
او شود اگر بدان نیت بخواند و شیخ امام اجل محمد علی حکیم ترمذی رحمة الله
علیه گفت که من بخواب دیدم حضرت عزت را جل جلاله هزار بار سوال میکردم
و هر بار که من سوال کردم که بدرستی که من می ترسم از زوال ایمان پس امر کرد پرور
دگار مرا هر باری بگفتن این تسبیح در میان سنت فریضهٔ نماز بامداد چهل
یکبار و شیخ ابو بکر کتانی رحمة الله علیه شبی حضرت رسالت را صلی الله علیه
وسلم را بخواب دیدم و گفتم یا رسول الله چه دعا گویم تا خدای تعالی دل مرا نمیراند رسول
صلی الله همین تسبیح فرمود هر روز هر که چهل یکبار در میان سنت و فریضهٔ نماز

بامداد بگوید و تسبیح اینست یا حیّ یا قیّوم یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال
والاکرام یا لا اله الا انت اسئلک ان تحیی قلبی بنور معرفتک ابدا یا الله یا الله
یا الله فصل پنجم درود بعد از نماز فریضهٔ صبح از خلاصة الحقایق رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود که گرانترین نماز بر منافقان دو نماز است نماز بامداد و نماز خفتن
و اگر بدانند که درین هر دو نماز چه ثواب است بیایند بگزارند این دو نماز را اگرچه
بزانو باید رفتن و آمدن از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که نماز
بامداد بگزارد در حرز امان خدای تعالی باشد ایضا رسول صلی الله علیه وسلم فر
مود که هر که نماز بامداد بگزارد پس بنشیند و ذکر خدای عز وجل بگوید تا آفتاب طلوع
کند مر او را حجابی و ستری باشد از آتش دوزخ و او را در جنة الفردوس هفتاد درجه
باشد و میان هر درجه آن قدر فاصله باشد که اسب تازی هفتاد سال در تگ
بود و مر او را بود ثواب حج مبرور و عمرهٔ مقبول و رسول صلی الله علیه وسلم گفت
هر که بگزارد نماز بامداد بجماعت بدهد خدای تعالی مر او را پنج چیز اول رزق حلال
دوم برکت در رزق و سیم نجات از عذاب گور چهارم بگذرد از پل صراط چون
برق جهنده پنجم در آید در بهشت بی حساب از وسیلة العقلاء در حدیث آمده
است بروایت ابو درداء رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم گفت هر که بگوید

بگوید از پس فریضهٔ نماز بامداد که هنوز حدیث نگفته باشد و زانو بالا کرده
بود ده بار لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد ویمیت وهو حیّ لا
یموت ذو الجلال والاکرام بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر ثبت کرداند
خدای تعالی هزار بار گفتن این ده بار را در دیوان او و بر آرد در بهشت بهر یکی از آن
برای او ده درجه و باشد مر او را بهر یکی ثواب آزاد کردن بنده و آن روز
در حفظ و حرز و عصمت حق تعالی باشد از دیو و شومی گناه چه نبود رسد مگر
شرک نعوذ بالله از ترجمان صلوة در خبر است مشهور می آید که خدای تعالی گفت
بعزت جلال من که هیچ بنده نیست که سورة الفاتحة و این آیتها را بخواند از پس فر
یضه الا که هفتاد بار هر روز برحمت در او نظر کنم و هفتاد هزار حاجت او را روا
کردانم و در دار الجلال که وعده گاه دیدار است ساکن کردانم با همه گناهان که
بود باشد اگرچه او خود گناه کار و پلید بود و آن همه از او کفایت شده باشد آیتها
اینست فاتحه و آیة الکرسی و آمن الرسول و شهد الله و قل اللهم مالک
الملک از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بعد از نماز
بامداد هر روز صد بار بگوید لا اله الا الله الملک الحق المبین حق تعالی او را چند
کرامت کند اول آنکه غنی گردد و فقیر نشود دوم آنکه عذاب گورش نباشد سیم آنکه

یحیی

در بهشت رود از تفسیر منیر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که نماز بامداد بگزارد
و سخن نگوید و ده بار قل هو الله احد بخواند در آن روز نیاید او را در آن روز هیچ
گناهی اگرچه ترغیب کند او را شیطان و وسوسه دهد و ابو امامة الباهلی
رضی الله عنه گفت که از رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بخواند آیة الکرسی
در عقیب هر نمازی روح او را قبض نکند مگر خدای تعالی و میان او و بهشت
حایلی نباشد و عبد الله ابن عمر رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که هر که بخواند آیة الکرسی در عقب هر نمازی روح او را قبض نکند مگر
خدای تعالی و جعفر صادق رضی الله عنه گفت هر که آیة الکرسی بخواند بعد از
هر نمازی تا خانه او ایمن بود از وسوسهٔ شیطان و اگر فقیر باشد غنی
گردد و رزق رسانند او را از جایگاه او نداند و نمیرد تا جای خود در بهشت
نبیند و مرویست از ابن عباس رضی الله عنهما که جبرئیل علیه السلام بر
موسی صلوات الله علیه آمد و گفت که خدای عز وجل فرموده است هر که
بگوید در عقب هر نماز فریضه این دعا یکبار اللهم انی اقدم الیک بین یدی
کل نفس ولمحة ولحظة وطرفة یطرف بها اهل السموات و
اهل الارض وکلما این متصل آیة الکرسی بخواند بدرستی که شب

شب و روز بیست و چهار ساعت است در هر ساعتی سوی من آید از آن
بنده هفتاد هزار نیکی تا آنگاه که دمیده شود فرشتگان مشغول
باشند بنبشتن نیکیهای وی فضیلت مسبعات عشر از اوراد
شیخ الشیوخ رحمة الله علیه پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب هر یکی
هفت بار بخواند برین ترتیب اول سورة الحمد دوم قل اعوذ برب الناس
سیم قل اعوذ برب الفلق چهارم قل هو الله احد پنجم و قل یا ایها الکافرون
ششم آیة الکرسی هفتم سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یکبار بگوید عدد ما علم الله و زنة
ما علم الله وملاء ما علم الله هشتم اللهم صل علی محمد عبدک و نبیک و رسولک
النبی الامی وعلی آله وبارک وسلم علیه نهم اللهم اغفر لی ولوالدی و
لجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والا
موات برحمتک یا ارحم الراحمین دهم اللهم یا رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا
واغفر اللهم افعل بی وبهم عاجلا و آجلا فی الدین والدنیا والا
خرة ما انت له اهل ولا تفعل بنا یا مولانا ما نحن له اهل انک اهل التقوی
اهل المغفرة وانک غفور حلیم جواد کریم رؤف رحیم و سه بار بگوید سبحان الله

ونحمدک علی عفوک بعد قدرتک سبحان من له الطاف خفیة فسبحان
الله حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض و
عشیا وحین تظهرون یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من الحی ویحیی
الارض بعد موتها وکذلک تخرجون ومن آیاته ان خلقکم من تراب ثم
اذا انتم بشر تنتشرون سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام
علی المرسلین والحمد لله رب العالمین فلله الحمد رب السموات ورب
الارض رب العالمین وله الکبریاء فی السموات والارض وهو العزیز
الحکیم فالحمد لله نحمده ونستعینه ونستغفره ونؤمن به ونتوکل علیه
ونشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له ونشهد ان محمدا عبده
المصطفی ورسوله المجتبی ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره علی
الدین کله ولو کره المشرکون من یهده الله فلا مضل له ومن
یضلله فلا هادی له ونعوذ بالله من شرور انفسنا ومن سیئات
اعمالنا برحمتک یا ارحم الراحمین از بستان المحبین والمحققین واز قوت
القلوب و از احیای علوم ابراهیم تیمی رضی الله عنه روزی نشسته بود از پس
خانه کعبه وخدای عز وجل را عبادت میکرد وگفت مردی را دیدم که بیامد و

وبر دست راست من بنشست نگاه کردم نیکو روی خوش بوی بود من او را
نشناختم گفتم یا عبد الله از کجا آمدی و چه نامی گفت من خضر پیغامبرم علیه السلام
چون او این بگفت هیبتی در دل من افتاد وگفتم یا نبی الله چون بود که خود
را عرض نمودی و دیگر مردمان ننمایی گفت از بهر آنک تو دوست خدای و دوست
پیغامبرانی علیهم السلام آنگاه خضر علیه السلام گفت یا ابراهیم من ترا هدیه
دهم پس گفت هر روز پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب مسبعات عشر
بخوان و هر یک سوره و دعا را بیان کرد چنانک بالا نبشته شده است پس
گفت یا ابراهیم اگر به همه عمر یکبار بخوانی ترا بسنده است و اگر هر روز بخوانی ثوا
بش کس نداند مگر خدای تعالی پس ابراهیم گفت یا نبی الله این که تو آموختی مهتر
خضر علیه السلام گفت از مصطفی صلی الله علیه وسلم شنیدم ابراهیم گفت مرا خبر
کن مرا از ثواب این مهتر خضر گفت از من مپرس که من ندانم ثواب این اگر محمد
صلی الله علیه وسلم را در خواب بینی از ثواب این سؤال کن بدرستی که ترا از ثواب
این خبر کند پس ابراهیم گفت یا نبی الله مرا چیزی بیاموز که محمد صلی الله علیه
وسلم را در خواب بینم پس مهتر خضر گفت یا ابراهیم چون نماز شام بگذاری با هیچ
کس سخن مگوی تا آنگاه نماز خفتن بگذاری پس دو رکعت نماز کن بخوان در هر رکعتی

الحمد یکبار و هفت بار قل هو الله احد بخواند بعد از سلام سجده کن و در سجده هفت
بار بگوی سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم پس سر از سجده بردار و این دعا بخوان یا حی یا قیوم
یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین یا رحمن الدنیا ورحیم الآخرة ورحیمهما یا اله
الاولین والآخرین وانت الاول قبل کل شیء وانت الآخر بعد کل شیء یا رب
یا رب یا رب یا الله یا الله یا الله یا رحمن و آنگاه بر خیز و هر دو دست
بر آور و هر چه نبشته خوانده باشی بر پای ایستاده بخوان و آنگاه بر پهلوی راست
بخفت روی خود سوی قبله کن و بر رسول صلی الله علیه وسلم درود میگوی تا آنگاه
در خواب شوی پس گفت آنچه خضر علیه السلام فرموده بود بدان نسق این نماز بکردم
و این دعا بخواندم چنانک فرموده بود بخفتم و در خواب دیدم که فرشتگان فرود آمدند
و مرا به بهشت بردند و اندر بهشت کوشکی دیدم از یاقوت سرخ و کوشکی
دیدم از زمرد سبز و کوشکی دیگر دیدم از در مروارید سفید و هر کوشکی کنیزکان حور
العین بی قیاس نشسته دیدم و رویهای ایشان تابان تر از آفتاب پرسیدم که این
کوشکها کراست گفتند مر آنکس را که این عمل کند که تو کردی پس از آن میوها و
شرابها بخوردم آنگاه هفتاد صف فرشته هر صفی چندانک از مشرق تا مغرب پس

بر من سلام کردند و رسول صلی الله علیه وسلم آمد دست من بگرفت [illegible] بخوشی
خوشی و من نیز دست مبارک او را بگرفتم ببوسیدم وگفتم یا رسول الله خضر
علیه السلام از تو این مسبعات عشر شنیده بود مرا خبر کرد پس رسول صلی الله علیه وسلم
گفت یا ابراهیم آنچه خضر بر تو حکایت کرد همه حق است و صدق بدرستی که از جبرئیل علیه السلام
شنیدم و آموختم پس ابراهیم گفت یا رسول الله چه ثواب باشد مر آن کس را که بدین
عمل کند پس رسول صلی الله علیه وسلم سوگند خورد و گفت بدان خدای
که فرستاد مرا به پیغامبری بحق که هر که بدین عمل کند چنانک تو کردی او ببیند مرا
چنانک تو دیدی و بخورد از طعام و شراب بهشت چنانک تو خوردی و بیامر
زد خدای تعالی گناهان کبیره او و بردارد خدای تعالی از او غضب خود و بفرماید
فرشته ها را که ننویسد گناه او تا سال دیگر و بدان خدای که مرا فرستاد به پیغامبری
بحق او عمل نکند این را مگر کسی که خدای تعالی او را سعید آفریده باشد و ترک نکند این
را مگر کسی که او را شقی آفریده باشد و ابراهیم تیمی رحمة الله علیه بعد از دیدن
این خواب چهار ماه بزیست و هیچ طعام و شراب از دنیا درین مدت نخورد
و او را بطعام و شراب حاجت نشد از آنک طعام و شراب بهشت خورده بود
و در احیای علوم آورده است که تا در ننشود کسی بر خواندن مسبعات عشر

مگر که او را از اهل بهشت باشد هر که مسلم بخواند در روز و شب در حفظ
حق تعالی باشد و از دنیا بیرون نرود تا مقام خود را در بهشت نه بیند و
نمیرد تا طعام بهشت نخورد و از فواید الفواد فرمود از برای بر آمدن حاجت
را مسبعات عشر هم آمده است بنده عرضه داشت کردم که هر روز در
وقت معین خوانده میشود و فرمود اگر مهمی پیش آید دینی و دنیایی بر نیت
آن علاحده بخواند آن مهم کفایت شود ایضًا از فواید الفواد در فضیلت
مسبعات عشر علو فرمود انگاه گفت مردک بود پیوسته مسبعات عشر
بخواندی وقتی در راهی افتاد طایفه راه زنان بر خاستند تا او را هلاک کنند
درین میان ده سوار پیدا شده اند هر ده سر برهنه بودند و شر راه زنان از وی
دفع کردند آن از ایشان پرسید که شما کیا نست گفتند ما مسبعات عشر ایم
و ما آن ده دعا ایم که هر روز هفت بار میخواندی آن مرد گفت شما سر برهنه چرا ید
گفتند از ان سبب که تو بسم الله الرحمن الرحیم نمی گویی درین حال بنده عرضه داشت
کردم که تسمیه کجا گویند فرمود که بر سر سوره گویند انگاه حکایت فرمود قاضی
کمال الدین جعفر بداوانی بود علیه الرحمة او را بسیار وردی بودی با جندان شغل
و قضای کارهای دیگر قرآن بسیار خواندی چون پیر شد از ان خواندن وردی

ورد ها باز ماند بر سید که چه حالست گفت بر مسبعات عشر بسند کردم که
جامع اوراد ست و رسول صلی الله علیه فرمود مر کرا نوونه جذبه است هر جذبه
بزرگتر از بود نرم کردن بشمشیر پس هر که خواهد سلامتی از ان باید بعد از
فریضه نماز این بگو بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اَعْدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَلِكُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ وَلِكُلِّ كَرْبٍ لِاٰدَمَ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلِكُلِّ ذَنْبٍ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَلِكُلِّ نِعْمَةٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ
فَمِنَ اللّٰهِ وَلِكُلِّ رَخَاءٍ اَلشُّكْرُ لِلّٰهِ وَلِكُلِّ اُعْجُوْبَةٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَلِكُلِّ
قَضَاءٍ وَقَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ وَلِكُلِّ طَاعَةٍ وَمَعْصِيَةٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللّٰهِ وَاَقُوْلُ لِكُلِّ رَغْبَةٍ وَرَهْبَةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰى مَنْ وَالَاهُ
از خلاصة الحقایق انس بن مالک رضی الله عنه فرمود که رسول صلی الله علیه
وسلم گفت فرشتگان کاتبان اعمال عمل بنده را می نویسند و صحیفه اعمال
اعمال بحضرت الهی برند چون حق سبحانه و تعالی دران صحیفه می بیند که در اول
صحیفه خیر است و در آخر خیر فرشتگان را فرمان میشود از حضرت عزت
که ای ملائکه من گواه باشید بدرستی که آمرزیدم آنچه میان این صحیفه
است از خط الملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله سره

العزیز بر لفظ مبارک راند که ورد باید آنچه وظیفه خود کرده است
اگر روز نتواند در شب بخواند و اگر شب نتواند خواند روز بخواند بهیچ حالی
وظیفه ترک نکند شومی آن بهمه ساکنان شهر خرابی کند بعد از ان هم درین
محل حکایت فرمودند که وقتی سیاحی بود و عالمی آمده بود از جانب
دمشق او حکایت کرد که در ان سوی دمشق شهریست آنجا رسیدم
آن شهر را خراب دیدم گویا هیچ خانه آبادان نباشد از خرابی آن شهر
تفحص کردم بزرگی بود او حکایت کرد که درین شهر مسلمانان سنتی بودند
همه صاحب ورد چند تن مسلمانان وردی که وظیفه ایشان بود ترک کردند
پس بر بنا مد مغول در آمد و همه شهر را خراب کرد و مسلمانان را اسیر کرد از شومی
ایشان شهر خراب شده است فصل ششم در فضیلت نماز اشراق در تفسیر گردد
این حدیث آمده است که رسول صلی الله علیه وسلم گفت هر که نماز بامداد بگزارد
و در نگ کند تا آن زمان که آفتاب طلوع کند چنانستی که چهار کسی را از فرزندان
اسمعیل علیه السلام خریده و آزاد کرده از تنبیه ابو اللیث رحمة الله علیه
آورده است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که نماز بامداد بگزارد و
بنشیند در مصلی تا آفتاب طلوع کند پس دو رکعت نماز بگزارد حق تعالی

تعالی آن نماز را حجابی کرداند میان او و میان آتش دوزخ روز قیامت در تنبیه
آورده است که انس ابن مالک رضی الله عنه گفت شنیدم از پیغامبر صلی الله
علیه فرمود هر که نماز بامداد بجماعت بگزارد و بنشیند در مصلی تا آفتاب طلوع کند
پس بگزارد دو رکعت نماز یا چهار رکعت نماز حرام کند داند خدای تعالی تن او را
بر آتش دوزخ از فواید الفواد در خبر است که چو روز شود فرشته بر بام بیت
المقدس بر آید و ندا کند که ای بندگان خدای و ای امتان محمد صلی الله علیه وسلم
خدای تعالی شما را روزی بخشید و شما را روزی تو در پیش است و آن روز روز
قیامت است برای ذخیره آن روز درین روز کاری بکنید و آن آنست که دو
رکعت نماز بگزارد بعد از طلوع آفتاب شکرانه روز در هر رکعتی بعد از
فاتحه پنج بار قل هو الله احد بخواند از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
هر که نماز بامداد بگزارد در مسجد پس بنشیند بذکر خدای تعالی مشغول کرد و تا
آفتاب طلوع کند پس حمد گوید مر خدای تعالی و بر خیزد دو رکعت نماز بگزا
رد بدهد خدای تعالی او را بهر رکعتی هزاران هزار قصر در بهشت در هر قصر هزاران
حوری بر سر هر حوری هزاران هزار خادم باشد نزد خدای تعالی از مطیعان
از روضه مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم نماز بامداد بگزارد دو رول

دو شنبه هشتم ماه ربیع الاول بس بهشت مبارک را بجا آورد و کفت هر که بکذارد صبح و بنشیند بر جای نماز تا طلوع کند آفتاب مقدار یک نیزه پس برخیزد و بکذارد دو رکعت نماز نبشته شود در دیوان متعبدان و مطیعان و اکر شش رکعت بکذارد نبشته شود در دیوان مستجابات و مطیعان و مخلصان که رجوع ایشان بسیار از همه چیزی بخدای عز و جل باشد و اکر هشت رکعت بکذارد نبشته شود آن از اولیا که ایشانند در روز قیامت نترسیده اند و نیست

از اوراد شیخ الشیوخ رحمة الله ده رکعت نماز بکذارد نیت چنین کند نویت

ان اصلی رکعتین شکرا لله عبادة له متوجها الی بیت الله تعالی در رکعت اول بعد از فاتحه آیة الکرسی بخواند و در دوم آمن الرسول الی آخره بخواند و الله نور السموات و الارض تا بکل شیء علیم بخواند بعد از سلام صلوات کوید و این دعا بخواند اللهم انی اصبحت لا استطیع دفع ما اکره و لا املک نفع ما ارجوا اصبحت مرتهنا بعملی و اصبح الامر بید غیری فلا فقیر افقر منی اللهم لا تشمت بی عدوی و لا تسؤ بی صدیقی و لا تجعل مصیبتی فی دینی و لا فی دنیای و لا فی الآخرة و لا تجعل الدنیا اکبر همی و لا مبلغ علمی و لا تسلط علی من لا یرحمنی فی الدنیا و الآخرة اللهم انی اعوذ بک من الذنوب التی تزیل بها النعم و اعوذ بک من الذنوب التی توجب بها

النقم برحمتک یا ارحم الراحمین نماز استعاذه دو رکعت نماز بکذارد نیت چنین کند نویت ان اصلی رکعتین صلوة الاستخارة متوجها الی القبلة در رکعت اول بعد از فاتحه قل یا ایها الکافرون و در دوم قل هو الله احد بخواند بعد از سلام صلوات کوید و این دعا بخواند اللهم انی استخیرک بعلمک و استقدرک بقدرتک و اسئلک من فضلک العظیم فانک تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب اللهم انی لا املک لنفسی ضرا و لا نفعا و لا موتا و لا حیوة و لا نشورا و لا استطیع ان آخذ الا ما اعطیتنی و لا ان اتقی الا ما وقیتنی اللهم وفقنی لما تحب و ترضی من القول و من العمل فی عافیة اللهم خر لی و اختر لی و لا تکلنی الی اختیاری اللهم اجعل الخیرة فی کل قول و عمل ارید فی هذه الیوم و اللیلة

فصل هفتم

در فضیلت نماز چاشت از قطب الاسلام رسول صلی الله علیه و سلم فرموده است که سه بار چیز جمع نیاید اول کناه با توبه دوم توانکری با زنا سیم درویشی با نماز چاشت از صلوة مسعودی که نماز چاشت بر رسول صلی الله علیه و سلم فریضه بوده است اما بر ما سنت است که اکر کذاری ثواب بود و اکر نکذاری بزه کار نشوی در عدد رکعات وی علما را اختلاف است از دو رکعت تا دوازده رکعت آمده است ظاهر روایت چهار رکعت است

و خواندن آنچه خواند روا بود اما مستحب آنست در رکعت اول و الشمس خواند و در رکعت و اللیل خواند و در رکعت سیم و الضحی خواند و در رکعت چهارم الم نشرح از اوراد چون ربع روز بکذرد دوازده رکعت نماز چاشت کذارد و اقل او چهار رکعت است در چهار رکعت اول در هر رکعتی بعد از فاتحه آیة الکرسی یکبار و قل هو الله سه بار و در چهار دیکر بخواند در رکعت اول بعد از فاتحه و الشمس و در دوم و اللیل و در سیم و الضحی و در چهارم الم نشرح یکبار و قل هو الله احد سه بار بخواند بعد از فراغ صد بار بکوید اللهم اغفر لی و ارحمنی و ارزقنی علی انک انت التواب الرحیم از صلوة مسعودی خواجه ابو القاسم حکیم ترمذی کفته است که ما چند چیز را در چند چیز یافتیم اول صحت تن را در روزه داشتن یافتیم کما قال النبی صلی الله علیه و سلم صوموا تصحوا و علت را در بسیار خوردن یافتیم و علم و حکمت را در شکم تهی یافتیم و رضای خدای تعالی در مخالفة هوا یافتیم و برکت روزی را در نماز چاشت یافتیم و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که در بهشت دریست که نام او ضحی چون روز قیامت شود آواز دراندازد که کجا اند آنکسان که دایم نماز چاشت کذارده اند اهل نماز چاشت را کفته اند این در از آن شماست پس در آیند به بهشت رحمت خدای عز و جل و در خبر است که رسول صلی الله علیه و سلم از شیطان لعین پرسید که کدام عمل است که نزدیک تو دشمن

دشمن تر است کفت نماز چاشت و روزه ایام بیض از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که در آدمی سیصد و شصت مفاصل است و بر یکی از آن صدقه است کفتند کیست که طاقت آن دارد کفت آب بینی در مسجد دفن کردن و راه پاک کردن از آن چیزی که زیان رساند مردمان را اکر این نتوانند پس دو رکعت نماز چاشت بکذارد در مقابله همه صدقها باشد و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که دوازده نماز ضحی بکذارد بنا کند حق تعالی از برای او قصری در بهشت از زر و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود نبشته شود مر آن شخص را دو رکعت نماز ضحی هزار هزار نیکی

نماز استحباب

دو رکعت نماز بکذارد چنین کند نویت ان اصلی رکعتین صلوة الاستحباب متوجها الی القبلة و در رکعت اول بعد از فاتحه سورة الواقعة و در دوم سبح اسم بخواند بعد از سلام صلوات کند و این دعا بخواند اللهم اجعل حبک احب الاشیاء الی و خشیتک اخوف الاشیاء عندی اللهم اذا اقررت عیون اهل الدنیا من دنیاهم فاقرر عینی بک و بعبادتک و اقطع عنی لذائذ الدنیا بانسک و الشوق الی لقائک و حب من یحبک و حب عمل یقربنی الی حبک و اجعل حبک احب الی من الماء البارد للعطشان یا ذا الجلال و الاکرام

نماز شکر دو رکعت

دو رکعت نماز بگذارد و نیت چنین کند نویت ان اصلی رکعتین شکر النهار
متوجها الی القبلة در هر رکعتی بعد از فاتحه پنج بار قل هو الله احد بخواند بعد
از سلام صلوات گوید و سه بار بگوید الحمد لله علی حسن الصباح والحمد لله
علی حسن المبیت والحمد لله علی حسن المساء له دون علمك ولك الحمد
حمدا لا امد له دون مشيتك ولك الحمد حمدا لا اجزاء لقائله الا رضاك
ولك الحمد حمدا عند طرفة عين وتنفس كل نفس الحمد لله كفاء حقه والصلوة
على رسوله محمد خير خلقه الهي ارجو رحمتك فلا تكلني الى غيرك طرفة عين ولا
اقل من ذلك واصلح لي شاني كله بلا اله الا انت وحدك لا شريك لك
وتب علي واغفر لي وارحمني انك ارحم الراحمين اللهم لك الحمد واليك
المشتكى وانت المستعان وبك المستغاث وعليك التكلان ولا
حول ولا قوة الا بك فصل هشتم در ورد نماز پیشین از تفسیر مغنی
رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود هر که نماز پیشین بگذارد بجماعت مر او را
باشد ثواب بیست و پنج نماز و هفتاد درجه باشد مر او را در جنة الفردوس میان
درجه صد ساله راه و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود مر خدای راست در آسمان دنیا
حلقه است که میگردد در آن آفتاب پس چون آفتاب گشت تسبیح میگوید

میگوید هر چیزی که هست مر پروردگار را جل جلاله پس امر کند خدای تعالی بنماز پیشین
در آن زمان باز شود درهای آسمان و بسته نمی شود تا آن زمان که میگذارند نماز ظهر را
و مستجاب می شود در آن زمان دعا و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که پس از
نماز پیشین صد بار بگوید اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد وبارك وسلم حق تعالی
او را سه چیز کرامت کند اول آنکه هرگز وام دار نشود و اگر وامش افتد از گنج
خود بی رنج دوخته گرداند دوم آنکه ایمان او را از زوال نگاه دارد سیم آنکه هیچ
نعمتش بقیامت حساب نکند و بتقصیرش عتاب نکند از فواید الفواد فرمود که
بعد ادای ظهر ده رکعت نماز کن به پنج سلام و در وی سورهای آخرین قرآن
بخوان یعنی از الم تر کیف تا آخر بعد از آن فرمود که این نماز را صلوة الخضر خوانند
حقیقت آنست که خضر علیه السلام گزارده است تا هر که این نماز پیوسته بگذارد با
خضر ملاقی شود از اوراد شیخ الشیوخ شهاب الدین سهروردی رحمة الله علیه
از برای حفظ ایمان بعد از نماز پیشین دو رکعت نماز بگذارد و بخواند در رکعت اول بعد
از فاتحه ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على
العرش يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات با
مره الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين ادعوا ربكم تضرعا وخفية

انه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا
ان رحمة الله قريب من المحسنين و در رکعت دوم بعد از فاتحه بخواند ان الذين آمنوا
وعملوا الصالحات كانت لهم جنات الفردوس نزلا خالدين فيها لا يبغون
عنها حولا الی آخر السورة بعد از سلام صلوات گوید این دعا بخواند سبحان
من لم يزل كان هو الآن سبحان من لا يزال يكون كما كان وكما هو الآن
سبحان من لا يتغير بذاته ولا في صفاته ولا في اسمائه لحدوث الاكوان
سبحان الدائم القائم سبحان القائم الدائم وهو حي لا يموت سبحان الاول المبدئ
سبحان الباقي المغني سبحان من يسمى قبل ان يسمى سبحان العلي الاعلى
سبحانه وتعالى سبحانه سبحانه سبحانه فسبحان الذي بيده ملكوت كل
شيء واليه ترجعون جابر رضي الله عنه روایت میکند که جبرائیل علیه السلام
نزد رسول صلی الله علیه وسلم آمد و گفت یا رسول الله درود خدای بر تو باد خنک مر او را
خنک مر او را خنک مر او را که بگوید از امت تو از پس هر نماز فریضه لا اله الا الله
وحده لا شریك له سه بار نقل از راحة القلوب در احادیث مسطور است
از مصطفی صلی الله علیه وسلم هر که بعد از هر نماز فریضه سه بار بخواند سوره الاخلاص را
و سه بار درود فرستد بعد از آن یکبار این آیت بخواند ومن يتق الله

الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب ومن يتوكل على الله
فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا بعد از آن سوی
آسمان ندا آمد حضرت عزت آن بنده را سه نعمت دهد درازی عمر و مال بسیار و بر
خوردار در آخرت و بی حساب در بهشت رود ان شاء الله تعالی تسبیح ابرا
هیم خلیل صلوات الله علیه السلام بعد از نماز پیشین بگوید الحمد لله قبل کل احد
والحمد لله بعد كل احد والحمد لله على كل حال چون بنده مومن گوید الحمد قبل کل
احد امر آید از پروردگار مر کاتبان اعمال وی را که بعدد هر چیزی که در آسمانها آفر
یده شده است نیکی در دیوان وی ثبت کنند و چون بگوید الحمد لله بعد کل احد
امر آید از پروردگار عز وجل مر کاتبان اعمال وی را بعدد هر چیزی که در زمینها
آفریده شده است نیکی در دیوان وی ثبت گردانید چون بگوید والحمد لله
علی کل حال امر آید از پروردگار عالمیان که مر کاتبان اعمال وی که شما نتوانید
این نبشتن من دهم جزای وی و آنچه خواهم فصل نهم در ورد نماز دیگر
از فتاوای حجة رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بگذارد چهار رکعت سنت نماز
عصر سپر شود مر او را از آتش دوزخ و در حدیث دیگر است که هر که چهار

رکعت نماز پیشین بگذارد بنا کند خدای تعالی برای او خانهٔ در بهشت و در خبری
دیگر است هر که نگاه دارد چهار رکعت نماز پیشین و نماز دیگر بعضی بگذاردن
حرام شود بروی آتش دوزخ واز عوارف واز فواید الفواد در چهار رکعت نماز
دیگر بعد از فاتحه سورهٔ البروج بخواند حق تعالی او را از دمل نگاه دارد و چون
نارو هم از ان قبیله است امید باشد که از ان هم نگاه دارد ایضا از فواید الفواد
در چهار رکعت سنت نماز دیگر بعد از فاتحه ده بار سورهٔ والعصر بخواند در رکعت
اول بعد از فاتحه چهار بار و در دوم سه بار و در سیم دو بار و در چهارم یکبار و در
روایت دیگر سه بار در اول رکعت و در رکعت دوم دو بار و همچنین در رکعت
سیم و چهارم و از شیخ الاسلام شیخ بهاء الدین زکریا قدس الله سره العزیز نقلست
که هر که در چهار رکعت سنت نماز دیگر ده بار سورهٔ والعصر مدام بخواند موت
او بسعادت و شهادت باشد ایضا از فواید الفواد فرمود که بعد از نماز دیگر
سورهٔ والنازعات بخواند خدای تعالی او را در گور نگاه دارد و در گور نباشد مگر
مقدار یک وقت نماز بعد از ان چشم پر آب کرد کسی در گور نماند چگونه باشد
گفت آن چنان باشد که روح بکمال می رسد چون روح کامل شد قالب العبد

جذب کند و هر که بعد از نماز دیگر پنج بار سورهٔ عمّ بخواند و اسیر محبت حق
شود و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که سورهٔ عمّ بخواند بعد از نماز
دیگر خدای تعالی بروی سکرات موت آسان کرداند او را از گور تنگی نگاه دارد
و رسول صلی الله علیه وسلم هر که بعد از نماز دیگر صد بار بگوید استغفر الله من کل
ذنب و اتوب الیه حق تعالی او را جزای کرامت کند اول گناه یکساله او را ببامر
زد دوم آنکه روزی بروی فراخ کرداند سیم آنکه هر دعایی که کند مستجاب شود
و منقول است از شیخ الاسلام رکن الدین رحمة الله علیه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود هر که بگوید بعد از نماز دیگر در روز جمعه هفت بار اللهم انت
ربی و انا عبدک اسئلک ان تصلی علی محمد عبدک و رسولک بیامرزد خدای
تعالی گناهان هفتاد ساله او را و او را ننویسند گناهان او را تا جمعهٔ دیگر و
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که نماز جمعه بگذارد و نماز دیگر روز جمعه بگذا
رد بجماعت پس وی تعزیه نفس خود بدارد از روز شنبه تا شنبه دیگر و در خبر است
هر که بعد از نماز دیگر دوازده بار سورهٔ اخلاص بخواند در وقت نزع البته با ایمان
برود و از تفسیر غریب عزیزی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر کرا نماز دیگر فوت
شود بدرستی که چنان باشد او را اهل بیت او را کسی کشته باشد و تمام مال

و اسباب او بغیر حق استده باشد از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که فوت کند نماز دیگر را حبط شود عمل او و زینهٔ او و از صلوة مسعو
دی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که چهار رکعت نماز بگذارد پیش از نماز دیگر
خدای تعالی ویرا چندان ثواب دهد که گویی هشت کس را از فرزندان اسماعیل در
دست کافران اسیر شده باشد وی سبب نجات ایشان شده باشد و سید
امام ابو شجاع رحمة الله علیه حدیثی روایت کرد باسناد صحیح از رسول صلی
الله علیه وسلم هر که چهار رکعت نماز بگذارد پیش از نماز دیگر خدای تعالی ثواب دوازده
ساله طاعت در دیوان او ثبت کرداند و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه سورهٔ
والعصر یکبار و گذاردن این نماز سبب بقای ایمانست حجاج نود هزار مسلمان
سنی را و یکی صحابه را سعید بن جبیر نام بنا حق کشته بود و در خواب دیدند چون
دهلی آماسیده بود و بوی ناخوش ازو می آمد ازوی سوال کردند خدای تعالی
با تو چه کرد گفت از برای هر شخصی بنا حق کرده بودم یکبار بکشتند مرا و از برای
سعید بن جبیر رضی الله عنه هفتاد بار مرا بکشتند گفتند ایمان بردی گفت آری
گفتند بچه خصلت گفت بچهار رکعت نماز قبل العصر پیوسته میگذاردم از تفسیر
حنفی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که نماز دیگر بگذارد بجماعت پس ذکر خدای تعالی

تعالی گوید تا آن زمان که آفتاب غایب نشود چنانستی که آزاد کرده باشد ده کس
را از فرزندان اسماعیل پیغامبر علیه السلام از کنز المواقیت رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود خدای تعالی میگوید ای فرزند آدم یاد کن مرا یعنی در ذکر من
باش بعد از نماز دیگر ساعتی و بعد از نماز بامداد ساعتی بدرستی که کافیست مر
ترا این دو ساعت از خلاصة الحقایق سوال یعنی مردمان تاخیر میکنند
نماز دیگر را تا نزدیک غروب آفتاب چگونه بود حال نماز ایشان جواب انس
بن مالک رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود خبر کنم شما را از نماز
منافقان که تاخیر کنند نماز دیگر را تا نزدیک غروب پس بگذارند چنانکه مرغ
دانه چیند و درا ذکر خدای تعالی نکو نیند مگر اندکی و در خبر است که ابلیس
علیه اللعنة بحضرت رسول صلی الله علیه وسلم آمد رسول گفت ای ملعون چرا
آمدهٔ گفت یا رسول الله فرشتهٔ آمد و از حضرت عزت جل جلاله فرمان رسا
نید مرا برو بحضرت رسول صلی الله علیه وسلم و هر چه از تو سوال کند بگوی جواب
آن بصدق و اگر نه ترا خاکستر کردانم پس رسول صلی الله علیه وسلم پرسید که
بمردم پیر بچه نوع در مکر آیی گفت یا محمد پیران را چیزی نمی فرمایم که از ایشان بر نیاید
و مرا طاعت نتواند کرد اما بفرمایم بدروغ گفتن و غیبت کردن و مسخرگی

کردن و گواهی بدروغ دادن و تأخیر کردن نماز و کاهلی در طاعت خدای تعالی
اما جوانان را امر کنم بفسق و فساد و جود و ظلم کردن و عجب و تکبر و نظر
کردن سوی حرام مسلمانان اما بچگان ایشان را در زیر بغل خود بازی میکنا
نم چنانکه میخواهم اما زنان پیر ایشان را امر میکنم ببهتان و سخن دروغ گفتن
و طعن کردن در میان مردمان و خوار داشتن نماز و جز آن اما عورتان
جوان را نیست میان من ایشان خلافی مگر از هزار زن یک زن بود که
گفت من نکند و از صد مرد یک بود که خلاف من بکند فصل دهم در
ورد نماز شام و درود از تفسیر مفتی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که
بگذارد نماز شام با جماعت مر او را باشد بیست نماز و هفتاد درجه در
جنة عدن میان هر درجه صد ساله راه از کفایة الاسلام رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود هر که بعد از سنت نماز شام دو رکعت نماز نفل بگذارد من شفاعت
او بکنم البته اگرچه فرزندان مرا کشته باشد یزید این حدیث را در دل
خود نقش بست و قصد کشتن فرزندان رسول صلی الله علیه وسلم کرد
بعد از آن همت بست که بعد از نماز شام دو رکعت نماز بگذارد و بشفاعت
رسول صلی الله علیه وسلم مشرف شود حضرت عزت او را بذات سکته مبتلا کرد

گردانید چون فرض سنت نماز شام ادا کرد که از خود برفتی و چون وقت
نماز خفتن در آمدی آن زمان بهوش آمدی مقصود انکه از شفاعت محروم
ماند و چنین می آرند از خواجه حسن بصری رحمة الله علیه که او را در خواب
دیدند بعد از وفات وی سوال کردند از مسلمانی و از حال گور ما را خبر کن
که چه بود حسن بصری رحمه الله علیه گفت دشوار دیدم که از هزار مسلمان که بمیرند
سیصد مسلمان با ایمان می روند هفتصد دیگر بی ایمان می روند پس باید که جهد
کنیم تا حق تعالی ایمان ما را بسلامت دارد در رقیم آخر گفت بعد از نماز شام دو رکعت
نماز کنید در رکعت اول بعد از فاتحه پنج آیت از اول سورة الانعام تا انباء
ما کانوا به یستهزءون و در رکعت دوم بعد از فاتحه پنج آیت دیگر تا
فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون بخوانید خدای تعالی
ایمان شما را از غارت شیطان نگاه دارد و امید از کرم حق تعالی چنانست که
با ایمان درست از دنیا بیرون روید انشاء الله تعالی و این نماز را صلوة النور
گویند از صلوة مسعودی هر که بعد از نماز شام دو رکعت نماز بگذارد و بخواند
در هر رکعتی بعد از فاتحه پنج بار قل یا ایها الکافرون بخواند هر که این نماز را
بگذاردن عادت کند خدای تعالی آن بنده را از سه تاریکی نگاه دارد از تاریکی

گور و تاریکی عرصات و تاریکی صراط و به بهشت برساند و این نماز را شکر اللیل
گویند [illegible] که چون شب در آید فرشته بر بام کعبه بر آید ندا کند ای
بندگان خدای و ای امتان محمد حق تعالی شما را بخشید شبی فرو شمار شبی
در پیش است و آن شب اول گور است برای ذخیره آن شب را در این شب
کاری بکنید و آن اینست که دو رکعت نماز بگذارید در هر رکعتی پنج بار قل یا
ایها الکافرون بخوانید از فواید الفواید بعد از ان روی سوی حاضران
کرد و فرمود که دو رکعت نماز است بجهت نگاه داشت ایمان می باید گزاردن
بعد از نماز شام و در رکعت اول بعد از فاتحه هفت بار قل هو الله احد یکبار
و یکبار قل اعوذ برب الفلق و در دوم رکعت هفت قل هو الله احد و یکبار
قل اعوذ برب الناس و چون سلام دهد ده بار بگوید ربنا لا تزغ قلوبنا
بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب بعد
بعد از ان سر به سجده نهد و سه بار بگوید یا حی یا قیوم ثبتنی علی الایمان
بعد از ان دو رکعت دیگر یاد کرده هم بعد از نماز شام گفت مرا یاری بود هم
درس او را مولانا تقی الدین گفتندی مردی صالح بود و دانشمند بود او
پیوسته بعد از نماز شام دو رکعت نماز بگذاردی و در رکعت اول بعد از فاتحه

فاتحه والسماء ذات البروج و در رکعت دوم بعد از فاتحه والسماء والطارق
خواندی چون او نقل کرد خواجه ذکر الله بالخیر فرمود که من او را در خواب دیدم گفتم
که خدای تعالی با تو چه کرد گفت چون کار من تمام شد فرمان آمد که ما او را بدین
دو رکعت نماز بخشیدیم و این نماز را صلوة البروج گویند از فتاوی حجة معلی
گفت که دیدم بخط ابن عباس رضی الله عنهما هر که بگذارد دو رکعت نماز بعد
از شام بخواند در هر رکعت بعد از فاتحه سوره اخلاص و معوذتین هر یکی
سه بار بعد از سلام این دعا بخواند اللهم اجعل هذه الصلوة سراجا فی قبری
و فی قبور جمیع المؤمنین هر که این نماز بگذارد حق تعالی این نماز را چراغی گرداند
در گور او تا روز قیامت و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بگذارد در میان
نماز شام و خفتن دو رکعت نماز بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه سه بار سوره
اخلاص آسان کند خدای عز وجل بروی سکرات موت از تفسیر منیر رسول
صلی الله فرمود هر که بگذارد بعد از نماز شام دو رکعت نماز بخواند در هر رکعتی بعد
از فاتحه یکبار قل هو الله احد پانزده بار چون روز قیامت باشد این مرد بیاید
همه اهل عرصات بگویند که این مرد از صدیقانست چون از صدیقان
پیش بگذارد گویند این مرد از شهیدانست چون از شهیدان بگذارد او را جای

نباشد تا برسد بزیر عرش رحمان جل جلاله از صلوة مسعودی صفت
صلوة الاوابین بین خواجه زاهد صلوة امام اجل سرخسی را رحمهما الله
درس میگفت این حدیث بیرون آمد هرکه بعد از نماز شام دو رکعت نماز بگذارد
بخواند بهر رکعتی فاتحه یکبار و آیة الکرسی یکبار و شهد الله یکبار و قل هو الله احد
پنج بار و قل اعوذ برب الفلق یکبار و قل اعوذ برب الناس یکبار خدای عز
و جل جان دادن بروی آسان کرداند و این نماز را نماز اوابین میخوانند
و در بهشت دریست که آنرا باب الاوابین نامست بنده مؤمن چون در دنیا
عادت داشته باشد این نماز را گزاردن چون روز قیامت مر از خاک تیره بر
دارد آن در ندا میکند که ای ولی خدای بسوی من آی از اوراد نماز حفظ ایمان
بعد از ادای فریضه سنت نماز شام دو رکعت نماز کند بخواند در هر رکعتی
بعد از فاتحه پنج بار رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ
أَنتَ الْوَهَّاب و پنج بار فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ و پنج بار بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا
الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و اگر خواهد بعد از
سنت نماز شام نفلی بگزارد یا نماز اوابین بگذارد آخر این دو رکعت نماز حفظ

حفظ ایمان بگذارد و ختم بوی کند از تنبیه ابو اللیث ابو هریرة رضی الله عنه
از رسول صلی الله علیه وسلم روایت میکند هرکه بگذارد میان نماز خفتن بیست
رکعت نماز نگاه دارد خدای تعالی اورا اهل اورا و مال اورا و دین اورا و آخرت اورا
و این نماز اوابین است و در عوارف آورده است که بیست رکعت نماز نیکی
بگذارد سورة الفاتحة و اخلاص بخواند از تفسیر معنی در حدیث است هرکه بگذارد
میان نماز شام و خفتن بیست رکعت نماز بخواند در هر رکعتی الحمد و قل هو الله
احد یکبار نگاه دارد خدای تعالی دین اورا و نفس اورا و اهل اورا و آخرت و د
نیای اورا از تفسیر منیر ابن عباس رضی الله عنهما گفت از رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود هرکه این سه آیت بخواند فسبحان الله حین تمسون و حین
تصبحون تا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ و سه آیت دیگر سبحان ربک رب العزة
عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین از این نماز
شام هر تقصیری که در روز از وی آمده باشد همه را دریافته باشد و بعبادت
مشغول شده و از پس نماز بامداد همچنین و اگر از پس هر نمازی بخواند نمازها
های وی پذیرفته شود و ثوابهای بی شمار از بهر او بنویسند و هم او
روایت کرد از رسول صلی الله علیه وسلم که هرکه کرا چیزی دهند از خدای تعالی بد

چنین معنی آن بنده با امید آن کار کند حق تعالی اورا آن ثواب دهد اگرچه
آن خبر درست نباشد و سوگند یاد کرد که من هیچ حدیثی اورا نشنیدم
از پیغامبر صلی الله علیه وسلم چشم من بران روشن ترازان باشد و علم شادمان
ترازان که برین حدیث در رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه بعد از نماز شام
صد بار بگوید لا اله الا الله محمد رسول الله حق تعالی اورا سه چیز کرامت کند
اول آنکه هیچ گناه ایمان وی را زوال نیارد دوم آنکه از وی خشنود گردد
سیم آنکه عذاب گور بروی نباشد فصل در ورد نماز خفتن از
از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه بگذارد نماز خفتن را
بجماعت مر اورا باشد ثواب شب قدر و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که
هرکه بگذارد نماز بامداد در آید در بهشت و نماز خفتن از صلوة مسعودی
امام زاهد فخر رحمه الله حدیثی روایت کرده است باسناد صحیح از
رسول صلی الله علیه وسلم هرکه بعد از نماز وتر دو رکعت نماز بگذارد بخواند در
هر رکعتی بعد از فاتحه الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ
قِنَا عَذَابَ النَّارِ الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ تا الی العزیز الحکیم و در آخر آیت
بگوید وانا علی ذلک من الشاهدین این نماز سبب بقای ایمانست و این

فی المسجد
و این نماز را بخانه گزاردن اولی تر است کما قال النبی صلی الله علیه وسلم لا صلوة
الا المکتوبة و اگر طالب علمی بنیت حفظ بگذارد خدای تعالی اورا حفظ بخشد
و روایت میکند حفصه بنت عمر رضی الله عنهما و عن ابیها زوجه رسول صلی
الله علیه وسلم هرکه بعد از نماز وتر این تسبیح سه بار بگوید توکلت علی الله
الحی الذی لا یموت سبحان الله والحمد لله رب العالمین خداوند عز و جل
ثواب هشتاد ساله عبادت پذیرفته در دیوان او ثبت کرداند از ملفوظ
مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم گفت مر فاطمه را رضی الله عنها که نیست از مردی
و زنی که بعد از نماز وتر دو سجده کند و بگوید در سجده اول سبوح قدوس
رب الملائکة والروح پنج بار پس سر از سجده بردارد و یکبار آیة الکرسی بخواند پس
بسجده دوم رود و پنج بار بگوید سبوح قدوس ربنا و رب الملائکة والروح
بدان خدای که جان محمد بفرمان اوست از جای برنخیزد الا آنکه آمرزیده باشد
و بدهد خدای تعالی مر اورا ثواب شهیدان و خدای تعالی هزار فرشته را بفرستد
سوی او تا بنویسند بنام او نیکیها و چنان بود که صد بنده را آزاد کرده و
مستجاب کند خدای تعالی دعای او و شفاعت دهد اورا روز قیامت در
در شش کس از اهل آتش و چون بمیرد شهید مرده باشد و پیغامبر

صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه بعد از نماز خفتن صد بار بگوید سُبْحَانَ اللهِ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَر او را خدای تعالی سه چیز کرامت کند
اوّل آنک هر شبی دو هزار و پانصد گناه کبیرهٔ او بیامرزد دوم آنک هر شبی دو هزار
و پانصد نیکی پذیرفته در دیوان او ثبت کند سیم آنک دو هزار و پانصد کوشک
در بهشت بنام او بنا کند از تفسیر منیر در خبر است باسناد صحیح امام
اعظم ابو حنیفه رضی الله عنه روایت کرد از ایوب عابد و محارب بن دِ
ثار و ایشان روایت از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما و او از رسول
صلی الله علیه وسلم هرکه بعد از نماز خفتن چهار رکعت نماز بگذارد در رکعت اوّل
بعد از فاتحه الم تنزیل و در دوم رکعت بعد از فاتحه تبارک الذی بخواند چنان بود که
شب قدر را دریافته و از عذاب گور ش ایمنی دهند و هفتاد تن را از اهل
بیت وی بشفاعت وی از آتش دوزخ برهانند و این نماز را در هر سالی یکبار
بگزارد صلوة السعادت مشایخ رضوان الله علیهم بگزاردن این
نماز وصیت کرده اند چهار رکعت بگزارد در رکعت اوّل بعد از فاتحه
قل هو الله احد ده بار بخواند و در رکعت دوم بعد از فاتحه بیست بار
بخواند و در رکعت سیم بعد از فاتحه سی بار بخواند و در رکعت چهارم بعد

از فاتحه چهل بار بخواند چون از نماز فارغ شود بسجده رود و در سجده بگوید
اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي سَعَادَتَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ و این نماز بست که آدم و نوح و ابراهیم
علیهم السلام گزارده اند و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که این نماز را بفاسقان
میاموزید که بر فسق خود یاری خواهند حاجت ایشان روا کردد و شمار
وبال عظیم باشد از روضه در خبر است که حق تعالی وحی کرد سوی داود پیغامبر
علیه السلام هرکه تمام شب بخسپد او شایستهٔ بهشت من نباشد از تفسیر منیر
انس بن مالک رضی الله عنه گفت از رسول صلی الله علیه وسلم شنیدم هرکه
شب بیدار شود و برخیزد طهارت سازد و دو رکعت نماز بگزارد پس عیال
خود را بیدار کند تا وی نیز دو رکعت نماز بکند حق تعالی نام او را و عیال او را
از جملهٔ ذَاکِرِينَ اللهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ نویسانند از تفسیر مغنی رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود چون بنده در شب از خواب برخیزد و سجده کند
پس خدای تعالی گوید بعزت و جلال من بخفتد و بگویم من نرسد ترا بعد از این
هیچ رنجی و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که دو رکعت نماز که بنده بگزارد در میان
شب بهتر است مر او را از دنیا و آنچه در دنیاست و اگر دشوار نبودی بر امت
من بدرستی که فریضه میکنم آن را بر ایشان و درّ اوراد آورده است که اوّل

تهجد چهار رکعت است و بیشتر چند انک تواند گزارد و بعد از هر دو
رکعتی که بگزارد اندکی بنشیند و تسبیح و استغفار میگوید و صلوات میفرستد
و در خبر است که زنی بیامد بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم و گفت که من عهد
دارم که شوهر نخواهم مگر مردی را که او هر شب هزار رکعت نماز بگزارد و مردی
برخاست و بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم آمد و گفت یا رسول الله بدرستی
که تو مرا دعای آموخته بودی که هرکه این دعا را بخواند چنانستی که هزار رکعت
نماز گزارده باشد و من هر شب آن دعا را میخوانم رسول صلی الله علیه وسلم تصدیق
داشت و آن مرد آن زن را بزنی خواست دعا اینست سُبْحَانَ الْمُقْتَدِرِ
لِمَا يَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ تَعَالَى لِمَا يُرِيدُ بِعِزَّتِهِ از تفسیر مغنی در خبر است که هر
آمَنَ الرَّسُولُ تا آخر بخواند بعد از نماز خفتن دو بار چنانستی که قیامت شب
کرده و در خبر است که هرکه آیهٔ شهد الله وقت خفتن بخواند بیافریند ایزد
تعالی از آن هفتاد هزار خلق را تا آمرزش خواهند مر او را تا روز قیامت و در خبر است
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود یا علی هرکه وقت خفتن آخر سورهٔ کهف بخواند
قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ تا آخر بنا کند خدای تعالی برای قصری از نور هرکه این آیت بخواند و
بخسپد بر آن وقت که خواهد بیدار شدن خدای تعالی او را بر آن وقت بیدار

بیان خواندن وقت خفتن

وقال صلی الله علیه وسلم ما من رجل ینتبه من نومه فیقول الحمد لله الذی خلق النوم والیقظة الحمد لله الذی بعثنی سالما سویا
اشهد ان الله یحیی الموتی وهو علی کل شیء قدیر الا قال الله صدق عبدی
وقال صلی الله علیه وسلم اذا استیقظ احدکم من نومه فلیقل الحمد لله الذی رد علیّ الروح وعافانی فی جسدی واذن لی بذکره
وکان صلی الله علیه وسلم اذا هبّ من اللیل کبّر عشرا وحمد عشرا
ای اذا قام من نومه

بعد از آن کند اگر بدین نیت خواندو هرکه این دعا وقت خفتن ورد سازد گور او را
نوراندود در گور او روشنایی از نور شود و دعا اینست یَا حَيُّ يَا حَلِيمُ يَا قَيُّومُ
يَا عَلِيمُ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ يَا كَبِيرُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا مَنِيعُ يَا وِتْرُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
مُحَمَّدٍ اَنْ لَا تَدَعَنِي فِي قَبْرِي فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ اَجْمَعِينَ يَا رَبِّ و هرکه در اثنای شب بیدار شود بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَ
حْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَ اللهِ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
بعد از آن هر حاجتی که خواهد البته باجابت مقرون باشد و هرکه از پهلو
به پهلو گردد بگوید یا الله حق تعالی او را بیامرزد و از کنز العباد شیخ
بهاء الدین زکریا رحمة الله علیه فرمود که هرکه این حروف بگوید و عقد بگیرد
در پنج انگشت دست راست کهیعص و در پنج انگشت دست چپ این حروف
بگوید حم عسق و عقد بگیرد و هر دو کف دست خود بدمد و در سر
روی خود فرو آرد و در اندام مالد بدمد در جهات خود از وسیلة القلوب
عقبه بن عامر رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه وسلم مرا بدید گفت بیاموزم
ترا که بهترست سوره که منزل شده است در توریة و انجیل و زبور و فرقان

وقال سبحان الملک القدوس عشرا واستغفر الله عشرا وهلل عشرا ثم قال اللهم انی اعوذ بک من ضیق الدنیا وضیق یوم القیامة
بیان برخاستن از خواب
بیان کهیعص و حم عسق

در بیان وقت خفتن

گفتم بلی یا رسول الله فرمود که قل هو الله احد و معوذتین بس فرمود که فرا
موش نکنی و نخسپی هیچ شبی تا آنکاه که این سوره بخوانی و عایشه رضی الله
عنها گفت که چون رسول صلی الله علیه وسلم بخواستی خفتن این هر سه سوره بخواندی
و کف هر دو دست برهم آوردی و دران میان بدمیدی و بر سر مبارک و
اعضای خود هر جاکه دست مبارکش رسیدی بمالیدی از پس و پیش و سه
بار همچنین کرد پس بخفتی ایضًا در حدیث آمده است که هر که بر سر جامه خواب
ده بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم بیرون آید از گناه چنانکه آن روز که از مادر زاده است ایضًا در حد
یث آمده است هر که بر سر جامه خواب در بیان وقت خفتن چنین خواندن
ده بار بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه گناه
او آمرزیده شود اگرچه بعدد کف دریا بود و رسول صلی الله علیه وسلم فرموده
علی را یا علی باید هر شب پنج کار کنی چهار هزار درم صدقه دهی و ختم قرآن
کنی و بهشت را بخری و حج را بجا آری و خصما را خشنود کنی علی رضی الله
عنه گفت یا رسول الله کی توانم و رسول صلی الله علیه گفت می باید که وقت
خفتن چهار بار سوره فاتحه بخوانی چهار هزار درم صدقه کرده باشی و سه بار

عن عایشه ام المؤمنین ان رسول الله صلی الله علیه وسلم کان یصلی جالسا فیقرا و هو جالس

و سه بار سوره اخلاص بخوانی تا ختم قرآن کرده باشی و ده بار بدین دعا و فرستی
تا بهشت را خریده باشی و چهار بار سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بگوی تا حج بجای آورده باشی
و ده بار استغفار بگویی تا جمله خصما را خشنود کرده باشی و رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود خضر علیه السلام را یا خضر چون خفتی خفتی الحمد بخوان
و آیة الکرسی و آمن الرسول تا آخر و چهار بار قل الله احد بهشت تو اضمانم
ذکر ترکه نماز خفتن آورده اند که عقیل برادر علی رضی الله عنهما یا رسول
الله صلی الله علیه وسلم بسفر بود تشنگی بروی غلبه کرده گفت یا رسول الله
تشنه ام آهوی بیامد سید علیه السلام از آهو پرسید که آب کجاست آهو گفت
مسافت دور است تا آب رسول صلی الله علیه وسلم گفت ای آهو راه بر باش بطرف
آب آهو گفت یا رسول الله بچه خردک دارم بروم او را شیر دهم و باز آیم و راه آب
بنمایم رسول صلی الله علیه وسلم گفت ای آهو باشد که باز نیایی گفت خلاف
نکنم و همین سخن در گوش پیغامبر صلی الله علیه وسلم گفت و برفت عقیل
گفت یا رسول الله چه گفت رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که میگوید اگر نیایم
از تارکی نماز خفتن بد تر باشم از صلوة مسعودی رسول صلی الله علیه وسلم

فرمود که میگوید که است هر که نماز خفتن بجماعت بگزارد و در مسجد بنشیند
چندانکه همه جماعت بیرون آیند انگاه بیرون آید خدای عز و جل امر کند فر
شتگان را تا علم از نور پیش وی برند و چون بخانه رود با طهارت بخسپد ملا
نکه آن علم را بر سر بالین وی زنند و تا روز آن بنده را آمرزش خواهند چون با
مداد برخیزد و طهارت سازد و سوی مسجد روان شود همان علم از نور
در پیش وی می برند تا بمسجد چون نماز بگزارد اگر در مسجد چندانی بنشیند
که آفتاب بر آید و دو رکعت نماز بگزارد و بیرون آید همان علم نور در پیش وی
می برند و اگر نماز گزارد و بتعجیل بیرون رود دیوان علم خیانت در پیش وی می
برند و درویشی در خاطر او می آرند و وی را از درویشی می ترسانند چنانکه
خدای عز و جل میفرماید الشیطان یعدکم الفقر و یامرکم بالفحشاء و بخل و
حسد را در پیش سینه وی آرند ایضًا از صلوة مسعودی در خبر آمده است که
در دوزخ دریاست که آب وی تلخ میا هست آماده کرده اند برای کسانی که نماز
خفتن ناگزارده بخسپند از خلاصة الحقایق سوال اگر مردی نماز خفتن نگزا
رد با صحت تن و بخسپد حال او و جیست و عید در حق او جواب انس بن
مالک رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بخسپد نماز خفتن

خفتن ناگزارده تا آن وقت آن بگزارد فرشتگان او را دعای بد کنند گویند حبس
کند خدای تعالی ترا چنانکه ما را حبس کردی از تفسیر مغنی مرویست که رسول
صلی الله علیه وسلم شتران را بدید در دیواری سخت بسته بعد ندوچون پیغامبر را
بدید بنالید چنانکه بچه بنالد بر مادر و پدر پس رسول صلی الله علیه وسلم از اهل
او پرسید ایشان گفتند که این مار اکرنده است از خوف آنکه مارا بکشد و برا
اینچنین بسته ایم رسول صلی الله علیه وسلم شتر را گفت چرا ایشان را گزیدی
شتر گفت یا رسول الله ایشان بخواب رفتند پیش از نماز خفتن و نماز خفتن
نگزارده بودند من ترسیدم که نباشد بر ایشان عذاب منزل شود پس رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود و یرا رها کنید که این از شما خشنود شده است که برهانید
بر شما از عذاب فصل دوازدهم در فضیلت شب جمعه از تفسیر مغنی
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که درود گوید بر من شب جمعه صد بار خدای تعالی
صد حاجت او را روا کند از حاجتهای آخرت و سی حاجت از حاجتهای دنیا و موکل
کرده است خدای تعالی را از بهر او درود فرشته را که می آرد آن درود را بر من
چنانکه آورده می شود بر شما هدیها بطبقها و بدرستی که علم دانستن من بعد
موت همچنانست که مرا در حیوة بود و ثبت میکند فرشته آن درود را نزدیک

من در صحیفهٔ سفید پس آن درود نزد من بود تا روز قیامت و رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود بدرستی که مر خدای عز و جل فرشتگانند که آفریده شده‌اند از نور
ایشان فرو نیایند مگر شب جمعه بدست ایشان قلمها از زر و دواتها از
نقره و کاغذها از نور نویسند مگر درود من پس ما را بگویید در شب جمعه و
روز جمعه درود را بر من پس هر که صلوات گوید در جمعه و روز جمعه سرد گرداند
خدای تعالی آتش دوزخ را بروی و بسته کرداند درهای دوزخ را بروی و
بگشاید بروی درهای بهشت و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بگذا
رد در شب جمعه دو رکعت نماز و بخواند در هر رکعتی الحمد یکبار و قل هو الله
احد هفتاد بار چون از نماز فارغ شود هفتاد بار استغفار گوید گفتند یا رسول
الله چیست ثواب آن دو رکعت نماز رسول صلی الله گفت بدان خدای
که بحق بخلق فرستاد اگر جملهٔ امت من بمیرند بر گناه کبیره و دگر کند مر ایشان را
این مصلی بدین نماز و بدین استغفار بدرستی که در آرد خدای تعالی ایشان را
به بهشت بشفاعت او و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بدرستی که مر
خدای راست عز و جل فاضل ما لها که خارج از رزق که قسمت کرده است میان
بندگان داده نمی‌شود از آن یکی را مگر کسی که بخواهد از باری تعالی در شب

در شب پنجشنبه و شب جمعه و پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بگذارد شب جمعه نماز
و تر در خانه نبشته نشود گناه او تا جمعهٔ دیگر و اگر بمیرد میان این دو جمعه شهید مرده
باشد و بیامرزد خدای تعالی بهر رکعتی گناه یکساله او و بنویسند مر او را عبادت
یکساله و بنا کنند برای او مدینه در بهشت و پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بگذارد
میان نماز شام و خفتن در شب جمعه دو رکعت نماز بخواند در هر رکعتی فاتحه یکبار و آیة
الکرسی یکبار و قل هو الله احد بیست پنج بار چون از نماز فارغ شود بگوید لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم هفتاد بار بیرون نرود از دنیا تا نه بیند جای خود در بهشت
و بعضی نماز شب جمعه بجهت آسانی موت و حساب و سوال منکر و نکیر در باب بیستم
در عصمت از عذاب گور نبشته شده است فصل سیزدهم در فضیلت غسل
جمعه و ورد نماز و غسل جمعه ذکر فوت نماز جمعه از فواید الفواد در ترک رفتن نماز جمعه
تاویلی نیست مگر کسی بنده باشد یا مسافر یا مریض اما آنکه نتواند رفتن و نرود
قوی سخت دلی کرده باشد اگر کسی یک جمعه بنماز نرود یک نقطهٔ سیاه بر دل او پیدا
آید و اگر دو جمعه نرود دو نقطهٔ سیاه بر دل او پیدا آید و اگر سه جمعه نرود تمام دل او
سیاه شود نعوذ بالله منها از تفسیر منیر امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت که هر که
ترک آرد یک جمعه بغیر عذر کفارت نبود تا روز قیامت از صلوة مسعودی رسول صلی الله

علیه وسلم فرمود هر که یک نماز آدینه بعمد نگذارد ثلث دل او سیاه شود و هر که دو نماز
جمعه بعمد بگذارد ثلثان دلش سیاه شود و ویرا نماز نیست و ویرا زکوة نیست و ویرا روزه
نیست و وی از ما نیست و ما از وی نیستیم بهر ملتی که خواهد گو بمیر و رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود که سه نماز آدینه عاید بعمد او وی منافق است قال النبی صلی الله
علیه وسلم من ترک الجمعة ثلثا بغیر عذر فهو منافق این وعید در حق کسی است با
اعتقاد ماند اما اگر با فعلا مانده بوده اند گناه داشته باشد توبه کند خدای تعالی
توبهٔ او قبول کند و ویرا بیامرزد ذکر خواندن ادعیه روز جمعه از تفسیر مغنی رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بگوید وقت صبح روز جمعه پیش از نماز بامداد استغفر
الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه سه بار بیامرزد خدای تعالی او را و
مادر و پدر او را اگر گناه او مثل کف دریا باشد و پیغامبر صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که یکبار قل هو الله احد بخواند روز جمعه دریافته باشد شب قدر را
و از مطلوب المسلمین و از تفاسیر معتبر نقل شده است که روز جمعه چون سلام
نماز بازدهد پیش از آنکه سخن نگفته باشد و زانو بر واشته هفت بار سورهٔ فاتحه
بخواند و هفت بار سورهٔ اخلاص و هفت بار قل اعوذ برب الفلق و هفت بار قل اعوذ
برب الناس و درین ورد داشت از سلف هر که چنین کند از جمعه تا جمعهٔ دیگر اعنی

ایمن شود حرز لی باشد از شیطان و مستجیب است مر او را که بعد از جمعه بگوید اللهم
یا غنی یا حمید یا مبدی یا معید یا رحیم یا ودود یا مجید یا فعال لما یرید اغننی بحلالک
عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفضلک عمن سواک و در اسناد این
دعا آمده است هر که مداومت کند بر خواندن این دعا حق تعالی او را بی نیاز کند
از خلق و روزی او رساند از آنجا که خبر ندارد و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که
بگوید بعد از نماز جمعه صد بار سبحان الله و بحمده بیامرزد خدای تعالی صد ساله
گناه او را از وسیلة القلوب در حدیث آمده است هر که صلوات گوید بر من روز جمعه
صد بار آمرزیده شود مر او را خطاهای هفتاد ساله او از تفسیر مغنی رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود که پیش از زوال روز آدینه سورهٔ کهف بخواند حق تعالی او
را و فرزندان او را و اهل او را از جملهٔ بلاها و آفتها و از شر دجال تا جمعهٔ دیگر
سلامت دارد و در ترجمهٔ احیا آورده است ابن عباس و ابو هریره رضی الله عنهما
روایت میکنند هر شب آدینه یا روز آدینه سورهٔ کهف بخواند ویرا نوری دهد
از جای خواندن وی تا بمکه و تا آدینه دیگر گناه های وی آمرزیده شود و سه روز دیگر
زیاده و هفتاد هزار فرشته بروی آمرزش خواهند و عافیت یابد از درد زانو
درد دل و پیسی جذام و فتنه دجال ذکر غسل جمعه از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم

فرمود هر که غسل کند روز جمعه بغیر جنابت نبشته شود مر او را بعدد هر موی
در تن وی بود ثواب روز قیامت و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود غسل
کنید روز جمعه اگر چه یک کاسه آب بدیناری یابید و رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که غسل کند در روز جمعه و مسواک کند و موی بست دار نگاه
دارد خدای عز وجل او را از زرد آب و از درد پهلو و از فالج و از دیوانگی
و از جذام و از برص و از فتنه دجال نگاه دارد و رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود دیدم در شب معراج بر زبر عرش هفتاد مدینه هر مدینه چند
دنیا پر از ملائکه همه در تسبیح تقدیس میگویند خدایا بیامرز آنکس را که
غسل کند در روز جمعه ذکر منع پای برکردن نهادن مسلمانان در مسجد
جمعه از تفسیر مغنی رسول صلی الله فرمود هر که پای برکردن مسلمانان نهد
روز جمعه در مسجد حق تعالی او را دوزخ گرداند امیر المؤمنین علی رضی
الله عنه گفت که خوردن قدحی خمر دوست تر است نزدیک من از ترک
کردن نماز جمعه و پای برکردن مسلمانان نهادن بتر است از ترک آوردن جمعه
و رسول صلی الله فرمود هر که روز جمعه غسل کند و جامه خوب پوشد و بوی
خوش بکار برد اگر نزد او بود پس بیرون آید تا در مسجد در آید و پای برکردن

برنهد کردن مردمان ننهد پس نماز بگزارد و خاموش باشد چون خطیب
به جهت خطبه بیرون آید سخن نگوید در حالت خطبه کفارت گناهان
باشد میان این جمعه تا جمعه دیگر و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که طعام نخو
رید در گو غزا بالا و بگیرید در مسجد جایی نماز که نگذارید مگر در آن جای
در مسجد پای برکردن مردمان منهید که پل گردانند خدای تعالی شما را روز
قیامت تا مردم قدم بر شما نهند ذکر منع سخن دنیا در مسجد جمعه
از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که در حالت خطبه سخن
گوید یا یار خود را از سخن گفتن منع کند و بزبان گوید خاموش باش او
را هیچ از ثواب جمعه نباشد و در شرعة الاسلام آورده است که باشارت
انگشت نیز منع نکند ذکر فضیلت نماز جمعه از تفسیر مغنی رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود هر که نماز جمعه دریابد او را اجر صد شهید بدهد و رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود که خبر کنم شما را از اهل بهشت کسی است که باز ندارد
او را از نماز جمعه سرمای سخت و گرمای سخت و باران و جلات و رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هر که نماز جمعه بگزارد و روزه دارد و مریض را بیند
و نماز جنازه بگزارد و ختنه سور حاضر شود واجب شود مر او را بهشت

و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی که خدای عز وجل و فرشتگان
او درود میگویند بر آنکسان که دستار بسته نماز جمعه میگزارد و امیر المؤمنین علی
رضی الله عنه گفت که چون روز جمعه می شود بامداد دیوان همه در بازارها می روند
و مردمان را میگویند و بکار مشغول میکنند و چیزها یاد می دهند که تا از نماز باز
دارند و دفع میکنند از رفتن نماز جمعه و فرشتگان می نشینند بر در مسجد با علمها و هر مردی
که در مسجد می رود می نویسند که فلان در اول ساعت آمد و فلان در دوم ساعت آمد تا آن
وقت که امام بیرون می آید بجهت خطبه بعد از آن بر می خیزند در مسجد در می آیند ذکر ساعت
مرجو از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود جبرائیل علیه السلام بر من آمد و گفت دست
او همچون آینه سفید و در وی یک نقطه سیاه گفتم یا اخی جبرائیل این چیست گفت این روز
آدینه است که عرض کرده است پروردگار تو و باشد مر ترا عید و مر امتان ترا بعد
از تو پس پرسید آن نقطه سیاه چیست گفت این ساعتی باشد در روز آدینه هر که
در آن ساعت از باری تعالی بخواهد چیزی که باشد عطا کند او را خدای تعالی و از پیغامبر صلی الله
علیه وسلم سؤال کردند آن ساعت کدام است فرمود که بعد از نماز دیگر تا غروب آفتاب و
بیشتر اقوال بر این است و دیگر قول رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که در حال تکبیر نماز جمعه
و آورده اند که فاطمه رضی الله عنها روز جمعه بعد از نماز دیگر چون قرص آفتاب نیمی غروب

غروب کردی دعا کردی و غلام را فرستادی تا بر بالای بلندی رفتی و نظر کردی چون
قرص آفتاب را غروب آغاز شدی خبر کردی ذکر فضیلت نمازهای نفل روز جمعه
از تفسیر مغنی هر که روز جمعه چهار رکعت نماز بگزارد و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه
سوره اخلاص پنجاه بار بدرستی که او حق جمعه را ادا کرده باشد چنانکه ادا
کرده اند فرشتگان و فضیلت این نماز بسیار است و امام غزالی در
زاد الآخرة آورده است هر که این نماز بگزارد نمیرد تا جای خود را در بهشت
نه بیند و یا کسی دیگر وی را به بیند از تفسیر مغنی نماز اعرابی روز جمعه زید
بن ثابت رضی الله عنه روایت میکند که اعرابی بیامد و بایستاد بخدمت ر
سول صلی الله علیه وسلم و گفت یا رسول الله ما در بادیه دور می باشیم از مدینه
و در هر جمعه بنماز نمی توانیم آمدن مرا رهنمونی کن بعملی چون باز گردم بسوی
قوم خود خبر کنم ایشان را بدرستی که در آن بادیه سکونت داریم از سبب نماز
جمعه غمگین می باشیم رسول صلی الله علیه وسلم فرمود یا اعرابی چون روز جمعه
شود دو رکعت نماز بگزارد نزدیک بلند شدن آفتاب بخوان در رکعت
اول فاتحه یکبار و قل اعوذ برب الفلق یکبار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و
قل اعوذ برب الناس یکبار بعد از سلام هفت بار آیة الکرسی بخواند نشسته پس

بر خیزد و هشت رکعت دیگر نماز بگزارد خواهی چهار رکعت بیک سلام خواهی بدو سلام
در هر رکعتی فاتحه یکبار و اذا جاء نصر الله یکبار و قل هو الله احد بیست و پنج بار
چون از نماز فارغ شوی هفتاد بار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
بحق آن خدای که جان من بیده قدرت اوست از مرد مؤمن و زن مؤمنه هر که
بگزارد روز جمعه این نماز چنانک گفتم آمرزیده شود او و مادر و پدر او و اگر مسلمان
بوده باشند و منادی ندا کند از زیر عرش که ای بنده خدای عمل را از سر گیر که بدرستی
بیامرزید خدای تعالی گناهان گذشته ترا و چنانستی که خوانده باشد توریة
و انجیل و زبور و فرقان و بدهد خدای تعالی مر او را بعدد هر مؤمنی و مؤمنه
عبادتی بنویسد بنام او ثواب آنکسانی که روزه داشته اند و صدقه داده در ین
روز و بدهد خدای تعالی مر او را ثواب آنکسانی که حج گزارده باشند و عمره و طواف
کعبه کرده باشند در ان سال و چنانستی که او بنا کرده خانه کعبه را و مسجد مدینه
را و مسجد بیت المقدس را بدست خود بنا نهاده و بنویسانند خدای تعالی
بنام او بعدد هر مردی و زنی از مسلمانان ثواب حج و عمره گزارده و بنویسا
ند خدای تعالی بنام او بعدد هر سنگی و کلوخی و برگ درختی نیکیها و چنانستی که در
یافته باشد موسی و داود و ایوب را علیهم السلام و روزی کند خدای عز و

جل دیدار خود را بر اهل بیت او و بر همسایگان او از دنیا نرود تا آب
حوض کوثر نخورد و از میوه های بهشت نخورد و جای خود در بهشت نه بیند
و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود یا اعرابی هر که بگزارد این نماز را چنانستی
که شب قدر را دریافته باشد و چنانستی که خرید باشد همه آستان مراکه
اسیر شده باشند آزاد کرده و بهتر از آن باشد که هزار دینار صدقه داده
باشد و در گور او نباشد تنگی و تاریکی و نباشد او را خوف از منکر و نکیر و
بگشاید خدای تعالی در گور شصت در از رحمت و دو در از بهشت و رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود یا اعرابی هر که بگزارد این نماز را مستجاب کند خدای
تعالی دعای او را و روا کند حاجت او را در دنیا و آخرت و بنویسانند بنام او بهر
روزی عبادت یکساله و حرام کرداند تن او را از آتش دوزخ و بیرون نرود
از دنیا تا نه بیند بهشت را چون رسول صلی الله علیه و سلم این حدیث را تمام
فرمود اعرابی سر مبارک رسول صلی الله علیه و سلم را ببوسید هفت بار و یاران
دیگر سر مبارک رسول صلی الله علیه و سلم را ببوسیدند و ثنا گفتند و دعا کردند
نیز همه یاران پیش اعرابی آمدند و گفتند بدرستی که ما یافتیم این فضیلت را
و این کرامت بسبب تو و تو سود کردی ای شوخ و ما هم سود کردیم بس

عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه دو جامه و سیصد درم اعرابی را بداد و ابوبکر
یک برد و هفتاد دینار داد پس اعرابی بازگشت بسوی قوم خویش و خوش دل و
با بشارت نقل از کتاب جایزة المختار امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت
که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که بگزارد نماز چاشت روز جمعه
چهار رکعت در روز ها رخود یکبار بخواند در هر رکعتی فاتحه یکبار و قل یا
ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس هر یکی ده بار و چون از نماز فارغ شود هفتاد بار بگوید سبحان الله و
الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و هفتاد
بار بر پیغامبر صلوات گوید و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که بگزارد این نماز دفع کند
خدای تعالی از وی شر اهل آسمان و شر اهل زمین و شر پریان و دیوان و
شر آدمیان و شر شیطان ظالم و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود بدان خدای
که مرا بحق بخلق فرستاد این نماز بگزارد خدای تعالی بسوی او بهر حرفی خوانده
است در ین نماز فرشته بفرستند تا بنویسند مر او را حسنات و محو کنند
از وی سیئات و بر آرند برای او درجات و آمرزش خواهند از خدای تعالی
برای او تا آنگاه که بمیرد و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که چون این

نماز بگزارد بیامرزد خدای تعالی او را اگر چه عاق باشد مر مادر و پدر را
و روا کند هفتاد حاجت او را از حاجتهای دنیا و هفتاد حاجت از حاجتهای
آخرة و آزاد کند خدای تعالی او را در ساعتهای شب و روز و آن بیست
چهار ساعت است و بکرامت این مصلی هفتاد هزار عاصی را که مستوجب آتش
شده باشد بیامرزد و اگر این مصلی در مقابر بگذرد و با مردگان کلام کند
همه جواب او گویند بکرامتی که این مصلی راست نزد خدای تعالی و رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود بدان خدای که فرستاد مرا بحق بخلق هر که چون این نماز بگزارد
اگر همه ساحران فرعون بروی آیند نتوانند و بر اذیای رسانیدن و اگر از خدای تعالی
فرزندی بخواهد او را روزی شود بفرمانی جل جلاله خدای عز و جل و قبول کند حق تعالی
عبادت او را که پیش از آن کرده باشد که این نماز گزارده است و عبادتی که
بعد از ین خواهد کرد تا آن زمان بمیرد خدای تعالی جمله گناه صغیره و کبیره او را و گناه نهان
و آشکارای او را و اگر بمیرد بعد از گزاردن این نماز شهید مرده باشد و بنو
یسانند خدای تعالی بنام او اجر هفتاد شهید و فضیلت این نماز بسیار است ذکر
فضیلت ناخن چیدن و حجامت کردن روز جمعه پیغامبر صلی الله علیه و سلم فرمود
که روز جمعه ناخن دور کند بیرون آرد خدای تعالی از انگشتان او درد و در آرد شفا

و بیرون آرد از اندام او کرد و رسول صلی الله علیه وسلم حجامت روز شنبه و چهار
شنبه منع کرده ملامت نکند مگر نفس خود را ذکر فضیلت روز جمعه از تفسیر
منبر ضحاک رضی الله عنه گفت که موسی علیه السلام وحی آمد و گفت روزی دایم ترا
وامتان ترا و آن روز آدینه است تا در آن خود را از شغل دنیا فارغ داری و بعبا
دت مشغول باشی امتش گفتند ما را برین روز حاجتی نیست روز شنبه خواهیم
موسی علیه السلام گفت یا رب امت من آدینه نمی پذیرند شنبه بر ایشان بلا گر
دان و قوم عیسی علیه السلام نیز گفتند عید ما بس عید جهودان می باید یکشنبه
اختیار کردند خدای تعالی روز آدینه را نصیب این امت نهاده بود که می توانست
پذیرفتن لاجرم آن روز بر ایشان وبال گشت و روز آدینه برین امت جمال گشت
انس رضی الله عنه گفت که از پیغامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم هر روز آدینه ششصد
هزار بنده را که آتش بر ایشان واجب شده باشد آزاد کند و ابن عباس رضی الله عنه
گفت که از رسول صلی الله علیه وسلم شنیدم که چون روز آدینه و شب آدینه در آید هر
ساعتی هزار هزار بنده را آزاد کند از صلوة مسعودی روز آدینه بود که آدم صفی
را صلوات الله بیافرید و جان در قالب مبارک او در آورد و چون بنشست عطسه
زد الحمد لله الهام داده شد ما را معلوم گشت که عطسه نعمتی است که وی را

حمد لازم می آید و هم در روز آدینه بود که ملایکه را فرمان آمد تا آدم را سجده آوردند و هم
روز آدینه بود که آدم را به بهشت در آوردند و هم روز آدینه بود که زلت از ایشان
در وجود آمد و روز آدینه بود که ایشان را از بهشت بیرون آوردند تسبیح آدم علیه السلام
این بود ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنکونن من الخاسرین
پس ما را بر سنت پدر باید رفتن و هر کجا نعمتی رسد حمد باید گفتن و هر کجا زلتی در وجود
آید استغفار باید کردن فصل چهاردهم در فضیلت مسجد و بانگ نماز و ذکر آداب
مسجد در آمدن و کشیدن نعلین و نهادن آن و فتاوای سراجی آورده است
که در آمدن در مسجد با نعلین و کفش پوشیده مکروه است کما قال الله تعالی فاخلع
نعلیک و در خلاصة الصلوة آورده است که بوسعید اسمانه در مسجد و پای برهنه
در آید از برای ادب قوله تعالی فاخلع نعلیک و اگر بر اندکه صحن مسجد سلامت نیست
از لوث از جهت در آمدن خلق عام در مسجد که نعلین پوشیده در می آیند پس نعلین
را بیرون مسجد تمام پاک کند و در آید از صلوة مسعودی با موزه نماز گزاردن او
لیتر است و نعلین در پیش نهادن سنت است تا اگر کزنده بیرون آید قدم با موزه
بروی نهد کزنده را هلاک کند و یا بنعلین زند هلاکش کند و در ترجمه احیا و فتا
وای تتمه آورده است که نعلین چنان باید پیش خود نهد و جانب دست راست

و جب ننهد که جای مصلی تنگ شود و از پس خود ننهد که دل وی بران ملتفت
شود و مقابل روی خود ننهد مخوف ننهد و مکروه هست میان مصلی و قبله
چیزی هم تا مصحف و از اوراد چون بدر مسجد رسد پیش در بایستد و این دعا بخواند
الهی عبیدک ببابک یرجو رحمتک و یخاف عقوبتک یا محسن و قد امرت المحسنین
ان یتجاوز المسیء فتجاوز قبیح ما عندی یا کریم بعد از آن پای راست در
مسجد نهد و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله والحمد لله والصلوة والسلام
علی رسول الله اللهم اغفر لی ذنوبی وافتح لی ابواب فضلک ورحمتک بسم الله دخلنا
وعلی الله توکلنا اگر کسی باشد سلام گوید و اگر کسی نباشد السلام علینا وعلی
عباد الله الصالحین از وسیلة الطلوب از حسن بن علی رضی الله عنهما چون
بدر مسجد رسیدی بایستادی و گفتی عبیدک ببابک مسکینک ببابک
سائلک یعنی بنده تو بر در تو است مسکین تو بر در تو است سائل تو بر در تو است
بسیار بگریستی و تضرع بکردی و تواضع نمودی پس با خجالت قدم در مسجد نهادی
و هر که حضور داشته است تا بواسطه آن حرمت بجای رسیده است از صلوة
مسعودی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که چون یکی از شما در مسجد خواهد آمدن
باید که قدمها بر زمین بمالد تا اگر نجاستی رسیده بود پاک شود که زمین پاک کننده است

است و اگر چه نعلین پاک بود هر دو پا در زمین مالد از برای اقامت سنت دلیل بر آنکه
امیر المؤمنین علی رضی الله عنه پا پیش از گل پاک آلوده بود در زمین مالید و آنگاه بمسجد
در آمد و نماز گزارد پس ما را معلوم شد که اگر چه قدمها پاک بود در زمین باید مالیدن
از برای اقامت سنت ایضا آورده اند که امام ابو حنیفه رضی الله عنه در مسجد نشسته
بود یکی در آمد قدمها را در زمین مسجد مالید ابو حنیفه گفت رحمة الله علیه ای شیخ
اگر قدمهای خود را در موی و روی من مالیدی من دوستتر از آن داشتمی که در زمین
مسجد مالیدی از دو وجه بیرون نیست پای تو پاک است یا پلید اگر پلید است پلید کردی
زمین مسجد را که امر است به پاک داشتن وی اگر پای تو پاک است خوار داشتی زمینی
را که خدای عز وجل وی را عزیز گردانیده است از سلوک چنین گویند در بنی اسرا
ئیل صد چهار سال باران نبارید و دعای کسی مستجاب نشدی گفتند چگونه است که
دعای ما اجابت نمی شود پیغامبر آن عهد را خطاب آمد که این قوم پایهای خود را
پاک نمی دارند و همچنان در مسجد می آیند و مسجد را آلوده میکنند از آن سبب ادعیه
ایشان را اثری نیست ذکر تحیة المسجد و حرمت مسجد از فواید الفواد آمده است
که اگر در اوقات مکروهه در مسجد رسد و تحیت مسجد نتواند گزاردن چهار بار
این کلمات بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة

الا بالله العلی العظیم ودر ظهیریه آورده است که تحیت مسجد سنت است نزد علما
رحمهم الله واما نزد شافعی رحمة الله علیه واجب است بسنده است وتحیت مسجد
هر روز دو رکعت اما اختلاف کرده اند که چون در مسجد در آید بنشیند پس برخیزد
بگزارد یا خود اول تحیت مسجد بگزارد وبنشیند بعضی گفتند بنشیند وبرخیزد بگزارد
وعامه علما گفته اند که اول تحیة المسجد بگزارد از تنبیه ابو اللیث فقیه رحمة الله علیه
گوید که مسجد را پانزده حرمت است اول آنک چون بمسجد در آید سلام کند اگر کسی باشد
واگر نباشد ویا در نماز باشند بگوید السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین
دوم چون بمسجد در آید دو رکعت نماز کند پیش از آنک بنشیند زیرا که در خبر
است رسول صلی الله علیه وسلم هر چیزیرا تحیت است وتحیت مسجد دو رکعت
نماز گزاردن است سیم آنک در وی خرید وفروخت نکنی وچهارم آنک در وی شمشیر
نکشی وپنجم اندر وی گم شده نجویی وششم اندر وی بانگ بلند نکنی مگر بیاد کردن خدای
عز وجل وهفتم اندر وی سخن دنیا نگویی هشتم اندر وی پای بگردن مردمان ننهی ونهم
~~اندر وی آب دهن نینداری وسیزدهم~~ در آنجا منازعت نکنی ودهم صف مردمان
تنگ نکنی ویازدهم پیش نمازگذار نروی ودوازدهم اندر وی آب دهن نینداری
وسیزدهم از انگشتان آواز برنیاری وچهاردهم مسجد را از پلیدی نگاه داری واز کود

گان واز دیوانگان نیز وپانزدهم اندر وی خدای تعالی را بسیار خوانی ذکر تعظیم داشتن
غیر در مسجد رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که قیام آرد مر یکی را در مسجد بدرستی که چنا
نست که او بندگی کرده غیر خدای تعالی ودر صلوة مختسبی آورده است که دیگری را
در مسجد تعظیم ندارند که در خانه خدای عز وجل وجز غیر خدا را تعظیم نباید داشت
کما قال النبی صلی الله علیه وسلم لا تعظمونی فی بیت ربی جای که حضرت رسالت این
فرماید که مرا در خانه خداوند من تعظیم مکنید یعنی برای من برپای مخیزید پس برای
دیگری کی جایز بود ولهذا ائمه دین وعلماء اسلام رضوان الله علیهم چون در مسجد
سبق گفتندی شاگردان خود را وصیت کردندی که می باید در مسجد برای
ما برپا مخیزید ودر وقت درون رفتن مسجد اول پای راست باید نهادن ودر
وقت بیرون آمدن پای چپ وقتی احمد بصری اول پای چپ درون مسجد
نهاد کفارت آن صد غلام آزاد کردی وسفیان ثوری را رحمة الله علیه پیش از آنک
سفیان ثوری گفتندی سفیان زاهد گفتندی وقتی بنسیان اول پای
چپ در مسجد نهاد آوازی شنیدم که یا ثور چون بیرون آمد هر که اورا دیدندی
سفیان ثوری گفتندی ذکر سلام دادن در مسجد از بیان الاحکام اگر در آینده
جماعت در آمد اگر جماعت در نماز نباشد وقرآن بلند نمی خوانند یا ذکر بلند نمی گویند چنانک

آینده ایشانرا خاموش می پندارد بر ایشان سلام گوید بدین لفظ السلام علیکم
ویا سلام علیکم وایشان جواب گویند بدین لفظ وعلیکم السلام ورحمة الله وبر
کاته ونشاید که خاموش باشند ایشان وجواب نگویند که ترک واجب کرده باشند
وآثم شوند واگر یک کس از جماعت گوید از دیگران ساقط شود واگر چنانک جماعت
مشغول باشند بقرآن خواندن یا بذکر کردن آینده آهسته بگوید السلام علینا و
علی عباد الله الصالحین ودر روضه آورده است سلام گفتن در پنج جای مکروه
است وسلام گوینده بزهکار شود وجواب سلام او لازم نباید یکی چون قوم در نماز با
شند دوم چون خطیب خطبه میخواند وسیم چون جماعت قرآن بلند خوانند
واگر یکی میخواند ودیگران می شنوند جواب سلام بگویند زیرا که ممکن هست در
یافتن هر دو فضیلت چهارم در وقت بحث علم ویا گفتن علم که یکی میگوید ودیگران می
شنوند پنجم در وقت گفتن بانگ نماز واقامت که مردم بثنای بانگ نماز وتکبیر مشغول
باشند جواب سلام گوینده تحصیل هست بقدر قوة درگاه ذکر سخن دنیا در مسجد در
فتاوای سراجی آورده است که مکروه است که سخن گفتن در مسجد وپس جنازه و
در خلا ودر حالت جماع الصلوة مسعودی در خبر است هر که در مسجد سخن دنیا
بگوید حبط کند خدای تعالی اعمال چهل ساله اورا وکعب الاحبار رضی الله عنه گفت چون

چون روز قیامت شود بیرون آید از دوزخ دابه نام او حریش سر او
بالاتر هفت آسمان ودم او فروتر از هفت زمین ودهن او مشرق تا
بمغرب بود وباواز بلند فریاد کند جبرائیل علیه السلام ویرا گوید کرا
میطلبی یا حریش گوید پنج کس را میطلبم نجاست آنک نماز نگزارده است
ونجاست آنک زکوة نداده است ونجاست آنک ربا خورده است ونجاست
آنک سخن دنیا گفته است در مسجد پس جمع کند ایشانرا جبرائیل علیه السلام پس
آن ابتر افرو می برد ایشانرا چون مرغی که دانه فرو برد پس باز بدوزخ رود
از صلوة مسعودی در مسجد سخن دنیا نباید گفتن بحدیث صحیح آمده است
هر که در مسجد سخن دنیا بگوید آن مسجد بوی ناخوش کرده چنانک فرشتگان در
وی نتوانند قرار گرفتن از بوی دهان ایشان پس بیرون روند ومناجات
کنند که الهی پروردگارا بندگان تو مارا از خانه تو بیرون کردند خدای عز وجل
قسم یاد کند بعزت جلال من که پروردگارم بر ایشان جماعتی بگمارم از تنگ چشمان
بی رحم تا ایشان از خانهای ایشان بیرون کنند چنانک شمارا از خانه من بیرون
کردند ذکر فضیلت بانگ نماز از تفسیر منیر در خبر است که موذنانرا روز قیامت
از مردمان دیگر گردنها دراز تر وقامتها بلند تر باشند ودر میان مردم چنانی نماید

کویی که بر مرکب سوارند و مردمان دیگر پیاده و سر بالا کرده باشند و سر فرو نیفکنند تا مردمان بینند تا هر که را جاه و عز و شادی و منزلت باشد سر بالا کرده باشد و هر که را خواری غم و اندوه بود سر فرو افکنده باشد از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بانگ نماز گوید هفت سال حسبة لله تعالی بودها و را برائتی از آتش یعنی بیزاری آتش و هر که بانگ نماز گوید یکسال او بیت صادق او حشر کروه شود روز قیامت در بهشت و او را گویند شفاعت کن هر کرا خواهی و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که سه کس را بسیار حساب نباشد و نترسند در قیامت و اندوهگین نباشد از فزع اکبر یکی حامل قرآن دوم مؤذنی که هفت سال بانگ نماز گفته باشد بی طمع و اجر آن نگرفته باشد سیم مملوکی که عبادت کند خدا را نیکو کرده باشد و حق مولی گزارده و آورده اند مردی بود فقیر مؤذن بود ثواب بانگ نماز خود بفروخت و ثمن آن بگرفت پس خواست که بانگ نماز کند خدای تعالی محو کرد از دل وی بانگ نماز را تا هر چند که خواست بانگ نماز بگوید قادر نشد بر گفتن و فراموش میکرد و آورده اند که روزی بلال رضی الله عنه اذان می خواند در مدینه چون آغاز کرد اشهد ان محمدا رسول الله جهودی شنید گفت بسوزانا د خدای تعالی دروغ گوی را پس چون در خانه آمد چراغ کشته می شد خواست تا بیفروز

بیفروزد آتش شعله زد بفرمان حق و آن یهود را تمام از سر تا پای بسوخت زیرا که او دروغ گوی بود از تنبیه ابو اللیث رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که پنج کس را من ضامنم به بهشت اول زن پارسا را که امر حق بجای آرد یعنی نماز بگزارد و رضای شوهر بجوید دوم فرزندی که مادر و پدر را مطیع و فرمان بردار بود سیم کسی که خوی او خوش باشد و چهارم کسی که در راه مکه مرده باشد و پنجم مؤذنی که از بهر خدای مؤذنی کرده باشد و روایت میکند از رسول صلی الله علیه وسلم در هر شهری که مؤذن بسیار بود سرمای آن شهر کم شود از صلوة مسعودی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که نماز قضا کند و بانگ نماز نگوید و اقامت نکند بهمان فرشته کاتبان اعمال او بیند بوی اقتدا کنند فرشتگان فرستند تا با او اقتدا کنند فرشتگان مناجات کنند که الهی پروردگارا ما معصومیم از صغیره و کبیره و وی آلوده گناهانست ما با وی اقتدا چون کنیم خطاب عزت در رسد مر آن فرشتگان و هر یکی فرشته پاره گناه از گردن این بنده بر گیرید پس خطاب رسد که بنده من از گناهان پاک شد شما نیز پاکید بوی اقتدا کنید چون نماز کنند آن فرشته مناجات کنند الهی فرمان چیست خطاب رسد کریم مطلق منم از کرم من روا نبود که بار گناه از گردن ضعیفی برگیرم و باز

در گردن وی نهم گناهانش را بر وزیخ انداز و تا بسوزد تا بنده من بقیامت بحضرت من پاک آید ذکر فضیلت شنیدن بانگ نماز از کفایه شعبی روایت کردند که زبیده زن هارون الرشید چون از دنیا نقل کرد او را بخواب دیدند گفتند خدای عز و جل با تو چه کرد گفت که بیامرزید مرا پروردگار من گفتند بدان حوضهای که در بادیه ساختی گفت نه گفت آن مالهای مردمان بود ایشان کرفتند ثواب خود گفتند بدان صدقات که تو دادی گفت نه پس گفتند بچه خصلت گفت روزی شکم من درد میکرد و متوضی حاجت بود رفتم بانگ نماز آغاز شد پیش در متوضی استاده ماندم تا آن زمان که مؤذن از بانگ نماز فارغ شد بعد از آن بقضای حاجت رفتم بدان تعظیم بانگ نماز که کردم مرا خدای تعالی آمرزیده از مظفر دریا نکته پانزدهم خضر علیه السلام گفت ای مظفر دریا دانی که بانگ نماز پدید آمد گفت نه گفت بدان سبب که بنده فراموش کارست و شرک مخفی است بنده بسیار چیز گوید و نداند که چه گفته است چون بنده بانگ نماز بشنود و جواب آن گوید کفارت آن کلمات شود از وسیلة القلوب بروایت جابر بن عبد الله رضی الله عنه رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بانگ نماز بشنود تمام و پس بگوید اللهم رب هذه الدعوة التامة الی آخره حلال کرد مرا او را شفاعت من در روز قیامت

قیامت ایضاً در حدیث است هر که بانگ نماز بشنود چون مؤذن بگوید اشهد ان لا اله الا الله او نیز همچنین گوید پس در عقب آن بگوید رضیت بالله ربا و بالاسلام دینا و بمحمد صلی الله علیه وسلم رسولا نبیا آمرزیده شود گناهان او را ایضاً در حدیث است هر که آواز مؤذنی بشنود که میگوید الله اکبر او بگوید مرحبا بالقائلین عدلا و بالصلوة مرحبا و اهلا چندین هزار نیکی در دیوان او نبشته شود نقلست از مشایخ کبار هر گاه که مؤذن بگوید اشهد ان محمدا رسول الله او نیز همین بگوید و هر ناخن نر انگشت بر هر دو چشم نهد و بگوید مرحبا بحبیبی و قرة عینی بک یا سیدی محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم او را درد چشم هرگز چشم بدرد نیاید از صلوة نخشبی چون مؤذن بار اول بگوید اشهد ان محمدا رسول الله سامع بگوید صلی الله علیک یا رسول الله و چون بار دوم بگوید او گوید قرة عینی بک یا رسول الله بعده ناخن هر دو ابهام بر چشم نهد بر طریق که وضع نه بر سبیل مد و این دعا بخواند اللهم متعنی بالسمع والبصر حضرت رسالت فرماید صلی الله علیه وسلم من سمع اسمی فی الاذان ووضع ابهامیه علی عینیه فانا طالبه فی صفوف القیامة وقائده الی الجنة یعنی پیغامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید هر که بشنود نام من در بانگ

نماز و بنهد هر دو ناخن را انگشت بر هر دو چشم پس من طلب کنم او را در صفهای قیامت
و روان کنم او را بسوی بهشت از بستان القلوب در حدیث آمده است لو ان المؤ
ذن لم یجب ما ترکت هذه الامة طرفة عین فرمود اگر مؤذن را اجابت نکنندی
هلاک کنندی این امت را که طرفة عین اما ایشان نه دانندی ایضاً در حدیث آمده
است که رسول صلی الله علیه وسلم مر زنان را گفت که چون بلال بانگ نماز گوید هرچه او میگوید
شما نیز بگویید تا هزار نیکی در دیوان شما نبشته شود و هزار بدی پاک کرده شود و هزار
درجه در بهشت بنام شما بر آورده شود ایضاً در جواب حی علی الصلوة حی علی
الفلاح بگوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ذکر فضیلت مسجد و بنا کردن
آن از صلوة مسعودی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که مؤمن در مسجد چنان بود که
ماهی در آب و منافق در مسجد چنانکه مرغی در قفص و خواجه امام زاهد فخر رحمة الله علیه
گفته است در حدیث آمده است هرکه پیش از بانگ نماز بمسجد حاضر آید سیصد بیست
پنج هزار نماز پذیرفته در دیوان او خدای عزوجل ثبت کند و اگر بعد از بانگ نماز آید
ثواب بیست پنج هزار نماز ثبت کند و اگر در قامت آید ثواب یک نماز و اگر پس از امام
سر فرو آرد و سر بر آرد هیچ ثواب ننویسندش و خضر علیه السلام گفت ای مظفر
دریا از کعب الاخبار شنیدم که مؤمن را از شیطان سه حصار است یکی یاد کرد خدای

خدای عزوجل و دوم مسجد سیم خواندن قرآن ای مظفر نیا از مهتر عالم علیه السلام شنیدم
که چون بلای نازل شود خدای عزوجل از آبادان دارندگان مسجد یعنی نماز گزاردن
در مسجد باز دارد و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ابو درداء رضی الله عنه را هرکه برگزیند
نشستن را در مسجد کرامت کند خدای تعالی او را پنج چیزی فراخ کند بر وی عیش
وی و رزق وی و بردارد از وی عذاب و بدهد نامهٔ اعمال او بدست راست
و بگذارند از صراط چون برق و در آرد در بهشت بی حساب و در خبر است
که چون بلای نازل می شود از آسمان در عافیت می باشد آن قرآن خوانان
و آبادان دارندگان مسجد وهب بن منبه گفت که در بنی اسرائیل مسجدی بود
و مردمان در وی نماز نمی گزاردندی و بدان التفات نمی کردندی و حرمت نمی
کردندی تا آخر خراب شد پس آن مسجد سوی آسمان شد و بنالید و شکایت
کرد از همسایگان خود فرشتگان گفتند کجا آمدهٔ گفت نزد حضرت عزت
آمدم تا شکایت کنم از همسایگان خود که التفات نمی کنند بر من پس فرشتگان
گفتند باز گرد که بانصاف رسید پس باز گشت بفرمان خدای عزوجل آن قوم
بزمین فرو شده بود از تفسیر منیر چون روز قیامت باشد بیایند مسلمانان
بر پل صراط باشند ولیکن نتوانند گذر کردن بر پل صراط بگردند ایشان را پرسند که

شما را چه مانع است بر گذشتن پل صراط ایشان گویند ما می ترسیم پس جبرائیل علیه
السلام بیاید و بگوید ایشان را که شما را در دنیا غرق آبی پیش آمدی چگونه میگذ
شتید گویند بکشتی می نشستیم پس مسجدها را بیارند که در آن گزارده اند نماز آن
مسجد چون کشتیها شود در آن بنشینند و از پل صراط بگذرند و در خبر است
هرکه بنا کند مسجدی از برای رضای حق تعالی اگرچه مقدار خانهٔ گنجشک یا سنگ خوان
بود بنا کند خدای از برای او خانهٔ در بهشت و در خبر است که مسجد را حاجبانند
بیشتر از حجاب پادشاهان از فرشتگان که موکل اند بر مسجد آمرزش میخواهند
و نماز گزارندگان را از نمازی تا نمازی و ندا میکنند که بشتابید ای بندگان سوی خیرها
بسیار و مسارعت نمایید سوی مغفرت از پروردگار خود پس هرکه اهل
مسجد باشد پیش او بانگ می زنند و طرقوا میگویند چنانکه نزد پادشاهان گویند
می نویسند بنام هرکه سابق آید در مسجد ده هزار نیکی و هرکه آخر همی آید بنام او
یک نیکی و هرکه نیاید ایشان را طبانچه می زنند و می رانند و از پس فرشتگان دیوان
می باشند و هرکه را ملائکه رانند دیوان بروی جمع می شوند و برا مشغول می کنند
بفضول تا وقت نماز می گذرد چون قامت میگوید و بنماز فریضه شروع میکنند
دیوان متفرق می شوند و ملائکه در می آیند در مسجدها و چون امام سلام

سلام نماز میدهد هرکه عجلت میکند و بیرون می آید از مسجد او شریک نیست در
دعا با مؤمنان عجلت کند فرشتگان و در رحمت و هرکه اول از مسجد بیرون می رود
بنام او می نویسند یک نیکی و بعد از وی هرکه آخر همه بیرون می آید بنام او ده هزار
نیکی می نویسند همه از پی گفته و مؤمن باید که در مسجد پیش از همه در آید و آخر
همه بیرون آید در فضیلت جاروب زدن مسجد بدرستی چنانست که صد
غزا کرده و چهارده صد حج کرده و چهار صد بنده آزاد کرده و چهار صد سال
روزه داشته و بیافرینند از پی ثواب زعفران را و از آن زعفران چهار صد هزار
حوری تا زنی وی دهد در خبر است هرکه جاروب زند مسجد را خدای تعالی او را
پاک کرداند از گناهان و خطاها از خلاصة الحقایق ابن عباس رضی الله عنه
گفت از رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه در مسجد جاروب زند و رفته را از مسجد
بیرون کند و بیرون اندازد خدای تعالی گناه کبیره او را از نفس او بردارد
و در خبر است هرکه بیرون اندازد روفته را از مسجد او را دو کفل دهند و اجر
یک کفل هفتاد هزار نیکی است و آورده اند که در بدخشان مردی بود که او را
مغنی گفتندی و هر روز بگشتی و در مساجد جاروب زدی و پاک کردی و روفته بیرون
انداختی هر روز همچنین کار کردی چون او نقل کرد خواستند که او را تجهیز

و تکفین کنند ودان جای که مرده بود نیافتند وجای او خالی یافتند وخلق
همه در تحیر و تعجب بماندند ازان حالت **در فضیلت** چراغ دادن در مسجد و در
خبر است هر که چراغی دهد در مسجد حق تعالی او را نوری دهد روز قیامت و در
خبر است هر که قندیلی آویزد در مسجد بنویسد خدای تعالی او را بهر قطره از رو
غن ده نیکی و محو کند ازوی ده بدی و بردارد برای او ده درجه و بدهد خدای
تعالی ده کس را بشفاعت او روز قیامت و بعدد هر نماز که گزارده است
روشنای نور روز قیامت و بدهد ویرا براتی از آتش بدهد **در کل فضیلت**
بوریا و صف نماز دادن و در مسجد خوش بوی کردن و در خبر است هر که بسا
طی دهد در مسجد خدای تعالی بوی بهر بساطی هفتاد بساط بگستراند در روز
قیامت و در خبر است که بر در بهشت ششم این کلمات نبشته است لا اله
الا الله محمد رسول الله هر که خواهد که گور خویش عنبر بسوی باید که خوش
گوید باشد و هر که خواهد که لحد او تاریک نکردد پس باید که مسجد را روشن
دارد و هر که خواهد که گور وی پاک باشد از گزنده و ویرا کرمان نخورد پس
او در مسجد جاروب دهد و هر که خواهد که تازه ماند در زیر زمین و تر بود
تن او پس در مسجدها صف نماز دهد و در خبر است هر که خوش بوی کند

کند مسجد را چون روز قیامت شود او را از بوی خوش بشناسند و از پانصد
ساله راه بوی خوش آید ازوی **باب چهارم** در فضیلت روزه نفل و
روزه ایام بیض و روزه ماه رمضان مشتمل بر سه فصل فصل اول در فضیلت
روزه نفل از تفسیر منیر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که یک روز روزه تطوع
بدارد چنانک مردم نشنوند نسزد خدای تعالی او را جز بهشت جاودانه
و مظفر قرمیسی گفت روزه بر سه وجه است صوم روح و آن امل است و
صوم عقل و آن خلاف کردن هواست و صوم نفس و آن باز بودن است
از خوردن و آشامیدن و از مباشرت **و سعید** جبیر رضی الله عنه وصیت کرد
نزدیک مردی که منجیات در چهار است روزه بغیر غیبت و نماز بغیر شهوت و
دل بی خیانت و قوت حلال **از خلاصة الحقایق** پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود
هر که یک روز روزه تطوع بگیرد خدای تعالی او را بهشت روزی گرداند و
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی که قرآن و روزه هر دو شفاعت کنند
روز قیامت روزه گوید یا رب من باز داشتم از طعام و شراب ما ازوی بروز
و قرآن گوید بدرستی که من باز داشته ام خواب را ازوی بشب پس هر دو شفا
عت کنند و پیغامبر علیه السلام فرمود روزه که در دنیا نیست خدای عز و جل

فرموده است او مراست و جزای روزه او منم بدرستی که او طعام و شراب برای
من گذاشته است و پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود که روزه داشتن عبادتست
از صبح تا شام اگر چه ایستاده و یا نشسته است و یا در نماز است و یا در خواب
و یا در کلام او همچنین است مادام که غیبت نکرده است چون غیبت کند صوم او
درست نباشد از روی تقوی و رسول صلی الله علیه وسلم گفت که مر خدای را
ست عز و جل مائده که هیچ چشمی آنرا ندیده است و هیچ گوش صفت او نشنیده
و نه در دل هیچ بشر گذشته ننشینند بران مائده مگر روزه داران **از فوائد
الفواد** سخن در فضیلت صوم افتاد و این حدیث آمد که للصائم فرحتان
فرحة عند الافطار و فرحة عند لقاء ربه بعد ازان فرمود این فرحة صائم عند
الافطار فرحت اکل و شرب نیست این فرحت بر اتمام صوم است یعنی که صائم
چون صوم تمام کند او را فرحتی آید گوید الحمد لله این طاعت از من تمام شد
و امیدوار رحمت و دیدار او شدم بعد ازان فرمود که هر طاعت را جزای معین است
جزای روزه نعمت دیدار است پس هر آینه صائم با تمام صوم شاد باشد
بامید آن نعمت و صفت روزه چیزی در باب آدب نبشته شده **فصل دوم**
در فضیلت ایام بیض از دریا جبن امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت

گفت که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که جبرائیل علیه السلام گفت مرا چون معشر
آدم علیه السلام در زمین نزول کرد اندام مبارک او سیاه شده بود چون انگشت
و سیزدهم ماه بود که آدم علیه السلام بگریست چنانک آب دیده او چون جوی
روان شد و میگفت یا جبرائیل کجا شد حسن من و کجا شد حلهای من و چه شد
پیرایه من و کجا شد زوجه من حوا پس من گفتم یا آدم مرا این علم آدم پیغامبر
آن روز روزه داشت سیک حصه از اندام مبارک او سفید شده بود چنانک بود
پس باز وحی کرد سوی من بگو مر آدم را دوم روز هم روزه دارد و آن چهار ده
ماه بود پس چون دو روزه روزه داشت دو حصه از اندام مبارک او سفید شد
پس باز فرمان آمد که سیم روز هم روزه دارد و آن پانزدهم ماه بود پس چون سیم
روز روزه داشت تمام اندام او سفید شد و باز گشت بدو حسن و جمالی که بود
ویرا و این روزه را ایام بیض خوانند از انکه آدم علیه السلام روزه داشت و تمام اندام
او سفید شد پس هر که یک روز روزه دارد از ایام بیض محو شود سیک حصه او از
گناه و اگر دو روز روزه دارد از ایام بیض دو حصه از گناه او کم شود و اگر سه روز
روزه دارد بیرون آید از گناه پاک شود پس جبرائیل علیه السلام گفت پیغامبر را که بشارت
امت ترا امر کن ایشانرا بصیام ایام بیض بدرستی که روشن شود دلهای ایشان

وسفید شود رویهای ایشان وآدم علیه وسلم مدام روزهٔ ایام بیض میداشت
تا آن هنگام که از دنیا رحلت کرد از تفسیر مغنی مرویست که رسول صلی الله
علیه وسلم امیر المؤمنین علی را رضی الله عنه فرمود که یا علی روزه دار در هر ماهی سه
روز نبشته شود مر ترا روز اول ده هزار ساله ثواب و در دوم روز ثواب سی هزار
ساله و در سیم روز ثواب صد هزار ساله ثواب ایضاً در سورهٔ احزاب که خدای
تعالی صفت کرده است اعمال صالح مؤمنین و مؤمنات را در اخلاص
و صدق و جزآن ذکر صوم کرد والصائمین والصائمات روزهٔ فرض و نفلست
و گفته اند روزهٔ ماه رمضان و ایام البیض است و در خبر است که خدای عز وجل
وحی کرد بموسی علیه السلام که یا موسی چون جمع شوند خلق اولین و آخرین جدا
کنم اهل بهشت را از اهل دوزخ بر روزهٔ ایام بیض و استغفار سحرگاه یا
موسی حق است آنچه من گفتم بدرستی که روزه داران ایام بیض و گویندگان
استغفار بسحرگاه بمیرند سیرآب و برخیزند از گور سیرآب و در آیند به بهشت
سیرآب و بیرون نروند از دنیا تا مقام خود در بهشت نه بینند یا موسی گویندگان
استغفار بسحرگاه و روزه داران ایام بیض حشر کرده شوند بر شتری از شتران
بهشت و رویهای ایشان تابان باشد چون شب چهاردهم و بدهم ایشان براتی

براتی از آتش و در خبر است که رسول صلی الله علیه وسلم ابلیس لعین را پر
سید که کدام اعمال بنزد تو دشمن تر است گفت نماز چاشت و روزهٔ ایا
م بیض ابن عباس رضی الله عنه گفت رسول صلی الله علیه وسلم افطار نکردی در
ایام بیض در سفر و نه در حضر ایضاً عبد الرحمن بن سمره رضی الله عنه گفت
که من گفتم پیغامبر را صلی الله علیه وسلم یا رسول الله روزهٔ تو کدام است گفت
سیزدهم چهاردهم پانزدهم ایضاً مردی بیامد بنزد ابن عباس رضی الله عنه
سوال کرد از صیام پس ابن عباس گفت اگر روزهٔ داود علیه السلام خواهی
پس یک روز روزه دار و یک روز افطار کن و اگر روزهٔ سلیمان علیه السلام خواهی
پس روزه دار سه روز اول ماه و دوم و سیم و اگر روزهٔ مریم خواهی رضی الله عنها
پس دو روز روزه دار و یک روز افطار کن و اگر روزهٔ پسرش عیسی علیه السلام خواهی
پس صوم دهر بدار و روزهٔ محمد رسول صلی علیه وسلم خواهی پس روزه دار
از هر ماه سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم از فوائد الفؤاد پانزدهم ذی الحجه سنه
ثمان عشر و سبعمایه بسعادت پابوس رسیده شد بنده عرضه داشت کرد که
سیزدهم این ماه افطار کرده می شود بسبب ایام التشریق حال روزهٔ ایام بیض
چه شود فرمود که امام شافعی رحمة الله علیه پیوسته سیزدهم چهاردهم و پانزدهم

ایام بیض میدارد درین ماه باتفاق چهاردهم و پانزدهم شانزدهم باید داشت
از حقایق از ادب روزه یکی آنست که چون کسی روزه دار باشد جای نرود که
آنجا طعام خورند یا میخورند و اگر بی قصد بیفتی نشاید که روزه بگشاید و
آن سخن مشنو که ترا گویند که دل مسلمانی نگاه داشتن فاضلتر زیرا که در خبر است
ان کنت صایما فصل معنی آنست اگر جای افتی که مردمان طعام خورند و تو روزه
داری ایشان را دعا میکنی تا ایشان میخورند و دل نگاه داشتن جای بود که اگر
کسی را جای دعوت کنند و مقصود او بود و قومی را بطفیل او خوانده باشد
اگر روزه نیت کرده باشد تا تواند نرود و اگر برود طعام باید خوردن و
دل آن قوم غمگین نباید کردن و روز دیگر آنرا قضا باید کردن و این برو
زه تطوع رواست اما اگر نذر کرده باشد و فریضه بود پس نشاید گشادن
و قضا کردن فصل سیم در فضیلت روزهٔ ماه رمضان از تفسیر مغنی رسول
صلی الله علیه وسلم گفت الهی من در توریت خوانده ام امتی باشد که از برای رضای
تو ماه رمضان روزه آمرزیده شود گناهان ایشان آنچه پیش از آن کرده با
باشند پس ایشانرا امت من گردان فرمان آمد حضرت عزت که ایشان
امت محمد اند پس موسی علیه السلام گفت آن ماه مرا عطا کن فرمان آمد که آن ماه

موسی ع

آن ماه خاص مر امت محمد راست پس موسی گفت یا رب چیست ماه رمضان
ایزد تعالی فرمود که ماه رمضان ماهیست که از جملهٔ ماهها انرا برگزیدم و
اختیار کردم برای خود و عطا کردم از فضل خود مر امت محمد را که عطا نکردم
یکی امتان دیگر را پس اگر من اذن کنم آسمانها را شفاعت کنید ایشانرا در آن ماه
و اگر اذن کنم زمین را شفاعت کنید ایشانرا در آن ماه و اگر اذن کنم ...را
شفاعت کنید ایشانرا در آن ماه از خلاصة الحقایق از جابر بن عبد الله رضی
الله عنه مرویست از پیغامبر صلی الله علیه وسلم گفت بدرستی که داده شده است امت
مرا در ماه رمضان نظر کند خدای تعالی سوی ایشان بنظر رحمت و سوی هر که نظر
کند خدای تعالی هرگز عذاب نکند او را ابدا دوم آنکه بوی دهان ایشان خوشبوی
تر است نزد باری تعالی از بوی مشک و سیم آنکه آمرزش خواهند فرشتگان مر ایشانرا
در شب و روز چهارم آنکه امر کند خدای تعالی بهشت را که ساخته شو و آراسته شو
و بیارای خود را از بهر بندگان من نزدیک باشد که برود از ایشان رنجهای دنیا و محنتهای
دنیا و در آیند در بهشت من با کرامت من پنجم آنکه چون شب آخر شود از ماه رمضان
بیامرزد خدای تعالی ایشانرا همه صحابه رضوان الله علیهم گفتند یا رسول الله آن
شب قدر که آمرزیده شوند فرمود که شب قدر نیست و اما چون امر تمام میکنند

شفاعت کنند

پنج چیز
اول آنکه
خدای تعالی

وکار بابرتمام می رسانند اجرت ایشان تمام داده می شود بعضی از اهل حقیقت گفته
اند که چون خدای تعالی گفت آمرزیدم یا نزده برادر را بدعای یک برادر پس ما امیدواریم
که بیامرزد گناهان یا نزده ماه را ببرکت یکماه رمضان واین قصهٔ یوسف پیغامبر
است علیه السلام که درحق یا نزده برادر دعا کرد از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ
فرید الدین قدس الله سره العزیز بر لفظ مبارک راند که ماه رمضان بزرگ ماه
هست درین ماه هرکه روزه گرفته باشد هرشبی فرشتگان هریکی طبق رحمت
بدست گرفته از آسمان فرود می آیند پس فرمان می شود که چون بندگان ماه
افطار کنند آن طبقها بر سر ایشان نثار کنید وهرکه بآمدن ماه رمضان شاد
بشود خدای تعالی او را هیچ وقت غمگین نگرداند وبرکت وخیر در کسب روزی او کند
وهرکه در رفتن ماه رمضان دل تنگ شود او را شادیهای دو جهانی دهند وهیچ
غمناک نگردد از خلاصة الحقایق آورده اند که پیغامبر صلی الله علیه وسلم گفت هرکه شاد
شود بآمدن ماه رمضان وغمناک گردد برفتن ماه رمضان خدای تعالی او را بیا
مرزد از کفایه شعبی در خبر است که چون جمع شوند خلایق روز قیامت منادی
ندا کند کای روزه داران امت محمد بیرون آیید از امتان دیگر پس بیرون آیند
ایشان ندا کنند وبگویند بدرستی که خدای تعالی میگوید بیامرزیدم شما را آنچه میان

میان من ومیان شما ست پس شما نیز هم عفو کنید آنچه میان شما ست ودر آیند
در بهشت پس بیرون آیند از میان سایر الامم وگویند موحدین امتان دیگر که
ایشان کیانند فرشتگان گویند ایشان روزه داران امت محمد اند صلی الله علیه
وسلم پس ایشان دست بر دست زنند وافسوس خورند وگویند ای کاشکی بر
پیغامبران ما هم ماه رمضان بودی تا این کرامت امروز هم ما در می یافتیم واو
رده اند که مردی بود وهب بن ورد نام روزی در مقابر میگذشت آوازی
شنید از گوری که می گفت زهی اندوه زهی حسرت که ماه رمضان رسید ونیست
ما را اذن بروزه داشتن واز گوری دیگر آواز شنید که گفت
اگر ما را اذن نیست بروزه ولیکن ما را فرزندان صالح اند ثواب ایشان
بنام ما خواهند نبشت وخضر علیه السلام گفت ای مظفر دریا از لقمان
حکیم شنوده ام که بهشت را هشت در است معروف ویک در دیگر
دارد نام آن در ریان است وازان کسی نرود مگر روزه داران ماه رمضان
وآن کسانی که گفته باشند با خلاص بسم الله الرحمن الرحیم ومظفر دریا گفت
من با خضر علیه السلام در بیت المقدس افطار می کردیم گفتم در فضیلت رمضان
چیزی بگوی گفت ای مظفر دریا حق تعالی جبرائیل علیه السلام را فرمان دهد که

ای جبرائیل قدحی شراب طهور ببر بحضرهٔ محمد رسول الله وبگو که حق تعالی
سلام می گوید ومی فرماید که امت تو افطار میکنند تو نیز افطار کن جبرائیل علیه
السلام بیاید قدح شراب طهور بوی دهد رسول صلی الله علیه وسلم گوید مرا
این شراب گوارنده نیست بی امت پس جبرائیل علیه السلام با حق بگوید حق
تعالی گوید که ای جبرائیل محمد را بگوی امت ترا نصیب کنم ببعضی پیغامبر بزرگ نهد
گفته اند که تعجیل الافطار شرطست حکمت اندروا آنست که افطار مؤمنان با
فطار رسول صلی الله علیه وسلم برابر افتد وچون پیغامبر صلی الله علیه وسلم شربت بخورد
جبرائیل بقیهٔ شربت بگیرد وگوید الهی چه کنم حق تعالی فرماید فرشته را تا برگیرد
ست گیرد وهر مؤمنی که روزه کشاید آن فرشته ازان یک قطره دران آب
افکند آن ساعت که مؤمن آن قطره بخورد باری تعالی گوید از آتش آزادی تو
وتا یکی از امت محمد قطره ازان نخورده تمام نشود پس جبرائیل علیه السلام بیا
ید وبر همه خانهای مسلمانان نگاه کند اهل آن خانه از آتش دوزخ امان
یابند ودر دوازده خانه نظر نکند اول خانه که درو خمر بود دوم خانه که درو اسباب
فساد بود سیم خانه که درو دروغ وغیبت گویند چهارم خانه که درو سگ
باشد پنجم خانه که درو جرس آویخته باشند ششم خانه که آنجا رو فتنه باشد

باشد وخاک آن بر جای گذاشته هفتم خانه که درو زنا باشد در آن سال هشتم
خانه که درو تصاویر باشد نهم خانه که قماش باشد یا غله برای احتکار دهم خانه
که یتیمی را بیازارند یا درویشی را از در محروم گردانند یازدهم در خانه که مال ربا
شد واز قرض حسنه دفع کنند دوازدهم درخانه که مادر وپدر را بیازارند وبا این
همه با دو گروه رحمت نکنند یکی آنکه مادر وپدر را بیازارد دوم آنکه نمازی عادت
دارند نقل از دوازده مسئله مسئلهٔ دیگر آنست که ابلیس گفت ای مهتر خضر من در
روزهٔ مؤمن خلل افکنم پیش از انکه نیت روزه کند در نفس او در آیم بعد از نیت
مرا در نفس او راه نباشد بوقت نیت او را وسوسه دهم تا نیت فراموش
کند وروزهٔ بی نیت روا نباشد واگر نیت کند حسد بخل وکینهٔ مسلمانی در
دل او افکنم تا بغیبت ودشنام وتهمت مشغول گردد وغیبت روزه را
تباه کند ودران روزه او را ثواب نباشد واو پندارد که روزه داشته است
وآن روزه همچنان در گردن او بماند وبا من در دوزخ در آید نعوذ بالله منها
جواب رسول صلی الله علیه وسلم گفت یا خضر علاج او آنست که پیش از روزه
نیت صادق کند وحاضر کرده وده بار کلمهٔ تمجید بگوید واستغفار گوید وتوبه
کند واین بخواند اللهم انی ارید ان اصوم بامرک وقوتک یا الله اللهم انی

اعوذ بک من همزات الشیاطین واعوذ بک رب ان یحضرون برحمتک یا ارحم الراحمین
وآورده اند که در آن وقت امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه شهید شد در خانهٔ
او صندوقی یافتند مُهر کرده وچون بگشادند یافتند در صندوق جامهٔ
حریر در وی پنج سطر نبشته در اول سطر کر باد هر دو گوش عثمان بن عفان
اگر نشنیده باشد از رسول صلی الله علیه وسلم این چهار سخن در سطر دوم نبشته
هرکه قرآن بخواند ظاهرًا یا ناظرًا بیامرزد خدای تعالی اورا البته البته البته ودر سطر
سیم نبشته هر جوانی که پیر شود در اسلام وشرک نیارد بخدای بیامرزد خدای
تعالی اورا البته البته البته ودر سطر چهارم نبشته هرکه در آرد در دل مؤمن شادی
بیامرزد خدای تعالی اورا البته البته البته ودر سطر پنجم نبشته هرکه دریابد ماه
رمضان را وروزه باشد روزهای اورا وبشبها قیام کند بیامرزد خدای
تعالی اورا البته البته البته **از وصایای** رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هرکه روزه
دارد از ماه رمضان وپرهیز دارد از حرام وبهتان خشنود شود خدای تعالی
ازوی وواجب گرداند اورا بهشت **از تنبیه** ابو اللیث پیغامبر صلی الله علیه وسلم
فرمود چون شب قدر شود بفرماید خدای عز وجل مر جبرائیل علیه السلام
را با گروه گروه فرشتگان تا فرود آیند بزمین وعلمهای سبز بیارند بر بام کعبه

کعبه بدارند وجبرائیل علیه السلام را ششصد پر است ودو پر دارد که ویرا باز نکند
مگر در شب قدر واندران شب هر دو پر باز کند از مشرق تا بمغرب برسد و
اندر گذرد وجبرئیل علیه السلام آن فرشتگانرا گوید تا بر امت محمد سلام کنند و
وبر هر استاده وبر هر نشسته وبر هر نماز کننده وبر هر دعا کننده وایشانرا در
کنار گیرند ودعای ایشانرا آمین میگویند تا صبح بدمد چون صبح بد
مد جبرائیل علیه السلام بانگ کند یا معشر الملائکه الرحیل الرحیل فرشتگان گویند
یا جبرائیل ایزد تعالی با امت محمد چه کرد جبرائیل گوید ایشانرا بنظر رحمت نگریست
وایشانرا عفو کرد وبیامرزید مگر چهار گروه را فرشتگان گویند آن چهار
گروه کدام اند گوید آنکس که می خورد وتوبه نکرده بمیرد ودوم
آنکس که مادر وپدر ازوی ناخشنود بود وسیم آنکس که از برادر مسلمان
سخن باز گیرد افزون از سه روز وچهارم آنکس که از رحم ببرد وچون
روز عید شود بیامرزید خدای تعالی ایشانرا وفرشتگان فرستد تا بر
سر کوچهای ایشان بایستند وبانگ کنند چنانک همه خلق بشنوند
الا آدمیان وپریان گویند یا امت محمد بیرون آیید بسوی خدای کریم
تا بیابید ثواب عظیم وچون بنمازگاه عید بیرون آیند خدای عز وجل

گوید ای فرشتگان من گواه باشید که از روزه داران ماه رمضان ونماز
کنندگان خشنود شدم وهمه را بیامرزیدم پس ایزد تعالی گوید ای بندگان
من حاجت خواهید هرچه خواهید روا کنم وپیغامبر صلی الله علیه وسلم
گفت شمارا حدیثی خواهم گفت از شب قدر ترسم که تکیه بر وی کنید مگر شمارا
بهتر آنک بجویید اندر وبازپسین در سه یا در پنج یا در هفت یا در نه که
مانده بود وعلامتهای شب قدر آنست که شبی بود نه گرم ونه سرد با
مداد که آفتاب طلوع کند ویرا شعاع کمتر بود هرکه اندران شب نماز
کند به نیت صادق وخالص بیامرزد خدای تعالی گناهی که کرده بود **از**
خلاصة الحقایق انس بن مالک رضی الله عنه گفت که از رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود بدرستی که خدای عز وجل وحی کند سوی فرشتگان که نبان
اعمال که گناه را منویسید بر بنده من که روزه دارد بعد از نماز دیگر چیزی
ورسول صلی الله علیه وسلم گفت هرکه روزه دارد ماه رمضان با خاموشی وسکون
وتکبیر وتهلیل وحمد گوید خدای عز وجل وحلال را حلال داند وحرام را حرام
داند نبشته شود مر اورا بدل هر تسبیحی خانه در بهشت از زبرجد سبز
واز یاقوت سرخ **ایضًا** انس بن مالک رضی الله عنه گفت که پیش رسول

رسول نشسته بودم صلی الله علیه وسلم با صحابه نفری چند از جهودان آمدند
وسوال کردند وگفتند یا محمد چرا فرض کرد الله خدای تعالی بر تو وبر امتانت
روزهٔ ماه رمضان سی روز رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی که پدر
ما آدم علیه السلام خورده بود از آن درخت که اورا نهی کرده بودند ودر
دنیا آمد وآنچه خورده بود در شکم او یکماه باقی مانده بود پس مبتلا کرد
خدای تعالی فرزندان اورا بروزه داشتن یکماه پس جهودان گفتند را
ست گفتی یا محمد **وآورده اند** یکی از صحابه روز عید جامهٔ کهنه رنگین
چنانک پوشیده بود بنماز رفت ویرا گفتند که جامهٔ نو وشسته پوشیدن
در روز عید سنت است گفت در حق ایشان است که شاد باشند ومن
اندوهگینم ومصیبت زده ام پرسیدند کدام مصیبت گفت گذشتن ماه رمضان
است گفت
نمیدانم که از من قبول کرده اند یا بروی من باز زده اند **وچیزی از فضیلت** شب
قدر وسحر وفضیلت شش روزهٔ شوال در آخرین باب در ماه رمضان
نبشته شده است **باب پنجم** در زکوة وصدقه ودر جود وبخل
وضیافت مشتمل بر پنج فصل فصل اول در زکوة از خلاصة الحقایق
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که حصار کنید مالهای خود را بزکوة ودار و

کنید بیماران خود را بصدقه و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که نماز
نیست مر کسی را که زکوة دهنده نیست و هر که زکوة مال خود ندهد او
را فضیلت و قبولیت نباشد زیرا که خدای تعالی زکوة و نماز را در یک جای
یاد کرده است پس هر گاه که در یکی خلل باشد و در دوم نیز خلل باشد و رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود قومی که زکوة مال نگاه دارند و ندهند خدای تعالی
آب باران از ایشان باز دارد و اگر بهایم نبودی باران خود هرگز نباریدی
بران قوم و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که چهار کس باشند از گور بیرون
آیند بدوزخ روند بی حساب یاران گفتند یا رسول الله ایشان کیا
نند رسول فرمود یکی آنکسان باشند که بوقت نماز بامداد بخسبند و نماز
بعمداً بگذارند دوم آنکسان که زکوة مال ندهند سیم آنکسان که از زنی شهوت
تها روند چهارم آنکسان که از نماز خفتن غافل باشند و بگذارند و زکوة
بر پیشینیان ربع مال بود و در عهد پیغامبر ما از دویست درم پنج درم
شد و پیشینان بدان ربع مال دادند هیچ مضایقت و حیله نکردند و
ترا که فرمان است که ربع عشر بده صد نوع حیله می انگیزی تا ندهی و ترا
گفته است که ضمان مال تو منم مال ترا زیاده کنم و از نقصان نگاه دارم و از

بتو

و از تو قرض می طلبد بدین شرط که امروز بدهی فردا بان ده هم و این همه مال
است که ترا عطا کرده است و بدست تو امانت است و تو آنرا مالک شدی
و هم از مال خود از تو از دویست درم پنج درم می طلبد به بین که از
برای خود نمی طلبد او ازین مستغنی است و مبرا است و کسی را دادن
فرموده است که هم جنس تو ست و برادر تست که المؤمن اخ المؤمن
و لیکن محتاج است پس چگونه کسی بود که از همت مروت خود چیزی ند
هد و بر آنچ فرمانست و دران مضایقت کند و بوعده خدای عز و جل
استواری نکند و پیغامبر صلی الله علیه وسلم هم ازین جهت دنیا را مردار خواند
تا هیچ عاقلی مر او را دوست ندارد کما قال النبی صلی الله علیه وسلم الدنیا
جیفة و طالبها کلاب و شر الکلاب من وقف علیها پس هر که دوست دارد
و گرد آرد و ندهد و محبت خدای و رسول خدای عز و جل برو غالب نبا
شد او سگ بود بلکه از سگ بدتر بود ومشایخ رحمهم الله هم ازینجا گفته
اند که زکوة بر سه نوع است زکوة شریعت و زکوة طریقت و زکوة حقیقت
زکوة شریعت آنست که از دویست درم که بدهد نقره پنج درم بدهد و زکوة
طریقت آنست که از دویست درم پنج درم نگاه دارد و باقی بدهد و زکوة حقیقت

آنست که هیچ نگاه ندارد و همه بدهد و اهل تحقیق گفته اند هر چیز را زکوتیست
و زکوة خانه آن است که بجهت مهمان منزلی باشد و زکوة جاه فریاد رسیدن
مظلوم است چنانکه پیغامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید بدرستی که خدای تعالی
فریضه کرده است بر شما زکوة مال و زکوة جاه همچنانکه فریضه کرده است
بر شما زکوة علم عمل کردن است بوی نقل از ده و انزده مسئله و پانزدهم
آنست که ابلیس گفت ای مهتر خضر در زکوة و صدقات راه زنم و بو
قت دادن زکوة بر چهار گوشه دل او بنشینم و او را اول از درویشی و پیری
بترسانم و دوستی مال در دلش بیفزایم تا زکوه ندهد حق خدای عز و جل
در گردن او بماند تا با من بدوزخ رود نعوذ بالله منها جواب رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که یا خضر علاج او آنست که اگر مال دارد و شرایط
صحت زکوة رسیده باشد نیت صادق کند و از مال زکوة بیرون آرد
و سه بار کلمه تمجید بگوید و این دعا بخواند اللهم انی اعوذ بک من شر
الشیطان الرجیم و شر ابلیس و انا عبدک و ابن عبدک استعین بک فی
اداء الزکوة التی فرضت علی اللهم زک مالی و عملی اعمالی یا ذا الجلال و الا
کرام برحمتک یا ارحم الراحمین از تنبیه ابو اللیث عکرمه گفت که از کعب الاخبار

خبار شنیدم یا ابن عباس گفت که چون شمشیرها برهنه شود و خونها ر
یخته شود بدانید که از حکم حق تعالی باز داشته باشید و بدانید که زکوة مال
نداده اید و چون به بینید که ابر حق تعالی باران نفرستد از آسمان بدانید که شما
زکوة مال باز داشته اید و چون به بینید که مرگ مفاجات آید بدانید که زنا
آشکارا شده است از خلاصة الحقایق مرویست که موسی علیه السلام بجوانی
بگذشت که نماز نیکو میگذارد تعجب کرد و خدای عز و جل ندا کرد گفت یا موسی نیکو نماز
این چه بینی چون زکوة نمی دهد بدرستی و راستی که زکوة و نماز هر دو توامان اند
قبول نکنم یکی را بی دوم فصل دوم در فضیلت صدقه از فواید الفواد
سخن در صدقه افتاد فرمود که در صدقه اگر پنج شرط موجود شود آنگه
آن صدقه قبول باشد و ازان پنج شرط دو پیش از عطا است و دو در حالت
عطا و یکی بعد از عطا اما آنچ پیش از عطاست یکی آنست که آنچ خواهد داد
از وجه حلال حاصل کند و دوم آنکه نیت کند بمرد صالح دهد که در وجه
فساد خرج نکند و آن دو شرط در حالت عطاست که بتواضع دهد و
با انشراح دل و شرط دوم آنکه خفیه دهد و آن یکی که بعد از عطا بود آنچ داد
بعد از داده او را دیگر بر زبان نیارد و ذکر آن نکند از خلاصة الحقایق

رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بدرستی در بنی آدم سیصد و شصت استخوان
است و بهر استخوانی از آن هر روز صدقه باید داد گفتند یا رسول الله چگونه
توانیم رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که راه نمودن گم راه را صدقه است و هر چه
زیان رساند خلق را در راه مثل خار و سنگ و کلوخ و نجاست و جز آن از راه
دور کردن صدقه است و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که صدقه دهید بدرستی
که بیاید زمانه که مومنان صدقه نیت کرده باشند و بگردند کسی را نیابند که
صدقه قبول کند و بر هر که عرضه کنند بگویند اگر بدین صدقه بیشتر حیات
یابیم هر آینه قبول کنم امروز مرا بدین حاجت نیست و رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود اگر صدقه مسکینی را دهی و یا اجنبی را دهی ثواب یک صدقه است
و اگر قرابت را دهی دو ثواب دهد و یکی ثواب صدقه و یکی ثواب صلهٔ رحم
و ابو هریره رضی الله عنه گفت که پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود که بر هر نفسی نوشته
شده است که صدقه باید داد هر روزی آفتاب طلوع میکند پس هر که عدل
کند میان دو کس آن صدقه است یعنی هر چه بدهد بگوید هر دو را که برابر باشید
و بجانبی میل نکند و اگر ضعیفی ناتوانی را ببیند که بر دابه سوار نمی‌تواند شدن
او را سوار کند بر دابهٔ او و رخت و متاع او بر ستوری نهد آن صدقه است و دور

و دور کند از راه چیزی را که زیان رساند مردمان را آن صدقه است و کلمهٔ
طیبه گفتن یعنی سخن نکو بگویند و پاک از دروغ گفتن صدقه است از نفعی معنی
در حدیث است بر هر مردی و مسلمانی در هر روزی صدقه باید دادن پس
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دور کردن از راه چیزی را که زیان رساند
مردمان را صدقه است و بهر گامی جهت سوی مسجد رود صدقه است
امر و نهی و معروف و منکر بجای آوردن صدقه است و جواب سلام گفتن
صدقه است و بنماز رسیدن صدقه است و بر روی جنازه صدقه است
و شنوانیدن سخن مزکی را صدقه است و مجامعت کردن با زن خود صدقه
است پس مردی گفت چگونه صدقه بود با زن خود مجامعت کردن که با
زن خود قضای شهوت میکند رسول صلی الله علیه وسلم فرمود از آ
نکه از حرام پرهیز میکند خود را و در حلال میدارد از خلاصة الحقایق رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هر چه نفس تو بخورد آن ترا صدقه است بدهی فقیر
را نفع بیشتر باشد گفت میدانم ولیکن از رسول علیه السلام شنیدم از کلام یعنی
بهشت را مجید لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون یعنی هرگز امید مدارید
دیدن نکویی را یعنی بهشت را تا صدقه ندهید از آنچه شما دوست میدارید

و بدرستی که خدای تعالی میداند که من نگنگو را دوست از همه میدارم و آورده اند
که خواجه حسن نخاسی را دید که با او جاریهٔ جمیله بود آن نخاسی را گفت راضی شوی
تو بهای این جاریه بیک درم و دو درم گفت نه گفت برو که خدای تعالی راضی شود
در حور بهشت بیک دانگ و دو دانگ و صالحی مرّی گفت من خواجه حسن را
گفتم که سایلان بسیار شدند ما صدقه کرا دهیم گفت بکسی ده که دل تو بر او
تنگ نشود و عبدالله مبارک گفت هر که هر روز دوازده رکعت نماز بگذارد بد
رستی که او ادا کرده باشد حق نماز را و هر که هر ماه سه روز روزه دارد بدرستی
که ادا کرده باشد حق صدقه را و مالک دینار گفت عورتی بیوه را بچه بکنار
بود گرگی از دستش ببربود آن عورت برخاست یک نان بدرویشی صدقه داد
گرگ آن بچه را بگذاشت و برفت عورت بچهٔ خود را بسلامت یافت آوازی
شنید که ای زن تو لقمهٔ بدرویشی دادی بچهٔ تو که لقمهٔ گرگ شده بود بسلامت
یافتی و پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود که بلا فرود می آید از آسمان و صدقه بالا می
رود از زمین هر دو ملاقات می‌شوند پس صدقه میگوید بلا را سوی که میروی بلا گوید
سوی فلان پس صدقه گوید من صدقهٔ اویم ترا نگذارم سوی او رفتن در گ
یکدیگر جسبند و در هوا بمانند تا روز قیامت و بنده بیاساید و خلاص یابد

یابد از تفسیر منیر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بیماران را دوا کنید بصدقه
و مالها حصار کنید بدادن زکوة و پیش از آمدن بلا دعا کنید و سعید بن
مسعود الکندی رضی الله عنه گفت از پیغامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم هیچ
کس نیست که صدقه دهد شب یا روز که او نگاه داشته آید از آن روز تا آن
روز که بمیرد از گزیدن مار و از فرود آمدن دیوار و از مرگ مفاجات ایضا
ابو هریره رضی الله عنه گفت از پیغامبر صلی الله علیه وسلم که آدمی را سیصد و
شصت پاره استخوانیست بر هر استخوانی صدقهٔ واجب است گفتند
یا رسول الله اگر کسی این نتواند داد گفت بعدد دانها تسبیح کند یا تهلیل
گفتند اگر نتواند گفت درماندهٔ را یاری دهد و یا کسی که در خرید فروخت
زبر کس ندارد و یا در دعوا و خصومت او را یاری دهد گفتند اگر این
نکند گفت رنج خود را از خلق باز دارد آن صدقه باشد معنی این خبر که
هر نعمتی را گواهی شکریست و شکر هفت اندام تمام در اینهاست
که گفتیم ایضا در خبر است که مردی هفتاد سال
عبادت کرده بود روزی از صومعه بیرون آمد زنی
پیش او آمد با او فاحشه راند پس آن سایلی پیش آمد قرصی داشت
مسلمانان پاک دارد کنند اگر این نیز نکند گفت

بوی داد پیغامبر آن زمانه را وحی آمد که آن بندهٔ مرا بگو که با آن یک زنا که کرد
دی طاعت هفتاد ساله تو حبط کردیم و بدان قرص هفتاد ساله عبادت
باز بخشیدیم از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بهترین صدقه
آنست که صدقه دهد در حالت صحت و دلجویان باشد بمال و امید بود
بحیات و عیش و بترسد از فقر و مرویست که عبدالله بن عمر رضی الله عنه
جاریهٔ خرید و بسیار نگاه داشت و دل بدو مایل بود پس آزاد کرد و مردیرا
بنکاح داد آن جاریه از ان مرد فرزندی آورد آن فرزند را ابن عمر رضی الله
عنهما در کنار گرفت و گفت از تو بوی مادر تو می یابم ویرا گفتند که خدای تعالی
ترا روزی کرده بود آن جاریه از حلال و تو او را دوست میداشتی چرا از خود
جدا کردی گفت از بهر این آیت که خوندم لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا
تُحِبُّونَ ایضًا از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر کرا مال نباشد که
صدقه دهد پس لعنت کند یهود را بدرستی که آن مر او را بجای صدقه است
ایضًا در خبر است که چون روز قیامت شود گفته شود مر فقیران را که نظر
کنید کسی که شما را پارهٔ از نان خورانیده است و یا کوزهٔ آب داده است
و یا جامهٔ پوشانیده است پس بگیرید دست او را و بسوی بهشت برید از کفایه

از کفایه شعبی در خبر است که مردی بیامد بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم
وگفت یا رسول الله من مال جمع کرده ام و وارثی ندارم میخواهم که مال خود را صدقه
دهم کرا دهم پیغامبر علیه السلام فرمود کسی بره که از تو سوال نکند پس آن مرد گفت
مر آن کس را چگونه دانم رسول صلی الله علیه وسلم گفت که کسب او دلالت میکند
بر آن ایضًا در بحر حدیث است رسول صلی الله علیه وسلم و صحابه شبی در
مسجد حاضر بودند سائل بیامد و سوال کرد رسول صلی الله علیه وسلم فرمود صحابه را
هر یکی بمقدار وسع طاقت خود این فقیر را صدقه دهید یاران همه قبول کردند
و در خانها رفتند یاری بود که او هیچ نداشت در خانه رفت و طلب کرد چیزی از
قلیل و کثیر نیافت بحضرت عزت مناجات کرد گفت الهی تو میدانی مهمانی
رسیده است و من چیزی ندارم که او را صدقه دهم اگر چیزی ملک من بودی
برو میدادم ولیکن من مالک چیزی نه ام مگر نفس خود را و جان خود را
پس من خود را صدقه دادم در راه خدای بر بندگان خدای که صالح باشند
چون روز شد هر کسی از صحابه صدقه بیاوردند پیش رسول صلی الله علیه
وسلم بنهادند و آن مرد بیامد و در گوشهٔ مسجد بنشست سر افکنده و
غمگین جبرائیل علیه السلام بیامد و رسول صلی الله علیه وسلم خبر کرد و گفت

آن مرد را که خود را در راه خدای صدقه داده است بشارت برسان و بگو که
خدای تعالی این صدقهٔ ترا و جملهٔ صدقات را قبول کرده بحسن نیت تو
و بهشت ترا واجب گردانید پس رسول صلی الله علیه وسلم فرمود کجاست
آنکه نفس خود را در راه خدای تعالی صدقه داده است جواب نداد از شرم
چنانکه رسول صلی الله علیه وسلم دوم بار و سیم بار بخواند گفت ای فلان بن فلان
آنگاه سر بالا کرد رسول صلی الله علیه وسلم مر او را دید گفت چه صدقه دادهٔ
دینه روز پس او از ان حال خبر کرد رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بشا
رت مر ترا بدرستی که خدای تعالی قبول کرد انید از تو صدقهٔ تو و دیگر
این جمله صدقات بحسن نیت تو و در خبر است هر که خرمای دهد صدقه از
حلال بدرستی که خدای تعالی بپرورد آن را تا روز قیامت مثل کوه احد شود پس
بنهد آن را در میزان اعمال و زن نیکوی او و در خبر است که صحابهٔ چند فقیر بر رسول
صلی الله علیه وسلم شکایت کردند و گفتند یا رسول الله صحابهٔ اغنیا صدقه
دهند و حج کنند و طعام دهند گرسنگان را و جامه پوشانند برهنه
گان را ما این چیزها نداریم پس رسول صلی الله علیه وسلم گفت بدرستی که خدای
تعالی بر شما چیزی عطا کرده است آن افضل است از آنچه اغنیا دارند

دارند گفتند چیست آن رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که آن سُبْحَانَ اللهِ
وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
از حقایق در خبر آمده است که چون درویش یکبار بگوید سُبْحَانَ اللهِ
والحمد لله الی آخره و توانگر نیز بگوید توانگر را ده هزار درم صدقه باید
دادن تا برابر درویش شود در ثواب این از خلاصة الحقایق مرویست
از شاکر و امیر المؤمنین علی رضی الله عنهما از حارث که گفت من امیر المؤمنین
علی را دیدم بر در خانه استاده بود و می گریست من گفتم یا امیر المؤمنین
چرا میگریی گفت از جهت آن میگریم که سه روز است که بر در خانهٔ ما سا
ئلی نیامده است تو بسم از عقوبت حق تعالی و در خبر علیه السلام گفت ای
مظفر دریا دانی که کار درویش بی ترتیب چراست گفت نه گفت از برای آنکه
میان نان و نان خورش هفتاد روز است که در عید فطر نان دهد
و در عید اضحی نان خورش یعنی گوشت و مظفر دریا گفت که خضر را علیه
السلام پرسیدم که تو عمر دراز چگونه یافتی و اگر ترا طلبند کجا یابند و
گفت ای مظفر دریا هر کجا که دروغ گویند آن موضع بوی گنده گیرد من
آنجا نه ایستم و هر که راست گوید و جای که راستی باشد من که خضرم

آنجا باشم چنانکه روزی درویشی در مسجد آمد گفت یا قوم مرا از برای خدای تعالی
عز و جل چیزی دهید هیچ او را چیزی نداد همه از مسجد بیرون رفتند و من که
خضرم گفتم ای شخص بجلال و عظمت حق که من یک دینار ندارم من نفس
خود را بتو بخشیدم و مرا ببازار کن و بفروش درویش سخن مرا در خاک نیفگند
که از صدق گفته بودم مرا بفروخت یک مرد زنگی مرا بخرید و بخانه برد بس مظفر
دریا گفت روا بود که خود را بدهی فروختن گفت بعزت جلال پروردگار که هفتاد
بار تن خود را دادم بفروختن و مرا به بندگی بفروختند در آن دین روا بوده
است عاقبت مرا خدای تعالی آزادی داد و به آزادی عمر دراز یافتم و گفت چون
زنگی مرا بخانه برد توده خاکی بود که سالها کس نتوانستی آنرا برداشتن زنگی
گفت ای غلام من زنگی برفت خضر گوید علیه السلام که زنبیل و کلنگ برگرفتم و خاک
می انداختم هاتفی آواز داد که ای خضر تو دور باش چون خود را تسلیم کردی بردن
خاک بر ماست دور شدم زنبیل پر خاک می شد نه دست میدیدم و نه کلنگ
زنگی چیزی فراموش کرده بود بطلب آن بخانه آمد آن خاک را دید همه انداخته که
یکسال نتوانستندی انداختن زنگی متحیر بماند گفت ای غلام تو کیستی گفتم
من بنده درم خریده تو گفت این چه حالست گفتم فضل خداست گفت آزا

آزادت کردم که همچون تو کسی در بندگی مخلوق دریغ باشد بود که آزادی خضر علیه
السلام گفت که چون از خانهٔ زنگی بیرون رفتم بصحرا شدم و بگوشهٔ بنشستم و سر بزانو
نهادم و با خود گفتم سبحان الله من چه بنده ام که مخلوق مرا به بندگی قبول نمی کند
در ساعت جبرئیل علیه السلام آمد و گفت یا خضر خدای تعالی میگوید که من ترا به بندگی قبول
کردم و بپذیرفتم و پادشاه گردانیدم تو بیک ساعت بجهت رضای من خود را به
بندگی دادی من جملهٔ عالم را اقطاع تو کردم و زیر قدم تو گردانیدم تا هر جا که راست
گوی باشد دوم ایشان تو باشی و آورده اند که مردی بود از اغنیا به نشابور که چون
خواستی که صدقه دهد چند دینار زر جعفری که در وزن و در قیمت زیاده بودی و
عزیز بودی و کاغذ بجیدی و بفقیر دادی او وی از این حال بپرسیدند گفت این را از بهر
آن میکنم سائل چهار بار شاد شود و چون خواهد که صرف کند در وزن و نرخ زیاده
بیند چهارم بار دل خوش شود از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که بر شما باد بدادن صدقه بدرستی که یک نان در صحت تن بدهید بهتر است از هزار
درم در حالت زحمت دهید و یک درم که در زحمت دهید بهتر است از هزار درم که بعد
از شما دهند از تفسیر منیر در سورهٔ روم وما آتیتم من زکوة ابن عباس گفت
مراد از اینجا صدقه است بیغمبر یکی بده و صد بهزار انس بن مالک گوید رضی الله

بیغامبر صلی الله علیه وسلم گفت بدرویش چون صدقه دهی بدست وی ده تا ایزد تعالی
بپذیرد و بپرورد انرا چنانکه شما اسب کره را و بچهٔ شتر را می پرورانید تا آن
صدقه چون کوه احد شود و بقیامت در ترازوی آنکس نهد ایضا سبب
نزول این آیت وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا بعضی گفته اند
که در شان علی رضی الله عنه آمده است و آن چنان بود که حسن حسین رضی الله
عنهما بیمار شدند خویشان بپرسیدن آمدند علی رضی الله عنه گفت اگر هر دو به شوند
من سه روز روزه بگیرم فاطمه رضی الله عنها نیز چنین نذر کرد و کنیزک فضه نیز
چنین چون به شدند علی از شمعون جهود سه صاع وام بستد و نیت روزه کرد
فاطمه یک صاع از آن آش کرد و بپخت وقت روزه گشادن آورد درویشی بر در
آمد علی رضی الله عنه نصیب خود باو داد و فاطمه و فضه نیز موافقت کردند و گرسنه
خفتند روز دوم روزه داشتند همچنان طعام پیش آورد یتیمی بر در آمد همچنان
باو دادند سیم روز اسیری بر در آمد هر سه طعام باو دادند و سه شبانه روز گرسنه
بودند این آیت فرود آمد از تفسیر مغنی در حدیث آمده است که صدقهٔ پنهان فرو
نشاند خشم پروردگار را و فرو نشاند گناه را چنانکه آب فرو نشاند آتش را
و ببندد هفتاد در را از بلا از وصایای رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که یا علی

علی صدقهٔ پنهان فرو نشاند خشم خدا را و صدقهٔ آشکارا حجاب است از آتش
یا علی گرامی دار مادر و پدر را اگرچه کافر باشند و گرامی دار همسایه را اگرچه کافر بود
گرامی دار مهمان را اگرچه کافر بود و رد مکن سائل را اگرچه کافر بود یا علی صدیق را
علامت است بوشیده کند عبادت را و بوشیده دارد مصیبت را و بوشیده دهد
صدقه را از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هدیهٔ خدای تعالی است سوی
من درویشی که از در من در آید و رسول صلی الله علیه وسلم گفت مر سائل را حق است
اگرچه بر اسب سوار باشد یعنی شاید که عاریه خواسته باشد اسب را و آورده که
چون سائلی آمدی بدر صحابه رضی الله علیهم گفتندی که از بری آمده است
که از ما سهل چیزی بگیرد و کل گناه ما بشوید و در حدیث است که نهالی نکند
درختی را مسلمانی که بس بخورد از آن انسانی و نه دابه و نه طایری مگر آنکه بنویسد
بنام او ثواب صدقه تا روز قیامت و مالک دینار گوید رحمه الله علیه در توریة
خواندم خنک مر آن کسی را که بخورد از میوهٔ دست خود از تنبیه ابو اللیث روایت
کنند از رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون سائلی از شما چیزی بخواهد سخن
برو بریده مکنید تا تمام کند پس جواب دهید زیرا که شاید که آدمی نباشد فرشته
باشد بنگرد تا کار شما چگونه است بر آنچه ایزد تعالی شما را داده است وایضا

روایت کرده اند که بر در بهشت سه خط نبشته است که لا اله الا الله محمد رسول الله
و بر خط دوم نبشته است امة مذنبة و رب غفور و بر سیم خط نبشته که یافتیم
آنچه کردیم و سود کردیم آنچه فرستادیم و زیان کردیم آنچه گذاشتیم ایضاً ابن عباس
رضی الله عنه گفت دو چیز از حق تعالی است و دو چیز از شیطان است علیه اللعنه
این آیت قال الله عز و جل الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء
یعنی دیو مر شما را از صدقه دادن باز دارد و درویشی پیش چشم شما نهد و با این
همه نیز معصیت فرماید والله یعدکم المغفرة منه و فضلا والله وا
سع علیم و ایزد تعالی فرمود صدقه دادن تا بیامرزد و فضلا آمرزش وی
بدید آید خدای تعالی دانا است بثواب دادن آنکس که صدقه دهد در روا
یت است عبد الله بن زبیر بیامد بخدمت عایشه رضی الله عنها و هشتاد هزار
درم بیاورد عایشه رضی الله عنها روزه دار بود گفت یا کنیزک چیزی بیار تا روزه
بکشایم کنیزک نان روغن زیت بیاورد تا روزه بکشاید کنیزک چیزی گفت از آنچه
قسمت کردی یک درم از جهت ما گوشت بایستی خریدن تا روزه بدان گشا
دمانی عایشه رضی الله عنها گفت بر من چیزی از آن جهت سخن مگیر که اگر نیز میگفتی
هم نکردمی و روایت کردند که عروة بن زبیره گفت که عایشه را رضی الله عنها دیدم

نشسته بود

دیدم که هفتاد هزار درم صدقه کرد در یک روز و روزی عایشه را رضی الله عنها
که زنی درآمد و دست در آستین کشیده میداشت عایشه رضی الله عنها
گفت که ای زن چیست که دست برون نمیکنی زن گفت یا ام المؤمنین مرا ما
دری بود منعم صدقه دادن دوست نداشتی و پدرم پیوسته صدقه بدرویشان
می دادی تا چنان افتاد که یک پیراهن کهنه و پارهٔ پنبه مادرم با درویش داده
بود چون هر دو گذشته شدند شبی بخواب دیدم که قیامت شده است
مادرم را پارهٔ پنبه همچنان گرفته آستین می لیسیدی و آن کهنه جامه در
عورت گرفته و بانگ میکرد که وای تشنگیا و پدر خود را دیدم که بر کنارهٔ
حوض استاده و آب میداد من یک قدح بستدم از پدر و بمادر دادم آوازی
شنیدم از زبر سر خود که او را آب که داد که دست او شل باد چون از خواب در
آمدم دستم شل شده بود از خلاصة الحقایق روزی رسول صلی الله علیه
وسلم ذکر آتش دوزخ میکرد فرمود که بپرهیزید از آتش دوزخ بصدقه اگرچه پارهٔ خرما
باشد و اگر نیابید کلمهٔ طیبه بگویید و مرویست که داود علیه السلام بخواست
از حضرت عزت او را میزان بنماید در خواب بدو بنمودند میزان را چون بدید
مدهوش شد چون بهوش باز آمد گفت الهی کیست آنکه او را مقدور باشد

که هر دو پلهٔ این از حسنات پر کند باری تعالی فرمود که یا داود چون من راضی
شوم از بنده بیک خرما این پله را پر گردانم و آورده اند از کعب الاحبار که میفرمود
سایلی در مسجدی از مساجد بنی اسرائیل سوال کرد چند روز گرسنه بود هیچ کس
او را طعام نداد از گرسنگی هم در آن شب نقل کرد اهل مسجد پشیمان شدند
و او را غسل کردند و جامهٔ نیکو کفن کردند و دفن کردند چون بامداد شدی
بینند که همان جامهٔ کفن که داده بودند او را در پیش محراب نهاده و در او نبشته
که این جامه رد کرده شد بشما و پروردگار بخشش است بشما سوال کرد مردی از
شما طعام نداد هیچ مردمانید شما ایضاً از خلاصة الحقایق سوال کردند که
فقیری را درجها است پس چگونه باشد درجات فقیر جواب بعضی از اهل معرفت
گفته اند که فقیر را چهار صد درجه است و از آنها یکی آنست که اگر تمام دنیا فقیر را
دهی همان روز نفقه کند تمام پس اگر در خاطر او بگذرد که کاشکی قوت یک روزه
نگاه می داشتیم او صادق نباشد و در فقر و در خبر است که شیطان علیه اللعنه
بر رسول صلی الله علیه وسلم آمد هر چه سوال میکرد شیطان جواب آن میگفت رسول
صلی الله علیه وسلم پرسید کسی که صدقه میدهد نزدیک تو چونست گفت یا ر
سول الله کسی که صدقه میدهد میکشد مرا گویی دو نیم میکند و در دوزخ

دوزخ سعیر می اندازد و نیمی دیگر در دوزخ جحیم رسول صلی الله علیه وسلم گفت چرا
ای ملعون گفت یا رسول الله در صدقه شش خصلت است اول آنست که مستجاب
میکند خدای تعالی دعای او و دوم برکت میکند خدای تعالی در مال او سیم تا حیی داشته
میشود اجر او چهارم بر دارد خدای تعالی هفتاد در از مکروهات از وی پنجم بار
نصیب کرداند او را از دعای بندگان صالح ششم آنکه خدای تعالی میان او و میان
دوزخ حجابی کرداند و مردمان را حشر کنند روز قیامت در سایهٔ صدقات
ایشان پس از این جهت من دشمن میدارم دهندگان صدقات را رسول صلی
الله علیه وسلم تبسم کرد یعنی هر که نزدیک او دشمنست نزد خدای تعالی دوست است
بعد از آن شیطان لعین سوگند یاد کرد و گفت بدان خدای که مرا آفرید و مهلت
بداد تا روز قیامت که اگر نیت کند یکی از امتان تو خیری بکند موکل کنم بر وی هفتاد
دیو را هر دیوی بگشاید بروی دری و باز دارند او را از آن خیر و دیوی دیگر بر وی
مسلط کنم نام وی متقاضی است تا همیشه او را وسوسه کند و تقاضی میکند
تا اگر خیر کند خیر خود را پیش خلق بگوید و یا بر آنکس منت نهد و بر خدای
تعالی نیز منت نهد تا حبط شود ثواب آن خیر و پس رسول صلی الله علیه
وسلم پرسید که چه چیزی ترا رسوا کند گفت صدقه بسر که بدهند و رسول صلی الله

علیه وسلم گفت کدام مردمان دوست تراند نزدیک تو گفت مرائی آنکه بدهد مال های
خود را برای مدح ثنای مردمان از تفسیر مغنی آورده اند که یکی از ابدالان گفت
که من دیدم ابری سفیدی که می رفت آواز شنیدم که با ابر گفتند برو ببالان زمینی
این آب بریز پس بدیدم که آن ابر بیامد و در زمینی آب ریخت پس من طلب کردم
صاحب آن زمین را و گفتم که چیست عمل تو که من این چنین چیزی شنیدم آن مرد
گفت که چون وقت غله میشود من غله را سه قسم میکنم یک قسم از برای فقرا جدا میکنم
و یکقسم از برای احتیاج زراعت و یکقسم از برای نفقهٔ خود و فرزندان میدارم
پس آن ابدال گفت چون تو ایثار میکنی حق تعالی نیز ایثار میکند بر تو و نگاه میدا
رد ترا ایضا رسول صلی الله علیه وسلم گفت که دیدم بر در بهشت نبشته بود که
قرض دادن را ثواب هجده است و صدقه را ده پرسیدم از جبرائیل علیه السلام
که چیست قرض را اجر بیش تر است از صدقه صاحب قرض بر تو می آید مگر محتاج
و صدقه بغیر محتاجی می رسد فصل سیم در سخاوت از خلاصة الحقایق رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که خدای تعالی را فرشته است که بر دری از درهای بهشت
هر روز ندا میکند که هر که قرض دهد امروز جزا داده شود فردا و رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود بدرستی که خدای تعالی امر کند مالک را بکافری سخی بجهت سخاوت

سخاوت گوید ای مالک خازن عذاب او را تخفیف کن بر مقدار سخاوت که او کرده است
در دار دنیا و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که خدای تعالی گفته است بدرستی که
من دفع کنم از سخی عذاب گور و سختی قیامت و وی در بامداد و شبانگاه آمر
زیده باشد و بعث کنم او را سوی بهشت با زمرهٔ انبیا علیهم السلام و ابن
عباس رضی الله عنهما گفت که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی که دوست دارد
خدای تعالی سخاوت را اگرچه بخرمایی سخاوت کرده باشد و دوست دارد شجاعت را
اگرچه بکشتن ماری باشد و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که سخی در جوار خدای
تعالی باشد در بهشت و من رفیق او باشم و بخیل در آتش باشد و رفیق او ابلیس
بود و در خبر است که وحی کرد خدای تعالی سوی جبرائیل علیه السلام که نکشی سامری را
که او سخی است و مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم اسیران بنی عنتر را امر کرد تا
بکشند و جدا کرد یک مرد از ایشان و گفت که جبرائیل علیه السلام بر من همین زمان بیا
مد و گفت ایشان را بکش این مرد را بگذار که خدای تعالی جزا داد مر او را بسخاوتی که
در وی بود و او مسلمان شد و سخاوت او سبب اسلام او شد و امام شافعی رحمة الله
علیه گفت پسر خود را بخدای اگر من بدانم که آب سرد رخنه میکند مروت ترا نخورم آب
مگر گرم تا آن زمان که از دنیا رحلت کنم آورده اند که عبدالله بن عتبه زمینی ملک داشت

بفروخت بهشتاد هزار دینار و آن همه را بارباب حاجت داد او را گفتند برای فرزندان
چرا چیزی ذخیره نداشتی گفت این مال را ذخیرهٔ خود کردم و ذخیرهٔ فرزندان
من نزد باری تعالی است و آورده اند که سفیان دو هزار پنجاه درم نقره میراث یافته بود
آن اقچهارا در یک روز رها کرد و به برادران و دوستان داد و هیچ از آن بجهت نفس خود
نگاه نداشت گفت من برای برادران خود از خداوند تعالی در عوض بهشت میخواهم
پس بر ایشان بخیلی کنم بدنیا و آورده اند که بر خواجه ابولیث بن سعد هر روز هزار
دینار آمد و بر وی زکوة واجب نشدی و هر روز سخن نگفتی تا سیصد شصت مسکین
را طعام ندادی و آورده اند که امام شافعی رحمة الله علیه بوقت رحلت از دنیا
وصیت کرد که مرا فلان مرد بشوید بعد از نقل او و آن مرد را خبر کردند
از آن حال که آن مرد حاضر شد و فرزندان امام شافعی را گفت که تذکرهٔ امام
بر من بیارید چون بیاوردند در آن هفتاد هزار دینار دین بود در ذمهٔ
امام شافعی آن مرد همان ساعت آن همه دین از مال خود ادا کرد و گفت این
بود شستن من امام را که وصیت کرده بود و آورده اند که محمد بن واسع
رحمة الله علیه گفت میگذشتم بدیواری بر بالای آن دیوار غلامی سیاه
و بدست او نانی و پیش او سگی یک لقمه خود میخورد و یک لقمه پیش سگ می انداخت

انداخت پس من او را گفتم ای غلام چه زیان میرسانی بنفس خود آن غلام گفت
چشمهای سگ مقابلهٔ چشمهای منست و مرا شرم می آید از وی پس محمد واسع گوید که
طلب کردم مولای آن غلام را و خریدم او را و آن دیوار را و غلام را آزاد کردم
و آن دیوار را برای او ملک گردانیدم پس آن غلام گفت اگر صادقی در آنچه میگویی
ای خواجه این دیوار مر مسکینان فقیران راست از فواید الفواد آورده است
که طاعت دو است طاعت لازمه و طاعت متعدیه طاعت لازمه آنست که منفعت
آن همان یک نفس طاعت کننده را باشد و آن نماز است و روزه و حج و اوراد و
تسبیحات و آنچه بدینها ماند اما طاعت متعدیه آنست که از تو منفعتی و را
حتی بدیگری رسد و ثواب آن بی حد و اندازه است و در آن طاعت لا
زمه اخلاص باید تا قبول باشد اما درین طاعت متعدیه هرگونه کند ثواب
باشد وقتی امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه بشخصی اسبی بخشیده بود آن
اسب لاغر شد بغایت عمر رضی الله عنه خواست که آن اسب را از آن مرد بخرد
ببهای اندک بخشیده بود این سخن بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم رسید منع
کرد و گفت مخیر داده خود را که نباید خرید اگر بدرمی دهد از تفسیر مغنی در
حدیث است که چون فرزند آدم بمیرد ملایکه گویند یارب چه پیش از خود فرستاده

است از نکوی و مردمان کویند جه بس کذاشته است و آورده اند که امیر المؤمنین
علی رضی الله عنه روزی در مقابر می کذشت سلام کفت که السلام علیکم یا اهل القبور
بس کفت مالهای شما را دیکران مالک شدند و در خانهای شما را دیکران سکون کر
فتند و زنان شما شوهران دیکر کردند این خبرهای شماست نزدیک ما بس جیست
خبرهای ما نزدیک شما بس آوازی شنیدکم وعلیک السلام آنجه خوردیم سود کردیم
و آنجه پیش فرستادیم یافتیم و آنجه کذاشتیم زیان کردیم ایضا در خبر است که دینا
ری که تو عطا کنی در راه خدا و دیناری که عطا کنی بنده را که بدان خود را آزاد کند
و دیناری عطا کنی مسکینان را و دیناری که نفقه کنی بر اهل خود یعنی بر اهل محرم و قرابت
خود بدرستی که این یک دینار بهتر است و اجر بیشتر است از ازکفایه شعبی مرویست
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دو خصلت است که نیست بالاتر از آن جیزی از
خیر یکی ایمان آوردن بخدای تعالی دوم نفع رسانیدن به بندکان خدای تعالی و مرویست
که امیر المؤمنین علی رضی الله عنه نماز میکزارد فقیر سائلی بیامد بر در امیر المؤمنین علی
ترسید که پیش از تمام نماز سائل برود در انکشت مبارک او انکشتری بود بدان
اشارت کرد بفقیر او بیامد و انکشتری از دست وی بیرون آورد از درون نماز و
خبر است که بر در بهشت این جهار کلمه نبشته است که عفو کردن در حالت قدرت

قدرت و تواضع نمودن در حالت دولت و سخاوت کردن در اندک و عطا دا
دن بغیر منت از سلک سلوک وقتی پادشاهی درویشی را کفت که مرا پندی بده
درویش کفت تو مال خود را دوست میداری یا خصم خود را کفت مال را خود
را کفت جون باشد که تو همه مال خود اینجا میکذاری و همه خصمان را با خود می بری
انصاف آن باشد که خصمان را اینجا بکذاری و مال با خود ببری و مظفر دریا کفت
از خضر علیه السلام برسیدم که مرد کیست و نیم مرد کیست کفت در روزکار شیخ
هری[2] بود مرید او بسفر رفته بود مدت شصت سال جون باز آمد شیخ کفت تا کجا
رسیدی کفت که تا قطب رسیدم کفت از قطب هیج جیزی برسیدی کفت برسیدم که
مرد کیست و نیم مرد کیست قطب کفت مرد آنست که کرده درست پیش مسلمانی
نهد و نیم مرد آنست که در هوا برد و یا سجاده بروی آب افکند از خیر المجالس
حکایت فرمود که بزرکی از بزرکان دین بحج رفته بود بعد از انک ایام حج تمام شد
و همه حاجیان بازکشتند وان بزرک در حرم کعبه در مراقبه شد دید که دو فرشته فرود
آمدند یکی براست و یکی بجب او و فرشته جب مر فرشته راست را کفت که امسال
حج جند کس قبول شد کفت امسال حج هیج حاجی قبول نشد اما از ان یک مرد که در
مصر است او را علی موفق کویند کفشدوز است از برکت او جمله حاجیان ثواب

بیرکه

حج یافتند آن بزرک جون بخود آمد کفت در مصر بروم و علی موفق را دریابم و دعا
ملاء او را به بینم که جیست که جندین حاجیان مشقت راه دیدند حج ایشان قبول
نشد مکر بطفیل حج او و آن بزرک از کعبه بیرون آمد و بمصر رسید و بدکان علی
موفق بیامد و با او ملاقات کرد و کفت خوجه مرا با تو سخنی هست که من بزی
یارت کعبه رفته بودم حج اسلام بجای آوردم همه خلق باز کشتند من در حرم کعبه
در مراقبه بودم دو فرشته دیدم که از آسمان فرود آمدند یکی براست من و یکی
بجب من فرشته راست برسید که امسال حج جند کس قبول شد او جواب داد که حج هیج
کس قبول نشد مکر حج علی موفق که بطفیل او حج جمله حاجیان قبول شد اکنون
تو با من بکو که جه معاملت کرده کفت من هرکز حج نکرده بودم و امسال هم بحج
نرفته ام اما معامله از من در وجود آمده است شاید که از بهر برکت آن قبول
کرده آمده باشد و آن اینست که سالها ست که اتفاق حج اسلام دارم و با
خود کفتم من مردی کفش دوزم آن قدر مال ندارم که خرج خانه بدهم و هم خرج
راه کفتم آنجه کار میکنم ذخیره کنم و جیزی خرج کنم و جیزی در زمین فرو برم بس
مدت پانزده سالست آنجه کار میکردم و جیزی ذخیره میکردم و جیزی خرج
میکردم تا امسال شد دیدم که آن قدر که خرج شده است و آنجه در خانه

جمع خانه مانده است همه در خانه می توانم نهادن و هم خرج راه می شده درین فکر
بودم که زن من بخانه همسایه شد برای آتش در خانه همسایه کوشت بریان کر
ده بوده اند و میخورده اند این زن حمل داشت زنان حامل را هوسها
بسیار آید از ان کوشت هوس کرده است خواسته است ایشان نداده اند و زن
در خانه آمد بشره او متغیر شده برسیدم که جیست بشره تو متغیر می بینم بکر
یست و کفت نمی بینی که در خانه همسایه رفته بود ایشان کوشت کوسفند
بریان کرده بودند می خوردند من از ایشان قدری خواستم ندادند علی کوید
جون این بشنیدم بر همسایه رفتم کفتم ای برادر جندین سال باشد که ما را حق
همسایکی است زن من حامله در خانه شما آید و شما کوشت بریانی می خوردید او
نداده اید از شما قدری بخواهیم نداده اید این جه محبت حق جواری است همسایه
کفت ای استاد علی کوشت مردار بود ما را سه فاقه برآمده بود کوسفندی مر
ده بود در رهکذر افتاده بود یک ران او را بریده بودم و بریان کرده ما را مباح بود
می خوردیم اما زن ترا مباح نبود جکونه می دادیم علی موفق کوید جون این بشنیدم
در خانه آمدم و آنجه برای حج نکاه داشته بودم بیرون آوردم و کفتم که حج من خدای
تعالی در خانه نشسته قبول خواهد کرد آنجه بود بردم و بران همسایه دادم مکر

این معامله قبول شده است از تفسیر منیر ابو هریره رضی الله عنه گفت که مرا
پیغامبر صلی الله علیه وسلم حدیث کرد و گفت خدای تعالی روز قیامت حساب کند
نخستین کسی را که پیش آرند مردی بود که قرآن خوانده بود و مردی را نیز
که در راه خدای تعالی کشته شده باشد و مردی را نیز که مال بسیار داشته بود
اما قرآن خوان را گویند که بدین قرآن که میخواندی چه کار میکردی گوید که شب
و روز میخواندم و بدان پیش تو قیام میکردم خدای تعالی گوید دروغ میگویی
و فرشتگان نیز گویند دروغ میگویی ترا مراد آن بود که مردمان ترا قرآن
خوان گویند پس توانگر را پیش آرند و گویند که این مال که ترا داده بودیم
در چه کار بستی و چه نفقه میکردی گوید یا رب صدقها دادم و زنان بیوه و یتیمان را
خرج میدادم تا رضای تو جویم خدای تعالی گوید دروغ میگویی بلکه مراد تو آن
بود که مردمان ترا بستایند و می‌ستودند چه فایده بود پس بیارند غازی را و شهید را
گویند چرا کشتی شدی گوید یا رب با کافران کارزار کردیم برای اعلای قوت دین
اسلام باشد گویند دروغ میگویی بلکه آن خواستی تا ترا دلیر و مبارز خوانند چون
رسول صلی الله علیه وسلم این بگفت دست بر زانوی ابو هریره زد و گفت یا ابا هریره این
سه گروه اند که نخست دوزخ را بر ایشان افروزند این مکافات ایشان است نعوذ بالله

بالله منها از وصایای رسول صلی الله علیه وسلم فرمود یا علی آن وقت که بیافرید
خدای تعالی بهشت را بهشت گفت یا رب برای که آفریدی مرا خدای تعالی گفت از
بهر سخیان و متقیان بهشت گفت من راضیم و چون دوزخ را بیافرید دو
زخ گفت مرا برای که آفریدی گفت برای بخیلان و متکبران دوزخ گفت زود با
شد که در یابم ایشان را از خلاصة الحقایق مطرف شخیر گفت یاران خو
د را که اگر باشد مر یکی را از شما بسوی من حاجتی بحضور از من سوال میکنید
که من روا ندارم و کراهیت می آید مرا که بینم سوال شما را ولیکن حاجتی که
دارید رقعه بنویسید بدهید و آورده اند که زن فقیره بیامد بر حسان بن
سفیان و ازو یک درم سوال کرد چهار صد دینار جرا داد گفت زن صاحب
جمال بود ترسیدم که مبادا که بد کسی فتنه شود چهار صد دینار دادم تا غنیه شود
تا کسی از جهت غنا نکاح کند او را و آورده اند سایلی بیامد بر شعبه بن حجاج
و ازو سوال کرد شعبه در خانه چیزی نیافت که او را بدهد تیری از سقف خانه بیرون
آورد و بدان سایل داد و معذرت کرد و آورده اند که مردی را بخواب دیدند
وی را گفتند که خدا با تو چه کرد گفت با من حساب کرد و سبک آمد پله حسنات
من بیفتاد در آن پله بدره گفتم این چیست گفت این یک کف خاکست که تو اندا

خته بودی در گور فلان مسلمان پس پله حسنات گران آمد بدین معنی و آورده
اند که قیس بن سعید مریض شد بعیادت او کسی نیامد از شهر وی را گفتند
خلق بهم وام داران تواند از شرم وام تو به پرسیدن تو نیایند گفت نیست
خیر در مالی که من و میان برادران من جدایی اندازد بفرمود تا ندا کردند هر که
وام من دارد بحل کردم و آورده اند که مردی بیامد بر عبد الله مبارک رحمة الله
علیه سوال کرد که من هفتصد دینار دین دارم عبد الله بر وکیل خود فرمود
که غله انبار بفروش و این سایل را هفت هزار درم بده وکیل او سایل را بر
سید که تو چند خواسته گفت هفتصد درم وکیل مکتوب بنوشت فرستاد
بعبد الله که سایل هفتصد درم سوال کرده است و تو هفت هزار درم فرموده
و غله انبار بفروختن این مبلغ تمام خواهد شد عبد الله مکتوب نوشت
که اگر غله تمام و منتهی خواهد شد عمر من نیز منتهی خواهد حکایت کرد ز
یاد بن خبیر که دیدم طلحه بن عبد الله را که صد هزار درم نقره در مجلس نفقه
کرد و پیراهنی که خود در تن داشت وصله میدوخت و آورده اند که شاعری
مدح کرد ابو مزید را و وی یکی از سخیان بود گفت والله بر من چیزی نیست
که ترا بدهم ولیکن مرا نزد قاضی ببر بر من هزار درم دعوی بکن من اقرار خواهم

خواهم کرد مرا حبس کن اهل بیت و اقربای من مرا در حبس نگذارند و نخواهند
گذاشت شاعر همچنان کرد و او را نزد حاکم برد بر وی دعوی کرد او اقرار کرد
و برا محبوس ساخت اهل بیت او جمع شدند هزار درم آن شاعر را بدادند
و او را از حبس بیرون آوردند و آورده اند که علی بن حاتم نان خود را بشکستی
و در سوراخ مورچگان انداختی و گفتی اینها نیز همسایگان منند از خلاصة الحقایق
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون ارادت خدای عز و جل بقومی باشد توفیق د
هد ایشان را بسخاوت و صدقه و یحیی بن معاذ رحمة الله علیه گفت که خدا تعالی
ببندد در توفیق را به بعضی بندگان بشش چیز اول آنکه علم بیاموزند و بر آن
عمل نکنند و دوم نعمتهای خدای تعالی بخورند و شکر آن نکنند و سیم صحبت با
صالحان کنند و اقتدا با ایشان نکنند و چهارم گناه کنند توبه آن نکنند
و پنجم مردگان را دفن کنند و عبرت نگیرند و ششم مال جمع کنند و از آن تو
شه آخرت نکنند و خواجه جنید رحمة الله علیه گفته است که دولت بر ده و جاست
دو قدم است یکی ایمان و یکی توفیق و دو در وقت نزع است یکی بشارت و یکی
شهادت و دو در گور است امن و راحت و دو در قیامت است رحمت و
شفاعت و دو اندر بهشت است خلود و زیارت و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود

امیر المؤمنین علی رضی الله عنه را یا علی غیور باش که خدای تعالی دوست دارد غیرت را و
سخی باش که خدای تعالی دوست دارد سخاوت را و شجاع باش که حق تعالی دوست دارد
شجاعت را و آورده اند که چون سلطان شمس الدین حصار کوه البرز را
فتح کرد و کافران از بالای حصار بیرون می انداختند و از حصار در کمر کوه
می افتادند و از آنجا بزمین می افتادند و ذره ذره می شدند یکی کافری را از حصار بیرون
انداختند در کمر کوه افتاد و از کوه در زمین افتاد بسلامت زنده ماند و هیچ
زخمی نرسیده همه خلق در تعجب ماندند و پیش سلطان آوردند و از حال او پرسیدند
گفت چون مرا از حصار بیرون انداختند در کمر کوه رسیدم همه پشم بود بالای آن
افتادم مرا هیچ المی نرسید سلطان پرسید که تو چه کار میکردی گفت گوسفندان دا
شتم همه پشم که از آن حاصل شدی همه را بفقیران دادم سلطان وی را آزاد
کرد **فصل چهارم** در بخل از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم گفت
که دو خصلت در مؤمن نباشد بخل و خلق بد و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که خدای تعالی را فرشتگانند بزیر عرش الهام میکنند ایشان را تا ندا کنند هر روزی
دو بار پیش طلوع آفتاب و غروب هر که تنگ گیرد تنگ گردانند بروی گور وی و عیسی
پیغامبر صلوات الله علیه گفت هر که سائل را نومید و محروم گرداند فرشتگان در

درخانهٔ او هفت روز نیایند و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که باز دارد طعام
از گرسنه باز دارد خدای تعالی از وی فضل خود روز قیامت و عقوبت کند او
را در آتش و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود سه کس اند که دوست ندارد خدای تعالی
ایشان را و ایشان در لعنت خدای و رسول و فرشتگان و آدمیان باشند یکی بخیل
دوم متکبر سیم بسیار خوار و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدترین مردمان آنست
که تنها بخورد و بزند بندهٔ خود را و منع کند عطا را و بعضی از اهل تحقیق گفته اند
که بخل سه حرف است با از بلاست و خا از خسران و لام از لؤم پس بخیل همیشه در بلاست
و در زیانست و در نکوهش و آورده اند که در بنی اسرائیل غنی بود که فقیران را اندکی
و چیزی ندادی و اغنیا را اکرام داشتی و تعظیم نمودی و عطا دادی خدا تعالی فرشته
بصورت فقیری بروی فرستاد و آن غنی او را براند پس آن فرشته باز گشت بصورت
غنی بیامد پس او را کرامت نمود و تعظیم کرد فرشته گفت که من فرشته ام که بر تو
اول آمدم مرا اهانت کردی بدرستی تو فقیر را نا خوار میداری و اغنیا را عزیز می
داری پس تو نومیدی از رحمت خدای عز و جل و ابلیس علیه اللعنه گفت دشمن ترین
مردمان مرا فاسق سخی است و دوست ترین مردمان مرا عابد بخیل بود
از کفایهٔ شعبی در خبر است هر که شب بخسپد بشکم سیر و همسایهٔ او سیر نباشد روز قیامت

همسایه بروی آویزد گوید یا رب بپرس ازین که چرا خود در شب بشکم سیر
بخفت من گرسنه **از کنز المواقیت** رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر روز
و شب دو فرشته ندا میکنند از آسمان دنیا که یا اهل دنیا بزایید مردن را و
بنا کنید مر خراب را و جمع کنید از برای دشمنان شما عذاب و حساب
کرده شود بنزد خدای تعالی از وصایای رسول صلی الله علیه وسلم فرمود یا علی
بدیدم من بر درهای بهشت که نبشته حرامست بهشت بر بخیل و بر مرائی و بر
عاق و بر نمام یعنی سخن چین یا علی بخیل را سه علامت است بترسد از گرسنگی
و بترسد از سائل اگر بروی آید مرحبا گوید بزبان **از خلاصة** الحقایق امیر المؤ
منین علی رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم که خدای تعالی دشمن دارد بخیل
را در حیات او و روایت کرد ابو هریره رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم
کرد آورد پیغامبر علیه السلام فرمود دست خود را در دهان اژدها کنی بهتر تا
بجایی از آنکه سوال کنی از توکیسه که مر او را چیزی نبود بعده چیزی شود
و مرویست از امیر المؤمنین علی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که خدای تعالی دنیا آفریده است بدست قدرت خویش مگر سه چیز را و دیگر جملهٔ
اشیا بحکم او شده است و آن قلم است و آدم و بهشت فردوس و فردوس را

را گفت در نیاید بتو بخیل و نیاید بتو ترش روی و بتوت کسی باشد که او را غیرت نباشد
و در خبر است ابلیس علیه اللعنه بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم آمد رسول صلی
الله علیه وسلم از وی سوال کرد که بکدام خصلتها میدانی هلاک امت من و
نجات امت من پس شیطان گفت که چون قبول کنند از من سه خصلت هلا
ک شوند روز قیامت یکی بخیل که سر جملهٔ گناه کبیره است و دوم بازی شاخی
است از کفر و سیم فراموش کردن گناهان **فصل پنجم** در ضیافت و آداب خور
دن طعام و آداب دست شستن از خلاصة الحقایق عایشه رضی الله عنها
روایت کرد از رسول صلی الله علیه وسلم هر که بدهد برادر مسلمانی را نانی تا او سیر
بخورد و بدهد از آب تا سیراب شود خدای تعالی او را از آتش دوزخ دور کند
دارد میان او و میان دوزخ هفت خندق بدید آید که سطبری هر خندق پانصد
ساله راه شود و عایشه رضی الله عنها روایت کرد از رسول صلی الله علیه
وسلم شنیدم گفت اگر بنده بداند که چیست مر او را نزدیک پروردگار از کرا
مت طعام خوردن با مهمان هرگز تنها نخورد و اگر مهمان نیاید با همسایه خورد
و اگر همسایه نباشد با عیال خود بخورد و ابو الدردا رضی الله عنه روایت میکند
از رسول صلی الله علیه وسلم هر که بخواند برادر مسلمانی را بجهت طعام خوردن

واو روزهٔ نفل داشته باشد و برای رضای برادر مسلمان روزه افطار کند بنو
یسد خدای تعالی بنام صاحب طعام بدل هر ذره هزار ذره ثواب دادن طعام
واگر این مهمان قضای آن روزه که داشته است بدارد بنویسد خدای تعالی مر او را ثواب
دو هزار روزه گفتند یا رسول الله چگونه باشد این که روزه بخورد و ثواب دو هزار
روزه در قضای او بیابد رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی هر که گرامی کند برادر
مسلمان را خدای تعالی گرامی کند او را وجابر رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود که این سنت است چون پیش آورند طعام بخواند کسی را که گرد او
باشد و مرویست از ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم گفت
اگر مرا دعوت کنند بخشکی باشد قبول کنم واگر کسی مرا بخواند بیک پاچه گوسفند اجابت
کنم اگر در کراع باشد ودر احیای علوم آورده است که کراع نام موضعیست
در مدینه و کراع چند میل را نیز گویند و از ابوهریره رضی الله عنه مرویست
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بدترین طعام مهمانی و عروسی آنست که اغنیا را
طلبد و فقیر را نطلبد عاصی باشد خدای و رسول او را و ابوهریره رضی الله عنه
روایت کرد که رسول صلی الله علیه وسلم گفت که ثرید را بر طعامهای دیگر چندان فضلست
که مرا بر همهٔ انبیا علیهم السلام و عایشه را رضی الله عنها بر همه زنان از نفسی معنی

نقل رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر چیزی را زکوة است و زکوة خانه آنست
که مهمان خانه بکند و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر قومی که بر ایشان مهمان
آید پس نظر کنند شوی روی او حرام کرداند خدای تعالی بروی آتش دوزخ و
پیغامبر صلی الله علیه وسلم گفت هر که دوست دارد مهمان را دوست دارد خدای
تعالی او را و هر که دشمن دارد مهمان را خدای تعالی دشمن دارد او را و رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود یکی از شما چون طعام میخورند با مهمان پس بدهد لقمه بدست یا
بدهان او بنویسد خدای تعالی برای لقمه عبادت شصت سال که روز روزه
داشته و شب بقیام گذرانیده بود و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
چون بخواهد خدای تعالی که بفرستد مهمانی بسوی اهل بیتی بفرستد
فرشته را پیش از آن بصورت مرغ سفید پس بیاید آن مرغ و بایستد بر
در آستانه خانه آنکس و بگوید السلام علیکم یا اهل الدار پس جبرائیل
علیه السلام او را اجابت کند بگوید چیست حاجت تو بر اهل این خانه آن
مرغ گوید خدای تعالی فرستاده است مرا بر سوی این خانه وگفته است
فلان بر شما بمهمانی می آید پس جبرائیل علیه السلام تا جهل روز برکت رزق
او از بهشت بیارد و دران خانه بنهد و در منقار آن مرغ رقعه باشد

نبشته جبرائیل علیه السلام از و بپرسد که درین رقعه چیست مرغ گوید این براتی است
از آتش دوزخ بخشیده است خدای تعالی اهل این خانه را و در کتاب الکسب و خلا
الفتوای آورده است که اسراف در طعام منهیست و از اسراف یکی آنست
که طعام بر سر سیری خورد مگر بجهت مهمان خورد تا مهمان خجل نشود
و با او را نیت روزه باشد که فردا نیت روزه دارد و برداشتن زله حرامست
بحل حال مگر آنکه صاحب طعام اجازه دهد از فواید الفواد در فضیلت
طعام فرمود که بزرگی گفته است که یکدرم طعام خرید ه و پیش یاران آوردن
بهتر از آنست که ده درم صدقه کند از کنز العباد آورده است که در طعام خور
دن فریضه هست و سنت هست و مستحب هست و منهی هست و مکروه
واما چهار فریضه است الحلال خوردن و از باری تعالی دانستن و راضی بودن
بر آنچه برسد و عاصی نشدن بخدای عز و جل مادام که قوت طعام در وی باشد
واما سنت بیست ده است نعلین کشیدن از پای و نشستن کل و شستن هر دو دست
تا بند پیش از طعام دفع دروتشی کند و نهادن طعام بالای سفره و سفره
بر زمین و کاسه از چینی و یا از چوب باید و سرکه و تره بر مایده باشد و
رسول صلی الله علیه وسلم فرموده است هر که سرکه بخورد فرشته بر سر او استاده استغفار

استغفار کند از برای او مادام که فارغ نشده است وگفته اند که حاضر شوند
فرشتگان بر مایده که تره باشد و بنشیند بر پای چپ و برخیزاند پای راست را
واگر بر سر دو پای بنشیند که رسول صلی الله علیه وسلم بر سر زانو نشسته است
و دیگر بسم الله الرحمن الرحیم بلند بگوید تا هر که با او باشد او نیز هم بگوید
واگر تسمیه نگوید شیطان با او در طعام خوردن شریک باشد و این دعا نیز
بخواند اللهم بارک لنا فیه وارزقنا خیرا منه واگر شیر باشد بگوید اللهم با
رک لنا فیه وزدنا منه و بدست راست خورد و بدست راست بگیرد و بدست
راست بدهد و ابتدا بنمک کند و ختم هم بنمک باید کردن که هفتاد درد را شفا
بود از دیوانگی و جذام و برص و درد شکم و درد دندان و مکروهست نمکدان
بالای نان نهادن و بشکند نان را بهر دو دست واگر نانی شکسته یابد درست را
نشکند و بسه انگشت بخورد و بخورد از آنجا نزدیک او باشد مگر میوه که دران
عیب نباشد و طعام گرد برگرد کاسه خورند از میان واندرون نخورند که برکت
در میانهٔ طعام منزل میشود و رسول صلی الله علیه وسلم منع کرده است خوردن
از میانهٔ کاسه و بخورد نان ریزه و آنچه از مایده مانده بود بتعظیم که رسول
صلی الله علیه وسلم فرموده است هر که نان ریزه بخورد همیشه رزق او فراخ باشد

وتکاه داشته شود حق آن و او و فرزندان او و کاسه بلیسند که در خبر است که کاسه
برای او استغفار کند وچون از طعام فارغ شود حمد گوید و انگشتان را بلیسید
پیش از انکه پاک کند او را بچیزهای دیگر وهر که انگشتان بلیسد فرشتگان او را
دعا کنند و خلال کند بعد از طعام و خلال نکند از انار و از چوب گز و نه از درخت
و نه از ساق جاروب و نه ریحان و آنچه از دندان بیرون آرد فرو نبرد و بیرون اندا
زد چنانکه بر جامه مردمان نرسد یا در طشت دست بشوید چنانکه آب
لبش نریزد که آن رسم مجوس است اما مستحب چهار است اول بیکجا جمع طعام
بخورند اگر اهل و فرزندان باشد که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده است
چون بر طعام بنشینند جمع طعام با برکت شود و دوستترین نزد باری تعالی
آنست که در و دست آدمی بسیار در آید و طعام خوردن برادران شفا است
و بدترین مردمان کسی است که طعام بسیار خورد و تنها خورد دوم آنکه در
مجلس طعام کسی بود که او را نام پیغامبر بود سیم آنکه دست نکشد
از طعام پیش از جمع چهارم چون دستها بشوید نیفشاند تری دستها بروی
و چشم خود مالد و بر رو و ساعد دست مسح کند و اما ادب بیست و شش است
طعام خوردن در گرسنگی و دست بدارد از طعام پیش از سیری و چون دستها پیش

پیش از طعام شوید بجامه پاک نکند و چون طعام خواهد خورد اول این دعا
بخواند بسم الله خیر الاسماء بسم الله رب الارض ورب السماء بسم الله الذی
لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم اگر چه در آن طعام
زهر باشد هیچ زیان نکند و اول دست بطعام برد و لقمه خورد خورد و
در کاسه جانب خود خورد و لقمه نیکو بخاید و لقمه دیگر برنگیرد تا لقمه دهان فرو
نبرد و سر بلند نکند و دهان بسیار نگشاید و هر لقمه که برگیرد بسم الله الرحمن
الرحیم گوید و آخر هر لقمه الحمد لله رب العالمین بگوید و نظر در پیش خود
بر آن دارد که میخورد و اگر سرفه و عطسه آید روی بگرداند و بدست چپ
بگیرد و دور کند و لقمه چرب را در سرکه نزند که دیگری را کراهیت آید و لقمه را که
بدندان بریده باشد در سرکه و شوربا نزند و دست در کاسه در نیارد تا دیگران
را نه بیند دست از کاسه بیرون آورده است و استخوان و پوست خربزه
و جز آن دور نه اندازد بلکی پیش خود جمع دارد و جهد بسیار در طعام نکند کسی
را که مهمان باشد یا بیمار و لقمه را چنان بردارد که از ان لقمه چیزی در کاسه و
سفره نچکد و اشنان بدست شستن و دست گیرد و بعد از ان دستها
شستن هم بدست راست نکند و دعا کند کسی را که آب ریزد بر دستهای او و بگوید

طهرک الله من الذنوب و آب از دهان در طشت چنان اندازد که قطرهٔ بجامهٔ
کسی نرسد و آب نخورد در حالتی که دست میشوید تا بیرون نبرند طشت از پیش
و بعد از طعام دو رکعت نماز بگذارد شکر نعمت حق تعالی و منهی چهارده است
کراهیت کردن از طعام مگر چیزی را که زیان دارد و عیب کردن طعام و
نانرا از میانه او خوردن و کناره گذاشتن باید که کنارهٔ نان بخورد و در نان یکی
طعام خوردن اگر مگسی افتد ترک کردن و ایستاده و براه رفتن طعام خوردن
و بریدن گوشت بکارد و بدندان و بریدن نان بکارد و افشاندن دست
در کاسه و سر بلند کردن در لقمه و فراخ گشادن دهن در قیام آوردن بر
سر طعام با آمدن کسی و برخواستن در اثنای طعام بجهت کاری را مگر
آنکه خوف فوت جماعت باشد این جمله عیب است و منهی اما مکروه دوا
نزده است طعام کشیده تاخیر داشتن و دمیدن در طعام و بوی کردن
طعام و گرم خوردن طعام و بسیار خوردن طعام و نظر کردن سوی لقمه
غیر و خاموش بودن در خوردن طعام و شکم پر کردن و پاک کردن انگشتان
و کارد بنان مگر که آن نانرا بخورد و دست پاک کردن بکاغذی که کتابت
را شاید و در میان راه طعام خوردن و طعام با صداع خوردن فایده است

انست که نفس را و طبع را و طعام شب مرد پیر را پیر نکند و ضعیف نکند باید که
سهل در شب بخورد و ترک نیارد از تفسیر مغنی در حدیث است که گرامی دا
رید نانرا و گرامی داشتن نان آنست که منتظر نان خورش نباشد و رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود که نانرا سرپوش کاسه مکنید که در ان اهانت نان است پس
هر که چنین کند مبتلا شود بگرسنگی از خلاصة الحقایق مرویست که بر
امیر المومنین عمر رضی الله عنه مهمانی رسید عمر بخاست و خدمت مهمان
بنفس خود میکرد از وی این حال سوال کردند گفت از رسول صلی الله علیه وسلم
شنیدم که چون در خانه مهمانی برسد فرشتگان از برای او ایستاده باشند
و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که بسی روی مهمانی کند هفت گام در دو
زخ بروی بسته شود و هر که هشت گام برود هشت در بهشت بروی گشاده
گردد سوال چیست ادب در خوردن طعام بیک انگشت و دو و سه انگشت
جواب ابو هریره رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم روایت کرد بیک انگشت خور
دن ورد شیطان است و بدو انگشت خوردن خوردن جباران است و بسه
انگشت خوردن خوردن پیغامبرانست و مکروه هست ذکر موت و مریض
و عذاب دوزخ در خوردن طعام و بعضی گفته اند که آداب صاحب خانه است که

بنمایند مهمانرا فراغت جای و مقام وضو و اوقات نماز و جهت قبله از فواید
الفواد در حدیث است که ساقی القوم آخرهم شربًا یعنی آنکه قومی را آب دهد
باید که آخر همه آب بخورد بعد از آن فرمود که طعام نیز همچنین واجبست نشاید
که پیش از دیگران تناول کند بعد از آن فرمود که میزبان را واجبست که دست
شستن که مهمان دست بشویاند اول باید که خود دست بشوید زیرا که چون
دست شستن بر خلاف آب خوردنست پس از رسول پرسیدند هر که آب
ایستاده شوید یا نشسته فرمود که ایستاده بعد از آن فرمود که یکی پیش
جنید رحمة الله علیه آمد آب آورد تا دست شویند چون او بنشست مرا
باید خواست و در فتوی سراج آورده است شستن دست پیش از طعام
و بعده سنت است که پیش طعام آغاز از جوانان کنند و ختم به پیران و بعد
از آنکه طعام خورده شود آغاز از پیران کنند و ختم بر جوانان و در فتاوی
نوادر آمده است از رسول صلی الله علیه وسلم هر که بعد از طعام بگوید الحمد لله
الذی اطعمنی هذا ورزقنی من غیر حول منی ولا قوة بیامرزد خدای تعالی
آنچه گذشته است از گناه او رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که چیزی
خورد و دو چشم کسی بدان ناظر باشد و از جناب او چیزی ندهد مبتلا کند

کند خدای تعالی او را به بلایی که دوا نباشد او را از کفایه شعبی آورده اند که
صحابه را مهمانی آمد و خانه ایشان آن قدر طعام بود که وی را و عیال وی را
بس گفت زن خود را که ما این طعام بخوریم مهمان گرسنه ماند و اگر با او خو
ریم مهمان سیر نشود زنش گفت که طعام پیش مهمان آریم و چراغ را بنهانه
بنشانیم و ما دست سوی طعام ببریم و نخوریم مهمان پندارد که ما طعام میخوریم
رها کنیم تا همه مهمان بخورد شوهر را پسند افتاد همچنان کردند چون با
مداد شد رسول صلی الله علیه وسلم آن مرد را گفت که چه کردی دوش با مهمان فر
شتگان بتعجب ماندند از نیکو کاری تو و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
در خانه که مهمان نرود فرشتگان در آن خانه نروند و مرویست که امیر المومنین
علی رضی الله عنه مردی مهمانی خواند علی گفت اجابت کنم بدان شرط که چهار
چیز از ضمان کنی تا از ته چهار چیز ضمان کنم اول آنچه پیش آری حلال آری دوم   من ع
چندانکه خورم تکلیف نکنی سیم وقت نماز بر من نگاه داری چهارم بوقت
رفتن مرا باز نگیری اما آن چهار چیز که من ترا ضمان شوم اول آنکه در
خانه تو ننگرم و دوم عیب خانه تو بیرون نبرم سیم بر آنچه پیش آری رضا
دهم چهارم بفوت طعام تو خدا را ثنا دارم از تنبیه ابو اللیث روایت

کنند ابن عمر رضی الله عنهما که پارهٔ نانی یافت و بر داد غلام را گفت
بر گیر و پاک کن چون شب در آید مرا ده چون شب در آمد خواست
که بدان نان روزه گشاید غلام را گفت چه کردی آن نان پاره را گفت که
خوردم ابن عمر رضی الله عنه چون بشنید گفت آزادت کردم که از رسول
صلی الله علیه وسلم شنیدم گفت هر که نانی یابد بخورد هنوز در شکم او نرسیده
باشد که خدای تعالی او را بیامرزد و من نخواهم که خدمت فرمایم کسی که
آمرزیدهٔ حق تعالی بود ایضا از تنبیه ابو اللیث عطار رحمة الله علیه گوید
چون ابراهیم علیه السلام طعام خواستی خوردن کسی جستی تا با وی نان خور
دی اگر کسی نیافتی یک میل دو میل برفتی تا کسی یافتی و جا شته با وی خوردی
عکرمه گوید رحمة الله علیه که ابراهیم پیغامبر علیه السلام را ابو الضیفان گفتندی
و کوشک او را چهار در بود تا مهمان از هر دری که خواستی در آمدی و روایت
کنند از امیر المومنین عمر رضی الله عنه چون طعام پیش نهادی اگر کسی بیرون
میگذشتی اگر توانگر بودی نمی خواندی و چون فقیر بودی بخواندی انس
بن مالک رضی الله عنه گوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که چهار نفقات
او را در قیامت حساب نخواهد کرد اول نفقه که بر مادر و پدر کند

کند و دوم نفقه در ماه رمضان کند و سیم نفقه که بر عیال خویش کند و چهارم
نفقه که در سبیل خدای عز و جل کند و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دیناری
نفقه کردن در راه خدای تعالی و دیگر دیناری بر مسکینان از این هر دو فاضلتر
آنست که بر عیال خود نفقه کنی و خضر علیه السلام گفت ای مظفر در یا انگشت موسی
علیه السلام از آتش فرعون بسوخت و ریش شد تا فرعون نمود و به شد حکمت
آن بود که تا انگشت بر نان نمک فرعون ننهد که حرمت نان نمک بزرگست از
خیر المجالس طعام در پیش ما بود این آیت خواندند که وکلوا مما رزقکم الله
حلالا طیبا طیب آنست که طعام بخوری و بدانی که خدای تعالی می بیند و براحق
خوری و نیت آن باشد که هر قوتی که از این حاصل شود در طاعت و عبادت
خدای تعالی صرف کند و قول بزرگی فرموده است انا آکل وانا اصلی من طعام   یعنی ع
خورم و نماز گذارم در حالت طعام خوردن فرمود یعنی آنکه طعام می خورد و میداند که
خدای تعالی ناظر است و می بیند با حضور می خورد و نیت طاعت و عبادت دارد
گویی که او در عین صلوة است بعد از آن فرمودند که روزی صحابه رضی
الله عنهم بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم آمدند و گفتند یا رسول الله نحن ناکل
ولا نشبع که میخوریم و سیر نمی شویم رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که لعلکم

تفترقون علی طعام مکم یعنی مکو شما طعام متفرق میخورید قالوا نعم گفتند
بلی متفرق میخوریم قال رسول الله صلی الله علیه وسلم اجتمعوا علی الطعام
واذکروا اسم الله العلام یبارک یعنی جمع شوید بر طعام و بسم الله الرحمن
الرحیم بگویید تا برکت کند شمارا پس فرمودند که آن دیو که با مومنست لاغر
است و آن دیو که با کافرست فربه است چون ببیکدیگر رسند شیطان
کافر شیطان مومن را گوید چرا لاغری که بیار طعام و شراب این مومن
نمی توانم خوردن که نام خدای تعالی وقت طعام خوردن بزبان میراند پس
شیطان کافر گوید که مرا در طعام و شراب این کافر در همه چیز نصیبست زیرا که
در وقت طعام خوردن نام خدا را بزبان نمیراند **باب ششم در فضیلت**
ثواب نیت دل مومن از خلاصة الحقایق خطره است که در دل می آید و غیر
خدای عز و جل بران مطلع نیست پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود که
بعث کرده شوند مردمان روز قیامت بر نیتهای خویش و ابن عمر رضی الله عنهم
روایت میکند از رسول صلی الله علیه وسلم که هر که چهار چیز ترک آرد از چهار چیز یکی را
در آتش در آید گفتند آن چهار چیز کدامست گفت یکی نیت دوم سخن حق
سیم عمل چهارم سنت و در حدیث است که بیارند مردی را روز قیامت در مقام

حساب و نامهٔ او بدو دهند و بگویند بخوان نامهٔ خود را پس او نظر کند در آن
نامه نبشته بیند همه اعمال خیر از حج و عمره و غزا و صدقه و جز آن پس بگوید یا رب
این نامهٔ من نیست من طاعتها و خیرها نکرده ام پس گویند او را که این روزیست
که درین روز خطا و فراموشی و غلط نیست این نامهٔ تو است که در دنیا تو نیت کرده
بودی چون اگر مال می یافتی تحقیق بود که پیش ما آنچنان میکردی و در خبر است
که موسی علیه السلام مناجات کرد و گفت الهی رهنمونی کن مرا بو بنده دیگترین راهی
سوی خود وحی آمد سوی او گفت خدای تعالی ای موسی چون تو قصد کردی و نیت
کردی رسیدی و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که در بامداد نیت کند که امروز
خدای تعالی را طاعت و عبادت کنم بنویسند خدای تعالی مر او را ثواب طاعت آن
روز اگر چه در آن روز عاصی شود و عکرمه رضی الله عنه گفت که بدرستی که بدهد خدای تعالی
بنده را بر نیت او آنچه نه دهد بر عمل او زیرا که در نیت ریا نیست و در عمل ریا
آمیخته هست و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که آب زمزم بهر نیتی که بخورند
غرض حاصل آید پس هر که از گرسنگی خورد خدای تعالی او را سیر کرداند که به
بطعام حاجت نباشد و اگر بیماری به نیت شفا خورد شفا یابد و اگر حاجتمند
بخورد حاجت او را خدای تعالی بر آرد از کفایهٔ شعبی در خبر است که سلیمان بن

جفت

داود علیهما السلام می گذشت روزی دید گنجشکی نر با مادهٔ خود میگفت
که بیا تا با هم یکجا جمع شویم با شد که ما را خدای تعالی فرزندی دهد که ذکر حق تعالی
گوید بعد از ما که سخن ما بآخر رسیده است سلیمان علیه السلام ازین سخن او تعجب
کرد و گفت این نیت بهتر است از مملکت من و در خبر است که رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود هر که بامداد برخیزد و نیت کند که ظلم نکنم بر یکی بیامرزد
خدای تعالی او را و آورده اند که سه کس بودند از عُبّاد که بزیارت دوستی و
ولی شده بودند در اثنای راه جوی آب پیش آمد و راه نمی یافتند که بگذرند هر سه
اتفاق کردند و گفتند که هر یکی چه نیت در دل داریم بگوییم و عصا در آب زنیم شاید که
راه یابیم پس مقدم ایشان پیر و بزرگ بود اول او رفت نزدیک آب و چیزی که گفت
و عصا در آب زد از آب هیچ راه نیافت بار دوم نیز همچنین کرد راه نیافت
بار سیم که از همه کهتر بود بیامد و نیتی داشت بگفت و عصا بآب زد آب ایستاد
و راه داد بفرمان خدای تعالی چون هر سه بگذشتند باز آب روان شد پس هر یکی
ازین نیت همدیگر پرسیدند بار اول که مهتر و بزرگ ایشان بود گفت نیت من
اینست که من جملهٔ مسلمانان را دعا میکنم هر بار که نفس خود را دعا میکنم و لیکن نفس
خود را پیشتر دعا میکنم و بار دوم گفت نیت من مدام اینست که میخواهم برای

برای خلق آنچه میخواهم نفس خود را و راضی میشوم بر خلق بدانچه راضی میشوم
بر نفس خود و لیکن اختیار میکنم ایشان را بر نفس خود و نه نفس خود را بر ایشان
بار سیم گفت من همیشه این دعا میکنم که بار خدایا اگر یکی از امت محمد صلی الله علیه وسلم
بخواهی که در آتش در آری پس مرا بدل او کن و در آتش کن و او را در بهشت
جای ده **از تنبیه ابو اللیث** در بنی اسرائیل عابدی بود و در آن قوم قحطی بود و خدای
تعالی قحطی داده بود بر آن قوم عابد در بلندی ریگ بگذشت و با خود اندیشه کرد
که اگر این همه ریگ آرد بودی من بنی اسرائیل را سیر دادمی خدای تعالی وحی کرد بسوی
پیغامبر آن وقت یکی را که فلان عابد را بگو که بدین نیت که تو کردی هم چندان
مزد بر تو واجب کردم که آن بلندی آرد بودی و تو آنرا بر درویشان صدقه
میکردی و این همه بنیت نیکوی تو بود که کردی و شفقت و نیکوی تو بود بر خلق
کردی **باب هفتم** در ادب و در بیان حسن خلق از خلاصة الحقایق مرویست
که رسول صلی الله علیه وسلم این دعا میگفت اللهم کما حسنت خلقی فحسن
خلقی و اهل معنی گفته اند کمال نعم در حسن خلقست و کمال ادب در حسن
خلقست و آورده اند که ایوب پیغامبر علیه السلام از رنج بنالید بحضرت عزت
و مناجات کرد و گفت انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین و ادب نگاه

داشت و نکفت از حمقی و در حدیث است که خوردن در بازار دنائتست
یعنی فرومایکی است کفته اند این ترک ادب است چون باختیار باشد و در حدیث
است که بپرهیزید از چهار لعنت جای کسی حدث کند در راه مسلمانان یا در آب
خوش یا در خانه که رهکذری نزول کنند یا در زیر درختی که راه کذر بشیب آن
درخت فرود آید و بزرکی کفته است یک حصه ادب بهتر است از دو حصه
علم زیرا که بعلم موقر میشود و با ادب مقرب میشود و ابراهیم تیمی کفت
بزرکترین کناه نزدیک باری تعالی آنست که ذکر کند بنده چیزیرا که حق
تعالی آن چیزیرا بر وی ستر کرده است و عبد الله بن طاهر کفت هرکه خدمت
کند سلطانرا چون نزدیک سلطان رود خود را کور داند و چون بیرون آید
خود را کنک سازد از فواید الفواد آدب مجلس و در آمدن بخدمت
پیر و ادب نشستن و مقام کرفتن فرمود که ادب آنست که چون در مجلس
در آید هر جا که مقام خالی یابد بنشیند یعنی چون بخدمت پیر آید و در بند آن نبا
شد که بالا و شیب بنشیند که جای آینده همان باشد که خالی یابد و فرمود
که رسول صلی الله علیه و سلم وقتی بمقامی نشسته بود سه کس بیامدند یکی در ان
دایره جای یافت بنشست دوم در ان دایره جای نیافت در پس دایره بنشست

سیم چون در حلقه جای نیافت روی از ایشان بتافت و باز رفت ساعتی شد رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود این ساعت جبرائیل علیه السلام بیامد و مرا خبر کرد
که خدای تعالی میفرماید که آنکس که بیامد و در دایره جای یافت بنشست ما او را در
پناه خود جای دادیم و آنکس که در دایره جای نیافت و از شرم پس دایره
بنشست ما از وی شرم کرم داشتیم و فردای قیامت او را فضیحت نکنیم
و آنکس که روی بتافت و برفت رحمت ما نیز بر وی تافت و بعد از ان خواجه ذکره الله
بالخیر فرمود که آداب آنست که چون بیاید هر جا که در مجلس جای یابد بنشیند و اکر
جای نیابد پس دایره بنشیند بیکره در میان نشیند او ملعونست بر زبان عالم در
مشی و در مجلس و در کلام و در کفایه شعبی آورده است که پیغامبر
صلی الله علیه و سلم فرمود که رفتن پیش دست بزرکان کناه کبیره است پیش دست
ایشان نرود مکر ملعون کفتند یا رسول الله صلی الله علیه و سلم بزرکان کیانند کفت
علما و صلحا زیرا که علمای دین نکاه بانان دین اند و صالحان عاملان دینی
اند پس تعظیم ایشان تعظیم دین است و ترک تعظیم ایشان ترک
تعظیم دین است و در شرعه آورده است که مقدم است حق استاد
بر حق مادر و پدر و جمله مسلمانان از صلوات مسعودی که در خبر است که رو ترک

رسول صلی الله علیه و سلم در مسجد نشسته بود جوانی اعرابی خوب روی بیامد
و از در مسجد پیش رسول صلی الله علیه و سلم سلام کرد رسول جواب سلام او
باز داد کفت یا رسول الله دستور هست تا در آیم رسول علیه السلام دستور
داد تا در آمد و هر قدمی که می نهاد از رسول علیه السلام دستور میخواهست
تا چندانی که بحضرت رسول علیه السلام قربت یافت کفت یا رسول الله
دستور هست تا بنشینم رسول علیه السلام فرمود بلی بنشست چنانکه زانو
پیش بر زانوی رسول علیه السلام بنهاد کفت دستوری باشد تا سوال
کنم کفت بلی پس کفت ایمان چیست و اسلام چیست و احسان چیست رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود که ایمان آنست که بکروی بخدای عز و جل و بفرشتکان
و بکتابهای وی و به پیغامبران وی و بروز قیامت و بدانی که تقدیر نیکی و بدی
همه از خدای تعالی است و خدای تعالی آفریدکار همه چیزهاست و رسول صلی الله علیه
و سلم فرمود که بنای اسلام بر پنج چیز است کلمه شهادت کوید و نماز کزا
رد و زکوة بدهد و روزه ماه رمضان بدارد و حج و اسلام بیارد چون
استطاعت دارد و یک روایت آنست غسل جنابت کند و فرمود که احسان
آنست که چنان پرستی خدایرا که کویی خدایرا می بینی و اکر چنان نتوانی باری

باری خدای ترا می بیند چون سوالها تمام کرد کفت دستوری هست تا باز
کردم رسول صلی الله علیه و سلم فرمود بلی باز کشت همچنان بتعظیم از مسجد بیرون
آمد رسول صلی الله علیه و سلم فرمود یکی کسی را که بیرون رود سایل را ببین
رفت سایل را ندید در آمد و کفت یا رسول الله سایل را ندیدیم رسول علیه
السلام فرمود که آن سایل اعرابی نبود و برادر من جبرائیل علیه السلام بود در تعلیم
شما آمده بنا بر ان بود که نو عهد آن بسیار بودند اعرابیان در آمدندی
و سوالهای بی ادب میکردند رسول صلی الله علیه و سلم فرمود بتعلیم شما آمده
بود تا بدانید چکونه سوال باید کرد و اکر طالب علم پیش استاد بنشیند داند
که چکونه باید نشستن و اکر کسی از شما سوال کند که ایمان چیست و اسلام چیست
و احسان چیست تا بدانید که جواب چکونه باید کفت و آورده اند روزی امیر المو
منین علی رضی الله عنه بنزدیک رسول صلی الله علیه و سلم رفت تا سوال بکند چون
نزد رسول در آمد آن سوال وی را پوشیده شد رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
یا علی ترا چه حاجت و چه آورده ای کفت یا رسول الله بسوالی آمده بودم آن
سوال بر من پوشیده شد رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که یا علی از تو در راه
چه در وجود آمد کفت یا رسول الله چیزی از من در وجود آمد نمیدانم رسول علیه السلام

فرمود تأمل کن چون تأمل کرد گفت یا رسول الله در راه از پی جهود در کوشیدم
پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که تأمل کردی بر او از وی تعجیل خواه امیر المؤ
منین علی نزدیک آن جهود آمد و از وی تعجیل خواست پس جهود گفت تو با من
چه کردی که از من تعجیل میخواهی علی رضی الله عنه گفت من در راه از تو تعجیل در کد
شتم و از رسول صلی الله علیه وسلم نزدیک تو فرستاد تا از تو تعجیل خواهم پس گفت
تو تعجیل کردم بشرط آنکه مرا نزدیک رسول صلی الله علیه وسلم ببری او را نزد
رسول آورد جهود بیامد پس جهود اسلام آورد و روایت میکنند از عکراش بن
ذؤیب رضی الله عنه که گفت من خورد بودم رسول صلی الله علیه وسلم مرا با خود
بحجره ام سلمه رضی الله عنها برد چون طعام آوردند من دست بهر جانبی می بردم
رسول علیه السلام مرا ادب آموخت گفت دست در پیش خود دار که در ثرید تفاوت
نبود چون از طعام خوردن فارغ شدیم رطب آوردند من همان ساعت آن
ادب گوش داشتم رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بتبسم که ای عکراش اکنون هر کدام
که ترا باید می باید خورد که در رطب تفاوت بود از خلاصة الحقایق بعضی سلف
گفته اند که جوف در بنی اسرائیل چون صغیری نزد کبیری شدی و یا جاهلی پیش
عالمی رفتی ادب زمین شکافته شدی و آن جاهل و صغیر را فرو بردی ایضاً

ایضاً انس بن مالک رضی الله عنه گفت پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که بگزرد
بفرزند خود و او را بیند با خود بازی میکند گوش او بمالد قبول نکند خدای تعالی نماز
مادر و پدر او را جهل و زن سوال واجب هست بر صاحب خانه کردن اهل بیت
خویش یا خود نه جواب جابر رضی الله عنه روایت کرد از رسول صلی الله علیه وسلم
بدرستی که خدای تعالی رحمت کند بر آنکسی که آویخته باشد در خانه تازیانه که ادب
کند بر آن اهل بیت خود را از کفایه شعبی مرویست که اعرابی بیامد بخدمت
رسول صلی الله علیه وسلم گفت یا رسول الله چگونه روزه داریم رسول علیه السلام در
غضب شد که اثر غضب در چهره مبارک او ظاهر شد امیر المؤمنین عمر
حاضر بود گفت رضینا بالله ربا و بالاسلام دینا و نعوذ بالله من غضب
رسوله چون عمر رضی الله عنه این بگفت غضب رسول صلی الله علیه وسلم ساکن شد
و آن غضب از سبب آن اعرابی سایل بود که سلام نکرد و بغیر سلام سوال کرد
زیرا که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که السلام ثم الکلام پس اعرابی گفت یا رسول الله
چگونه بینی کسی را که سال تمام روزه دارد صیام دهر پس رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود لا صیام و لا فطر آنرا روزه است نه افطار بعد از آن فرمود چگونه بینی کسی را که
دو روز روزه دارد و دو روز افطار کند رسول علیه السلام فرمود کیست این را

اختیار کند و طاقت دارد بعد از آن پرسید که یا رسول الله چگونه بینی در کسی که یک روز
روزه دارد و یک روز افطار کند رسول صلی الله علیه فرمود که این روزه اخی داود است
علیه السلام بعد از آن پرسید که یا رسول الله چگونه بینی در کسی که یک روز روزه دارد و
دو روز افطار کند رسول صلی الله علیه وسلم فرمود کاشکی قوت یافتی بدین روزه پس
پرسید یا رسول الله چگونه بینی در کسی که در هر ماهی روزه دارد سه روز پس رسول علیه السلام
فرمود این صیام دهر است و تاویل این حدیث که لا صیام و لا فطر اهل فقه
گفته اند که در آید درین نهی که سال تمام روزه دارد و دو روز عید و سه روز ایام
التشریق درین پنج روز افطار باید کردن و هر که درین پنج روز افطار نکند و
روزه دارد او مخالفت سنت کرده باشد و عاصی باشد و بستان ابو اللیث
آورده است که نمی شاید عاقل را که آب دهان و بینی را در راه که گذر است اندازد تا بقدم
خلق برسد و در فتاوی سراجی آورده است بستن تعوید لا باس است و لیکن
در متوضا تعوید از خود جدا کند و در حالت قربانی نیز و مکروه هست که پسر را
ورق شود هر را بنام خواند و در بستان فقیه ابو اللیث آورده است در مسجد
خیو انداختن بهیچ حال نشاید و نشاید جای که دو کس حکایتی یا مشورتی
کنند کسی بمیان ایشان در آید و سخنی ایشانرا گوش کند که ایشان خوش نیاید و در
گوید و یا سخنی ح

و در خبر است هر که چنین کند روز قیامت سرب بگداخته در هر دو گوش او
ریزند و دیگر در نماز و یا در محله و دیگر کسی که از وی کسی بزرگ تر باشد و متبحر
و عالم و پیر باشد در پیش پای او استادن ترک ادب است و باید که مصلای خود
چنان اندازد که دامن مصلای او بالای کسی نباشد و کسی مهتر باشد در
علم و سن دامن مصلای خود در نشیب مصلای او کند و پای راست او بر
مصلی نهد و پای راست اول در کفش در آرد و پای چپ اول از کفش بیرون
آرد و در نصاب الفقه آورده است که اگر سابق باشد در در آمدن مسجد
و در صف اول جای گرفتن بعد از آن مردی دیگر از و مهتر در سن و یا در علم
در مسجد در آید باید که آن سابق در صف آخر در آید و آن بزرگ را پیش
فرستد تا صف اول بگیرد از برای تعظیم او و در کفایه شعبی آورده است که امیر
المؤمنین عثمان رضی الله عنه گفت من اندام نهانی خود را بدست راست
خود نسوده ام از آن روز باز که دست من بدست مبارک رسول صلی الله
علیه وسلم رسیده است و آورده اند که یکی از متقدمان نماز میکرد و جیب پیرا
هن او گشاده بود چون چنین دید اعاده کرد نماز شصت سال که پیش

از آن گذارده بود گفت که از استغنا فی ولی از ذل است عار و در چنین حالت
و مظفر دریا گفت که از خضر علیه السلام پرسید که چگونه است هر چه از تو سؤال
میکنم تو روایت از آن کس میکنی که خاک پای تو به از او باشد گفت ای مظفر دریا
دیگر چنین مگوی که من شنیدم از ابو یزید بسطامی رحمة الله علیه هر که گمان برد
بخود که من از سگ بهترم با او صحبت داشتن نشاید و نیز ای مظفر دریا من
که خضرم از رسول صلی الله علیه وسلم شنیدم هر که حدیثی از بزرگی نقل کند خدای
تعالی ویرا بیامرزد و من دوست دارم که خدای تعالی مرا بیامرزد از قصه یوسف
علیه السلام و ادب آموختن یعقوب فرزندانرا که در مصر رفتند بنظم
گفته است کتابت کرده شد

باب هشتم

در حلم و غضب و عفو و تکبر و تواضع و حرص و حسد مشتمل بر پنج فصل فصل اول در حلم و غضب و عفو
از خلاصة الحقایق در حدیث است که هر که ببلای مبتلا کرده شود پس او در آن
صبر کند و اگر چیزی از نعمتی یافت در آن شکر کند و اگر بر کسی ظلم کند باز پشیمان
شود و توبه کند و اگر برو ظلم کرده باشند عفو کند از آن رسول صلی الله علیه وسلم
همین مقدار فرمود و ساکت شد یاران گفت یا رسول الله چیست مر او را

مر او را رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که ایشان آنکسانند که ایشانرا امنست
روز قیامت و ایشان راه راست یافتگانند و عقبه بن عامر رضی الله عنه
گفت من پرسیدم از رسول صلی الله علیه وسلم که از اعمال چه چیز است که فضلت
دارد گفت عطا دهی کسی را که ترا محروم کرده است و پیوندی با کسی که از تو
بریده است و عفو کنی از کسی که بر تو ظلم کرده است و عبد الله بن عمر رضی
الله عنه گفت که از رسول صلی الله پرسیدم که چه چیز مرا دور دارد از غضب خدای
تعالی فرمود بر کسی غضب مکن و آورده اند که مردی بگفت احنف بن قیس
را چون دشنام بسیار شد احنف برخاست از جای خود گفت زیاده از آنست
که تو میگوئی و پرسیدند احنف را که از که آموختی تو این حلم را گفت از قیس
بن عاصم گفتند حلم او تا چه غایت بود احنف گفت روزی جاریه او سیخ کباب گوشت
بر پای می آورد از و بیفتاد و بر صبی آمد صبی سوخته شد و جان بداد جاریه چون
آن حال بدید بترسید و در وهم رفت پس قیس گفت خوف از این جاریه نخواهد
رفت مگر اینکه من او را آزاد کنم پس آن جاریه را آزاد کرد و گفت ترا
باکی نیست آزاد کردم ترا و اهل اشارت گفته اند حلم بر سه وجه است
حلم ظالمانست و ایشان عفو کنند از مجرم از ظاهر و از باطن کینه باشد

و دوم حلم مقتصدانست ایشان عفو کنند از مجرم و نیکوئی کنند در حق
او و عطا دهند و این غایت حلم است از تفسیر معنی رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود که چون روز قیامت شود منادی ندا کند هر که را بر من
اجری باشد بایستد مردمان بسیار بایستند پس گفته شد چیست اجر شما
بر من ایشان گویند ما آنکسانیم عفو کرده ایم بر کسی که بر ما ظلم کرده است
از فواید الفواد می آرند که از میان صحابه ابو بکر رضی الله عنه بحلم منسوب
بود تا وقتی یکی فحاشی با او چیزی گفت و بعیبی طعن زد ابو بکر رضی گفت
ای خواجه چندان عیبها که در من است ترا سهل چیزی روشن شده است
و پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود که سرزنش کند برادر مؤمن را بگناهی
او نمیرد تا آن گناه از وی در وجود نیاید از تفسیر منیر در خبر است هر که
خود را بخدای نزدیک جوید بدشمن داشتن فاسقان و هر که ظالمی را
بزرگ تا او در حیات باشد دعا کند چنانستی که بر مردمان ستم میکند
و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بروایت علی رضی الله عنه چون امت من
چنانی شوند که نتوانند گفت ستمگار را تو که ستمکاری دست از ایشان باید
داشت و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود اگر نماز چندان گزارید که قوز شوید

شوید همچون کمان و یا روزه چندان گیرید که ضعیف شوید چون زه
کمان هیچ نفع نکند شمارا تا بر خلق خدای رحم نکنید و از کفایه شعبی ابو بکر
الصدیق رضی الله عنه گفت بدان مقدار که رحمت تو است بر بندگان طمع
رحمت کن از خدای تعالی و بدان قدر که متابعت رسول علیه السلام میکنی و سنتهای
او را بجای می آری طمع کن از شفاعت او و آورده اند که امیر المؤمنین عثمان
رضی الله عنه کاری فرمود غلام خود را غلام در آن کار کاهلی کرد عثمان
رضی گوش غلام را بگرفت و بمالید و بعد از آن پشیمان شد و ترسید و
لرزید و آن غلام را گفت که تو نیز گوش من بگیر بمال او نگرفت بار دیگر
فرمود که اگر میخواهی عاصی نشوی سخن مرا قبول کن گوش مرا بگیر بمال
چنانکه من گوش ترا مالیدم آن غلام دلیری نمی توانست کردن و گوش
نمی گرفت باز سیم مرتبه فرمود آنچه من ترا فرمایم بکن غلام بیامد و گوش او بمالید
غلام را گفت گفتم سخت تر از آن بمال که من گوش ترا مالیدم غلام گفت ای
خواجه چنانکه تو میترسی از قصاص آخرت من نیز می ترسم و رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود بدرستی که خدای تعالی فرموده است و نهاده است چهار
چیز را در چهار چیز فراخی رزق در بر الوالدین و برکت علم در تعظیم استاد

وثباتی ایمان بجای آوردن فرمانهای حق تعالی وامنی وراحت در روز قیامت
از ترک آوردن بدی بر خلق وخضر علیه السلام گفت که ای مظفر در پیغامبر
صلی الله علیه وسلم گفته است هر که خشمگین شود باید که طهارت کند ونماز کند
روز و ذکر خدای تعالی بر زبان راند گفتند یا رسول الله صلی الله علیه وسلم حکمت چیست گفت
از برای آنکه خشم از آتش دوزخ است چون با آب طهارت کند هر آینه
آب آتش را بکشد ونماز مناجات است با خدای تعالی چون بخدای مشغول
شود از مخلوق فراموش کند خشم نماند ای مظفر یامنی که خضرم از
رسول صلی الله علیه وسلم شنیدم یکی را از عرب پند می داد گفت لا تغضب
فان لک الجنة یعنی بخشم مشو که بهشت ترا شود از تفسیر مغنی از ابو
هریره رضی روایت میکنند از رسول صلی الله علیه وسلم که عیسی یحیی را علیهما
السلام گفت که خدای تعالی ترا از گناهان پاک کرد وبر تو سلام کرد بز
ندگی و مردگی تو واز پس خشم پس خبر ده مرا که از خشم خدای تعالی چه رهاند
مرا یحیی علیه السلام گفت بر خلق خدای خشم مران عیسی علیه السلام گفت
ابتدای خشم از چه خیزد گفت از آنکه خود را بر دیگری فضل نهد و عزیز
بیند وحمیتش رنجه دارد تا بر خلق خشم راند پس عیسی علیه السلام گفت بگو تا

بگو تا مرا از آتش چه رهاند گفت آنکه زیانکنی ایضاً انس بن مالک رضی الله عنه
گفت روزی رسول صلی الله علیه وسلم ما را خطبه خواند وگفت ای مردمان بدانید
که این خشم آتشیست افروخته در دل فرزندان آدم علیه السلام نه بینی که در آن
وقت که در خشم شود چگونه رگها بر تن او خیزد وچشمهاش سرخ شود و
هر که از شما ازین آتش در خود اثری بیند بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من
الشیطان الرجیم اگر ایستاده باشد بنشیند واگر نشسته باشد بطاق بخسپد
ودست بر سینه نهد اگر آن خشم فرو ننشیند بغلطد عالمان گفته اند که این
غلطیدن می باید زیرا که آتش را بخاک میکشند از تنبیه ابو اللیث عمر بن عبد العزیز
رحمة الله علیه خلیفه بود مستی را دید خواست که او را تعزیر فرماید مست او
را دشنام داد پس گفت او را بگذارید گفتند ای خلیفه او ترا دشنام داد بگذا
شتی او را گفت از بهر آن گذاشتم که که مرا خشم کرد اگر او را بخشم زدمی خواستمی
که از بهر حمیت تن خود بزنم و روایت کنند که میمون بن مهران کنیزکی بود
می آمد با سه خوردنی چون بنزد وی رسید بیفتاد وکاسه ها بشکست وخوردنی
همه بریخت میمون بن مهران بخشم شد و در کنیزک تیز نگریست کنیزک گفت
ای خواجه خدای تعالی میفرماید والکاظمین الغیظ عن والعافین عن الناس میمون

بخشید گفت کار بستم آنجا از پس اینست کار بندکه والعافین عن الناس میمون
گفت عفو کردم کنیزک گفت والله یحب المحسنین میمون گفت احسنت آزاد
کردم و روایت کرده ابو هریره رضی الله عنه که مردی ابو بکر الصدیق رضی الله
عنه را دشنام داد رسول صلی الله علیه وسلم نشسته بود خاموش می نگریست چون
آن مرد خاموش شد ابو بکر رضی سخن آغاز کرد رسول صلی الله علیه وسلم برخاست
وبرفت ابو بکر نیز از پس رسول برفت وگفت یا رسول الله تا آن مرد مرا دشنا
م میداد تو خاموش بودی چون من سخن آغاز کردم تو برفتی رسول صلی الله
علیه وسلم گفت یا ابا بکر هر چه آن مرد ترا میگفت ایزد تعالی فرشته را فرستاده بود
که جواب او باز میداد چون تو سخن آغاز کردی فرشته برفت ودیو بیامد وجای
که دیو آمد کرا هیبت آمد مرا نشستن از سلک سلوک وقتی ابو بکر وراق رحمة الله علیه
میگفت که امروز خلق چهار چیز میطلبند عجب اگر بیابند پس مریدی پرسید
که این چهار چیز کدامست ابو بکر وراق گفت یکی لقمه حلال دوم یار موافق سیم
طاعت بی ریا چهارم عالم بی طمع مرید گفت من این چهار را یافتم گفت چگونه
یافتی گفت امروز لقمه حلال خشم است که فرو برد ویار موافق قرآنست
وطاعت بی ریا تفکر است وعالم بی طمع علام الغیوب است تعالی وتقدس الخلاصه

از خلاصة الحقایق پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود که ضعیفان در امت من
سه گروه اند یکی زن ودوم یتیم وسیم مملوک پس هر که اینها را گرامی دارد
خدای تعالی نیز او را گرامی دارد از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
هر که طپانچه زند بنده خود را کفارت آن آنست که او را آزاد کند

فصل دوم

در تکبر در بیان تهدید وتکبر آنست که نفس خود را بهتر داند از غیری
در علم ودر فضل وگفته اند متکبر متابع شیطانست در روایت نفس
واهل ریاضت گفته اند که هر که تکبر میکند او از حق نمی ترسد واز خلق شرم
نمی دارد و روایت کرد ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم گفت خدای
تعالی فرموده است ای فرزندان آدم بیافریدم شما را از خاک وباز گشت
شما هم سوی خاکست پس تکبر مکنید بر بندگان من در حسب ومال که با
شید بر من خوارتر از مورچه وبدرستی که جزا دهم شما را روز قیامت باعمال
شما نه بحساب شما وبدرستی که آنکسانی که تکبر کرده اند در دنیا بکنم ایشانرا
روز قیامت مانند مورچه تا زیر پای گیرند ایشانرا مردمان چنانکه بهایم زیر پای
کرده اند در دنیا ودر حدیث است هر که تکبر کند خود را بر خدمتکاران وبند
گان خود خدای تعالی او را خوار کند ودر خبر است هر که جامه دراز بوشد که

عاشق همیانه شوذی بذل حسن معشوق با میان لاغرست بلا بر اهل ایمان میشو نازل کر زنکشتانه

برزمین برسد از تکبر نظر کند خدای تعالی سوی او بهیبت و عبد الله بن عباس
کوید رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدانک خبر کنم شما را الجبری
که نوح علیه السلام پند داد پسران خود را و نهی کرد ایشانرا از کبر و کفت در
نرود ببهشت کسی که مقدار سپندانه در دل او کبر باشد از وهب بن منبه
رضی الله عنه می آرند که چون حق تعالی جنة عدن را بیافرید نظر کرد سوی او و کفت
حرامی تو بر کبر کننده و بر مرائی و ابو یزید بسطامی رحمة الله علیه فرمود مادام
که کمان بنده این باشد که درمیان خلق بتر از و هست او متکبر باشد و بعضی
اهل طریقت کفته اند که جکونه تکبر کند فرزند آدم که او بیرون آمده است از
مخرج بول دوبار و شیخ سری سقطی رحمة الله علیه کفت هر معصیتی را که
از شهوت باشد امید داشته شود آمرزش آنرا و هر کناهی که از کبر بود
امید داشته نشود آمرزش آنرا زیرا که معصیت ابلیس از کبر بود و آورده
اند که فرعون خواست که ایمان آرد بهامان مشورت کرد و هامان کفت
تو دعوی خدایی کرده روا باشد که بندکی کنی و بنده شوی و در خبر است
که فخر کردند دو مرد نزد موسی علیه السلام یکی از ایشان کفت که من فلانم
پدرم فلان و جدم فلان تا نه کس را نام بکفت پس وحی کرد خدای تعالی

بانکشت شهادت میرسد زخم ندامت ها نیست صایب مکر تنکی بیغی جای دو شاه
زین سبب طفلان جهل دارند با دیوانه

~~همه را بهشتی خواهد بود کفت جکل همه را بهشتی خواهد بود~~ از مسلمانان
و آورده اند که عبد الله مبارک رحمة الله علیه میخواست که انکوری بها بستاند
یک دانه بخورد از برای چشیدن چنانک عادت مردمانست پس تفکر کرد
که این دانه انکور بغیر اذن صاحب خوردم پشیمان شدم پس انکور فروش
را کفت که این یکدانه انکور برمن حلال کن قبول نکرد کفت یک درم بدهم
قبول نکرد کفت ده درم بدهم حلال کن نکرد بیست درم قبول نکرد
تا به نهصد درم رسانید انکور فروش حلال کرد نهصد درم پیش او ادا
کرد انکور فروش خندید که بجای یکدانه نهصد درم استادم عبد الله مبا
رک رحمة الله علیه کفت اکر راضی نمی شدی تا یا نزده هزار درم می رسانیدم
که وجه منست فصل ششم در بیان ربا در کفایه شعبی آورده است
که امام اعظم ابو حنیفه رضی الله عنه را دیدند که در آفتاب نشسته بود و
آفتاب سخت کرم بود به پهلوی مبارک او دیواری بود سایه کفتند یا امام
المسلمین چرا در سایه دیوار نمی نشینی کفت که صاحب دیوار وام من دارد پس
کراهیت می آید مرا که منفعت کیرم از سایه دیوار او و آورده اند که یکی بود
از زاهدان نقل کرد او را بخواب دیدند بعد از دوانزده سال کفتند که خدای

با تو چه کرد کفت در محاسبه بودم درین دوانزده سال آنچ خورده بودم از
خانهای وام داران از تفسیر منیر روایت کرد ابو هریره رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم کفت آن شب که مرا بمعراج بردند در آسمان هفتم رسیدم
آوازها شنیدم چون آواز رعد و صاعقه و برق که می جست دیدم مردمان
را که شکمهای ایشان چون خانها بود پر ماران جبرائیل علیه السلام کفت اینها
ربا خوارانند و از عبد الله بن سلام رضی الله عنه روایت میکنند در ربا هفتاد
بزه است کمترین آنست که یک مرد با مادر خود زنا کند و یک درم ربا بتر از سی و
هفت بار زنا کردن و بقیامت فرمان دهد تا همه خلق از نیک و بد بایستند از
علی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم کفت لعنت کرد ربا خوا
رانرا و ربا ستانرا و کواه ربا را و نویسنده قباله ربا را و انکسی را که
نیز صدقه باز کیرد و زکوة باز کیرد و رسول صلی الله علیه وسلم فر
مود که زمانه بیاید که هیچ کس نماند که ربا خوار نکرد د کفتند یا رسول الله
همه خورند کفت اکر بعضی نخورد و لیکن بره غبوری کند یا کواهی دهند
یا در میانه سخنی کویند یا برا رضا دهند و بال آن بریشان برسد
از تنبیه ابو اللیث روایت کند ابو اللیث از عبد الله الرحمن که بهر شهری که هلا

هلاک نزدیک آمده بود در ایشان جهار چیز پیدا شود اول ترازو کم سنجد
و دوم پیمانه کم پیماید و سیم زنا اشکارا کنند و جهارم ربا فاش شود و چون
زنا آشکارا کنند و پیمانه کم کنند باران از آسمان باز استد و شمشیر مختلف در
میان ایشان افتد ابن عباس رضی الله عنه روایت کنند که وی کفت کای مردمان
بر شما دو کاری آید که بآن بلاها مبتلا شوید بر پیشینیان واقع شد آن از سبب
کم سنجیدن پیمانه و ترازو است و از تفسیر منیر و مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که چون خدای تعالی خواهد که قریه را هلاک کند ربا در میان ایشان آشکارا شود
باب پانزدهم در بیان صله رحم و حقوق مادر و پدر و حسن خلق
و رفق مشتمل بر سه فصل فصل اول در صله رحم یعنی پیوستن
با خویشان و تفقد حال ایشان و پیوستن بران درجه مکر کسی امام
عادل و دوم انک صله رحم بجای آرد و با ذو رحم محرم پیوندند صله رحم و سیم
صاحب عیال که منت ننهد بر آنچ نفقه کند بر ایشان و ابو طفیل رضی الله
عنه کفت دیدم زنیرا بنزدیک رسول صلی الله علیه وسلم بکسترانید
برای او ردای مبارک خود و آن زن بالای ردا
رسول علیه السلام بنشست پرسیدم کفتند که رسول صلی الله علیه وسلم

شیر داده است و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود اگر اهل خانه بیکدیکر پیوستکی
کنند و اِن کند خدای تعالی بر ایشان رزق و باشند در پناه خدای تعالی و اهلِ
حقیقت کفته اند که صلهٔ رحم سلام دادن است و طعام دادن و تفقدِ حال
کردن در غیبت و پرسیدن در حالِ زحمت و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که
سه کس در سایهٔ عرش خدا باشند روز قیامت که هیچ سایه نباشد مگر سایهٔ
عرش اول کسی که با قرابتان و خویشان آمیزش کند دیکر زنی که شوی وی مرده
باشد فرزندانِ یتیم صغیر کذاشته و آن زن شوی دیکر نکند از سبب فرزندان
و دیکر مردی که طعامهای خوب و لطیف بسازد و یتیمان و مسکینان را دهد
از تفسیر منیر پرسیدند از رسول صلی الله علیه وسلم که نیکمرد کیست که در وی سه
خصلت باشد یکی آنکه پیوند کند با آنکه از وی ببرد و دوم عفو کند از آنکس
که او را آزرده باشد سیم عطا بدهد آنرا که عطای خود از وی باز کیرد و آورده
اند که مردی بود در زمانهٔ اول عیال بسیار داشت عاجز شد از ایشان خواست
که از آنجا بجای دیکر رود خدای تعالی فرشته را بصورت آدمی در راه او فرستاد و بوا
کفت امروز کاری خواهی کرد با اجرهٔ یک دینار آن مرد کفت کدام کار خواهی
فرمودن کفت همین کار که آب از چاه بیرون آوری آنقدر که یک کنجشک سیراب

سیراب شود آن مرد خوش دل شد کفت سهل کاریست بر سر چاه آمد
و دلو انداخت و آب کشید و در غنجی ریخت کنجشک بیامد و آب عاجز شد
شب در آمد کفت مرا اجرهٔ تو می باید من اجره ترک کردم خلاص کن
که سیر نخواهد شد این کنجشک از آب فرشته کفت ای ضعیف تو که کنجشکی
را سیراب نتوانی کرد پس چکونه قدرت باشد ترا عیال خود را نفقه دهی که
از ایشان میکریزی آن مرد باز کشت و دانست که رزاق خداوند است
و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که سه کس اند از زنان که بر دارد خدای تعالی
از ایشان عذاب کور و حشر کند ایشانرا با فاطمه رضی الله عنها اول
زنی که صبر کند بر غیبت غیرت شوی خود و زنی که صبر کند بر اذای شوی
خود و زنی که هبه کند مهر خود را بشوی خود از برای محبت خدا و رسول او پس بدهد ایشانرا ثواب هزار شهید و بنویسند از ایشان
هر یکی را عبادت هزار ساله از تنبیه ابو اللیث رحمة الله علیه ابو هریره رضی الله
عنه کفت روزی اعرابی پیش رسول صلی الله علیه وسلم آمد و مهار شتر
سید بکرفت و کفت یا رسول الله مرا خبر کن از چیزی که به بهشتم نزدیک کند و از دوزخم دور کرداند رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که ایزد

تعالی را بپرستی بیکانکی و با او انباز نکویی و نمازها بر پای داری و صدقه بدهی
و پیوستهٔ رحم باشی و رسول صلی الله علیه وسلم کفت که خبر کنم شمارا از کسی که
صدقه دهد اندک ولیکن ثواب بسیار یابد و آن صدقه آنست که صلح دهد
میان دو کس که سخن باز کرفته باشند از هم دیکر روایت کند ابو دردا از
یکی صحابه کفت اکر از هشت چیز عاجز آیید باری چیزی را از دست مدهید
اول آنکه هر که فضل نماز شب خواهد و خفته ماند برو باد که بروز کند کناه
نکند دوم فضل روزهٔ تطوع خواهد لیکن روزه دارد زبان نکاه دارد و
سیم هر که فضل علما خواهد با خود اندیشه کند از کار آخرت و چهارم هر که فضل
غازیان خواهد باید که بخانه نشسته پیوسته با دیو مجاهده کند و پنجم هر که
فضل صدقه دادن خواهد و چیزی ندارد علم بشنود و کسی را آموزد و
ششم هر که فضل حج خواهد و وی عاجز باشد نماز آدینه بر پای دارد و هفتم
هر که فضل عتاق خواهد آشتی دهد میان دو کس و دشمنی نیفکند و هشتم
هر که فضل ابدالان خواهد هر چه خود را نه بسندد برادر مسلمانرا نیز نه بسندد
از خلاصة الحقایق ابو هریره رضی الله عنه کفت که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که حق مسلمانی بر مسلمانان شش است اول پرسیدن اکر بیمار شود و پس روی

روی جنازه اکر بمیرد و جواب عطسه و سلام کفتن چون ملاقات شود
و اجابت دعوت و نصیحت کند چون طالب نصیحت بود ایضاً در بیان
علامات اهل بهشت و جحیم ذو النون مصری رحمة الله علیه کفت علامت اهلِ
بهشت پنج است روی خوب با بشاشت و خلق خوب و صلهٔ رحم و زبا
نی لطیف و باز بودن از حرامها و علامت اهل دوزخ پنج است خلق بد و
دلِ سخت و ارتکاب معاصی و زبانی درشت و روی ترش ذکر بزه بریدن
از رحم از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که نرود در بهشت کسی
که از خویشان ببرد و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدان خدای تعالی که فرستاد
مرا بحق قبول نکند خدای تعالی صدقهٔ آن مردی که مر او را قرابتان بود
محتاج بصلهٔ او و او غیر ایشانرا صدقه دهد و رسول صلی الله علیه وسلم فر
مود که رحم درختیست بیخها در هم پیوسته و رحم مشتق است از رحمن پس
هر که آنرا ببرد حرام کرداند خدای تعالی بر وی بهشت و رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که صحبت یک روزه مودتست و صحبت یکماهه قرابت است و صحبت
یکساله رحم است هر که برحم پیوند خدای تعالی با وی پیوند و هر که ببرد خدای
نیز از وی ببرد از تفسیر منیر در خبر است که خدای عز و جل کفت من رحم بیافریدم

باشتقاق نام خود او را رحم خواندم و منم رحمن هر که با رحم پیوندد رحمن با او
پیوسته باشد و هرگز در بهشت نرود قاطع رحم روایت دیگر هر که دوست
دارد روزی او فراخ باشد که به رحم پیوندد در خبر آمده است که بیافرید خدای
عزوجل رحم را چون پوست درخت که بدرخت پیوسته باشد گفت یا رحم رضا
دهی بدان که در بهشت در آرم آنک ترا پیوسته دارد و در دوزخ کنم آنک ترا
بریده دارد گفتم راضیم و مالک گفت که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که پنج
گروه اند که ایشانرا نماز نیست اول زنی که شوی وی خشنود نبود دوم
بنده که از خداوند خود گریخته بود سیم آنک از برادر مسلمان افزون [illegible]
از سه روز سخن باز گیرد و چهارم آنک بر خمر خوردن مصر باشد و پنجم امامی
که قومی را امامی کند آن قوم لواطه کرده باشند او را ذکر حقوق فر
زندان از خلاصة الحقایق امیر المؤمنین علی رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود که ختنه کنید کودکانرا روز هفتم از ولادة بدرستی که پاکیزه کننده
است تنرا و زود رویاننده گوشت را و خوش کننده است دل را روایت کند
ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که دشنام دهد
فرزند خود را لعنت کند خدای تعالی او را و بنویسد خدای عزوجل بروی از گناهان

هان بعدد ستارگان آسمان و برگ درختان و بگشایند در گور او از دری عذاب
و بروایت جابر رضه رسول صلی الله علیه وسلم گفت هر که دشنام گوید فرزند خود را
او ملعون است قبول نکند خدای تعالی توبهٔ او و نوافل او و فرایض او و بنویسد
خدای تعالی بهر مویی که در تن او بود گناهی از تنبیه ابو اللیث ابو هریره رضی الله عنه
روایت میکند از رسول صلی الله علیه وسلم که گفت فرزند را بر پدر سه حق است
یکی آنک نام نیکو نهد و دوم چون بزرگ شود ویرا قرآن بیاموزد و سیم
آنک چون بالغ شود از بهر وی زن بخواهد و انس بن مالک رضه گفت که
هفت گروه را از پس مرگ ثواب نویسند اول آنک هر که مسجدی بنا کند تا د
ران مسجد نماز میکنند او را ثواب می نویسند دوم آنک سر چشمه راست
کند تا خلق از ان آب بخورند و نفع گیرند سیم آنک مصحف نویسند تا
هر کسی در ان نگاه کند و بخوانند و چهارم هر که درختی بکارد تا از ان در
خت مردم و مرغ و جانوران دیگر می خورند و از سایهٔ او منفعت می
گیرند او را ثواب می نویسند چندانک آن درخت هست و پنجم هر که سنتی
نیکو نهد در میان خلق تا یک تن که مانده اند بران سنت روند او را ثواب
می نویسند و ششم آنک کسی را علم آموزند تا بدان علم کار میکنند او را ثواب

مینویسند و هفتم آنک ازو فرزندی ماند و آن فرزند او را دعا میکند و از ایزد
تعالی آمرزش میخواهد او را ثواب مینویسند بر آنچه فرزند میکند از تفسیر
مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بیامد بر من جبرئیل علیه السلام گفت
یا محمد خدای با تو سلام میرساند و میگوید بعزت جلال من که عذاب نکنم در
آتش مردی را که بنام تو خوانند ایضاً از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که چون نام کند مؤمن فرزند خود را محمد پس بخواند فرزند خود را
بنام محمد اجابت کنند او را فرشتگان و حملهٔ عرش و بگویند لبیک یا ولی الله
بدرستی که تو شریک شدی با مادر اجر و بدهد خدای تعالی او را روز قیامت
ثواب حملهٔ عرش و رسول صلی الله علیه وسلم گفت که فرزند از سعادت مرد است
و یمن زن است که اول او را دختر زاده شود و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
هر که میوهٔ نو بها از بازار بیارد برای عیال خود اول با اناث دهد پیش از ذکور
و چون شاد کرد انرا ایشانرا پس خدای شاد دل او را در روز قیامت
و الشرعه آورده است که صبی سخن گفتن ابتدا کند اول او را کلمهٔ لا اله الا الله
هفت بار تلقین کند و این آیت نیز بخواند که فتعالی الله الملک لا اله الا هو رب
العرش الکریم و تلقین کند او را آیة الکرسی و آخر سورة الحشر هو الله الذی لا اله
دو

لا اله الا هو پس هر که این چنین کند حساب نکند خدای تعالی با او روز قیامت
و او را بخیرات فرماید چون که بشناسد دست چپ را از دست راست
پس ثواب آن مر پدر را باشد و امر کند بنماز چون هفت ساله شود و
چون ده ساله شود نماز نگزارد بزند او را و امر کند ذکر در بیان و
پرسیدن همسایه و حق همسایه از کفایه شعبی مرویست که رسول صلی الله
علیه وسلم بیرون آمده بود در غزوی پس امر کرد که ندا کنید عمر و مان که تا کسی
که همسایهٔ خود را ایذا میرساند و می رنجاند او مصاحب ما نشود پس مردی
برخاست و گفت یا رسول الله من همسایهٔ خود را نمی رنجانم ولی بول میکنم زیر دیوار
همسایهٔ خود پس رسول صلی الله علیه وسلم گفت برو که مصاحبت ما نشایی و آورده
اند که طلحه رضی الله عنه یا رسول الله صلی الله علیه وسلم بود گوسفندی داشت آنرا ذبح کرد
گوشت او را صدقه کرد و بروی چیزی نماند مگر سر گوسفند زن او گفت که این سر ایذر
زن گفت که همسایهٔ ما محتاج تر از ماست پس آن سر را به همسایهٔ خود فرستاد او هم
گفت از من فلانی محتاج تر است بروی فرستاد او نیز بدیگری فرستاد همچنین در
هفت خانه آن سر بگشت و بعد از آن باز بخانهٔ طلحه آمد و رسول صلی الله علیه وسلم

خیان
گفت که ایزد تعالی بهفت گروه مردم بقیامت بنظر رحمت ننگرد و گوید ای دوز
بدوزخ شوید اول لوطیانرا دوم انکسانی که آب بهشت خود بدست خود بیرون
آرند سیم انکسانی که با چهارپای کردایند چهارم انکسانی که با زنان فعل لوطیان
کنند و پنجم کردایندکان با دختران زنان خود ششم انکسانی که زنا کنند با
همسایکان خود هفتم انکسانی که همسانرا بیازارند از تنبیه ابو اللیث ابو
القاسم عبد الرحمن بن محمد گوید باسناد صحیح از حسن بصری رحمة الله علیه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که حق همسایه آنست چون وام خواهد
بدهی و چون بخواند اجابت کنی و چون بیمار شود به پرسش وی بروی و چون
یاری خواهد یاری دهی و چون مصیبت رسدش تعزیت دهی و چون شادی
بینی تهنیت کنی و چون بمیرد بجنازه او حاضر آیی و چون غایب شود اهل
او را نیکو نگاه داری و آنچه بخته باشی اندکی بفرستی از خلاصة الحقایق رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود بهران مؤمنی که گرویده است مؤمن بخدای عز و جل
و روز قیامت پس گرامی دارد همسایه کان برا انواع است مؤمن است و مشرک
است پس چگونه اکرام کنیم در حق ایشان جواب رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که همسایکان بر سه نوع اند همسایه است که یک حق دارد آن مشرک است

است و همسایه است که دو حق دارد و آن مسلمانست و همسایه است که سه حق دارد
و آن همسایه مسلمان و قرابت است پس بدین قیاس کن در اکرام ایشان ایضاً سوال
چیست حق جواب تحمل کردن نست ایذای ایشانرا و ایثار کردن نعمتها را فصل
دوم در بیان حقوق مادر و پدر و خشنودی ایشان از خلاصة الحقایق رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که هر فرزندی که نظر کند سوی مادر و پدر بنظر رحمة بدهد
خدای تعالی او را بدان نظر ثواب حج و عمره گفتند یا رسول الله اگر نظر کند در هر روزی هزار
بار رسول صلی الله علیه وسلم فرمود اگر ده هزار بار نگاه کند یک روز ثواب ده هزار حج
و عمره بیابد و آورده اند که در عهد رسول صلی الله علیه وسلم جوانی بود صالح روزی
بر گور مادر و پدر خود بگذشت بگریست و گفت یارب مادر و پدر من از دنیا که
بیرون آمدند مسلمان بودند و بتو شرک نیاوردند اگر در عذاب اند پس عذاب
کن مرا بجای ایشان در دنیا و آخرت و ایشانرا آزاد کن پس وحی کرد ایزد تعالی
رسول صلی الله علیه وسلم که بگو آن جوانرا که پروردگار تو ترا و مادر و پدر ترا آمرزید
بر بهرکانی که تو بریشان کردی و در خبر است که پرسیده شود فرزند را روز قیامت
از نماز پس از آن از حق مادر و پدر و پرسیده شود زن را از نماز و پس از آن از حق شوی
خود و پرسیده بنده را پس از نماز و پس از آن از حق مولا و رسول صلی الله علیه وسلم

فرمود که چون ترک آرد بنده دعا مادر و پدر را منقطع کرداند ایزد تعالی رزق او را
بروی در دنیا و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که موسی علیه السلام مردیرا بدید بر عرش
بر بود گفت یارب این مرد چه کسیست خدای تعالی عز و جل فرمود که ای موسی ترا نام
او نگویم ولیکن خبر کنم ترا از سه خصلت او اول تا این مرد در دنیا بود بسخن
چیدن مشغول نشد و حسد نکرد بر مردم بر آنچه داده است ایشانرا خدای
تعالی از فضل خود و نیکویی کرده است در حق مادر و پدر خود و رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود که نیکویی کردن بر مادر و پدر زیاده کند عمر را و نقصان کند
دروغ را و زیاده کند رزق را و دعا باز کرداند قضا را و خدای تعالی را دو قضا
ست یکی قضاء مبرم و دوم قضای معلق و قضای معلق بصدقه رد شود
اما مبرم بصدقه رد نشود و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که نیکوکار باشد
بر مادر و پدر او بمرگ بد نمیرد از تفسیر مغنی پرسیده شد فضیل را از بر والدین
گفت بر نخیزد بخدمت ایشان بکاهلی و نیز منقولست از ابو یوسف رحمة الله علیه
که اگر مادر و پدر امر کند با فروختن آتش بزیر دیک باید که آتش بکند اگرچه در
دیک گوشت خوک بود و اگر پدر خمر خورد کوزه خمر از دست او بگیرد و منقولست
که مردی مادر خود را گفته بود که آواز تو چون آواز خرست چون از دنیا نقل

نقل کرد او را دفن کردند هر شبی از گور آواز خر آمدی و در خبر است خدای
تعالی فرموده است هر که عاق باشد بر مادر و پدر و نیکوکار باشد مرا من او
را هم عاق بنویسم و هر که مرا نافرمان باشد و مادر و پدر را فرمان بردار باشد
من او را نیکوکار بنویسم و پرسیده شد ابن عیینه را از صدقه که بروح میت د
هند گفت هرچه دهند بروی برسد اما نیست سودمند ترا از استغفار مر مرده کانرا
و در حدیث است است که هر که دوست دارد که خدای تعالی عمر زیاده کند و رزق
او فراخ شود و دعای او مستجاب شود و بمرگ بد نمیرد پس مطیع باشد
مادر و پدر را و رحم بپیوندد و در حدیث است که خدای تعالی بلند کرداند
درجه بنده را در بهشت پس او گوید یارب بچه عمل مرا سزاوار این کردانیدی
پس خدای تعالی گوید این درجه ترا باستغفار فرزند تست و در نقل است که چون یعقوب
را با یوسف صلوات الله علیهما ملاقات شد یعقوب یوسف را نگذاشت که از
مرکب فرود آید سواره با همدیکر رسیدند ایزد تعالی وحی کرد سوی یوسف
علیه السلام که اگر نزول میکردی از برای پدر از پشت تو هفتاد پیغامبر مرسل قد
ری می آوردم پس حرام کردم آنرا بتو و بکردانیدم نبوت را سوی برادران تو
و منقولست که مردی بخواب دید پدر خود را پدر گفت ای پسر من جزا بزیارت

من بیامدی پس گفت مکو تو میدانی از آموختن من کی اسکون یاد کرد
که چون تو پیدا می شوی من نظر بسوی تو میدارم و ترا می بینم اگر نشسته
یا ایستاده و چون از نزدیک من باز میگردی تا آن زمان که نظر میدارم که تو
از چشم من غایب می شوی و منقولست که موسی مادر خود را بخواب دید ما
در او را رهبه نام بود پس مادر را گفت که حاجتی داری گفت حاجت همین
دارم که بزیارت من بیایی و مرا بدعای خیر یاد آوری بدرستی که بآمدن تو
روا آیند مرا بشارت می دهند و میگویند یا راهبه این پسر تو است که پیش
تو آمده است پس من شاد میشوم از تفسیر منیر در خبر است از رسول صلی
الله علیه وسلم که هر مؤمنی که این آیت بخواند وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ و ثواب این بمادر و پدر بخشد هم حق ایشان گزار
ده باشد و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که منت نهد بر فقیر او ملعو
نست در دنیا و آخرت و هر که منت نهد بر مادر و پدر و برادر و خواهر او
از خدای عز وجل دورست از رحمت او و دورست از ملایکه و نزدیکست
بآتش و مستجاب نیست دعای او و روا نیست حاجت او و نظر نکند خدای تعالی
سوی او در دنیا و آخرت از کفایه شعبی در خبر است که امیر المؤمنین عمر رضی الله

تعالی بموسی علیه السلام بگو مرا او را که آن نه کس در آتش اند و جمع ایشان نوع از
تنبیه ابو اللیث موسی علیه السلام ابلیس را گفت که مرا خبر کن که کدام گناهست
که فرزند آدم بکند ترا بروی دست باشد گفت بران وقت که بنفس خود
معجب گردد و اندر کار خویش کبر آرد و گناهان خود را فراموش کند آن
وقت مرا بروی دست باشد از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود چون خدای تعالی ببنده خیر باشد او را در دنیا پرهیزکاری دهد و
راغب گرداند او را در کارهای آخرت و بینا کند او را بعیبهای نفس خود
از کفایه شعبی در خبر است که وحی کرد ایزد تعالی سوی موسی علیه السلام که
یا موسی بشناس مرا و بشناس نفس خود را پس موسی علیه السلام گفت
یا رب بشناختم ترا و بشناختم نفس خود را پس خدای تعالی فرمود که شناختی بجرح
مرا گفت بدانکه تو بر همه قادری از چیزها و فرمود چه شناختی نفس خود را
موسی گفت بدانکه من عاجزم بر همه چیز پس وحی کرد بموسی علیه السلام اکنون
کامل شد در تو معرفت اهل آسمان و زمین و در خبر است که عیسی صلوات
الله علیه دیداهی میرفت و اصحاب او با او بودند دزدی بدزدیتی
بیرون آمده بود چون آن دزد ایشانرا بدید از کار تایب شد و پشیمان

شد و بخدای باز گشت و از دنبال ایشان روان شد بشکستگی و بجا
بحقارت و خواری نفس و متواضع پس یکی را نظر بود فتاد از اصحاب عیسی
علیه السلام او را بشناخت بعیسی گفت یا روح الله با ما این مرد دزد چه کند
او نظر بفضل و زهد خود کرد خدای تعالی وحی کرد بعیسی علیه السلام که بگو این
حواریرا تا عمل خود از سر گیرد که جمله اعمال او باطل شد بران عجب که
بنفس خود کرد و بگو آن دزد تایب را که از سر گیرد عمل خود را که بدرستی
بیامرزیدم او را بدان شکستگی و حقارت که نفس خود را دید نقل از دو انز
ده مسئله مسئله ششم آنست که ابلیس گفت ای مهتر خضر چون مؤ
من موحد جمله طاعت و خیرات بجای آرد و از ریا و غیبت صیانت کند و از
صغایر و کبایر دور باشد و یقین و اخلاص حاصل کند چنان پندارد که از
شر ابلیس ایمن گشت ناگاه در دل او در آیم و دست بر مواضع تسلیم و توا
ضع او نهم و در دماغ او بدنهم تا عجبی و کبری در دماغ او پدید آید و بر خلقان
تکبر و ترفع کند و از مردمان تواضع چشم دارد و بخلق بنگاه کمان کردد
و خود را بر دیگران تفضیل و ترجیح نهد و ابلیس گفت در هر دماغی که
ذره کبر باشد آن کس مطیع و دوست منست و غرض من ازوی حاصل آید

آید جواب رسول صلی الله علیه وسلم گفت که چون خود را بدین صفت بیند
علاج او آنست که توبه کند از همه گناهان و باز گردد بخدای تعالی و متوا
ضع شود و کلمه تمجید بگوید و این دعا بسیار خواند اللَّهُمَّ اعْصِمْنِي مِنَ
الْعُجْبِ وَالرِّيَاءِ وَاجْنُبْنِي مِنَ الْكُفْرِ وَالْفِسْقِ وَالزِّنَاءِ وَاكْرِمْنِي بِالتَّفَضُّلِ
وَالْعَطَاءِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ از تفسیر منیر در خبر است
که در وقت موسی علیه السلام دو مرد بنسب فخر کردند یکی را هفتم جد یا نهم
جد امیر بود اما کافر بود بامیری وی فخر کرد و دوم دو پدر را یاد کرد هر دو
مسلمان بودند حق تعالی بموسی علیه السلام وحی کرد که بگو آن مرد را که فخر
کرد بپدر مسلمان بدرستانم او را به بهشت به پدر او و آنکسی که بپدر کافر فخر
کرد و بدرستانم او را در دوزخ از تنبیه ابو اللیث موسی علیه السلام گفت اندر منا
جات یا رب از خلق تو کیست که دشمن تر است ترا ندا آمد که یا موسی آنکسی که در دل
او تکبر باشد و بزبان درشت و بچشم شوخ و بدست بخیل باشد از فواید
الفواد آورده است که هر کرا ببیند باید که از خود بهتر تصور کند اگر چه آنکس
عاصی باشد خود صالح باشد شاید که طاعت این کس آخرین طاعتها باشد
و معصیت آنکس آخرین معصیتها بود بعد از ان چنین حکایت کردند

که شیخ حسن بصری رحمة الله علیه میگفتی که من هرکه را دیدمی به از خود تصور کر
دمی مگر یک روز آنچنان دیدم که حبشی بر لب آب نشسته بود و قرابه پهلوی
خود داشت هر زمان از آن قرابه چیزی تجرع میکرد و عورتی نزدیک او نشسته
در خاطر من گذشت که باری به از وی ام هم درین فکر بودم که کشتی در آب غرق
شدن گرفت هفت تن دران کشتی بودند هر هفت در آن آب غرق می
شدند آن حبشی خود را بران آب زد و شش تن را بیرون کشید روی سوی
من کرد گفت ای حسن آن یکی را تو بیرون کن شیخ حسن گفت متحیر بماندم
آنگه گفت که درین قرابه آبست و این عورت والده منست منی برای امتحان
تو اینجا نشسته بودم برو که تو مرد ظاهر بینی عایشه را رضی الله عنها پرسیدند
که مرد بدکی شود گفت هرگاه که خود را نیکو داند فرزدق شاعر بود وقتی
او بخواجه حسن بصری رحمة الله علیه در یکجا جمع افتادند از آن جمع یکی باواز بلند
گفت که بهترین مردمان درین جمع حاضر است و بدترین مردمان نیز هم
درین حال حاضر فرزدق روی بحسن کرد گفت شنیدی چه میگویند شیخ
حسن گفت چه معلومست که بهترین مردمان کیست و بدترین هم کیست
خدای میداند فرزدق گفت بهترین مردمان توی و بدترین مردمان منم چون

چون فرزدق وفات یافت او را در خواب دیدند گفتند از حال تو چیست
گفت چون مرا پیش کرسی قضا بردند من می ترسیدم فرمان رسید که ما ترا
همان روز آمرزیدیم که خود را بدترین مردمان دانستی از تنبیه ابو اللیث
کعب الاحبار رضی الله عنه گفت که متکبران را روز قیامت بیارند بر صورت مو
رچه از هر جانب ذل و خواری میکشند و بزیر پای مردم می سپرند تا برا
نند ایشان از بوی و بخار اتند ایشان از ریم دوزخیان و گویند که ایزد
تعالی سه گروه را دشمن دارد فاسق را دوم بخیل را و توانگر بخیل دشمن
تر بود سیم متکبر را دشمن دارد و درویش متکبر دشمن تر فصل سیم
در فضیلت تواضع از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که
بعث نکرد خدای تعالی پیغامبری را مگر که او متواضع بود و بهترین مردمان
نزد خدای تعالی آنست که متواضع باشد و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که متوا
ضع آنست که ابتدا سلام کند با هرکه ملاقات شود و جواب سلام گوید
هرکه او را سلام کند و راضی باشد بفروترین جای نشستن در مجلس و
دوست ندارد که کسی وی را مدح گوید و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که طعام
خوردن با خادم از تواضعست و هرکه با خدمتکار خود طعام می خورد

بهشت مشتاق او باشد وهب بن منبه رضی الله عنه گوید که در بعضی
کتب دیدم که حق تعالی فرستاده است که بدرستی بیرون آوردم من ذریات
را از صلب آدم علیه السلام در روز قیامت مشتاق پس نیافتم دلی سخت متوا
ضع تر از دل موسی علیه السلام پس برگزیدم او را و سخن کردم با او و
ابن عمر رضی الله عنهما روایت میکند از رسول صلی الله علیه وسلم گفت
هرکه سوگند با مرد ذمی با او را تواضع کند روز قیامت میان
این هر دو وادی پر آتش پیدا شود بگوید آن مرد مسلم را که بگذرد
این آتش و آن جانب وادی برو تا حساب کنند با شریک ذمی تو و
مرویست از امیر المومنین علی رضی الله عنه که پیغامبر صلی الله علیه وسلم
فرمود که هرکه تواضع از بهر خدای کند مرتبهٔ بلند گردد و مرویست
[illegible] هریره و هرکه تکبر کند مرتبهٔ او نشیب گردد و هرکه قنا
عت کند خدای تعالی او را دوست دارد و مرویست که ابو هریره رضی الله عنه
امیر المؤ مدینه بود پشتوارهٔ هیزم بر سر نهاد درون مدینه آمد
و گفت خلق را که راه دهید مر امیر را از رصول صفار حدیث پیغامبر
صلی الله علیه وسلم من تواضع لغنی ذهب ثلثا دینه یعنی هرکه تواضع

ضع کند مر غنی را دو ثلث دینی او برود و ابن عمر رضی الله عنه این بیان
کرده است که نفس مومن را سه چیز است دل و زبان جملهٔ اعضا پس باشد
که دل او مشغول باشد بمحبت خدای تعالی و زبان او مشغول باشد بذکر خدای تعالی
و سایر اعضای او مشغول باشد بخدمت خدای تعالی پس چون بیاید
سوی غنی و طلب کند از وی دنیا را پس مشغول شود زبان بستودن
و ثنای او از حمد ثنای خدای تعالی باز ماند و چون مشغول شود تن
او بخدمت غنی بطلب چیزی که در دست اوست پس باز ماند تن او
از خدمت خدای تعالی پس زبان و تن که دو حصهٔ نفس اوست برود سیم
حصه و آن دلست بمحبت باری تعالی پس زبان مشغول شود پس معنی
حدیث آنست که برود دو حصه از تن او و آن زبان و تن است و سایر اعضا
از طاعت خدای تعالی و باقی ماند سیم حصه که او آن دلست مشغول
بطاعت و محبت خود و الا نرود جملهٔ تن او از طاعت خدای تعالی از خلا
صة الحقایق امیر المومنین علی رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود که چهار خصلت در هرکه باشد او از متواضعان بود یکی آنکه با
خادم خود طعام خورد دوم گوسفند خود ببندد و بدوشد و بر دراز گوش سوار

شود ومتاع خود را بباد ندهد و مظفر دریا کفت من و خضر علیه السلام
در جزیرهٔ جنون بودیم صوفی پیش آمد من برای او برخاستم
و خضر علیه السلام هم نیز برخاست کفتم یا خضر او ترا می بیند برای که
می خیزی کفت خدای تعالی می بیند آخر و کفت از لقمان حکیم شنودم هر که بندهٔ
خود را برای خدای حرمت دارد خدای تعالی بفرماید ملائکهٔ آسمان و زمین
را تا در موافقت بنده برخیزند از صلوة مسعودی باید که بر این پنج
خصلت عمل کند تا با دولت و ایمان از دنیا بیرون رود و آن اینست
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود فاضلترین اعمال شما نزد خدای تعالی
آنست که تواضع کنید در وقت دولت و عفو کنید در وقت قدرت
و سخاوت کنید از چیزی اندک و عطا دهید بی منت و چون در میان
دو کس عداوتی بود در آن میان نصیحت کنید و صلح افکنید چون
بمنصب رسید محسن شوید و وعده اینست قوله تعالی ان رحمة الله
قریب من المحسنین فصل چهاردهم در حرص از خلاصة الحقایق
کفته اند که حرص ضد قناعت است و در خبر است که مردی بود
در بنی اسرائیل بنفس تن درست بود و هیچ زحمتی بوی نرسیدی و مال

و مال بسیار داشت و فرزندانش بسیار بودند و او دایم از بسیاری حرص در زیا
دتی مال کوشیدی روزی آن مرد کفت یارب چند عاصی شوم ترا و مرا
عقوبت نمیکنی بس وحی کرد خدای تعالی به پیغامبران آن زمانه که بکوی مر او را
که چند عقوبت کنم ترا غیرت نیست صحت نفس تو از عقوبت است و اکر نه
محنتی بودی مکفر کناهان تو شدی و از عقوبت است که مال بسیار جمع کرده
و در زیادتی آن می کوشی و کم نکردم از حرص تو چیزی و ترا مهلت دادم
بس بکیرم باستدراج و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بیاید زمانهٔ که حریص
تر بر دنیا پیران باشند و پیغامبر علیه السلام فرمود که شر سه چیز است فخر و
حسد و حرص فخر ابلیس کرد که آدم را سجده نکرد و حرص آدم کرد
بخوردن کندم و حسد پسران آدم کردند و برادر خود را کشتند
و رغبت در محبت دنیا و زنان و بار سه چیز است سیری و خواب و راحت
و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود پیر شود فرزند آدم و جوان شود در دو
چیز یکی حرص مال دوم زیادتی از تفسیر منیر نوح علیه السلام در درون کشتی
پیری را دید پای راست بر زانوی چپ نهاده کفت تو کیستی کفت من ابلیس
کفت که آورد ترا اینجا ای ملعون کفت آن عمری که خدای تعالی مرا داده است

تا روز قیامت بس کفت علیه که یا نوح بر من منتی و بزرکی داری که چندین هزار
قوم بدعای تو غرق شده اند و با من در دوزخ شریک باشند و مکافات این
ترا نصیحت کنم یا نوح از حرص دور باشی که آدم را از بهشت حرص بیرون
افکند و از حسد دور باش که حسد مرا دوزخی کرد اکر این نصیحت
مرا نکاه داری بدرستی که ازین جهان و از آن جهان رستی از تنبیه ابو اللیث
ابلیس علیه اللعنه پیش سلیمان علیه السلام آمد بصورت پیری سلیمان علیه السلام
او را بشناخت خبر کن مرا با امت عیسی چه کنی ابلیس علیه اللعنه کفت چنانم
ایشانرا که دون خدای عز و جل تا خدایی کیرند بس کفت چه کنی با امت محمد کفت
ای سلیمان ایشانرا بدرم و دینار بخوانم و بر دل ایشان شیرین تر کردانم
از کفتار لا اله الا الله محمد رسول الله سلیمان علیه السلام آن شب او را
باز داشت در جایی چون [illegible] روز دیکر شد رفته بود از خلاصة الحقایق
معتم بن سلیمان که عمارت خانهٔ ما خراب شده بود بدر من خیمه زد و در
خیمه می نشستیم و خانه را راست نمیکرد او را کفتند عمارت چرا نمیکنی کفت
عمر بدان وفا نخواهد کرد که عمارت کنم سی عمر کذرانید و وفات یافت
و آن خانه چنان مانده بود فصل پانزدهم در حسد از خلاصة الحقایق کفته اند

اند اهل حکمت که حسد چیست طلب زوال نعمت کردن از صاحب نعمت بخلا
ف ارادت منعم یعنی حق تعالی کیرا بخواست خود نعمتی میدهد و خواست حق
از آن نعمت انیست آن نعمت بروی باشد و حاسد میخواهد که آن نعمت حق تعالی
وی را ندهد و بروی نباشد و از وی برود و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که بر شما است در تمام کردن کارها و بر آوردن حاجتهای پنهانی بدرستی که هر نعمتی
را حاسدی است و پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود دشمنان نعمت خدا آنکسانند
که حسودی کنند مردمانرا از فضل خدای و پیغامبر علیه السلام فرمود در آخر الز
مان قومی باشند که در آشکارا دوستان و برادران باشند در پنهان عدا
وت ورزند و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود غل حسد بخوارند نیکیها را چنا
نکه بخوارد آتش هیزم و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که مؤمن غبطت کند
و منافق حسد کند از فواید الفواد آورده اند که پیغامبر صلی الله علیه وسلم دعا کرده
است اللهم اجعلنی محسودا و لا تجعلنی حاسدا آنگاه فرمود که حسد حرام
است و غبطت حرام است و ابن عباس رضی الله عنهما کفت که ختم کرد خدای تعالی
سورهٔ معوذه را بشر حاسد اکر در دنیا شری بالا تر از حسد بودی بدان
بجای ختم کردی و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که کبر دردیست و شناختن نفس

داروی اوست و حرص دردیست که داروی قسمت است و حسد دردیست
داروی وی شناختن قضا است از تفسیر منیر حسد بر دو گونه است ستوده
و ناستوده ستوده آنکه کسی را بطاعت بیند حسد برد و خواهد که او نیز
همچنان کند چنانکه رسول صلی الله علیه وسلم فرمود لا حسد الا فی اثنین
حسد نباید کرد مگر در دو تن و یکی و یکی آن کسی که قرآن داند و یاد
دارد و دیگر آن کسی که مال دارد بتوفیق خدای تعالی بخشش و صدقه میکند
و ناستوده آنکه ایزد تعالی کسی را نیکوئی داده باشد از دنیا او نتواند دیدن
میجوشد و میخورشد و نمی تواند دیدن و غمگین میباشد چنانکه جهودان
بر پیغامبر ما حسودی می بردند و حکیمی گفته است که افعالی که در مردم غیب
است کذب است و غضب و حسد و حرص و کبر و بخل و خیانت بزرگتر
از اینها حسد است زیرا که حسد فعل دل است غیر جوارح باب نهم
در حیا از خلاصة الحقایق گفته اند که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که حیا از ایمان
است و ایمان از بهشت و در خبر است که خدای تعالی گفت انصاف نگاه
نداشت بندهٔ من با من و میخواهد چیزی از من و من شرم میدارم که رد
کنم سؤال او را و او مرا عاصی می شود و نافرمانی من میکند و از من شرم

نمی شرم دارد و رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر دینی را خلقی است و
خلق دین من شرم است و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود اول چیزی که برداشته
شود از امت من شرم است و امانت و روایت کرده اند که در زبور خدای تعالی
فرموده است که بندگان من شرم نمی دارند از من و مرا اجابت نمیکنند و من
عیبهای ایشان را می پوشم و در خبر است که وحی کرد خدای تعالی بداود علیه السلام
که بگو بندگان مرا که روی مگردانید از من بسبب هواهای نفس بدرستی که
مرا مثل شما بندگان بسیارند و نیست مر شما را مثل من یکی بجز من و رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود که بی حیا نباشد کسی مگر فرزندی که از حیض و از زنا
زاده باشد و رسول صلی الله علیه وآله فرمود اگر خدای تعالی ستر نکند زن بی حیا پس
نباشد زن را قیمت مگر یک مشت وهب بن منبه رضه گفت چون در کسی
دو چیز باشد دلیل کند بعقل او و بصلاح دین او یکی حیا و دوم ترس و گفته
هر که نظر کند سوی عورت برادر مسلمان عمدا قبول نشود چهل روز نماز او
و زید بن حسین گفت بدرستی که من شرم میدارم از مردگان همچنانکه
شرم میدارم از زندگان کعب الاخبار رضی الله عنه گفت که دو مرد از بنی اسرائیل
می رفتند بسوی مسجد چون پیش در مسجد رسیدند یک مرد درون مسجد رفت

و یک مرد بر در مسجد بنشست و اضطراب و زاری کردن گرفت و در حال
خاک می افتاد از شرم و میگفت درون بیت الله چگونه روم که من از گناه
کارانم و چند بار بجای عاصی شدم و چند بار بی فرمانی خدای کردم این بگفت
بیهوش شد و هم در آن جای جان بداد او را دفن کردند خدای تعالی وحی کرد
بر پیغامبر آن زمانه که نبشته ام این مرد را که از جملهٔ صدیقان بدین شرمی
و حرمتی داشت و بگناه خود معترف شد از صلوة مسعودی براه گذر
نشاید بول کردن که آن علامت فرزندی نکاح است از رسول صلی الله علیه
و در خبر است که
وسلم ایمان و شرم گویی بهم بیکجا بسته اند چون یکی رفت از پی آن دیگر بر
ود نعوذ بالله منها ایضا از سلمان فارسی که چون خدای تعالی بنده را هلاک
کند نخست چیزی از وی که شرم می ستاند چون بی شرم شد خشمگین شد کینه
دار شود پس امانت از وی برود و رحم و شفقت از وی برود درشت گوی
گردد و سخت دل شود چون چنین شد پیراهن مسلمانی از گردنش
برکشند آنگاه دیو گردد بلعنت نعوذ بالله منها و علامت نیکبختی
در پنج چیز است یکی دل تنگ دوم چشم گریان سیم طبع زاهد و ناجوینده
دنیا چهارم کوتاه آرزو پنجم شرم بسیار و علامت بدبختی بر پنج چیز است

است یکی دل سخت بی رحم و چشم ناگرینده و طمع دنیا جوینده و آرزوی دراز و
شرم اندک و فرزندان خود را با ایشان بیامیزد یاران گفتند فرزندان
خود را از فرزندان دیو چون شناسند پیغامبر علیه السلام گفت بکم وحی و بی شرمی
از کفایهٔ شعبی در خبر است که موسی علیه السلام مناجات کرد گفت یا رب بیان
کن ما را چه نیکوتر است پس وحی آمد سوی موسی او که بهتر آن بود که ترا
پیش از بلوغ می میرانیدم پس موسی گفت یا رب چون پیش از بلوغ مرا
مرگ ندادی پس بیان کن که مرا نیکوتر چیست پس فرمان شد از حضرت
عزت که یا موسی اکنون نیکوتر آنست مر ترا که برسانم به پیری و من که خدایم شرم
دارم که بفرمایم ببردن این پیر را بدوزخ از تنبیه ابو اللیث فقیه رحمه الله
علیه گوید که شرم بر دو وجهست اول شرم آنست که میان تست و میان
مردمان و دیگر شرم میان تست و میان خدای تعالی اما آن شرم که
میان تو و ایزد تعالی آنست که نعمتهای ایزد را شکر کنی و شرم داری که تو
عاصی شوی و اما شرم که میان تو و مردمان است آنکه خشم را فرو بری
و چشم را خوابانیده داری و روایت کرده اند از امیر المؤمنین عمر رضی الله
عنه گفت روزی پیش رسول صلی الله علیه وآله آمدم رسول علیه السلام را گریان

دیدم گفتم یا رسول الله گریه چراست گفت جبرائیل علیه السلام مرا خبر کرد
ایزد تعالی شرم دارد از بنده که در اسلام موی سفید کرده باشد که او را عذاب
کردن فرماید و چرا آن پیر شرم ندارد که در خدای تعالی عاصی شود و
وزید بن ثابت رضی الله عنه گفت که کسی شرم ندارد و از مردم شرم ندارد
از تعالی خدای

باب دهم

در صدق و کذب و غیبت و حفظ زبان
و معصیت و ریا مشتمل بر شش فصل اول در صدق از خلاصة الحقا
یق ابن عباس رضی الله عنهما گفت که پرسیدم از رسول صلی الله علیه وسلم
کمال یست مرد چیست گفت سخن حق گفتن و عمل کردن بصدق و در
خبر است که وحی کرد خدای تعالی بداود علیه السلام هر که با من در نهان راست
باشد راست باشم با او نزدیک خلق باشکارا و عیسی علیه السلام
گفت هر که دوست دارد که بداند عمل او یکی دیگر بس او صادق نبا
شد در عمل خود و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که را شادی بود در آن
که دوست دارد و برا خدای و رسول او پس راست گوی باشد در آنچه
گوید و امانتها بگذارد و با همسایه نیکو زندگانی کند و مرویست که
رسول صلی الله علیه وسلم این دعا بگفتی اللهم اجعل سری خیرا من علانیتی

علانیتی صالحة و گفته اند از علامت صدق یکی آنست که نهان و آشکارا
برابر باشد و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که سخن صدق گفتن
صدقه است و خواجه جنید رحمة الله علیه گفت که حقیقت صدق آنست
که صدق بگوید در موضعی که نجات نیابد از آن موضع مگر بگفتن کذب
و احمد خضر رحمة الله علیه گفت هر که دوست دارد که خدای تعالی یاد کرده است
که ان الله مع با او باشد در کل احوال پس او لازم گیرد صدق را زیرا
که خدای تعالی یاد کرده است که ان الله مع الصادقین و ذوالنون مصری
گفت براستی که صدق تیغ خداست عز و جل نهاده نشود بر چیزی مگر
که ان ببرد از خبر المجالس ملک المشایخ نصر الحق والدین رحمه الله علیه
فرمود که در وقت خرید و فروخت می باید که دروغ بر زبان نرود مثلا
کالای می فروشد و آن کالا به پنج درم خریده است و مشتری خواه
هد که آنرا بخرد بایع میگوید که بشش درم خریدم مشتری هفت درم
میدهد و میخرد در آن بیع هیچ برکتی نباشد بلکه زیان باشد و
مال او تلف شود فاما اگر پنج درم خریده است و همان پنج درم
میگوید مشتری دانگی میدهد درین یکی دانگ او را برکتها آید و مال او

بغزا میرود و بدانند که از کجا آمده است درین معنی حکایت فرموده اند که در تحفة
الاسلام نبشته دیدم بزرگی بوده است او را محمد منکدر گفتندی و او بزاز بود
در بزازی نشستی و زمستان لباچه ها داوزانیدی و فروختی و چون از د
کان جای رفتی غلام را براه کردی که این جنس لباچه بدو دینار فروشی و کم
پیش نفروشی روزی اعرابی بیامد از آن غلام پرسید که یک لباچه بچند است
گفت سه دینار خواجه گفته بود که بدو دینار او گفت بسه دینار سه دینار بداد
بخرید و بپوشید در راه میرفت محمد منکدر پیش آمد لباچه دکان خود را بشناخت
از اعرابی پرسید بچند خریدی لباچه را گفت بسه دینار گفت این جنس لباچه
بدو دینار بیش نمی ارزد بیک دینار زیاده خریدی و هیچ اضافه نکرده
که از دکان منست اعرابیان نازک مزاج باشند تندش گفت ای خواجه
این لباچه در ولایت ما بده و انزده دینار می خرند مرا از بیع می بدی تا باز
بخصم دهم و تو بجزی خواجه محمد چون دید که او مزاج کرم کرد ولی ذوق
شد گفت این لباچه از دکان منست غلام را گفته بودم که این لباچه
را بدو دینار فروشی او بسه دینار فروخته است بیا تا یک دینار بتو دهم
و یا خود بهاء این لباچه دهم اعرابی چون دید که مردی صادق می نماید با او

با او برفت خواجه محمد منکدر یک دینار به او داد اعرابی چون باز گشت از
مردم پرسید که این مرد کیست که با دیانت می نماید گفتند او را خواجه محمد
منکدر میگویند گفت ما در چندین جایها نام او را شنیده می آوردیم و فتح می
یافتیم و ما می پنداشتیم که مرد صاحب خانقاه است ما نمی دانستیم که او
اینچنین مردی مستور است مقصود ازین حکایت صدق او بود از
خلاصة الحقایق آورده اند که حاتم رحمة الله اصحاب خود را گفت که بگویید
بمن مرد را که صالحترین مردمان شما باشد یاران گفتند که فلان مرد چندین
غزاها کرده است گفت آن مرد غازیست گفتند فلان مردی هست روزه
میدارد و شبها قیام میکند گفت آن مرد عابد است گفتند فلان مرد هر روز
از مال خود چندین دینار بیرون می آرد نفقه میکند گفت آن مرد سخی است
یاران گفتند یا ابو عبد الرحمن ما نمی دانیم تو کدام را میطلبی گفت من میخواهم از
شما مردی صالح که در وی سه خصال باشد اول آنکه نترسد از کسی در آسمان
و زمین مگر از خدای عز و جل سیم چون ظاهر شود و نهان او از کسی از کسی شرم
نباشد ایضا محمد علی ترمیذی رحمة الله علیه گفت مخصوص کردانید خدای
تعالی انسان را از جمیع حیوان پس مخصوص کردانید مومنان را از انسان پس

مخصوص گردانید مردانرا از مومنان و در کلام مجید فرمود که رجال
صدقوا ما عاهدوا الله علیه یعنی مردمانی که بوفا رسانیدند آنچه عهد کردند
با خدای تعالی پس حقیقت مردی صدق است پس هرکه در نیاید در پیلان صدق
بدرستی آن مرد بیرون آمده باشد از حد مردانگی **فصل دوم** درم در کذب
از خلاصة الحقایق در حدیث است که سوگند دروغ رواج میدهد کالا را او
تاجر میکند برکت را و بروایتی محو میکند برکت را از کسب و رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود که پناه جویید بخدای تعالی و باز داشت خواهید از
سه چیز از کفر و دروغ و از وام و ازین هر سه چیز پیغامبر صلی الله علیه وسلم
پناه کرده است که اللهم انی اعوذ بك من الکفر والکذب والدین و رسول
علیه السلام فرمود که انگاه کامل شود مرد را ایمان که تا دوست دارد
برادر مسلمان آنچ دوست میدارد نفس خود را و مرویست از ابن مسعود
رضی الله عنه که پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود سه خصلت در هرکه باشد و منا
فق است هرگاه یکی ازین خصلت بود پس در وی خصلتی از نفاق باشد
تا انرا نگذارد و آن سه خصلت اینست چون سخن گوید دروغ گوید
و اگر وعده کند خلاف کند و اگر امین کرده شود خیانت کند و رسول

و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بر شما باد که دروغ نگویید بدرستی که دور کنند
ه است مر ایمانرا و مرویست که مردی بیامد بر رسول علیه السلام و گفت
که من مبتلا کرده شدم بسه گناه و صبر نیست مرا از ان یکی از زنا و دروغ
گفتن و شرب خمر پس رسول صلی الله علیه وسلم اورا گفت که دروغ گفتن بگذار از
جهت رضای من آن مرد قبول کرد بعد ازان اورا زنا پیش آمد آن مرد
با نفس خود گفت اگر این کار بکنم رسول صلی الله علیه وسلم از من پرسد که تو
زنا کردۀ اگر بگویم بلی مرا حد زنند و اگر گویم نی دروغ گفته باشم و عهد شکسته
باشم پس زنا را ترک کرد و از خمر نیز توبه کرد و رسول صلی الله علیه وسلم فر
مود که از همه افتراها سه افترا بزرگترست و معنی افترا دروغ بر بافتن است
یکی مرد آنکه بر هر دو چشم خود افترا کند بر مادر و پدر خود و دوم از پدر
حقیقی خود ننگ دارد و غیر او را پدر گوید و سیم آنکه بگوید من شنیدم
از رسول خدای و نه شنیده باشد و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بعث
کرده شود که کسی که گواهی بدروغ داده باشد روز قیامت زبان او دراز
شده و آویزان باشد در آتش و جعفر صادق رضی الله عنه میگوید که د
روغ مذمومست مگر در دو کار یکی بجهت دفع ظلم و دوم بجهت اصلاح

میان دو کس و بعضی گفته که کذب مذمومست مگر در حرب و صلح و رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که نرود در بهشت نمام یعنی سخن چین و حکیمی گفته
است که پنج چیز با پنج چیز جمع نشود غضب با عقل و شرم با حاجت و
طاعت با غیبت و سیادت با حسد و کرم با دروغ از کفایۀ شعبی مرویست
که امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه گفت من روزی سوگند به پدر خود خوردم پس
از عقب آوازی شنیدم که سوگند به پدر مخورید و هرکه از شما سوگند خواهد خورد
بخدای بخورد و یا خود ساکت باشد پس کردم و رسول صلی الله علیه وسلم بعد ازان
سوگند نمیخوردم و عبد الله بن عطود گفت رضی الله عنه که اگر کسی سوگند
خدای بدروغ خورد دوستر است بنزدیک من ازانک سوگند راست بغیر
خدای عز وجل و عبد الله بن مسعود رضی الله عنه گفت شرک آوردن بخدای
سه است یکی آنک غیر خدا را عبادت کند دوم آنک بغیر از خدا سوگند خورد
سیم آنک بغیر نام خدای ذبح کند این سه چیزها شرک گویند و در شرعه آورده است
هرکه خواهد که سوگند بصدق بخورد پس سوگند بخدای خورد یا خاموش
باشد و اگر سوگند خورد بغیر خدای این شرک خفی باشد و اگر نه سوگند خورد
به پدر و نه بخیانات و نه بکعبه و نه بیزاری از اسلام و هرکه چنین قسم خورد بصدق باز گشت

گشت او سوی اسلام او سلامت نباشد و هرکه بدروغ خورد اورا خوف کفر باشد و ر
سول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه سوگند بدروغ خورد در آرد خدای تعالی اورا در آتش
از تفسیر منبلی رسول علیه السلام فرمود هرکه سوگند راست خورد تنگ کرده شود عیش
او و هرکه سوگند بدروغ خورد تنگ کرده شود گور او و در فتاوی صغیری آورده
است که روا باشد دروغ در سه موضع یکی بجهت اصلاح دو کس و دوم در حرب
و سیم با زن خصومت کننده و وحشت و فاحشه و بستان ابو اللیث مثل
این آورده است که پیغامبر صلی الله علیه وسلم رخصت کرده است دروغ درین
سه موضع از کفایۀ شعبی در خبر است هرکه دروغ کند بدرستی که منزل شود بروی هفتاد
هزار لعنت از وصایای رسول صلی الله علیه وسلم فرموده یا علی هرکه دروغ بسیار گوید
ببرد خدای تعالی روشنای دل او و نور روی او **فصل سیم** در غیبت
از خلاصة الحقایق در روایتست که موسی علیه السلام گفت هرکه بمیرد تایب از
غیبت پس او آخرین کسی باشد که در آید به بهشت و هرکه بمیرد مصر بغیبت پس او اول
کسی باشد که در آید بدوزخ و مرویست که عایشه رضی الله عنها عورتی را گفت
که او کوتاه بالا بود پس رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که غیبت کردی آن زن را و ر
سول صلی الله علیه وسلم فرمود که در شب معراج گذشتم بقومی که می خراشیدند

روی‌های خود را بناخن‌ها بس برسیدم جبرائیل علیه السلام را که ایشان کیانند گفت
آنکسانی اند که غیبت کرده اند مردمان را و در خبر است که وحی کرد خدای تعالی سوی
موسی بن عمران صلوات الله علیه که پاک دار زبان خود را و دل خود را از غیبت پس گفت
یارب چگونه پاک دارم دل خود را فرمان آمد که چون بشنوی در مکانی غیبت بدل
راضی مشو و دور شو از آن مکان و عایشه رضی الله عنها گفت من نزد رسول صلی
الله علیه و آله وسلم نشسته بودم زنی بگذشت من گفتم چه دراز است دامن این زن رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود غیبت کردی خوی از دهان بیرون انداز چون از دهان
بیرون انداختم دیدم پاره گوشت بود و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که غیبت
سخت تر از زنا ست زیرا که زانی اگر توبه کند حق تعالی توبه او را قبول کند و او را
بیامرزد اما کسی که غیبت میکند آمرزیده نمی شود تا کسی را که غیبت ناقض
وضو و نماز است و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که از پس مسلمانی غیبت
کند او را خدای تعالی در پل صراط بدارد تا مادام که بیرون آید از قصاص آن
چیز که گفته است و در خبر است که اگر کسی غیبت کند مر کسی را و مسلمانی آن
مرد را منع کند و صفت آن مرد نیکو گوید نصرت دهد باری تعالی او را در
دنیا و آخرت و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که غیبت کند برادر مسلمانی را

نشستم

را در پیش او آرند روز قیامت گوشت مردار و بگویند بخور این گوشت مرده را
چنانکه خوردی تو او را زنده پس بخورد آن را و روی ترش و فریاد کرده و آورده
اند که ابراهیم ادهم را رحمه الله در مجلسی بجهت طعام خوانده بود حاضر شدند چون
در آن مجلس حاضر شد و بنشست یکی از حاضران مجلس گفت فلان مرد را طلب
کردند نیامد مردی از مجلس گفت که آن مرد جسیم است و از گرانی نمی تواند
آمدن که قدم تعجیل برگیرد ابراهیم ادهم از آن میان جمع بیرون آمد و گفت
نشوم حاضر در طعامی که غیبت کنند در آن مسلمانرا و سه روز طعام نخورد و فقیه
ابو اللیث رحمه الله علیه گفته است که غیبت بر چهار وجه است یکی وجه کفر است و یکی
وجه معصیت است و یکی وجه نفاق و یکی وجه مباح فاما آنکه کفر است چون یکی
غیبت کند مسلمانی را و مر او را گویند که غیبت مکن پس او گوید که این غیبت نیست
و من صادقم برین پس بدرستی که او حلال دانست آنچه خدای تعالی حرام کرده است
او درین سخن کافر شود و اما آنکه معصیت آنست که نام آنکس میگوید و برا
غیبت میکند و می داند که این که میگوید منکر است معصیت عاصی باشد
و اما آنکه نفاق است غیبت میگوید مسلمانی را و نام وی میگوید نزدیک آنکس
که نام وی می داند وی منافق است و اما آنکه مباح است او غیبت میکند فاسقی را

و با صاحب دعوی که درین ما جور است و بزه کار نیست و رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود اذکروا الفاجر بما فیه یعنی یاد کنید بدکار را با آنچه در وی است و در احیا
آورده است که حد غیبت آنست که کراهیت کند یعنی که غیبت کند او را چیزی که اگر آن چیز
بوی رسد از آن کراهیت کند یعنی او را خوش نیاید و برابر است چون ذکر کنی
نقصان تن او یا دنیای او یا جامه او و یا در خانه او و یا در دابه او و در تفسیر
درر آورده است که پرسیدند رسول صلی الله علیه وسلم از غیبت پس گفت اگر ذکر
مسلمانی کنی بچیزی که در وی باشد و وی پس پنهان کرده باشی او را و در خبر است که
چون روز قیامت شود کسی که غیبت کرده است او را بایستانند پیش حضرت
عزت و داده شود او را نامه او و در نامه خود هیچ چیز نه بیند بگوید این نامه
من نیست من چندین طاعتها کرده ام درین چیزی نمی بینم پس گویند او را
عمل تو رفت بغیبتی که کردی مردمان را و دیگری را پیش آرند و نامه با او
دهند در نامه طاعتها بیند که هرگز نکرده است بگوید این نامه من نیست
که من این نکرده ام او را گویند فلان کس ترا غیبت کرده است پس داده
شد حسنات او بتو و آورده که خواجه بصری را رحمه الله علیه گفت کسی که فلان
کس ترا غیبت کرده است حسن بصری طبقی از خرما برای او فرستاد و گفت

و گفت که معذور دار که او همه طاعتها برای من فرستاده مرا مقدور آن قدر نیست
که تمام را مکافات کنم از کنز العباد بدانکه چنانچه غیبت بگفتن است هم بفعل است
و بحرکت و باشارت و بکنایت زیرا که عایشه رضی الله عنها بدست اشارت کرد
بزنی که قد کوتاه دارد رسول صلی الله علیه وسلم فرمود غیبت کردی و در تفسیر زاد
هدی آورده است هر که فاسق باشد آنچه در وی گویی باک نیست و رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود که هر که چادر حیا از روی خود دور کند در حق او غیبت نیست
و اگر فاسق فسق مخفی دارد مستور کس او غیبت نباشد و اگر آن غیبت از وی
یاد کنند بوجه تعریف باکی نبود و همچنین اگر گوید کسی را که فلان قصیر است یا
طویل احول یا مبروص این غیبت باشد و اگر برای تعریف گوید غیبت نباشد
چنانکه در راویان اخبار آمده است که از حمید طویل و از فلان اعرج و از فلان
اعمش و از فلان اصم و اگر بر سرزنش گفته باشد غیبت کرده باشد و اثم شود و این
در حق آدمیانست اما در حق بهائم غیبت نیست باتفاق و در سراج آورده
است هر که غیبت کند اهل شهری را و قریه را غیبت نباشد تا مسمی نکند قومی
معروف و معین را اگر مردی بدی برادر مسلمان میگوید اگر از اهتمام میگوید
از تیمار داشت لا باس است این غیبت نیست و اگر مراد او دشنام است و نقصان

مبسوط

غیبت باشد و در احیا آورده است که واجبست بر مغتاب که توبه کند و پشیمان
شود و تأسف کند بر فعل خود تا از حق الله بیرون آید پس حلالی خواهد از آنکس
که ویرا غیبت کرده باشد محزون و متأسف و در کفارت غیبت رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود که کسی را که غیبت کرده است آمرزش خواهد و بعضی گفته اند
که برود بر آنکس و گوید من دروغ گفته ام و ظلم کرده ام پس اگر بگیری بحق خود
تو دانی و اگر عفو کنی هم تو دانی و اگر باشد یا مرده باشد شاید که آمرزش خواهد
او را و دعا کند از فواید الفواد سخنی در توبه افتاد فرمود که توبه بر سه قسم است
حال و ماضی و مستقبل حال آنست که پشیمان شود و ندامت آرد از معصیتی
که کرده است و ماضی آنست که خصمان را خشنود کند و اگر از یکی ده درم
غصب کرده است و میگوید توبه کردم این توبه نباشد توبه آنست که برود
و ده درم او باز دهد و او را خشنود کند آنگاه توبه او توبه باشد و اگر آنکس
مرده باشد که تو او را بد گفته در مردن او نیکوئی باید گفتن و به نیکی یاد کردن
و اگر کسی را کشته باشد و از و وارثی مانده باشد برده آزاد باید کردن چرا که
مرده را زنده نتوان کردن برده آزاد کند این آن کس که برده آزاد میکند
گویی که مرده را زنده میکند و اگر کسی بر منکوحهٔ غیری یا بر مملوکی زنا کرده باشد

ویراج

باشد بخدای عز و جل گریزد این معنی فرموده اگر شراب خر تایب شود چنانکه گفته
اند که شربتهای لطیف بخلق خدا دهد و آبهای خنک مقصود ازین معانی آن
بود که در حالت انابت معذرت هم از آن نسبت آمده است صفت دوم توبه
از قسم ماضی این بود که در قلم آمد و قسم سیم توبه که صفت مستقبل دارد اینست
که نیت کند که بدان معصیت باز نگردد فصل چهارم در بیان نگاه داشتن ز
بان نقل از خلاصة الحقایق سفیان بن عبدالله ثقفی گفت که من سوال کردم
از رسول صلی الله علیه وسلم که چیست از آنچه بسیار خوف باشد بر من رسول علیه السلام
اشارت بزبان کرد گفت اینست و مرویست از رسول صلی الله علیه وسلم فر
موده است که بیشتر خطاهای فرزند آدم در زبان است و رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود که چون بامداد کند فرزند آدم پس جمله اعضای او زبان را میگویند
بپرهیزکاری کن بخدای تعالی و خود را نگاه دار بدرستی که در سلامتی ماست و در
مضرت تو مضرت ماست و در خبر است هر که نگاه دارد زبان خود را از نکوهیدن
مردمان البته خدای تعالی بیامرزد گناهان او را روز قیامت و مرویست که
اعرابی بیامد بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم و گفت یا رسول الله مرا رهنمونی کن
بعملی که بدان عمل من به بهشت روم رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که طعام ده گرسنه را

تو سلامتی ع

و آب ده تشنه را و امر معروف و نهی منکر بجای آر و اگر این همه نتوانی همه زبان را نگاه دار
سخن مگوی مگر بخیر و مرویست که پرسیده شد رسول را صلی الله علیه وسلم که نجات
در چیست رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که مالک زبان خود باشی و خانهٔ خود را لازم
گیری یعنی قناعت کنی و بطمع بر درهای مخلوق نروی و بگریی بر گناه خود و در خبر
است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که خدای تعالی نزدیک زبان هر گوینده است پس
پرهیزکاری کن بخدای و بدان انسان از زبان چه گفت و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود گفت
که ویل مر آنرا است که سخنی گوید دروغ تا مردمان از آن بخندند و آورده اند که ابو بکر
صدیق رضی الله عنه سنگ ریزه در دهان مبارک خود کرده بود و سالها برین گذ
شت و آنرا بیرون نمی آورد مگر بوقت طعام خوردن و نماز گزاردن خوف آنکه
سخنی گفته نشود و آورده اند که خضر علیه السلام گفت موسی را علیه السلام که سخن بسیار
گفتن پیدا کند عیب عاقل را و بدی جاهل را و آورده اند که قیس بن ساعد
و اکثم بن صیفی جمع شدند پس گفت آن یکی مر دوم را که چند یافته تو از عیبها در بنی
آدم دوم گفت عیبهای مردم بنی آدم بی شمار است و لیکن آنچه من شمرده ام هشت
هزار شده است و یافته ام در بنی آدم خصلتی را که اگر آنرا در کار بندد جملهٔ عیبهای
او پوشیده شود پرسید که آن کدامست گفت نگاه داشتن زبان از فواید الفواد

الفواد اگر کسی یکی را بعیبی طعن میکند اول به بیند که این عیب در منش هست یا نه
اگر آن عیب درو باشد او را شرم نباید بعیبی که خود مبتلاست دیگری را بآن طعن
کند و اگر آن عیب درو نباشد شکرانه آنکه خدای تعالی او را از آن عیب نگاه دا
شته است دیگری را بدان عیب طعن نشاید کردن و در شرعه آورده است
که بد مگویید زمانه را و روزگار را که اگر کسی را بلایی یا مکروهی رسد بدرستی که
گرداننده احوال و رساننده بلا حق تعالی است از تفسیر منیر در خبر است
هر که زبان خود را از بد گفتن مسلمان باز دارد روز قیامت خدای تعالی خطای او در
گذارند ایضاً ضحاک رضی الله عنه گفت که آدم چون این امانت بپذیرفت خدای تعالی
گفت یا آدم ترا بدو چیز وصیت کنم اگر نگاه داری از عهدهٔ این امانت که پذیرفتی رسته
گردی یکی آنست که در سر تو چشم نهادم و بینایی و شنوایی و گویایی نهادم اما زبان را نگاه
دار از گفتن چیزهای بد دوست ندارم و اما چشم را دو طبق نهادم چون حرامی پیش آید
تو آنرا طبق بر طبق نه و در حرام منگر که چشم نه بیند و دل نخواهد و گوش را نگاه دا
ر از شنیدن چیزهایی که من دوست ندارم اما زبان را از دندانها و از دو لب پرده ساختم
نگاه دار زبان را و بجز حق مگشای و اما در اندام تو فرجی نهادم و بروی جامه پوشانیدم
تا برهنه نکنی بجز حلال از کفایة الشعبی در خبر است که چون برادران یوسف علیه السلام گریه

کنعان نزد پدر آمدند و آن گرگ را گرفته آوردند و دهان او را بخون آلوده کردند و گفتند که یوسف را این گرگ خورده است پس برادر بزرگ گرگ را گفت که چرا خوردی یوسف را یک بار و دو بار گفت گرگ ساکت بود و هیچ جواب نمی داد پس یعقوب گفت چرا جواب نمی گویی گرگ گفت ایشان عاصیانند و من با عاصیان سخن نگویم پس یعقوب گفت چرا فرزند مرا خوردی و نور دیدهٔ مرا گرگ گفت من فرزند ترا نخورده ام یعقوب گفت پس کجاست او و چیست حال او گرگ گفت او فرزند تو است و خدای تعالی بر ما حرام کرده است گوشت و پوست پیغامبران و پیغامبران بچگان و لیکن من خبر نکنم از قصهٔ او و نخواهم که فضیحت شوند انسانی از زبان من و آورده اند که مردی بود طالب علم تحصیل علم کردی و لیکن از فحش و منکر باز نبودی در خواب دید که دو فرشته بر او آمدند بر دست هر یکی طشتی و در آن طشت در یک جانب مشک نهاده و در یک جانب سرگین پس یک فرشته مر دوم را گفت که برابر است این مشک با این سرگین آن دیگر گفت همچنین است که تو می گویی پس آن مرد دریافت که قبیح کدام است با خود گفت که قبیح آنست که علم میخوانید و معاصی میکنید پس از آن کردار برگشت و یکی از زاهدان شد و در خبر است که هر که دشنام گوید مرده را بدرستی همچنان باشد که صد هزار و بیست چهار هزار انبیا علیهم السلام

را دشنام داده است و از صلوة مسعودی که علامت اسلام ابو مؤمن چیست رسول صلی الله علیه وسلم فرموده است که مسلمان آن که مسلمانان دیگر از دست و زبان او ایمن بود و علامت محسن چیست رسول صلی الله علیه وسلم فرموده است یا علی محسن را سه نشانست پیشی دستی کند در طاعتهای خدای تعالی و پرهیز دارد بحرامهای خدای عز و جل و نیکویی کند در حق کسی که او بدی کرده باشد هر که این پنج خصلت را بجای آرد مسلمان بود از وصایای رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که یا علی نیافریده است خدای تعالی در آدمی بهتر از زبان که بدان در بهشت میرود و بدان بدوزخ میرود پس پند کن او را بدرستی که سگ گزنده است و عیسی پیغامبر علیه السلام گفت هر سخنی که نه یاد کرد خداست همه لغو است و هر اندیشه که نه از آخرت است همه غیبت است و هر نگریستنی نه بعبرتست آن بازیست خنک آنکسی که همه سخن وی یاد ایزد تعالی بود و خاموشی وی همه در تفکر آخرت بود و نگریستن وی بعبرت بود و اوزاعی رحمة الله علیه گفت مؤمن کم سخن و بسیار عمل باشد و منافق بسیار سخن کم عمل باشد از خلاصة الحقایق حکیمی را پرسیدند که فاسق کیست گفت هر که نظر خود باز ندارد از درهای خلق ایضا از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که خدای تعالی موسی علیه السلام را

توریه بداد و ختم آن این پنج کلمه کرد بدرستی که عمل کرده باشی بتمام توریه و اگر عمل نکنی بر این پس توریه را بر من خاک کن اول تا ملک مرا زوال نه بینی از پادشاهان مترس و دوم تا خزینهٔ مرا خالی نه بینی از کسی دیگر چیزی مخواه و سیم مادام که فارغ نشوی از عیب نفس خود مشغول نگردی بعیبهای مردمان و چهارم آنکه مادام تا ابلیس را مرده نه بینی ترک بیدار مکن بلا و پنجم تا هر دو قدم در بهشت نه نهی ایمن نباشی از خوف قهر من خدای

فصل در بیان فسق

و معصیت و ارتکاب آن و شومی گناه و عقوبت گناه کاران و جز ان ذکر فسق و معصیت و ارتکاب آن و شومندی از آن از خلاصة الحقایق در خبر است هر که از مجلس معصیت غایب بود و آن معصیت را دوست دارد چنان بود که در آن مجلس حاضر است و مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که چون زمانه چنین شود حلال بود مرد را که زن نکند و در آن هنگام مشرف گرداند خدای تعالی مؤمنان را برؤیت خود در بهشت مؤمنی باشد که سر فرو افکنده باشد و باری تعالی را نه بیند پس خدای تعالی گوید ای بندهٔ من ترا آبرؤیت ما حاجت نیست و آرزوی ملاقات ما نداری پس آن مؤمن گوید الهی آرزومندم و حاجت دارم و لیکن شرم میدارم از بسیاری گناه و خیانت بکدام روی مقابل تو شوم و بکدام دیده ترا بینم پس خدای تعالی گوید بدرستی که گناهان ترا آمرزیدم و در

و در بهشت ترا جا آوردم پس بنده گوید الهی اگر چه گناه مرا در گذاشتی و لیکن آن زمان می دیدی که من گناه کردم پس مرا شرم مانع میشود که سوی تو نگاه کنم پس بفرمان خدای تعالی باد لطف در دل آن بنده بوزد تا آن همه خیال گناه از دل او محو شود و مشرف گردد برؤیت و بیابد لذت لقای خدای تعالی و در خبر است که چون اشارت کند با آهن مسلمانی بسوی مسلمان لعنت کنند او را ملائکه اگر چه برادران باشند از یک مادر و پدر از خلاصة الحقایق انس بن مالک رضی الله عنه روایت میکند از رسول صلی الله علیه وسلم گفت چون بنده از خواب بامداد بیدار میشود روح او در جسد او می آید و جسد را میگوید که ای جسد من ترا سوگند میدهم بخدای کریم که اورد نکند سائلی را که امروز کار بد نکنی که در آری مرا بدوزخ و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که اطاعت کند غیر خالق را که در آن اطاعت عاصی شود خالق را بدرستی که او غیر خالق را بخدای گرفته باشد و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اگر یکی باشد از شما نزد یک مردی که او مظلومی را می زند بدرستی لعنت منزل میشود بر آن کسان تا آن وقت که دفع نکند ظلم را از مظلوم از تفسیر منیر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که کسی بود از شما که همه کار بهشتیان کند تا میان او و بهشت جند رشته پیش نمانده بود

از قضای ازلی که در لوح برو نبشته باشد در بهشت دوزخ بهشتی کاری رود
که دوزخیان کند و در دوزخ در آید و کسی باشد از شما که همه کار دوزخیان کند میان او
و دوزخ مقدار رشته مانده بود از قضای ازلی که در لوح برو نبشته باشد در بهـ
شتی کاری کند کار بهشتیان بهشتیان در آید و رسول صلی الله علیه وسلم را
سوال کردند از گناهان کدام بزرگ است گفت اول آنک با خدای تعالی انباز گویی
که ترا او آفریده است و دوم آنک فرزند خود را بکشی و سیم با زن همسایه زنا کنی
از کفایه شعبی در خبر است از رسول صلی الله علیه وسلم هر که برنجاند مسلمانی را چنانست
که کعبه را هفتاد بار خراب کرده گفتند چیست غایت رنجانیدن گفت اگر بر خیزد
و بر دامن او گرد باشد آن را بیفشاند و از آن غبار به مسلمانی رسد یکسان بود حال
او با آنکس که مسلمان را رنجانیده بود و آورده اند که مردی بود فاسق هر روز
در فسق و معصیت مشغول بودی و او را غلامی بود صالح و متقی و هر بار مو
لای خود را از فسق مانع شدی و گفتی ای خواجه توبه کن و بخدای باز گرد مولا گفتی
که رحمت خدای بسیار است روزی غلام را گفت برو در فلان زمین گندم بکار
غلام رفت و در آن زمین همه جو کاشت چون نوید یک دو بدن شد خواجه گفت
برویم ببینیم که وقت درویدن شده است چون بیامد جو کاشته دید غلام را گفت

گفت ترا فرموده بودم که گندم بکار چرا جو کاشتی غلام گفت ای خواجه من گمان
بردم که جو بکارم گندم بر آید مولا گفت ای غلام تو دیوانه که دیده است که از جو
گندم بر آید پس غلام گفت من تمثیل فعل تو کردم به پروردگار عاصی میشوی
و از وی رحمت امیداری پس مولا تایب شد و بخدای باز گشت و رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود که خدای تعالی بیامرزد همه گناهان بنده را مگر کسی را زهر بخورد کسی
و یا غصب کند و یا بستاند اجرت اجیر را و یا خون را بخورد شد نقل از روانرده
مسئله ابلیس گفت مر تهم خضر را علیه السلام که در نکاح مؤمن موحد خلل افکنم
و حلال بر وی حرام کنم چنانک وی را خبر نباشد زیرا که مر مسلمانی که تنهای زن
باشد و نکاح نکرده باشد او خود تصرف منست با اندک میلی او را بجانب خود کشم
و چون شهوت برو غالب بود او را بر دوزخ رسانم و وسوسه حاجت نباشد و اما
چون نکاح کند و دین او در حصار آرد از من اول صاحب مال و جمال را در دل او
شیرین کردانم و عفیفه و اهل ستورا در دل او دشمن کنم تا زنی با مال و جمال بی
صلاح در نکاح آرد و هر روز چون بت پرستان بخدمت او مشغول باشد
و بهوای نفس مشغول باشد تا میان ایشان خصومتی برآید و عداوتی ظاهر
شود و بدشنام دادن طلاق افتد از کرمی و حدث ایشان را خبر نباشد و همچنان

در خانه او حرام می باشد چنانی دانند که حلال یکدیگراند در میان ایشان موافقت
فراهم نیاید و هر یکی بسفاح و زنا مشغول باشند و اگر بار دیگر عقد کنند روا
نباشد از بهر آنک طلاق گفته است و عقد باطل شده و فرزندان تولد
میشوند همه را بد بختی مستوجب دوزخ نعوذ بالله منها جواب رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که یا خضر علاج او آنست وقت نکاح نیت باید کردن
بصدق و توبه کردن از حرام و در دل گذرانیدن که این زن را میخواهم تا دین من
در حصار آید و تا میان ما فرزندی آید صالح آید که خدای را عبادت کند و نظر
بر مال و جمال نیارد و حسب و نسب نه بیند و در وقت نکاح کلمه تمجید بسیار گوید
و آیة الکرسی بخواند و چون زن بخانه آرد این دعا بخواند تا شیطان ایمن گردد
اللهم جنبنی الشیطان وجنب الشیطان مما رزقتنا کم الحمد لله الذی احلنا النکاح
وحرم الی السفاح ورزقنا حلالا طیبا و دو رکعت نماز بگزارد و زن را هم بفرماید
بعد از آن هر دو پای زن بشوید و آن آب را در چهار گوشه خانه بزند خدای تعالی
هفتاد گونه برکت در خانه ایشان پیدا آرد و ایشان را با یکدیگر موافقت دهد
و بصحت عافیت دارد از صلوة مسعودی رسول صلی الله علیه وسلم فرموده
است که بدترین و شوم ترین مردمان آنست که خود را بزنا مانند کند

کند چنانک ابریشم آلت بوشد و یا ایزار فراخ پایه دارد و رسول صلی الله
علیه وسلم فرموده است که خدا عز و جل بر پنج گروه بی کام و بی زبان لعنت کر
ده است یکی مردی که خود را بر زنان مانند کند و دیگر زنی که خود را
بمردان مانند کند و دیگر بر کسی که وعده خلاف کند و دیگر بر کسی که نابینا
بیم کند و دیگر بر کسی که زن نخواهد و کنیزک بخود و قادر بود بزن کردن و
لیکن مرادش آن بود که فرزند متولد نشود و از خلاصة الحقایق ابن
عمر رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که آرزو کند کرانی
بر خدا برا بر امت من یک روز حبطه کند خدای تعالی چهل ساله اعمال او را
و در خبر است ابلیس لعنه الله بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم آمد رسول
علیه السلام بپرسید که کیست نور دیده تو گفت کسی که طلاق خورد اگر چه
صادق باشد رسول صلی الله علیه وسلم گفت چرا گفت یا محمد چون در زبان او
سوگند طلاق خوردن عادت گردد وقتی باشد که سوگند دروغ بر زبان
راند زن شود فرزندان او حرام زاده شوند پس ازین جهت نور دیده
منست پس رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که خوردن تو از کجاست گفت
یا محمد اگر کم نپیمایند و کم وزن نکنند ما از کرسنگی بمیریم و هر توانگر بر اخان نیست

وَخَاسِرُ مَن كسيست كه كم بپمايند وكم وزن كند واكر مردى در وقت جماع حلال
نكويد بسم الله الرحمن الرحيم من پيش از وى دخول كنم و با او شريك شوم
در حركت واكر مرا تصديق نميدارى كلام خداى برخوان كه وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَ
مْوَالِ وَالْأَوْلَادِ يعنى چون اول تسميه نكويد و نعوذ نكويد در وقت حاجت من
با ايشان شريك باشم و بدانك حقوق عباد سخت تر است از حق ايزد تعالى بدرستى
كه ضايع كند خداى تعالى حق خود را وليكن ضايع نكند حق بندگان خود را و
از حق آدميان حق بهايم مشكل تر و دشوار تر است زيرا كه آدمى عقل دارد
و نطق دارد واكر خصم زنده است و يا حاضر است تواند كه از وى بحلى خواهد
هر وجهى دهد و معذرت كند واكر غايب است به نيت او صدقه دهد و نماز
بكذارد و روزه دارد واكر خصم مرده است روح او را بخير ياد كند زيرا كه ميت
محتاجست واما بهايم نه عقل دارد و نه نطق دارد و زدن بهايم ظلمست
زيرا كه او را تميز نيست كه ترا طاعت كند و مراد تو باشد پس قابل نيست خشنود
كردن بهايم اگرچه او را علف و كاه به مراد او دهد ديگر شومى گناه و عقوبت
گناه كاران از خلاصة الحقايق رسول صلى الله عليه وسلم فرمود كه زلزله زمين
از سه چيز است يكى چون نظر كند پروردگار بر زمين دوم از جنبش ماهى سيم از گناه

از گناه بندگان ايضاً از خلاصة الحقايق رسول صلى الله عليه وسلم فرمود بر
وايت ابو هريره رضى الله عنه كه شش گروه بسبب شش چيز در آتش در
آيند روز قيامت بى حساب گفتند يا رسول الله ايشان كدام اند فرمود كه
اميران بجور و عرب بتعصب و دهقانان به تكبر كردن و بازرگانان بخيانت
كردن و روستايان بنادانى و عالمان بحسد كردن يعنى آن عالمان كه دنيا خوا
هند بر يكديگر حسد كنند و رسول صلى الله عليه وسلم فرمود مفلس كسى
است كه حسنات مقدار كوهها باشد روز قيامت پس خصمان او حاضر شوند
يكى را زده باشد و يكى را رنجانيده باشد و يكى را مال برده باشد و يكى را كشته
باشد پس آن خصمان حسنات او بكيرند و هيچ حسنه او را باقى نماند از
تفسير منير از على رضى الله عنه روايتست باسناد صحيح كه وقتى باشد كه مردان
و زنان بيكجا نشينند و بخمر خوردن مشغول باشند تا چنان باشد كه خبر
افتد در فلان خانه پنج تن مسخ شدند و در فلان خانه دو تن كپى شدند
ايضاً در خبر است از انس بن مالك رضى الله عنه گفت از رسول صلى الله
عليه وسلم شنيدم كه چون خداى تعالى به بنده نيك خواهد پيش از مرگ يك سال
فرشته بر وى گمارد تا هر زشتى كه بيند بر وى نمايد تا آن بنده پرهيز ميكند و

و هر چه خير است مى نمايد تا آنرا كار بندد و چون خداى تعالى به بنده بد خواهد
پيش از مرگ ديوى بر وى گمارد تا همه زشتها بچشم او نيكو نمايد و نيكوها همه زشت تا آن ميكند
و آن ميگذارد و مرويست كه رسول صلى الله عليه وسلم دعا كرده است كه اى بار خدايا هر كه ميكند
بالمنت من ثوبى كس ببرد و هر كه دشوار گيرد بر ايشان تو دشوار گير بر وى و يقين است كه
دعاء رسول صلى الله عليه وسلم مستجاب است و رسول صلى الله عليه وسلم فرموده كه اى مظفر در روز
قيامت اول كسى را كه بياورند كسى است كه او ظالم وى را ناحق كشته باشد و قاتل را نيز حاضر كردانند
پيش حق تعالى گويد چرا كشتى وى را گويد كه امير فرموده حق تعالى گويد من ترا نهى كردم فرمان من كه نديدم
قبول نكردى و فرمان مخلوق كردى پس نكوسار در آتش دوزخ اندازند ميرود تا قعر دوزخ
او هول دوزخ چهل سال عذاب كشد نعوذ بالله منها از تفسير منير زنى بنزديك عايشه رضى الله
عنها آمد و گفت شوهر من زنى ديگر [illegible] مرا رشك رنجه ميداشت زنى گفت من ترا جايى
برم كه هر چيز آموزند كه شوى تو آن زن را بگذارد شب در آمد دو سگ بگرفت
بر يكى انشاند و بر يكى خود نشست رفتيم تا بجاى رسيديم كه دو شخص
ديديم كه نكوسار آويخته مرا گفتند بيا موز آنچه ما ميگوييم كه كافر ميشوى
گفتم البته مى آموزم گفتند اگر مى آموزى نزديك آن تنور رو و ميان
تنور جاى ديديم رفتم گفتند چه ديدى گفتم هيچ نديدم گفتند پس باز كرد

كرد و ميا موز كه كافر شوى فرمان نكردم پس گفتند برو بر سر تنور تا چه بينى
همچنين تا سيم بار بر سر تنور شدم نگاه كردم سوارى ديدم جامه سفيد
پوشيده و دستار سفيد بر سر نهاده از تنور بر آمد و بر آمد بر آسمان رفت باز آمدم
وگفتم كه چنين ديدم گفتند كه ايمان تو بود كه برفت اكنون بيا موز پس آن كلمات
كه ايشان برخواندند من ياد بگرفتم و بخانه آمدم از بهر آزمايش تخم بر زمين افكندم
و آن كلمات خواندم در حال سبز شد و خوشه آن پديد آمد در حال پشيمان شدم و
بهيچ كار نه بستم اكنون مرا چگونه توبه هست عايشه رضى الله عنها نه پذيرفت
پس نزديك صحابه رضى الله عنهم آمد هيچ كس حكم نكرد نپذيرفتن توبه او ايزد
تعالى داند كه حال او بقيامت چون شود ايضاً از تفسير منير در قصه معراج رسول
صلى الله عليه وسلم گفت كه دوزخ را پيش من آوردند قومى ديدم از امت خود لبهاى
شان مى بريدند گفتم يا جبرائيل اينها كيانند جبرائيل عليه السلام گفت دانشمندان امت
تو كه دروغ و بهتان گويند و قومى ديدم از آتش شكم ايشان پر كرده بود گفت
خورندگان مال يتيمان اند بظلم و قومى ديگر ديدم كه شكمهاشان پر شده بر ساعت
بروى در مى افتادند و گفت ربا خواران اند و ديگر بوهى ديدم گنده تر از همه بوها
گفت بوى زانيانست و قومى را ديدم در چشمها و گوشها شان ميخ فرو كوفته گفت

این سخن چینانند و قومی را دیدم از سر تا پا آتش گرفته گفت ایشان وضو ناتمام
کنندگانند و قومی را دیدم که مویهاشان آتش گرفته گفت جنبانند که خود را
پاک نشویند و قومی را دیدم که سرهاشان بعمودهای آتش میکوفتند
گفت که کم دهندگان بکیل و ترازواند و قومی را دیدم شکمهاشان خشک مانده و زو
بینهای آتشین در پشت ایشان فرو می بردند گفت آنان که رکوع و سجود تمام نیارند
و قومی را دیدم که زبانهاشان از پیغولهای دهان بیرون میکشیدند گفت غیبت
کنندگانند و قومی را دیدم لبهاشان با نیزه میکشیدند و قدمهای آتش بر میکردند
از دود دهان آب و زخیان در گلوی ایشان میریختند گفت می خورندگانند
و قومی را دیدم از پستانهاشان آویخته و ماران دیدم چون گردن شتر بر ایشان
گماشته گفت آنانند که بچگان خود را شیر نداده اند تا فربه شوند و قومی را
دیدم که فریاد میکردند که وا ویلی گفت گواهی بدروغ دهندگانند آنگاه گفت
که پشت اهل دوزخ را نگران دیدم و زنان و جهودان و ترسایان و کفار
پس گفت قومی را دیدم بر منبرها برآمده چون کلمه اخلاص بر زبان زدند
از دهان ایشان نوری آمدی و آتش را دفع کردی گفت اینها موذنانند
که بانگ نماز بحسبت کردندی و قومی دیگر دیدم که کلمه اخلاص و بانگ نماز گفتندی

گفتندی اما نور نبود که ورنهاشان شکسته شده گفت اینها موذنانند که بانگ نماز
بی حسبت کردندی و آورده اند که در محله شیخ ابوبکر وراق رحمة الله علیه سگی گز
نده بود هرگاه که شیخ از خانه بمسجد رفتی و یا از مسجد بخانه آمدی سگ از راه دور
شدی تا خواجه بگذشتی یک روز شیخ از مسجد بخانه می آمد سگ بر جست و پای شیخ
را بگرفت و بگزید شیخ را عجب آمد در خانه شد نعلین از پای برکشید و در ته
آن نظر کرد مورچه مرده دید با خود گفت چون من مورچه را بکشتم بغیر حق
لاجرم حق تعالی سگ را گماشت بر پای من تا بگزید ذکر زنا وی خورد ندان
تفسیر منیر در خبر است از رسول صلی الله علیه وسلم که هرکه یک زنا کند هفتاد ساله طاعتش
حبط کند و اگر بقیامت با هفتاد زنا بیاید کار او بدان صعبی نباشد که توان
گفت ایضا در حدیث است ای مومنان بپرهیزید از زنا که در زنا شش خصلت
است سه در دنیا و سه در آخرت اما آنکه در دنیاست زیبای روی او ببرد و
فقیر گرداند و عمرش نقصان پذیرد و اما آن سه که در آخرت است ایزد تعالی از او
در خشم باشد و حسابش بسختی کنند و جاوید در دوزخ باشد ایضا
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اعمال امت من عرضه میکنند بر من هر هفته
دو بار پس سختترین عذاب خدای تعالی بر زانیان می بینم و وهب بن منبه رضی الله عنه

گفت که نبشته دیدم در توریت که زانی غیرت تا فقیر شود و قواد غیرت تا کور شود و رسول الله
صلی الله علیه وسلم گفت که بیرون آید خمر خوران از گور بوی او گنده تر از مردار باشد و کوزه خمر
از گردن آویخته و قدح در دست او و در میان پوست و گوشت او ماران و گزدمان باشد
و نعلین آتشین در پای او باشد که از گرمی مغز سر او چون دیگ بجوشد و در گور وی دری
از دوزخ گشاده شود و در دوزخ با فرعون یکجا باشد نقل از کتاب علم دین سعید
بن مسیب گوید که قابیل هابیل را بکشت تا آنگاه که مست نشد و قوم نوح نوح را علیه السلام
نیازردند تا آنکه که مست نشدند و قوم لوط لوط را نیازردند تا آنکه که مست نشدند و قوم موسی علیه
السلام گوساله نپرستیدند تا آنکه که مست نشدند و هاروت و ماروت آن معصیت را نیز
در مستی کردند ذکر در بیان شطرنج و لعب و مقامران از تفسیر منیر و رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که خدای عزوجل در هر روزی سیصد و شصت بار نظر
میکند بر بندگان پس نیست نصیبی مر اهل شطرنج کنند و لعنت کند خدای تعالی
مر آنکسی را که شطرنج بازد و هرکه شطرنج بازی کند بدرستی که خدای و رسول خدای
عاصی شده باشد و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بیامد بر من جبرائیل علیه
السلام لون او متغیر شده پس گفتم یا جبرائیل چیست که بشره تو متغیر می بینم
گفت نظر کردم در دوزخ وادی دیدم از آتش بر میجوشد مالک دوزخ پرسیدم

پرسیدم که این وادی کراست گفت سه کس راست یکی متکبرانرا دوم
میخوارگانرا سیم مقامرانرا ذکر عقوبت خیانت زنان از تفسیر
منیر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر زنی که خیانت کند با شوی خود را در
مال یا در فراش ببرود نصیب آن زن از بهشت و نظر نکند خدای تعالی بسوی
آن زن در دنیا و آخرت و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که سختترین عذاب خدای
تعالی بر زنیست که خیانت کند شوی خود را از تفسیر منیر رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که هر زنی که عبادت کرده باشد همچون مریم بنت عمران اگر شوی وی
خوشنود نبود از وی قبول نکند خدای تعالی عبادت او را و در آرد او را با منافقان
در دوزخ در درک اسفل مگر توبه کند ذکر توبه و ندامت و سبب
عفو گناه از خلاصة الحقایق ابو درداء رضی الله عنه میگوید از رسول صلی الله
علیه وسلم که گفت خدای تعالی فرموده است که چون توبه کند بنده من فراموشی
دهم اعضای او را و اعمال او را فراموشی دهم آن مکانها را که بر وی گناه کرده است
و فراموشی دهم ملائکه را که او را نگاه میدارند تا گواهی ندهند بر وی از کفایه
شعبی در خبر است از ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که بنالید زمین بحضرت خداوند جل جلاله و بگوید یا رب بدرستی که صبر نماند از
بسیاری گناه بنی

تو و صبر نیست مرا در حکم تو پس فرمان ده مرا تا فرو برم ایشان را پس خدای
تعالی گوید که صبر کن بدرستی که بندگان من در میان سه اعمال اند اگر توبه کنند
قبول کنم توبهٔ ایشان و یا بیرون آید از صلب ایشان یکی فرزند صالح تا دعا
کند پدران را و من بیامرزم از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که بفرماید خدای عز و جل روز قیامت که بیرون آرید از دوزخ کسی را که یاد کرده
است مرا روزی و یا ترسیده است از من نزد معصیت و ترک آورده
است آن معصیت را از خوف من ایضاً مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم
بر قصابی بگذشت خواست تا او را سلام گوید جبرائیل بیامد و گفت یا رسول
الله خدای تعالی ترا نهی کرده است امروز ترا از سلام دادن بدین قصاب پس
رسول صلی الله علیه وسلم نداد روز دیگر چون بدان قصاب میگذشت خواست
تا سلام نکند بگذرد جبرائیل علیه السلام بیامد و گفت یا رسول الله امروز
خدای تعالی فرمود که بدین قصاب سلام کن رسول صلی الله علیه وسلم گفت یا جبر
ئیل چه بود که آن روز نهی کرد و امروز امر کرد جبرائیل علیه السلام گفت این قصاب دینه
شب توبه کرفته بود شصت ساله گناه او بدان پاک شد رسول صلی الله علیه وسلم
گفت یا جبرائیل خاص این را چنین یا همه را همچنین خواهد بود گفت بکل همه را

رضی الله عنه بیرون آمده بود با یاران چند زنی را دید که پیری ضعیفی را بر
پشت خود سوار کرده پیدا شد آن زن را گفت که چیست این مشقت میکشی
آن زن گفت ای امیر المؤمنین این پیر پدر منست مزاج او چون بچگان شده
است هر ساعت آرزوی دیگر میکند گاهی طعام و گاهی آب میخواهد محتاج
است بپرورش چنانکه بچهٔ خورد و هرگاه که غایب میشوم میگرید و مضطرب
شود پس هر جا که میروم او را بالای پشت خود میدارم و از خود جدا نمی کنم و هر
ساعت که چیزی میخواهد میدهم امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه در تعجب شد
و یاران را گفت که چه گویید در حق این زن که من میگویم این زن تمام حق پدر را
ادا کرده است بلکه زیاده پس آن زن گفت نه غلط گفتی یا امیر المؤمنین من حق
پدر تمام ادا نکرده ام بدرستی که او مرا بهتر از این پرورش کرده است زیرا که
من صبی بودم او مرا پرورده است و قیام نموده است بخدمت من و
مهیا داشتن اسباب من و رنج من کشیده است و تمنا برده است بر حیات
من تا خوش بوده است بموت من و من اگرچه خدمت میکنم ولیکن مرگ او را
آرزو میبرم عمر رضی الله عنه گفت هر یکی از مردمانی فقیه تر اند از من و منقولست
که مردی بود دایم خمر خوردی بعد از نقل او پسر او وی را بخواب دید پدر را نشناخت که

در آتش عذاب سوخته بود ولیکن پدر پسر را بشناخت و گفت که تو پسر منی پسر گفت
نه پدر من مردی خوب روی بود و پدر بهمه نشانها که داشت بگفت پس پسر گفت
ای پدر حال تو از چه چنین شد گفت از خمر خوردن چون پسر از خواب بیدار شد
چیزی که داشت به رو پدر داد و سبوی پر کرد و میگشت و خلق را آب می داد
چون مدت دو ماه مرو عابر را آب داد پدر را بخواب دید قوی خوش وقت و نیکو حال
و روی او تابان چون ماه شب چهارده پسر را گفت بدرستی که خوش وقت کردا
نید خدای تعالی مرا او را بیامرزید و نجات داد از عذاب برکت صدقهٔ تو و آب
دادن تو مرو جانرا به نیت من و رسول صلی الله علیه وسلم گفت که مردن مادران
منقطع شدن نیکی باشد از آسمان سوی فرزندان و منقولست که رسول صلی الله
علیه وسلم با گورستان بقیع رسید آوازی شنید که یکی در گور میگفت که یا اماه
فوقی نار و تحتی نار و یمینی نار و یساری نار پس رسول صلی الله علیه وسلم گفت
ای جوانمرد تو کیستی گفت یا رسول الله مردی ام از امت تو از انصار دوا
نزده سالست که خدای تعالی بدین گور عذاب میکند گفت چه سبب گفت نمی
دانم مادر مرا بخوانید مگر در ایام کودکی تعصیبی کرده باشم و من بی خبرم
رسول صلی الله علیه وسلم گفت مادر تو کجاست گفت در خانهٔ ابوبکر صدیق دو

دو سالست که عایشه را دایگی میکند و این ساعت شراب شبانه میکند گفت
چه نامست گفت جمیله رسول صلی الله علیه وسلم ابوبکر را گفت او را بخوان و رسول
خواست که خود برود گفت یا رسول الله تو مرو که این ساعت از حرمت تو عذاب
نمی کشد ابوبکر رضی الله عنه بخانه رفت و مادر او را گفت پسر تو عذاب میکشد
گفت تا خدمت صدیقه تمام نکنم نیایم صد هزار فرزندی فدای یک تار موی
صدیقه باد چون خدمت خود تمام کرد بیامد رسول صلی الله علیه وسلم حال او
بگفت و ردای مبارک خود را بر گور او نهاد و پسر را گفت گوش بنه و یک گوش بدار
چون گوش بنهاد و بشنید فریاد بر آورد و گفت یا رب من از این پسر خشنودم
بچه سبب عقوبت میکنی هاتفی آواز داد و گفت نمی دانی که چه جرم کرده است که مادر
عاصی شده است و آنچنان بود که یکشب ماه رمضان وقت افطار قدحی بر
آب کرد بود تا بخورد مادر گفت که مخور هنوز بگاه هست گفت که فرمان صاحب
شریعت و فتوی نبوی است که چون نماز شام شود روزه باید گشودن وی
روزه بگشاد و سخن مادر قبول نکرد و مادر عاصی شده بود زن گفت بار خدایا
من از وی خشنود گشتم حق تعالی گفت من نیز کردانیدم و منقولست که در
سمرقند مردی بود سقا او را خستگی واقع شد نذر کرد اگر خدای تعالی او را شفا

و هر هفته روز آدینه حاصل کندی مرده مادر و پدر بدهد پس چون صحبت یافت
نور بجای آورد یک روز آدینه هیچ چیز او را حاصل نشد که صدقه دهد رفت از عا
لم بوسید عالم گفت که بوستان خربوزه جمع کن و پیش دراز گوشان بینداز از عهده
پدر بیرون خواهی آمد و همچنان کرد آن شب مادر و پدر را در خواب دید و یرا
گفت ای فرزند از تو خشنود باد خدای تعالی که ما را طعام دادی و آب دادی و
گفتند
ما آرزومند خربزه بودیم ما را خربوزه نیز خورانیدی از خربزهای بهشت
و منقولست که امیری بود در خراسان نوح نام بعد از نقل او پسر ویرا بخواب دید گفت
ای پدر امیر گفت ای پسر امیر مگوی اسیر گوی که امیری رفت گناهان و خطاهای ما
ماند گفت ای پسر چون تو گوشت بخواستی خوانی که ماند پیش گربه و سگ اندازی
و ثواب آن بنام ما کنی که ما را آرزوی گوشت شده است و از خیر المجالسی
بعد از آن این حدیث فرمودند که قال رسول الله صلی الله علیه و سلم لا بد للمرء من
جزاء عمله یعنی چاره نیست مرد را از جزاء عمل خود اگر عمل نیک کرده است
نیک یابد و اگر بد بد یابد بعد از آن فرمودند که رسول صلی الله علیه و سلم این حدیث
را بمحلی فرموده است قصه این حدیث فرمودند که یک عورتی بیامد بخدمت
ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها آمد و گفت امشب خوابی دیدم دیدم بر سر

بر سر حوضی استاده و آب میخورد و خلق را آب میداد و پیش او شدم و گفتم یا
ابی این امی قال ما لحقتنی امک گفتم مادر من کجاست گفت مادر تو بمن نرسیده
است از پیش پدر بیرون آمدم و در راه جیا رفتم مادر خود را دیدم بر سر حوضی
استاده و فریادی کرده و اعطشاه و اعطشاه میگفت من رفتم قدری آب بگر
فتم و در حلق او ریختم آوازی شنیدم که میگفت خشک باد دست آن کسی که آب
داد این عورت را چون بیدار شدم دست من خشک شده بود عایشه رضی
الله عنها خواب این عورت را تعبیر نکرد رسول صلی الله علیه و سلم بگفت عایشه رضی
الله عنها فرمود که ای آن عورت بپرس که پدر و مادر تو چگونه بودند گفت پدر من
مرد صالح بود و خیرات بسیار کردی اما مادر بر عکس پدر بود عایشه رضی الله
عنها بخدمت رسول صلی الله علیه و سلم آمد و احوال ایشان بگفت رسول صلی الله
علیه و سلم این حدیث فرمود لا بد للمرء من جزاء عمله و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
که سه کس بوی بهشت نیابند و بوی او از پانصد ساله راه بیاید اول بخیل
منت نهنده و خمر خورنده و عاق مادر و پدر از صلوة مسعودی رسول
صلی الله علیه و سلم فرموده است که پنج گناه کبیره است که و برا در دنیا کفا
رت نیست شرک آوردن بعد از ایمان و آزار مادر و پدر و روی گردانیدن

یکی مؤمن در حرب از دو کافر و سوگند بدروغ خوردن و خون بناحق ریختن
از تنبیه ابو اللیث موسی علیه السلام گفت یا رب مرا وصیت کن خدای تعالی گفت
وصیت کنم ترا برضا جستن مادر و پدر ایضا انس بن مالک رضی الله عنه
گفت که در عهد رسول صلی الله علیه و سلم جوانی بود علقمه نام و حریص بر طاعتها و
سخی بود بیمار شد سخت زنش بخدمت رسول صلی الله علیه و سلم آمد و گفت
شوی من علقمه در حالت نزع جان دادنست پس رسول صلی الله علیه و سلم عثمان و
علی و سلمان و بلال را رضی الله عنهم بسوی علقمه فرستاد یاران رفتند و علقمه را
گفتند که بگو اشهد ان لا اله الا الله هیچ زبانش نگردید بلال بیامد و رسول
صلی الله علیه و سلم را از حال علقمه خبر کرد رسول علیه السلام گفت مادر و پدر او زنده
است گفتند مادر او زنده است گفت یا بلال بسوی مادر علقمه رو و از من سلام
برسان و بگوی و اگر توانی بسوی من آی و اگر نتوانی باش تا من نزد تو بیایم
بلال برفت و خبر کرد مادر علقمه عصا بدست گرفته و نزدیک رسول صلی الله
علیه و سلم آمد سلام کرد و بنشست رسول صلی الله علیه و سلم گفت یا مادر علقمه راست
بگوی که حال علقمه با تو چون بود پیره زن گفت یا رسول الله علقمه نماز گزار بود و
روزه دار بود و صدقه نیکو دادی من با وی بخشم بودم زیرا که او زن او بر من

بر من گزیده بود هرچه او گفتی بکردی و هرچه من فرمودم نمی کردی پس رسول صلی
الله علیه و سلم گفت که آن خشم تو است که زبان فرزندان ترا در حالت نزع گرفته
اند از کلمه شهادت باز میدارند رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که یا بلال برو
هیزم جمع کن و آتش بر کن تا علقمه را بسوزانیم مادرش گفت یا رسول الله فرزند
منست و میوه دل منست تو او را بسوزانی دل بیچاره من بسوزد رسول صلی الله
علیه و سلم گفت یا مادر علقمه عذاب آن جهان سخت تر است از عذاب این جهان
اگر خواهی که خدا بتو بخشد و او را بیامرزد تو از وی خشنود شوی که بخدای
خدای که مرا براستی بخلق فرستاد که نماز و روزه و صدقه علقمه هیچ سود
ندارد تا تو از وی خشنود نشوی پس مادر علقمه دست برداشت و گفت
خدایا گواه باش که من از علقمه خشنود شدم پس رسول صلی الله علیه و سلم گفت یا بلال
بسوی علقمه رو و بنگر بلال نزدیک علقمه آمد آوازی شنید میگفت که لا اله الا
الله محمد رسول الله پس فرمان یافت رسول صلی الله علیه و سلم بیامد و فر
مود تا بشستند و کفن کردند و بروی نماز کردند پس رسول صلی الله علیه و سلم
بر سر گور بایستاد و گفت یا جماعت المسلمین هر که زن را بر مادر خود بگزیند لعنت
خدای بر وی باشد و فریضهای نماز او نپذیرد و تطوع او را نپذیرد همچنانک

خدای تعالی فرماید أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ یعنی شکر کن مرا و مادر و پدر
خود را و شکر کزاردن ایزد تعالی آنست که شبانه روزی پنج نماز کنی و شکر
کزاری پدر و مادر آنست که در شبانه روزی پنج بار دعا کنی در حق ایشان
وگفته اند که پدر را نه حق است یکم آنک جون او را بخواند اجابت کند و حاضر آید د
جهارم جون محتاج شود بخدمت خدمتش بکند و پنجم جون او را
کاری فرماید فرمان او بجای آرد مکر که معصیتی فرماید ششم با او سخن
نرم کوید و هفتم او را بنام نخواند و هشتم از پس او رود جون بندکان درم
خریده و نهم آنج بخود نپسندد بوی نپسندد و دهم آنک او را دعای نیک همجنان کند
که خود را و نیز مرک نبیند جیزی بود یکی آنک فرزند بتن خود نیک مرد بود
زیرا که هیچ جیزی بسوی مادر و پدر دوستر از نیک مردی نیست و دیکر
آنک با خویشان مادر و پدر بپیوندد و دوستان او را کرامی دارد سیم آنک
دعا کند مر ایشان را آمرزش خواهد و صدقه دهد بجهت ایشان و
دیکر بجهت خشنود کردن مادر و پدر دو رکعت نماز آمده است بعد
از اشراق بکزارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه آیة الکرسی یکبار و اخلاص
پنج بار بعد از نماز این دعا بخواند اللهم صل علی محمد و علی آل محمد یا لطیف

یا لطیف الطف بی و بوالدی فی جمیع الاحوال کما تحب و ترضی یا علیم
یا قدیر یا غافر اغفر لی و لوالدی انک علی کل شیء قدیر از خلاصة الحقایق
آورده اند که زین العابدین با مادر خود طعام نخوردی و با [illegible]
خوردی از وی پرسیدند با مادر جرا طعام نمی خوری کفت از حق فانکه نباید که
دست من سبق کند در طعامی که بخوارم با مادر آرزو برد مادر من آن را و
نظر من در آن افتاده باشد و من عاق شوم ایضا رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود هر که نظر تیز کند بر مادر و پدر کناه بسیار نویسند او را و
منقولست که سهیل یمانی روزی از مادر خود پرسید که هیچ آرزوی در دنیا
داری کفت که ای پسر آرزوی دنیا ندارم مکر آرزوی حج بیت الله سهیل کفت
ای مادر والله راحله نکنم برای تو مکر پشت و کردن خود جاکه تو مرا
در شکم خود برداشته و بار من کشیده پس مادرش را بر پشت نشاند همچنانک
راحله و در حج روان شد بعد از چهار ماه بکعبه رسید و حج بیت الله کزارد و
آستانه کعبه بکرفت که بار مادر کشیده ام و از مکان بعید بکعبه رسانیدم و
تحمل مشقت کشیدم هنوز امید ندارم که حق مادر ادا کرده باشم جون
شب بخواب شد بخواب او را کفتند که تو ادا نکرده از حق مادر خود مکر

آنقدر که مادر خود را از یک بهلو به بهلو کردانیده است فصل سیم
در بیان حسن خلق از خلاصة الحقایق مرویست که امیر المؤمنین علی رضی الله
عنه کفت که پیغامبر صلی الله علیه و سلم فرمود که بر شما باد بحسن خلق بدرستی که اهل
[illegible] در بهشت در آید نیکو کار و بر شما باد از خلق بد که دور باشید
که بد خلق در آتش بود و مرویست که وحی کرد خدای تعالی بسوی موسی علیه السلام
اگر خواهی که در ایام حیات خود جون مرا بخوانی اجابت تو او سوال کنی در
قیامت نعم کویم تو اینست بر تو باد که لازم کیری حسن خلق را و مرویست
که پرسیده شد از رسول صلی الله علیه و سلم بیشترین جیزی که در آرد بنده را به
بهشت کدامست رسول صلی الله علیه و سلم کفت تقوی و حسن خلق و هم
منقولست که نواس بن سمعان رضی الله عنه کفت که پرسیدم رسول صلی الله
علیه و سلم از بر و از اثم یعنی از نیکی و بدی پس رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
که بر حسن خلق است و اثم آنست که خلجان باشد از کاری در دل و دل
منشرح نشود و بد یعنی دل بار نو هد بکردن آن کار متردد باشد و کرا
هیت شود که مطلع شوند بر وی مردمان و مرویست که وحی کرد خدای
تعالی بسوی عیسی علیه السلام که یا عیسی وصیت کنم ترا بجهار جیز جون آن را بجای

هی بجای آری بیند آرام در تو دو جناح از زنان طیران کنی با آن هر دو جناح با
ملایکه در بهشت اول باش همجون زمین که کناه هایی میکنند بر وی و او فرو
نمی برد یکی را و باش مرده همجون آب که میرود آنجا که روان کرده میشود
و باش مشفق همجون آفتاب که بر نیک و بد می تابد و باش متواضع همجو بوته
که سر فرو نیکو افکنده باشد و سر بالا نمیکند و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
که خلق در دو کس نباشد یکی در آنک از حیض زاده باشد دوم از زنا
و انس رضی الله عنه کفت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که خلق نیکو مهار
یست از رحمت خدای تعالی و در بینی نیکو خلق آن مهار بدست فرشته است
فرشته میکشد او را به بهشت و خلق بد مهاریست از خشم حق و مهار او بدست
شیطان است و شیطان او را سوی دوزخ میکشد و ابن عباس رضی الله عنه
روایت میکند از رسول صلی الله علیه و سلم که حسن خلق میکدازد کناه را جنانک
آب نمک را و مرویست که در عهد هارون پیغامبر علیه السلام مردی سوکند خورد
بطلاق که آب دهن در روی هارون اندازد پس هارون ازین حال خبر یافت آن مرد
را طلب کرد و کفت در روی من جیزی حادث شده است که مرا زیانی میدارد آب
دهن خود را در روی من انداز تا این زحمت من دفع شود پس آن مرد آب دهان

خود را در روی مبارک رسول الله نهاد پس هارون علیه السلام آن مرد را گفت که من این
را از آن جهت کردم تا تو ادب کنی خود بیرون آیی و مرویست که روایت
کرد حاتم بن ابکو که رسول صلی الله علیه وسلم با اصحابه در کوچه مدینه میگذشت
و در اثنای راه بچگان بخاک بازی میکردند و خاک می پاشیدند بعضی از صحابه
پیشی رفتند و بچگان را دفع میکردند که گرد بسوی رسول صلی الله علیه وسلم
می رسد رسول علیه السلام یاران را باز داشت از منع بچگان و فرمود که بگذارید
بچگان را که این خاک بهار بچگان است و در خبر است که موسی علیه السلام جل ای
تعالی مناجات کرد گفت یارب از چه مرا شایان کلام خود گردانیدی از جمله
انبیا پس وحی آمد که یا موسی یاد میکنی تو آن روز که گوسفندان شعیب
را می چرانیدی یک گوسفند برمید تو او را پی کردی و خواستی که بعصا بزنی
پس نام من یاد آمد عصا از دست بینداختی و هر دو بیرون آن گوسفند
بگرفتی بر هر دو چشم خود نهادی و هر دو چشم وی را بوسه دادی و گفتی ای حبیب
من مرا برنجانیدی پس رحمی که تو کردی بر آن گوسفند ترا شایان کلام خود
گردانیدم از فواید الفواد و معامله خلق با خلق بر سه قسم است اول آنست
که از این کس بر کسی نه منفعت رسد و نه مضرت حکم این جماده باشد

است
باشد قسم دوم آنست که از این کس منفعت رسد و مضرت نرسد این قسم بهتر
و قسم سیم آنست که از این نیز بهتر است و آن آنست اگر این کس را کسی مضرت ر
ساند او مکافات نکند و تحمل کند و این کار صدیقان است و در فتاوی ظهیریه است
که اگر مولی سوار باشد و غلام او پیاده رود و دنبال او و طاقت آن دارد اگر طاقت
ندارد نرود مکروه است که امیر المومنین عثمان رضی الله عنه بیامد بر سول
صلی الله علیه وسلم سوار و غلام او پیاده از دنبال او بسرعت می آمد رسول صلی
الله علیه وسلم را خوش نیامد پس فرمود که چرا غلام را بر خانه نکذاشتی عثمان
رضی الله عنه غلام را آزاد کرد این را تاویل کردند که آن غلام را طاقت نبود
از دنبال او رود از کفایه شعبی در خبر است که امیر المومنین عمر رضی الله عنه
را پرسیدند که نیکو کارکیست گفت خشنود بود از او اهل او و بدانند احوال
او و مزاج او در خلوت و همسایگان بدانند و بمواظبت او و قرابتان برا نند
از قرابتی او و یاران بدانند از صحبت او و آورده اند که سلطان الاولیا ابویزید
بسطامی رحمة الله علیه در شهر همدان رفته بود برای مداوات تخم معصفر خریده
بود لختی بخورد و لختی ماند در گوشه دستار چه بست و در شهر بسطام در آمد
چون آنرا بکشاد در میان تخمها مورچه دید گفت این مورچه اینجا غریب است

باز بجای او برم باز سفر کرد بشهر همدان آمد از برای یک مورچه از تفسیر مغنی و سول
صلی الله علیه وسلم فرمود که لعنت خدای بر زنهار خوار ... بار گفت گفتند یا
رسول الله کدام اند گفت آنکسانی که نومید کنند بندگان خدا را از رحمت خدای
باب دوازدهم در شکر از خلاصة الحقایق ابن عباس رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود سه چیز در هر که باشد جای دهد خدای تعالی او را در پناه خود نثار
کند بروی رحمت خود و در آرد او را در محبت خود گفتند یا رسول الله آن چیست
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون وی را چیزی داده شود شکر آن بگزارد و
چون بر کسی قادر شود از وی عفو کند و چون خشمگین شود تحمل کند و
خشم فرو برد و در خبر است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود نعمتی را شکر گفته
نشود گناهی بود که آمرزیده نشود و در خبر است که داود علیه السلام گفت
الهی چگونه شکر گویم ترا و شکر گفتن من ترا نعمتی است از نزد تو مرا یعنی
توفیق شکر نعمت است و این بیان عجز است از شکر پس وحی کرد خداوند
بسوی داود علیه السلام ای داود اکنون شکر کردی تو مرا و رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود که هر که شکر نگوید مردمانرا شکر نگفته باشد خدای تعالی را
و عایشه رضی الله عنها گفت که رسول صلی الله فرمود چون روز قیامت

مت باشد جمع کند خدای خلق اولین و آخرین را در یک بلندی پس بیا
رند مردی را که نعمتها داده باشد وی را برادر مسلمان پس گوید او را چه کردار
نیک کردی در آن نعمتها که ترا دادم آن مرد بگوید یارب چون دانستم آن نعمتها
مر تراست شکر کردم ترا پس خدای تعالی گوید شکر من نکرده باشی چون
شکر نکردی مر آن کسی را که نعمتها روان کردم ترا بر دست او و کعب الاخبار
رضی الله عنه گفت که در توریه خدای تعالی فرموده است که شکر کن مر آنکس
را که نعمت داد ترا و نعمت بده کسی را که شکر گوید ترا بدرستی که زوال نیست نعمتی
را که چون تو شکر گویی و استادگی نیست آن نعمت را که چون تو ناسپاسی کنی
و شکر نکویی و در شکر زیاده شود نعمت و در امان باشد از غیوری خدای تعالی
یعنی خدای غیورست نعمت باز گیرد از کسی که شکر نعمت نگوید و مرویست
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که منادی کند روز قیامت که برخیزید آ
نکسانی که حمد شکر گفته آید و برخیزید گروهی علم بدست ایشان منصوب شود
و در آرند ایشانرا در بهشت و ایشان آنکسانند که شکر گفته باشد در
نفع و زیان و در خبر است که نوح علیه السلام چون چیزی بخوردی گفتی الحمد لله
و چون بوشیدی بگفتی الحمد لله پس بخواند خدای تعالی او را عبدا شکورا و بروایتی

این دعا بخوانی بعد از هر چه بخوری و بپوشی الحمد لله الذی جعل لنا اهلا
لا کلما نجد فوق الکل مالم نجد ورب واجد لم یا کل پس بخواند خدای تعالی او را
عبدا شکورا و در خبر است که عیسی علیه السلام بگذشت بغنیی دست او بگرفت
و آورد نزد فقیری و غنی را گفت که این برادر تست در اسلام و فضل کرده است
ترا بروی خدای تعالی در فراخی نعمت شکر کن پس بگرفت دست فقیر را و
آورد نزد مریض پس فقیر را گفت آخر اگر چه تو فقیر داری ولیکن زحمت ندا
ری پس شکر کن بر صحت خود پس آن مریض را نزد کافری برد و گفت مریض
را اگر چه مرض تن داری ولیکن مرض دل نداری اگر چنین کافر شدی چه میکر
دی پس شکر کن و منقولست که مردی بود نابینا بیرون آمد از خانه خود سوی
مسجد در شب باران می بارید تا نماز بجماعت گزارد پس زنش گفت که چرا در خانه
نمیگذاری آن مرد نابینا گفت هر دو دست پای من بسلامت است بروم
در مسجد و شکر دست پای خود ادا کنم چون وقت صبح بیدار شد هر دو
چشم او بینا شده بود پس گفت نیکو پروردگاریست پروردگار من شکر کر
دم او را پس جزا داد مرا در شکر من و خوجه بزرگ رحمة الله علیه گفت شکر بر
سه وجه است شکر دل است و شکر تن است و شکر زبانست پس شکر دل

دل آنست که بداند بنده که کل نعمتها از ایزد تعالی است و شکر تن آنست که ایزد تعالی
را طاعت کند با همه اعضا و شکر زبان آنست که مدام حمد گوید و شقیق بلخی رحمة الله
علیه گفت که شکر بر سه وجه است اول آنکه تو بدانی بعد از رسیدن نعمت که این
نعمت عطا کرد ترا و دوم آنکه راضی شوی بدانکه بدهد ترا سیم آنکه مادام
که قوه نعمت در تن تو باشد بخدای عاصی نشوی و حکیمی گفته است هر که در یک
طعامی که می پزد گمان دارد که یک نعمت است فهم نکرده است زیرا که آب
نعمتی است و گوشت نعمتی و حوایج نعمتی است و نمک نعمتی و لذت یافتن هم نعمتی
است و منقولست که عورتی بود عابده صایم الدهر حمزه بن محمد بلخی و حاتم
و اصم بزیارت این عورت آمدند چون در آمدند سلام کردند چون زن جواب
فرمود نور از دهان او مثل شعاع آفتاب ظاهر شد ایشان در تعجب شدند گفتند
ای خواهر از مشغولیها چه داری گفت دو شکر و دو یقین و دو خوف یکی شکر
آنکه خدای تعالی مرا اسلام عطا کرد در سابق علم خود و دوم آنکه اختیار کرد
مرا از صد بیست چهار هزار امت و بکرد مرا از امت محمد علیه السلام و یک یقین
آنکه من مومنه ام درین شکی نیست دوم یقین آنکه خدای تعالی وعده کرده
است که جنت مومنان راست و من بوان گرویده ام و یقین میدانم و یکی

خوف آنست که گناهان چون گذشته است از من در جاهلیت و دوم خوف عاقبت
و خاتمت دارم و بقای ایمان که باقی باشد پس گفتند خنک مر ترا که حال تو بزرگست
از حال عابدان این زمانه از کفایه شعبی در خبر است که چون بر ایوب علیه السلام بلا
محنت شد زن او گفت تو مستجاب الدعوات چرا دعا نکنی تا خدای تعالی ترا عا
فیت دهد جواب گفت مرا که هفتاد سال بر من گذشته است در فراخی نعمت
پس اگر هفتاد سال دیگر در بلا بگذرد تا شکر آن باشد پس از آن دعا کنم از و
عافیت خواهم و مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که جاهلان امت
من شکر گویند بر خوردن و پوشیدن و علمای ایشان شکر گویند بر توحید
و معرفت که کرامی کرده است خدای تعالی ایشان را برایشان که بدانند و
بگویند که رزق کافرانرا هم او میدهد چنانکه ما را میدهد ولیکن برگزید ما را
بایمان معرفت و خضر علیه السلام گفت که ای مظفر دریا دانی که عطسه زنند الحمد لله
چرا گویند گفت نه گفت از برای آنکه بنده غافل است و خدا بر بنده نعمتی
شمار است و بنده شکر آن نعمت نمی گزارد و فرشتگان گویند الهی بر بنده چندین
چندین نعمت داده و شکر نعمت نمی گزارد خدای تعالی دو فرشته آفریده یکی را
نام کرشیا و یکی را عیشا هر دو را فرمان دهد تا از راه دماغ او در آیند و بپهلو گذ

جبل او بجنبانند و بخارند بنده را عطسه آید گوید الحمد لله رب العالمین حق تعالی
گوید فرشتگان را که دیدید بنده من شکر نعمت من چگونه گزارد از تفسیر معزی
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که چون نعمت دهد حق تعالی بنده را پس اگر بنده
بداند که این نعمت از باری تعالی است بدرستی که ادا کرده باشد شکر آن طعام
را از خیر الحیات لس حکایت فرمودند که کوهیست در زمین شام آنرا کوه لکام
گویند درویشی در آن کوه بودی دست پای مجروح و اندام او آماس کرده و
مگسان در و جفسیده و آن درویش را قوت آن نبود که مگسان را براند و بکو
مان زبان او از ذکر حق تعالی خالی نبود و همی گفت الله الله بزرگی نزدیک او رفت
و پرسید که ای برادر ترا چه حالست گفت شکر بر خدای را آن بزرگ گفت شکر بر کدام
نعمت گویی که صحت نفس نداری و مواد نداری و اعضا مجروح مزاحمت مگسان
گفت بر نعمت ایمان شکر میگویم که نعمت ایمان نعمتی است که اگر هر مویی هزار زبان
شود و یک زحمت هزار شود هنوز شکر نعمت ایمان نتوانم گفت بعد از آن
فرمود که بهشت بواسطه ایمان خواهد بود از تفسیر منیر قال الله تعالی و
قلیل من عبادی الشکور و کم اند بندگان ما شکر کنند مر نعمتهای ما را اما داود
و سلیمان علیهما السلام از جمله شاکران بودند که خود نان جوین خوردندی

تو مردمانرا گفته مینی دادندی ویتیمان وبیوه کان را نان میده دادندی نقل از
کتاب علم دین قوله تعالی اعملوا آل داود شکرا وخداوند تعالی میفرماید یا آل داود شکر
کنید مرا ای کوید شکر کوبید مرا تا بدانید که شکر بفعل است ونه بقول وآورده
اند که جنید بغدادی رحمة الله علیه هفت ساله بود وسری سقطی رحمة الله علیه
خال وی بود اورا با خود بحج برده بود در مسجد حرام بمسجد مکه مسئلهٔ شکر میگذشت
چهار صد پیر بودند چهار صد قول بگفتند در شرح وبیان شکر حال جنید روی سوی
جنید کرد وگفت ای پسر تو نیز چیزی بگوی جنید ساعتی سر در پیش افکند پس گفت
الشکر ان لا تعصی الله بنعمه گفت شکر آنست که نعمت که بر تو داده است برو
عاصی نشوی ونعمت ویرا سرمایهٔ معصیت نسازی چون جنید این بگفت آن چهار
صد پیر بیکبار گفتند که چنین است یا قرة العین از تنبیه ابو اللیث رحمة الله علیه
روایت کرد از سعید بن جبیر واو از ابن عباس رضی الله عنهم از رسول صلی الله
علیه وسلم گفت اول گروهی که به بهشت خوانند شکر کنندگان باشند آنان که در نعم
وشادی خدایرا شکر کنند پس واجبست بر بنده که خدایرا شکر گوید بر آنچه برو
رسد از بلا وسختی باید که مؤمنی اقتدا بر انبیا علیهم السلام کند خاصه
بر پیغامبر ما صلی الله علیه وسلم که صبر کرد بر آزار کافران ورسول صلی الله علیه وسلم فرمود

فرمود که ایزد تعالی گفت که من خشنود شوم از بنده که چون طعام خورد و
شراب نوشد ومرا شکر گوید ایضاً اسماء بنت مزید گفت از رسول صلی الله علیه
وسلم شنیدم چون ایزد تعالی خلق اولین وآخرین را گرد کند منادی برآید چنانکه همه
خلق بشنوند وگوید که برخیزید آنکسانی که پشت پهلو از بستر خواب بر داشتند
وغاز کردید پس برخیزند پس باز دیگر ندا کند برخیزید آنکسانی که شکر کردید حق
تعالی را در نهان وآشکارا ایشان نیز برخیزند پس بانگ کند که برخیزید آنکسانی
که دنیا شما را مشغول نتوانست کردن واز ذکر حق باز داشت این هر سه گروه برخیزند
وایزد عز وجل ایشانرا به بهشت برند آنگاه حساب کند با همه خلق از تنبیه ابو اللیث
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه را دو خصلت بود نزد خدای ایشان از شا
کران باشند واز صابران اول آنست که پیوسته از بهر دین مسلمانی شکر کند و
دوم هرکه در کار دین از وی بزرگتر بود اقتدا بوی کند وفقیه گوید رضی الله عنه
که تمامی شکر در سه چیز است اول آنست که چون ترا چیزی دهد اول بنگری که داد
شکر کنی تا در روی آن منعم را ودوم بر آنچ رضا دهی تا منفعت آن بتو رسد
وسیم آنکه نیکو تأمل کنی تا در وی عاصی نشوی وروایت کند ابن عباس رضی الله
عنه از رسول صلی الله علیه وسلم گفت که در دو نعمت بسیار مردم گم راه شدند اول در تن

در تندرستی دوم فراغت باب سیزدهم در بیان صبر رضا از کفایهٔ شعبی آورده اند
که یکی بود از صالحان سه روز طعام نیافت بعد از سه روز صبرش نماند قصد کرد وبرفت
بر در یکی از درهای اغنیا تا طعامی سوال کند چون نزدیک در رسید سگی بروی بانگ زد
سگ را گفت بانگ مکن مزن اگر چیزی یابم میان من وتو مناصفه باشد سگ سا
کن شد ودوم نزد آن درویش سوال کرد از درون خانه یک نانی آورده ودادند
آن درویش نیم نان پیش سگ نهاد ونیمی برای خود نگاه داشت سگ بدان التفات
نکرد آن نیمهٔ دیگر نیز پیش نهاد هم التفات نکرد هاتفی آواز داد که ای جوانمرد شرم
نداری که سه روز گرسنه بودی صبر نتوانستی کردن واین سگ از ده روز باز گرسنه
است وصبر میکند وغم نالد وبر کسی دیگر نمی رود وآورده اند که ابو حفص
کبیر را رحمة الله علیه پسر بود نقل کرد گفت در عزا بسیار مردمان بر من جمع
شدند هیچ خفتی در خود نمی دیدم تا سه نفر آمدند بر من آمدند جمله غم واندوه
من بر فت یکی دیوانهٔ درآمد بر من گفت یا شیخ صبر کن اگر نکنی چه کنی ودوم درآمد
بر من مخنثی گفت یا شیخ صبر کن اگر فرزند تو چون من آمدی چه میکردی وسیم
بیامد بر من مجوسی گفت یا شیخ صبر کن آنچه فرزند تو یافت نزد خدای تعالی
بهتر اورا از پدری تو وآنچه تو یافتی از مصیبت او از خدای تعالی بهتر ترا از فر

از فرزندی او از فواید الفواد سخن در صبر جمیل افتاد ودر معنی آنکه بوقت
صبر کردن شکر فرست بر خلاف آنکه جزع میکند وبنام آن رفته آواز میکنند
این نوع چیزی نیست در میان فرمود که بقراط حکیم را بیست پسر بود در یک
روز هر بیست بمرد خانه بر سر ایشان فرود افتاد وهر بیست بمردند چون خبر بقراط
رسید هیچ مزاج تغیر نکرد ونیز فرمودند که مجنون را خبر کردند که لیلی مرد گفت
غرامت بر منست که کسی را دوست گرفتم که فانی شد وبعد از آنجا سخن در صبر
افتاد ورضا فرمودند که صبر آنست که چون مکروهی به بنده رسد در آن صبر کند
وشکایت نکند اما رضا آنست که از آن هیچ کراهی نبود ونرسد چنانکه گویی
که آن بلا باو نرسیده است بعد از آن فرمودند که متکلمان این معنی را منکر اند
ایشان میگویند که هرگز توهم تصور ندارد که کسی را مکروهی برسد واز آن او را
کراهیت نباشد فرمود که این را جوابها ست یکی آنکه بسا بنده باشد مردی در
راهی می رود خاری در پای او می رود وخون روان میشود واو چنان تعجیل می رود
ودل او مشغول چیزیست که او را از آن خبر نبود بعد از ساعتی او را معلوم
میشود وبسا باشد که یکی در محاربه مشغولست او را زخم می رسد او چنان مستغرق
حربست که او را اصلا از آن آگاهی نیست بعد از آن که تمام خود می آید که او را معلوم

میشود پس اکنون استغراق آن معانی که گفته آمد از آن دردهای خبر باشند پس اگر
مشغول حق باشد طریق اولی لختی سخن در تسلیم افتاد و رضا دادن بقضاء الله
اینجاه حکایت فرمود که درویشی نشسته بود مگسی بیامد و بر بینی او نشست آن درویش
براند مگس او باز بیامد و بنشست درویش گفت خدایا من میخواهم که مگس بر
بینی من ننشیند و تو میخواهی که بنشیند من خواست خود بگذاشتم خواست تو و
بهرچه خواست توست بدان ساختم چون این بگفت مگس از بینی او برفت از تفسیر
مغنی در حدیث است که روز قیامت بیارند اهل غازرا و بدهند اجر ایشانرا بوزن
و بیارند اهل حج را و بدهند اجر ایشانرا بوزن پس بیارند اهل بلارا پس وزن
نتواند کردن بدهند اجر ایشانرا بغیر حساب تا که آرزو ابرند اهل عافیت کاشکی
تن ما در دنیا بمقراض می بریدند تا ما را امروز فضل بلا دادندی و مرویست که
وزیری بود عیسی پیغامبر را علیه السلام او را درنده بخورد عیسی گفت یارب سگی
بگماشتی بر وزیر من تا او را بدرید خدای تعالی وحی کرد سوی عیسی علیه السلام گفت
یا عیسی او را به نزدیک من درجه بلند بود و منزلتی رفیع عمل او بدان نمی رسید پس
من مبتلا کردانیدم او را بدان درنده تا او را بمقام خود برسد ایضا از تفسیر مغنی
رسول صلی الله علیه وسلم گفت که خدای تعالی دفع میکند بلارا از برکت مصلی از تارک الصلوة

الصلوة و از برکت روزه دار از تارک الصیام و برکت غازی از تارک الغزا از برکت
حاجی از تارک الحج و از برکت گزارنده روز جمعه از تارک الجمعه و اگر توکل آرند همه
این چیزها را خدای تعالی مهلت ندهد که تا چشم بهم زنند ایضا رسول صلی الله
علیه وسلم گفت که خدای تعالی از برکت یک مسلمان صالح صد کس را از اهل بیت
او و همسایگان او از بلا نگاه دارد از تفسیر منیر در خبر است که صبر بدو وجه است
وقت مصیبت و گزاردن طاعت و در مصیبت و هر که بر مصیبت صبر کند از فزع و
جزع و جامه دریدن و موی روی کندن سیصد درجه بهشت بدهند او را
از درجه تا درجه از آسمان تا بزمین و هر که خود را از ریا و عجب والتفات و جامه
راست کردن و در نماز و در روزه زبان از لهو و لغو و غیبت و دروغ و حرام
نگاه دارد ششصد سیصد درجه بدهند میان هر درجه از عرش تا ثری و در جامع
الفقه آورده است که بعضی مشایخ بخارا گفته اند که بر مردان احداد
واجب نیست یعنی سوگ داشتن واجب نشده است مگر تبعا للعدة و عدة
بر زنان است نه بر مردان و در حدیث آمده است که حلال نیست هیچ زنی را که سوگ
داشتن زنان و آن ترک جمله زینتها و خوش بویهاست خضر علیه السلام گفت ای
مظفور دریا ایوب پیغامبر علیه السلام چون لذت سماع بدانست گفت الهی مراد و از ده

دارد بر مرده بیش از سه روز مگر بر شوهر ... چهار ماه و ده روز

هزار زبان دهی تا بهر زبانی تسبیحی کنم خدای تعالی داد او را ده هزار کرم در تن او
پیدا آورد تا جمله تسبیح می کردند ثواب آن همه او را بودی ای مظفور در بیان رسول
صلی الله علیه وسلم گفت که چون مومنی را فرزندی وفات کند ایزد تعالی فرشتگان را
گوید قبضتم روح ولد عبدی یعنی قبض کردید جان فرزند بنده مومن گویند
بلی و گوید میوه دل بنده مرا ستدید گویند بلی چه گفت او و آنا تو است گویند بنده
گفت انا لله و انا الیه راجعون گوید بنده حمد گفت حضرت ترا و صبر کرد ایزد تعالی
فرماید تا بنام آن بنده خانه بنا کنند و آنرا بیت الحمد نام کنند رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود که نیست از ما که جامه پاره کند و یا نعره زند در مصیبت از تفسیر منیر
صبر بر سه گونه است یکی آنکه از بهر کسی دلش بسوزد اگر صبر کند لا له ولا علیه و آن
عزیزی بود و سمعتی آنکه بنهان جزع کند و پیش مردم صبر غایب عقوبت واجب آید
و نه مثوبت و حسبتی آنکه حال میسوزد و نفس تقاضا میکند فی الله والله خو
یشتن را از جزع و فزع و مصیبت باز دارد لاجرم قال الله تعالی و نهی النفس
عن الهوی فان الجنة هی الماوی ایضا در صبر جمیل گفته اند که باواز خروشد و
جامه دریدن نباشد و بر روی زدن نباشد و بزبان از خدای تعالی فریاد کردن و
گله بد لا از خدای تعالی ناپسندیدگی نبود نه هر چند که دل میسوزد و چشم می گرید

ای صبر نبود خواجه حسن بصری رحمة الله علیه گفت چون یوسف پیغامبر را علیه السلام
در چاه وحی آمد آن روز او هفده ساله بود و از پدر هشتاد سال غایب ماند
از پس و پدر از پدر بیست سال بود بیست و جبرائیل علیه السلام بنزدیک یعقوب بزندان
آمده بود یوسف بپرسید که یا جبرائیل خبر یعقوب چه داری گفت چندان غم دارد
از بهر تو که صد مادر فرزند مرده را نباشد اما ایزد تعالی او را بدان صبری که میکند
ثواب صد شهید داده است بدین قصه دلیل آمد که اگر کسی برای غریبی که مرده
باشد و یا غایبی غم خورد تا بگرید آن بی صبری نباشد اما بی صبری آن بود که بدل
از خدای ناپسندیده باشد و بزبان شکایت کند و فریاد و جزع نماید از تنبیه ابو
اللیث روایت کرد عبد الله بن حارث از عبد الله بن مسعود رضی الله
عنه که پیغامبر ان بنا الیه گفت الهی بنده مومنی ترا طاعت دارد و از معصیتها دور
باشد دنیا از وی باز داری و بلا را بروی بگماری و دیگر بنده کافر ترا طاعت
ندارد و بر گناهان دلیری کند بلا از وی بگردانی و دنیا بروی بگستردانی ایزد تعالی
وحی کرد سوی وی و گفت بنده مراست و بلا مراست و همه مراست مومن گناه
دارد دنیا از وی باز دارم و بلا بر وی گمارم تا کفارت گناهان وی کرده و چون
بنزدیک من آید بی گناه آید انگاه نیکیهای وی را ثواب دهم و کافر را دنیا ست در

دنیا روزی بروی بگشایم و بلا از وی باز دارم تا جزا دهم وی را در روز جاودان
و روایت کند ابن مسعود رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم گفت هر که را پنج
چیز روزی کردند دنیا و آخرت وی را روزی کرد تعالی اول خرسند بودن بقضای خدای
تعالی دوم صبر کردن بر بلا و سختی سیم در وقت فراخی دعا کردن و گویند که چهار
چیز از گنجهای نیکی است اول پنهان داشتن دردها دوم پنهان داشتن
درویشی سیم صدقه دادن پوشیده و چهارم پنهان داشتن بلاها وهب بن
منبه گوید که در توریه چهار خط یافتم از پس یکدیگر نبشته اول این بود که هر که کتاب
خدا را بخواند و گمان برد که وی را نیامرزد او از آن کس باشد که بر کتاب خدای تعالی
افسوس کرده بود و دوم خط این بود که هر کرا مصیبتی رسد و او در آن مصیبت
صبر نکند و گله کند همچنان است که از ایزد تعالی گله کرده باشد سیم خط این
بود هر که غم خورد بر آنچه از وی رفته بود چنان بود که قضای خدای تعالی خشم میکرد
و چهارم این بود که هر که تواضع کند توانگر برا از برای توانگری وی پس یکی از دین
وی برود و روایت کنند از رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون یکی را مصیبتی
رسد اگر روزگار بر آمده باشد بگوید انا لله وانا الیه راجعون همچون مزد
بود که در روز اول بود و منقولست که موسی صلوات الله علیه مناجات کرد

کرد گفت الهی چه مزد باشد آنکسی را که بیماری را بپرسد گفت او را همچنان از
گناه بیرون آید که گویی آن روز از مادر زاده است پس گفت یارب چه مزد
باشد آنکسی را که از پس جنازه رود گفت فرشتگان فرستم تا بر سر بنده من روند
گفت یارب چه مزد باشد مصیبت رسیده را گفت سایه دهم مر او را در آن روز
که سایه نباشد مگر سایه عرش و منقولست که در بعضی کتاب منزل شده
است شش خط نبشته اول خط نبشته است که هر که بامداد برخیزد بر دنیا
حریص بود خدای تعالی بروی بخشم بود و خط دوم هر کرا مصیبتی رسد
و گله کند چنان باشد که از خدای گله کرده بود و خط سیم آن بود که هر که باک ندارد
از دوزخ که هرچه باید بگیرد خدای وی را با آتش دوزخ اندازد و چهارم
خط این بود که هر کرا بیشتر قصد او شهوات بود ترس خدای از وی برود و
ششم خط این بود که هر که کافر را تواضع کند از بهر مال بامداد که برخیزد بدر
وی شی مبتلا شده باشد **باب چهاردهم** در مناجات و دعا و اوقات استجابت
دعا مشتمل بر هفت فصل **فصل** اول در مناجات از خلاصة الحقائق رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود بدرستی که خدای را فرشته ایست موکل بر دعا پس هر که گوید
یا ارحم الراحمین سه بار فرشته گوید راست گفتی که خدای تعالی ارحم الراحمین است

و بتو نزدیکتر است بخواه از وی هرچه خواهی و مرویست که جبرائیل صلوات الله
علیه شنیده که ابراهیم علیه السلام مناجات میکرد و میگفت یا کریم العفو پس
جبرائیل علیه السلام ابراهیم را گفت میدانی که معنی کریم العفو چیست گفت نی دانم گفت
آنکه گناهان را عفو کند و بدل گناه نیکیها دهد و در خبر است که پیغامبری از پیغا
مبران مرگونی داشت شخصی آنرا بدید وحی کرد ایزد تعالی بروی بدرستی آنکه دیده
است از من خواسته تا ستر کنم او را از تو و من سوال او رد نکنم و سوال ترا
هم رد نکنم پس بگیر از من مرگونی دیگر تا آن شخص فضیحت نشود و در خبر است
که داود صلوات الله علیه گفت الهی فرموده ما را که پاک داریم برای تو روی خود
و دستها و پایهای خود پس بچه چیز پاک داریم دل خود را خدای تعالی فرمود که ای
داود باندوهها و غمها و آورده اند که اعرابی بیامد در روضه رسول صلی الله علیه
وسلم و گفت الهی فرموده ما را بآزاد کردن بندگان بر سر قبر دوستان خود و این
روضه حبیب تو است و من بنده توم پس آزاد کن بنده خود را بر سر قبر حبیب خود
آوازی شنیدم که ما ترا آزاد کردیم ای اعرابی بخیلی کردی و تنهای نفس خود را خوا
ستی بعزت و جلال من اگر تو درخواست میکردی جمیع خلق روی زمین را
همه را آزاد میکردم بکرامت این حبیب و در خبر است که موسی صلوات الله علیه

علیه از فرعون بگریخت و بسوی مداین آمد و از تشنگی آب دیده بگشاد پس
بحضرت عزت مناجات کرد و گفت الهی من غریبم و مریضم و فقیرم پس وحی کرد
خدای تعالی موسی را که ای موسی بدانکه مریض کسی است که نیست وی را چون من
طبیبی و غریب کسی است که نیست وی را چون من حبیبی و فقیر کسی است که نیست
وی را چون من آشنایی و مناجات رسول صلی الله علیه وسلم این بود الهی بحر
مت طه و من تلاها و بحرمت یس و من قراها و بحرمت مکه و من بناها و
بحرمت العصر و من صلاها ابلغ نفسی الی مناها از کفایه شعبی در خبر است که
موسی علیه السلام مناجات کرد بحضرت عزت جل و علا گفت یارب حق تعالی فرمود که
لبیک بار دوم گفت یارب اجابت کرد که لبیک یا موسی پس گفت یارب من بنده توم
موسی ع
و تو پروردگار من چون ترا میخوانم اجابت میکنی بلبیک پس باری تعالی فرمود
بدرستی که من سوگند یاد کرده ام که هر که مرا بخواند با خلاص اجابت کنم او را
بلبیک و مرویست که اعرابی بیامد بخدمت مصطفی صلی الله علیه وسلم در مسجد و
دو رکعت نماز بگذارد بعد از سلام سه بار بگفت یارب با خلاص چون چهارم بار
بگفت یارب رسول صلی الله علیه وسلم تبسم کرد اعرابی گفت یا رسول الله بر
دعای من میخندی رسول صلی الله علیه گفت نه ولیکن تبسم تعجب بفضل خدا

کلام که هرگاه که تو میگفتی یارب اجابت میکرده که لبیک **فصل** دوم در فضیلت
دعا از خلاصة الحقایق مؤمن باید که بهیچ وجه ترک دعا نکند که دعا عبادت
است چنانکه در خبر است الدعاء مخ العبادة و هرکه پنج چیز باز کیرد خدای تعالی پنج
چیز از وی باز کیرد اول هرکه زکوة باز کیرد خدای تعالی عافیت از وی باز کیرد
و هرکه نماز باز کیرد حق تعالی در وقت مردن ایمان از وی باز کیرد و هرکه دعا باز کیرد
حق تعالی استجابت دعا از وی باز کیرد ایضا رسول صلی الله علیه و سلم فرموده که د
عا کردن عبادت است و دعا کننده و آمین کوینده هر دو در اجر برابرند
و استاد و شاکرد در علم کفتن و شنیدن در اجر برابرند و رسول صلی الله علیه و سلم
فرمود که دعا شفیع است آن چیز را که نازل خواهد شدن و نشده است آنرا
دفع میکند و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که نیست کرامی تر نزد خدای تعالی از
دعا از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هرکه دعا نکند و از خدای تعالی حاجت
نخواهد و بی نیازی نماید خدای تعالی او را دشمن دارد از حقایق اکر دعا کننده سزای
استجابت دعا نباشد از سه چیز باز نماند یکی آنکه زاری و تضرع کند که بنویسند در
دیوان او نیکیهای بسیار دویم تا از وی اعمال او نهد سیوم اکر مستجاب نمیکند باری
از دعا کردن و حاجت خواستن او را نقصان باشد که مستجاب شود سیم

سیم در دعا کردن شرمش زیاده شود و معصیت نکند زیرا که هرکه از کسی طمع
نیکویی دارد شرمش آید که در وی عاصی کردد و بدانکه حق سبحانه و تعالی بکردن
توفیق ندهد تا نخست اجابت تقدیر نکرده باشد و در فتاوای خانی آورده است
که اکر مردی دعا کند و دل او بر دعا حاضر نباشد بهتر است از آنکه دعا نکند از تفسیر
مغنی رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هرکرا شکر روزی کرده شود او را محروم نکنند
از طاعت و هرکرا توبه روزی کرده شود او را محروم نکنند از قبول توبه و هرکرا
استغفار روزی کرده شود او را محروم نکنند از آمرزش و هرکرا دعا روزی کرده
شود او را محروم نکنند از اجابت **فصل سیم** در آداب دعا از فواید الفواد سخن
در دعا افتاد که بنده در وقت دعا باید که هر معصیتی کرده باشد پیش خاطر نیارد
و نه هیچ طاعتی زیرا که اکر طاعت پیش دل آرد آن عجب باشد و دعای معجب مستجاب
نشود و اکر معصیت پیش دل آرد در اتفاق دعا سستی آرد پس وقت دعا نظر
خاص بر رحمت حق می باید داشتن و موقن بودن که البته این دعا مستجاب است
دیکر فرمود که وقت دعا باید که هر دو دست کشاده دارد برابر سینه و اینچنین
هم آمده است که هر دو دست متصل یکدیکر باید داشتن و پس بلند نباید داشت
هم چنین صورة باید که بست کویی همین زمان چیزی در دست او خواهند انداخت

در اثنای این معانی این هم فرمود که دعا تسلیتی دلست خدای تعالی میداند که چه باید
کرد از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که چون سوال کنید از باری
تعالی بخواهید بکفهای هر دو دست و نخواهید به پشت دستها چون فارغ شوید از
دعا هر دو دست بروی خود آرید از حقایق آداب دعا آنست که چون دست بدعا
برداشته باشی در آن زمان بی ادبی نکنی و هوش داری و جیب راست نکری در
دل بیهوده نیندیشی و بدست باز نکنی و جای دیکر نظر نکنی چشم پیش داری یا سوی
آسمان نکری و هر دو دست برهنه کنی تا آرنج و آواز پست داری و زاری کنی که بوقت
دعا آواز بلند کردن معصیت است و در دعا الحاح کنی که خدای تعالی الحاح در
بسیار در دعا دوست میدارد و چون تو در دعا کاری کنی که خدای تعالی آنرا دوست
ندارد پس که چیزی یابی که دوست میداری و دیکر در دعا اختیار نباید کرد که اختیار
شومست و بنده را اختیار نرسد که حق تعالی اختیار بخود اضافه کرده است و کفته
است که وربک یخلق ما یشاء و یختار و اختیار کردن در دعا آن باشد که کویی یارب
فلان چیز مرا ده و مرا بفلان شهر برسان و مرا فلان شغل ده و مرا صحبت
فلان ده و مرا درجه اولیا ده و حق تعالی کفته است که ان الله یحب المعتدین چنا
نکه کسی کوید یارب مرا بدرجه ابراهیم ادهم برسان کسی که هنوز در بانی را نشاید

نشاید درجه ندیمان چون جوید و آنچه بدین مانند قیاس کن پس ترا باید کفت یارب
آنچه تو پسندی و صلاح دین من در آنست مرا آن ده و آنچه مقصود تست
خدای تعالی ترا الهام دهد و داده است ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة
حسنة و قنا عذاب النار در خبر آمده است هرکه این دعا پیوسته بکوید خدای
تعالی او را در دنیا بعافیت دارد و در کورش بعافیت دارد و در قیامتش بعافیت
دارد و همچنان در عافیت میدارد تا در بهشت برود و دیکر دعا که آموختنا
نیده است ما را خدای تعالی در قرآن ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب
لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب و دیکر از دعا و چنین بکوی که الهی این
چیز که میخواهم مرا بده در عافیت و رضای خود زیرا که هر نعمتی که تو دهی اکر آن
نعمت در عافیت نباشد و در بلای تو طاقت بلا نداری **فصل چهارم** در شرایط
استجابت دعا از تفسیر مغنی اجابت دعا دیکر است و قضای حاجت دیکر است
اجابت دعا آنست که اکر بنده بکوید یارب حق تعالی کوید لبیک عبدی و آن وعده کر
ده شده است و موجود هر مؤمنی و موحدی را و قضای حاجت دادن مرا
د است و این بعد از مدتی باشد و یا در آخرة باشد یا خیر او در آن نباشد و غیر
آن باشد زیرا که خدای تعالی صلاح بندکان بهتر میداند یا شد که وقت دیکر بدهد

وآورده اند که ابراهیم ادهم رحمة الله علیه ببازار بصره میگذشت خلق بروی جمع شدند
وگفتند که خدای تعالی در کتاب خود فرموده است ادعونی استجب لکم ما دعا
میکنیم مستجاب نمیشود پس ابراهیم ادهم گفت بدرستی که دلهای شما مرده است
بده چیز اول آنکه شناسید خدا برا و ادای حق او را نمیکنید و دوم آنکه میخوانید
کتاب خدای را و عمل نمیکنید بدان سیم آنکه دعوی میکنید محبت رسول
خدا برا و ترک می آرید سنتهای او چهارم آنکه دعوی میکنید عداوت شیطان
را با او موافقت کرده آید و پنجم دعوی میکنید محبت بهشت را و عمل نمیکنید
مر آنرا و ششم دعوی میکنید خوف آتش دوزخ و رهن کرده آید بران نفسهای
خود را و هفتم اقرار میکنید که موت حق است و ساخته نمیشوید مر آنرا
و هشتم مشغول میشوید بعیب برادران و از عیب خود یاد نمیکنید و نهم
میخورید نعمتهای خدا برا و ناسپاسی میکنید و دهم دفن میکنید مردگان را
خود را و بدان اعتبار نمیگیرید و انتباه نیست مر شما را و در حدیث است
که بنده بخیر است تا که عجلت نمیکند و چون عجلت کند چیزی نیابد گفتند چگونه
عجلت گفت آنکه بنده دعا کند چون روزی بر آید گوید که من دعا کردم بخدای
عزوجل و مستجاب نشد از حقایق چون توفیق دعا یافت گو اشتاب استجابت

بت مکن و در ضمن این کار چند چیز است یکی آنکه لقمه را بنگرد از کجاست
که لقمه حلال باید اگر حرام بود استجابت را چشم نباید داشت و در خبر است که
یک لقمه از حرام چهل روز دعا را مستجاب نگرداند و دیگر آنکه بعضی دعاها
از آنهاست که اگر اجابت شود مؤمن در آن هلاک شود و حق تعالی جل
جلاله صلاح کار بندگان را بهتر میداند و بعضی دعا آنست که در دنیا نمیدهد
و بجهت آخرت ذخیره میکند و در آخرت ثمره آن دعا را بدو میدهد چون
مؤمن روز قیامت از ثواب و ثمرات آن آگاه میشود و میگوید کاشکی هیچ
دعای من در دنیا مستجاب نشدی و همه در آخرت ذخیره میشدی و تا این
زمان ثواب آن می یافتم و از رسول صلی الله علیه وسلم مرویست هر که خواهد که
دعای وی مستجاب شود پس درود گوید بر رسول صلی الله علیه وسلم و پس توان
دانست که دعای که در میان درود بود هم رد نشود و پس رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که اعمال موقوفست و دعا محبوس تا درود نگوید بر من و چون درود
گوید مرا و دعا کند خود را پس بیامرزد خدای تعالی او را و دعای او مستجاب کند
از تفسیر مغنی مردی از خدای فرزندی خواست و صفت نکرد که چون فرزند
بده حق تعالی جل جلاله ویرا فرزندی مخنث داد آن مرد ملول شد بغایت متفکر

گشت و گفت خدایا مرا چنین فرزندی مخنث دادی پس آوازی شنید که سؤال ترا
اجابت کردیم که تو فرزند مطلق خواستی و شرایط دعا ندانستی و شرایط این بود
که میگفتی مرا فرزندی بده صالح و ولی و شایسته که نسل او از صلحا باشد چنانکه
خواست زکریا علیه السلام از ترغیب الصلوة هر که خواهد که دعای وی مستجاب شود
باید که وی دو چیز نگاه دارد یکی آنکه در دعا دل حاضر دارد و دیگر لقمه و کسوه
از وجه حلال سازد تا دعای وی اجابت پذیرد که اگر در خانه مؤمن رشته تای از حرام
باشد اهل آن خانه را دعا مستجاب نشود کما قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ان
کان فی بیت المؤمن سلک حرام لم یستجب دعوته و در خلاصة الحقایق آورده
است که مردی پرسید عالمی را که چه کنم تا دعا و حاجت من مستجاب شود آن عالم
گفت لقمه حلال بخور و لباس حلال بپوش و دعا کن تا به بینی اجابت شدن
را آن مرد ویرا گفت که درین زمانه آن کجاست عالم گفت برو در کنار رود و جامه بیرون
کن و در آب درآی و جنتی بخور و آب را ستر کن خوردن و نوشید تو از الحلال
باشد پس در آن محل بخواه هرچه خواهی پس آن مرد گفت بارک الله این چنین است
فصل پنجم در اوقات استجابت دعا و بر آمدن حاجت از تفسیر مغنی امیر
المؤمنین علی رضی الله عنه گفت از اسباب دعا یکی آنست که از پس نماز و طاعت که

عت که خالص باشد خدا برا دعا کند و در عقب صدقه که بنیت صادق دهد
و باید که نخواهد در دعا شر برا که آن حکم کردن باشد و در میان حکم کردن و
دعا کردن فرقست و روایت کرده اند از رسول صلی الله علیه وسلم که وی گفت که
موسی علیه السلام پرسید از خدای تعالی که کدام ساعتست که ترا بخوانم و تو مرا اجابت
کنی پس فرمان آمد از خدای تعالی تو بنده مایی و ما پروردگار تو هرگاه مرا بخوانی
اجابت کنم ترا یا موسی کلیم من و موسی علیه السلام چند بار همین درخواست میکرد
پس فرمان حضرت رسید ویرا که بخوان مرا در نیم شب که اجابت کنم اگرچه سخن چنین
خواند مراد از آن وقت و از تفسیر مغنی والی مشارق و در خبر است که چون نیم شب
شود و ثلثان شب ندای شود از حضرت عزت تا صبح که هست از سائلی
که بدهیم ویرا سؤال وی و هست از دعا کننده که اجابت کرده شود دعای وی
و هست از استغفار کننده که آمرزیده شود گناهان او و خطاهای او ایضا
و در خبر است که مردی بیامد بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ویرا که
نصف آخر شب و دیگر اوقات باجابت دعا در وقت ماه دیدن و دعا بوقت
اقامت گفتن و دعا کردن بوقت باریدن باران و روایت است از رسول صلی
الله علیه وسلم گفت در ماه ذی الحجه شبی است و آن شب دهم است خدای تعالی

دران شب مؤمنان را نظر رحمت کند و دیگر شب عرفه دعا کردن و دعای روزه دار خاصه وقت روزه گشاده و در آخر نمازهای فرض و از عقب صدقه و از پس گفتن و شنیدها بانگ نماز چون دل حاضر داری و مؤذن را جواب داده باشی از تنبیه ابواللیث هر نمازی که در آن شوی سنت نیست زود دست بر داشتن سنت است رسول صلی الله علیه وسلم تعالی قال الله فاذا فرغت فانصب و رسول صلی الله علیه وسلم گفت غنیمت دعا وقت رقت دلست که چون دل خویش شود و تنگ گردد و آب در دیده آید استجابت دعا اندران وقتهامی باشد و دعای که با غفلت بود و بی خبری دل باشد مستجاب نشود و در خبر است که پنج شب است که دران شبها دعا رد نیست شب آدینه و شب اول ماه رجب و شب برات و شب عیدین

فصل ششم در دعای کسانی که مستجابست و در حدیث است که مستجابست دعای برادر بر برادر و دعای مادر و پدر در حق فرزند و دعای فرزند بر مادر و پدر و دعای حج گزار و دعای مسافر که سفر معصیت نبود و دعای مظلوم و دعای امام عادل و دعای انک در سجود بود و دعای کسی که دستها بر گیرد بخدای و دعای غایب بسفر و دعای بندگان مر مولا را و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بپرهیزید از دعای انک وی را فریاد رسی نباشد و کسی غم خواری نباشد وی را جز خدای عز وجل و امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت که چون مومنی سنت و جماعت را دوست دارد مستجاب کند خدای تعالی دعای وی را و روا کند حاجت او را و عفو کند گناهان وی را و بدهد وی را براتی از آتش و نفاق

فصل هفتم آنچه مانع اجابت دعاست و در خبر است هر زنی که خلعها بوشد زبان کار باشد در حق خود و خدای تعالی فرموده است که مستجاب نشود دعای انکس که نماز را سبک بدارد و این انکس بود که او طلب جماعت نکند و چو جماعت را در یابد بگذارد و اگر جماعت نباشد نیابد و فوت شود او را ازان افسوس نباشد و در خبر است که دعای کس مستجاب نشود مردی که در ذمت وی دین باشد و ندهد و مردی که مال را بنادانان دهد که ایزد منع کرده است که ولا تؤتوا السفهاء اموالکم و مردی که زن بدخلق را نگاه دارد و او را طلاق ندهد و در حدیث است که هر که خنده زند در پس جنازه و خورد اند خدای تعالی خوار کرداند او را در روز قیامت در نظر خلایق و بر هر کسی که عشر واجب بود و ندهد دعای او نپذیرند و بر هر که زکوة واجب شود و ندهد دعای او مستجاب نشود

باب پانزدهم در نماز و ادعیه بجهت قضای حاجات و کفایت مهمات و خلاص محبوس و ادعیه پیش بزرگان رفتن مشتمل بر پنج فصل

فصل اول در نماز قضای حاجات

و نماز کن فیکون او هر کرا غمی و اندوهی بود و یا از کسی وهم دارد و یا درمهمی پیش آید این نماز بگذارد شب بگذارد که ازان غم و اندوه فرج یابد و مشکل نیارد که بگفو انجامد اول غسل کند پاک و جامه پاک بپوشد اول شب آدینه چهار رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از فاتحه صد بار بگوید و افوض امری الی الله و در رکعت دوم بعد از فاتحه بگوید لا الی الله تصیر الامور و در رکعت سیم بعد از فاتحه صد بار بگوید نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین و در رکعت چهارم بعد از فاتحه صد بار بگوید انا فتحنا فتحا مبینا چون سلام ~~نماز~~ دهد صد بار بگوید غفرانک ربنا و الیک المصیر پس سر بسجده نهد و دستها بردارد صد بار بگوید استغفر الله و اتوب الیه هنوز سر از سجده بر نیاورده باشد که حاجت او روا شود و منقول است از خضر علیه السلام که نماز حاجت پیش از صبح بگذارد دو رکعت بخواند در رکعت اول فاتحه هفت بار و قل یا ایها الکافرون یکبار و در رکعت دوم فاتحه هفت بار و قل یا ایها الکافرون یکبار و قل هو الله احد یکبار بعد از نماز بنشیند و ده بار بگوید سبحان الله والحمد لله الی آخره و ده بار بگوید ما شاء الله کان و ما لم یشا لم یکن و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء علما و احصی کل شیء عددا و ده بار صلوات دهد و ده بار استغفار استغفار و ده بار یا حی یا قیوم پس سر بسجده نهد و ده بار بگوید یا غیاث المستغیثین اغثنی یا مغیث پس بنشیند سر برهنه کند و دستها بلند بر دارد و بصدق و اخلاص چهار بار بگوید یا ارحم الراحمین و انگاه آمرزش خود خواهد و انگاه هر حاجتی که خواهد ایزد تعالی روا کرداند بفضل خود و دیگر نماز حاجت آورده اند یکی از خلفاء بغداد بر تعالی نکو دشمن شد خواست تا او را بکشد آن مرد خبر یافت از شهر بغداد بگریخت و بنزدیک راهبی شد آن راهب پرسید که چو نست از شهر بیرون آمدی وی حال خود بگفت که خلیفه بر من دشمن و ضد گشته است و قصد کشتن من کرده است آن راهب گفت برو بیرون در صحرا خطی بکش و سنگ ریزه جمع کن و تیر پیغامبر ما علیه السلام بنا کن و دو رکعت نماز بگذار و هر چه دانی از قرآن بخوان و بعد از نماز هزار بار درود بگوی و بعد ازان روی بر خاک نه و سجده کن بگوی الهی انا جز عن الذهاب تربة رسولک و حبیبک المصطفی صلی الله علیه وسلم فهذا صورة قبر نبیک و بحق کل و بحق نبیک ان تفرج عنی شوری و غوغای شنید پرسید که این چیست گفتند که خلیفه خلیفه بمرد و غلامان او را قصد کردند و کشتند و در کتاب دلیل الحاج هم وارد ست این که گفته شد برای بر آمدن حاجات

ودیگر اگر چیزی دارد و میترسد که از دست او بشود از نفایس و ولایت و زمین و ملک و قریه و جز آن این دعا بدین ترتیب که گفته شد بخواند تا ایزد تعالی بروی آن مال و آن نفایس را نگاه دارد و از دست او نشود اول غسل کند و دو رکعت نماز بگزارد و آنچه خواهد از قرآن بخواند چون فارغ شود صد بار با خلاص این کلمات را بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُکَ بِعِزَّتِکَ وَقُوَّتِکَ وَقُدْرَتِکَ وَسُلْطَانِکَ وَمَا اَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ تَحْفَظَ عَلَیَّ اَمْوَالِی کُلَّهَا و اگر ولایت باشد بگوید هذا ولایتی و آنچ باشد نام بگوید

فصل دوم در ادعیه قضای حاجات و کفایهٔ مهمات از فواید الفواد آمده است که اگر کسی برنجی و بلایی و شدتی گرفتار شده باشد چنانک بعلاج دفع نشود روز آدینه بعد از عصر تا وقت غروب بهیچ چیز مشغول نگردد مگر بذکر این نام و این را اتفاق کویند ابست یا الله یا رحمن یا رحیم تا از آن رنجها و شدتها خلاص یابد ایضاً سخن در فاتحه افتاد که برای برآمدن مهمات و حاجات بسیار خوانند فرموده اند در آنک هر کرا کاری و مهمی مشکل شود همچنین خواند اول بسم الله الرحمن الرحیم و میم رحیم را در لام الحمد داخل کند همچنین که الرحیم الحمد لله و چون آنجا رسد که الرحمن الرحیم سه بار

وسه بار بگوید الرحمن الرحیم چون سوره تمام کند سه بار آمین بگوید حق تعالی مهمات وی بکفایت رساند از ملفوظ شیخ فرید الدین نبشته دیدیم بروایت امام جعفر صادق رضی الله عنه که از رسول صلی الله علیه وسلم در حدیث است هر کرا غمی و یا مهمی پیش آید و یا کاری بزرگ قابل اصلاح نبود پس نماز صبح بکند و صد بار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا قدیم یا قیوم یا فرد یا وتر یا صمد پس اگر روا نشود حاجات او بر او وی لعنت کند و بعد از آن فرمود که هرکه در وقت درماندگی این دعا را هزار بار بگوید حق جل و علا آن مهم وی را بکفایت رساند اقوای معین و اهدی دلیل لحق ایاک نعبد و ایاک نستعین از کتاب الفرج چون کاری هایل و تر مناکی بتو رسد و به بلیتی درمانده شب باید که آبدست کند و بستر پاک سورهٔ والشمس و سورهٔ واللیل هر یکی هفت بار بخواند با خلاص و بگوید اللهم اجعل لی فرجا من امری هر آینه در آن شب یا در شب دوم یا در شب هفتم خوابش بگویند که خلاصی تو در چیست و این بیمار را چه علاج باشد و بسیار محبوسان و درماندگان و بیماران این تجربه کرده اند و وقت خواندن ورد و خفتن نزد وی باید که هیچ زنی نباشد و اگر زن خواند باید که هیچ مردی نزدیک وی نباشد از حال غایب که زنده

است یا مرده و سبب زحمت و مال مدفون از این معلوم شود و بروایتی والشمس و اخلاص هفت ان بخواند و جامهٔ پاک بپوشد و مستقبل قبله بر پهلوی راست بخسپد در شب اول و یا دوم و یا پنجم و یا هفتم به بیند و اگر نه بیند پس او را نقصان شده باشد در وضو و یا در قرآن و یا در جامه و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اگر غمگینی و اندوهگینی این دعا بخواند از آن غم فرج یابد و اگر وام دار بخواند وامش ادا کرده شود و اگر سلطان ظالم نیز بخواند مهین شود و ابو عثمان گفت که این دعا مجربست اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُکَ یَا مَنْ لَا یُوَارِی عَنْکَ لَیْلٌ دَاجٍ وَلَا جِبَالٌ ذَاتُ فِجَاجٍ اَللّٰهُمَّ السِّرُّ عِنْدَکَ عَلَانِیَةٌ وَالْعَلَانِیَةُ عِنْدَکَ شَهَادَةٌ وَالظُّلْمَةُ عِنْدَکَ نُوْرٌ وَکُلُّ شَیْءٍ عِنْدَکَ بِمِقْدَارٍ اَعْطِنِی الصِّحَّةَ فِی بَدَنِی وَالنُّوْرَ فِی بَصَرِی وَالْیَقِیْنَ فِی قَلْبِی وَالْاِخْلَاصَ فِی عَمَلِی وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِیْنَ و در آثار آمده است که هر کرا غمی و اندوهی پیش آید بعد از وتر پیش از آنک با کسی سخن گوید پنجاه و یکبار سورهٔ والضحی بخواند مجربست از صلوة مسعودی خواجه امام زاهد مجرباتِ شیخ الاسلام برهان الدین رحمهما الله بعیادت خواجه امام بکر عمار رحمة الله رفتند وی حدیثی روایت کرد که هرکه کرا مهمی پیش آید در گوش راست وی بانگ نماز گویند و در گوش چپ وی قامت گویند خدای عز و جل آن مهم را بکفایت رساند و هر حاجتی و مراد و کاری

و کاری که زود بر نیاید چون قل هو الله احد هزار بار بخواند در حال و ساعت مراد او بر آید و هر بیماری و علتی و دردی که دیر کشیده باشد و دارو بروی کار نکند فاحادث شده باشد و دارو وی آن ندارد چون قل یا ایها الکافرون هزار و یکبار بخواند در حال صحت یابد و منقولست از شیخ الاسلام نظام الدین قدس الله سره هرکه بعد از نماز چاشت سه بار یس بخواند پس حاجت خواهد برآید از منافع قرآن جعفر صادق رضی الله عنه گفت که هرکه سورهٔ الانفال بنویسد با خود دارد و پیش حاکم برود حاکم برای وی رعایت کند و حق او بدهد بعیبها ندو حاجت او را روا کند و اگر چو کسی بروی باشد آنرا اندهانی و دفع کند خصم وی را و هرکه سورهٔ طه بنویسد و در حریر سبز به پیچد و با خود دارد اگر قصد کند بقوی بجهت تزویج و خواستگاری آن کار تمام کرده و سخن او قبول کنند اگر در میان دو لشکر برود متفرق شوند و میان ایشان قتل نشود و اگر بشوید باب و بخورد و پیش هر پادشاهی جباری و قهاری که برود نرم کرداند خدای تعالی دل او را بروی و اگر کسی بخورد که او را زن و فرزند نباشد خدای تعالی او را زن و فرزند روزی کند و هر کرا حفظ قرآن هوس باشد سوره دایم بخواند و از خدای تعالی حفظ قرآن خواهد غیرد تا حافظ نشود و اگر حاجت او بزرگ خواهد در دنیا حاجت او بر آید و هرکه سورهٔ قل یا ایها الکافرون در وقت

طلوع آفتاب که در آغاز باشد ده بار بخواند هر حاجتی که خواهد بر آید و هر مردی دیگر اورا زن نباشد و یا زنی که اورا شوهر نباشد این آیت بنویسد و با خود دارد ایشان را جفت روزی شود و کسی که فراموش کننده بود و بعد از این اورا فراموشی نباشد و اگر مریض بود شفا یابد و اگر فقیر بود غنی گردد و اگر در کاری اورا نقصانی بود که عمدا ندکه راست گردد و در آن برکت شود آیت وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ **فصل سیم در** ادعیهٔ دفع حزن و غم و قضای حاجات فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه در کتاب خود آورده است که عجب دارم از آن گروه که بغم گرفتار باشند چگونه نگوید لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين زیرا که حق تعالی در کلام مجید فرموده است که فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ایوب پیغامبر علیه السلام این را چند روز ملازمت کرد از بلا که گرفتار بود نجات یافت و عجب دارم از آن گروه که از کسی بترسد بگوید حسبی الله ونعم الوکیل زیرا که حق تعالی فرماید فَانْقَلَبُوا ... أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ زیرا که حق تعالی فرموده است فَوَقَاهُ

اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا از وصایای مولانا ضیاء الدین مفتی روز آدینه که خطیب از منبر فرود آید این دعا بخواند خدای تعالی اورا از غمها و دردها و اندوهها برهاند و حاجتها روا گرداند و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحيم سبحان الله الواحد الأحد سبحان الله الفرد الصمد سبحان الله من رافع السموات السماء بغير عمد المتفرد بلا صاحبة ولا ولد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا أحد رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ أعوذ بعزة الله وقدرته من شر ما أجد لحل و أحاذر لكل حاذر نبإ مستقر وسوف تعلمون وصلى الله على محمد وآله أجمعين **و ابن عباس** رضي الله عنه روایت میکند از رسول صلی الله علیه وسلم که امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت که یا علی بدانکه بیاموزم ترا چیزی که بیاورد بر من جبرائیل علیه السلام و گفت یا محمد این هدیه است مر ترا از بارخدای تعالی و گرامی کرده است ترا بر بن و این پانزده کلمات است بخوانند این را مکروبی و اندوهگینی و محزونی و مغمومی و خایفی از سلطان و یا از شر شیطان یا از دزد و یا از غرق شدن مگر آنکه فرج دهد حق تعالی اورا از آن و ایمن گرداند اورا از آنچه بترسد چهار کلمه از آن بر عرش نبشته است و پنج کلمه از آن در علم حق تعالی است پس رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که یا عماد من

لا عماد له و یا سند من لا سند له و یا غیاث من لا غیاث له و یا حرز من لا حرز له و یا کریم العفو و یا حسن البلاء و یا عظیم الرجاء و یا منقذ الغرقی و یا منجی الهلکی یا محسن و یا منعم و یا مفضل أنت الذي سجد لك سواد الليل و بياض النهار و ضوء القمر و شعاع الشمس و دوي الماء و حفيف الشجر يا الله يا الله يا الله لا شريك لك يا رب پس حاجت خواهد بر سبیل که از جای بر نخیزد مگر که دعا مستجاب و حاجت بر آمده و بیاموزید این دعا را بنانان از ترجمهٔ اخبار رسول صلی الله علیه وسلم گفت هر که گرا اندوهی برسد این کلمات بگوید حق تعالی اندوه وی را ببرد و بجای آن شادی آرد گفتند یا رسول الله ما آنرا بیاموزیم گفت هر که بشنود بباید که بیاموزد دعا اینست اللهم إني عبدك وابن عبدك وابن أمتك ناصيتي بيدك ماض في حكمك نافذ في قضاؤك أسألك بكل اسم سميت به نفسك أو أنزلته في كتابك أو أعطيته أحدا من خلقك أو استأثرت به في علم الغيب عندك أن تجعل القرآن ربيع قلبي ونور صدري وجلاء غمي وذهاب حزني وهمي **از وسیلت العلم** آورده است اسماء بنت عمران رضی الله عنها گفت که هر کرا غمی و اندوهی رسد و یا بیمار شود و یا بیلای در ماند ... باشد یا دردی بر و مستولی شده باشد یا در رنج درویشی و بی برکتی افتد بسیار این کلمات بر نیت خالص بگوید و خلاص

قال النبي صلى الله عليه وسلم لا أرقيك برقية رقاني جبريل تقول بسم الله أرقيك والله يشفيك من كل داء يأتيك من شر النفاثات في العقد ومن شر حاسد إذا حسد

خلاص خود را از رنج بگوید حق تعالی آن رنج از و ببرد و آن بلا از وی بگرداند کلمات اینست الله الله ربي لا أشرك به شيئا **فصل چهارم در** خلاص محبوس هر محبوسی که این آیت از کلام مجید با اعتقاد درست بخواند حق تعالی او را بزودی و خوبی خلاص بخشد که منقولست که در خلافت معتصم خلیفه مردی را حبس کرده بودند آن مرد را در خواب نمودند که این آیت بخوان تا خلاص یابی آن مرد بیدار شد و این آیت بخواند معتصم کسی فرستاد تا اورا از زندان بیرون آوردند و خلعت داد پس خنک آنکس که این آیت یاد گیرد و هر شب بخواند ایزد تعالی وی را از همه غمها فرج دهد بسم الله الرحمن الرحيم قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ **و دیگر** برای خلاص دو رکعت نماز بگزارد بعد از آن این دعا را بنیت خلاص یکهزار و دویست بار بخواند الهی بحق الحسین وأخيه وأمه وأبيه وجده وبنيه فرج عني ما أنا فيه **و دیگر** بجهت خلاص هزار یکبار بخواند يا غياث المستغيثين أغثني ويا ناصر المظلومين انصرني **و دیگر** بجهت خلاص محبوس چهار هزار بار این کلمه با بسم الله بگوید و یا پانصد بار بخواند هیچ کسی سخن نگوید بسم الله

الرحمن الرحیم یا اتنوتا یا بثوتا شعثا اخوثا **فصل** بنجم ورادعیه پیش
بزرگان رفتن وحصول عز وجاه ومنزلت هرکه این نامها را بنویسد و
باخود دارد تا این نامها با او باشد بنزدیک همه مردم دوست باشد واگر
دشمن باشند دوست وی گردانند ومشفق ومهربان او شوند وبنزدیک
همه کس اورا عز وجاه باشد اینست بسم الله الرحمن الرحیم توکلت علی الله لا اله
الا هو الحی القیوم لا تدرکه الابصار وهو یدرک الابصار وهو اللطیف
الخبیر وعلی الله فلیتوکل المؤمنون وفی السماء رزقکم وما توعدون
وان تعدوا نعمت الله لا تحصوها تنزیل من رب العالمین برحمتک یا ارحم
الراحمین **ودیگر** بجهت رفتن پیش بزرگان وسلطان جابر بیست نه
حروف تهجی را بعقد انگشت بگیرد وچون پیش خصم رسد بروی او بدمد
اگر آن کس خون کرده باشد عفو کند حاکم درگذارد **اب** ت ث ج ح
خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن هو لا ی **ودیگر** بجهت
رفتن پیش بزرگان این دعا بخواند اللهم رب السموات السبع ورب
العرش العظیم کن لی جارا من فلان بن فلان واحزابه واتباعه واخدامه
من خلیقتک ان یفرط علینا منهم او ان یطغی عز جارک وجل ثناؤ
ثناؤک ولا اله الا انت **دیگر دعا** بر نگین انگشتری نویسد بجهت رفتن
پیش سلطان ودفع کل مهمات وبلیات یا من یسوق المغالیه الی المقادیر
ودیگر دعا پیش رفتن سلطان هرکه خواهد که پیش بزرگان وپادشاهان قا
هر وجابر وظالم برود ونترسد از هیبت وصلابت او این دعا بخواند که رسول
صلی الله علیه وسلم گفت نگاه دارد خدای تعالی او را از قهر وخشم ومضرت وجور و
مراحمت ومشقت کردد بروی ودعا اینست اللهم انت العزیز تعززت
بعزتک وانت العزیز کل معزز دونک اللهم ذلله لی کما ذللت فرعون
لموسی وسخره لی کما سخرت الشیاطین لسلیمان ولینه لی کما لینت
الحدید لداود واعطفه علی کما اعطفت محمدا صلی الله علیه وسلم علی امته
انک تفعل ما تشاء وتحکم ما ترید فلا معقب لحکمک ولا غالب لملکک انت
الغالب علی کل شیء قدیر واحفظ لی من جور السلطان وهو له وسیاسته
واعوانه بحق الله لا اله الا هو الحی القیوم وعنت الوجوه للحی القیوم و
قد خاب من حمل ظلما انه لیس له سلطان علی الذین آمنوا وعلی ربهم
یتوکلون انما سلطانه علی الذین یتولونه والذین هم به مشرکون
فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم وقد جاء الحق وزهق الباطل

ان الباطل کان زهوقا وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
اللهم احرسنا بعینک الذی لا ینام واحفظنا بقدرتک علینا ولا تهلکنا و
انت رجاؤنا یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا لا اله الا انت ذو الجلال
والاکرام برحمتک یا ارحم الراحمین **دیگر اگر کسی** از سلطانی بترسد این دعا را
بنویسد باخود دارد یا بخواند وبر آب دمد از آن آب روی خود
بشوید وپاک نکند وهمچنان روی تو پیش سلطان رود چون نظر پادشاه بروی
افتد ایزد تعالی جناه محبت او در دل سلطان افکند که یکساعت بی او نتواند
بودن واورا بچشم احترام نگرد وعزیز دارد واگر صفت کنم دراز گردد
ودعا مجربست اینست بسم الله الرحمن الرحیم الامان الامان یا برهان
الامان الامان یا حنان الامان الامان یا منان الامان الامان یا دیان الامان
الامان من فتنة الزمان وجور الاخوان وشر الشیطان وظلم السلطان
بفضلک وکرمک یا رحیم یا رحمن یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین وصلی
الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین **از منافع قرآن** جعفر صادق
رضی الله عنه گفت هرکه سوره محمد بنویسد وبرکاغذ وبآب زمزم بشوید
وبخورد نزد مردمان روشناس ومقبول عزیز گردد قول او مسموع مقبول
مقبول باشد **وهرکه سوره** القمر بنویسد روز آدینه در وقت ظهر وباخود
دارد یا بر دستار نهد نزد مردم معزز ومکرم باشد وجمله کارهای د
شوار آسان گردد **وهرکه سوره** فاتحه بنویسد آدینه در ساعت اول در او
ند شیشه بمشک وگافور بقلم زر بشوید بگلاب ودر شیشه کند ونگاه
دارد وقت حاجات روی خود مسح کند وبر سلطان برود واگر چه خاین
باشد عزیز ومقبول گردد وایمن شود از جمله دشمنان واز مار وازدر
دم **وهرکه** این آیت بنویسد بمشک وزعفران وگلاب بر پوست آهو
وبر بازوی راست بندد از مرد وزن او را مقبولیت ومحبت وقوت
در دلها باشد آیت اینست یریدون لیطفؤا نور الله بافواههم والله
متم نوره ولو کره الکافرون تا الی ولو کره المشرکون **وهرکه**
این آیت نقش کند بر انگشتری ودر انگشت دارد ویا بنویسد بر پوست
آهو باخود دارد نزد ملوک وسلاطین وخلق وسایر مردم مقبول القول
باشد ومحبوب ومکرم وعزیز گردد وهرکه باخود دارد از چگلان وزنان
شایسته باشد در هم حالا اینست ولقد جعلنا فی السماء بروجا وزیناها
للناظرین وحفظناها من کل شیطان رجیم **وهرکه این آیت** بخواند بر روغن

یا سمین و بگدازد و بمسک بیامیزد و هفت روز بعد از نماز بامداد این آیت
بروغن بخواند و در شیشه کند و نگاه دارد اگر از این بوی بمالد هرکه با او ملاقی
شود و از ملکی و مملوکی و حیوانی هیبت خورد از وی و بترسد و کلام او را بشنود
آیت اینست یا ایها النبی انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا و داعیا الی
الله باذنه و سراجا منیرا تا و کفی بالله وکیلا واگر کسی خواهد که سلطانی
جائر و یا دشمنی و یا ظالمی کند و فتنه او را ساکن دارد و خشم و قهر او را بنشاند
بنویسد این آیت را شب آدینه بعد از نماز خفتن بجای غذو با خود دارد و پیش
سلطان و یا دشمن و یا ظالم برود خدای تعالی شر ایشان از وی کفایت
کند آیت اینست الذین ینفقون فی السراء والضراء والکاظمین الغیظ
والعافین عن الناس والله یحب المحسنین والذین اذا فعلوا فاحشة
تا آخره فنعم اجر العاملین و دیگر از هرکه خایف باشد این آیت بخواند
و پیش آنکس برود از دست و زبان او سلامت باشد و هیچ گزندی بدو نرسد
آیت اینست عسی الله ان یجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم مودة
والله قدیر والله غفور رحیم باب شانزدهم در ادعیه عصمت و عا
فیت و ظفر یافتن بر دشمن مشتمل بر هفت فصل فصل اول در ادعیه هرکه

بخو بدل

هرکه بامداد و شبانگاه بخواند از خلاصة الحقایق در روایت است از عباس رضی الله عنه
گفت یا رسول الله صلی الله علیه وسلم میرفتیم گذشتیم برقومی که مجذوم بودند گفتم
یا رسول الله چه سخت بلاییست رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اینها در صلب
کسانی بوده اند که از خدای عافیت نخواسته اند ایضا مرویست که مردی بیامد بر رسول
صلی الله علیه وسلم و گفت یا رسول الله کدام دعا افضل است رسول صلی الله علیه وسلم
گفت بخواه از پروردگار خود عفو و عافیت در دنیا و آخرت روز دوم مرد بیامد
همین سوال کرد و همان جواب شنید که بهتر از آن نیست که در اوراد شیخ الشیوخ
آمده است که مدام بخواند اللهم انی اسئلک العفو والعافیة والمعافاة فی
الدنیا والآخرة از تنبیه ابو اللیث حرز انس بن مالک رضی الله عنه هرکه بامداد این
دعا بخواند آن روز هیچ ظالمی و موذی بروی قادر نشود و هرچند که خواهد که بدو
المی رساند نتوانند چون در شبانگاه خواند تا بامداد در عصمت باشد بفضل
خدای تعالی و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله علی نفسی و دینی
بسم الله علی اهلی و مالی و ولدی بسم الله علی ما اعطانی ربی الله الله
الله ربی لا اشرک به شیئا الله اکبر الله اکبر الله اکبر عز و جل مما اخاف و
احذر اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و شر کل شیطان رجیم و شر کل

جبار عنید فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش
العظیم وبالله التوفیق والاستعانة وصلی الله علی محمد و آله اجمعین و دیگر
دعای عصمت شیخ الاسلام ابو طالب مکی رحمة الله علیه در قوت القلوب
آورده است از مصطفی صلی الله علیه وسلم که او فرموده هرکه این دعا را روز
بخواند تا شب هیچ بلایی بوی نرسد اینست اللهم انت ربی لا اله الا هو
علیه توکلت و انت رب العرش العظیم ما شاء الله کان و ما لم یشأ
لم یکن و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و اعلم ان الله علی کل
شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء علما و احصی کل شیء عددا
اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و من شر غیری و من شر کل دابة انت
آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم دیگر هم در عصمت هرکه بخواند در آن
روز یا در آن شب هیچ بلایی بوی نرسد و دعا اینست اللهم صل علی محمد و علی
آل محمد و بارک و سلم علیه و صلی علی جمیع الانبیا والمرسلین تحصنت بذی الملک
والملکوت و احتجبت بذی العزة والجبروت و اعتصمت علی الملک الحی الذی لا ینام
و لا یموت رمیت کل عدو بلا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دیگر هم در عصمت
اینست دعای عیسی پیغامبر علیه السلام اللهم انی اصبحت لا استطیع دفع ما اکره ولا

ولا املک نفع ما ارجو اصبحت مرتهنا بعملی و اصبح الامر بید غیری فلا فقیر
افقر منی اللهم لا تشمت بی عدوی و لا تسوء بی صدیقی و لا تجعل مصیبتی فی
دینی و دنیایی و لا فی آخرتی و لا تجعل الدنیا اکبر همی و لا مبلغ علمی و لا تسلط
علی من لا یرحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که هر روز بامداد هفت بار بخواند حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش
العظیم ایمن باشد از سوختن و از غرق شدن و غیر آن چون شبانگاه بخواند
ایمن بود از جمله بلاها تا صبح و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه ده بار قل هو الله
احد و ده بار آیة الکرسی هر روز بخواند خدای تعالی او را از هفتاد نوع بلا نگاه دارد
ایضا در حدیث است هرکه بخواند آیة الکرسی وقت خفتن در شب خدای تعالی فرشته
را فرستد تا او را نگاه دارد تا صبح و جبرائیل علیه السلام گفت پیغامبر را صلی الله علیه
وسلم که هر شب عفریتی از پریان نگاه دارد تا صبح و جبرائیل برتو قصد میکند پس
بران او را از خود بآیة الکرسی و هرکه آیة الکرسی بخواند و در خواب رود حق تعالی
او را در حفظ امان خود دارد نفس او را و همسایگان او را ایضا از ملفوظ
شیخ الاسلام فرید الدین رحمة الله علیه گفت در فتاوی ظهوری نبشته دیدم
از رسول صلی الله علیه وسلم هرکه آیة الکرسی بخواند و از خانه بیرون آید حضرت

عزت فرمان دهد هفتاد هزار فرشته را تا آن زمان که آن بنده بیرون نست
اورا نگاه دارد و از برای استغفار کنند و آمرزش خواهند ایضا مرویست
از ابن مسعود رضی الله عنه هر که بخواند چهار آیت از اول سوره البقره و آیة
الکرسی تا خالدون و سه آیت از آخر سورة البقره نباید نزدیک او و اهل او
آن روز هیچ شیطان و نه چیزی که اورا زیان رساند و اگر بر دیوانه خواند نیکو
شود و از وسیلة القلوب رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ابو هریره را چون
از خانه بیرون روی بگوی بسم الله توکلت علی الله ولا حول ولا قوة الا بالله
پس فرمود که بر در هر خانه فرشته است استاده چون بنده این کلمات
بگوید آن فرشته گوید راه هدایت نمودند و کارهای ترا کفایت کردند و از شر
دشمنانت نگاه داشتند پس دیوان از او دور شوند و فرشتگان با او
می روند و از قصد دیوان اورا نگاه می دارند ایضا در حدیث آمده است
هر که پیوسته این دعا بگوید حق تعالی همه غمهای او را بشادی مبدل کرداند و
نفس و مال و دین و اهل او را در امان خود دارد دعا اینست اللهم انی استودعک
نفسی ودینی وایمانی وخواتیم عملی وجمیع ما انعمت علی فی الدنیا
والآخرة فانک لا تضیع ودائعک وانی اعلم انه لن یجیرنی منک احد

احد ولن اجد من دونک ملتحدا ایضا امام شعبی در کفایه خود
آورده است که وقتی زاهدی بود در بنی اسرائیل از خود بزرگ گشته و کنیزکی
داشت چون آن کنیزک پیر ایدیری بغایت دشمن داشتی و اگر بچشم او در
نیامدی چنانک پیش خلق از او گله کردی که چه تدبیر کنم تا از وخلاص یابم زالی بود
نزد همسایگی او گفت سهل کاریست برای وقع این زاهد زهر هلاهل ترا
بدهم تا در آن کوزه آب کن و در وقت افطار او را بده تا بخورد هلاک شود کنیزک
همچنان کرد زاهد بخورد ذره آن زهر بروی کار نکرد و آن کنیزک منتظر بود
که زاهد بمیرد چون روز شد آن کنیزک را طاقت نماند آخر کیفیت را بزاهد گفت
اگر خواهی بکش خواهی بگذار من ترا زهر دادم چگونه بود که بر تو کار نکرد
زاهد در تبسم شد گفت من دعای دارم هر که آن دعا را بخواند زهر و دیگر بلاها
بروی کار نکند از برکت آن دعا اینست بسم الله خیر الاسماء بسم الله رب
الارض ورب السماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی
السماء وهو السمیع العلیم و در اوراد آمده است که پیش از طعام این
دعا بخواند که گفتیم آن طعام بروی زیان نکند اگر چه زهر باشد در آن طعام از
اوراد شیخ و از وسیلة القلوب حرز امام شافعی رحمة الله علیه بخواندند در بلاد

و شبانگاه خدای تعالی از جمله بلاها در عصمت دارد اینست بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم انی اعوذ بک بنور قدسک وعظیم رکنک وعظمت طهارتک
وبرکت جلالک وجمالک من کل آفة وعاهة ومن شر طوارق اللیل
والنهار وطوارق الجن والانس الا طارقا یطرق بخیر یا رحمن اللهم انت
عیاذی فبک اعوذ وانت ملاذی فبک الوذ وانت غیاثی فبک استغیث
یا من ذلت له رقاب الجبابرة وخضعت لک اعناق الفراعنة اعوذ
بجلال وجهک وکرم جلالک ان تجیرنی من کشف سترک ونسیان
ذکرک والانصراف عن شکرک انا فی حرزک لیلی ونهاری ظعنی واسفا
ری ذکرک شعاری وثناؤک دثاری لا اله الا انت سبحانک وبحمدک
تقدیسا لعظمتک وتکریما لسبحات وجهک فسبحانک اجرنی من
خزیک واقنی شر عبادک واضرب علی سرادقات حفظک یا ارحم
الراحمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین در روایت آمده است که هارون
الرشید فرمود که امام شافعی رحمة الله علیه بیارند میخواست که امام را
قتل فرماید سیاف گفت چون من دست بر سر نهم سرش بینداز چون
امام را حاضر کردند چون چشم هارون الرشید بروی افتاد برپای خواست و او را

و او را در کنار گرفت و بر جای خود نشاند و چهار هزار دینار بداد و با کرامت
تمام باز گردانید امام شافعی رحمة الله علیه این دعا را خوانده بود چون بر خلیفه در
آمد و رسول صلی الله علیه وسلم این دعا خواند کافران بگریختند و معاذ بن سلیمان
نیز روایت کرد که رسول صلی الله علیه وسلم روایت کرد و مرا امیر المؤمنین علی
رضی الله عنه نزدیک رسید حلت این دعا فرمود که با خود دارد و یا بخواند در
امان و حفظ خدای تعالی باشد همیشه از جمیع بلاها و آفات و امراض
و از شر شیطان و جور سلطان و از غرق شدن و سوختن و از کید سا
عیان و حاسدان اسناد این دعا عزل بود پارسی کرده اینست بسم الله الرحمن
الرحیم اسالک بحق لا اله الا الله محمد رسول الله واسالک بحق هذه
الاسماء وقرآن العظیم واسالک بحق هذه الحلیة وتفسیر المبین
واسالک بحق الملائکة وحملة العرش والکروبین واسالک برب جبرائیل
ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل ودردائیل واسالک بخاتم النبیین
واسالک بخاتم سلیمان بن داود علیهما السلام واسالک بحرمت
آدم صفی الله وابراهیم خلیل الله وموسی کلیم الله وعیسی روح الله
ومحمد حبیب الله والله غالب علی امره ولکن اکثر الناس لا یعلمون قلنا

یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین
ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین
برحمتک یا ارحم الراحمین دیگر منقولست از شیخ نظام الدین هرکه پیوسته این
دعا بخواند و یا با خود دارد در عصمت باشد و هیچ خصمی بروی ظفر نیابد
بسم الله الرحمن الرحیم انصرنا علی کل عدو کبیر و صغیر قریب و بعید ذکر و انثی
حر و عبد شریف و وضیع شاهد و غایب کافر و مسلم و لا تسلط علینا
من لا یرحمنا و لا یخفی لک اکفنا من لم یکفه غیرک برحمتک یا ارحم الراحمین
وابن مسعود رضی الله عنه گفت که بیرون آمدم با رسول الله صلی الله
علیه وسلم سوی وادی رسول علیه السلام موزه‌ها از پای مبارک خود بیرون
کرد و بر زمین نهاد زاغی بیامد و یکی موزه را بنقار گرفت و ببرید در هوا
شد از آن موزه ماری سیاه فرود افتاد پیغامبر را گفتم صلی الله علیه وسلم
اگر این را می پوشیدی مار ترا میگزید رسول صلی الله علیه وسلم گفت مرا نمیگزید
که من هر روز سه بار این دعا میخوانم این است اللهم انی اعوذ بک من
شر من یمشی علی بطنه و من شر من یمشی علی رجلین و من شر
من یمشی علی اربع یخلق الله ما یشاء ان الله علی کل شیء قدیر

قدیر و این دعا در مشارق هم آمده است از منافع قرآن هرکه سو
رة والنجم بخواند وقت طلوع ایمن بود از جمله شرها که برسد تا طلوع
روز دوم از تفسیر زاهدی اگر سوره یس از جهت عافیت و سلامت
خوانند در آن روز که خوانده باشد بهیچ دردی و بلایی مبتلا نشود و گفته
اند که در آن روز بحوائج خود مقاجات غیره و اگر در شب خوانده باشد همین
حکم دارد ورد شرعة و در خلاصة الحقایق آورده است که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود هرکه در شانه کردن محاسن اول ابروها شانه کند و بلای
هر دو ابرو شانه را اند حق تعالی او را از وبا و بلا نگاه دارد و در خبر است
هرکه روغن در سر اندازد اول ابروها چرب کند از صداع ایمن بود از ملفوظ
شیخ الاسلام گفت حق تعالی هر روز تا شب ششصد هزار بلا منزل میکند
بر هر یکی از بشر و جز آن پس هرکه در دعا و در تسبیح می باشد اگر دعای او نیکو
نیست آن بلا را دفع میکند زیرا که در خبر است که چون بلاها از آسمان
منزل می شود بر یکی و آنکس دعا میخواند آن دعا بالا می رود اگر نیکو نیست
البته آن دعا او را رد میکند و اگر دعای صدق باشد پس بلا دعا را رد
میکند فرمود می آید اما از زبان شیخ الاسلام قطب الدین بختیار قدس الله
سره

شنیدم که این کس را می باید که بهر حال که باشد آن دعا و اوراد و وقت نمازها
از تسبیح آوردند و خواندن خالی نباشد فصل دوم در ادعیه که با خود
دارند از تفسیر منیر ابن عباس رضی الله عنه گفت که بر عصای موسی علیه السلام
نبشته بود این کلمات اسماء الله تعالی اهیا شراهیا معنی آن بود
که انا الاول و انا الآخر و انا الحی الذی لا اموت ابدا هرکه این نامها را بر کاغذ
نویسد یا زن باردار بر خود بندد یا از روزنه فرو آویزد امید است که فتنه‌ها
از ایشان دور باشد از ملفوظ شیخ الاسلام فرمود این حکایت که مردی را
در بغداد پیش شیر انداختند بقصد هلاک هفت روز پیش ایشان افتاده بود
او را هلاک نکردند و فرمان حق نبود که او را بکشند و سلامت بیرون آمد
و سلامتی از آنجا بود که این اسم اعظم با وی بود بسم الله الرحمن الرحیم
یا دایم بلا فناء و یا قایم بلا زوال و یا امیر بلا وزیر شیخ الاسلام فرمود
هرکه خواهد که دشمن خود را دفع کند این دعا را پیوسته بخواند دیگر هرکه این
چهار نام را بر کاغذ نویسد و در موم گیرد و آنگاه در غلاف زر یا در غلاف نقره
گیرد و با خود دارد با آب غرق نشود و با آتش نسوزد و از بلاها ایمن
گردد و اگر در زیر زبان گیرد تیغ بر وی کار نکند و اگر شبانروزی او را بیاویزد

و بیرون نرود و شک نیارد که کافر گردد لبسم الله الرحمن الرحیم اثبوثا
ثبوثا شعثنا اختوثا از منافع قرآن هرکه سوره بنی اسرائیل بنویسد
و در حریر سبز بپیچد و با خود دارد و یا بشوید بخورد ایمن گردد از تمام
که هیچ کس سخن چینی او نکند و نزدیک کس سخن او نگوید و اگر بر طفل بندد
از پریان و گزندگان ایمن گردد فصل سیم در ادعیه که بوقت سواری مرکب
خوانند از تفسیر مغنی در حدیث است که چون خواهد که بمرکب سوار شود
چون پای در رکاب نهد بگو بسم الله الرحمن الرحیم و چون در پشت مرکب نشیند
بگوید الحمد لله علی کل حال سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین
و انا الی ربنا لمنقلبون و سه بار تکبیر بگوید و سه بار کلمه تهلیل گوید چون از مرکب
الی
فرود آید بگوید اللهم انزلنی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین و منقولست
که قومی بوده اند که در سفر چون بر مرکب سوار می شدند میگفتند سبحان
الذی سخر لنا هذا و کنا له مقرنین مردی از میان ایشان ماده شتری
داشت لاغر و آیت نخواند و گفت این شتر مضبوط منست بدو التفات
نکرد ماده شتر برمید و آن مرد از پشت او بیفتاد و مهره گردنش بشکست
و در حدیث رسول صلی الله علیه وسلم که گفت چون یکی از امت من بر پشت دابه

سوار شود چون این آیت بخواند خدای تعالی ویرا بیامرزد از تفسیر منیر
در خبر است از رسول صلی الله علیه وسلم که هرکه بر ستوری نشیند و بگوید الحمد لله
الذی حملنا فی البر والبحر ورزقنا من الطیبات وفضلنا علی کثیر
ممن خلقنا تفضیلا والحمد لله الذی من علینا بالاسلام ومن علینا بالقرآن
وبمحمد علیه السلام سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی
ربنا لمنقلبون وهنوز ستور پای از جای بر نگرفته باشد که خدای تعالی او را
آمرزیده باشد فصل چهارم در ادعیه که بوقت سفر و حضر بخوانند از تفسیر
مغنی دعای رعد مجرب که هرکه بانگ رعد بشنود و بگوید سبحان من
یسبح الرعد بحمده والملائکة من خیفته وهو علی کل شیء قدیر
حق تعالی او را در عافیت دارد از آفت رعد ابن عباس رضی الله عنه گفت
هرکه بشنود رعد را این دعا بخواند اگر او را صاعقه برسد دیتش بر من
باشد در روز قیامت از فواید الفواد سخن در نمازهای افتاد که از برای محافظت
نفس میگذارند فرمود هر وقت که مرد از خانه بیرون آید باید که دو
گانه بگذارد و درین دوگانه بسیار خیر است و سلامتی بعد از آن فرمود
اگر دوگانه نگذارد وقت بیرون آمدن آیة الکرسی بخواند همان غرض حاصل

اللهم لا تقتلنا بغضبک ولا تهلکنا بعذابک وعافنا قبل ذلک

حاصل شود و اگر آیة الکرسی نداند چهار بار سبحان الله والحمد لله تا آخر بگوید
همو تمام است از وسیلة القلوب بروایت انس بن مالک رضی الله عنه آمده است که
مردی گفت یا رسول الله من بسفری روم و وصیت نامه نبشته ام کرا دهم پدر
دهم یا به پسر یا به برادر رسول فرمود که ترا هیچ خلیفه در خانه تو چون بسفر میروی
بهتر از چهار رکعت نماز نیست که بگذاری در آن ساعت که بیرون خواهی آ
مدن در هر رکعتی الحمد یکبار و سورة اخلاص یکبار چون سلام دهی
بگوی انی اتقرب بهن الیک فاجعلهن خلیفتی فی اهلی ومالی وولدی پس فرمود
که آن خلیفه تو باشد در اهل و مال و ولد تو و در خانهای گرد خانه تو است
تا آنگاه که باز آیی ایضا جبیر بن مطعم گفت که رسول صلی الله علیه وسلم گفت
مرا چون بسفر خواهی رفت و خواهی که از همه یاران حال تو به شود و مراد تو
بیشتر و نیکوتر حاصل کرده نخست پنج سوره بخوان اول قل یا ایها الکافرون
واذا جاء نصر الله و قل هو الله احد و معوذتین آنگاه بگوی اعوذ بالله
الذی یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه انه سمیع علیم وابتدا از
کن وهم ختم بر آن کن پس بیرون رو دعای تنهای شب هرکه در شب جای تنها ماند
و از دیو و پری و آدمی و دد بترسد نخست معوذتین بخواند آنگاه بگوید اعوذ

بالله الذی یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه انه سمیع علیم واعوذ
بک یا رب من همزات الشیاطین واعوذ بک رب ان یحضرون ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم آیات حجاب هرکه این آیت بخواند چون دشمنان
قصد او کرده باشند خدای تعالی او را از نظر دشمنان در حجاب دارد و بسلامت
مانده اند و قصه ایشان در ابو بکر نکفیم و بعضی چنان در حجاب مانده که جامه ایشان
بر جامه دشمنان رسیده است و آیت این است انا جعلنا علی قلوبهم اکنة
ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا الی آخره اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم
تا آخره هم الغافلون ارأیت من اتخذ الهه هواه واضله الله علی علم
وختم علی سمعه وقلبه تا آخر افلا تذکرون از وسیلة القلوب در حدیث
از رسول صلی الله علیه وسلم چون یکی از شما در سفر باشد و چیزی گم کند و اگر
کسی نباشد که یاری دهد در طلب آن باشد پس باواز بلند یا عباد الله
المسلمین اعینونی یا عباد الله المسلمین اعینونی پس گفت که خدا بندگان
دارد که تو ایشان را نمی بینی ایضا در حدیث آمده است که اگر یکی شما در
سفر باشد پس خواهد که مال و متاع او بسلامت باشد باید که متاع خود
را هم کند پس خطی گرد آن بکشد چنانک سرهای خط بهم آرد و در حال کشیدن

واذا ذکرت ربک فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم نفورا

وسمعهم وابصارهم واولئک هم الغافلون

۲

کشیدن میگوید الله الله ربی لا اشرک به شیئا فرمود که نگاه داشته
شود از آن او برو و آمده است که آیة الکرسی بخوانند و بدان دمند آدمی
و نه پری از آن هیچ دست نیابد از منافع قرآن هرکه سوره توبه بنویسد
و به دستار نهد و یا درمیان کلاه ایمن باشد از راه زنان و دزدان و در جمله
مکانها و اگر نیز ظفر یابند اما قادر نشوند بر بردن و ایمن بود از سوختن
و هرکه سوره صف مدام بخواند ایمن بود از بدیها و بلاها و آفتها در سفر
و حضر و در حفظ امان باشد تا آن زمان که در وطن خود باز آید و هرکه
سوره والنازعات بخواند و مقابل دشمن رود و یا نزد سلطان رود که
خایف باشد ایمن شود و سلامت دارد خدای تعالی او را در میان ایشان
و هرکه سوره عبس بنویسد بر پوست آهو و با خود دارد هر کجا که رود کسی
او را نبیند و هرکه بترسد از دزد و یا از غاصب و یا از دشمن و یا از شر شیطان
و یا از چیزی که بترسد مونی مانی ازوی این آیت بسیار بخواند در شب وقت
خفتن و بیدار شدن و بعد از نماز بامداد و از همه شرها و خوفها و آفتهای
دنیا و دریا خدای تعالی او را نگاه دارد و هرکه بخواند و پیش سلطان ظالم
و جابر رود ایمن باشد نفس او و اموال او از شر آن و اگر بنویسد و در کردن

دعاء ترسیدن از دزد و غیر

إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ

صبح بند حق تعالی آن بچه را از جمله زحمتهای بجان نگاه دارد آیت اینست إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا تا إِلَى آخر إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ إسناد سی و سه آیت از عزیزی به پیادسی آورده باشد و ابن سیرین رحمة الله علیه گفت نزول کردیم ما با قافله در جوی آب نزدیک دهی از نواحی آهو بعضی از اهل قریه آمدند و ما را گفتند که ازین جا روان شوید که درین منزل کسی نزول نمیکند از خوف قطاع طریق و هر که نزول میکند رخت او را غارت می برند و یاران همه ازینجا روان گشتند و من تنها بماندم و اعتماد کردم بحدیثی که ابن عمر رضی الله عنه روایت کرده بود از رسول صلی الله علیه و سلم هر که بخواند سی و سه آیت زیان نرساند او را دران شب هیچ دزدی و موذی و ددی و در عافیت باشد نفس او و مال او و اهل او تا صبح چون شب شد خواب بکردیم دیدم قطاع طریق بیامدند تیغها کشیده و این سی و سه آیت بر خواندم و بر خود دمیدم و ایشان سی کرت زیاده قصد کردند قدرت نیافتند و بمن غمی نرسید ند چون بامداد شد از آن جا روان شدم پیر مردی را دیدم بر اسبی سوار مرا گفت ای خوجه تو انسی یا جنی گفتم من بنی آدم گفت ما آمدیم درین شب هفتاد مرد بهر چند کرد تو بر آمدیم و قصد تو کردیم که بر تو در آییم ممکن نشد که میان تو و حصاری حایل می شد گفتم حدیثی روایت کرده است ابن عمر رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه و سلم هر که بخواند سی و سه آیت در شب هیچ موذی و ددی دران شب او را مضرت نرساند و نفس او و مال او در عصمت باشد تا روز و اگر روز بخواند تا شب در عافیت باشد پس آن مرد از اسب فرود آمد و کمان خود را بشکست و عهد با خدای کرد که دیگر قطع طریق نکند و درین آیتها شفاست مر جمله دردها را و شفاست از صد علت که دو از جذام برصی است و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که بخواند این سی و سه آیت را روا کند ایزد تعالی حاجت او و نگاه دارد او را از کل بلاها و اگر فقیر باشد غنی گردد و اگر مریض باشد شفا یابد و هر که بخواند بر زخم و علت به شود و اگر محبوس باشد یا در شدت باشد خلاص دهد خدای تعالی او را از آن وشفاست درین مرهم زخمها را همچنانک استسقا و باد صرع و قولنج و بواسیر و لقوه و فالج ودفع کننده است چشم زخم را و شر پریان و آدمیان و جمله موذیات را چنانک شپش و پلنگ و کیک و مار و کژدم و هر که بخواند ایمن گردد از شر ظالمان و حاسدان و جباران و ستمکاران و دشمنان و فراخ شود رزق او و نزدیک خلق مقبول گردد و قول و عمل او در نظر مردم عزیز بود و هر که بگزارد دو رکعت نماز روز دوشنبه در وقت چاشت و بخواند این آیتها را در نماز و چون فارغ شود سجده کند و حاجت خواهد روا کند خدای تعالی حاجت های دینی و دنیایی او و بیامرزد او را و هر که سه روز بخواند بر نیت غایب از حال او معلوم نباشد روز چهارم حال ظاهر گردد از حیات و ممات و هر که در روز و شب بخواند فرمان دهد خدای تعالی هفتاد هزار فرشته را تا او را نگاه دارند و اگر دران روز بمیرد ایمن کند ایزد تعالی او را از هول منکر و نکیر و از آواز فزع اکبر و بگذرد بر پل صراط چون برق جهنده و هر که بخواند بر مصروع در ساعت نیکو شود و اگر این آیتها در خانه باشد دران خانه سحر کار نکند و سلامت باشد آن خانه از دزدیدن و سوختن و غرق و آمدن و آن خانه مزارگاه فرشتگان شود و برکت و صلاح دران خانه ظاهر گردد اگرچه از اهل فساد باشد ببرکت این نامها و آیتها و سی و سه آیت اینست اول فاتحه و از اول سوره بقره تا مُفْلِحُونَ چهار آیت و آيَةُ الْكُرْسِيِّ تا خَالِدُونَ سه آیت قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَٰنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا تا آخر دو آیت وَالصَّافَّاتِ صَفًّا تا لَازِبٍ ده آیت يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ تا فَلَا تَنْتَصِرَانِ سه آیت لَوْ أَنْزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ تا آخر سوره چهار آیت از سوره قُلْ أُوحِيَ تا شططا چهار آیت قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و اخلاص و معوذتین دفع خوف شیر و در حدیث آمده است که جای خوف شیر باشد چون شیر را ببیند تکبیر گوید خدای تعالی او را از شر او نگاه دارد دفع مضرت مار و کژدم از تفسیر مغنی هر که خواهد او را کژدم زیان نرساند در شب و روز بگوید سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ دیگر دفع مار و کژدم در شب بوقت خفتن بگوید و بخسبد مار و کژدم زیان نکند او را أعوذ بكلمات الله التامة من كل عقرب وحية أهيا شراهيا دفع مضرت سگ بد و که بانگ نزند و حمله نکند بگوید وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا دعای دفع وبا بنویسد بر چوبی و بیاویزد در خانه و هر روز این دعا بوقت غروب بخواند از وبا و طاعون و آفت ایمن گردد و مکرر در مدینه وبا افتاده بود این را عمل کردندی دعا اینست بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بسم الله ذي الشأن العظيم البرهان الشديد السلطان الرفيع كل يوم في شأن ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم اللهم إني أعوذ بك من الطعن والطاعون ومن هموم الوباء ومن موت الفجاءات ومن الحمى ومن جهد القضاء والبلاء ودرك الشقاء وشماتة الأعداء يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام ربنا اكشف عنا العذاب إنا مؤمنون أنى لهم الذكرى وقد جاءهم

رسول مبین ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا
وترحمنا لنکونن من الخاسرین فصل پنجم در ظفر و نصرت یافتن بر
دشمنان از منافع قرآن هرکه سورهٔ هود بنویسد بر پوست آهو و با خود دارد
خدای تعالی او را چنان نصرت دهد که اگر خصم مرد با او در جنگ مقابل شوند همه را
بکشد و قهر کند و همه از و بترسند و هیبت خورند و دست و پای همه بوسیدن
اوست شود و کار کرد نشو برج لرزانند و هرکه او را ببیند بترسد و از همه بگویند
و کسی نزدیک او نتوانند رفتن و اگر این سوره بزعفران بنویسد و بشوید هر
روز بخورد با مداومت و شبانگاه در دل او قوت پیدا آید که در همه شب از کسی خوف
نکند اگرچه در هفت تاریکی باشد نترسد و اگر جمله پریان و دیوان جمع شوند
و قصد او کنند بر همه غالب آید و از ایشان نترسد بفرمان خدای عز و جل و هرکه
این آیت بنویسد با طهارت در پوست آهو بگلاب و زعفران و بنهد در
کلاه او را قبولیت و مکانت و منزلت باشد و هرکه خواهد که او را ظفر و
نصرت باشد بر دشمنان آیت [illegible] بنویسد در روز پنجشنبه در ساعت
اول یا در ساعت دوم که ماه در برج ثور باشد نقش کند بر طریق ترنج
مدور و آن را در میان سپر سخت کند و بپوشد چون با خصمان مقابل شود

شود نصرت و ظفر او را باشد و دشمنان از هیبت او وهم کنند و بترسند و منهزم
شوند و آیت اینست بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا
لیغفر لک الله تا وکان الله عزیزا حکیما و هرکه این آیت نقش کند بر
تیغ بالامشت فولاد در زبانه روز دوشنبه که ماه در برج حمل شود و نقاش
با طهارت باید اگر با این تیغ مقابل دشمن شود دشمن بگریزد و اگر این
تیغ را بروی قاطع طریق بجنبانند همه عاجز شوند و با هرکه این تیغ باشد
همیشه او مظفر و منصور باشد و اگر این آیت نقش کند بر تختهٔ پولاد
در روز آدینه در هر ماهی که آفتاب در برج حمل باشد پس هرکه این را با خود
دارد ایمن بود از شر پریان و آدمیان و سحر ایشان و از هرچه بترسد از آد
میان و پریان و دیوان و حرز است اطفال را از جمله بلاها و آنها آیت
اینست وانزلنا الحدید فیه بأس شدید ومنافع للناس ولیعلم
الله من ینصره ورسله بالغیب ان الله قوی عزیز دیگر بوقت آنکه
اسب در مصاف راند درمیان دو گوش اسب بنویسد تازیانه بنویسد که لا
تخاف درکا ولا تخشی هیچ دشمن بر آن اسب نرسد و اگر کسی از دشمن
بترسد و باکوبان باشد همین آیت بخط نداین شود و دشمن او را نبیند

فصل ششم در ادعیهٔ سوار شدن در جهاز و دریا و کشتی و یا در سوار
شدن بر چهارپای اگر او هلاک شود دیت او بر من باشد روز قیامت و این
دعا را در دریا تجربه کرده اند و از آفات دریا سلامت گذشته اند اینست بسم الله
الرحمن الرحیم وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیامة
والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون وقال ارکبوا فیها
بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم ومن آیاته ان یرسل الریاح
مبشرات ولیذیقکم من رحمته ولتجری الفلک فیه بامره ولتبتغوا
من فضله ولعلکم تشکرون اللهم رب السموات السبع وما اظللن
ورب الارضین السبع وما اقللن ورب الجبال وارسلن ورب الریاح و
ما ارسلن ورب البحار وما اجرین ورب السحاب وما سخرن ان تسخر
لنا هذا البحر کما سخرت لموسی علیه السلام انک علی کل شیء قدیر از منا
فع قرآن هرکه آیت قل من ینجیکم من ظلمات البر والبحر تدعونه
تضرعا وخفیة تا الی ومن کل کرب ثم انتم تشرکون در کشتی دریا
چون باد خیزد و آب موج زند خوف آن باشد که کشتی غرق شود بنویسد
و در میان آب انداز دریا ساکن شود بفرمان خدا تعالی و دیگر این آیت

الآیة فی سورة الانعام ... الی

آیت بجهت سلامتی کشتی از جملهٔ آفتها بنویسد با طهارت روز آدینه بر تخته
چوب و سخت کند آن تخته را در پیش آهنگ کشتی به سلامت باشد کشتی از جملهٔ
آفتها روز و شب بفرمان خدای عز و جل اینست فالق الاصباح وجعل
اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا ذلک تقدیر العزیز العلیم وهو الذی
جعل لکم النجوم لتهتدوا بها تا لقوم یعلمون و هرکه این آیت
قال ارکبوا فیها بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم نقش کند بر
چوب ساج و سخت کند در پیش آهنگ کشتی خدای تعالی آن کشتی را از همهٔ آفتها
نگاه دارد و هرکه این آیت الم تر ان الفلک تجری فی البحر بنعمت الله لیریکم
من آیاته ان فی ذلک لآیات لکل صبار شکور واذا غشیهم موج تا الا
ختار کفور و سوار شدن کشتی چون باد سخت خیزد و آب موج زند در
هفت ورق بنویسد و در آب اندازد اینست بسمت شرق بکان بکان و
دق حق تعالی باد موج را ساکن کرد ند از تفسیر مغنی چون در کشتی سوار
شوی بگوی بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم و چون از کشتی
فرود آید بگوید رب انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین فصل هفتم
در ادعیه که میان رخت و قماش نهد از منافع قرآن جعفر صادق رضی

فرمود هر که سورهٔ مائده بنویسد بر پوست آهو و در صندوق نهد این
بود مال و متاع او از دزد ایمن اگرچه متاع او در میان راه باشد و هر که این
آیت بنویسد و در صندوق نهد روز آدینه و در مال او در خزینه نهد بر
کت شود و زیان و نقصان وارد خدای تعالی از همه آفتها و بلاها آیت اینست
ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ و هر که سوره
عصر بخواند بر مال و بر چیزی که دفن کند پس خدای تعالی او را نگاه دارد از جملهٔ آفتها
و موکل کند خدای تعالی بران مدفون فرشته را تا نگاه دارد تا آن زمان
که بیرون آرد دفینهٔ خود را **فصل هشتم** در فضیلت خاصیت اسامی اصحاب
کهف امیر المؤمنین علی رضی الله عنه روایت کرد از رسول صلی الله علیه و سلم
فرمود هر که نامهای اصحاب کهف در سفر و حضر بخواند او همیشه در امان حق
باشد و هر که با خود دارد خواص بسیار دارد و هر که پیوسته بخواند خدای تعالی
درویشی او را و هفتاد کس از قربای او بیامرزد و اگر میان تیر و شمشیر رود زیان
ندارد و از هفتاد درد او را نگاه دارد و دیگر برای چند چیز اسمای اصحاب کهف
بکار می آید یکی آنکه اگر کسی میخواهد که از موج دریا ایمن باشد و در کشتی این نامها را
بخواند و یا با خود دارد **دوم** آنکه این نامها را بنویسد و در خانه چیز بدارد آتش نگیرد

نگیرد **سیم** اگر آتش گرفته باشد این نامها را بر جامهٔ سفید بنویسد و ببندد در سنگ
ریزه و در میان آتش اندازد آتش فرو نشیند **چهارم** اگر این نامها را بنویسد و در
میان خزینه و رخت نهد و از دزدیدن و سوختن و غرق شدن بسلامت ماند
پنجم اگر این نامها را بنویسد و بر کرنا راست بندد هر چند که راه برود مانده نشود
ششم اگر بر کشته که ملخ غلبه کند این نامها را بنویسد و بر سر چوبی کند در میان
کشت بنهد ملخ و را در کشت زیان نرساند **و هفتم** هر آن زن که بار نتواند نهادن این
نامها را بنویسد و بر ران چپ آن زن بندد در حال بار بنهد **و هشتم** اگر موضعی
را آب دریا یا رود گرفته باشد و زمین را خراب میکند این نامها را بنویسد و در
میان دو شراهم نو بنهد و سر آن را محکم کند و آنجا که گرد آب شده است بیندازد
بفرمان خدای تعالی آب از آنجا فوت بجانب دیگر کند و دیگر نیاید **نهم** اگر این نامها را
بنویسد و در قبضهٔ کمان بندد تیر راست رود **دهم** اگر این حاجتی دارد دو رکعت نماز
بگذارد و این نامها را بنویسد بخواند و شفیع آرد خدای حق تعالی حاجت او را برآرد
یازدهم با هر که این نامها باشد در حرب مظفر و منصور بود و هیچ گزندی بدو نرسد
و نترسد **و دوازدهم** هر که با خود دارد در نظر امرا و ملوک و سلاطین و برا عز و جاه باشد
و هیچ نکبتی بدو نرسد **و سیزدهم** هر که با خود دارد از دیو و پری او را آفت نرسد **چهاردهم**

اصحاب یشان وکان یستشیرهم و اسم الراعی الذی وافقهم و اسم کلبهم
قطمیر ... اسم مدینتهم افسوس ...

اگر این نامها را بنویسد بر گردن بر صاحب تب و صداع و جز آن بندد صحت یابد **پانزدهم**
اگر کسی را درد شکم باشد و یا کمیز نگیرد اسب را این نامها را بنویسد بر گردن اسب بندد
و یا بشوید و بخورد نیکو شود **شانزدهم** اگر کشت و غله را موشان زحمت دهند این نامها را
بنویسد و در میان دو سکرهٔ نو نهد و در چهار گوشه فرو برد آفت موشان دفع شود **هفد**
هم اگر این نامها را در کتاب و کاغذ بنویسد کرم و موش هیچ موذی بدان کتاب و کا
غذ زیان نرساند **هجدهم** اگر در سفال این نامها را بنویسد و در میان غله نهد کرم
نگیرد و غله گنده نشود اگر در آب خیسیده باشد و این نامها را خاصیت بسیار است
در هر چه کار بندد موثر آید اینست یَمْلِيخَا مَكْسَلْمِينَا كَشْفُوطَطْ تَبْيُونُسْ آذَرْ
فَطْيُونُسْ كَشَافَطْيُونُسْ يَوَانُسْ يُونُسْ اسم كلبهم قِطْمِير و در آخر این
نامها بخواند یا بنویسد و علی الله قصد السبیل و منها جائر **باب هفدهم** در دفع
بعضی زحمتها و علتها و یا فتنی که شده و گریخته مشتمل بر پانزده فصل **فصل اول** در دفع جملهٔ
دردها در سر و شقیقه و درد چشم و درد گوش و درد دندان و درد سینه و درد
دل و درد شکم و درد جگر و درد پشت و درد دست و درد پای و درد ساق و درد
سپرز و درد خصیه و درد پهلو و درد زه و طپیدن دل و گرفته شدن دل و گرده و درد
و پیچیدگی شکم و علتهای او از منافع قرآن هر که بنویسد فاتحه را با وند پاک بگلاب و

ب و زعفران و با آب پاک بشوید و از آن آب بیمار روی خود بشوید صحت یابد و اگر این
آب کسی خورد که دل او را قرار نباشد و طپیدن دلش باشد و گرفته شدن دل بفرمان
خدای تعالی ساکن گردد و در تهاون برود و هر که سورهٔ اعراف بنویسد بگلاب و زعفران
و با خود دارد ایمن بود از درد دل و هر که سورهٔ قصص بنویسد بر پوست آهو و با خود
دارد سپرز و درد جگر و درد شکم و همه دردها و زحمتها و اسهال از وی دفع شود و هر که
سورهٔ مومن بنویسد و با آب بشوید و از آن آب آرد را خمیر کند و نان پزد و خشک کند
و نگاه دارد هر که را درد دل و درد گرده و درد جگر و پیچیدگی شکم و سپرز باشد بدهد
خوردن شفا یابد و هر که سورهٔ الم نشرح بر سینه و دل بخواند زحمت و درد سینه نیکو شود
و هر که سورهٔ لقمان بنویسد و بشوید و بخورد و هر مردی و زنی که بدهد در شکم او علتی
و زحمتی باشد برود و دفع تب و نیز کند و هر علتی که بنی آدم را شود از آن ایمن
گردد و هر که سورهٔ ق بر کاغذ بنویسد و بشوید و بخورد زحمت شکم و زحمتهای
دیگر دفع شود و از آن ایمن گردد و هر که سورهٔ تبت بخواند یا بشوید بخورد
و پیچیدگی شکم نیکو گردد و جملهٔ دردها و هر که این آیت بنویسد در شب چهارشنبه
ماه رمضان در جامهٔ سفید بمشک و کافور و کافور و گلاب و در چوم بگیرد و نگاه
دارد و هر که را دردی باشد هر کدام در دل باشد تب گرم تب لرزه و یا درد چشم و یا بادی

ویا دود را باشد ویا درد جکر ویا درد سر ویا درد دندان برای این جمله دردها مفید بود و هرکه با خود دارد از خود و بزرکی و زنان حامله قوة برکت باشد و از جمله دردها خدا نکاه دارد اینست مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا تا آخر سوره و دیکر عنکبوت بنویسد و آبش بخورد جمله دردها دفع شود و هر سورهٔ یس بنویسد بر کاغذ و با خود دارد و یا بنویسد در آوندی پاک و به آب بشوید و مسح کند بدان آب هر دو دست خود را بر بیمار یکبار جمع ضع درد سه بار مسح کند و این دعا بخواند اللَّهُمَّ أَشْفِ أَنْتَ الشَّافِي اللَّهُمَّ اكْفِ أَنْتَ الْكَافِي اللَّهُمَّ اعْفُ أَنْتَ الْمُعَافِي مریض صحت یابد بفرمان خدای دفع صداع و شقیقه هر سورهٔ سجده بنویسد و با خود دارد ایمن بود از درد سر و نیم سر و تب و هر سورهٔ الهیکم التکاثر بر صداع بخواند درد ساکن شود دفع درد دندان هر که سورهٔ الحاقه بنویسد و بر صاحب درد دندان بندد درد ساکن شود و هم بخوانند و در دهان او بدمد نیکو شود اینست ابابکر صدیق الاکبر و یا بکاغذ نویسد و در موم کیرد و در زیر دندان نهد و دیکر بخواند در دهان آنکس بدمد درد نیکو شود اینست أَيُّهَا الضِّرْسُ الْمَضْرُوسُ أَنْتَ فِي الْفَمِ مَحْبُوسٌ أُسْكُنْ بِعِزَّةِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ و دیکر چون عطسه آید فاتحه بخواند و زبان کرد بر کرد دندان

دندان ها بکرداند تا هم عمر او بود او را درد دندان نباشد مجربست دفع درد کوش اکر فاتحه بنویسد در آوندی پاک و بشوید بروغن کل و در کوش اندازد درد کوش برود که بعد از آن نشود دفع درد دستها و پهلو و پایها و ساق و هر که آیت وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا تا ما کانوا یعملون بنو در صدف تازه و پاکیزه بسیاهی و پر کند بروغن خوش بوی و هم از این صدف بشوید پس کرم کند آن روغن را بر آتش پس طلا کند بر درد پای و ساق و پهلو دفع شود و دیکر آیت وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا تا فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ بنویسد و با خود دارد درد دستها و درد پایها و چشم زخم نباشد دفع خصیه و بادفتق بروغن کنجد بخارند و طلا کند صحت یابد وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا دعای دفع جمله دردها آورده اند که در خزانهٔ ابوامیه صندوقی بود از نقره و قفلی از زرود رون صندوق این دعا بود و دران نبشته بود که بر مردی این دعا بخوانند آن درد ساکن کردد بفرمان ایزد تعالی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بسم الله و الحمد لله أُسْكُنْ سَكَّنْتُكَ بِالَّذِي يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ أُسْكُنْ سَكَّنْتُكَ بِالَّذِي يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا أُسْكُنْ سَكَّنْتُكَ بِالَّذِي إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ و آورده اند که محمد بن سماک را زحمتی و دردی بود باره دلیل او بر طبیب نصرانی می بردند در اثنای راه مردی دیدند که پیش آمد نیکو روی و خوش بوی پاکیزه جامه پوشیده که کجا می روید کفتند بر فلان طبیب کفت سبحان الله از برای دوست خدای بر دشمن خدا بفرمائید رسی می روید و باز کردید و بکوئید ابن سماک را دست بر موضع درد بنهد و این آیت بخواند که وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا پس آن مرد از نظر ایشان غایب شود باز کشتند بدو کفتند چون محمد بن سماک رحمة الله علیه دست بر درد نهاد و این آیت برخواند همان ساعت صحت و شفا یافت و آن مرد خضر بود علیه السلام از وسیلة القلوب عایشه رضی الله عنها کفت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود یا عایشه چون در تن خود رنجی بینی و یا بادی و یا علتی بینی معوذتین بخوان و بهر دو کف خود بمال و بر اندام خود فرو آر من نیز همچنین میکنم و ابن عباس رضی الله عنهما کفت که از رسول صلی الله علیه و سلم کفت هر که بر بیماری رود که اجلش فرا نرسیده باشد هفت بار بکوید أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ

الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَكَ آن بیمار شفا یابد و اکر خود را خواند بکوید أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَنِي و اکر بجهت کسی بخواند بکوید أَنْ يَشْفِيَ فُلَانَ ابْنَ فُلَانٍ و جهه جهه مرویست از امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه که چون شکوی بمن کردی بجای وصیت کرد که اکر یکی را از شما دردی و دردی باشد در اعضا و جع رنج دست بدان موضع نهد و این کلمات بکوید پنج بار یا هفت بار بِسْمِ اللَّهِ الشَّافِي بِسْمِ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أُسْكُنْ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَسُلْطَانِهِ رَبِّي وَرَبُّكَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ دعای درد زه از تفسیر مغنی تعلیم ابن عباس رضی الله عنه فرمود که چون فرزند زادن بر زن دشوار شود و این دعا و آیت در کاغذ بنویسد و بشوید و آب آن بخوراد او و هم آسان کردد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ و دیکر چون فرزند زادن دشوار شود بنویسد و بر ران او بندد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ خَلِّ عَنْ رَحِمِ فُلَانَةَ بِأَمْرِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ كَمَا خَلَّتْ

عَنْ رَحِمِ الأُنَاثِ یا قَدیرُ یا غادِرُ یا مُقتَدِرُ یا اَوّلُ یا آخِرُ یا ظاهِرُ یا باطِنُ حَسْبِیَ اللهُ
وَعَلَى اللهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ چون بار بنهد زود بگشاید دیگر اگر بُوَد درد
زِه عورتی وامانده بود این کلمات بنویسد و بر پیشانی او بندد بار نهد چون
بار نهد بر فور بگشاید کلمات اینست اَلتَّشکُوک وَالْمُلُوک ولا حول ولا قوة
اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العظیم دیگر اسامی اَصحاب کهف بنویسد و بران جبر زن
بندد یا در قدحی بنویسد و بشوید و بخورد در حال درد زه خلاص شود

فصل دوم در دفع زحمتها او تیز شدن نظر چشم و زحمتهای جسم و تب گرم و
تب لرزه و دیوانگی و ضعف تن و چشم زخم و زخ و سرفه و زکام و امساک قی
و یاد آمدن فراموش شده و سرمه و تیزی نظر و دفع کلّ زحمت جسم از منافع
قرآن جعفر صادق رضی الله عنه گفت هر که سورهٔ فاتحه بنویسد بمشک و زعفران
و در اوندی پاک بشوید بآب در آن حینی که آفتاب به برج [illegible] باشد و این ماه شمسی است
و بزبان رومی کانون الثانی گویند و این آب که شسته است با سرمهٔ صفاهانی
صحق کنند و در چشم کند نظر قوی تیز شود و چشم روشن شود و نگه دارد خدای تعالی
چشمهای او را از جمله زحمتها و علتها که در چشم حاصل شود دیگر درین سرمهٔ ز
هرهٔ خروس سفید و زهرهٔ ماکیان سیاه ضم کند و در چشم کند نظر بران

بدانحد تیز شود و حانیا نرا نیز بیند و هر که در شب مدام بخواند برود از وی کاهلی
و ضعیفی و درد چشم دیگر سورهٔ حم السّجده بنویسد و بشوید بآب باران و در
آن آب سرمه بیامیزد بسی بچشم کشد که سفیدی افتاده بود و باد درد میکند جمله
علتها دفع شود و بعد از آن چشم بدرد نیاید و سفیدی را از چشم ببرد و چشم را
روشن کند دیگر سورهٔ اخلاص دو روز و هر روز دو بار بخواند و بدم [illegible] چشم
کسی که درد میکند نیکو شود و درد را بنشاند دیگر این دعا پیوسته بخواند
و بر انگشتان دمد و بمالد بر دیده چشم او را هیچ زحمتی و علتی نشود و از
کوری حق تعالی نگاه دارد دعا اینست اللّهم یا سمیع یا بصیر یا قریب یا
مجیب یا سمیع الدعاء یا لطیف لما یشاء احفظ علی بصری و بروایت دیگر
این هم آمده است فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید نقل از
شیخ الاسلام رکن الدین هر که هر روز با مداد این آیت اَللهُ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَالأَرْضِ
تا وَاللهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ پنج بار بخواند بر چشم دمد هر زحمتی که در چشم باشد دفع
گردد و بفرمان خدای عز و جل دفع تبها هر که سورهٔ عنکبوت بنویسد بعد از
بشستن و بخورد آن کس دهد که تب گرم و تب لرزه دارد جمله دردها از وی دفع
شود مگر زحمت مرگ که آنرا چاره نیست و از خوردن این آب دل سینه گشاده

گردد و کاهلی برود دیگر سورهٔ لقمان بنویسد و بخورد تب دفع شود و هر
علتی که بنی آدم را شود او از آن ایمن گردد دیگر سورهٔ سجده بنویسد با خود
دارد ایمن شود از درد تب و درد سر دیگر سورهٔ وَاللَّیْل بنویسد و بشوید
و بشخصی دهد که تب مدام بود نیکو شود تب گرم را این کلمات بنویسد بر کاغذ
[illegible] و بآب بشوید و بخورد شفا یابد بسم الله افسوما الرحمن طیسوما
ما الرحیم ابرسوما و هر که این آیت بنویسد و بر صاحب تب بندد و بشوید
و بخورد قُلْنَا یَا نَارُ کُونِی بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِیمَ تب برود و هم برای
تب لرزه بنویسد بر نان و بخورد فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَکًّا وَخَرَّ
مُوسَى صَعِقًا دفع دیوانگی هر که سورهٔ یس بنویسد و با خود دارد ایمن با
شد از دیوانگی دیگر سورهٔ ق بنویسد بر کاغذ و بشوید و بخورد [illegible]
دیوانگی و زحمتهای دیگر دفع شود دفع ضعیفی نفس هر که سورهٔ و
المرسلات بخواند نفس او قوی شود و ضعیفی بقوت بدل گردد و دل
ساکن گردد و هر که خواندن نتواند بدهد بنشتن و بشوید و بخورد دفع
چشم زخم هر که سورهٔ اعراف بنویسد بگلاب و زعفران و با خود دارد ایمن
بود از زخم دیگر این آیت وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَکَّلَ عَلَى اللهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا تا فلیتو

تا فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُتَوَکِّلُونَ بنویسد و با خود دارد چشم زخم بدو کار نکند دیگر
سورهٔ الهمزه بخواند بر هر که چشم زخم رسیده باشد زایل شود و نیکو شود
دفع زخ این آیت سه بار بخواند بر سه کلوخ آن علت بگذارد اینست وَیَسْأَلُو
نَکَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ یَنْسِفُهَا رَبِّی نَسْفًا فَیَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَى فِیهَا عِوَجًا
وَلَا أَمْتًا دفع سرفه بخواند و بر آب دمد و بخورد اَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاکُمْ
عَبَثًا وَأَنَّکُمْ إِلَیْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَى اللهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
الْکَرِیمِ دفع زکام بنویسد و به سرکه بشوید و غرغره کند و در طشت
افکند و آن مستعمل را در آب روان ریزد نیکو شود فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ
الْحُلْقُومَ وَأَنْتُمْ حِینَئِذٍ تَنْظُرُونَ یا شافی یا کافی دفع امساک قی هر که سورهٔ
قریش بخواند بر طعامی که بترسد از آن شفا بود از جمله دردها و از طعام دل
او بر هم نزند و قی نکند و اگر بخواند بر آب و بریزد آب را بر کسی که کرده باشد
دیگر سورهٔ والضحی بخواند از برای چیزی که آنرا فراموش کرده باشد از آن مو
ضع او را یاد آید دیگر حجامت از شرعة الاسلام حجامت سنت است و نافع و
دافع جمله دردها و زحمتها و علتها و حجامت در حالت نهار یعنی ناشتاب شافی
و سود مند و در حالت سیری موجب زحمت است و مضرت و حدیث است که

حجامت کردن روز یکشنبه شفاست و مستحب است حجامت در حالت روز دوشنبه از ماه هفدهم روز ودر خبر دیگر است که حجامت کردن در سررا شفاست از هفت رنجت از دیوانگی واز جذام واز برص واز غنودن و درد دندان وتاریکی چشم ودرد سر ودر حدیث دیگر که حجامت کردن عقل حفظ را زیاده کند وحجامت کردن از قفا ممنوع است ودر حدیث است که حجامت کردن در مغاک قفا فراموشی بار آرد که از آن احتراز باید کرد فصل سیم در دفع بختگی وجراحت وآماس ودمل وزخم هر که سوره قصص بنویسد بآب باران وآماس وبختگی وجراحت را بدان آب بشوید نیکو شود وهر که سوره مؤمن بنویسد وبه بند د برکسی که اورا دمل وبختگی وجراحت وجز آن باشد نیکو گردد وهرکه سوره حدید بنویسد وباخود دارد اگر جنگ دشمن افتد نتوانند اورا کشتن وآهن اورا نخلد واگر بخلد بیرون وجز آن ولیکن بغیر درد بیرون آید واگر بنویسد وبشوید ازین آب جراحتها را نیکو شود واگر ویرا بر دمل بندد نیکو شود وهرکه سوره غاشیه بخواند بر درد زخم وریش ودردهای دیگر ساکن شود بفرمان خدای وهرکه این دعا سه بار بخواند بوقت برآمدن آفتاب وبر دمل دمد بندد زود شفا یابد بالله

اللهم اکبر وانت تصغر الله اکبر وانت لا تکبر الله ابقی وانت تفنی لا اله الا هو کل شیء هالک الا وجهه له الحکم والیه ترجعون فصل چهارم در دفع بادهای فالج وعرق النسا وصرع ویرقان وباد سرخ ولقوه وناسور واولاد دفع فالج وعرق النسا هر که سوره فاتحه بنویسد در آوند پاک وبشوید بروغن بلیسان و بخواند برین روغن فاتحه هفتاد بار واین روغن باد فالج وعرق النسا ودرد پشت دفع شود دفع صرع هر که سوره سجده بنویسد وباخود دارد ایمن بود از صداع وهرکه سوره واللیل بخواند بر بی هوشی که ویرا باد صرع بود در ساعت نیکو شود وهرکه سوره حم عین سین قاف بنویسد وبشوید وآب آن بر مصروع بیفشاند دیو صراع را بسوزاند وبعد از آن نیاید بامر خدای دفع یرقان هرکه سوره سبا بنویسد وبشوید وآب آن بخورد وروی را بشوید یرقان دفع شود وهرکه سوره لم یکن بنویسد وبر صاحب یرقان بندد نیکو شد از آن علت دفع باد سرخ هرکه سوره انفطرت بنویسد وبشوید وبکسی دهد که باد سرخ دارد نیکو شود نوع دیگر بر باد سرخ بخواند یا بنویسد باخود دارد دفع شود اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم ادفع هذه الحمرة او بدفعة واحدة کما سلطها

صرع

دهوش

باد سرخ

بحق یس والقرآن الحکیم وبحق عبادک یا کریم وبحق معبود بیتک یا حلیم بان الحمد آ بیدک ودفعها بقدرتک یا کافی وانت شافی اشف بحق الانبیاء اجمعین وبحق اویس قرنی ومعروف کرخی دفع لقوه هرکه سوره زلزلت بنویسد در طشت آهن ونظر کند در آن صاحب لقوه نیکو شود روی او چنان شود که اول بود دفع ناسور هر که سوره اعلی بر ناسور بخواند دفع شود وهرکه دو رکعت نماز سنت بامداد الم ترکیف مدام بخواند وا ناسور نعمت ندهد ودیگر پس از نماز بامداد وخفتن این آیت بخواند وبدان نیت بر خود دمد شفا یابد ما عندکم ینفد وما عند الله باق الله لا اله الا هو الحی القیوم یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم سلام علی نوح فی العالمین بحق نام بزرگ خدای باز گردی وخشک شوی ای ناسور از مقعد فلان دیگر دعای ناسور ابو علی سینا گوید که هیچ علتی در فرزند آدم زشت تر از ناسور نیست که هرچه بخورد زیان دارد اگرچه داروی وی بوده باشد نفعی و بهیچ چیز دفع نشود وهیچ آدمی نیست که اورا علت ناسور نیست ولیکن پدید نیست وهرکه در مباشرت غلو کند وچیزهای ترش خورد مراورا پدید آید وبهیچ چیز دفع نشود مگر که این دعای بزرگ وار باخود دارد که برکت این دعا خدای تعالی اورا صحت بخشد

بخشد واین دعا در دعوات سلطان محمود بخط خواجه امام ابو بکر نانجی نبشته بود زنهار شک نیارد که بکفر کشد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله رب السموات والارض ورب الروح الامین ورب کل مخلوق فی الاولین ومدبر کل مخلوق فی الآخرین وهو حافظ علیهن قادر علی کل شیء قاهر فی سلطانه غالب علی امره مغیث فی ملکه وهو الاول والآخر لیس فی ملکه وزیر ولا فی سلطانه تغییر عزه عز الازلی وملکه ملک الابدی اللهم یا رباه ویا سیداه ویا مولاه ویا املاه ویا امناه ومفزاه ویا مستغاثاه اسألک ان تشفینی من هذه العلة واغوثاه الغیاث برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین فصل پنجم در دفع علتهای خنزیر وخوره شکم وسپرز واستسقا وکرده وسنگ مثانه وگر ونار وبرص دفع خنزیر بیاورد دوال باریک برابر انکس که خنزیر یا آماس کلو داشته باشد چهل یکبار این دعا بخواند وچهل یک گره بر زند وبرو ی بندد شفا یابد اعوذ بعزة الله وقدرته وعظمة الله وبرهانه وکنف الله وجواره وامان الله وحرزه وبطش الله وبهائه وجلال الله وکمال من شر ما احذر دیگر نقل است از شیخ نظام الدین رحمة الله علیه هر کرا خنزیر بیرون آید نماز

دیکر تا چند کاه کو این دعا میخوانند بسم الله الرحمن الرحیم سورة یا سین تا سر ره و
قصر تی جز جای سندیون لاه هلجیر بحق ابراهیم خلیل دیکر بر موضع کم خزیر
باشد این شکل بنویسند نیکو شود مجرب است لحق الریح دفع خون
شکم اکر کسی را از شکم خون رود بنویسد بر نان تنک هر روز ناشتاب بخورد
یا یکهفته ابتدا از یکشنبه کند صحت یابد لکیلا یعلم من بعد علم شیئا ان
الله علیم قدیر فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم ایاک نعبد
وایاک نستعین بسم الله ارقیک والله یشفیک من کل داء یوذیک
دفع سپرز هر که ممتحنه بنویسد و بشوید و سه روز متواتر بخورد اکر
سپرز دیرینه بود دفع شود دیکر این آیت بنویسد و بر جای سپرز بندد نیکو
شود ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا انه کان حلیما غفورا ارجع
یا طحال الی معادلک بحق ابی بکر الصدیق دفع استسقا هر که سورة قصص
بنویسد و بشوید با آب باران و بخورد استسقا و جمله دردها دفع شود
دفع کدو دانه این آیت بر سه پاره شکر بخواند بر سه پاره شکر دیکر و هر روز
ناشتاب یکپاره بخورد چون شش روز شود قدری تلخی بخورد صحت یابد
و دیکر نشود اینست یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب
سلیم

سلیم دفع سنک مثانه هر که سورة الم نشرح بنویسد و بشوید و بخورد سنک
مثانه دفع شود دفع کر این آیت بنویسد با وضو و بشوید و بخورد و آنچ
از آن آب باقی ماند کر را بشوید و بمالد و آن روز که بخورد با آب دست
پاک باشد و آن روز روزه دارد و آن روز هیچ مسکری نخورد به شود بفرمان
خدای تعالی و هر که درین شک آرد کافر کردد آیتها اینست بسم الله الرحمن
الرحیم ویشف صدور قوم مؤمنین اذ جاءتکم موعظة من ربکم وشفاء
لما فی الصدور وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین دفع نا
روا اکر کسی نا خورد دارد هر کنزا ورا نا روا نباشد دعا اینست الله اکبر الله اکبر
ولا تکبر انت یا نا روا فمات محمد صلی الله علیه فمت انت باذن الله تعالی دفع
درد چشم و دنبل و آبله و نارو و آنچ بدین انواع باشد بجا و لی نا رو که آغاز کند
پیش از آنکه قوت کیرد بسیار ریسمان و صلکم دختر نا رسیده ریسته باشد
برخد و ند نارو قیاس کند س هفت تو کند و هفت کره بزند به هر کره
همی این دعا بخوا و بد بازوی را بندد نارو اخشک کردد و بر آبله کم می
باید خواند و دمیدن و دست بر آبله فرو آوردن حق تعالی شفا بخشد
دعا اینست اللهم یا سابغ النعم ویا دافع النقم و باری النسم ویا عالم الجمیع

الامم من العرب والعجم ادفع عن فلان ابن فلان کل بلاء وآفة وعاهة و
لامة ومن شر من لا یخشاک فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم یا حنان یا منان
بحق بسم الله الرحمن الرحیم الله اکبر الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر و انت
لا تکبر قدمات محمد صلی الله علیه فمت یا نارو و یا دنبل و یا جمیع الاوجاع والادواء
فمت بحق هذه الاسماء وصلی الله علی محمد وآله اجمعین دفع برص هر که سورة لم یکن
بنویسد بر صاحب برص بندد نیکو شود دفع بسی بسی هر کرا بر اندام نعوذ
بالله این علت اثر کند سوزن فرا بر آن موضع اندر خلاند اکر خون بر آید علاج
کند و اکر خون نیاید علاج نکند و چون علاج خواهی کرد بسیار خاکستر جو سپیدان
و آب تر کن و این دعا را سه بار بخوان و ندم تا هفت روز طلا میکن خدای تعالی شفا بخشد
دعا اینست و توکلت علی الحی الذی لا یموت دیکر اکر کسی برص و یا درد دیکر
و یا زحمتی و یا علتی دیکر حادث شود که از مداوی آن عاجز باشد و رنج بیند از شیخ
الاسلام رکن الدین مرویست که چهل روز مدام هر روز بعد از سنت نماز بامداد
چهل بار سورة فاتحه با تسمیه بخواند آن زحمت بکلی دفع شود بی شک و اکر دفع نشود
باز از سر کیرد فصل ششم در علاج زنان حمل کرفتن عقیمه زادن فرزند
نرینه زیاده شدن شیر اول کرفتن حمل از منافع قرآن اکر مردی فرزند نیارد

ندارد عقیم است که فرزند نمی شود و یا زنی عقیم است آیت بنویسد بکلاب و زعفران
بر پاره شکر در شب آدینه نیم شب چنانک کسی نه بیند پس آن مرد خود بخورد
و از برای زن نیز بنویسد و بخورد او دهد و سه شب همچنین کند بفرمان خدای
تعالی زن بار کیرد و فرزند شود آیت اینست یا ایها الناس اتقوا ربکم
الذی خلقکم من نفس واحدة انه کان علیکم رقیبا و دیکر این دعا بنویسد
و در موم بپیچد و در سبوی نو نهد و آب در وی ریزد و هفت روز زن از آن آب
بخورد و بعده موم دور کند و تعویذ را غلاف سازد و از کردن بیاویزد
فرزند آرد بفرمان خدای تعالی بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بکلمات الله التامات من کل
شیطان مارد وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر
ویقولون انه لمجنون وما هو الا ذکر للعالمین بحق کهیعص و بحق حم عسق
آهیا شراهیا بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا
یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس با تسمیه بنویسد و جهد کند تا در کتابت
هیچ حرفی کور نکند والله اعلم دوم زیادتی شیر عورت هر که سورة حجر بنویسد
بزعفران و بشوید با آب و بخورد زنی دهد که شیرش کم باشد بسیار شود

وهرکه سورهٔ حجرات بنویسد و بشوید و بخورد زنی دهد که شیرش نباشد بسیار شود **فصل هفتم** در علاج طفلان اول زیاده شدن حفظ برآمدن دندان و از شیر باز کردن فرزند و زود گفتن سخن و سلامتی بچه و تعویذ آبله و آمدن خلق بخواستگاری اگر سورهٔ حجرات زن حامله با خود دارد خدای تعالی حمل او را از جملهٔ خوفها نگاه دارد و هرکه سورهٔ معارج بنویسد و زن حامله با خود دارد خدای تعالی حمل او را از جملهٔ خوفها نگاه دارد و اگر بشوید و آب آن بکودکی نوزاییده بخوراند بسلامت دارد خدای تعالی آن فرزند را از رنجهای بچگان در کوچکی میشود و به نبات نیک پرورده شود و هرکه این آیتها بنویسد بگلاب و زعفران بر پوست آهو ببندد زن حامله بر تهیگاه خود جانب راست تا آن زمان که وضع حمل شود نگاه دارد خدای تعالی آن حمل و بچه را از جملهٔ آفتها و عیبها و اگر بنویسد بمشک و زعفران و در غلافی آهن نهد و بر گردن طفل بندد حرز عظیم بود و کودک از گریستن و ترسیدن ایمن بود و باندک شیر ما در سیر شود و پاکیزه و نیکو خلق پرورده گردد آیات اینست اذ قالت امرأت عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انک انت السمیع العلیم تا الی بغیر حساب **بیرون** آمدن دندان هرکه سورهٔ ق بنویسد و بشوید از آن آب

نگاه داشتن حمل

حفظ الطفل

آب دهان طفل را دندانهای او بآسانی بی زحمت برآید **شیر** باز کردن هرکه سورهٔ بروج بر بچه ببندد که او را از شیر باز کرده باشد شیر گذاشتن بروی آسان شود **بیرون** آمدن سخن هرکه سوره بنی اسرائیل بنویسد بزعفران و بشوید باب و بخوراند بچه را که سخن نمی تواند گفت سخن درست از زبان او بیرون آید بفرمان خدای تعالی **سلامتی** بچه هرکه سورهٔ بلد بنویسد و بر طفل نوزاده بندد ایمن و سلامت بود آن بچه از نقصانها و اگر بشوید و آب در بینی بچه چکاند قد و بالا نیکو ابر گشد از وسیلة الفلق ابن عباس رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه و سلم حسن و حسین را رضی الله عنهما بدین کلمات تعویذ میکردی اعیذکما بکلمات الله التامة من کل شیطان و هامة و من کل عین لامة و اعیذه باالواحد من شر کل حاسد پس فرمود که بچگان خود را بدین تعویذ کنید که ابراهیم صلوات الله علیه اسحاق و اسماعیل را علیهما السلام بدین تعویذ کردی و از برای یک کس اعیذک گوید و هرگاه اثر و یک علامت آبله باشد پیش از آنکه برآید و با بچگان آب پیوسته بگیرد و هرچه بخورند تا گوارنده شود پس اگر خواهد که آبله باشد پیش از آنکه آنکس کمتر بیرون آید و از سه و چهار نگذرد این تعویذ بر کاغذ نقش کند و بزیر بالین او

سلامة بچه

بنهد اینست الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین بجهت آمدن خلق بخواستگاری و هرکه سورهٔ احزاب بنویسد بر پوست آهو و در طومار و در خانه نگاه دارد اگر دختران و خواهران او را کسی نخواهد و هیچ کسی با ایشان تزویج نکرده باشد مردمان بخواستگاری دختران و خواهران او بسیار آیند **فصل** هشتم در دفع مضرتها و شرها و فتنها چون مار و کژدم و دیو و پری و سحر و کرم غله و شراب و زنا و سرقه و احتلام **دفع** مار و کژدم و جز آن هرکه سورهٔ اعراف بنویسد بگلاب و زعفران و با خود دارد ایمن بود از گزیدن مار و از دشمنان و اکم نکند و هرکه سورهٔ نمل بر پوست آهو و یا در کاغذ بنویسد و در صندوق نهد در آن خانه مار و کژدم و پشه و مورچه نباشد و چیزی که زبان دارد نباشد و هرکه سورهٔ سبا بنویسد بر کاغذ و در جامهٔ سفید بجلد و با خود دارد ایمن از گزندگان و هیچ گزنده نزدیک وی نیاید و هیچ عقوبتی بروی نرود مادام که این سوره باوی باشد و هرکه سورهٔ یس بنویسد و با خود دارد ایمن

ایمن باشد از گزندگان دفع دیو و پری و هرکه سورهٔ اعراف بنویسد بگلاب و زعفران با خود دارد ایمن بود از گزند شیطان و هرکه سورهٔ حجرات بنویسد و به بندد بر کسی که وی را آسیب دیو باشد خلاص یابد از شر آن و دیگر آن دیو نزد او نیاید تا آن زمان که آن سوره باوی باشد و اگر این سوره بر دیوار خانه نهد در آن خانه دیو در نیاید و ایمن بود از جملهٔ خوفها و هرکه سورهٔ الناس بنویسد و با خود دارد و هر شبی بخواند ایمن باشد آن خانه از پریان و از وسوسهٔ شیطان **و هرکه** این آیت و ما لنا الا نتوکل علی الله تا فلیتوکل المتوکلون بر سبوی پر آب بخواند اگر کسی را آسیب پری و یا نظر آدمی باشد صاحب زحمت را در میان چهار راه ببرد در شب و از آن آب سر بشوید و در سه شب همچنین کند نیکو شود **بجهت** بیرون آمدن سحر که سورهٔ شعرا بنویسد و در وا کردن خروس سفید بندد و رها کند هرجا که سحری و مکری مدفون باشد در زمین آنجا برود و بایستد **دفع** کرم غله و جز آن هرکه آیت الکرسی در سفال نو بنویسد و در انبار غله و یا خرما بنهد کرم نخورد و بابرکت شود و هرکه آیت مثل الذین ینفقون اموالهم تا الله واسع علیم بنویسد بر سفال نو در انبار غله و یا مویز و اجناس دیگر دختر

بگو بنهد پس در غله هیچ کرمی نیاید و هیچ آفتی برو نرسد واگر این شغال در
باغها و کشت و زراعت بدارد برکت شود در آن و نیکو بدارد و بروید
چنانکه آرزوی خصم باشد دفع شراب هرکه سورهٔ مؤمنون بنویسد در شب
بر جامهٔ سفید و به بندد بر کسی که شراب خوار باشد شراب را ترک دارد و بعد از این
شراب را دشمن دارد و نخورد دفع زنا و سرقه و اباق هرکه سورهٔ قصص بنویسد
بر پوست آهو و به بندد بر بندهٔ زانی و گریزپای و دزد باشد این خصلتها
از وی برود دفع احتلام هرکه سورهٔ نوح هر شبی بخواند ایمن بود از جنابت و
احتلام در آن شب تا صبح فصل نهم در دفع موذیات موش و کژدم
و زنبور و مورچه اول دفع موش دو شرابه بیارد و این دعا در میان شرابه
بنویسد و شرابهٔ دیگر سر پوش او کند و در زیر آستانه در نهد و در گوشهای
غله نهد برو موش دفع شود عقدت فم الفار القیعان والکلاب من هذه
الدیار والزروع والثمار و ورق الاشجار و صلی الله علی النبی المختار و علی آله
واصحاب الابرار و امته عباد الغفار یا هو یا من هو یا من لیس له الا هو و
صلی الله علی محمد و آله اجمعین دفع پشه و غسق بیارد پارهٔ ریگ دریا و این
آیت که گفته می شود میخوانند و ریگ گرد بر گرد می انداز دیهم پشه و غسق از آن

دفع الاحتلام

بالنا ... اللهاء امن نقال
استعیم الله ... ورد
اهل ... موالی و اولاد

آن موضع برود فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین فتبارک الله احسن الخالقین
استودع الله دینک و مالک و زوجک از تفسیر مغنی در حدیث است چون پشه
ترا زیان رساند پس بگیر قدحی آب و بخوان این آیت بروی هفت بار وما
لنا الا نتوکل علی الله وقد هدینا سبلنا و لنصبرن علی ما آذیتمونا و علی الله
فلیتوکل المتوکلون وان کنتم آمنتم بالله فکفوا عنا شرکم و آذاکم پس
آن آب را گرد بر گرد فراش خود بزنند بدرستی که شب ایمن شود از شر ایشان
دفع زنبور قدری نمک آب کنند و در خانهٔ زنبور ... فکند وقت باب بگوید بحق
آهیا شراهیا اذونی بحق و عنت الوجوه للحی القیوم که ازین جا بروید در
یک هفته بروند دفع مورچه این آیت را بر آب بخوانند و در خانهٔ مورچه بریزد
از آنجا بروند اینست حتی اذا اتوا علی واد النمل تا وهم لا یشعرون دفع کژدم
چون کسی را کژدم بگزد نمک آب بر آن موضع گزیدگی بمالد و اخلاص و معوذتین
میخواند صحت یابد از تفسیر مغنی ثواب کشتن موذیات عایشه رضی الله
عنها میگوید از پیغامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم هرکه بکشد یک کژدم محو کرده
شود خدای تعالی از صحیفهٔ او هفت گناه و ابن مسعود رضی الله عنه گفت که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه بکشد یک کژدم را نبشته شود بنام او هفت نیکی

و پاک کرده شود هفت بدی و هرکه بکشد یک گرفش را نبشته شود بنام
او ده نیکی و پاک کرده شود ده بدی و برآورده شود بنام او درجه و هرکه
بکشد یک مار را چنان نبشتی که کشته باشد کافری را از اهل حرب فصل دهم در
گم شده و دزدیده و گریخته در حدیث آمده است که هرکرا چیزی غایب شود
آب دست کند دو رکعت نماز بگزارد در رکعت اول بعد از فاتحه والضحی و در دوم
الم نشرح بخواند و بعد از سلام دست بردارد و بگوید یا هادی الضال
والضلالة اردد علی ضالتی بعزتک و سلطانک فانها من فضلک هر آینه بیاید
دیگر اگر کسی را چیزی گم شود چهار رکعت نماز بکند بیک سلام و در هر رکعتی بعد
از فاتحه قل یا ایها الکافرون چهار بار بخواند چون سلام دهد سر بسجده نهد
و صد سیزده بار بگوید اسألک بحق محبتک علی محمد و اسألک بحق محبة
محمد علیک ان تظهر لی مسروقی خدای تعالی دزد را برو آشکار کند یا مسروق
برو برساند دیگر چون نماز خفتن بگزارد با آبدست پاک بنشیند و والشمس
و ضحیها هفت بار و واللیل هفت بار بخواند آنگاه این دعا بخواند و همچنان
با آبدست بخسپد در خواب بیند که کسی بیاید او را خبر کند که کالای ترا فلان برده

برده است دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی آمنت بک و توکلت
علیک و کفرت بالجبت والطاغوت و استمسکت بالعروة الوثقی لا انفصام
لها والله سمیع علیم یا حی یا قیوم یا عالم یا خبیر اجعل لی من هذه الامر فرجا و مخرجا
برحمتک یا ارحم الراحمین دیگر گم شده را سه بار بگوید انا لله وانا الیه را
جعون پس سورهٔ یس بخواند دیگر چون چیزی گم شود سورهٔ والعادیات
بخواند در حال بیاید دیگر بیارد قدری آرد گندم و برو آیة الکرسی بخواند و به کسی
دهد که گمان دارد پارهٔ از آن برهد و بگوید آب دهان خود در کف خود غلوله
کند آن کس که کالا را دزدیده باشد آب از دهان بیرون نیاید و غلوله نتواند کردن
و دیگر از عوارف بجهت گم شده و گریخته هزار بار در شب و یا در روز بگوید گم
شده و گریخته را باز بیابد مجربست اینست یا جامع الناس لیوم لا ریب فیه
اردد علی ضالتی بعد از ده یا بیست بار این دعا خوانده باشد نام آن چیز بگوید
از ستور و برده و رخت هرچه باشد دیگر بجهت بیرون آوردن دزدیده دو کس
مقابل بنشینند و هر یک دو تا تیر بر دست گیرد و قافهای تیر با هم وصل کند و میان
چهار تیر گشاده دارند و هر دو کس سورهٔ یس برخوانند متهمان را گویند تا یکان

علیم

یحان دست ودرمیان آن تیرها ابوارند ودور شوند وبهرکدام که کالاء دزدیده باشد بهرچهار تیر کردد آید ودست او بگیرد این ثواب وتجربه کرده شده است دیگر ابن عباس رضی الله عنه کفت پیغامبر صلی الله علیه وسلم را جبرائیل علیه السلام این دعا را بیاموخت وکیفیت او دراز است هرکه این دعا از برای کم شده چهارپای ویا از جهت آدمی کریخته بخواند حق تعالی آنرا بروی رساند باسانی وعافیت دعا اینست اللهم ان السماء سماؤک والارض ارضک والجنة جنتک والنار نارک والبحر بحرک والمشرق مشرقک والمغرب مغربک اللهم ضیق علی فلان الارض برحبها حتی تجعلها علیه اضیق من مسک حتی یهتدی علی فی یسر وعافیة انک تهدی من الضلالة وترد الضال اسالک ان ترد علی ضالتی بحولک وقوتک فانها کانت من رزقک وعطایاک باکثیر المعروف الذی لا ینقطع ابدا ولا یحصیه غیرک اولیس الذی خلق السموات والارض بقادر علی ان یخلق مثلهم بلی وهو الخلاق العلیم انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون **جهت** برده کریخته بکیرد قفل وهفت بار سورهٔ یس بخواند تا آنجا که من المکرمین ودر آخر نام کریخته یاد کند وقفل را به بندد ودرمیان سبوی آب اندا

ازد کریخته سرکردان شود وبیاید **دیگر** هرکه سورهٔ والعادیات بنویسد وبر بازوی بنده که کریزپای باشد به بندد نکریزد **دیگر** هرکه این آیت بنویسد بر نان جو بخوراند بردهٔ کریزپای را وبازنی را که با شوهر آرام نگیرد وبرده را از کریختن بازدارد وزن را از خصلت بد آیت اینست یا ایها الذین آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون **دیگر** چون برده بلرزد هزار بار این آیت بخوانند ودرمیان خواندن سخن نگوید هرآینه بازآید الم تعلم ان الله یعلم ما فی السماء والارض ان ذلک فی کتاب ان ذلک علی الله یسیر **دیگر** باز یافتن کم شده بعد از نماز خفتن چهل بار سورهٔ والضحی بخواند بر خیزد ودر هر کوشهٔ خانه بانک نماز وقامت کوید هرآینه باز یابد اکر بهر چهار جانب بانک نماز وقامت نگوید وبهوش جهت یکبار این آیت بخواند هرآینه باز یابد انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون **دیگر** هرکرا برده کریخته باشد سورهٔ والضحی در کاغذ مدور بنویسد با تسمیه چنانک دایره بر شود ونام کریخته درمیان دایره بنویسد وبیرون دایره در چهار کنج کاغذ در هر کنجی یکان نام ابوبکر وعمر وعثمان وعلی رضوان الله علیهم اجمعین

بنویسد ودرمیان تمام قرآن مجید نهد وبجای خوابگاه بنده کریخته باشد باکوان بنهد امید است که همان روز بردهٔ کریخته باز آید **دیگر** ابن عباس رضی الله عنه کفت هرکرا بنده بکریزد این آیت بنویسد ودرمیان حقه بنهد وبموم مهر کند چون بنده را یابد آن حقه وکاغذ در نظر بنده بکشاید بجوی که نظر کند دیگر هرگز نکریزد آیت اینست او کظلمات فی بحر لجی یغشاه موج من فوقه موج من فوقه سحاب ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج یده لم یکد یراها ومن لم یجعل الله له نورا فما له من نور **باب هجدهم** در زیاده شدن حفظ نقل از وصایای رسول صلی الله علیه وسلم فرمود یا علی پنج چیز فراموشی آرد خوردن سور موش وبول کردن مستقبل قبله ودر ایستاده وبول کردن خاکستر وحرام از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که شستن زیاده کند حفظ را وسر ناشسته وریم در سر کذاشتن حفظ را نقصان کند از احیای العلوم امیر المومنین علی رضی الله عنه کفت سه چیز حفظ را زیاده کند وبلغم را کم کند اول تلاوة قرآن وروزه ومسواک **دعای** حفظ مرویست از رسول صلی الله علیه وسلم که بزعفران در آوند پاک رو بینه بنویسد پس درشب جای نهد که ستاره بروی بتابد چنانکه میان آوند وستارگان هیچ حایلی نباشد پس چون روز شود آن آوند را با آب باران

را ان جمع کرده بشوید پس آن آب را سه روز ناشتا با سه مثقال عسل بخورد حفظ او چنان شود که هرچه بخواند بشنود یاد کیرد بفرمان ایزد تعالی بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسالک ولا اسال غیرک وارغب الیک ولا ارغب الی غیرک یا معطی السائلین ومنتهی الراغبین وامن الخائفین وجار المستجیرین فتاح الخیرات ومقیل العثرات وماحی السیئات وکاتب الحسنات ورفیع الدرجات واسالک بافضل اسمائک کلها واعظمها واجلها لا ینبغی للعباد ان یسالوک الا بها یا الله یا رحمن یا رحیم وباسمائک الحسنی کلها وباسمائک العلی واکرمها واشرفها عندک منزلة واقربها منک وسیلة تحبه وترضاه عمن دعاک به وتستجیب له دعاءه وحقا علیک ان لا تحرم به السائلین وبحق کل اسم دعاک حملة عرشک وملائکتک وانبیائک واصفیائک من خلقک وبحق الراغبین الیک والمتعوذین بک والمتضرعین الیک وبحق کل عبد لک فی بحر وفی بر وشهداء وحبیک دعاک به وادعوک دعاء من اشتدت فاقته وعظم جرمه وضعف قوته واشرفت علی الهلکة نفسه یا الله یا رحمن الهی انت الرب وانا العبد الهی انت الملک وانت المملوک وانت القوی وانا الضعیف

وَاَنْتَ الْعَزِیْزُ وَاَنْتَ وَاَنَا الذَّلِیلُ وَاَنْتَ الْغَنِیُّ وَاَنَا الْفَقِیْرُ وَاَنْتَ الرَّحِیْمُ
وَاَنَا الْخَاطِی وَاَنْتَ الْمُحْسِنُ وَاَنَا الْمُسِیُّ وَاَنْتَ الْعَفُوُّ وَاَنَا الْمُذْنِبُ
وَاَنْتَ احق مِمَّنْ اَشْکُوا بثّی وَاَسْتَعِیْنُ اِلَیْکَ وَاَرْجُوکَ وَاَسْئَلُکَ
اَنْتَ الْکَرِیْمُ فَکَمْ مِنْ مُذْنِبٍ قَدْ غَفَرْتَ لَهُ وَکَمْ مِنْ مُسِیْءٍ قَدْ تَجَا
وَزْتَ عَنْهُ وَکَمْ مِنْ ضَالٍّ قَدْ هَدَیْتَهُ وَکَمْ مِنْ وَضِیْعٍ قَدْ شَرَّفْتَهُ وَکَمْ
مِنْ طَرِیْدٍ قَدْ اَوَیْتَهُ وَکَمْ مِنْ بَلَآءٍ قَدْ دَفَعْتَهُ فَاَنَا عَبْدُکَ اِلٰهِی
فَارْزُقْنِی حِفْظَ کِتَابِکَ فِی قَلْبِی کَمَا اِنَّکَ اتَّخَذْتَ اِبْرَاهِیْمَ خَلِیْلاً
وَکَلَّمْتَ مُوْسٰی تَکْلِیْماً وَاَیَّدْتَ عِیْسٰی بِرُوْحِ الْقُدُسِ وَکَانَ یُبْرِئُ
الْاَکْمَهَ وَالْاَبْرَصَ وَیُخْرِجُ وَیُحْیِ الْمَوْتٰی بِاِذْنِکَ یَا اِلٰهِی اَسْئَلُکَ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلٰی رُسُلِکَ وَخَیْرِ خَلْقِکَ اَنْ تَرْزُ
قَنِی حِفْظَ کِتَابِکَ یَا مُجِیْبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّیْنَ وَیَا مُعْطِیَ السَّائِلِیْنَ
اِنَّکَ نِعْمَ الْمَوْلٰی وَنِعْمَ النَّصِیْرُ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ امیر المؤمنین
علی رضی الله عنه میگوید چون من این دعا را جنانکه مسطور
بست کار بستم حفظ من بجدی رسید که اگر آواز مغنیان و نو
حه گران بشنودمی انگشت در گوش کردمی تا آنچ ایشان گویند در

دریاد من نماند و عبدالله ابن عمر و انس بن مالک رضی الله عنهم همچنین
گفتند و مرویست مرحفظ را از محمد هیضم نقل از کتاب الفتوح مجربست
بنویسد بر نان تنگ و سه روز ناشتاب بخورد اینست اللّٰهم انی اسئلک
بحق کتابک الذی وما ترضی به عنا فانک هدیت یا نور املاء جوفنا
بنورک یا ملک یا مقتدر اشهد انک علی ما تشاء قدیر وصلی الله
علی محمد و آله اجمعین دیگر اگر کودکی در سخن گفتن زبان نمی کرد سورهٔ
بنی اسرائیل بنویسد بمشک و زعفران پس بشوید و او را خوردن دهد فصیح گردد
بقدرة الله دیگر خبر معاذ بن جبل رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود که هر که بنویسد بر کف دست الیسع راست خود آیة الکرسی
هفت بار هر روزی هر یکبار و بلیسد فراموش نکند چیزی از همیشه دیگر مرویست
از رسول صلی الله علیه وسلم باسناد درست که بنویسد بمشک و زعفران فاتحه
و سورة الحشر و القارعة و تبارک نیز اگر بنویسد بهتر باشد و چون نبشته بشوید
بالآب پاک و شام و بوقت سحرگاه با سه مثقال مصطکی و ده درم شکر و
ده مثقال انگبین سفید و آن روز روزه دارد و چون زوال بگردد دو رکعت
نماز کند در هر رکعتی فاتحه یکبار و اخلاص پنجاه بار بخواند چهل روز برنیاید که

زیاده ذهن

حافظ گردد و این کس باید که بسال کم از شصت بود این نوع را بزرگان آزمو
ده اند و حافظ شده اند دیگر دعای حفظ چهل صباح بخواند پیش از بلند
شدن آفتاب برین ترتیب اول فاتحه سه بار بخواند سه بار سبحان الله والحمد لله
تا آخر بگوید و سه بار درود بفرستد و این آیت بخواند ده بار ده بار فَفَهَّمْنَا
هَا سُلَیْمَانَ وَکُلًّا آتَیْنَاهُ حُکْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ یُسَبِّحْنَ
وَالطَّیْرَ وَکُنَّا فَاعِلِیْنَ پس این دعا بخواند یکبار یَا رَبَّ مُوْسٰی وَهَا
رُوْنَ وَیَا رَبَّ عِیْسٰی وَاِبْرَاهِیْمَ وَیَا رَبَّ مُحَمَّدٍ صلی الله علیهم وسلم وَاَکْرِمْنِی الْفَهْمَ
وَالْحِفْظَ وَارْزُقْنِی الْعِلْمَ وَالْحِکْمَةَ وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ یَا قَاضِیَ الْحَاجَاتِ
اِقْضِ حَاجَتِی وَاَکْرِمْنِی بِاَنْوَاعِ الْخَیْرِ یَا قَرِیْبًا غَیْرَ بَعِیْدٍ دیگر بجهت
حفظ بنویسد بر کف دست و بلیسد متعلم هلیلجا و ترکا غذی بنو
یسد شب آدینه و در آب روان و یا در چاه انداز و یکبار فاتحه
و آیة الکرسی و چهار بار قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ بخواند و در آب اندازد و با وضو
باشد بهر نیتی که اندازد دیر نکشد بفرمان خدای تعالی حاجتش باز گردد
از پس نگاه نکند دیگر نقل از منافع قرآن مرویست از جعفر صادق
رضی الله عنه هر که سورهٔ یٰسٓ بگلاب و زعفران بنویسد و بشوید بخورد

للخیر بدل

بخورد سه روز حفظ او چنان شود که هرچ بشنود یاد او ماند و او غالب آید
با هر که در آویزد ایضًا سورهٔ فاتحه بنویسد بمشک در آوند آبگینه و بگلاب
بشوید و بخورد کسی که طبع او کند باشد هفت روز ناشتاب بخورد کندی
طبع از وی برود و هرچ بشنود یادش ماند ایضًا خاصیت این آیات
حفظ را زیاده کند و بیان را قوی و علم در دل ثابت دارد و معرفت
را زیاده کند اول پنجشنبه از ماه اول ساعت از روز در آوند پاک بمشک و زعفران
بنویسد و بشوید با آب خوش و بخورد و آن روز امساک کند از طعام و سه روز همچنین
کند تا پنج روز و در شب می آشامد و در روز روزه دارد بمطلوب خود برسد
و آیات اینست الٓمٓ ذٰلِکَ الْکِتَابُ لَا رَیْبَ فِیْهِ تا مُفْلِحُوْنَ ایضًا خا
صیت این آیت آنست که ذهن را قوی کند و دل را زیرک کند و نسیان را ببرد
و حفظ قرآن و علم و حکمت حاصل شود و وسواس برود بنویسد در
آوند پاک بمشک و گلاب و بشوید با آب زمزم و بخورد هفت روز متواتر
بعد از نماز بامداد ناشتاب بمراد برسد و فایده بسیار دهد بفرمان خدای
عز و جل آیت اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَالنَّجْمِ اِذَا هَوٰی مَا ضَلَّ صَاحِبُکُمْ وَ
مَا غَوٰی وَمَا یَنْطِقُ عَنِ الْهَوٰی اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْیٌ یُوْحٰی تا لَقَدْ رَاٰی مِنْ آیَاتِ

رَبِّهِ الْکُبْرىٰ ایضًا جعفر صادق رضی الله عنه گفت هر که پیش خواندن چیزی این دعا
بخواند بعد از آن هرچه بخواند هرگز فراموش نکند و حفظ زیاده شود از برکت
این دعا بسم الله الرحمن الرحیم اللّٰهمّ افتح علینا اباب حکمتک وانشر علینا بفضلک
وبرحمتک یا ذا الجلال والاکرام یا میسّر کل عسیر فانّ تیسیر العسیر علیک یسیر انّک
علی ما تشاء قدیر وبالاجابت جدیر اللّٰهم علّمنی وفقّهنی فی الدین وحبّبنی
فی قلوب عبادک وارزقنی علمًا وعملًا وحفظًا نافعًا وادبًا کاملًا اللّٰهم
انی اسألک فی العلم زیادةً وفی الرزق برکةً وصلی الله علی محمد وآله اجمعین
برحمتک یا ارحم الراحمین از فوائد الفواد شیخ فرید الدین رحمة الله علیه هر که را قرآن
یاد گرفتن فرمودی او را سورهٔ یوسف فرمودی که یاد کرد و گفتی هر که سورهٔ یو
سف یاد گیرد برکت آن خدای تعالی او را تمام قرآن روزی کند هم درین معنی
فرمود که رسول صلی الله علیه وسلم هر که را نیت یاد گرفتن قرآن بود و بدان
نرسد وهم بدان نیت باشد ازین جهان برود فرشته او را بگور نهد فرشته
بیاورد ترنجی از بهشت بیارد و بدست او دهد آنکس او را بوی کند تمام قرآن
او را محفوظ بود فردا چون حشر شود او حافظ مبعوث شود باب نوزدهم
در فضائل متفرق از فوائد الفواد انس بن مالک رضی الله عنه گفت بالله العظیم بدرستی

بدرستی و راستی حدیث کرد مرا ابوبکر الصدیق رضی الله عنه او گفت بالله
العظیم بدرستی و راستی که خبر کرد مرا رسول صلی الله علیه وسلم وگفت بالله العظیم
بدرستی و راستی که خبر کرد مرا جبرائیل علیه السلام وگفت بالله العظیم خبر کرد مرا
اسرافیل خازن رب العزت صلوات الله علیه وگفت بالله العظیم از حضرت
عزت بی کام وبی صوت وبی زبان وبی الحان این را شنیدم بعزت جلال من که
هیچ مومنی نیست که یکبار سورهٔ فاتحه بخواند متصل با بسم الله الرحمن الرحیم شما گواه
باشید که تمامت گناه او را بیامرزیدم اگرچه کافر حق باشد واعمال او را بپذیرم
وسیئات او را درگذرانم وقسم یاد میکنم که زبان او را بآتش نسوزانم واز احوال
رستخیز واز عذاب گور و سختی حساب برهانم وگذاشتن صراط بر او آسان
گردانم و فردای قیامت پیش انبیا واولیا مرا ببیند و منشور امان بدست او
دهم بدانکه درین حدیث چند اشکال است سوال مراد ازین اتصال چه میخواهد که
میم الرحیم بلام الحمد پیوستن یا معنی دیگر میخواهد جواب از استاد خود ملک
عمید مجید الدین عثمان قدوة المتقین عمر کاتب طیب الله ثراه شنیدم در
معنی این حدیث که مراد ازین اتصال آنست که میان تسمیه وخواندن فاتحه
بهیچ عمل از اعمال دنیا قصد نکند و خاطر و ضمیر را از اندیشه دیگر خالی دارد

المتقدمین بدل

وهم باطن خود را مستغرق دارد اندران تا ثواب اتصال حاصل آید اگرچه میم الرحیم
بلام الحمد پیوند نرود سوال مجرد خواندن فاتحه آمرزیدن کافر چگونه درست آید
جواب اصل کفر در لغت عرب ستر است یعنی پوشانیدن و عرب تاریکی را
کافر خوانند زیرا که روشنایی را بظلمت خود بپوشد و همچنان مرد بزرگرا
کافر خوانند پس چون درست شد که معنی کفر در لغت عرب پوشیدنست تاویل
حدیث چنان که خدای تعالی خوانندهٔ فاتحه را با بسم الله بیامرزد اگرچه آنکس حقی را
بپوشاند وظاهر نکرداند سوال تاویل حدیث چگونه درست آید او پیش از اولیا
وانبیا بهشت را ببیند جواب اندرین کلمه حذف مضاف مقدم یعنی نعیم
بهشت را هم ببیند پیش از اولیا وانبیا و آن چنان باشد که فردای
قیامت انبیا واولیا که شفاعت بر میان بندند و در عرصات میگر
دند و گناهکاران را شفاعت کنند واز دست زبانیه خلاص می دهند
و پیش از خود در بهشت می فرستند این معنی برین تاویل درست است
از تفسیر منیر در خبر است از رسول صلی الله علیه وسلم که خدا بندگان را
زنده در عافیت باشند و بمیرند در عافیت و در گور و قیامت و بهشت
هم بعافیت برسند چو گفت بسیار گویند ربنا آتنا فی الدنیا حسنة
وفی

وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار از ملفوظ شیخ فرید الدین رحمة الله
فرمود که در تفسیر امام ضحاک رضی الله عنه نبشته دیدم که هر که خواهد که اعمال او
بمشرق حق قبول و آراسته باشد این آیت بسیار بخواند ربنا تقبل منا انک انت
السمیع العلیم وهر که خواهد که نیکی دنیا و آخرت او را دهند واز آتش برهد این
آیت مدام خواند ربنا آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
وهر که خواهد در همه احوال صابر باشد وقدمش در همه کارها ثابت بود و دشمنا
ن او بروی ظفر نیابد این آیت مدام میخواند ربنا افرغ علینا صبرا وثبت اقدامنا
وانصرنا علی القوم الکافرین وهر که خواهد با دوستان حق جمع شود
این آیت را بسیار خواند ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا
یخلف المیعاد بعد از آن بر لفظ مبارک راند چون این کس در ملازمت
کردن این آیت باشد با دوستان خدای جمع شود که بود که خود را ازین سعا
دت محروم دارد و نخواند آنگاه فرمود چون کسی را چیزی غایب شود و یا بدزده
بگریزد و یا خواهد که فرزندی شایسته و پارسا ازو شود پس آیت بسیار خواند رب
هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء زکریا صلوات الله علیه
در مناجات همین خوانده بود که خداوند تعالی اجابت کرد و بشری یحیی علیه السلام داد

ومودی بخدمت شیخ محمد سوستانی رحمة الله علیه بیامد به نیت فرزند روی
بر زمین آورد و بنشست حدیث شیخ از ضمیر روشن که در ایشان بود فرمود
که برو و این آیت را ملازمت بخوان تا حق تعالی ترا فرزندی شایسته روزی
خواهد کرد آن مرد ملازمت کرد حق تعالی او را فرزندی داد که صاحب سجاده
بود که بپای پیاده هفتاد حج بگزارد و چون خواهد که در وعده‌های نیک مردان
برسد و در عرصات رنج نبیند این آیت بخواند که ربنا آتنا ما وعدتنا
علی رسلک ولا تخزنا یوم القیامة انک لا تخلف المیعاد مرودی
در بخارا در فسق از حد گذشته و مشهور بود چون که او از دنیا نقل کرد مسلمانی
او را بخواب دید که میان اولیا و دوستان خدا ایستاده است در ایشان حیرتی
و عجبتی پیدا آمد و گفتند این دولت از کجا یافتی که در میان ما گفت در تفسیر
کشاف دیده بودم که هر که این آیت بخواند خدای تعالی او را با نیک مردان
جمع کند اکنون من یکبار بصدق خوانده بودم حق تعالی چون اندک بدین بسیار
بخششی است از من آن طاعت قبول کرد و کردارهای مرا بیامرزید و مرا در
کار این آیت کرد و در میان نیک مردان جمع کرد وچون خواهد که از صحبت
ظالمان نجات یابد این آیت بخواند ربنا اخرجنا من هذه القریة الظالم اهلها

اهلها واجعل لنا من لدنک ولیا واجعل لنا من لدنک نصیرا هر که خواند
این آیت با صالحان نشیند و پیوسته در امان و حفظ خدای باشد و مظفر
منصور باشد و چون خواهد که در دنیا و آخرت در ظلمت نماند این آیت بسیار
خواند که ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم الظالمین و چون خواهد که از شر ظالمان
ایمن باشد و او را و اولاد او را به بت پرستی مبتلا نکنند این آیت بسیار
خواند رب اجعل هذا البلد آمنا واجنبنی وبنی ان نعبد الاصنام و چون
خواهد که کافران بر وی مستولی نشوند این آیت بسیار خوانند ربنا لا
تجعلنا فتنة للذین کفروا واغفر لنا ربنا انک انت العزیز الحکیم از وسیلة
القلوب از صحابه روایت کردند که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که یکبار قل هو الله
احد بخواند برکت دهند بر او و بر اهل و اولاد او و هر که دوازده بار بخواند دوازده
ده قصر بنا کرده شود برای او در بهشت و هر که بیست بار بخواند فردای
قیامت با پیغامبران علیهم السلام می آیند نزدیک که انگشت شهادت با
انگشت میانین و هر که صد بار بخواند گناه بیست ساله وی آمرزیده شود
و هر که چهار صد بار بخواند اجر چهار صد شهید در نامهٔ او بنویسد و هر که هزار
بار بخواند نمیرد تا جای خود در بهشت نبیند یا در خواب و یا در بیداری

از کفایهٔ شعبی در خبر است که رسول صلی الله علیه و سلم گفت هر که مدام قل هو الله
احد بخواند امر کند خدای تعالی ملائکه را تا از برای او در بهشت قصرها بنا کنند
خشتی از زر و خشتی از نقره و چون از خواندن سورهٔ اخلاص باز ایستد ملائکه
نیز در عمارت توقف کنند پس ملائکهٔ دیگر بر ایشان بگذرند ایشان را گویند که چرا
عمارت را توقف کرده اید ایشان گویند صاحب عمارت اجرت ما موقوف داشته
است ما نیز در عمارت توقف داشته ایم تا نفقه بما برسد از تفسیر منیر قوله تعالی
وقدموا لانفسکم ابن عباس رضی الله عنهما گفت که چون مجامعت خواهی کردن پیش
از آن باید گفت بسم الله الرحمن الرحیم بگوید قل هو الله احد بخواند پس بگوید
اللهم جنبنی الشیطان وجنب الشیطان عما رزقتنی و در آن میان حدیث
نباید گفت و از دست راست بر آمدن و از دست چپ فرو آمدن و با خویشتن ترکی
گفتن الحمد لله الذی احل النکاح وحرم السفاح وارزقنی طیبا مقاتل گفت
رحمة الله پس از آن مجامعت فرزندی آید که اگر پیش از شما بمیرد شفیع باشد
و اگر پس از شما بماند دعاگوی شما باشد و صالح باشد بقول خواجه امام گفت
اگر در آن مجامعت چهار نیت بود بهتر باشد یکی آنکه خویشتن را بدین
حلال از شهوت فارغ کنم تا بحرام نیفتم دوم گوید حق این عورت در گردن

کرده منست او را از شهوت فارغ کنم تا بحرام نیفتد سیم آنکه مگر فرزندی
آید که حق تعالی را یاد کند چهارم آنکه مرا بدین غسل که خواهم کرد ثواب
دهند باب بیستم در عصمت از عذاب و فتنه و ضغطهٔ گور و امان
منکر و نکیر و صفت ایشان و آسانی سکرات موت و زیارت قبور و رسالا
ستی ایمان و دخول بهشت و دعاهای که در کفن نویسند مشتمل
بر شش فصل فصل اول در عصمت از عذاب گور و سبب زوال سلامتی
ایمان و عذاب دوزخ از کفایهٔ شعبی روایت میکنند امیر المؤمنین علی رضی الله عنه
از رسول صلی الله علیه و سلم گفت جبرائیل مرا چیزی بیاموز که چون امت من آن بکنند
مر ایشان را عذاب گور نباشد پس جبرائیل علیه السلام گفت یا رسول الله بدرستی که خدای
تعالی فرستاده است برای امت تو هدیه رسول صلی الله گفت آن هدیه کدام است
جبرائیل علیه السلام گفت دو رکعت نماز است در شب آدینه در هر رکعتی فاتحه یکبار و
آیة الکرسی یکبار و اذا زلزلت الارض پنج بار هر که این نماز بگزارد او را عذاب گور
نباشد البته از ملفوظ شیخ فریدالدین فرمود که مردی وقتی ابن عباس رضی الله
عنه را سوال کرد که هست چیزی نزدیک تو که ضغطهٔ گور را امان باشد گفت
آری پس فرمود که بگزارد هر شب جمعه دو رکعت نماز بخواند در هر رکعت بعد از فاتحه

نماز در شب آدینه

الی عذاب گور

اِذَا زُلْزِلَت پانزده بار این سبب امان تو یابد از ضغطهٔ گور و در رو
ضة الصدور آورده است هر که بر گور بخواند بسم الله و بالله و علی ملة رسو
ل الله بود اورا خدای تعالی عذاب و تاریکی و تنگی از صاحب گور چهل سال و در
اصول الصغار آورده است که پرسیده شد ابو القاسم سمرقندی را رحمة الله
علیه که از گناهی که پوشیده شود ایمان از وی گفت هست آن سه چیز است
یکی حق تعالی نعمت ایمان و مسلمانی اورا عطا کرده است که شکر آن نگوید دوم
آنکه اورا خوف نباشد از رفتن ایمان سیم آنکه ظلم کند بر اهل اسلام
ایضا شمس الائمه عثمان بن احمد خلیلی رحمة الله علیه گفت هر که خواهد که ایمانی
بروی سلامت ماند و معلم با ایمان باشد این سه چیز را بجای آرد اول آنکه شکر
اسلام خود بکند در همه حال دوم بترسد از رفتن ایمان در همه عمر خود سیم آنکه رحمت
و شفقت کند بر مسلمانان در همه حال ایضا عذاب گور بر بعضی مؤمنان از
سبب جنابت و بول و تأخیر داشتن نماز و فراموش کردن قرآن بود
و فقیه زاهد ابو اللیث رحمة الله علیه گفت عذاب گور از پنج چیز است طهارت و گذاردن
نماز و خواندن قرآن و تسبیح و صدقه دادن از ملفوظ شیخ فرید الدین
رحمة الله علیه فرمود که شنیدم از خواجه قطب الدین رحمة الله در خبر آمده است از

از رسول صلی الله علیه و سلم که سورة الملک را در توریة نام مانعه است و پارسی
مانعه باز دارنده بود یعنی سورهٔ ملک باز دارد از عذاب گور و در خبر است
از رسول صلی الله علیه و سلم هر که بگوید نزدیک مرده در وقت دفن کردن سه بار
اللهم اسئلک بحق محمد صلی الله علیه و سلم ان لا تعذب هذا المیت خدای تعالی
بردارد عذاب را از وی تا آن روز که صور دمیده شود از کفایه شعبی در خبر است
از انس بن مالک رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه و سلم که وزیدن باد ها و قطرات
باران بر گور مؤمن کفارت گناهان اوست و مع مظفر دریا گفت خضر را علیه السلام
پرسیدم هر که روز آدینه میرد اورا عذاب نباشد گفت مهتر عالم صلی الله علیه و سلم
شنودم فرمود که دو گروه را در گور عذاب نکنند یکی آنکه روز آدینه میرد
و دوم آنکه در ماه رمضان میرد از تفسیر معنی رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عذاب
نکنند روز جمعه و شب جمعه و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هیچ شبی نیست که سخت
ترین بر میت از شب اول پس رحمت کنید بر مرده کان خود بچیزی از صدقه و اگر
صدقه نباشد دو رکعت نماز گزارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه آیة الکرسی
یکبار و الهیکم التکاثر یکبار و قل هو الله ده بار چون سلام دهد بگوید ای
بار خدایا ثواب این نماز من مر فلان میت را برسان بفرستد خدای تعالی

در گور آن میت هزار فرشته با هر فرشته نوری و هدیهٔ و بدهد مر اورا خدای تعالی
ثواب هزار شهید و رسول صلی الله علیه و سلم گفت هر که خواهد که نجات یابد از
عذاب گور پس بروی باد که ملازمت کند چهار چیز را پرهیز کند از چهار چیز اما
آن چهار چیز که ملازمت کند نماز پیوسته گزاردن و صدقه دادن و خواندن
قرآن و بسیار گفتن تسبیح بدرستی که ازین چیزها روشنای و فراخی گور است
و اما آن چهار چیز که پرهیز کند از چهار چیز اما آن چهار چیز که اما از دروغ و
خیانت و سخن چینی و از بول پرهیز بودن بدرستی که مرویست از رسول صلی
الله علیه و سلم پاک دارید خود را از بول که عذاب گور از بول است از تنبیه
ابو اللیث فقیه گفت رضی الله عنه هر که خواهد از عذاب گور برهد اورا باید
چهار چیز لازم گیرد اول نماز بوقت گزاردن چنانکه از وقتش فوت نشود و
دوم باید که صدقه داده دارد و سیم قرآن پیوسته خوانده دارد و چهارم باید
که تسبیح بسیار گوید این چهار چیز روشنای گور است و اما آن چهار
چیز که دور باید بود اول دروغ نگوید دوم خیانت نکند و سیم سخن چینی
و غیبت نکند چهارم خود را از بول و غایط پاک دارد که بیشتر عذاب گور
ازین سبب باشد نقل از تنبیه ابو اللیث مرویست از سلمان فارسی رضی الله عنه

عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که ده چیز است که هر که آن کند از دوزخ
بیم دارد اول خوار داشتن فرمان خدای را دوستی کردن با بدکردار
و سختی کردن با ضعیفان و خوار داشتن بزرگان و روی ترش کردن
با خواهندگان و باز داشتن رد سلام و بلقب بد خواندن مردمان را
و عشوه دادن بر هستی و دمیدن نای معنی و دلیری کردن بر مناهی خدا
از صلوة مسعودی که رسول صلی الله علیه و سلم فرموده است که هر که مرده را
کفن کند بدرستی که آنکس برای خود حله آماده کرده است در بهشت
و اگر گور کند کسی را گوشکی آماده کرده است برای خود در بهشت و
اگر بپوشد خدای تعالی پاک گرداند اورا از گناه و چون مرده را در خاک نهد
مشتی بر گیرد بدان خاک چیزی بخواند و طن خاک اند از حد بعد در هر ذرهٔ
که در آن خاک بود خدای تعالی نیکی در دیوان وی ثبت کند و مرده را آسا
یش دهند و بکر ثوبان رضی الله عنه روایت میکند از رسول صلی الله
علیه و سلم که بگورستانی بگذشت دو شاخ تر شکست و بر دو گور فرو برد سوال
کردم که چه سبب بود یا رسول الله گفت که هر دو مستحق عذاب بودند سوال
کردم بچه خصلت بدین عذاب گرفتار شدند رسول صلی الله علیه و سلم فرمود

که یکی عجیبی سخن چنین بوده است و یکی جامه خود را از بول نگاه نداشته بوده است پس فرمود اگر در مدت عمر خویش از ماه رجب یک روز روزه داشتندی ایشان را این عذاب نبودی از خلاصة الحقایق آورده اند که شیخ ابو بکر وراق رحمة الله علیه جمعه وفات یافت بعضی از صالحان او را بخواب دیدند اندوهگین و غمگینی است از ان حال از وی سوال کردند گفتم چرا اندوهگین نباشم کرده موده نزد من نهاده اند از ایشان یکی مسلمانست

فصل دوم در آمدن منکر و نکیر و سبب عقوبت ایشان سوال ایشان و صفت ایشان از ملفوظ شیخ فریدالدین رحمة الله علیه سخن در ترس منکر و نکیر و تنگی و هیبت گور افتاده بود بر لفظ مبارک راند که مردی از ابن عباس رضی الله عنه گفت که پرسید که من قوی می ترسم و ترسیدن من از منکر و نکیر است عبدالله بن عباس رضی الله عنه گفت که من ترا چیزی بیاموزم اگر بکنی از ایشان هیچ نترسی پس گفت در هر شب جمعه دو رکعت نماز بگزار در هر رکعتی فاتحه یکبار و اخلاص صد بار بخوان پس اینها سبب امان تو باشد از منکر و نکیر بعد از ان شیخ الاسلام فرمود آن مرد چند شب جمعه ملازمت نمود چون نقل کرد او را بخواب

دیدند پرسیدند که خدای تعالی با تو چه کرد و از منکر و نکیر چون رستی گفت آن زمان که منکر و نکیر بیامدند از من سوال کردند من در سوال ایشان عاجز شدم خواستند که ~~منکر و نکیر بیامدند~~ آن عمود بر من زنند فرمان رسید که دست از و بدارید که ما او را بیامرزیدیم انگاه دست از من بداشتند از صلوة مسعودی رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که موی لب دراز بگذارد و کوتاه نکند او عقوبت کرده شود بسه چیز یکی بشفاعت من امید ندارد و آب حوض من نخورد و بگمارد خدای تعالی منکر و نکیر را بر وی بخشم و غضب از تفسیر مغنی در حدیث است که چون مؤمن را در گور می نهند روح او را باز جسد او در می آرند و دو فرشته منکر و نکیر او را می نشانند در گور و ازوی سوال میکنند که من ربک و ما دینک و من نبیک و ما قبلتک و ما کتابک یعنی کیست پروردگار تو و چیست دین تو و کیست پیغامبر تو و چیست قبله تو و چیست کتاب تو پس بنده مؤمن گوید ربی الله و دینی الاسلام و نبی محمد صلی الله علیه و سلم یعنی پروردگار من خداست و دین من اسلام و پیغامبر من محمد است پس ثابت دارد خدای تعالی او را در گور چنانک ثابت بود او در حیات خود در دنیا و منادی ندا کند از آسمان

که راست گفتی ای بنده من پس منکر و نکیر گویند نیک بخت زیستی و شهید مردی پس گور او را فراخ کنند تا آنجا که نظر او کار کند آورده اند که یزید بن هارون را بعد از نقل او در خواب دیدند گفتند خدای با تو چه کرد گفت بفرستاد در گور من دو فرشته درشت و مهیب و سوال کردند از من که من ربک و ما دینک و من نبیک پس ریش سفید خود بدست گرفتم و ایشان را گفتم که از همچون من مؤمنی این سوال میکنید بدرستی که تعلیم کردم مردمان را هشتاد سال ازین مسئله پس از پیش برفتند از وسیلة القلوب در حدیث آمده است از رسول صلی الله علیه و سلم که هر کرا انکسی در حالت موت باشد او را بگویند بنرمی و آهستگی چنانک او در یابد و فهم کند که شما چه میگویند و شما این کلمه تلقین کنید که اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم هر که در وقت مردن این کلمه بگوید حق تعالی کار منکر و نکیر را از و کفایت کند چنانک هیچ رنج از ایشان بدو نرسد

ایضا در حدیث آمده است که هر که در موت که در مرض باشد قل هو الله احد بخواند و دران حال که بمیرد یا پیش از آن سخن دنیا نگوید

ید در فتنه منکر و نکیر در نماند و از تنگی گور ایمن باشد از تفسیر منیر صفت منکر و نکیر ابن عباس رضی الله عنه گفت از رسول صلی الله علیه و سلم حدیث منکر و نکیر میگفت که دندانهای ایشان از دهن بیرون خزیده باشد چون سرو های چهارپایان و از چشم ایشان آتش میجهد چون برق و آوازهای ایشان چون رعد می آید مویهای ایشان چون تنه درختان خرما دستهای ایشان آهنین و بدست هر یکی عمودی از آهن که اگر اهل دنیا گرد آیند آنرا نتوانند گردانیدن در آیند در گور بنده بانگ بر مرده زنند و به پرسند که من ربک اگر مؤمن بود جواب دهد که ربی الله باز بانگ زنند که دین تو چیست گوید که هذا دینی من اسلام است پس بانگ زنند که رسول تو کیست گو محمد گویند از چه دانستی که محمد پیغامبر است گوید قرآن بخواندم و باور کردم و امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه گفت یا رسول الله دران هول کی تواند جواب دادن ایشان را ایزد تعالی آیت فرستاد که یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت تا آخر آیه و اگر کافر بود و در پیش سوال در ماند و گوید ندانم پس عمودها بر سرش زنند که اگر بر کوه بزرگ زنند خاک گردد بیک ضرب گور وی پر آتش گردد

فصل سیم در آسانی سکرات الموت و آمدن

ملایکه با ملک الموت ابی بن کعب رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که سورهٔ ق بنویسد و بخواند خدای تعالی سکرات مرگ بر وی آسان
کند و در خبر است که بود در بهشت نبشته است که لا اله الا الله محمد رسول الله
هر که خواهد که بمرگ خویش بمیرد پس سخن خویش بگوید و هر که خواهد لحد او تاریک
نباشد در مسجد چراغ بدهد و هر که خواهد که گور وی پاک بود و وی را اکرام کنند
بخوانند پس مسجد را جاروب کند و هر که خواهد که در زیر زمین تازه ماند و نریزد
صف کرد نماز و در مسجد بدهد از وسیلة القلوب در حدیث آمده است که پنج
کلمات است که هر که در وقت مردن بگوید از آتش برهد اگرچه تا نیم تن در آتش
غرق شده باشد کلمات اینست اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و از تفسیر مغنی هر که سورهٔ یس نزدیک
بیماری بخواند در صدد موت چون ملک الموت بقبض روح او آید بعدد هر
حرفی که درین سوره است ده فرشته منزل شوند از جهت کرامت او در پیش
وی همه صف زنند و بایستند و دعا و آمرزش کنند او را و بوقت غسل او حاظر
باشند و دنبال جنازهٔ او بروند و نماز گذارند و بر سر دفن او حاظر باشند
و ملک الموت جان وی را قبض نکند تا رضوان که خازن بهشت است

است قدح شربت از شربتهای بهشت بروی بیارد و بخوراند تا او بوقت
قبض روح سیراب باشد و از دنیا سیراب برون رود و در گور سیراب
باشد و از گور سیراب بر خیزد و بوقت حساب سیراب باشد و بجنان
در بهشت سیراب رود بفضل الله تعالی از خلاصة الحقایق مروی است
که داود پیغامبر علیه السلام ایام خود را سه قسم کرده بود روزی حکم کردی
میان خلق و عدل کردی و دوم روز تعهد اتباع و خدمتکاران کردی و سوم
روز در صومعه بودی و عبادت کردی چون اجل وی نزدیک رسید و هنگام
آن شد که از دنیا بدار البقا رحلت کند روزی در صومعه بود عزرائیل علیه
السلام را دید که در آمد از وهم بلرزید گفت یا اخی برای چه آمده گفت آمدم
که تا جان ترا قبض کنم داود گفت یا ملک الموت تو مرا گفته بودی که از موت
چند روز بیشتر خبر کنم گفت خبر کردند خبر کنندگان تو استوار نداشتی
داود علیه السلام گفت ایشان کدامند گفت اول پیری که آن نشانهٔ مرگ است
و نرم شدن استخوانها و ضعیف شدن تن و خمیدن پشت و سست
شدن اعضا و درد کردن مفاصل و کند شدن نظر و کم شدن اشتها
و پیر شدن فرزندان و بالغ شدن بچگان و مردن یاران و همنشینان

داود گفت راست گفتی گفت یا ملک الموت ساعتی مرا مهلت ده تا بروم
فرزندان و اتباع خود را ببینم و وداع کنم ملک الموت گفت مرا فرمان نیست
که مهلت دهم داود گفت بگذار تا سجده کنم پروردگار را بیرون آیم از دنیا
در سجده جان او را قبض کرد چون روزها گذشت و از صومعه بیرون نیامد
فرزندان در طلب او شدند در صومعه دیدند که بسجده افتاده و جان
داده بود ایضا در خبر آمده است بدرستی که نزدیک موت هفت صف از ملا
یکه پیدا می شوند یک صف نزدیک سر میت ایشان میگفتند لا تخف و صف دوم
جانب دست راست ایشان میگفتند و لا تحزن و صف سیم در پیش استاده
و میگویند ابشر بالجنة و صف چهارم نزد پایها و میگویند نحن اولیاؤکم
فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة و صف پنجم در هوا میگویند و لکم فیها ما
تشتهی انفسکم و صف ششم در آسمان دنیا میگویند مر او را که نزلا من غفور
رحیم و صف هفتم در آسمان هفتم میگویند و تلذ الاعین و انتم فیها خا
لدون لکن البشارة با مؤمن باللقاء و الرؤیة و الخلود فی الجنة المأوی
و این در حق کسی است که فرمانهای خدا را استطاعت کرده باشد و مستقیم
بود بر آن ایضا وهب بن منبه گفت رضی الله عنه چون حاضر می شود ملک الموت

الموت بقبض روح بنی آدم با او سه فرشتهٔ دیگر می آیند ملک الانفاس و ملک الا
رزاق و ملک الآثار پس ملک الموت میگویند ملک الارزاق را باقی هست چیزی
از رزق این کس هست آشامی و یا شرابی آنی پس ملک الآثار را بگوید که هست
اثر او را چیزی گوید هست گشتن بپهلو ای بپهلو ای پس ملک الانفاس را گوید
هست باقی از دمهای او چیزی گوید بلی چند نفسی هست پس صبر کند تا ملک الا
رزاق گوید استیفا شد رزق او و تا ملک الآثار گوید از اثر چیزی نماند و تا ملک
الانفاس گوید اجابت کن فرمان خدای را روح از تن او بیرون آید سبکتر از پلک
زدن ایضا در حدیث آمده است که چون عاصیان این امت را در سمت
دوزخ روان کنند چون بدر دوزخ رسند مالک را گویند که ما را اجازت ده تا
ساعتی از آتش گریه کنیم ایشان را اذن دهند پس ایشان بگویند بر خود مالک
ایشان را گوید اگر در دنیا میگریستید از خوف این زمان ایمن می بودید فصل
چهارم در ثواب زیارة قبور و رفتن روز پنجشنبه بامداد یا آدینه بعد از نماز
یا شنبه پیش از طلوع آفتاب باید رفت که ارواح مردگان این وقتها حاضر باشند
چون بر سر گور رسد از جانب قبله در آید و بگوید السلام علی اهل لا اله الا
الله من اهل لا اله الا الله کیف وجدتم قول لا اله الا الله یا لا اله الا الله اغفر لمن

قال لا اله الا الله واحشرنا فی زمرة من قال لا اله الا الله ولا تسلبنا من قول لا اله الا الله
محمد رسول الله پس برابر او دوی او بنشیند فاتحه و اذا زلزلت الارض بخوا
ند و این دعا نیز بخواند الحمد لله الذی لا یبقی الا وجهه آخر و شهد الله بخواند
تا من الشاهدین از کفایة الاسلام اگر کسی خواهد که بزیارة روضه رود باید که
دو رکعت نماز یا چهار رکعت در خانه بگذارد بخواند در هر رکعتی الحمد یکبار و آیة الکرسی
یکبار و اخلاص سه بار پس سر بسجده نهد و ثواب این نماز را بران مرده بخشد
که بزیارة او خواهد رفت منور کند خدای تعالی گور آن میت را تا قیامت و
مصلی را ثواب حج و عمره بدهد فاما باید که اول نماز دو رکعت بگزارد و آخر نماز هم تا قبول
افتد و از مفاتیح المسائل رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه بخواند بر گور مادر
و پدر فاتحه یکبار و قل هو الله احد هفت بار نورانی کند خدای تعالی گور آن میت
را بهفتاد نور تا روز قیامت ایضا رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هران
بنده باشد بر سر گور مؤمن این دعا بخواند بیامرزد خدای تعالی مر آن میت
را گناه پنجاه ساله بنویسد مر او را پنج هزار نیکی دعا اینست الحمد لله الذی
لا یبقی الا وجهه ولا یدوم الا ملکه اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له الها واحدا صمدا فردا وترا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا واشهد ان محمد

محمد عبده ورسوله جزا الله محمدا النبی الامی عنا ما هو اهله ایضا خواجه حسن
بصری رحمة الله علیه گفت که افضل زیارة قبور زیارة مادر و پدر است و افضل
ایام زیارة جمعه است و روز عید نیز زیرا که درین وقت زندگان شادمان و
خوش وقت می باشند و مردگان غمگین از دنیا چنین رسول صلی الله علیه وسلم فر
مود هرکه زیارة کند گور مادر و پدر را و یا یکی را ازین و هر دو باید که بزیارة ایشان
رود در هر جمعه و بخواند بر سر گور ایشان سورة یس آمرزیده شود بعدد حرفی
و آیتی که خوانده است و این تحمید بخواند که انس روایت کرد از رسول
صلی الله علیه وسلم هرکه بگوید فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب
العالمین وله الکبریاء فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم لله الحمد
رب السموات ورب الارض رب العالمین والعظمة فی السموات والارض و
هو العزیز الحکیم لله الملک رب السموات ورب الارض رب العالمین وله النور
فی السموا و الارض وهو العزیز الحکیم و هر یکی یکبار پس بخواند و ثواب این
بمادر و پدر بخشد حق مادر و پدر ادا کرده باشد و هیچ حق مادر و پدر
بروی نماند و تمام حقوق ایشان بجای آورده باشد و اگر این تحمید بار بخواند
ثواب آن مر جمله مؤمنین و مؤمنات را بخشد خدای تعالی گورهای ایشان

منور کند انس بن مالک رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که چون بخواند مؤمن آیة الکرسی و ثواب آن مر اهل قبور را دهد خدای تعالی
در گور هر مؤمنی از مشرق تا مغرب چهل نور در دهد و فراخ کند گورهای ایشان را
و بدارد مر آن میت را درجه و بدهد خواننده را ثواب شصت پیغامبر و از هر حرفی
فرشته بیافریند تا تسبیح کند مر او را تا روز قیامت از وسیلة القلوب
هرکه این آیت در گورستان بخواند زعم الذین کفروا ان لن یبعثوا قل بلی وربی
لتبعثن ثم لتنبؤن بما عملتم وذلک علی الله یسیر حق تعالی بیامرزد آن زنده را
و آن مرده را فصل پنجم در دخول بهشت از فوائد الفؤاد بر لفظ مبارک ا
ند که علامت سلامتی ایمان آنست که بنده را در وقت رحلت روی زرد شود
و جبین عرق کند از ملفوظ شیخ الاسلام رحمة الله علیه و از تفسیر منیر و از
وسیلة القلوب هرکه خواهد زندگانیش با خیر باشد و مرگ با اسلام این آیت
بسیار خواند ربنا افرغ علینا صبرا و توفنا مسلمین و ثبت اقدامنا و
انصرنا علی القوم الکافرین وچون خواهد که مسلمانش بمیراند و بصالحا
نش برند این آیت بسیار خواند فاطر السموات والارض انت ولیی فی الدنیا
والآخرة توفنی مسلما والحقنی بالصالحین وچون خواهد که نور ایمان

ایمان در دل او کامل شود این آیت بسیار خواند ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا
انک علی کل شیء قدیر وچون خواهد که دلش ایمن شود از طرف ایمان و رحمت
حق نثار او کرده این آیت بخواند ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من
لدنک رحمة انک انت الوهاب وقتی رسول صلی الله علیه وسلم نشسته بود صحابه
گرد او بودند میان حکایت پیغامبران میگذشت دران میان صحابه یاران
رسول صلی الله علیه وسلم برخاست و روی بر زمین آورد عرضه داشت که یا رسول الله
دلم از ایمان چگونه خالی و ایمن کرده که من نخواهم رفت رسول الله صلی الله علیه
وسلم درین اندیشه متفکر شد که جبرائیل علیه السلام فرود آمد و گفت یا محمد این
آیت آورده ام ترا بستان هرکه درین آیت ملازمت نماید دل او از ایمان فارغ و ایمن
شود و امید بود که او با ایمان رود و نزول این آیت دران روز بود که آن صحابه
التماس کرد بعد ازان فرمود که رسول صلی الله علیه وسلم بگفت هرکه این دعا را در
روزی یکبار بخواند اگر دران روز بمیرد از اهل بهشت باشد و اگر در شب
بخواند و دران شب بمیرد از اهل بهشت باشد اللهم انت ربی لا اله الا
انت خلقتنی وانا عبدک وانا علی عهدک ووعدک ما استطعت
اعوذ بک من شر ما صنعت ابوء لک بنعمتک علی وابوء بذنبی فاغفر لی

با ایمان ع

فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ ابن عباس رضی الله عنه فرمود که
چون این دعا از زبان رسول صلی الله علیه وسلم شنیدم در عقب هر فریضه
نماز ترک نکردم و این دعا از نعلین رسول صلی الله علیه وسلم را ورد خود ساختم
آنگاه فرمود که بعد از نقل او در خواب دیدند پرسیدند که خدای با تو چه
کرد فرمود بیامرزیدم و بهشت روزی کرد ابیدان برکت این دعا که رسول
صلی الله علیه وسلم این دعا را سید الاستغفار گفته است آورده‌اند و از تفسیر
مغنی نیز در حدیث است که هر که روزی یا در شب این کلمات بگوید در بهشت رود
و بهر کاری که باشد کلمات اینست اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ
اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّ عِیسَی عَبْدُ اللّٰهِ وَابْنُ اَمَتِهِ وَکَلِمَتُهُ
اَلْقَاهَا اِلٰی مَرْیَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَاَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ
الْبَعْثَ حَقٌّ اَیْضًا از اوراد و از وسیلة القلوب هر که در خواندن این
دعا صباح و مسا مواظبت نماید در حدیث است هر که در عقب هر نماز فریضه
بگوید این ده کلمه را پنج از برای آخرت و پنج حالت دنیا و در آن پنج حالت آخرت
در نماند و رحمت خدا برا آنجا یابد که او را از جایهای ترس باز رهانند و جزای او
را عطا کرداند کلمات اینست حَسْبِیَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ حَسْبِیَ اللّٰهُ الْهَا

دی

دی لِدِینِی حَسْبِیَ اللّٰهُ الْمُعِینُ لِدُنْیَایَ حَسْبِیَ اللّٰهُ الْقَوِیُّ لِمَنْ بَغٰی عَلَیَّ حَسْبِیَ اللّٰهُ
الشَّدِیدُ الرَّؤُفُ عِنْدَ الْمَسْاَلَةِ فِی الْقَبْرِ حَسْبِیَ اللّٰهُ الْکَرِیمُ عِنْدَ الْحَسَنَاتِ حَسْبِیَ
اللّٰهُ اللَّطِیفُ عِنْدَ الْمِیزَانِ حَسْبِیَ الْقَدِیرُ عِنْدَ الصِّرَاطِ حَسْبِیَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ چون با اعتقاد درست بخواند هر
ده مراد او کفایت شود از مضمرات و از تفسیر مغنی در حدیث است که هر که بگذارد
در روز جمعه چهار رکعت نماز بخواند در هر رکعتی فاتحه یکبار و قل هو الله احد
پانزده بار بعد از سلام صد بار بگوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
نگاه دارد خدا تعالی او را ایمان بوقت نزع از تفسیر منیر گذشتن از عقبه پل
صراط آنست که کسی در دنیا برده آزاد کند چنانکه در خبر آمده است از رسول
صلی الله علیه وسلم که مردی آمد و گفت یا رسول الله مرا چیزی بیاموز که در
بهشت روم پیغامبر صلی الله علیه وسلم گفت نسمه را آزاد کنی و یا رقبه را از
بندگی وا رهانی گفت یا رسول الله هر دو یکیست گفت عتق نسمه آن باشد که
برده آزاد کنی خود و فک رقبه آن باشد در آزاد کردن آن یاری کنند یا
اجر از تفسیر مغنی مرویست که اعرابی شنیدم از رسول صلی الله علیه وسلم در نماز میخواند
این آیت در وصف دوزخ که لَهَا سَبْعَةُ اَبْوَابٍ لِکُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ

نماز روز جمعه [illegible]

پس اعرابی هفت بنده خود را آزاد کرد و گفت هر بنده جزا است برانکه آزاد کند
خدا تعالی مرا و هفت اعضای مرا از درگهای دوزخ پس جبرائیل علیه السلام بیامد و خبر
کرد پیغامبر را صلی الله علیه وسلم که بوستان بشارت اعرابی را برسانی که خدای تعالی حرام
کردانید بر تو آتش دوزخ و بسته کردانید بر تو کل درهای دوزخ و کشاده کردانید
بر تو درهای بهشت از کفایه شعبی در خبر است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود اگر
مسلمانی بمیرد و بگذارند بروی صد کس از مسلمانان نماز و آمرزش خواهند او را
خدای تعالی بیامرزد آن میت را و در خبر است از رسول صلی الله علیه وسلم هر که بمیرد و بگذا
رند بروی سه صف نماز و آمرزش خواهند او را خدای تعالی بیامرزد و باز رسول صلی الله علیه فر
مود چون بمیرد بنده مومن و گواهی دهند سه کس از همسایگان او که این متوفی از اهل
خیر بود خدای تعالی او را از اهل بهشت کرداند از مظفور دیلم نکته شانزدهم ای مظفر
دریا گوش دار در آن ساعت که رسول خدای محمد صلی الله علیه وسلم بر براق نشسته بود تازیانه
برکه در بهشت مالید تا در بکست بایستاد چون خواست در بهشت در آمد رضوان خوا
ست که آن در پیش کند نشد رضوان در تحیر بماند جبرائیل علیه السلام آمد و گفت یا رضوان
جهد مکن و خود را رنجه مدار که نتوانی در را پیش کردن پس دری که محمد رسول الله
کشاده است رضوان نتواند پیش کردن و تا قیامت کشاده خواهد بود تا امت

امت محمد صلی الله علیه وسلم در آیند پس دری که خدای تعالی کشاید که افمن شرح الله صدره للاسلام
ابلیس بیچاره آنرا نتواند بستن و آن تازیانه مالیدن بر در سنت شدهر سواری که
بشارستانی درون رود و بیرون آید تازیانه بر در بمالد و باید که این کلمه بگوید که رب ادخلنی
مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ و این سنت نگاه دارد و هر که این کلمه بگوید
و این سنت نگاه دارد فردای قیامت از آن دری که رسول صلی الله علیه وسلم کشاده است
در آید در بهشت نقل از اربعین احادیث مرویست از سلمان فارسی رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که ده کلمه در هیچ معنی انکه عمل کردن بر آن سبب دخول
بهشت است اول کرامت کردن با مهمان و نگاه داشتن راز و پیوستن با خویشاوند
و نداء او کارهای نیک کردن و نیکویی کردن بجای کسی که بد کرده است با تو و دوست
داشتن درویشان و نگاه داشتن اندام نهانی و جستن و پرسیدن همسایه و پرسیدن
بیمار و نشستن با برادران نیکوکار ره و هم آورده اند که مولانا شیخ الاسلام برهان
الدین مرغینانی رحمة الله علیه در شهر سمرقند در سال سنه ثمان و تسعین و خمسمائة
پیغامبر را صلی الله علیه در خواب دید که می آمد و صحابه کرام متابعت کردند ابوبکر
و عمر و عثمان و علی رضوان الله علیهم و هر یکی دستار خود بسته و شیخ الاسلام پیش
رفت سلام کرد یا رسول الله واقعه چیست که دستار خود را بسته و صحابه کرام متابعت

کرده رسول صلی الله علیه وسلم گفت واقعه ازین صعب‌تر چه باشد که هر روز چند
هزار از امت من از دنیا باخرت می آیند و از ایشان کسی کمتر با ایمان می آید شیخ الاسلام
در پای مبارک مهتر عالم افتاد و گفت تدبیر چیست مهتر عالم صلوات الله علیه گفت
تدبیر آنست که تو او صیت کنی تا نشو کنی میان امتان من که این دعا بیاموزند
تا برکت این دعا خدای تعالی بر ایشان نگاه دارد و کاغذی بدست شیخ الاسلام
بداد چون بیدار شد دید که این دعا بخط سبز نبشته دید بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
اِنّی اَسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ یَا عَزِیْزُ وَبِقُدْرَتِکَ یَا قَدِیْرُ وَبِحَمْدِکَ یَا حَمِیْدُ وَبِحِلْمِکَ
یَا حَلِیْمُ وَبِرَحْمَتِکَ یَا رَحِیْمُ وَبِعَظَمَتِکَ یَا عَظِیْمُ وَبِعَفْوِکَ یَا غَفُوْرُ وَبِفَضْلِکَ
یَا رَحْمَانُ وَبِمَنِّکَ یَا مَنَّانُ اَنْ تَحْفَظَ عَلَیَّ الْاِیْمَانَ فِیْ آنَاءِ اللَّیْلِ وَاَطْرَافِ النَّهَارِ
قَائِمًا وَقَاعِدًا رَاکِعًا وَسَاجِدًا نَائِمًا وَیَقْظَانًا حَیًّا وَمَیِّتًا عَلٰی کُلِّ حَالٍ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِیْنَ وسعد بن سراقه گفت رفتم بعیادت سلمان رضی الله عنه و او مبتلطون بود
گفت از رسول صلی الله علیه وسلم شنیدم بدرستی که چشم دارید میت را دو حالت
بود چون
مردن او پیشانی عرق کند پیشانی او و آب دیده روان شد و هر دو سوراخ بینی منتشر
باشد آن رحمت است از خدای تعالی که بروی نازل شده است و اگر بینید که چون
اشتر جوان که حلق او خفه باشد بانگ کند و چون مردم که در حالت خواب بانگ

بانگ کند و لون بشره او سرخ بود و لبهای و دهان او خاکستری لون باشد و کف از گلوی او
بر آید چنانک از گلوی اشتران علامت از عذاب خدا است عز و جل بروی نعوذ بالله
منها **باب بیست یکم** در اسباب غنی و فقر و قضای دین مشتمل بر سه فصل
فصل اول در اسباب غنی ذکر دعا از دعا در طلب رزق دو رکعت نماز بگزارد در هر
رکعتی فاتحه یکبار و انا اعطینا سه بار و قل هو الله احد و معوذتین هر یک سه بار
چون سلام دهد سه بار بخواند اللّٰهُمَّ یَا رَازِقَ الْمُقِلِّیْنَ وَیَا رَاحِمَ الْمَسَاکِیْنَ وَیَا وَلِیَّ الْمُؤْ
مِنِیْنَ وَیَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِیْنَ اِغْفِرْ لِیْ وَارْزُقْنِیْ وَاَنْتَ خَیْرُ الرَّازِقِیْنَ
اللّٰهُمَّ اِنْ کَانَ رِزْقِیْ فِی السَّمَاءِ فَاَنْزِلْهُ وَاِنْ کَانَ فِی الْاَرْضِ فَاَخْرِجْهُ وَاِنْ کَانَ بَعِیْدًا
فَقَرِّبْهُ وَاِنْ کَانَ قَرِیْبًا فَیَسِّرْهُ وَاِنْ کَانَ یَسِیْرًا فَکَثِّرْهُ وَاِنْ کَانَ کَثِیْرًا فَبَارِکْ لِیْ فِیْهِ اِنَّکَ عَلٰی
کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ دیگر هر که را تنگی روزگار بود هر روزی و هر وقتی
که خواهد از اوقات خمسه و غیر آن دو رکعت نماز بگزارد بخواند در هر رکعتی اول
فاتحه یکبار و قل یا ایها الکافرون سه بار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و اخلاص
سه بار بعد از آن سر بسجده نهد و این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا من یده
مَبْسُوْطَتَانِ یُنْفِقُ مَالَهُ کَیْفَ یَشَاءُ اُبْسُطْ عَلَیْنَا بِفَضْلِکَ الْوَاسِعَةِ یَا مَنْ لَیْسَ
لِغِنَاکَ غَایَةٌ اِرْحَمْ مَنْ لَیْسَ لِفَقْرِهٖ نِهَایَةٌ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ دیگر از کفایه شعبی در
برحمتک

خبر است هر که سنت نماز بامداد در خانه بگزارد فراخ کرداند خدای تعالی رزق او را
بروی **ذکر** ادعیه که می باید خواندن از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین رحمة الله
علیه فرمود که شنیدم از زبان شیخ الاسلام قطب الدین بختیار هر که آیت الکرسی بخواند
و در خانه بود حضرت عزت از آن بنده درویشی دفع کرداند دیگر
فرمود که بخدمت شیخ حاضر بودم سخن در دعا می رفت فرمود هر کرا تنگی معاش
پیدا شود برای کشادن تنگیها این دعا بخواند یا دائم العز والبقا یا ذا الجلال
والاکرام والجود والعطا یا ذا العرش المجید فعال لما یرید **ایضا** چون مرد خواهد
که برکت رحمت بروی نازل شود و روزی بروی فراخ کردد و بهیچ کس محتاج
نشود و این آیت را بخواند رَبَّنَا اَنْزِلْ عَلَیْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ تا خیر الرازقین از
منافع قرآن هر که آیت الکرسی و دو آیت بعد او تا خالدون بعد از فریضه هر نمازی
بخواند غنی کرداند خدای تعالی او را و روزی رساند او را بی حساب و هم آیة الکرسی
بنویسد و بنهد در حجره و یا در خانه که سکونت دارد رزق بروی فراخ شود و هیچ
تنگی نه بیند از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که هر روز صد بار بگوید لا اله
الا الله الملک الحق المبین حق تعالی او را غنی کرداند و ایمن بود از فقر و عذاب گور و نباشد
او را از وسیلة القلوب در حدیث آمده است بروایت علی رضی الله عنه هر که هر روز صد

صد بار بگوید لا اله الا الله الملک الحق المبین او را امان باشد از درویشی یعنی از آن
درویشی که مضرت دین باشد و آن درویشی دلیست نعوذ بالله منها چنانک تو
نگری دل سودمند است درویشی دل بکار است و نشان آن حصر حرص است
و حرص آتش دوزخ است بدان معنی که چنان شود که نه بیند و هر چند که باشد دیگر
خواهد چنانک آتش را هر چند هیزم دهد بسوزد و دیگر باید **ایضا** در حدیث آمده
است که مردی گفت رسول صلی الله علیه وسلم را مرا بسیار مصیبت می افتد در تن و مال
و در اهل و اولاد رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر روز بامداد بگوی بسم الله
عَلٰی اَهْلِیْ وَمَالِیْ وَوَلَدِیْ اَللّٰهُمَّ بَارِکْ لَنَا فِیْ قَدَرِکَ وَاَرْضِنِیْ بِمَا قَضَیْتَ حَتّٰی لَا اُحِبَّ
تَعْجِیْلَ شَیْءٍ اَخَّرْتَهٗ وَلَا تَاْخِیْرَ شَیْءٍ عَجَّلْتَهٗ آن مرد گفت از خواندن این دعا
حق تعالی از بهم تفرقها و محنتها و مصیبتها را سهل کرداند و از وسواسهم بر
هانید و کارها مرا فراهم کرداند و مردی وام دار شده بود پیش رسول
صلی الله علیه وسلم بنالید فرمود هر روز این دعا بخوان چون ملازمت کرد وام گزارده
شد دیگر از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که هر روز صد بار بگوید
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ و هرگز فقیر نشود خدای تعالی هفتاد نوع
بلا مضرت از وی دفع کند که کمترین آن درویشی و غم باشد و دیگر از کتاب اقلیم

حضرت علی رضی الله عنه ایدر رسول الله صلی الله علیه وسلم انکا ایکد عسا ایدک کاکر سنکر بر طاغجه بورجک اولسه
بو دعایه مشغول اولسنیماد غی بردن الله امر یله بورجک کا الکسوا اوده نه الدعا بودر
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اکفنی بحلالک عن حرامک واغننی بفضلک عمن سواک

اسلام هر که هر روز هزار بار بگوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم خدای تعالی او را
غنی گرداند دیگر رسول صلی الله علیه فرمود که هر که میان سنت و فریضه نماز بامداد
هفتاد بار این آیت بخواند وان تعدوا نعمت الله لا تحصوها ان الله لغفور رحیم
حق تعالی تنگی روزگار از وی بر دارد دیگر و دیگر ختم در آموخت خانه سوره اخلاص بخواند
حق تعالی او را غنی گرداند دیگر مرویست از رسول صلی الله علیه وسلم هر که مواظبت
کند بر خواندن این چهار سوره واقعه و مزمل واللیل والم نشرح ایمن شود از فقر
دیگر منقولست از شیخ الاسلام صدر الدین محمد زکریا رحمت الله علیهما که بخواند بعد از اشراق
و بعد از عشا این چهار سوره واقعه و مزمل واللیل والم نشرح ایمن گرداند خدا تعالی او را از
عذاب گور و از فقر و فاقه و بعده این دعا بخواند یا مسبب الاسباب و یا مفتح
الابواب و یا مقلب القلوب والابصار یا دلیل المتحیرین ارشدنی و یا غیاث
المستغیثین اغثنی توکلت علیک یا ربی و فوضت امری الیک یا ربی ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم دیگر از تفسیر زاهدی انس بن مالک رضی روایت
کرد از رسول صلی الله علیه وسلم هر که روز آدینه هفتاد بار بگوید اللهم اغننی بحلالک
عن حرامک واکفنی بفضلک عمن سواک دو جمعه نگذرد که غنی گرداند مردی
گفت من آزمودم چنین بود و دیگر مرویست از رسول صلی الله علیه وسلم که نظر کرد

کرد سوی مردی از صحابه و گفت که چیست حال تو نیک نمی بینم آن مرد گفت
یا رسول الله چگونه حال من این چنین نباشد جمع شده است بر من
فقر و زحمت پس رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بیاموزانم ترا چیزی که برود
از تو فقر و زحمت گفت بلی یا رسول الله گفت بگوی این دعا را در شبانگاه
نگاه توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم
یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا پس آن
مرد در خانه آمد و این دعا را لازم گرفت و مدام می خواند بعد از چند گاه ایزد
تعالی فقر از وی دور کرد و زحمت از و دفع شد دیگر در نقلست که روزی
اعرابی بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم آمد و از دست فقر و فاقه نالید
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که از پس هر فریضه ده بار انا انزلناه بخوا
ند و بروز جمعه ناخن باز کن اعرابی همچنان کرد چند ماه کرد شد
که شد که از کار آخرت بترسید باز بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم آمد
و گفت یا رسول الله تدبیر چیست که فقیر شوم گفت ناخن بدندان باز کن
و پای زار روی پاک کن همچنان کرد فقیر شد دیگر دعای تعلیم و او
فقیر بوده است چنانک از غایت فقر خاک بستر او بود این دعا که رسول

صلی الله علیه وسلم او را بیاموخت غنی شد هر که هر روز این دعا بخواند و با
خود دارد غنی گردد دعا اینست اللهم انی اسألک یا عالم السرایر
والخفیات و یا من السموات بعظمته مبنیة و یا من الارض بعزته بجلاله
موکلة و یا من نجی یوسف من رق العبودیة یا کهیعص یا حم عسق
یا من اسمه فی التوریة اهیا شراهیا و یا من اسمه فی الانجیل شابلاهاجن
اسمه فی الزبور طاب مریا و یا من اسمه فی صحف ابراهیم ایلوهیم و یا من
اسمه بلسان یعقوب ابدا اشدایاه و یا من اسمه فی القرآن الله لا اله الا هو
الحی القیوم اللهم یا رب العالمین یا فالق البحر لبنی اسرائیل یا سامع الصوت
و یا سابق الفوت اسألک بحق هذه الاسماء العظام و شرفها ان تفتح
علی ابواب الرزق والخیر والبرکة والسعادة والسلامة حیث ما کان
و حیث ما توجه انک علی کل شیء قدیر و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله
اجمعین دیگر در خبر است هر که بخواند سوره مزمل بر دارد خدای تعالی
از وی نامرادی و تنگی در دنیا و آخرت دیگر از ملفوظ شیخ فرید الدین در
حدیث است هر که سوره مزمل بخواند و از پس او سوره اخلاص
سه بار بخواند و سه بار درود بفرستد و این آیت بخواند ومن یتق الله

الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو
حسبه تا قدرا بخواند و بسوی آسمان دمد غنی گرداند خدای تعالی او را و معبر
نشود و عزیز باشد میان مردمان دیگر از فواید الفواد که فرمود که من شبی
شیخ فرید الدین را در خواب دیدم که مرا گفت باید که هر روز صد بار این کلمات بگویی
که لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر
چون از خواب شدم این کلمات را ملازمت کردم با خود گفتم که درین مقصود کی
بود بعد از آن در کتب مشایخ دیدم هر که این دعا را هر روز بخواند او را در همه
اسباب خوش باشد و خوش زید دانستیم که مقصود شیخ این معنی بوده است
دیگر اولیا آورده اند که قبیصه گفت یا رسول الله من ضعیف نابینا شدم
و بمحنت دنیا گرفتار گشتم و بجهت عیال خوار گشتم رسول صلی الله علیه وسلم
سوگند یاد کرد که همه سنگ کلوخ بزارک در آمدند چون تو این سخن بگفتی پس
رسول علیه السلام گفت بر تو باد هر بامداد و شبانگاه این بخوانی تا در روزی بر تو
بگشاید چون سال تمام شد قبیصه از همه مردمان بهتر شده بود و بهران
بنده که بخواند غنی گردد اسنا مختصر کرده شد بسم الله الرحمن الرحیم سبحان
الله العظیم و بحمده استغفر الله و اتوب الیه ولا حول ولا قوة الا بالله

العلی العظیم ماشاء الله کان و ما لم یشاء لم یکن دیگر از فواید الفؤاد دولت
دستبوس میسر شد یکی بیامد و برای انتظام احوال خویش استمداد کرد فرمود
که برای تنگی معاش هر شبی سوره جمعه بباید خواندن و لیکن خود هرگز نخوانم برای
آنکه هر که غم او را باید بدارد دیگر از خلاصة الحقایق در حدیث آمده است شکر
کردن و کلمهٔ تمجید گفتن و تکبیر و تهلیل و استغفار بسیار گفتن دیگر خصال و
افعالی که سبب توانگری است رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که چهار چیز را
لازم گیرد او و عیال او هرگز مفلس نشوند بر خویشتن از خواب پیش از صبح و وضو
کردن پیش از وقت نماز و در آمدن در مسجد پیش از بانگ و سخن دنیا نا گفتن
بعد از نماز و تر دیگر از منافع قرآن جعفر صادق رضی الله عنه گفت هر که سوره
کهف بنویسد و بگذارد در شیشه که سر او تنگ باشد و در خانه بدارد ایمن شود
از فقر و از دین ایمن بود او و اهل عیال او و از ایذای مردمان و هیچ محتاج مردمان
نباشد دیگر نقل از اربعین مروی از سلمان فارسی رضی الله عنه بر سید از
سبب توانگری و سلمان از رسول صلی الله علیه و سلم روایت کرده میگفت که ده
چیز است که آن سبب توانگریست نیکوی کردن در حق مادر و پدر و انگشترین
عقیق در انگشت کردن و بسیار شکر کردن مر خدای را عز و جل و بریدن

ناخن روز پنجشنبه و گرفتن دست نابینا و پوشیدن نعلین و جاروب
زدن مسجدها و گزاردن حج و راستی در تجارت و تعاهد نیکو کردن درود
زراعت دیگر در حدیث آمده است هر که انگشترین عقیق پیوسته با خود دارد
همیشه غنی و خوش دل گردد دیگر از منافع قرآن هر که این آیت وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ
فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ بنویسد روز آدینه
چون از نماز جمعه در خانه آید پس در جای نهد که سکونت او در آنجا بود خیر
برکت و رزق بسیار شود ایضاً هر که این آیت بنویسد بنویسد بر پوست بز
غاله نوزاده بود ذبح کرده و دباغت داده باب هندبا که بپارسی کشنیز گویند
در آن ضم کند صبر سقوطری و زعفران بعد از نبشتن بپیچد چنانک تعویذ
بعد از آن در صوف بپیچد و در گردن خروس سبز چشم باشد ببندد و
رها کند خروس را در روز شنبه اول ساعت از روز در خانه و یا در بیابان و در
کوه آن خروس برود هر کجا که دفینه و مالی و گنجی و کانی که و یا چیزی پنهان در ز
مین باشد آنجا برود و بایستد چون آن موضع را بکاوند مالی و گنجی پیدا آید
آیات اینست لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ
إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

تا آخر آیة من ینیب دیگر از خلاصة الحقایق ابن عمر رضی الله عنهما گفت که رسول صلی
الله علیه و سلم فرمود در خانه مرد حبشی و یا زن حبشی بود در آید و آن خانه برکت پیدا
شود دیگر از خلاصة الحقایق در احادیث رسول صلی الله علیه و سلم که اهل بیت با یک
دیگر پیوستن و غزا کردن در راه خدای تعالی و بعد از نماز در طلب رزق شدن
و خواب کمتر کردن و اختیار آخرت را بر دنیا و بامداد و شبانگاه در مسجد آمدن
و اهل بیت را بنماز امر کردن و مداومت نمودن و بعیالان و در شب پنجشنبه
و آدینه توشیع رزق کردن و امانت گزاردن و در طلب رزق صبر کردن و
تعجیل نا کردن و توکل بر خدا عز و جل کردن و تقوی گزیدن و نان ریزه
خوردن و امر و نهی خدا را بجای آوردن و مادر و پدر را دعا کردن و پیش
از صبح برخواستن و افزون در صدقه و نفقه و گرامی داشتن مهمان و تعظیم
داشتن قرآن و دعا کردن در شب برات و فراخ کردن نفقه بر عیال خود
در روز عاشورا و رحم پیوستن و نیکویی در حق مادر و پدر کردن و خوف
خدای در دل داشتن و سخاوت کردن و از گناه باز بودن و از معصیت احتراز
کردن و ترک دروغ و فحش و ترک کردن و در وقت بانگ نماز کردن نا ایستادن و
سخن حق کردن و در مقتضا سخن سخن ناگفتن و ترک حرص کردن و شکر منعم

منعم گفتن و دستها شستن بعد از طعام و نماز خفتن بجماعت گزاردن و سرکه
در خانه داشتن از تفسیر مغنی آورده است که عالمی را تنگی معاش شد و رسول صلی
را در خواب بدید و بدو از حال خود شکایت کرد او گفت مگر تو سوره یا آیتی
از قرآن یاد کرده بودی فراموش کردهٔ بگفت آری بودی بخشم شد و گفت
باز یاد گیر آن عالم همچنان بکرد تنگی عیش از وی برفت **فصل** دوم
در اسباب فقر از خلاصة الحقایق مرویست که هر که شانه ایستاده
کند وام دار شود هر که در طعام بدمد برکت از وی برود ایضاً سلیمان
پیغامبر صلی الله علیه و سلم گفت در خانه که سه چیز باشد برکت نباشد
خیانت و زنا و سرقه ایضاً امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت مر
اصحاب خود را در خانه گذاشتن و سوگند بدروغ خوردن و زنا کردن
پیدا کردن حرص و خواب کردن میان شام و خفتن از کفایة الشعبی
انس بن مالک رضی الله عنه روایت از رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
که دعای بد مکنید فرزندان را بد بستی هر که دعای بد کند فرزندان را فقر میراث یابند
از اربعین احادیث مرویست از سلمان فارسی رضی الله استاده و پیش
دستار نشسته و افکندن شپش زنده و بریدن موی زهار بمقراض و خوردن

آب از کاسه و نظر کردن در تیه نعلین و کاهلی در نماز و تنک داشتن
مردمان و عادت دروغ کفتن و در خبر است در خانه که طنبور باشد
و دف و نرد باشد دعای اهل آن خانه مستجاب نشود و ملایکه دران
خانه نروند و برکت از آن خانه برداشته شود و در خبر است که کسی
تنک روزی باشد فرزند عاق و زن بد فعل و همسایهٔ بد از فواید الفواد
در مشارق این حدیث است لا یدخل هذا بیت قوم الا ادخله الذل این
حدیث در باب جوبها و زراعت است یعنی آن جوبها در خانه نباید الا
که دران خانه خواری در آید و این در محلی فرموده است و آن جنان بود که
وقتی رسول صلی الله بخانه در آمد که دران خانه دو جوب دید نهاده از
جوبهای که بدان زراعت میکنند و جفت می رانند جون آن بدید این حدیث
فرمود دیکر جند جیز که موجب فقر است زنا کردن و دروغ کفتن و نان
ریزه بر زمین افتاده رها کردن و دست روی بآستین پاک کردن و دمن
نیز و بکیر پایس و ستارجه خانه روفتن و تنستهٔ عنکبوت در سقف خانه کذا
شتن و مادر و پدر را آزردن و نماز را خوار داشتن و استاد را استخفاف
کردن و بوقت صبح خفتن و بیطاهر خواستن و بجاه خفتن و خانه نا رفتن

و رفته را

و رفته را در خانه کذاشتن و در شب نماز رفتن و جنب بودن زیاده از یک وقت نماز
و در حالت جنابت جیزی خوردن مکر آنکه دست و دهان را بشوید و آنکاه
بخورد و بر آستانهٔ در بنشستن و کاسه و دیک نا شسته نهادن و دست نا
شسته طعام خوردن و فرزندان را خوار داشتن با وجود بسیار مسواک کردن
بر خشی و مهمانرا خوار داشتن و خلال کردن و سو کند بدروغ خوردن و
در اثنای وضو سخن دنیا کفتن و در جای وضو بول کردن و قرآن بغیر
وضو خواندن و بوست سیر و پیاز سوختن بجای هیزم و بتعجیل بیرون
آمدن از مسجد بعد از نماز بامداد و دامن شستن بخاک کل و تکیه کرده بر بازو
در و مادر و پدر بنام خواندن و دوختن جامه در بوشیدکی و خریدن نان یاف
از درویشان و جراغ بدم کشتن و بجاه بیازار رفتن و بیکاه آمدن و تراشیدن
قلم زیر پا انداختن و شانهٔ شکسته در سر کردن و نعلین کره کذاشتن و بناخن
جیزی نبشتن و دندانرا بکارد خراشیدن و پیش کسی رفتن که خود از و
بزرکتر باشد در اسلام و سجدهٔ تلاوة تا آخر داشتن **فصل سیم در**
قضای دین از تفسیر مغنی المبین آورده است که معاذ بن جبل رضی الله
عنه جند روز در مسجد حاضر نشده بود رسول صلی الله علیه و سلم پرسید از احوال

قال النبی صلی الله علیه و سلم الا اعلمک کلمات لو کان علیک مثل جبل صبیر دینا اداه الله عنک
قال بلی قال قل اللهم اکفنی بحلالک عن حرامک و اغننی بفضلک عمن سواک جامع الصغیر

او و معاذ عرضه داشت که دین بسیار در ذمت منست از برای آن بیرون نمی آمدم
رسول صلی الله علیه و سلم این آیت را بمعاذ فرمود عن قریب معاذ غنی شد
و در تفسیر است که اکر وام بنده مانند کوههای زمین باشد حضرت عزت از
خزانهٔ کرم خود کذارده کرداند آیت اینست قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من
تشاء تا بغیر حساب اللهم یا فارج الهم و یا کاشف الغم و یا مجیب دعوة
المضطرین و یا رحمن الدنیا و رحیم الآخرة تعطی منهما من تشاء و تمنع منهما
من تشاء اللهم ارحمنی رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک و اغننی من الفقر و العیلة
و عن دینی بکرمک یا ذا الجلال و الاکرام و مرویست که رسول صلی الله علیه و سلم
فرمود که مرا جبرائیل آموخت دعا بجهت قضای دین و کفت هر کرا دین باشد
بس وضوی بکند و جون آفتاب از استوا بکردد که وقت زوال شود جهار رکعت
نماز بکذارد و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه آیة الکرسی یکبار و اخلاص یکبار
جون سلام دهد آیت قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب بخواند و در سجده
بخواند و امهای او کذارده شود که درین اسم اعظم است و منقولست هر کرا
وام باشد باید که بیوسته در شب بعد از نماز خفتن در خواب شود آنکاه در
درخلوت رود و باز محاسن خود را شانه کند و سه بار این دعا بخواند هر بار شانه میکند

میکند این دعا را یکان میخواند از برکت این دعا وامش کذارده شود بسم الله
الرحمن الرحیم یا قدیم یا دایم یا حی یا قیوم یا فرد یا وتر یا من لم یلد و لم یولد و لم
یکن له کفوا احد و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین اللهم یا نور النور
یا خالق النور یا نور السموات و الارض یا ذا الجلال و الاکرام برحمتک یا ارحم الراحمین
الراحمین از منافع قرآن جعفر صادق رضی الله عنه کفت هر که سورهٔ تحریم بخواند اکر
وامش بسیار بود که حد آن نباشد بکرم خدای تعالی کذارده شود و معدار خردل
دانه باقی نماند دیکر هر که سورهٔ والعادیات دایم بخواند وام او را خدای تعالی
کذارده کرداند اکر جه بی حساب باشد **صلوة الاعرابی** لقضاء دین مرویست
که اعرابی بیامد بر رسول صلی الله علیه و سلم و کفت دعا کنید و بیاموز نمازی که وام من
کذارده شود وام بیش شده است بس رسول صلی الله علیه و سلم کفت روز بنجشنبه
میان نماز بیشین و نماز دیکر جهار رکعت نماز بکذارد و دو کانه در رکعت
اول فاتحه یکبار و اذا زلزلت ده بار و اخلاص یکبار بس سلام دهد و بیش از آنکه
برخیزد این دعا بخواند الحمد لله الذی خلق الخلق و لم یخلقهم لحاجة
منفعته لا یزید فی ملکه طاعة المطیعین و لا ینقص من ملکه معصیة المذنبین
و الحمد لله حمدا یسمو و یصعد و یستطیع و یطلع و یعتد لم یخفض

وَيُجِيعُ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ عَدَدَ عِلْمِهِ وَمَا فِي عِلْمِهِ پس برخیزد و دو رکعت
نماز بگزارد در رکعت اول بعد از فاتحه والعادیات ده بار و الخلاص یکبار
و قل اعوذ برب الناس یکبار چون سلام دهی پیش از آنکه سخن گویی ده بار
این دعا را بخوانی سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ تا رَبِّ الْعَالَمِينَ فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ
رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ تا الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ پس بگوید یَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ
وَيَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ وَيَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ وَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ
مَلْجَأُ الْعَاصِينَ وَيَا مَنْ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ نَبَأُ الْمُحْتَاجِينَ وَيَا مَنْ لَا يَقْطَعُ عَنْهُ
حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَأَسْأَلُكَ بِمَقْعَدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ
كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَجَلَالِكَ الْأَعْلَىٰ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ دَيْنِي يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ اعرابی گفت من این چنین کردم شش
پنجشنبه پس در آمدم در بوستانی بدیدم ده خم گنج نهاده جبرائیل علیه السلام گفت
که خدای تعالی میگوید که بگو آن اعرابی را این در دنیاست و اما در آخرت از این بسیار
تر و اشرف تر بدهد از وصایای رسول صلی الله علیه وسلم فرمود مرد را زود
پیر کند بسیاری وام و سختی غم و خواب کردن با زن و دیگر فراش و بسیار عطر
کردن خود را و کثرة بلغم **باب بیست دوم** در فضیلت هر چیزی که از

که از خوردنیها نقل از تفسیر درر و مغنی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که چون
عرض کرده شود بر شما حلوا رد نمیکنید آنرا و گفت هر که برادر مسلمانرا لقمهٔ حلوا
بدهد خدای تعالی او را از طعامهای بهشت بدهد و بگرداند از وی روز قیا
مت تلخی و گرمی عرصات **ایضاً** رسول صلی الله فرمود هر که لقمهٔ حلوا بدهد
ی ریا بغیر آنکه از وی بترسد یا از وی امید خیر دارد او از گور حشر کرده شود و بی
حساب در بهشت شود و مردمان در رشدهٔ حساب باشند **فضیلت**
کدو از تفسیر مغنی ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها گفت که رسول صلی الله علیه
وسلم مرا گفتی پیش هر دیگ کدو کن و چون کدو با شیر پخته بخوری دل اندوهگین
خوش شود و بینای چشم زیاده شود و دماغ را قوی کند و حفظ زیاده شود
و آب پشت بیفزاید و تن پاکیزه دارد و هر زنی و مردی کدو بخورد نبشته مر
او را بهر لقمهٔ هفتاد هزار نیکی و محو کرده شود از وی هفتاد هزار بدی و بر دارند
برای او هفتاد درجه در بهشت یا عایشه هر که کدو ناشتا بخورد نباشد او را
در آن روز درد تن و درد شکم و درد حلق و درد سر و درد چشم درد گوش و هر که بخورد
در شب نرسد او را در آن شب هیچ آفتی از دیوانگی و جذام و پیسی و درد دستها و پایها
و درد و پشت **فضیلت** رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بخورید خرما در

ناشتا بدرستی که بکشد کرم ها را در و گفت که خدای تعالی دوست دارد خرما او بهترین
طعام صبح خرماست و گفت در شکم فرزند آدم زاویهٔ است در آن نرود مگر خرما
و رسول صلی الله علیه وسلم گفت بدهید زنانرا در نفاس خرما و هر زنی که در نفاس
خرما بخورد فرزند او حکیم شود و دیگر گفت که ما تمر یابیم و دشمن ما نبیذ
یابند یعنی خرم زیرا که خرما طعام مریم است چون عیسی علیه السلام متولد شد
حکیم شد اگر جز از این طعامی دیگر بهتر بودی و صالح تر آنرا خدای تعالی بمریم دادی
و رسول صلی الله علیه وسلم گفت اگر بدانید که در خرمای تر چه منفعت است در
وقتی او ماتم داشته شوید و انس بن مالک رضی الله عنه گفت چون خرمای تر
بدر آید باید که تهنیت کنی **فضیلت** مویز رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که
نیکو طعامیست مویز فرو نشاند غضب را زیرو دو کار و راضی کرداند خدا را
و سخت کند پیچ دندانرا و رنج را ببرد و بوی دهانرا خوش کند و بلغم را دفع کند
و رنگ روی و اندام را صاف کند و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که خواهد که او
را فرزند صاحب جمال و خوب طبع زاده شود نزدیک جماع مویز بخورد
فضیلت انار رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بخورید انار را که بهر دانه که
بخورند روشن کند دل را و نگاه داشته شود از شیطان تا چهل روز و رسول

رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که در هر دانهٔ قطرهٔ است از آب بهشت
فضیلت سفرجل از طایف نو بجهت رسیده بود و رسول صلی الله علیه
وسلم ببوسید و بر چشم مبارک خود بنهاد و بر رخ نهاد گفت خدایا چنانک
روزی کردی ما را در دنیا این نعمة و محروم نکردانی در آخرت و باز
فرمود سفرجل بخورید که دل را پاک کند و درد را شجاعت و دلیری ز
یادت کند و فرزند با حسن جمال آرد و رسول علیه السلام گفت بدهید
خوردن زنان حامله را سفرجل که فرزند نیکو خلق زاده شود **فضیلت**
عناب رسول صلی الله علیه وسلم گفت که خوردن دهید عناب را بکسی
که تب گرم دارد بدرستی که دفع کند حرارت تب را و باز فرمود که
چون یکی از شما را بلغم بود هفت عناب بخورید خون را کم کند و تلخ را
فرو نشاند و بلغم را ببرد **فضیلت** انگور رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود که قبض نکرده است خدای تعالی روح پیغامبران مرسل
را که ایشانرا اشتهای انگور بوده است و رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که بخورید انگور را یکان یکان بدرستی که آن گوارنده است
فضیلت خربزه چهار صفت دارد شیرین است و میانه است و ترش است

ورودی است فاما آنچه شیر نیست پس آن را می رویاند و آنکه میانه است گوشت
را می رویاند و آنکه ترش است کرمها را در شکم بکشد و آنکه رقیق است
بلغم را دفع کند هم روایت است که رسول صلی الله علیه وسلم بدست
راست خرما و بدست دیگر خربزه گرفتی و هر دو را باهم بخوردی
و این هر دو میوه دوست تر بودند نزدیک رسول صلی الله علیه وسلم
و مرویست که بخورید خربزه را و تعظیم دارید او را بدرستی که آب او
رحمت است و حلاوت او از بهشت است **فضیلت** شهد در
حدیث است که خدای تعالی نهاده است برکت در شهد و درو شفا
ست از جمله بیماریها و دردها و هر که در ماهی شربت شهد سه روز بخورد
حق تعالی او را از هفتاد و هفت زحمت و علت در عصمت دارد که دو از آن فالج است
و جذام و عایشه رضی الله عنها روایت کرد که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که یا عایشه
عسل را و حلوا را دوست دارم که همی دوست میدارم **فضیلت** شیر
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بر شما باد در سفر بخوردن شیر و رسول
صلی الله علیه وسلم گفت که داده شد مرا در شب معراج سه قدح آب و خمر
و شیر من اختیار کردم شیر را و رسول صلی الله علیه وسلم گفت که هر کو شیر بخورد این

این دعا بخواند اللهم بارک لنا فیه و زدنا منه **فضیلت** سرکه در حدیث
است که بدرستی باری تعالی را دو فرشته اند مقرب موکل اند بر کسی که سرکه خورد آمر
زش خواهند مراو را تا آن زمان که از خوردن سرکه فارغ شود و رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود فقیر نشود اهل آن خانه که در وی سرکه باشد و باز فرمود که سرکه نگاه دارید
که برکت است و باز فرمود هر که سرکه بخورد بیرون آرد خدای تعالی از دل او غش و شک
و شرک و کبر و حسد و عداوت و بغض و نفاق **صفت** هریسه رسول صلی الله
فرمود که جبرائیل علیه السلام بیامد بر من و مرا گفت یا محمد هریسه بخور تا پشت تو سخت
قوت شود برای عبادت پروردگار جل جلاله **صفت** گوشت رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود هر که چهل روز گوشت نخورد خلق او بد شود و گفت بخورید گوشت را که
شنوایی را زیادت کند و باز فرمود هر که ترک آرد گوشت را آنکس از من نیست و رسول
صلی الله علیه وسلم گفت که بر شما باد بخوردن گوشت که نیکو کند و باز فرمود که
سید ادام در دنیا و آخرت گوشت است و هر بار که رسول صلی الله علیه وسلم را
بجهت خوردن گوشت دعوت کردند اجابت کرده است و هر که گوشت هدیه
آورده است قبول کرده است **صفت** پیه رسول صلی الله علیه وسلم گفت
در معده می افتد از آن مکان و درد امی برد و شفا می آرد **صفت** گوشت بریان

بخورد [illegible]

دوست ترین طعام نزدیک رسول صلی الله علیه وسلم گوشت بریان و روزی ام سلمه
رضی الله عنها گوشت پهلو بریان کرده پیش رسول صلی الله علیه وسلم آورد بخورد و
وضو تازه نکرد و نماز گزارد **صفت** قدید خباب رضی گفت که رسول صلی الله علیه
وسلم را دیدم که گوشت قدید می خورد در طبق نهاده پس آب بخورد از کوزه سفال **صفت**
روغن رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که شیر گاو و روغن شفاست و روغن ایشان دا
روست و دوست ترین شرابها نزدیک رسول صلی الله علیه وسلم شیر بود و دوست داشتی
افطار کردن شیر **صفت** سیاه دانه رسول صلی الله علیه وسلم گفت یا علی فرشتگان
استغفار گویند مر کسی که در خانه او شهد و زیتون و سیاه دانه باشد و رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود بر شما باد که بخوردن عدس بدرستی که تنگ دل را و آب دیده را
و باز فرمود که در طعام کنید مشغالی عدس که عدس از بوی بهشت است و دعا کر
ده اند مر آنرا ابراهیم و محمد علیهما السلام **صفت** خیار از تفسیر مغنی رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود هر که خیار با نمک خورد نگاه دارد خدای تعالی او را از جذام **صفت**
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بخورید سیر که و دارو کنید بدان که شفاست از
هفتاد زحمت و باز فرمود مخورید سیر خام **صفت** پیاز در خبر است که مردی
را فرزند نمی شد بر رسول صلی الله علیه وسلم آمد و شکایت کرد از قلت فرزند رسول

رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ویرا بخوردن پیاز و ابو درداء رضی الله عنه گفت
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون در آیید شما در شهری و دیاری و بترسید بر شما باد که
پیاز بخورید بدرستی که روشن کند بینایی و پاکیزه کند بوی را و زیاده کند آب پشت را
و آورده اند که سفیان ثوری رحمة الله علیه زحمتی داشت عبد الله بن مبارک رحمة الله
علیه بعیادت او آمد پیاز طلبید و آنرا پاره کرد و سفیان را فرمود که بوی کن چون
بوی کرد آنرا عطسه بیاورد و گفت الحمد لله رب العالمین هم در حال زحمت او
ساکن شد از خلاصة الحقایق انس بن مالک رضی الله عنه گفت که رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود ده چیز است از آن فراموشی آرد خوردن پنیر و خوردن
سور موش و خوردن سیب ترش و خوردن [illegible] و خوردن گشنیز خشک
و حجامت کردن بر مغاک قفا و گذشتن میان دو زن و نظر کردن بسوی مصلوب
و بول کردن در آب ایستاده و انداختن سپش زنده و قرآت در مقبره **ایضا**
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که چون ترب بخورید و خواهید که بوی او نیاید بر من
درود بفرستید در اول گزیدن [illegible] **باب بیست و سیم** در حکایت
بعضی خلفا رضی الله عنهم و ملوک ماضیه نقل از تفسیر و از کفایه شعبی و
خلاصة الحقایق و از کتب دیگر مرویست که سلیمان پیغامبر صلوات الله علیه جهان

در حکم خود داشت وجن وانس ووحش وطیر همه زیر فرمان او بودند چون طعام
دادی خدمتکاران کاسهارا می آوردند هر یکی چون حوضهای که آب خوردن از ان
باشد چاشت وشام ایشانرا طعام دادی که پیش وی بودند دیگهای شان چون
کوهها بودی سرافراشته وزیرش تهی کرده تا آتش کردندی و در هر دیگ هزار
گاو وگوسفند فرو شدی و در تفسیرها آمده است که لشکرگاه سلیمان علیه السلام
صد فرسنگ بود بیست وپنج فرسنگ برای آدمیان و بیست وپنج فرسنگ جهت پریان
و بیست وپنج فرسنگ برای مرغان و بیست وپنج فرسنگ برای ددان چون سلیمان
علیه السلام بر تخت نشستی دویست هزار کرسی زرین بر دست راست او بنهادندی
بجهت آدمیان و دویست هزار بدست چپ بجهت پریان و سی وپنج هزار
منبر بر میمنه ومیسره بجهت دانشمندان نهادندی و پس و پیش دیوان می رفتندی
و کاری که فرمودی میکردندی و عیالان او نان خشک خوردندی و خود نیز نان جو
خوردی و هیچ وقتی طعام سیر نخوردی از سبب آنکه تا فقرا را فراموش نکند و همچنین
یوسف پیغامبر علیه السلام در سال قحط همه خلق را طعام و غله دادی و خود گرسنه
بودی تا خلق را فراموش نکند و موافقت ایشان کرده باشد و در خبر است که آدم
علیه السلام را چون زراعت فرموده شد روزی زراعت میکرد و جفت می راند

راند ستوری کاهلی کرد در زمین راندن یک چوب آنرا بزد آن ستور آدم علیه السلام
را گفت در آنوقت که تو عاصی شدی پروردگار تو ترا زد که تو مرا می زنی آدم آه کرد
و بگریست و گفت که همه مرا سرزنش میکنند بعصیان من مناقب امیر المؤمنین ابا بکر
رضی الله عنه آورده اند که چون ابو بکر الصدیق رضی الله عنه خلیفه شد جامه
از خانه ببازار برد تا بفروشد گفتند که چرا می فروشی جامه را گفت تا این زمان کسب
نمیکردم بجهت نفقه عیال این زمان از کسب باز ماندم این وظیفه جامه می فروشم
تا نفقه فرزندان بدهم پس صحابه جمع شدند و وظیفه بدیدار بیت المال تعیین کردند
و هر روز یک درم و ثلثان درم از بیت المال بر گرفتی و در وجه خود و عیال صرف
میکردی چون نقل میکرد چیزی از درم در خانه مانده بود در خانه عایشه رضی الله
عنها را وصیت کرد که آنرا بعمر تسلیم کن چون تسلیم کرد عمر رضی الله عنه بگریست
و گفت رحمت برو باد که نیکو کرد کار را بر کسی که بعد از وی شد و روایت کرده یکی
از صحابه رضوان الله علیهم که من شمرده بودم وصلهای پیوند جامه ابو بکر
رضی الله عنه دوازده پیوند بود مناقب امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه آورده اند
که زنی هدیه فرستاد بسوی زن عمر رضی الله عنه در وقت خلافت امیر المؤمنین عمر
رضی الله عنه آنرا از دست زن بستد و در بیت المال جمع کرد و گفت که برای زن که همسایه

ما جرا نفرستاد و برای ما فرستاد از انکه من کارکن مسلمانانم و این حق بیت المال است
و هم منقولست که امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه در بازار میگذشت شتری را دید
فربه پرسید که این شتر از آن کیست گفتند از آن پسر تو عبد الله پس گفت پسر را که این
شتر از کجا یافتی پسر گفت حاجیان می فروختند لاغر بود من خریدم عمر رضی الله
عنه گفت که ای ناکس بیت المال از بهر تو نهاده شده است اکنون از دو کار
یکی کن یا این اشتر را در کار مسلمانان استعمال کن تا لاغر شود چنانکه بود و یا آن
بها که خریده از بیت المال بستان و این اشتر را در بیت المال رد کن و هم منقول
است عمر رضی الله عنه با نفس خود محاسبه کردی هر شبی پس اگر راجح بودی حسنات
او بر سیئات او بحضرت عزت تضرع وزاری کردی و اگر راجح دیدی سیئات نفس
خود را حد زدی و منقولست که در عهد رسول عمر رضی الله عنه زمین بلر
زید پس امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه بیرون آمد با همه یاران و دره زد زمین
را گفت ساکن شو بفرمان خدای ساکن شد و منقولست که در عهد امیر المؤمنین
عمر رضی الله عنه آب رود نیل کمتر شد عمر را خبر کردند گفت پیش ازین که در جا
هلیت بود هر جه میکردند گفتند دختری را پیرایه می آراستند و پیرایه می پوشانیدند
و در آب رود نیل می انداختند آب روان می شد پس امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه

عنه کاغذی طلبید و در آن نبشت که من عبد الله تعالی امیر المؤمنین عمر الی وادی النیل
اما بعد فانا لا نشتغل برسوم الجاهلية ولكن تجري باذن الله تعالى پس بفرمود
تا آن رقعه را بینداختند در رود نیل آب روان شد بفرمان عز وجل از برکت
امیر المؤمنین عمر و هنوز روانست و تا قیامت روان خواهد بود و مرویست
که امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه گفت مر معاویه را اگر من در روز چشم ضایع
کرده باشم حق رعیت و اگر شب چشم ضایع کرده باشم نفس خود را پس چگونه خواب
توانم کرد با این دو چیز و آورده اند که بعضی از تابعین گفت که من دیدم پشت مبا
رک امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه را اثر تازیانه بود از نبیره او عبد الله بن سالم که
عمر را پشت مبارک گشاده دیدم و اثر تازیانها بود عبد الله گفت او را که تواند
زد که خلیفه است سبحان الله او خود را هر شب آدینه تازیانه می زند و نفس خود را
میگوید که درین هفته چنین چنین کردی و مرویست که در آن وقت که عمر رضی الله
ابن عباس رض — نقل کرد آسمانها و زمینها بروی بگریستند تا چهل روز و مرویست که چون امیر
المؤمنین عمر رضی الله عنه چون ابو لؤلؤ زخم خورد در نماز بعد از ان سه روز زیست
امیر المؤمنین علی رضی الله عنه بعیادت آمدند عمر رضی الله عنه بگریست ایشان گفتند
چرا میگریی گفت گریه من از ان نیست که دنیا میگذارم ولیکن از ان میگریم که خدای

مرا امیر کرده بود بر امت محمد صلی الله علیه السلام و من می ترسم اگر از من سؤال
کنند از مظالم ایشان گفتند مترس که بدرستی عدل کردی میان خلق خدای
پس عمر گفت اگر شما ابن چنین گواهی پیش خدای عز و جل میدهید خوبست ابن عباس
سر در پیش افکند عمر گفت اگر امیر المؤمنین علی گفت سر بر دار که من برابر تو گوا
هی خواهم داد بر عدل پس تو نیز گواه باش پیش خدای تعالی پس امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه
گفت ای عبد الله دوات قلم و کاغذ بیار و پسر را گفت بنویس آنچ گواهی دهد علی و ابن
عباس که رسول خدای گواهی ایشان مسموع گرفته است پس بنوشت گواهی
ایشان او وصیت کرد پسر را که این را در میان کفن من بنه تا حجت باشد
مرا نزدیک خدای تعالی چون عمر رضی الله عنه از دار الفنا بدار البقا رحلت کرد عبد الله
ابن الواود او را در خواب دید بعد از یکسال و در دست او آن خط بود پس پرسید
که خدای با تو چه معاملت کرد گفت که رسول حساب کرد با من پس یافت از من
تقصیر در کارهای مسلمانان پس حق تعالی گفت من شرم میدارم که گواهی دو کس
را رد کنم از یاران رسول پس بیامرزید مرا پس عبد الله پرسید از پدر که کدام چیز تقصیر
آمد از تو گفت شتران بیت المال که بوده اند زانوبند ایشان هر سال کهنه می
شد و نو می ساخته اند شتربانان از بیت المال می برده اند مرا از آن پرسیدند که

تو که کهنه را چرا دور کردی و ضایع کردی و چرا جمع نکردی و نفروختی و دیگر
زانوبند نستادی یا یکی بران بکدشتی و این مقدار از بیت المال ضایع کردی
و منقولست که چون فاطمه رضی الله عنها از دنیا رحلت کرد امیر المؤمنین علی رضی
الله عنه در خواب دید که پرسید چگونه گفت نیکم اما مرا موقوف داشته اند و مقامی
که از آن منست مرا بدان مقام رفتن نمی گذارند و موقوف از سبب آن مانده
ام که روزی من از زنی سوزنی بعلیاریت ستاده بودم تا جامه خود بدوزم آن سوزن
از فراموشی بخصم نداده ام و در خانه در فلان طاق نهاده ام آن سوزن بخصم بده
تا من بمقام خود برسم پس علی رضی الله عنه برخاست و آن سوزن را بخصم او برسانید
مناقب عمر بن عبد العزیز خلیفه بود شبانی گرگ را دید که با میش آب
میخورد در تعجب ماند و گفت مگر عمر بن عبد العزیز خلیفه شده است پس
بشهر آمد پرسید گفتند امروز عمر بن عبد العزیز خلیفه شده است تا آن ز
مان که او خلافت میکرد هیچ شبانی نگفت که گرگ میش خورد بعد از آن در مدتی
دید که گرگی میش را برد شبانان گفتند که مگر امروز خلیفه نمانده است بشهر
آمدند خلیفه وفات یافته بود و منقولست که چون عمر بن عبد العزیز خلیفه
شد روزی نشسته بود پسر او گریه کنان و گفت که من بمکتب رفتنی نیستم

پسر سید چرا گفت کودکان مرا سرزنش میکنند که تو پسر خلیفه جامه درست
نداری و کهنه و پاره پاره پوشیده خلیفه گفت در دست من و در ملک من چیزی
نیست که تو را جامه بستانم پس جانب خازن بیت المال مکتوب فرستاد که مرا چنین
حالت واقع شده است از بیت المال چهار درم قرض بده تا جامه پسر را
بستانم در وظیفه من از ماه آینده در حساب وضع کنی خازن جواب نبشت
که بدست من مال خدای است و مال بندگان او مرا این ممکن نیست که بفرو
ستم این اگر امکر انکه ضمانی بدهی مرا تا یکماه آینده خود هی زیستن
و خلیفه خواهی بود تا مستحق وظیفه باشی چون این جواب بر خلیفه
رسید گفت من ضمان ندارم و بگریست و دست بر سر پسر
فرود آورد و گفت من قدرت آن ندارم که ترا جامه کنم ولیکن برو نزد
مادر خود که شاید که نزد او چیزی باشد که بپوشاند ترا پس بیامد نزد ما
در گریه کنان قصه بگفت مادر بگریست و گفت از آن روز خلافت در خانه ما
آمد فقر در ما افتاد پس روی بسوی پسر کرد و دست بر سر او فرود آورد و گفت
ای فرزند نور دیده و جگر گوشه من صبر کن و تحمل کن و بگذار تا سرزنش
کنند ترا اینجا شاید که خدای تعالی بیامرزد پدر ترا بدان سبب که تحمل کنی

کنی پس بسوی او بمکتب رفت هم بدان حال که بود و منقولست که پیش از خلافت
آنچنان بود که خانه خریده بود بچهار صد دینار آن را باد یا برجی داد که این درشت
است شایان من نیست و چون خلیفه شد پیراهن خرید بچهار درم باز
پس داد که گفت این نرمست لایق من نیست و منقولست که عمر بن
عبد العزیز رحمة الله علیه شبی خفته بود در خواب بترسید و لون
او متغیر شد و بار دیگر هم بترسید و بلرزید و از جامه خواب برجست چون
بیدار شد از وی پرسیدند یا امیر المؤمنین چه دیدی در خواب که از آن
بترسیدی و لون بشره تو متغیر شد گفت دیدم در خواب که قیامت
شده است و منادی ندا میکند که ابو بکر را پیش آرید و آوردند با او حساب
کردند سهل و او را بسوی بهشت فرستادند و بعد از آن ندا کردند عمر را
پیش آرید آوردند حساب کردند با او سخت تر از آنکه با ابا بکر رضی الله عنه کر
دند همچنین خلفاء دیگر را چون نوبت بمن رسید پس حساب کرد خدای
با من و پرسید مرا از قلیل و کثیر و اگر رحمت خدای تعالی نبودی هلاک
می شدم پس مرا بسوی بهشت روان کردند پس بودم در راه مرد
دیرا افتاده بپایش جنبانیدم گفت لا اله الا الله محمد رسول الله

پرسیدم که تو کیستی گفت منم حجاج گفتم اینجا چه میکنی گفت امیر مرا
به رحمت حق راه داد آورده‌اند که در آن وقتی که عمر بن عبد العزیز را زهر
دادند غلامی بود که آن حرکت کرده بود با وی او را بخواند و گفت این کار
تو کردی گفت آری از وسوسهٔ وزیر کردم عمر عبد العزیز رحمت الله علیه
گفت این زهر مرا بغایت کار کرده است و من زیستنی نیستم و این جنا
یت به هر کسی رسیده است نشاید که از سبب من ترا بکشند پیش از آنکه من
مرده‌ام تو گوشهٔ بگیر مناقب هارون الرشید آورده‌اند که در عهد ها
رون در بغداد ظلمت افتاد و هوا همچون شب تار شد هارون الر
شید از تخت فرود آمد و در سجده افتاد و می نالید و میگفت الهی اگر
خشم تو بر منست پیش توام هر چه خواهی کن و اگر خشم تو برین خلقست
از سبب گناهان پس عفو کن از ایشان و خلق را خلاص ده بفرمان خدای
در حال ظلمات رفت و روشنایی پیدا شد و آورده‌اند که هارون الرشید
را سر لشکری بود معروف و مشهور وقتی بگواهی نزد امام ابو یوسف
قاضی رحمة الله علیه گواهی داد رد کرد او را بیامد نزد خلیفه شکایت کرد و گفت
من میدانستم که منزلت حاصل خواهد شد خلیفه پرسید که ترا چه رسید گفت ابو یو

ابو یوسف شهادت من رد کرد خلیفه نزد امام ابو یوسف آمد و گفت چرا گوا
هی او را رد کردی امام گفت من روزی از وی شنیدم که او میگفت من بندهٔ
خلیفه‌ام اگر راست گفت پس شهادت بنده جایز نیست و اگر کاذب است
پس قبول نکنم گواهی کاذب را بعده خلیفه گفت اگر من در قضایا گواه شوم قبول
بکنی شهادتش مرا امام ابو یوسف رحمة الله علیه گفت نه خلیفه گفت چرا گفت
از آنکه تو تکبر کردن کشی میکنی بر خدای و جای متکبران در جهنم است چنانکه
در قرآن یاد میکند خدای عز و جل که جهنم و بئس المتکبرین پس هارون الرشید
بترسید و بلرزید و بزانوی ادب بنشست و پرسید که چگونه امام ابو یوسف
گفت بدانکه خدای عز و جل فرض کرده است پنج نماز در هر شبانه روزی و
فرموده است ادا کنید آنرا بجماعت و برابر نیست در آن قومی ضعیف و
فقیر غنی و تو بیرون نمی آیی بمسجد پس خلیفه فرمود مسجدی بنا کردند پهلوی
قصر او در آن چهار در نهادند و فرمود مردمان تا بیایند و نماز بکنند و بعد
از آن خود در مسجد حاضر شدی و نماز گزاردی حکایت سلطان محمود
غازی چون وفات یافت او را بخواب دیدند پرسیدند که خدای تعالی با تو چه کرد
سلطان گفت که مرا سلطان مگویید اسیر گویید که سلطانی همه برفت و بعد از آن

پرسیدند که خدای با تو چه کرد گفت بخشید مرا بانکه شبی در خانه بودم مصحفی
در طاقی نهاده بود گفتم که مصحف نزد پای بنده باشد بفرستم بیرون باز هم
در خاطر گذشت که برای آسایش خود مصحف بیرون چگونه فرستم الغرض
آن شب همه شب نشسته بودم در بیدار درین تفکر چون نقل کردم مرا بدین
تعظیم بیامرزید از خلاصة الحقایق رسول صلی الله علیه و فرمود که عدل
یکساعت بهتر است عبادت شصت ساله و مرویست که موسی علیه السلام
گفت الهی چرا فرموده مرا که با فرعون سخن نرم گویم خدای تعالی گفت از سبب
در عمر خود تا بود راههای مسلمانان ایمن کرد او نیدی و زنا نکردی و مظلومان را
انصاف دادی اگر چه بر نفس خود بد بود جهت این خصلتها ترا فرمودم که سخن
نرم گویی با او ایضا در خبر است که دعا کرد موسی صلوات الله علیه بر هلاک فر
عون با کفر پس وحی کرد خدای تعالی بسوی موسی و گفت زیان نمی دارد مرا اگذارد او با عول
او پس چون با کفر ظلم آغاز کرد خدای تعالی غرق کرد او را حکایت نوشیروان آورده
اند که نوشیروان با لشکر بیرون آمده بود زالی آمد و پیش وی مستغاث کرد و گفت
یکی از اهل لشکر تو میشی مادهٔ من برده است نوشیروان گفت بدل آن ترا بدهم
پیر قبول نکرد نوشیروان گفت دو میش بدهم هم قبول نکرد پس نوشیروان گفت

گفت ده میش بدهم قبول نکرد ده ده زیاده میکرد تا صد میش هم قبول
نکرد تا به هزار میش رسانید قبول نکرد پس نوشیروان گفت وای بر تو ای پیر زال
هزار میش برای یک میش نستانی زال گفت مرا یک میش یا ده هزار بکار نمی آید و لیکن این
تفکر میکنم که چگونه است حال پادشاه که اهل لشکر او مالهای مردمان را بناحق میگیرند
نوشیروان ازین سخن بترسید و هاخا در نگ کرد و پیشتر نشد و تفحص کرد آنکس
را که میش گرفته بیاوردند و گردن زدند دیگر منقولست که وقتی رنجور شد اطبا جمع شدند
و گفتند او را رنج دل بیوه زن گرفته است نوشیروان گفت سالهاست که من
بر کسی ظلم نکرده‌ام و در مملکت من کسی بر کسی ظلم نکرده است و خلایق گفته است
انصاف مظلومان از ظالمان بستانم هر آینه بستاند نوشیروان گفت اکنون
علاج من چیست گفتند ترا خاکی باید که آبادان بوده باشد و در روزگار عدل تو خراب
گشته تا آن خاک بیارند و از آنجا دکانی کنند تا تو بر آنجا بخسپی نیکو شوی گرد تمام مملکت
بگشتند هیچ جای خراب نیافتند رسیدند بشهری از شهرهای نوشیروان که او را
بامیان گفتندی خانهٔ یافتند سقف او فرود آمده خاک آن بیاوردند و دکانی
ساختند بر آنجا بخفت نیکو شد بعد از آن بفرمود تا رئیس آن شهر را بگرفتند
گفت چرا باید که در روزگار عدل من خانهٔ باشد خراب رئیس گفت آن هم از عدل شما بوده است

وآن چنان بود که بازرگانی دران خانه رسیده و نزول کرده بود بعد ازان آن حرام آنجا
وفات یافت رخت و مال او دران خانه ماند و سی سال است که او مرده است کسی باز
هو نیست که در آن خانه را باز کند از بیم تو تا بام خانه فرود آمد و خراب شد از عدل
نیست نه از ظلم و منقولست که چون نوشیروان عادل وفات یافت وصیت کرده
بود که تابوت او را در مملکت او بگردانند و ندا کنند تا هر کرا حقی باشد بیاید و حق
خود را طلب کند همچنان کردند هیچ کس پیدا نشد و آورده اند که در انگشتری نو
شیروان نبشته بود که ندامت بر عفو دوست تر است نزد من که از ندامت بر
عقوبت **باب بیست چهارم** در علامتهای قیامت نقل از تفسیر منیر و کتب اخبار و
رکفایه شعبی و جز آن بعضی از مقدمات گویند که چون برداشته شود از این
امت دوازده خصلت دلیل رفتن جمله چیزها بود و از علامت قیامت باشد
یکی آنکه چون برداشته شود از امرا عدل و دوم از علما عمل سیم از غازیان اخلاص
چهارم از زاهدان ورع و پنجم از بازرگانان امانت و ششم از نیکوکاران نصیحت هفتم
از اغنیا سخاوت هشتم از فقرا صبر نهم از بزرگان عقل دهم از کودکان حرمت و
یازدهم از زنان شرم دوازدهم از ذاکران شکر از تفسیر منیر در خبر است باسناد
درست که در آخر الزمان وقتی باشد که زنان مردان بهم بنشینند و خمر خورند

دند و سرودها گویند چون روز شود همه مسخ شده باشند تا چنان شود
که در سر چند روزی چو افتد که در فلان خانه پنج تن مسخ شده اند و در فلان
خانه سه تن کپی شده اند یاران پرسیدند که چه نشانی باشد گفت بیرون آمدن د
جالا و گفت پنجاه زن مرد را بخوانند نه مرد از زن سیر شود و نه زن از مرد چنانک
چنانکه در کوزه گاه با هم نزدیکی کنند و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که در آخر الز
مان پیشوای قوم و مهتر گروه ناکسان و خسیسان و بد اصلان بود از مشا
رقا و از مفتاح النجاح جبرائیل علیه السلام پرسید از رسول علیه السلام خبر کن مرا
از روز قیامت رسول صلی الله علیه و سلم گفت که جواب دهنده از پرسنده عالم
تر نیست پس جبرائیل علیه السلام گفت علامتهای قیامت آن وقت است که
رسول صلی الله علیه و سلم گفت که از کنیزک فرزندها زاده شود و پای برهنگان
و تن برهنگان و فقیران و شبانان عمارتهای رفیع کنند و بدان فخر کنند و
مهتر و سرور قوم شوند جبرائیل علیه السلام گفت صدقت یعنی فرومایگان
و خسیسان غنی و مهتر قوم شوند و ابو علی ثقفی گفت بیاید زمانه که
عیش خوش نباشد مؤمن را مگر آنکه خدمت کند منافق را و رسول صلی
الله علیه و سلم گفت بیاید زمانه بر امت من که نشناسند عالمان را مگر بجامه خوب

و نشناسند قاریان را مگر به آواز خوب و عبادت نکنند خدای را مگر در ماه رمضان
پس بگمارد خدای تعالی بر ایشان کسی را که رحمت نکند بر کوچکان ایشان و حرمت
ندارند بر بزرگان ایشان و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که زمانه آید بر مردمان که
جاهل تکلم کند و عالم ساکت باشد و دروغ گوی را راست گوی پندارند و راست
گوی و امین و مسلم را دروغ گوی دانند و برادر از برادر بیزار شود و رسول صلی
الله علیه و سلم گفت قیامت قایم نشود تا جمع نشود بر یک مرد سی زن و همه گویند
که مرا نکاح کن و از رسول صلی الله علیه و سلم مرویست که پناه جویید و بازداشت
خواهید جهد بعد از من در هفتصد و هفتاد سال از تفسیر مغنی رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود که حلال باشد بر امت من بعد از من در هفتصد و هشتاد
سال که زن نخواهند و خلوت گیرند و عزلت گیرند بر سر کوهها و رسول صلی
الله علیه و سلم گفت که زمانه آید بر امت من که کاهی کنند پنج چیز را و فراموش
کنند پنج چیز را اول دوست دارند عمارت کرده قصرها و فراموش کنند
مرگ را دوست دارند دنیا را و فراموش کنند آخرت را دوست دارند خلق
را فراموش کنند خالق را از تنبیه الغافلین چون قیامت نزدیک شود علامت
چند در میان مردم پیدا شود اول آنکه مردان بمردان بسنده کنند و دوم زنان بزنان

بزنان بسنده کنند و سیم دعوی نسب کنند کسی که نسبش نباشد و چهارم بز
رگان بر خوردان رحمت نکنند پنجم خوردان بزرگان را عزت ندارند ششم امر
و معروف را باز دارند هفتم علم را از بهر جمع کردن درم و دینار آموزند هشتم
خانهای ایشان بشابستان باشد نهم فرزندان برضای مادر و پدر بکتر با
شند دهم بناهای قوی برآرند یازدهم متابعه هوا کردند دوازدهم دین را
بدینار فروشند سیزدهم خون ریختن را آسان و سبک دانند چهاردهم ر
شوها بگیرند پانزدهم منارها دراز کنند شانزدهم مصحفها در سیم گیرند هفدهم
مسجدها را نقش نگار کرده دکان گیرند هجدهم رشوتها آشکارا شود نوزدهم
دهم ربا خوردن گیرند بیستم سرود کفتن عزیز گیرند بیست یکم زنان بر اسبان
نشینند از خلاصة الحقایق ابو هریره رضی الله عنه روایت کرد از رسول صلی
الله علیه و سلم گفت چون امرای شما بهترین شما باشند و اغنیای شما سخی
ترین شما باشند و کارهای شما بمشورت یکدیگر باشد پس پشت زمین
بهتر باشد شما را از شکم زمین چون امرای شما بدترین شما باشند و اغنیای
شما بخیل ترین شما باشند و کارهای شما بدست زنان شما باشد پس شکم
زمین بهتر باشد شما را از پشت زمین ایضا ابن عباس رضی الله عنهما گفت

که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود در آخر الزمان قومی باشند که ترغیب کنند مر
مردمان را در کارهای آخرت و خود نکنند و مر مردمان را ادب آموزند و خود را ادب نبا
شند و فراخ دستی کنند بر توانگران و بزرگان و تنگ دستی کنند
بر فقیران پس ایشان دشمنان خدای باشند **ایضاً** ابن عمر رضی الله عنه
روایت کرد از رسول صلی الله علیه فرمود بدرستی که زمانه آید بر امت من
که اگر در مسجد یک هزار کس نماز کنند ده کس در میان مؤمن نباشد
ایضاً ابو هریره رضی الله عنه گفت که از رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون
روز قیامت نزدیک رسد مردمان بی زحمت و بی درد میرند و هم فرمود
که زمانه آید که بگریزند مردم از علما چنانک گوسفندان از گرگ پس مبتلا
گرداند خدای تعالی ایشان را بسه بلا اول بگمارد بر ایشان پادشاه ظالم دوم
آنک برود برکت از رزقهای ایشان سیم بیرون برند ایشان را از دنیا
بغیر ایمان و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود زمانه آید بر مردمان عالمان
همچون گرگ گردد و امیران همچون شیر گردد و بازرگانان همچون روباه شوند
و مؤمنان همچون گوسفند باشند پس چگونه باشد حال تاجران و مؤمنان
میان گرگ و شیر از تفسیر منیر معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت کرد از رسول صلی الله

علیه وسلم فرمود که قیامت نیاید تا گفتارهای شما مخالف یکدیگر نباشد
و دلها برحرام بیند منکر باشد و علمای آن زمانه ذلیل گردد چون گوسفندان
سر شکسته اگر مردی پارسا دوستی آن جهان جوید باید که خود را البته از
حرام نگاه دارد **ایضاً** مکحول شامی رضی الله عنه روایت کند که اعرابی پرسید که
قیامت کی باشد رسول صلی الله علیه وسلم گفت پرسنده و جواب دهنده
اندرین مسئله یکسان است ولیکن آن را علامتهاست یکی کسادی بازارها
دوم باران بسیار و بی برکتی و دیگر ربا خوردن آشکارا شود و دیگر در
مسجد آواز فاسقان و دیگر اهل باطل بر اهل خیر چیره شود از تفسیر مغنی
ابن عباس رضی الله عنه فرمود بدرستی و راستی که خدای تعالی پنج آب از بهشت
بروی زمین روانه کرده است از برای منافع خلق سیحون در هند و جیحون
در بخارا و فرات در بلخ و دجله در عراق و رود نیل در مصر پس چون آخر
الزمان آید بفرستد خدای تعالی جبرئیل را تا ببرد از دنیا پنج چیز را قرآن
و علم و رکن یمانی و مقام ابراهیم و تابوت موسی و آن پنج جوی **ایضاً** در حدیث
است که علامتهای قیامت از شرح قدوری و از کتاب فرایض ابن مسعود
رضی الله عنه روایت کرد از رسول صلی الله علیه وسلم که فرمود علم فرایض بیاموزید

و هم تعلیم کنید مردمان را از علم فرایض بدرستی که در آخر الزمان اول علم فرایض
برگرفته شود از امت من تا چنانک دو مرد از سبب مال میراث منازعت کنند کسی
را نیابند که آن مال میراث ایشان ترکه کنند و آن منازعت دور کند از تنبیه ابو اللیث
روایت میکند از امیر المؤمنین حسین رضی الله عنه گفت از رسول صلی الله علیه
شنیدم که پیش از آنک شود وقتها که هول بود که دل مردمان فرو میرد همچون
تن مردم بامداد مؤمن برخیزند و شبانگاه کافر خسبند و شبانگاه مؤمن
خسبند و بامداد کافر برخیزند و گروهی دین خود را باندک چیز از دنیا بفروشند
از فواید الفواد سخن در کعبه افتاد در عمارت و خرابی او فرمود که کعبه را
دو بار خراب کرده اند و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون بار سیم خراب
کنند ایشان در آخر الزمان باشند و قیامت نزدیک باشد بتان را بیارایند
و در خانه کعبه نهند و از قبیله که خادم آن روشن باشد بیایند و در پیش آن
بتان پای کوبند پس بر آسمان برند کعبه را طلوع آفتاب از مغرب برآید از
تفسیر منیر خبر روایت کرد ابی بن کعب از رسول صلی الله علیه وسلم گفت بیا
ید بر شما شبی چون دیگر شبها شناسند آن را شب خیزان گویند مردی برخیزد
از آن سبب خیزان ورد خویش را بخواند پس بخسبد دیگر بار برخیزد

خیزد و آن ورد را باز بخواند و زاری کردن گیرد تا بامداد که آفتاب از سوی مغرب
برآید تا بمیانه آسمان بایستد و باز گردد و هم بمغرب فرو رود و آنگاه از سوی
مشرق برآید و آن روز که آفتاب از سوی مغرب برآید هیچ تن کافر بگرویدن
او سود نکند و آن کسی نیز پیش از برآمدن آفتاب از مغرب باشد ایمان با خلاص
نیاورده باشد و کارهای نیک نکرده باشد اگر بعد از آن با خلاص بیارد
نپذیرند زیرکه آن روز از هیچ کافر ایمان نپذیرند و از هیچ عاصی توبه نپذیرند
مگر آن کسی که آن روز نارسیده باشد یا بعد از آن از مادر بزاید از تفسیر مغنی
علامت قیامت دخانست پس دجال پس یاجوج و ماجوج پس دابه پس طلوع
آفتاب از مغرب و ابن عباس رضی الله عنه فرمود چون فحش فاش شود
و امر معروف و نهی منکر نماند آفتاب و ماهتاب حبس کرده شود بمقدار
یک شب و آن را شب خیزان دانند آفتاب و ماه از مغرب طلوع کند و نیز دور را
نور نباشد تا میانه آسمان برسند پس باز گردند بعد از آن در توبه را به
بندد و در خبر است که در آسمان جانب مغرب گشاده شده آن را باب التوبه
گویند آفتاب و ماه هم از آن در طلوع کند و هم بر آن در باز گردد چون آن در
بسته شود ایمان کافر و اخلاص منافقان قبول نباشد مگر توبه مؤمن قبول

باشد علامت دخان قال الله تعالی یوم تأتی السماء بدخان مبین روزی که از آسمان
دودی بدید آید بحدی تاریک شود تا خلق را بعضی گویند در آخر الزمان علامتی
بدید آید که کافران را فرو گیرد اما مؤمنان را چنانکه زکامی بدید آید قصهٔ یاجوج
و ماجوج از تفسیر منیر در خبر است که ایشان قومی اند که بدرازی یک بدست
و همیشه برهنه باشند موی یک گوش ایشان باشد مانند موی بز و دیگر گوش
مانند پشم گوسفند و شتر و چون بخسپند یک گوش بستر کنند و دوم لحاف
و بجای ناخن ایشان چنگالها بود چون درندگان هر سالی ایشان را
دو نهنگ دوریست آب برا از دریا می آرد و آن سال که یکی آرد ایشان را قحط با
شد ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت کرد از رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که چون سد یاجوج و ماجوج گشاده کرده ایشان بکرانهٔ زمین بدر آیند و
خلق بگریزند و همه از برای خود حصارها سازند و ایشان در میان خلق افتند
از بسیاری که باشند و اولین قوم ایشان بر دجله بگذرند همه آب را بخورند و آنچه
در و جانور باشند همه بخورند دجله خشک شود و یکدیگر را پرسند که اینجا وقتی آب
بوده است پس بر همه شهرها بگذرند و هر چه یابند بخورند و اهل زمین را کم کنند
مگر آنکسانی که در مسجدها و حصارها باشند آنگاه گویند که از اهل زمین

زمین فارغ شدیم قصد بر آسمان کنیم تیرها بیندازند سوی آسمان و
تیر خون آلوده باز گردد برای فتنهٔ ایشان پس گویند که اهل آسمان را نیز کشتیم
پس خدای تعالی بگمارد بر ایشان کرمان را تا یکبار همه بمیرند و مؤمنان در مساجد و حصار
ها باشند خروشهای بشنوند گویند کسی هست که خود را سبیل کند از بهر خدای
و بیرون رود و خبر ایشان بیارد یکی بیرون آید همه را مرده بیند آواز دهد که
بشارت باد شما را آنگاه مردمان بیرون آیند در زمین نبات نیابند ستوران
گوشتهای یاجوج و ماجوج بخورند فربه شوند وزینب بنت جحش رضی الله
عنها روایت کرد رسول صلی الله علیه وسلم بیرون آمد ردای مبارک بر زمین گشاده
روی سرخ گشته و آواز بر داشته میگفت که آمد آمد ای عرب هلاکت نزدیک
آمد زینب گفت یا رسول الله صلی الله علیه وسلم نیک مردان در میان ما و ما هلاک شویم گفت
بلی چون پلیدیها بسیار گردد گفتم پلیدی چه چیز است گفت زنا و رود و زدن و
می خوردن و کم سنجیدن و کم پیمودن از تفسیر معنی یاجوج و ماجوج چهار صد
هزار امت اند و یکی از میان ایشان نمیرد تا هزار پسر نشود او را و هر چه بدست
ایشان در افتد از جانوران چون پیل و خنزیر و وحوش و طیور همه بخورند و
یاجوج و ماجوج هر دو برادرند و از فرزندان یافث بن نوح اند و ایشان هر روز

سد را می کاوند و بدان حدی رسانند که شعاع آفتاب نموده می شود و وقت
آن شود بعد از آن بازی گردند و گویند فردا تمام کنیم چون بامداد شود بفرمان
خدای تعالی سد باز درست گشته می یابند چون وقت آن شود که بیرون آیند
گویند ان شاء الله که فردای تمام کنیم و بیرون آییم روز دیگر همچنان یابند که گذاشته
باشند و در کشاف آورده است که یکی از میان ایشان مسلمان شود و بگوید که
ان شاء الله روز دیگر بیرون آیند و بلب دریا برسند تمام آب و تمام جانوران که در وی باشد
بخورند و بعد از آن برگ درختان بخورند و هر چه در زمین است از تر و خشک بخورند
و مردمان از و بگریزند و هر چه قادر شود بکشند مگر در چهار مسجد نتوانند در آمدن یکی
در مسجد حرام و در مسجد مدینه و در بیت المقدس و مسجد طور سینا و بر روی
زمین جز ایشان کسی دیگر نموده نشود بر آسمان تیرها اندازند به پرندگان برسند خون
آلود باز گردند پس خدای تعالی کرمان را بر ایشان گمارد تا در آن بمیرند قصهٔ دابة الارض
از تفسیر منیر قوله تعالی اخرجنا لهم دابة من الارض بدید آریم بر ایشان دابه از ز
مینی و آن دابه کسی باشد که از زیر صفا بر آید بالای او با آسمان نزدیک باشد عصای موسی
و انگشترین سلیمان علیهما السلام با او باشد بدان عصا روی کافران داغ کند تا
رویهای ایشان سیاه گردد و انگشترین بروی مؤمنان مهر کند تا رویهای ایشان سفید

سفید گردد و از پس آن هیچ کس را به نام نخوانند چنانکه این او را گوید یا کافر و او این
را گوید یا مؤمن و این دابه سه بار بدر آید و یکی از میان صفا و مروه و دو بار دیگر
و با خلق سخن گوید که مردمان با آمدن من باور نمی داشتند اکنون بر آمدم
مقاتل گوید بزرگی او چنان باشد که سر او از مشرق تا مغرب بدید بود پس باز گردد
و شش ساعت آن شب بجنبش و زلزله آید همه خلق در بیم باشند تا آنگاه که
روز شود بانگ زنند که قصهٔ دجال آمد و او مردی بود جعد موی و یک چشم و
عو خدای میکند و با وی کوهی با گیاههای نیکو و سبزها روان شود او
گوید که این بهشت است کوهی دیگر با او رود مانند آتش گوید این دو
زخست هر که بمن بگرود در بهشت کنم و هر که نگرود در دوزخ کنم رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود بهشت وی دوزخ باشد و دوزخ وی بهشت از بهر فتنهٔ
خلق آن کوهها با او روانه کنند و هفتاد هزار جهود بدو بگروند و زمینی را در
نوردیده شود تا چهل روز [illegible] بهمه جاها را بگیرد چون بمکه آید فرشتگان
و را بزخم عمودها باز گردانند و همچنین از مدینه چون به بیت المقدس آید عیسی
علیه السلام از آسمان فرود آید قصهٔ دجال آنچنان بود مرویست از تفسیر منیر جوح
امام گفت که بما رسید با سناد درست از ابو امامه الباهلی رضی الله عنه که رسول

صلی الله علیه وسلم فرمود در خطبه پیش دجال را یاد کرد و گفت هیچ پیغامبری نبود از
پس نوح علیه السلام که او امت خود را از دجال خبر داد و ایشانرا حذر فرمود از
شر و فتنه او و من پیغامبر آخرینم و شما آخرین امتان اگر وقتی بیرون آید که من
زنده باشم شما را بهتر بود که اگر من رفته باشم هر کسی از شما باید که خویشتن را نگاه دارد
از شر و فتنه او و خداوند عز و جل خلیفه منست و بر امت من و بدانید که از پس من
پیغامبری دیگر نخواهد بود و بدانید که خدای را در دنیا هیچ کس نتواند دید و دجال
یک چشم کور باشد و میان پیشانی نبشته باشد این کافر است بخدای و چنان
نبشته باشد که همه مؤمنان آنرا بتوانند خواندن اگر خواننده باشد و اگر نه و از فتنهای
او یکی آن بود مردی را گوید که اگر خواهی مادر و پدر ترا زنده کنم گوید بلی گوید بحق کردی
گوید بلی و درا نوقت دیوی را مانند مادر و پدر وی برو نماید و آن هر دو گویند ای پسر
بگرو بوی که او خدای تواست و اعرابی را نیز گوید که شتران ترا زنده کنم پس همچنان دیوانرا
بدو نماید و بهشت و دوزخ بنماید بدروغ و رسول صلی الله علیه وسلم گفت هر که بدان گر
فتار شود سوره کهف بخواند در حال خدای آتش را بروی سرد کرداند همچنانکه بر
ابراهیم علیه السلام پس او آفتاب را بگیرد و بدو نیم چند دست دراز کند و مرغان
پرنده را بگیرد و بگیرد حکم مکه و مدینه که فرشتگان بیرون کنند چون بمدینه نزدیک

آخرینی

نزدیک برسد بر میغی که آنرا طراب رحم گویند و مدینه سه بار بجنبد چنانکه هر که در وی
منافق مرد و زن باشد بیرون اندازد و مدینه را پاک کرداند و مؤمنی را گوید
که بمن بگرو که خدای توام مؤمن گوید دروغ میگوئی خدای من نیستی پاره پاره
کردنش فرماید و باز وی زنده کند و دیگر هیچ مؤمنی بدست او نیفتد و بهر شهری
و دهی که گذر کند اگر آن قوم بدو بگروند در حال باران آید و نبات بر آید و ستو
ران آن قوم بخورند و هر گروه که نگروند همه ستوران ایشان سقط شود و
ایزد تعالی ابر را و باد را فرمان بردار او کند چون به بیت المقدس رسد سه بار
بانگ کند چنانک آواز او را از مشرق تا بمغرب بشنوند و ایشانرا حصار کند نا
گهان عیسی علیه السلام فرود آید در وقت نماز بامداد اما جون او فرود آید سر لشکر
مسلمانان علوی باشد پس عیسی علیه السلام دست بر پشت وی نهد و گوید که
تو امامی کن چون نماز بگذارند عیسی علیه السلام بفرماید تا در شهر را بگشایند
عیسی بیرون آید دجال را با هفتاد هزار جهود استاده و شمشیرها حمایل کر
ده چون دجال عیسی علیه السلام را ببیند بگدازد بر خویشتن چون ارزیز بگدازد
از بیم عیسی علیه السلام نی کند بکشد او را بضرب شمشیر در بابی که آنرا باب شرقی
خوانند بزندش ضربتی پس جهودان بگریزند از پس درختان و دیوارها

پنهان شوند خدای تعالی درخت و سنگ چوب را او ستوران را بسخن آرد یا مسلما
نان که فلان جهود از پس من است بیا و بکشش مگر گیاهی غرقد سخن نگوید که بیا
رسی بر غرقد خوانند و عیسی علیه السلام میان قوم عدل گسترده و خوکانرا
بکشد و چلیپا یانرا بشکند و کینها و عداوتها از مردم بیرون رود چنانک
بچگان بر شیر سوار شوند زیان نرسانند و گرگ با گوسفندان چرا کنند جهان بر
عدل آرمیده شود و همه بر یک گفتار و توحید موافق شوند در جهان گیاهها
همچنان بر آید که در وقت آدم علیه السلام بود و برکت بدید آید چنانکه یک خو
شه انگور را جماعتی نتوانند خوردن و دو اسب را بیک گاو دهند سبب آنک
حرب نبود و مردم بکشت و زراعت مشغول شوند و این چهل سال بود
بعد از دجال نخستین سالی و چند نیم سال بود و سال دیگر چند ماه و یکسال
دیگر چند آدینه بود و سال دیگر چون دو روز بود پس از ان همه سال کشی
همچنان باشد مردی از خانه بیرون آید هنوز بدر شهر نرسیده باشد که شب
آید گفتند یا رسول الله اندران روز چگونه نماز کنند گفت مؤمنان آنرا بتقدیر
قیاس میکنند و نماز میگزارند و پیش از آنکه دجال بیرون آید سه سال قحط
باشد چنانک هیچ جهار پای نماند گفتند مؤمنان چه خورند گفت ایزد تعالی

تعالی ایشانرا به تسبیح و تهلیل و تکبیر زنده دارد و ضحاک رضی الله عنه گفت که
عیسی علیه السلام فرود آید بصخره بیت المقدس دجال با جهودان بگریزند تا بصره
و یک چشم او را کور کرده باشند و دیگر چشم او خون آلود کرده و روی وی به بزرگی
چنان بود که میان دو گوش او چهل ارش باشد و کوههای بصره با وی برقص
آید و درختان و جویها و دیوان مانند آدمیان متابعت او کنند و سه قرآن خوان
باشند ابن عباس رضی الله عنه را گفتند اینها کیان باشند گفت کسانی که تعقد
بر نیکی و بدی از خدا نه بینند پس عیسی علیه السلام خلیفه امت محمد صلی الله علیه وسلم
شود و نشسته باشد بعدل که خبر آرند که حبشیان بیامدند کعبه را خراب
کنند عیسی علیه السلام یکبار لشکر بر سر راه ایشان بفرستد شکسته باز
آیند دوم بار بفرستد هم شکسته باز آیند سیم بار بفرستد شکسته باز
کردند بود در شهر بیند که خلق از قبور باز میگردند پرسند گویند عیسی
علیه السلام وفات یافت پس حبشیان کعبه را خراب کنند و سه روزه راه
صف کشنده بایستند و خشتهای کعبه را دست بدست بدهند
تا بجده اندازند و بعد از ان حج منقطع گردد قصه صور از تفسیر منیر
در خبر است از ابو العالیه رضی الله عنه که مردمان در بازارها باشند بکار خویش مش

وخانهای ایشان آرامیده که حق تعالی فرمان دهد اسرافیل علیه السلام را
که در صور بدمد و آنرا نفخهٔ فزع گویند و دمیدن گیرد چند سال که هیچ منقطع
نگردد بلکه زیاده گردد چون خلق آواز بشنوند متحیر شوند و در یکدیگر در آیند
و از بیابانها خود را در دیهها افکنند و هر روز بانگ زیاده شود و عظیم تا
مردمان از دیهها بشهرهای بزرگ در آیند اشتران و گوسفندان در دشتها
یله کنند چون بانگ زیاده شود وحشیان و ددان و پرندگان و چرندگان
در میان مردمان در آیند و چون زیاده شود زمین بجنبش در آید و چون
بانگ زیاده شود آفتاب و ماه سیاه گردد و چون زیاده شود ستارگان فرو
ریزند و چون زیاده شود دریاها بعضی یکدیگر شوند و آب شور و شیرین
بهم شوند و جزیرهها از میان برخیزند و کوهها هامون گردد و شهرها
پدید نگردد و این همه علامتها خواهد بودن و مردمان به بینند باب بیست
بنجم در نماز و دعای مواسم شهور متبرک از اوراد مشایخ کبار و از کتب اخبار
و دعوات بزرگوار و دعای ماه نو چون ماه نو بیند باید که بگوید ربی و ربک الله
و تکبیر بیارد و بگوید الحمد لله الذی خلقنی و خلقک و صورنی و صورک و قدرنی
و قدر منازلک و جعلک آیة للعالمین اللهم اهله علینا بالامن والامان والسلامة

والسلامة والاسلام والتقوی والمغفرة والتوفیق کما تحب و ترضی و
الحفظ منا تستحفظ اللهم اجعله لنا شهر برکة و اجر و نور و روح و معا
فات اللهم یا قاسم الخیر بین عبادک اقسم لنا فیه من خیر ما تقسم بعبادک
الصالحین نوعی دیگر چون ماه نو بیند این دعا بخواند بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم اجعل لنا هذا الشهر اوله صلاحا و اوسطه فلا
حا و آخره نجاحا برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم اجعل لنا هذا الشهر شهر
رحمة و شهر مغفرة و شهر برکة و شهر سعادة و شهر سلامة و شهر انا
بة و شهر کفایة برحمتک ارحم الراحمین هر که ماه نو بیند سی بار فاتحه برخواند در آن
ماه در امان خدای باشد در ماه محرم مشتمل بر پنج فصل فصل اول در
دعا و نماز شب اول و روز اول و نماز و دعای آخر سال و سر سال و روزه عشر شب
و اول از ماه محرم شش رکعت نماز بگزارد بسه سلام در هر رکعتی بعد از فاتحه
یانزده بار سورهٔ اخلاص بخواند و این تسبیح را در هر رکعت سه بار بگوید سبحان
الملک القدوس سبوح قدوس رب الملائکة والروح نماز و روزهٔ آخر سال
از ریاحین عبد الله بن عمر رضی الله عنه گفت هر که رسول صلی الله علیه و سلم
هر که روزه دارد آخر روزه از ماه ذی الحجة و اول روز از ماه محرم بدرستی که ختم

رسول الله صلی الله علیه و سلم ... ماه رجب ... این دعا ... اللهم بارک لنا فی رجب و شعبان و بلغنا شهر رمضان

کرده باشد سال گذشته را بروزه و آغاز کرده باشد سال آینده را بروزه و خدای
تعالی مر او را کفارت پنجاه ساله گرداند و از رسول صلی الله علیه و سلم در روایت
است که در آخر روز از ماه ذی الحجة دو رکعت نماز بگزارد بخواند در هر رکعتی بعد از
فاتحه صد آیت و بعد از نماز این دعا هفت بار بخواند حق تعالی گناه آن سال را از
وی عفو کند دعا اینست اللهم ما عملت من عمل فی هذه السنة مما نهیتنی عنه
و لم ترضه و نسیته و لم تنسه و حملت عنی بعد قدرتک علی عقوبتی و دعوتنی
الی التوبة بعد جرائتی علیک اللهم فانی استغفرک منها یا غفور فاغفر لی و ما
عملت من عمل رضیت عنه و وعدتنی علیه الثواب فتقبله منی و لا تقطع
رجائی یا عظیم الرجاء نماز محرم رسول صلی الله علیه و سلم گفت هر که اول روز از
ماه محرم دو رکعت نماز بگزارد هر چه خواهد از قرآن بخواند و بعد از سلام
هفت بار این دعا بخواند دو فرشته او را تا سال دیگر نگاه دارد دعا اینست
اللهم انت الله الابد القدیم و هذه سنة جدیدة اسالک فیها العصمة من
الشیطان الرجیم و الامان من الشیطان و من کل ذی شر و من البلاء
و الآفات و اسالک العون و العدل علی هذه النفس الامارة بالسوء و الا
شتغال بما یقربنی الیک یا بر یا رؤف یا رحیم یا ذا الجلال و الاکرام و مرویست

و مرویست از ابن عباس رضی الله عنهما که اول روز از محرم این دعا را بخواندی رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود هر که بخواند اول روز از محرم این دعا را بخواند برای
او هزار نیکی و برابر آن برای او در بهشت درجه و بفرماید خدای تعالی چهار هزار
فرشته را تا از برای او استغفار کنند و آمرزش خواهند تا سال دیگر و د
عا اینست الحمد لله الذی ذل کل شیء بعزته و الحمد لله الذی توا
ضع کل شیء لعظمته و الحمد لله الذی خضع کل شیء لملکته و الحمد
لله الذی استسلم کل شیء لقدرته اسأله بعظمته و عزته و ملکته و قدرته
فی هذه السنة الجدیدة الامن و الامان و العافیة و الغفران و العصمة من
الشیطان الرجیم دیگر دعای سر سال هر که این دعا را دوازده بار بخواند و بر آب دمد
و آن آب را بخورد ایزد تعالی نفس او را از همه رنجها و آفتها و علتها محفوظ دارد
دعا اینست سبحان الله ملء المیزان و منتهی العلم و مبلغ الرضی و زنة
العرش و الحمد لله ملاء المیزان و منتهی العلم و مبلغ الرضا و زنة العرش
و الله اکبر ملاء المیزان و منتهی العلم و مبلغ الرضی و زنة العرش و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم ملاء المیزان و منتهی العلم و مبلغ الرضی و زنة
العرش از اوراد و از ملفوظ شیخ فرید الدین رحمة الله علیه هر که هر روز و یا هر شب

و عکس ... بر

از ماه محرم صد بار این کلمه بگوید آزاد کند خدای تعالی او را از آتش دوزخ لا
اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ
ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ بِیَدِهِ الْمُلْکُ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ
لِمَا اَعْطَیْتَ وَلَا مُعْطِیَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا رَادَّ لِمَا قَضَیْتَ وَلَا یَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْکَ
الْجَدُّ و در شرعه و در عوارف آورده است که مستحب روزهٔ روز عشر محرم و ر
سول صلی الله علیه وسلم فرمود فاضلترین روزه بعد از ماه رمضان روزهٔ
ماه محرم است و فاضلترین نماز بعد از نماز فریضه نماز شب است فصل
دوم در نماز و دعای شب عاشورا رسول صلی الله علیه فرمود هر که زنده
دارد شب عاشورا را بدرستی که او عبادت کرده باشد مثل عبادت
هفت آسمان از اوراد شب عاشورا صد رکعت نماز بگذارد بخواند در هر
رکعتی بعد از فاتحه اخلاص سه بار بعد از فراغ هفتاد بار بگوید سبحان الله
والحمد لله تا آخر و در خبر دیگر دو رکعت نماز بگذارد بخواند در هر رکعتی بعد
از فاتحه اخلاص سه بار بعد از فراغ هفتاد بار بگوید سبحان الله تا آخر ثواب
بسیار است و در خبر دیگر است هشت رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی بعد از
فاتحه اخلاص پانزده بار بعد از فراغ هفتاد بار بگوید سبحان الله والحمد لله

عاشورا اکلی اونیجی کون برفنجان ایچنه صو قیوب صونه نظر ایدر کریدیکره فاتحه شریف اوقیوب اغزی ایله
صو ایچنه توتو دیو ... طاملر توکر ... والحاصل او فور ... بعده بو صودن آلوب یوزینه
و کوزینه و بدنینه سوره و اهل و اولادینه سوره کلمه جگر سیفعدن خسته اولکدن و غیری دردلردن خلاص بوله باذن الله
لله تا آخر و هفتاد بار درود بفرستد ثواب بی حد است و در خبر دیگر که چهار
رکعت نماز بگذارد در آخر شب در هر رکعتی بعد از فاتحه آیة الکرسی سه بار و اخلاص
پانزده بار چون سلام باز دهد صد بار سورهٔ اخلاص بخواند و ثواب بی حد است
و دیگر خبر دیگر است هر که بگذارد دو رکعت نماز در شب عاشورا با نصیب کر
دانند او را از آن ثوابی که همه خلق عبادت کرده باشند در آن روز خدا را و در خبر
دیگر است هر که بگذارد در شب عاشورا چهار رکعت نماز بخواند در هر رکعتی بعد از
فاتحه اخلاص پنجاه بار بیامرزد خدای تعالی گناه پنجاه سال گذشته او را و پنجاه
سال گناه آینده او را و بنا کند برای او در ملاء اعلی هزار منبر و در خبر دیگر است
که چهار رکعت نماز بگذارد در شب عاشورا بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه آیة
الکرسی ده بار و اخلاص ده بار و معوذتین هر یکی ده بار بعد از سلام صد بار قل هو الله
احد بر خواند که ثواب بسیار است فصل سیم در نماز و دعای روز عاشورا
و شرایط او از نصاب الاخبار رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر روز عا
شورا روزه دار در داده شود او را ثواب هزار حج و عمره و ثواب ده هزار شهید
و هر که افطار کند مومنی را در شب عاشورا چنانستی که افطار کرده باشد جمیع
امت محمد صلی الله علیه وسلم را و سیر کرده باشد شکمهای ایشان را و هر که روزه

دارد روز عاشورا چنان بود که همه عمر روزه داشته و روزهٔ روز عاشورا تنها داشتن مکروه است
مشابهت یهود می شد و در ملتقط و در شرعه آورده است که سه روز متصل
بدارد نهم و دهم و یازده هم از برای مخالفت اهل کتاب و چون آفتاب بلند شود دو رکعت
نماز بگذارد در رکعت اول فاتحه و آیة الکرسی و در دوم آخر سورهٔ الحشر بعد از سلام
صلوات گوید و این دعا بخواند یا اَوَّلَ الْاَوَّلِینَ وَیَا آخِرَ الْآخِرِینَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
خَلَقْتَ هٰذَا الْیَوْمَ اَعْطِنِی فِیهِ خَیْرَ مَا اَعْطَیْتَ فِیهِ اَنْبِیَائَکَ وَاَصْفِیَائَکَ مِنْ ثَوَابِ
الْبَلَایَا وَاَسْهِمْ مَا اَعْطَیْتَهُمْ فِیهِ مِنَ الْکَرَامَةِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه وسلم و بروایتی
دیگر هر که شش رکعت نماز بگذارد بخواند بعد از فاتحه در رکعت اول والشمس و در دوم انا انز
لناه و در سیم اذا زلزلت و در چهارم اخلاص و پنجم و ششم معوذتین بعد از فراغ سجده
رود هفت بار قل یا ایها الکافرون بخواند و حاجت بخواهد روا شود صلوة
الخصماء هر که روز عاشورا چهار رکعت نماز بگذارد به نیت خشنودی خصمان بخواند
در هر رکعتی بعد از فاتحه آیة الکرسی سه بار و اخلاص بیست پنج بار و در دوم الهیکم
التکاثر یکبار و اخلاص پانزده بار و در سیم قل یا ایها الکافرون سه بار و اخلاص پانزده
بار و در چهارم اذا جاء نصر الله سه بار و اخلاص پانزده بار خدای تعالی او را از
هول گور برهاند و خصمان او را از و خشنود گرداند بعد از نماز این دعا بخواند

نماز روز عاشورا یا ترویه یا روز عرفه یا روز عید اضحی یا در پانزدهم شعبان یا در آخر جمعهٔ ماه رمضان

ند اللّٰهم اکسر شهوتی عن کل محرم و خروجی عن کل ... مأثم واعطنی مع کل مسلم
ومسلمة برحمتک یا ارحم الراحمین و این نماز را یا روز عاشورا بگذارد یا روز ترویه هشتم ذی
الحجه یا روز عرفه و یا روز عید اضحی و در پانزدهم شعبان و در آخر آدینهٔ ماه رمضان و در
خبر است که روز عاشورا چهار رکعت نماز بگذارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه آیة الکرسی
یکبار و اخلاص ده بار آنگاه حاجت خواهد بی شک مستجاب شود و در خبر است
که هر که در روز عاشورا قیام و رکوع و سجود تمام بیارد و با خضوع و خشوع و حضور
دل بگذارد بنویسد خدای تعالی برای این بنده هزار نیکی و بگشایند از برای این بنده
هزار در در دار الجلال که بسته نشود آن درها بروی همیشه شرایط عاشورا جمله سی و پنج
است که نقی و الشنی جمع کرده است جمله مرویست از رسول صلی الله علیه وسلم اول
بزرگ داشتن آن روز و روزه داشتن و خاموشی از گفتن لغو و فحش و فراخ کردن نفقه
بر عیال خویش و با برادران خویش رحم پیوستن و صدقه دادن و بزیارت مسلما
نان رفتن و برده کس سلام دادن و مصافحه کردن و اکرام کردن برادر مسلمان را
و خوش بوی کردن و بگل و گلاب و حلوا دادن و سخن گفتن با کسی که از وی سخن باز
گرفته باشد و گرسنه را سیر کردن و تشنه را آب دادن و موی سر براد ر حلق
فرمودن و بیمار پرسیدن و با برادران افطار کردن و پس روی جنازه کردن

و بوهنه را جامه بوشانیدن و راه گم کرده را راه نمودن و آیت چند از قرآن خواندن
و هفتاد بار تسبیح گفتن و دست بر سر یتیمان فرو آوردن و سرمه در چشم کشیدن
و غسل کردن و بزیارت عالم و عامل رفتن و از خوف خدای تعالی گریستن چنانکه آب
دیده را فرو آرد و خشنود کردن خصمان و اصلاح کردن میان دو مسلمان فراش مادر
و پدر راست کردن و عمل کردن و بدست و زبان کسی را نرنجانیدن و پیشتر از همه در
مسجد حاضر شدن و در مجلس ذکر در آمدن و نماز این روز گزاردن و دعای این
روز خواندن دعاهای عاشورا این دعا بخواند اللهم اجعلني ممن دعاك فاجبته
وآمن بك فهديته ورغب اليك فاعطيته وتوكل عليك فكفيته وا
قترب منك فادنيته اللهم امدد لي عيشي مدا واجعلني في قلوب المؤمنين
ودا اللهم اني اسالك العافية من البلاء واسالك حسن العافية من
البلاء في الدنيا والآخرة يا ذا الجلال والاكرام و هر که روز عاشورا هفتاد بار بگوید
حسبي الله ونعم الوكيل حق تعالی او را بیامرزد ایضا رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که روز عاشورا بگوید لا اله الا الله العلي الاعلى لا اله الا الله رب السموات
والارض وما بينهما وما تحت الثرى خدای تعالی بر آن بنده بنظر رحمت نگرد ایضا
رسول صلی الله علیه وسلم روز عاشورا این دعا بخواند اللهم ارزقني كمال الحسنى و سعادة

سعادة العقبى وخير الآخرة والاولى ایضا رسول صلی الله علیه وسلم گفت هر که روز
عاشورا این دعا بخواند در آن روز نمیرد اگرچه تقدیر موت باشد دعا این است
سبحان الله ملاء الميزان ومنتهى العلم ومبلغ الرضى وزنة العرش سبحان الله لا ملجأ
ولا منجا من الله الا اليه سبحان الله عدد الشفع والوتر وعدد كلمات الله التا
مات واسأله السلامة برحمته ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم حسبي الله
ونعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير وصلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين
ایضا دعای عاشورا اللهم يا فارج كرب ذي النون يوم عاشورا ويا جامع شمل
يوسف ويعقوب يوم عاشورا ويا سامع دعوة موسى وهارون يوم عا
شورا ويا كاشف ضر ايوب يوم عاشورا ويا غافر ذنب داود يوم عاشورا اغفر
ذنبي واكشف همي وغمي يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام اكفنا ما اهمنا من امور الدنيا
والآخرة والدين يا ارحم الراحمين يا مالك يوم الدين اياك نعبد واياك نستعين سبحان
ملاء الميزان ومنتهى العلم ومبلغ الرضى وزنة العرش والحمد لله ملاء الميزان و
منتهى العلم ومبلغ الرضى وزنة العرش يا شديد ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم ملاء الميزان ومنتهى العلم ومبلغ الرضى وزنة العرش
يا شديد القوى يا شديد المحال يا عزيز ذلت لعزتك جميع خلقك فاكفني شر جميع

برحمته واستغفر واسأله السلامة لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

وهو حسبي ونعم الوكيل

برحمتك يا ارحم الراحمين

خلقك يا كريم يا منعم يا لا اله الا انت يا ارحم الراحمين ایضا هر که این دعا را روز عا
شورا بخواند خدای تعالی او را نوری دهد و جمله مهمات از پیش بردارد و از نامرادی
او را نگاه دارد و در امان حق تعالی باشد تا سال دیگر و [illegible] او را ثواب هزار شهید
و او را بحضرت عزت عهدی باشد که فردای قیامت حساب بر وی آسان کند
دعا اینست اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب و
من شر كل شيطان مارد وعدو حاسد ولص قاهر وسلطان جائر
اللهم اعوذ بك من مقاسات البؤس ومعادات النفوس وجدة السقم
وشدة الالم وموت الاحياء وفقد الحباب ونكد النوائب وسوء العوا
قب وصروف الزمن وكفى بك كافيا لمن استكفاك وواليا لمن استولاك ومجيرا
لمن التجا اليك ومعينا لمن توكل عليك اللهم زهدني في الدنيا وراعني
في نفسي وافرغ على الصبر وحبب الي الآخرة وجنبني طاعة الهوى وبلغني
غاية المنى واجعلني ممن يرضى بقضائك ويستعد بلقائك ويستعد
لبلائك ويتلقى رضاك ويستغني بك عمن سواك ولا يامل غير من رزقه
فقد ضل من يصرف عنك امله ويجعل لغيرك عمله ويوفق لما انشاته
من خلقك ولا ينسك فيما ضمنته من رزقك اللهم نزهني من عبادة العباد

العباد واغنني عن عمارة البلاد واجعل عبادتي وخشيتي منك واملي اليك
وثقتي بك يا اله العالمين ويا خير الناصرين دعای دفع شقیقه رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود هر که روز عاشورا غسل کند و راستی عورت نشده باشد که خدای
تعالی گناهان وی را بیامرزد چون بعد از غسل خود را بپوشاند باید که
هفت بار بدست آب را بر سر نهد و هر بار این تسبیح بخواند حسبي الله
وكفى سمع الله لمن دعا ليس وراء الله منتهى من اعتصم بحبل الله حق تعالی
آن بنده را از درد شقیقه نگاه دارد بزرگان این را تجربه کرده اند
فصل چهارم روزه ماههای حرام نقل است از مالک ده کس از راویان
سوگند یاد کرده کردند و گفتند که گوش ما کر باد اگر از رسول صلی الله علیه وسلم
نشنیده ایم انس بن مالک رضی الله عنه گفت که گوش من کر باد اگر از رسول صلی
الله علیه وسلم نشنیده ام که رسول صلی الله علیه وسلم گفت هر که روزه دارد از ماههای
حرام سه روز روز پنجشنبه و آدینه و شنبه نبشته شود مر او را عبادت هفتصد ساله و
ماههای حرام سه روز چهار است ذو القعده و ذو الحجه و محرم و رجب فصل
پنجم در فضیلت روز عاشورا از رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که فراخ کند
بر عیال خود نفقه و برادران خود خدای تعالی تمام سال او را فراخ دهد و روز قیامت

من باشم و علی و سلمان نزدیک حوض کوثر و بر دست ما آوندهای زر باشد که بدان
خلق را آب دهیم چهارم کسی که او باشد و شعبه گفت بسیار تجربه کردیم و روز عاشورا
نفقه را فراخ میکردیم و وجدیم خدای تعالی مرا تا سال دیگر معیشت فراخ داد و سفیان
ثوری رحمة الله علیه گفت که من نیز چنین تجربه کردیم همچنان همچنین یافتم و ابو
الفتح گفت که من بهر روز نان می شکستم و مورچگان دامی دادم چون روز عاشورا
بودی نان نمی خوردندی و بدانکه خدای تعالی جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل
را صلوات الله علیهم اجمعین در روز عاشورا بیافرید و عرش و کرسی را و لوح
قلم را و آسمانها و زمینها و بهشت را روز عاشورا آفرید و آدم علیه السلام را
روز عاشورا آفرید و در آوردن به بهشت و قبول کرد توبهٔ او را روز عاشورا و با
آسمان بردند ادریس علیه السلام روز عاشورا و بیرون آمد نوح از کشتی با آنکه با او
بودند روز عاشورا و بیرون آورد خدای تعالی یونس علیه السلام را از شکم ماهی روز
عاشورا و راه داد دریا موسی علیه السلام را روز عاشورا و به آسمان بردند عیسی علیه السلام
را روز عاشورا و بلا از ایوب علیه السلام دور کردند روز عاشورا و ابراهیم خلیل الرحمن
صلوات الله علیهم از آتش نجات دادند روز عاشورا و در کافی و در مواقیت
مرویست از ابن عباس رضی الله عنهم فرمود هر که سرمه توتیا در چشم کشد چشمهای او درد نکند

نکند همیشه ماه صفر مشتمل بر پنج فصل فصل اول در نماز و دعای شب اول هر که روز بخواند
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود چون ماه صفر بود پس بار سه بار این هر دو دعا که نو
شته است بخواندی اول اللّٰهُمَّ فَرِّحْنَا بِدُخُولِ الصَّفَرِ وَاخْتِمْهُ بِالْخَيْرِ وَالظَّفَرِ وَاصْرِفْ
شَرَّهُ عَنَّا وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دعای دوم
اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفَرِ الْأَبْنَاءِ وَفَزَعِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ شب اول
از ماه صفر از برای عصمت خود و عصمت مسلمانان بعد از فاتحه نماز خفتن شش از
و نو چهار رکعت نماز بگذارد به یک سلام بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه قل یا ایها الکا
فرون پانزده بار و در دوم اخلاص پانزده بار و در سیم الفلق پانزده بار و در
چهارم الناس پانزده بار بعد از سلام هفتاد بار بگوید سبحان الله والحمد لله
تا آخر و هفتاد بار بگوید ایاک نعبد و ایاک نستعین و هفتاد بار صلوات
گوید از جمله آفتها ایمن باشد دعای ماه صفر روایت کرد ابو المولی اعرافی
رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه و سلم که در ماه صفر جبرائیل علیه السلام آمد بر
رسول صلی الله علیه و سلم گونه او برگشته و بلون او گرد و غبار نشسته و با او مری
دی سیاه چون نظر رسول صلی الله علیه و سلم بر آن مرد افتاد از جای خود بجست
از صعوبت و بلا او پس گفت یا اخی جبرائیل این مرد کیست جبرائیل علیه السلام گفت این

مرد ماه صفر است و تو در یافته و در این ماه بلاها و شدتها است بدرستی که خدای تعالی
جمله بلاها و شدتها را ده جزو کرده است نه جزو در این ماه نهاده است و یک جزو در یازده
ماه دیگر جبرائیل علیه السلام گفت مر آن بنده را که در این ماه این دعا بخواند اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ
مِنْ شَرِّ هَذَا الشَّهْرِ وَمِنْ كُلِّ شِدَّةٍ وَبَلِيَّةٍ الَّتِي قَدْ قَدَّرْتَ فِيهِ يَا دَهْرُ يَا دَيْهُورُ يَا دَيْهَارُ
يَا أَوَّلُ يَا أَبَدُ يَا كَانَ كَيْنُونُ وَيَا كَيْنَانُ وَيَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ يَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ أَنْتَ
تَفْعَلُ مَا تُرِيدُ اللّٰهُمَّ احْرُسْ بِعِزَّتِكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَدِينِي وَدُنْيَايَ
الَّتِي ابْتَلَيْتَنِي بِصُحْبَتِهَا بِحُرْمَةِ الْأَبْرَارِ وَالْأَخْيَارِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
جبرائیل علیه السلام گفت یا محمد هر که این دعا بخواند در ماه صفر تا صفر دیگر را مانی حق تعالی
باشد دعای دیگر هر که در ماه صفر یکبار بخواند ایزد تعالی آن صفر دیگر را بروی
مبارک کرداند و هم مکروهات و بلاها از وی بگرداند دعا اینست اللّٰهُمَّ يَا شَدِيدَ
الْقُوَى وَيَا شَدِيدَ الْمِحَالِ يَا عَزِيزُ ذَلَّتْ بِعِزَّتِكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ اكْفِنِي عَنْ
جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا مُجْمِلُ يَا مُفْضِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُكْرِمُ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
دعای دیگر از ملفوظات شیخ فرید الدین رحمة الله علیه فرمود حق در هر سالی دو لک
هشتاد هزار بلا از آسمان منزل میشود اما در صفر تنها سه لک بیست هزار
از آنهم درین محل فرمود که شنیدم از بزرگی که هر که خواهد که از این بلاها ایمن

ایمن باشد پس بروی باید که این دعا بعد از فریضه بخواند و دعا اینست
أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ هَذَا الزَّمَانِ وَأَسْتَعِيذُ بِهِ مِنْ شُرُورِ الْأَزْمَانِ وَأَعُوذُ بِجَلَالِ
وَجْهِكَ وَكَمَالِكَ قُدْرَتِكَ أَنْ تُجِيرَنِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ فِيهَا وَأَكْرِمْ
مِنِّي فِي شَهْرِ الصَّفَرِ بِكَرِيمِ النَّظَرِ وَاخْتِمْهُ بِالسَّلَامَةِ وَالسَّعَادَةِ لِي وَلِأَهْلِ بَيْتِي
وَأَوْلِيَائِي وَأَقْرِبَائِي وَجَمِيعِ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و سلم وَآلِهِ أَجْمَعِينَ و جملهٔ اهل
بیت را نام ببرد فصل دوم دعا و نماز آخر چهارشنبه نقل از اوراد در آخرین چهار
شنبه از ماه صفر بود از صبح غسل کند چون از نماز اشراق فارغ شود و وقت
چاشت شده باشد دو رکعت نماز بگذارد بخواند در رکعت اول بعد از فاتحه قل
اللّٰهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ بِغَيْرِ حِسَابٍ و در دوم قل ادعوا الله تا آخر و این دعا در آخر نماز
بخواند اللّٰهُمَّ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ هَذَا الْيَوْمِ وَاعْصِمْنِي مِنْ شُؤْمِهِ وَجَنِّبْنِي عَمَّا أَخَافُ
فِيهِ وَمِنْ نُحُوسَاتِهِ وَكُرُبَاتِهِ بِفَضْلِكَ يَا دَافِعَ الشُّرُورِ وَيَا مَالِكَ النُّشُورِ
وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ از ملفوظ شیخ فرید الدین رحمة الله و شرح شیخ معین
الدین سنجری رحمة الله علیه فرمود نبشته دیدم در تمام صفر سه لک بیست
هزار بلا منزل می شود اما در آخر چهارشنبه از ماه صفر دو چندان بلا منزل میکند در
سراین روز آن روزها گران تر است پس باید که درین روز چهار رکعت نماز

بگذارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه انا اعطیناک الکوثر هفده بار و اخلاص پنج
بار بعد از سلام این دعا بخواند حق سبحانه و تعالی او را از جمله بلاها که در آن روز نازل
می‌شود بکرم خویش نگاه دارد و هیچ بلای بگرد آن بنده نگردد تا سال دیگر این دعا بخواند
اللهم یا شدید القوی اکفنی عن جمیع خلقک یا محسن یا مجمل یا متفضل یا منعم
یا مکرم یا لا اله الا انت برحمتک یا ارحم الراحمین **فصل سیم** در نماز و دعای آخر پنج
شنبه ماه صفر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون سال چهار صد و پنجاه
درگذرد چیزی و راحتی نماند مگر تنهای اعرابی گفت یا رسول الله هیچ
حیلتی هست مر اهل زمانه را گفت هست چون ماه صفر درآید روز پنجشنبه
آخرین او روزه دارد و با تهلیل و تسبیح باشد و غسل یا بسازد و چهار رکعت
نماز بگذارد با خضوع و خشوع تمام بخواند در هر رکعتی الحمد یکبار و انا اعطینا
هفده بار و اخلاص پنج بار چون سلام بسر سجده نهد و این دعا بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله من شر هذا الزمان و استعیذ به من
شرور الازمان و اعوذ بک بجلال وجهک و کمال قدرتک ان تجیرنی فی هذه
السنة و قنی شر ما قضیت فیها و اکرمنی فی الشهر الصفر باکرم النظر
و اختمه بالسلامة والسعادة لی و لاهل بیتی و اولیائی و اقربائی و لجمیع امة

امة محمد صلی الله علیه وسلم برحمتک یا ارحم الراحمین **فصل چهارم** در نماز و
دعا از برای درازی عمر و در آخر ماه صفر از اوراد در آخر صفر چهار رکعت
نماز بیک سلام و چهار رکعت دیگر بیک سلام بگذارد و بخواند در هر رکعتی از این
هشت رکعت بعد از فاتحه اخلاص یازده بار بعد از سلام پس بار درود
فرستد و پس بار این دعا بخواند اللهم لک الحمد شکرا و لک المن فضلا و انا عبد
ک رقا و انت لذلک اهل استودعک نفسی و دینی و دنیای و آخرتی و خواتیم
عمری و عملی استودعک عرضی و عزتی فی خلقک من فضلک و استودع
ک جمیع امة محمد صلی الله علیه وسلم بشدة حولک و بطشک و قوتک فان
مستودعک مضمان و حکمک نافذ و قضاؤک غالب یا احکم الحاکمین و یا
اسرع الحاسبین یا اکرم الاکرمین یا اکرم مأمول و اجود مسئول یا حی
یا قیوم یا دایم یا فرد یا وتر یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له
کفوا احد یا عزیز یا وهاب و صلی الله علی محمد و آله اجمعین و این دعا
را ابوهریره رضی الله عنه روایت میکند از رسول صلی الله علیه وسلم هر که بگذشتن
ماه صفر این دعا بخواند بفرماید خدای عز وجل عزرائیل را که تا دیگر جان آن بنده
را قبض نکند عزرائیل علیه السلام گوید الهی عمر این بنده تمام شده است

فرمان آید که من حکم کرده‌ام حکم من نافذ است و آن بنده نامی از نامهای من
یاد کرده است بنده خود را نومید نگردانم مادام بر عمر او بر میکنم **فصل پنجم**
در گرانی و صعوبت ماه صفر نقل از ملفوظ شیخ فرید الدین رحمة الله علیه فرمود
که ماه صفر گران ماه است و صعب ماهیست زیرا که چون ماه صفر شدی
رسول صلی الله علیه وسلم دل تنگ شدی و آن تغیر رسول صلی الله علیه وسلم از
سبب گرانی ماه صفر بودی و ماه صفر بغایت گران ماهی است بعد از آن
هم درین معنی این حکایت فرمود که حق تعالی در هر سالی دو لک و هشتاد
بلا از آسمان منزل میکند اما در ماه صفر تنها پس لک و بیست هزار بلای فرستد
پس هر که درین ماه بدعا و طاعت مشغول باشد او را از بلاها هیچ وهمی نیست
بعد از آن هم درین محل فرمود که انبیا علیهم السلام در بلای که مبتلا گری شدند
اکثرش در ماه صفر بودی چنانچه آدم علیه السلام از بهشت در ماه صفر بیرون
آمد و بروایت وهب رضی هم در ماه صفر بعد که قابیل هر دو برادران بشطار
بیرون آمدند آدم علیه السلام ایشانرا منع کرد که ماه صفر است بیرون مروید
سخن آدم را پاسخ نداشتند الغرض چون در بادیه رسیدند هر دو برادران را سخن
شد قابیل در زمان تیغ بکشید و هابیل را بکشت بعده پشیمان شد که چه کردم

گر کرم ازانجا تخلق شد نمود خبر با آدم علیه السلام رسید آدم از برای فرزند قوی
دل تنگ شد جبرائیل علیه السلام فرود آمد و گفت یا آدم فرمان می‌شود فرزندانی که
از قابیل می‌شوند همه جهود ترسا و کافر باشند و فرزندانی که از هابیل شده است
همه سنی مسلمان باشد بعد از آن هم درین محل فرمود که قوم نوح علیه السلام در
ماه صفر غرق شدند و ایوب علیه السلام ببلا گرفتار درین ماه شد و ابراهیم
علیه السلام را در آتش در اول ماه صفر بود که انداختند و زکریا را علیه السلام
اره بر سر رانده اند آخر ماه صفر بود و داود علیه السلام که ببلای نظر گرفتار
شده هم ماه صفر بود و دو بیست سال را بگریست چنانکه گوشت و پوست
رخسار او جمله برریخت آنگاه توبه او قبول شد و جرجیس علیه السلام را هفت
بار پاره کردند در ماه صفر بود و یونس پیغامبر علیه السلام را در شکم ماهی انداختند
هم در ماه صفر بود و نمرود ببلای پشه مبتلا شد ماه
صفر بود و بعد از آن شیخ چشم پر آب کرد و بگریست و نعره بزد و بیهوش شد
چون بهوش باز آمد فرمود که سلطان انبیا را صلی الله علیه وسلم زحمت رسید هم
در آخر ماه صفر بود و هم در آن زحمت بجوار حق بپیوست و فرمود که مثل این
بر جمله انبیا هر بلای که منزل شده است در ماه صفر بوده است حق تعالی

ما را و شما را و کافهٔ مسلمانان را از کرانی این ماه در حفظ آمان خود نگاه دارد
و بحق محمد و آله والحمد لله علی ذلک ماه رجب مشتمل بر نه فصل فصل اول
در نماز و دعای شب اول فصل دوم در نماز و دعای اول روز فصل سیم در
فضیلت ماه رجب فصل چهارم در نماز لیلة الرغایب فصل پنجم در استغفار
های این ماه فصل ششم در نماز خواجه اویس قرنی رحمة الله علیه فصل هفتم
در نماز و دعای پانزدهم ماه و دعای استغفار استفتاح فصل هشتم در
نماز و دعای شب معراج فصل نهم در نماز و دعای از برای درازی عمر در
آخر ماه رجب والله اعلم فصل اول در نماز و دعای شب اول نقل از
امالی انس بن مالک رضی الله عنه گفت که چون رسول صلی الله علیه وسلم ماه رجب
بدیدی این دعا بخواندی اللهم بارک لنا فی رجب و شعبان و بلغنا شهر رمضان
از اوراد شب اول ماه رجب بعد از نماز شام بیست رکعت نماز بگذارد بخواند
در هر رکعتی بعد از فاتحه یکبار اخلاص ایضاً بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز
بگذارد بخواند در اولین رکعت بعد از فاتحه الم نشرح و اخلاص و معوذتین یکان
بار بعد از سلام سی بار بگوید لا اله الا الله و سی بار صلوات گوید پس حاجت
خواهد و در خبر است که چون اول شب ماه رجب در آید ملائکه تسبیح و اوراد

و اوراد و ذکر را بر همین فو الاختصار کنند و علی الدوام از اول ماه تا آخر ماه همین
ذکر گویند لا اله الا الله فصل دوم در نماز و دعای اول روز اول در منقول
است که اول روز از ماه رجب روزه دارد و بعد از نماز بامداد هر روز سورهٔ
یس بخواند ثواب بسیار است و چون آفتاب بر آید بگوید لا اله الا الله حقاً
حقاً لا اله الا الله ایماناً و صدقاً لا اله الا الله وحده لا شریک له لا اله الا الله محمد
رسول الله و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که در اول روز از ماه رجب غسل
کند و پانزدهم هم غسل کند و آخر ماه غسل کند از گناه بیرون آید همچنانکه آن روز
از مادر زاده ایضاً در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد ده رکعت روز اول
و ده رکعت روز پانزدهم و ده رکعت در آخر ماه بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه
قل یا ایها الکافرون یکبار و اخلاص سه بار بعد الفراغ در روز اول لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده
الخیر و هو علی کل شیء قدیر اللهم لا مانع لما اعطیت و لا معطی لما
منعت و لا رادّ لما قضیت و لا ینفع ذا الجد منک الجد و در روز پانزدهم بعد
الفراغ بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو

حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر الهاً واحداً احداً صمداً لم یتخذ
صاحبة و لا ولداً و در روز آخرین ماه بعد الفراغ بگوید لا اله الا الله وحده
لا شریک له یا قدیر و صلی الله علی محمد النبی الامی و علی آله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم از ریاحین ابن عباس رضی الله عنه فرمود که رسول صلی الله علیه وسلم گفت هر که رو
زه دارد اول روز ماه رجب پس چنانستی که روزه داشته باشد هزار سال پس اگر بگذا
رد نزد افطار دو رکعت نماز بخواند در رکعت نماز بخواند در رکعت اول فاتحه یکبار
و آیة الکرسی یکبار و سه قل هو الله احد یکبار و معوذتین یکان بار بنویسد خدای
تعالی مر او را عبادت شصت ساله و هفتاد هزار فرشته فرستد که آمرزش خواهند
مر او را تا سال دیگر فصل سیم در ثواب روزهٔ ماه رجب نقل از امالی رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هر که یک روز از ماه رجب روزه دارد به نیت خالص که دل
بر وعدهٔ خدای تعالی بندد و امید ثواب از خدای تعالی دارد مستحق خشنودی
خدای تعالی باشد و فرو نشاند این روزهٔ او غضب خدا را عز و جل و ببندد بروی
درهای دوزخ و اگر او را به پری روی زمین زر و جواهر دهند جزای روزهٔ او نباشد
در چیزی از دنیا مگر در آخرت و چون نماز شام شود ده دعای او مستجاب شود
اگر دنیای طلبد بدهند و اگر نطلبد ثواب ده دعای او ذخیره کنند از برای آخرت

آخرت او و هر که دو روز روزه دارد از ماه رجب ثواب او هیچ واصفی صفت نتواند کر
دن از اهل آسمان و اهل زمین و نزد او کرامتها باشد و بنشته شود مر او را ثواب
ده صدیق و هر که روزه دارد سه روز از ماه رجب ندا کند منادی از آسمان که ای ولی
خدای گناهان گذشته تو همه آمرزیده شد عمل از سر گیر بدهد خدای تعالی مر
او را در هر بهشتی چهل هزار مدینه قصر چنین و چنین تا آخر حدیث پس پیری
ضعیفی برخواست و گفت یا رسول الله من عاجزم نمی توانم که تمام روزهٔ ماه رجب
بگیرم پس رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که روزه بدار اول ماه رجب یک روز بدار
و در آخر یک روزه بدرستی که داده شود مر ترا ثواب کسی که یکسان تمام ماه روزه
داشته باشد و هم در حدیث دیگر است که هر که روزه دارد یک روز از ماه رجب چنا
نستی که یکسال روزه داشته باشد و هر که هفت روزه دارد از ماه رجب هفت در
دوزخ بروی بسته شود و گشاده شود بروی هشت در بهشت و هر که ده
روز روزه دارد حق تعالی بروی حساب نکند و ثواب جبرائیل عطا کند و هر که پانزده روز
روزه دارد از ماه رجب ندا کند منادی از آسمان بدرستی که بیامرزید خدای تعالی
گناه گذشتهٔ تو بود و عمل از ماه رجب سر گیر که خدای تعالی بدل کرد سیئات
ترا بحسنات و هر که زیاده دارد از پانزده روز ثواب مثل آن زیاده شود

روزه

ورسول صلی الله علیه وسلم فرمود که در بهشت قصرهاست در نیاید در وی مگر روزه
داران ماه رجب **فصل چهارم** در نماز لیلة الرغائب رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که غافل مباشید از اول شب آدینه ماه رجب که چون ثلث آن شب بگذرد
همه فرشتگان زمین و آسمان جمع می شوند در خانه کعبه و حوالی آن پس ملو شود
ایشان را که بخواهید از من حاجت خویش پس ایشان گویند پروردگارا حاجت ما
آنست که روزه داران ماه رجب را بیامرزی پس خدا تعالی گوید که اجابت کردم
پس باید که اول پنجشنبه از ماه رجب روزه دارد چون شب آدینه در آید بعد از فرض
سنت نماز شام شش رکعت نماز اوابین بگذارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه اخلاص
سه بار پس دوازده رکعت نماز لیلة الرغائب بگذارد بشش سلام بخواند در هر
رکعتی بعد از فاتحه انا انزلناه سه بار و اخلاص دوازده بار بعد الفراغ هفتاد
بار بگوید اللهم صل علی محمد النبی الامی وعلی آله پس بسجده رود و هفتاد بار
بگوید سبوح قدوس رب الملائکة والروح پس بنشیند و هفتاد بار بگوید رب
اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم فانک انت العلی الاعظم پس بار دوم سجده
کند و هفتاد بار بگوید سبوح قدوس رب الملائکة والروح و در سجده حاجت
خویش بخواند روا کرده شود پس بنشیند و این دعا بخواند اللهم انی صلیت

صلیت هذه الصلوة التی امرها عبدک ورسولک وخیرتک من خلقک شفیع الامة
وکاشف الغمة صلی الله علیه وآله وسلم وان کنت مقصرا فی اقامة حقایقها وغافلا عن
تقدیم شرائطها کما تحب وترضی ومن یستطیع من عبادک ان یعبدک او
یطیعک کما ینبغی لک فاذا اعترفت بتقصیری وعجزی فلا تحرمنی جزاء
تصدیق رسولک وثواب حسن الرغبة وصدق النیة فی سنة نبیک علیه السلام
لانک ذو فضل ومغفرة علی عبادک اجمعین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین
و در فضیلت این رسول صلی الله علیه فرمود هرکه این نماز بگذارد و سوگند یاد
کرد که آمرزیده شود واگر مبتلی دنیا گناه دار و شافع شود او روز قیامت
هفتصد کس را از اهل بیت خود که مستوجب آتش شده باشد و چون این
بنده بمیرد در گور او صورتی آید خوش بوی خوش خو و گوید ای دوست
من بشارت ترا که از همه شدتها رستی پس آن بنده پرسد که تو کیستی که من هیچ چون
تو خوب زیبا ندیده ام او گوید من ثواب آن نمازم لیلة الرغائب که تو گزاردی
واکنون مونس تو باشم تا روز قیامت بعد از آن گزاردن این نماز و نماز خفتن خواهد
که افطار کند دو رکعت نماز بگذارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه آیة الکرسی
ومعوذتین پنج بار ثواب بسیار است **فصل پنجم** در استغفارهای این ماه

السلام

هر روز صد بار بگوید استغفر الله لذنوبی کلها سرها وجهرها صغیرها وکبیرها
ظاهرها وباطنها قدیمها وحدیثها اولها وآخرها واتوب الیه اللهم اغفر لی
برحمتک یا ارحم الراحمین ورسول صلی الله علیه وسلم فرمود که استغفار کنان خود
در ماه رجب بعد از ایام عمر خود از روز بلوغ آغاز کند خدا تعالی او را توبه روزی
کند و سعادتی که شقی نشود بعد آن همیشه و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
هرکه استغفار گوید در سه روز آخر ماه رجب سیصد بار بیامرزد خدا تعالی او را البته
وکعب الاحبار رضی الله عنه روایت میکند که رسول صلی الله علیه وسلم گفت هرکه در ماه رجب
هفتاد هزار بار استغفار کند خدای تعالی بیامرزد او را البته گفت پرسیدم چگونه
گوید که بگوید استغفر الله استغفر الله **وجمال** مجنونی رحمة الله علیه وسلم گفت
حکایت عن الله از کلمات قدسی آورده است که خدای تعالی گفت هرکه بگوید
در ماه رجب این استغفار استغفر الله ذا الجلال والاکرام من جمیع الذنوب
والاثام من او را بیامرزم سه بار گفت اگر نیامرزم من پروردگار تو نباشم
و هزار بار باید گفتن در ماه رجب **عجایب** الاستغفار و این منسوب است بعبد الله
بن شطار که او در ماه رجب هر روز میخواندی و او مردی بود بفسق و فجور معروف
بود در عهد رسول صلی الله علیه وسلم چون او نقل کرد بر وی کسی نماز نمیگزارد چون

جبرائیل علیه السلام بیامد و رسول صلی الله علیه وسلم خبر کرد که بر وی نماز بگذار و بحضور خود
دفن کن رسول صلی الله علیه وسلم با یاران برفتند و بر وی نماز کردند و با جنازه او
روان شدند یاران دیدند که رسول صلی الله علیه وسلم بر سر انگشتان می رفت چنانکه
نعلین گسسته شد چون باز گشتند یاران از رسول صلی الله علیه وسلم پر
سیدند که چه بود که در پس جنازه او بر سر انگشتان می رفتندی و چون او را در
لحد نهادند تبسم کردید رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که چندان ملائکه نزول
کرده بودند که قدم نهادن جای نبود که پای من بر پرهای ملائکه می آمد از آن
سبب چنان رفتم او را در لحد نهادند بفرمان ایزد تعالی روزنی از بهشت در
گور وی پیدا شد حوران در گور او آمدند و هر یک قدحهای شربت بدست گرفته
و او را بتخت نشاندند و حوران پیش دستی میکردند که اول قدح من بستان
چون آن بدیدم تبسم کردم پس رسول صلی الله علیه وسلم با یاران در خانه او آمدند و از
زن او پرسیدند که او در خانه چه عمل داشت در نهان و آشکار گفت او همه روز
دایم مست بودی و روزه نداشتی فاما چون ماه رجب در آمدی در هر شبی از ماه
رجب استغفاری یاد داشت آنرا میخواندی از بسیار خواندن او در یاد من مانده
است زن آنرا بخواند رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که یاران او آنرا بنوشتند

ودر ماه رجب میخوانند وهر که این استغفار بخواند آن درجه یابد که او یافت و شرح
این دعا بسیارست مختصر کردیم دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه استغفر الله واتوب
الی الله من جمیع ما کره الله اللهم انی استغفرک مما قدمت وما اخرت وما
اسررت وما اعلنت وما اسرفت انت المقدم وانت المؤخر وانت علی کل
شیء قدیر اللهم انی استغفرک من کل ذنب تبت الیک منه ثم عدت
فیه واستغفرک بما اردت به وجهک فخالطته بما لیس لک فیه رضی و
استغفرک بما وعدتک به من نفسی ثم اخلفتک واستغفرک بما دعانی
الیه الهوی من قبل الرخص من قول اشتبه علی وهو عندک حرام
واستغفرک من النعم التی انعمت بها علی فتقویت بها علی معاصیک واستغفرک
لکل ذنب یمیل سلف منی خبثت فیها عندک وانا ما اخوذ بها و
استغفرک انک لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین واستغفرک
یا عالم الغیب والشهادة من کل ذنب عملته فی بیاض النهار وسواد اللیل
فی ملاء وخلاء وسر وعلانیة وانت تعلم سبحانک انی کنت من الظالمین
واستغفرک لکل فریضة اوجبتها آناء اللیل واطراف النهار فترکتها عمدا

علی

عمدا او خطاء او نسیانا او انا مسئول بها واستغفرک لکل سنة من سنن
المرسلین والنبیین ومحمد علیهم السلام ترکتها غفلة وسهوا وجهلا وتهاونا
وقلة مبالات بها واستغفرک لا اله الا انت وحدک لا شریک
لک سبحانک رب العالمین لک الملک ولک الحمد حسبنا الله ونعم
الوکیل نعم المولی ونعم النصیر برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی
محمد بعدد من صلی علیه وبعدد من لم یصل علیه یا اکرم الاکرمین

فصل ششم در نماز اویس قرنی از فواید الفواد و از شرح اوراد شیخ
در نماز اویس قرنی افتاد شیخ فرمود که این نماز در سیم و چهارم و پنجم رجب است
و سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم نیز آمده است و بروایتی بیست سیم و بیست
چهارم و بیست پنجم بگزارد اگر در اول و میانه نگزارده باشد و در مرد ثواب
بسیار فرمود نماز اویس قرنی رحمة علیه دوازده رکعت است بشش سلام
وقت چاشت غسل کند و چهار رکعت نماز بگزارد و هر چه خواهد از قرآن بخواند
بعد از سلام هفتاد بار بگوید لا اله الا الله الملک الحق المبین لیس کمثله شیء وهو
السمیع البصیر و چهار رکعت دیگر بگزارد بخواند در هر رکعتی الحمد یکبار و اذا
جاء نصر الله یکبار بعد از سلام هفتاد بار بگوید انک قوی معین واهدی

و لیل ایاک نعبد و ایاک نستعین و چهار رکعت دیگر بگزارد بخواند در
هر رکعتی الحمد یکبار و اخلاص سه بار بعد الفراغ هفتاد بار بگوید الم نشرح بخواند
و دست بر سینه فرود آرد و هر حاجتی که بخواهد روا کرده شود روز هر روز غسل
کند و این نماز بگزارد سخن نگوید تا آنگاه که از غسل و نماز فارغ شود و از فواید
الفواد حکایت فرمود که در مدرسه مغزی دانشمندی بود او را معین الدین
کفتندی مدتی عالم بود و در هر مسئله که از و بپرسیدندی جواب شافی میگفت و
در مباحثه بعبارت دانشمندانه در آمدی از حال علم و استکشاف کردند گفت من
هیچ نخوانده ام و شاگردی کسی نکرده ام چون بزرگ شدم وقتی نماز اویس قرنی
بگزاردم و دعا کردم که الهی بسبق بزرگی رسیده ام و هیچ چیزی نخوانده ام مرا علم کرامت
کن حق تعالی ببرکت آن نماز در علم بر من بگشاد تا هر مسئله که افتد بخوانی جواب
دهم فصل هفتم در نماز و دعای پانزدهم رجب و دعای استفتاح از اوراد روز
پانزدهم رجب پس از بر آمدن آفتاب پنجاه رکعت نماز بگزارد به بیست و پنج سلام
در هر رکعتی بعد از فاتحه اخلاص و معوذتین یکان بار بخواند بیرون آید از گناه چنانک
از مادر زاده و حشر کنند او را با شهیدان و با انبیا در بهشت در آید و بدهند
او را ثواب روزه داران ماه رجب و شعبان و رمضان و بنویسند او را بهر

بهر رکعتی اجر آزاد کردن بنده و بر موی که در تن اوست ثواب حج و عمره بدهند
و دعای او اجابت شود و گناه او نویسند و فتنه عذاب و گور او نباشد
و تا در نشود بگزاردن این نماز مکو موهمن بسی وقت نزع بفرستد خدای تعالی
بر سر او ملک الموت را با هفتاد هزار فرشته که بشارت دهند او را بخول بهشت
و منقطع نشود آثار فرشتگان از خانه او در ایام حیات او و ترتیبار دجبرائیل
علیه السلام زیارت کور او تا آنگاه که صور دمیده شود و بنا کرده شود بنام
او بهر آیتی که در قرآنست مدینه و روز قیامت هزار حاجت او بر آرد حق تعالی
و ده هزار کس را شفاعت او کند از اهل کبایر و عکرمه رحمة الله علیه گفت که
من از سید عالم صلی الله علیه وسلم شنیدم هر که روز استفتاح این دعا بخواند
هفتاد در رحمت بروی کشاده کردد و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یا مفتح الابواب و یا مسبب الاسباب و یا مقلب القلوب والابصار یا دایم
الثبات اللهم افتح علی ابواب فضلک و رحمتک یا ارحم الراحمین فصل
هشتم در نماز و دعای شب معراج و فضیلت سه روز آخر ماه رجب
و شب معراج بیست هفتم رجب است نقل از امالی رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که هر که بگزارد در شب بیست هفتم ماه رجب شش رکعت نماز بخواند در

هر رکعتی فاتحه یکبار و قل هو الله احد هفتاد بار بعد از سلام هر حاجتی که خواهد
هنوز بر نخواسته بیابد و ثواب بیست حج بدهد و روز قیامت در بهشت رود
و بروایتی دوازده رکعت بشش سلام بگزارد و هرچه خواهد از قرآن بخواند
بعد الفراغ صد بار صلوات و صد بار سبحان الله والحمد لله تا آخر و صد بار استغفار
و هر حاجت که خواهد روا کرده از ملفوظ شیخ الاسلام فرمود که بزرگ شبی است
شب بیست هفتم رجب و درین شب صد رکعت نماز آمده است در هر رکعتی
بعد از فاتحه اخلاص پنج بار بعد الفراغ صد بار صلوات و صد بار سبحان الله تا آخر
بعد از آن سر سجده نهاده هر حاجتی خواهد اجابت شود و هم فرمود
که ورد او و داد شیخ معین الدین دیدم که این شب شب رحمت است هر که زنده
دارد امید است که از رحمت بی نصیب نماند و درین شب هفتاد هزار ملائکه
با طبقهای نور در آیند و در خانهٔ کسانی نثار کنند که آن شب را زنده داشته
باشند و از معاصی دور بوده و از ریاحین رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که
استغفار کند در سه روز آخر ماه رجب سیصد بار بیامرزد خدای تعالی او
را البته و هر که ختم کند قرآن سه روز بیامرزد خدای تعالی او را البته و هر که صدقه
دهد درین سه روز بهشتی باشد میان او و دوزخ و هر که درین سه روز صلح کند

کند میان دو کس بدهد خدای تعالی مر او را ثواب صد سالهٔ **فصل**
نهم در نماز و دعا از برای درازی عمر در آخر ماه رجب چنین آورده اند از
سلمان رضی الله عنه که سیصد عمر در مسلمانی گذرانید پس رسول صلی الله علیه
وسلم را گفت دعا کن تا ایزد تعالی مرا صد ساله دیگر عمر بدهد در اسلام جبرائیل
علیه السلام نزد رسول صلی الله علیه وسلم آمد و گفت سلمان را بگو تا آخر ماه رجب
این نماز را بگزارد و دعا کند خدای تعالی اجابت کند عمر بیفزاید و راحت و طاعت
بدهد و این را فضل بسیار است ما مختصر کردیم پس این نماز در آخرین روز
ماه رجب هر وقتی که خواهد بگزارد و این دوازده رکعت است بخواند در
هر رکعتی بعد از فاتحه آیة الکرسی سه بار و قل یا ایها الکافرون سه بار و اخلاص سه
بار و هر بار که سلام دهد این دعا را ده بار بخواند و چون سه سلام بدهد سی
بار این دعا بخواند و سی بار استغفار گوید و سی بار صلوات فرستد امید هست
که اجابت شود که بزرگان اختیار کرده اند دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یا اجل من کل جلیل ویا اکرم من کل کریم ویا اعز من کل عزیز ویا
خیر من کل احد انت ربی لا رب لی غیرک یا غیاث المؤمنین ودائم
اغثنی بفضلک ورحمتک ومد عمری وهب لی من لدنک رحمة وحیاة

برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم اقذف فی قلبی رجاءک واقطع رجائی عمن سواک
حتی لا ارجو احدا غیرک اللهم ما ضعفت عنه قوتی وقصر عنه عملی و
لم تنته الیه رغبتی ولم تبلغه مسئلتی ولم یجر به لسانی مما اعطیت
احدا من الاولین والآخرین من الیقین فخصنی به یا ارحم الراحمین ماه شعبان
مشتمل بر شش فصل **فصل اول** در نماز و دعای اول شب **فصل دوم** در
فضیلت روزه ماه شعبان و ورد آن **فصل** سیم در خصلتهای شب برات **فصل**
چهارم در نماز و دعای شب برات **فصل** پنجم در فضیلت شب برات **فصل**
ششم در روزهٔ شک **فصل اول** در نماز و دعای اول شب و از آور اداول شب
از ماه شعبان دوازده رکعت است بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه اخلاص
پانزده بار **ایضا** در وقت سحر دو رکعت نماز بگزارد بخواند در هر رکعتی بعد از فا
تحه اخلاص صد بار و در رکوع و سجود بگوید سبوح قدوس رب الملائکة والروح
سبحان خالق النور سبحان من هو قائم علی کل نفس بما کسبت **فصل** دوم در
فضیلت روزهٔ شعبان و ورد او از ریاحین جابر ابن عبد الله گفت که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هر که روزه دارد هشت در بهشت بروی بگشایند و
و اگر از این بیش روزه دارد بدهد خدای تعالی مر او را بهر روزه روزی ثواب صد

صد شهید و بر آرد برای او صد حاجت **ایضا** از رسول صلی الله علیه وسلم فر
مود هر که روزه دارد سه روز از اول شعبان و سه روز از میانه و سه روز از آخر بنو
یسند برای او ثواب هفتاد پیغامبر و ثواب هفتاد ساله طاعت و شهید میرد
و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بگوید در ماه شعبان هزار بار لا اله الا
الله ولا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین ولو کره المشرکون گویی نوشته
گرداند خدای تعالی برای او عبادت هزار ساله و محو گرداند گناه هزار ساله
او و مادر و پدر و قوم او و روز قیامت با صدیقان حشر کنند و روی او
همچون ماه تابان باشد از اخبار شهاب رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که یا شهاب صلوات گوی مدام بر من در شعبان بدرستی که هر که بر من یکبار
صلوات دهد درین ماه جنان باشد که در ماههای دیگر ده صلوات
داده و روزی شود او را ثواب آن **فصل** سیم در خصلتهای شب
برات در روایتی آمده است هر که شب برات وقت فرو شدن آفتاب چهل
بار بگوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ببرد تعالی چهل گناه
او را بیامرزد و چهل حور او را بزنی دهد و چهل کس را از آتش شفاعت
او خلاص بخشد و به بهشت فرستد و در شب برات بیست یک خصلت

باید کردن اول آنچ تواند از کم و بیش صدقه دهد و بر اهل و عیال نفقه فراخ دارد
دوم خلق را از منکرات منع کند که نهی منکر فرض است و رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود وانهوا عن المنکر وان لم تنتهوا عنه سیم خود را از منکرات و بد
عنها نگاه دارد چهارم نماز بسیار گزارد صد رکعت یا پنجم سورهٔ اخلاص
دو هزار بار بخواند و اگر نتواند هزار بار بخواند ششم آب دیده بسیار بریزد و هفتم غسل کند
و نیت روزه کند بامداد از گناه پاک شود همچنانک از مادر زاده هشتم از عقوق وا
لدین توبه کند که عاق در بهشت بی بهره باشد نهم رحم بجای آرد که قاطع
رحم درین شب آمرزیده نشوند دهم ذکر بسیار گوید یازدهم با کسی که از برای
دنیا جنگ کرده باشد آشتی کند دوازدهم از غیبت و نمیمه و صورت گری و می خوا
رگی و جادوی و کینهٔ برادران توبه کند سیزدهم درین شب دعا بسیار کند برای
خود و برای همه مردم چهاردهم سرمه کشد در چشم راست سه و در دوم دو بار تا سال
دیگر چشم او درد نکند و در عبادت کاهلی نکند این فایده در سرمه است پانزدهم درین
شب آب نو ها جنبانند تا سال دیگر برکت بدید آید از غله و درم و جز آن شانزدهم هر چه
درین شب نزد دانه بزد و از گوشت بپرهیزد که دل هر دانه ده نیکی یابد و ده پاک شود
و ده درجه در بهشت یابد هفدهم این شب را زنده دارد و دستوری از عیال بخواهد که

هد که رسول صلی الله علیه و آله از عایشه دستوری خواسته است هجدهم چون نماز گزا
رد در رکوع و سجود تسبیح بسیار گوید نوزدهم نماز جایی گزارد که خالی باشد
بیستم این کلمه در سجده بسیار گوید سجد لک سوادی و بیاضی و خیالی و آمن بک فؤا
دی واقر بک لسانی وها انا ذا بین یدیک یا عظیم کل عظیم اغفر ذنبی العظیم فانه
لا یغفر غیرک یا عظیم پس بنشیند صلوات گوید و این دعا بخواند اللهم هب لی قلبا
تقیا نقیا من الشرک بریا لا کافرا ولا شقیا پس دیگر بار سر بسجده نهد و بگوید
اعفر وجهی علی التراب لسیدی وحق لوجه سیدی ان تعفر الوجوه له پس حاجت
خواهد روا شود بیست یکم این شب را زنده دارد تا دل او هرگز نمیرد والله اعلم

فصل چهارم در نماز و دعای شب برات از اوراد درین شب صد رکعت نماز است
به پنجاه سلام سی تن از صحابه رضی الله روایت کرده اند از رسول صلی الله علیه و آله و این
نماز را صلوة الخیر گویند بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه اخلاص ده بار و بروایتی نیز
و بیست از رسول صلی الله علیه و سلم که دو رکعت نماز بگزارد بخواند در هر رکعتی بعد
از فاتحه آیة الکرسی یکبار و اخلاص پانزده بار و بروایتی دو رکعت نماز بگزارد در هر رکعتی
بعد از فاتحه اخلاص هزار بار و بروایتی دوازده رکعت نماز بگزارد و در هر رکعتی
بعد از فاتحه اخلاص ده بار ثواب بسیار است از تفسیر مغنی مروی است هر که خواهد

که از قضا بسلامت ماند در شب برات بعد از نماز خفتن سی رکعت نماز بگزارد بخواند
در هر رکعتی بعد از فاتحه انا انزلناه یکبار و اخلاص سه بار بعد الفراغ یکبار بگوید لا اله
الا الله وحده لا شریک له تا آخر سبحان الله والحمد لله تا آخر و صد بار بر رسول
صلی الله علیه و آله صلوات فرستد و آیة الکرسی بخواند پس آنگاه این دعا بخواند اللهم یا
رب انی اسئلک بوجهک الکریم ان کنت کتبتنی فی ام الکتاب سعیدا فا
ثبتنی وان کنت کتبتنی شقیا فامح عنی وان کنت قدرت علی سوءا فاصرفه عنی
واعصمنی الی السنة المستقبلة واجعل لی نصیبا من کل خیر قسمته بین عبادک الصالحین
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که این نماز بگزارد و این دعا بخواند حق تعالی
ندا کند که بعزت جلال من که آمرزیدم ترا و عطا کردم ترا آنچ خواستی تو و در عصمت
دارم ترا تا سال دیگر پس فرشتگان را امر کند که بنویسند از برای این بندهٔ من
ثواب کسی که غزا کند و ثواب کسی که رباطها عمارت کند و ثواب کسانی که نماز گزا
رده اند و روزه داشته درین سال و بفرماید حق تعالی ملائکه را تا از برای او آمر
زش خواهند تا روز قیامت و ننویسند بنام او هیچ گناهی تا او مرده و بنا کند
برای او در هر بهشتی هفتاد هزار قصر از زر بر بالای هر قصری کوشکها از زر و هفتاد
هزار نقره و زمین آن و دیوارها و سقفها از یاقوت سرخ و هفتاد هزار قصر از نور

از نور باشد و هفتاد هزار از مشک باشد و در هر قصری هزار سرای و در هر سرای
هفتاد هزار خانه و در هر خانه هفتاد هزار مجلس و در هر مجلسی چیزی باشد که نه هیچ
چشمی مثل آن دیده و نه هیچ گوشی شنیده و نه هیچ واصفی وصف او کرده و هر روز
خدای تعالی بسوی او هزار فرشته بفرستد بر دست هر فرشته دسته از ریاحین
بو هر بوی که نبشته باشد طوبی لولی الله الذی رضی الله عنه پس در آیند بروی هزار فرشته بر
دست هر فرشته کاسهٔ بزرگ باشد از زر و در آن کاسه طعامی باشد که دست
هیچ آفریده چنان طعام ندیده و نگرفته باشد دعا و نماز شب برات دو رکعت
بگزارد بخواند در هر رکعتی فاتحه یکبار و اخلاص سه بار پس این دعا بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم سهل علینا ما قدرت فی هذه اللیلة المبا
رکة ولا تحرمنا من برکة هذه اللیلة واجعل آخر کلامنا بالشهادة
واختم عمرنا بالسعادة وانزلنا منزل الشهداء والصالحین و
حسن اولئک رفیقا دیگر شب برات بعد از وتر سه بار سورهٔ یس بخواند
کرتی اول بنیت حیات دوم بنیت توانگری سیم بنیت دفع بلاها و بروایتی
بنیت حیات بیشمار هر عضوی سورهٔ یس یکان بار بخواند زیرا که درین
شب سورهٔ یس خواندن آمده است دیگر دو رکعت نماز بگزارد بخواند در

بزرگعتی فاتحه یکبار و اخلاص یکبار و این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلک یا ذا المن و لا یمن علیک باسمائک الحسنی و صفاتک العلی
لا اله الا انت یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا الطول و الانعام یا جار المستجیرین
و یا صریخ المستصرخین و یا مجیب دعوة المضطرین و یا ملجأ الخائفین و یا دلیل
المتحیرین یا ارحم الراحمین اللهم ان کنت کتبتنی فی ام الکتاب شقیا و فقیرا فامح
عنی اسم الشقاوة و اثبتنی عندک سعیدا غنیا و ان کنت کتبتنی عندک فی ام
الکتاب محروما مقترا علی رزقی فامح عنی اسم حرمانی و تقتیر رزقی و
اکتبنی عندک سعیدا غنیا موفقا للخیر موسعا علی رزقی فانک قلت فی
ام الکتاب یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب و ان کنت کتبتنی
قصیر العمر فطول عمری و عمر اولادی و بارک علی و علیهم و
ارزقنا سعادة الدارین برحمتک یا ارحم الراحمین پس سر بسجده نهد و حاجت
خواهد دیگر که در همه عمر خود در شب برات صد بار بگوید یا حی یا قیوم
برحمتک یا ارحم استغیث و از جمله نیکی بختان گردد و هرگز بد بخت نشود
فصل پنجم در فضیلت شب برات از تفسیر مغنی ابو هریره رضی الله
عنه گفت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که جبرائیل علیه السلام در شب

برات نزد من آمد و گفت یا محمد این شبی ست که گشاده شده است درین شب
درهای رحمت پس برخیز و نماز بگزار و دست ها بدعا بردار پس گفتم یا اخی که چیست
درین شب گفت درین شب گشاده می شود سیصد در از درهای رحمت پس
می آمرزد خدای تعالی جمله مؤمنین و مؤمنات را و مسلمین و مسلمات
الا آنکه شرک نیاورده باشد بخدای تعالی چیزی مگر آنکس که کاهن و ساحر
و بدگوی و با کینه ور و یا مصر بر زنا باشند بدرستی که آمرزیده نشود اینها
درین شب تا توبه نکنند پس رسول صلی الله علیه و سلم در مقبره غریبان بیامد
در مدینه و سر بسجده نهاد و میگریست و میگفت اعوذ بعفوک من عقابک
و اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ بک منک جل ثناؤک و لا اله غیرک و لا
ابلغ الثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک و رسول صلی الله علیه و سلم گفت
یا اخی جبرائیل برامتان در رحمت گشاده است گفت بلی از اول شب تا طلوع
صبح و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که زنده دارد پنج شب را دو شب عید
و یک شب برات دل او نمیرد روز قیامت که دلهای مردم متحیر باشند و رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود که پنج شب است که در آن شب دعا رد نیست شب
آدینه و شب اول ماه رجب و شب برات و شب عیدین فصل ششم در

روزه شک در فتوای سراجی آورده است که مکروه هست روزه شک اگر بنیت
فرض یا واجبی بدارد و اگر بنیت نفل بدارد مکروه نیست بلکه افضل آنست که
روزه ندارد بنزدیک بیشتر علما رحمهم الله ماه رمضان مشتمل بر هفت فصل
فصل اول در نماز و دعای شب اول و هر شب و دعای روزه گشادن و
فضیلت نماز تراویح فصل دوم در فضیلت ده آخر و بیان شب قدر
فصل سیم در نماز و دعای بیت هفتم فصل چهارم در نماز و دعای شب عید و روز عید
فصل پنجم در صدقه فطر فصل ششم در فضیلت شش روز روزه از ماه
شوال فصل اول در نماز و دعای شب اول نقل از آنکه چون ماه مبارک رمضان
ببیند و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اللهم هذا شهر مبارک رمضان فادخله علینا بالامن و الایمان
و الصحة من السقم و فراغ من الشغل و اعنا علی الصیام و القیام و تلاوة القرآن حتی ینقضی
عنا و قد غفرت لنا و رضیت عنا اللهم هذا شهر رمضان قد حضر فسلمه لنا و سلمنا له و سلمه
فی یسر منک و عافیة اللهم ارزقنا صیامه و قیامه بقبول منا بایمان و احتساب اللهم
ادفع عنا الکسل و الفترة و السامة و ارزقنا فیه الخیر و الاجر و القوة و النشاط کما تحب و ترضی
و در شب اول از ماه رمضان دو رکعت نماز بگذارد بخواند در هر رکعت بعد از فاتحه انا
فتحنا یکبار تا سال دیگر در پناه و امان خدای تعالی باشد و باید که در ماه رمضان قرآن

بشنتی

بشنتی خواند و دعای روزه گشادن اللهم لک صمت و بک آمنت و علیک تو
کلت و علی رزقک افطرت و بصوم غد نویت سبحانک و بحمدک تقبله
منی انک انت السمیع العلیم الحمد لله الذی دعانی فصمت و رزقنی فافطرت
اغفر لی یا واسع المغفرة و هر شب رمضان این دعا بخواند خاصة در شب
قدر اللهم انک عفو تحب العفو فاعف عنی ایضا بگوید هر شب اللهم
انی اسئلک بکرمک الجنة و اعوذ بک من النار فضیلت نماز تراویح
در روایتی است که امیر المؤمنین علی رضی الله عنه فرمود که شنیدم از رسول
صلی الله علیه و سلم که امیر المؤمنین عمر از من شنید که رسول علیه السلام فرمود که
خدای را عز و جل بر گرد عرش موضعی است نام آن حضیرة القدس و آن
از نور است و در آنجا پس در شبهای رمضان از حضرت عزت فرمان
میشود ایشان را تا بر زمین می آیند و با مردمان هر شب تراویح میگزارند
پس هر که با ملائکه نماز گزارد او سعادت یابد پس امیر المؤمنین
عمر رضی الله عنه این حدیث شنید پس فرمود تا نماز بجماعت بگزارند فصل دوم
در فضیلت ده آخر و بیان شب قدر پس باید که در ده آخر ماه رمضان
اهل بیت را در طاعت الله و از زنان اعتزال کند که رسول صلی الله علیه و سلم چنین کرده است و جعفر صادق رضی

رضی الله عنه فرمود که هر که بخواند در شب بیست سیم ماه رمضان سوره عنکبوت
و سوره روم بخدای که او از اهل بهشت باشد و از این سوگند من شک ندارم که
مواخذه نکنم در سوگند نزد خدای فصل سیوم در نماز و دعای شب بیست هفتم
نقل از اوراد صد رکعت نماز بگزارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه انا انز
لناه سه بار اخلاص ده بار و بعد از هژده رکعت تسبیحات تراویح
می خواند و بروایت دیگر دوازده رکعت بشش سلام در هر رکعتی بعد
از فاتحه انا انزلناه سه بار اخلاص ده بار و سبحان الله و الحمد لله تا آخر
صد بار بگوید و بروایتی رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که بگزارد در شب
بیست هفتم رمضان دو رکعت نماز بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه انا
انزلناه یکبار و اخلاص بیست پنج بار بعد از سلام صد بار بگوید
استغفار و صد بار درود گوید بدرستی که او شب قدر دریافته باشد و
قبول شود نماز و روزه او و ثواب بحدش بدهد و در این شب این
دعا بسیار خواند اللهم ارزقنی حبک و حب من احبک و حب من
یحبک و حب عمل یقربنی الی حبک یا ذا الجلال و الاکرام از تفسیر مغنی
کعب الحبار رضی الله عنه گوید هر که سه بار بگوید لا اله الا الله او در بهشت

بهشت در آید و ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرمود که چون ده آخر ماه رمضان
در آید کلمه تمجید بسیار گوید که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بد
رستی که این شکر است مر صیام و قیام را و در تفسیر ابوطالب کرمانی آور
ده است که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود بر شما باد بخوردن برنج و جغرات شب
در شب قدر بدرستی که فرستاده است بر شما خدای تعالی شیر را از جویهای بهشت
هر که بخورد برنج و جغرات در شب قدر بیامرزد خدای تعالی گناهان قدیم
و جدید او را و در شب قدر اختلاف است بعضی گفته اند که اول شب ماه
رمضان شب قدر است و بعضی بیست پنجم و بیشتر اقاویل در شب بیست
هفتم است از تفسیر در ابی بن کعب رضی الله عنه گفت من شنیدم از رسول
صلی الله علیه بهر دو گوش خود اگر نه کر باد گفت شب قدر بیست هفتم شب
است از ریاحین عبدالله ابن عباس رضی الله عنه گفتند که شنیدم شب
قدر بیست چهارم است و ابوذر غفاری رضی الله عنه گفت شب قدر بیست
پنجم است و عباده بن صامت رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
که شب قدر را طلب کنید در شب بیست یکم و بیست سیم و بیست پنجم و بیست
هفتم و شب بیست نهم از خلاصة الحقایق علامت شب قدر گفته اند شبی

باشد درفشنده ساکن نه گرم نه سرد و بامداد آن در آفتاب شعاع نباشد
مانند طشت و ابن عباس رضی الله عنه که دریابد شب قدر را او از نیکبختان
باشد که هرگز بدبخت نشود و هر که بگزارد نماز شام و نماز خفتن و نماز صبح در
شب قدر بجماعت بدرستی که دریافته باشد تمام فضیلت و ثواب شب قدر
از تنبیه ابو اللیث و ابوذر غفاری رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه و سلم شب
بیست سیم بود که بیامد و با ما نماز گزارد تلثی از شب بگذشت پس برفتیم و شب
بیست چهارم نیامد و شب بیست پنجم بیرون آمد و با ما نماز کرد تا نیمی از شب بگذشت
شب بیست ششم نیامد و شب بیست هفتم بود بیرون آمد و همه قوم را گرد
کرد تا آن وقت نزد صبح نماز بگزارد فصل چهارم در فضیلت سحور و رسول صلی
الله علیه و سلم فرمود هر که سحور بخورد بدرستی چنان بود که او بیزار بوده باشد
از دین یهود و نصرانی از هدایه رسول صلی الله علیه فرمود که سحر خوردن
برکت است و تاخیر داشتن سحور مستحب است و وقت سحر تا آن زمان است که
صبح صادق ندمیده است و رسول صلی الله علیه علیه فرمود از اخلاق پیغا
مبران مرسل سه چیز است تعجیل افطار و تاخیر سحور و مسواک از ریاحین
انس بن مالک رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که چهار نفقه است که

است که حساب نخواهند از بنده نفقه مادر و پدر کند و نفقه که بر عیال خود
کند و طعامی که بدان روزه افطار کند و طعام سحور فصل پنجم در نماز و دعای
شب عید و روز عید ده رکعت نماز بگزارد به پنج سلام و هر چه خواهد از قرآن بخواند بعد
از سلام هزار بار استغفار گوید پس در سجده رود این دعا بخواند یا حی یا قیوم یا
ذا الجلال و الاکرام یا رحمن الدنیا و الآخرة یا اله العالمین و یا اله الاولین و
الآخرین اغفر لی ذنوبی و تقبل صلوتی و صیامی و قیامی رسول صلی الله علیه
و سلم سوگند یاد کرد که هنوز سر از سجده برنداشته باشد که آمرزیده شود
نماز روز عید فطر سلمان فارسی رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
هر که بگزارد روز عید فطر و در عید اضحی چهار رکعت نماز بعد از نماز عید و خطبه
بخواند در رکعت اول بعد از فاتحه سبح اسم ربک الاعلی و در دوم والشمس و ضحیها
و در سیم والضحی و در چهارم قل هو الله احد تمام باشد او را ثواب رکعت
اول بدرستی که چنان بود که خوانده باشد جمله کتابهای خدای عز و جل که
بر انبیا علیهم السلام فرستاده است و ثواب رکعت دوم آن قدر
ثواب دهند او را که آفتاب بروی تافته باشد و ثواب رکعت سیم چنان
بود که جمله یتیمان را طعام سیراب داده باشد و جامه پاک پوشانیده باشد

وثواب رکعت چهارم بیامرزد خدای تعالی گناه پنجاه ساله او را که آینده و پنجاه ساله که گذشته
او و مرویست که روز عید اول شوال که خدای تعالی قوم لوط بر زمین فرو برد و در روز
اول شوال بود که قوم نوح هلاک شدند و لشکر فرعون هم درین روز غرق
شدند و هر قومی را که عذاب آمد درین روز بود پس بشرف سید الانبیا صلی الله
علیه وسلم او را بر ما روز عید رحمت بشارت کرد فصل ششم در صدقهٔ فطر
از شرح اوراد و از مضمرات استخراج کرده اند که صاع بوزن درم وزنی که دو
حبه است یکهزار و صد سی و هفت درم باشد پس صاع بسیری هفتاد دو درم
سنگ پانزده سیر و پنجاه هفت درم و نیم باشد از برای احتیاط فقیر و نفع شان
ده سیر راست بگیرم پس نصف صاع هشت سیر باشد اگر گندم و یا آرد گندم
دهد نصف صاع که هشت سیر بدهد و اگر جو یا آرد جو و یا خرما دهد یک صاع
و اگر جو غالب است حکم جو دارد یک صاع و آرد اولی است که بیشتر غرض فقیر برین
حاصل است و این در طحاوی و کفایهٔ شعبی و هدایه آورده است و ابن عباس
رضی الله عنهم گفت صدقهٔ فطر پاکی است مر روزه را از لغو و طعام است مر مساکین را
فصل هفتم در فضیلت شش روز روزه داشتن از ماه شوال از ریاحین
ابو سعید الخدری رضی الله عنه گفت رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که شش روز از ماه

ماه شوال روزه دارد چنان باشد که تمام سال روزه داشته و حرام گرداند خدای
تعالی تن او را بر آتش و بدل هر روزه ثواب چهل روزه بدهد و عذاب گور و شدت
قیامت از وی بردارد و ابن عمر رضی الله عنه گفت از رسول صلی الله علیه وسلم
شنیدم هر که این روزه بدارد پس از شش از ماه رمضان فاضلتر باشد از عبادت
ششصد هزار ساله و قربان کردن ششصد هزار شتر و آزاد کردن ششصد
هزار رقبه عشر ذی الحجه مشتمل بر هفت فصل فصل اول در نماز اول شب فصل
دوم در فضیلت روزهٔ عشر فصل سیم در ورد روزهای عشر فصل چهارم در نماز
های شب روز عشر فصل پنجم در نماز و دعای شب عرفه و روز عرفه فصل ششم
در نماز و دعای شب عید اضحی فصل هفتم در قربانی فصل اول در نماز اول شب
از ملفوظ شیخ الاسلام فرید الدین رحمة الله علیه فرمود در اوراد شیخ قطب الدین
بختیار رحمة الله علیه دیدم بروایت ابو هریره رضی الله عنه هر که دو رکعت نماز در
اول شب ماه ذی الحجه بگزارد بخواند در هر رکعتی و در رکعت اول بعد از فاتحه آیت
از اول سورهٔ انعام و در رکعت دوم بعد از فاتحه اخلاص یکبار حق تعالی ثواب حج کند
کاتب در نامهٔ او بنویسند بعد از آن فرمود که وقتی جوانی فاسقی وفات کرد مردم
در تماشی می بودند که حال او در گور تنگ چون باشد هم دران عصر بزرگی بود او را

در خواب دید پرسید که خدای تعالی با تو چه کرد گفت چون مرا در گور نهادند و خلق باز
گشتند فرشتگان عذاب بیامدند با عمودهای آتشین خواستند که مرا عذاب
کنند فرمان آمد دور شوید که دست از بندهٔ من بردارید که آمرزیده ایم او را از جا بجا
پس ایشان گفتند خدایا این فاسق بود فرمان آمد بلی و لیکن او در شب
اول ماه ذی الحجه آن دو رکعت نماز گزارده بود پس او را بیامرزیدیم فصل دوم در
فضیلت روزهٔ عشر نقل از روضة العلماء صاحب کتاب رحمة الله علیه گفت شنیدم
از ابو احمد انی ابو الفضل جندی گفت هر که روز عشر ذی الحجه روزه دارد حق تعالی
او را ده چیز کرامت کند اول برکت کند در عمر او و زیاده کند مال او و در حفظ
دارد عیال او و عفو کند گناه او و تضعیف کند حسنات او و آسان کند سکرات
او و منور کند گور و گران کند میزان او و خیرات او و نجات یابد از درکات
دوزخ و بلند کرداند درجات او و ابو ذر غفاری رضی الله عنه گفت که رسول
صلی الله علیه فرمود هر که روزه دارد روز ترویه چنانستی که دوازده هزار سال
عبادت کرده و هر که روز عرفه روزه دارد چنانستی که بیست و چهار هزار سال عبادت
کرده است خدا را و هر که روزه دارد در روز عید اضحی تا آن زمان که نماز عید بگزارند
بودستی چنانستی عبادت کرده است شصت هزار سال خدا را فصل سیم

سیم در ورد عشر از تفسیر منیر و از ملفوظ فرمود که در اوراد شیخ معین
الدین سنجری دیدم که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که در ایام عشر
ذو الحجه والفجر بخواند حق تعالی آن بنده را بیامرزد و از آتش دوزخ هر
خلاص یابد انگاه هم درین محل فرمود شیخ معین الدین نقل کرد او را
بخواب دیدند پرسیدند که حال موت و گور و جواب منکر و نکیر چگونه بود
فرمود هم بفضل خدای آسان شد اما چون مرا زیر عرش بردند ندا آمد
ای معین الدین سر بردار بر داشتم فرمان شد که چرا چندین ترسیدی گفتم
از ترس جباری و قهاری تو فرمان شد که آن کسی که او در دههٔ ذو الحجه سورهٔ
والفجر خوانده باشد او را با ترس چه کار بود برو که ترا بیامرزیدم و از واصلان
گردانیدم از اوراد شیخ فرید الدین بر لفظ مبارک راند و گفت که ورد عشر ذی
الحجه از وهب آمده است که گفت موسی علیه السلام وحی آمد درین ده روز بر
تو و بر امتان تو بهتر و فاضلتر از گفتن این کلمات نیست و این پنج کلمه است
و هر یک را صد بار بگوید پس چنان بود که دوازده هزار بار توریة خوانده و
بنویسند بهر یک کلمات او را ثواب ده هزار نیکی و ده هزار بدی محو کنند و
هزار فرشته بروی صلوات گوید و عمل او از عمل اهل زمین فاضلتر باشد

بعد از ان شیخ فرمود که در عوارف شیخ شهاب الدین سهروردی رحمة الله علیه
نوشته دیدم بروایت فقیه امام ابو اللیث سمرقندی که این کلمات از آسمان با
انجیل منزل شده است و نابینا آیی بود به برکت این کلمات بینا شد و نو
دی دید که در خانهٔ او فرو آمده پس فرمود که هر که حرمت و تعظیم این کلمات نگاه
دارد اثر آن بیند چنانکه نابینا دید این کلمات بعد از نماز صبح بخواند کلمهٔ اول در
روز اول صد بار بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له الملک وله الحمد یحیی و
یمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر کلمهٔ دوم در روز
دوم صد بار بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا
احدا صمدا فردا وترا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا کلمهٔ سیم در روز سیم صد
بار بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا صمدا
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احدا کلمهٔ چهارم در روز چهارم صد بار
بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی
ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر کلمهٔ پنجم صد
بار بگوید حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله المنتهی سبحان
الله من لم یزل ولا یزال رحیما روز ششم باز از سر گیرد **فصل چهارم** در نماز

در نمازهای شب و روز عشرات از ملفوظ شیخ فرمود که هر که در شب
عشر ذی الحجه دو رکعت نماز بگزارد بعد از فاتحه و تر بخواند در هر رکعتی
فاتحه یکبار و انا اعطینا و اخلاص یکان یکان بار حق تعالی او را چندان ثواب
دهد که جز خدای عز و جل کسی نداند و از دنیا نرود تا جای خود در بهشت
نه بیند بعد از ان فرمود شیخ سعد الدین حموی را در خواب دیدند گفتند
ما فعل الله بک فرمود که خدای تعالی مرا بیامرزید و بدل هر طاعت نیکیها
بداد اما بدل آن دو رکعت نماز در شبی از عشر ذی الحجه گزارده بودم چندان
ثواب داد که حد آن هم او داند بعد از ان فرمود که در شب جمعه که در
خلل ایام عشر باشد یا روز جمعه شش رکعت نماز بگزارد بخواند در هر رکعتی
بعد از فاتحه اخلاص پانزده بار بعد الفراغ ده بار صلوات گوید بعده این
کلمات بگوید لا اله الا الله الملک الحق المبین صد بار حق تعالی او را چندان
ثواب بدهد که آنرا نهایت نیست و ثواب صد و بیست و چهار هزار پیغامبر
دهد و تا سال دیگر بر وی گناه ننویسند بعد از ان فرمود که هر که شب
ذی الحجه دو رکعت نماز بگزارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه آیة الکرسی
صد بار حق تعالی او را ثواب هزار حج بدهد و بعد از ان فرمود که وقتی

در طرف اجمیر مسافر بودم چند وقتی در روضهٔ شیخ معین الدین معتکف بودم
و شبی از شبهای عشر این نمازها بجا بکردم و نزد روضه قرار گرفتم و بکلام
الله مشغول شدم ثلثی از شب گذشته بود پانزده سیپاره بخواندم
و در سورهٔ کهف یا سورهٔ مریم الله اعلم یاد ندارم حرفی مرا ترک شده
است از روضه آواز بر آمد که آن حرف را گذاشتی باز بخواندن آنرا از سر
اعاده کردم باز دوم بار آواز بر آمد که خوش میخوانی ای فرزند چون ختم
کردم سر در پای روضه بنهادم و بگریستم که نمی دانم که از آمرزیدگانم یا از
راندگان همین که این اندیشه در خاطر من بگذشت از روضه آواز بر آمد که ای
مولانا فرید کسی که این نماز گزارد تحقیق است که او از آمرزیدگان است آنگاه سر
برداشتم و از آنجا باز گشتم با نعمت فراوان که از پایان خواجه یافتم **فصل
پنجم** در نماز و دعای شب عرفه و روز عرفه از ریاحین رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که زنده دارد پنج شب را واجب شود مر او را بهشت شب ترویه و
شب عرفه و شب عید فطر و شب عید نحر و شب برات از اوراد شب عرفه
صد رکعت نماز بگزارد در هر رکعتی بعد از فاتحه اخلاص سه بار و بروایت دیگر
دو رکعت اول بعد از فاتحه صد بار آیة الکرسی و در دوم صد بار اخلاص ثواب

ثواب بسیار است تسبیح شب عرفه سبحان الذی فی السماء عرشه
سبحان الذی فی الارض قدرته سبحان الذی فی الهوی روحه سبحان
الذی فی القبر قضاؤه سبحان الذی وضع الارض ... سبحان الذی
لا ملجاء منه الا الیه و در روز عرفه دو رکعت نماز بگزارد در هر
رکعتی فاتحه و آمین سه بار و قل یا ایها الکافرون سه بار و اخلاص سه
بار روا نکه هر حاجت که دارد بخواهد بیابد و رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود در روز عرفه چهار رکعت نماز بگزارد میان پیشین و عصر
بخواند در هر رکعتی فاتحه یکبار و اخلاص پنجاه بار بعد الفراغ هزار بار
اخلاص بخواند پس داده شود او را هر چه از خدای بخواهد
ایضا از ملفوظ در روز عرفه پیشین از غروب صد بار بگوید
بسم الله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله بسم الله ما شاء الله
لا یسوق الخیر الا الله بسم الله ما شاء الله لا یکشف السوء
الا الله بسم الله ما شاء الله کل نعمة من الله بسم الله ما شاء
الله الخیر کله بید الله بسم الله ما شاء الله ما کان من
نعمة فمن الله رسول علیه السلام می فرماید هر که در روز عرفه پیشین

از غروب آفتاب این کلمات را صد بار بگوید منادی فرماید حضرت عزت که خشنود شدیم از تو سوال کن ای بنده از ما آنچه خواهی تا بتو بدهیم بس هر بنده که این کلمات را چون بخواند بیدار شود بخواند یا در وقت خفتن بگوید حضرت عزت آن بنده را نگاه دارد از بلای خود و حرزی باشد او را از شیطان و در خلاصة الحقایق آورده است که امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت در هر عرفه جمع می شوند جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و خضر صلوات الله علیهم در عرفات و این کلمات می گویند که گفته آمد

فصل ششم

در نماز و دعای شب عید اضحی و روز عید نقل از اوراد چهار رکعت نماز کند در شب عید اضحی بخواند در هر رکعتی بعد فاتحه اخلاص و معوذتین صد کان بار بعد از سلام هفتاد بار بگوید سبحان الله و الحمد لله تا آخر بس بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا و لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره الکافرون از ملفوظ شیخ در شب عید اضحی دوازده رکعت نماز بگذارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه

فاتحه آیة الکرسی یکبار و اخلاص پنج بار ثواب بسیار است و فی خط نقل از اوراد روز عید اضحی چهار رکعت نماز بعد از نماز عید و خطبه بخواند بعد از فاتحه در رکعت اول سبح اسم و در دوم والشمس و در سیم والضحی و در چهارم اخلاص ثواب بسیار است از ملفوظ شیخ فرید الدین رحمة الله علیه گفت چون از نماز عید و خطبه فارغ شود چهار رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد از فاتحه الم نشرح یکبار و در دوم والتین و در سیم والضحی و در چهارم اخلاص فرمود در اوراد شیخ شهاب الدین آمده است از رسول صلی الله علیه و سلم هر که دو رکعت نماز بعد از عید اضحی چون در خانه آید بگذارد بخواند در هر رکعتی فاتحه و المرسلات پنج بار آن کس شریک کرده در حج و در عمره و در دعاهای ایشان و در ثواب ایشان که حج کرده اند و در مال او برکت کردت و بروایت ابو ذر غفاری هر که روز عید اضحی بعد از نماز عید چون بخانه باز گردد دو رکعت نماز بگزارد در هر رکعت بعد از فاتحه والشمس پنج بار [illegible] شریک بکند او با حاجیان در حج و عمره و طواف و دعا و در جمله مناسک ایشان

فصل هفتم

در قربانی اگر درویش باشد و قربانی نتوا ند داد ن دو رکعت نماز بگزارد بعد از نماز عید بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه انا اعطیناک سه بار ثواب قربانی

انا اعطیناک سه بار ثواب قربانی بیابد نقل از اوراد چون تمام کند بگوید بسم الله و الله اکبر اللهم هذا فدای لحمها بلحمی و دمها بدمی و عظمها بعظمی اللهم لک صلواتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا اول المسلمین اللهم تقبل منی کما تقبلت من خلیلک ابراهیم علیه السلام از قواعد الاسلام قربانی واجب است بر حر مسلم مقیم توانگر در روز عید اضحی و بر مسافر درویش واجب نیست و قربانی کند از نفس خود و از فرزندان خورد از بر یک گوسفندی و یا هفت کس یک شتر و یا یک ماده گاو و قربانی هرچه فربه تر باشد و پیش بها تر آنرا اختیار کند لاغر نشاید و نابینا و یک چشمی و لنگ نباشد و لنگی که تا جای ذبح نتواند رفتن و بریده گوش و بریده دم نشاید اگر اندکی از گوش و دم بریده باشد چنانکه بیشترش باقی بود روا باشد و بغیر شیر و روا نباشد و بغیر دندان چون علف نتواند خوردن روا نباشد و بخشیم هرچه از قربانی جدا کنند آنرا صدقه دهد و قربانی بدست خود ذبح کردن افضل است اگر نیکو بداند از خلاصة الحقایق در خبر است که داود علیه السلام گفت الهی چیست ثواب

ثواب کسی که قربانی دهد از امت محمد صلی الله علیه و سلم خدای عز و جل وحی کرد که یا داود ثواب آنکس که قربانی دهد بدهیم او را بدل هر موی که بر تن اوست ده نیکی و بردارم برای او ده درجه و محو کردانم از وی ده بدی و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که رحمت منزل می شود در اول عشر ذی الحجه و لیکن پنج کس را از آن نصیبی نیست اول عاق مادر و پدر دوم اضحیه ندهد با وجود هستی سیم آنکه طلب کند فضول دنیا و مشغول نکند نفس خود را درین عشر بعبادت خدای عز و جل چهارم آنکس که حج نیارد با وجود استطاعت و پنجم آنکه رحم بیوندند و الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد سید المرسلین و علی آله الاکرمین وقع الفراغ من تحریر کتاب مفتاح الجنان علی یدی من لا یشرک بالله شیئا و لا یرجو من سوی الله خیرا و لا یتخذ من دونه ولیا الراجی الی رحمة الله و غفرانه و رحمه و لطفه و کرمه و انعامه بجاوز عصیانه الصغیر و الکبیر الحقیر و الفقیر عبد الحلیم بن مولانا جلبی رومی تاب الله علیه و غفر له و لوالدیه و للمؤمنین و للمؤمنات و للمسلمین و المسلمات فی یوم الخمیس وقت العصر فی شهر جمادی الآخری فی سنة ... ستین و تسع مایه من الهجرة النبویة المصطفویة حامدا لله تعالی و مصلیا علی نبیه اللهم اغفر لکاتبه و لنا ظره و عنی اصلح سهوه قلمه و لمن وعظ لنفسه و لمن درس العامة و لمن عمل به اذا طلع علیه یرجوا بذالک رضاء الله الملک العلام انه غفور رحیم و رب حلیم و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین



بسم الله الرحمن الرحیم رب تمم بالخیر الحمد لله رب العالمین والصلوة علی
سیدنا محمد واله اجمعین اما بعد بر خاطر دریا و طبع تماداران فهم و دانش پوشیده نماند که
ارباب حکایت شغات بحکم اطلاع بر بعض از مغیبات چنان دانسته اند که حضرت حق سبحانه
و تعالی بحکم و اذ قال ربک للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفة مناظر اهل عالم
کمل و مراتب اهل عالم مفوض بانس کامل کرده است غوث و قطب و اوتاد و بدلا و رجال الغیب
عبارت از ایشان است و ایشان بمنشور و هو الذی جعلکم فی الارض و رفع بعضکم
فوق بعض درجات در عالم تصرف می نمایند و حضرت قطب الموحدین شیخ الملة والدین
... در چند کتب از تصانیف خود کسی حال ایشان بیان کرده است و گفته که قطب الافلاک
کبحوث عبارت از حضرت در کعبه معظمه شرفها الله تعالی ساکن است و بدلا و رجال الغیب جهت مصالح عالم
در بحر و بر منتشر قند بولائی کرایشان را کرامت شطی الارض کنند و بعد از ادای صبح و فراغ اوراد از نظر قطب
باطراف و اکناف عالم روند و جهانی جهار ابقدوم شریف بیارایند و ایشان بصفت بر قلب ابراهیم پیغمبرست کرحایت ...
عالم بوجود ایشان است ایشان را ابدال خوانند و ایشان علما بهشت قسم کرده اند چنان چه در این دایره نشست
شده است و هر روز در جای جهات بگشند و نظر دیا اهل عالم رسانند خاصه باکسانی که از ایشان استمداد نمایند
و طریق استمداد و بعد ازین دایره گفته شود ان شاء الله تعالی اعلم از شرک اسه چون عارف

... چیزی براه رود و بنشیند هم چنین ان چیز بر بالای سر او باشد مثل خیمه
... دوازدهم موازی سر یا از بدن بر طرف کردن سیزدهم ناخن چیدن اگر چه ناخن
... باشد چهاردهم کشتن شپش یا از بدن یا از جامه خود انداختن پانزدهم
... شیدن شانزدهم حنا بستن از برای زینت هفدهم در آینه نگاه
... کردن هیجدهم ... نوزدهم سلاح پوشیدن بیستم خون از بدن بیرون
... کردن اگر چه بمسواک کردن باشد اما اگر از خارید ان کریم ... مقصودی ندارد
بیست یکم جدال است یعنی لا والله و بلی والله گفتن مگر بجهت اثبات حق و نفی باطل بیست
دوم پوشیدن زن طلا یا الات یا نقره الات که عادت او نباشد که مثل ان بپوشد
بیست سیم اظهار کردن زن زیور خود را بر شوهر یا بر جمعی که محرم او باشند بیست چهارم
... روی خود را بچیزی پوشیدن که بر روی او رسد پس می باید که پوشش روی زن
بنوعی باشد که مطلقا بروی او نخورد مقصد دوم در بیان طواف و مقدمات و
شروط آن بدانکه اول افعال عمره تمتع بعد از احرام طواف خانه کعبه است ... امر
بان متعلق است و بحجه ان در دو فصل تفصیل می یابد فصل اول در بیان انچه
پیش از طواف بجا آورده می شود و آن شانزده امر است چهار امر واجب و دوازده

قال علی ... قال علی علیه السلام ...

امر سنت اما چهار امر واجب اول طهارت از حدث اکبر و اصغر هرگاه طواف واجب باشد
اما در طواف سنتی طهارت از حدث اصغر سنت است دوم ازالهٔ نجاسات از جامه
بدن سیم ستر عورت بطریقی که در نماز است چهارم ختنه کردن پس اگر کسی ختنه نکرده
باشد طواف او باطل است و اما آن دوازده امر که قبل از طواف سنت است اول غسل
جهة داخل شدن حرم مکهٔ معظمه دوم از خود خائیدن قبل از داخل شدن در حرم سیم
نعلین کندن و پا برهنه براه رفتن چهارم نعلین خود را بدست خود گرفتن پنجم وقت
داخل شدن حرم این دعا بخواند اللهم انك قلت في كتابك واذن في الناس
بالحج يأتوك رجالا وعلى كل ضامر يأتين من كل فج عميق اللهم اني ارجو
ان اكون ممن اجاب دعوتك وقد جئت من شقة بعيدة ومن فج عميق
سامعا لندائك ومستجيبا لك ومطيعا لامرك وكل ذلك بفضلك علي
واحسانك الي فلك الحمد على ما وفقتني له ابتغي بذلك الزلفة عندك والقربة
اليك والمنزلة لديك والمغفرة لذنوبي والتوبة على منها بمنك اللهم صل على
محمد وآل محمد وحرم بدني على النار وآمني من عذابك وعقابك يا كريم ششم
غسل کردن جهة داخل شدن مکهٔ معظمه و این غسل زن حیض دار را نیز سنت است

هفتم غسل کردن جهة داخل شدن در مسجد الحرام هشتم داخل شدن در مسجد الحرام
از دری که از اباب بنی شیبه گویند نهم آنکه در بیرون در مسجد الحرام ایستد و بگوید السلام
عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته دهم بعد از آن بگوید بسم الله وبالله
وما شاء الله والسلام على انبياء الله ورسله والسلام على رسول الله
والسلام على ابراهيم خليل الله والحمد لله رب العالمين دهم بخضوع وخشوع
داخل مسجد الحرام شدن یازدهم آنکه چون داخل شود رو بجانب کعبهٔ مشرفه کند
دستها را برداشته این دعا بخواند اللهم اني اسئلك في مقامي هذا في اول
مناسكي ان تقبل توبتي وان تجاوز عن خطيئتي وتضع عني وزري الحمد لله
الذي بلغني بيته الحرام اللهم اني اشهد ان هذا بيتك الحرام الذي جعلته
مثابة للناس وامنا مباركا وهدى للعالمين اللهم اني عبدك والبلد
بلدك والبيت بيتك جئت اطلب رحمتك واطاعتك مطيعا لامرك راضيا
بقدرك اسئلك مسئلة الفقير اليك الخائف لعقوبتك اللهم افتح لي
ابواب رحمتك واستعملني بطاعتك ومرضاتك دوازدهم آنکه نزدیک حجر
اسود آید و بجانب حجر کند و این دعا بخواند الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا

لنهتدي لولا ان هدانا الله سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اكبر من خلقه واكبر مما اخاف واحذر لا اله الا الله وحده لا شريك له له
الملك وله الحمد يحيي ويميت ويحيي بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم
صل على محمد وآل محمد وعلى جميع الانبياء والمرسلين بعد از آن حجر الاسود
ببوسد و اگر بواسطهٔ کثرت ازدحام نتواند بوسید دست خود را بآن برساند و دست
خود را ببوسد و اگر نتواند دست رساند بجانب حجر بدست راست اشارت کند و این
دعا بخواند اللهم اني اومن بوعدك واوفي بعهدك اللهم امانتي اديتها
وميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافات اللهم تصديقا بكتابك وعلى سنة
نبيك اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده ور
سوله آمنت بالله وكفرت بالجبت والطاغوت واللات والعزى وعبادة
الشيطان وعبادة كل ند يدعى من دون الله اللهم اليك بسطت يدي
وفيما لديك عظمت رغبتي فاقبل سعيي واغفر لي وارحمني اللهم اني اعوذ
بك من الكفر والفقر ومواقف الخزي في الدنيا والآخرة و چون از این دعا
فارغ شود شروع در طواف کند فصل دوم در بیان باقی امور که متعلق است بطواف

و آن بیست و سه امر است یازده امر واجب و دوازده امر سنت اما یازده امر واجب اول
نیت طواف باین طریق که طواف عمرهٔ تمتع میکنم از برای آنکه واجب است تقرب بخدا و
نیت را مقارن طواف سازد بر وجهی که جزو اول جانب چپ او در ابتدای طواف محاذی جزو
اول حجر الاسود باشد و این بدو طریق میشود یکی آنکه در مقابل حجر بایستد و مقارن نیت
خود را بگرداند تا در ابتدای طواف کل بدن او بمحاذات کل حجر اسود بگذرد طریق دوم
آنکه در مقابل حجر اسود بایستد بلکه از جانب چپ خود گیرد و بعضی از اجزاء بدن خود را
پیش بدارد و محاذی اول حجر نماید و شروع در طواف کند تا کل بدن او بر محاذات
کل حجر بگذرد و طریق اول افضلست دوم استدامت حکمی یعنی در اثنای طواف واجبی
امری نکند که منافی طواف باشد مثل حدث و قصد آنکه طواف را باتمام نرساند سیم
آنکه در حال طواف بایدکه خانهٔ کعبه بر دست چپ باشد چهارم آنکه دوری طواف
کند از خانهٔ کعبه در کل جهات کمتر از دوری مقام ابراهیم باشد از خانهٔ کعبه
پنجم آنکه گشتن بر گرد خانهٔ کعبه کمتر از هفت نوبه و زیاده بر هفت نیز نباشد و هر
نوبه را شوط گویند و هر هفت شوط یک طواف است و اگر بعد از فارغ شدن
شک کند که هفت شوط کرده یا کمتر یا بیشتر التفات ننماید و طواف او صحیح است اما

اگر شک او قبل از فارغ شدن باشد درین صورت از سه حال بیرون نیست اوّل آنکه
شک کند میانهٔ هفت شوط و زیاده دوّم آنکه شک کند میانهٔ هفت شوط و کمتر سیّم آنکه
یقین داند که هفت شوط نکرده و شک او در مابین جفت شوط باشد مثل آنکه شک کند
میانهٔ چهار و پنج یا میانهٔ پنج و شش پس در صورت اوّل اگر برکنی که حجر اسود است
رسیده باشد طواف او صحیح است و اگر بآن رکن نرسیده باشد طواف او باطل است و از سر
باید گرفت و در صورت دوّم و سیّم مطلقا طواف او باطل است خواه برکن رسیده
باشد و خواه نرسیده باشد و طواف را از سر باید گرفت ششم آنکه چهار شوط اوّل
از پی یکدیگر باشد یعنی فاصله در میان واقع نشود پس اگر فاصله در میانه واقع
شود شوط طواف را از سر گیرد خواه فاصله بجهة ضرورت واقع شده باشد مثل
نماز واجبه که وقت آن تنگ شده باشد و خواه بضرورة واقع شده باشد اما
در میانهٔ شوط چهارم و پنجم و میانهٔ سه شوط آخر جایز است که فاصله واقع شود
مثل نماز سنّتی که وقت آن تنگ شده باشد یا قضای حاجت مؤمنی یا داخل
شدن بخانهٔ کعبه و همچنین جایز است در سه شوط آخر قطع شوط کردن بجهة
امثال آن امور اما واجب است که در وقت قطع طواف مکانی را که آنجا قطع شده

نشان

نشان کند تا چون بر سر اتمام آن آید زیاده و کم نشود هفتم آنکه حِجر را بکسر حاء مهمله
و سکون جیم داخل طواف سازد و آن دیواریست کوتاه در جانب ناودان خانهٔ کعبه
هشتم آنکه در وقت طواف چیزی از بدن داخل شادروان کعبه نباشد پس اگر طواف
کنان دست بر دیوار خانهٔ کعبه گذارد آن طواف باطل است نهم آنکه در طواف
بطریق متعارف راه رود پس اگر بیک پا یا بچهار دست و پا خزکنان طواف کند صحیح
بود دهم آنکه آخر شوط هفتم جائی باشد که ابتدای طواف از آنجا کرده بی زیاده و کم
یازدهم دو رکعت نماز طواف گذاردن در پس مقام ابراهیم ع یا در پهلوی آن
و مخیّر است در قراءت این دو رکعت میانهٔ جهر و اخفات و اگر طواف سنّت
باشد در هر جا از مسجد الحرام که خواهد این دو رکعت میتواند گذارد و سنّت است
که در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ قل هو الله بخواند و در رکعت دوّم سورهٔ
قل یا ایها الکافرون و امّا آن دوازده امر سنّت که تعلّق بطواف دارد اوّل
آنکه چون داخل مسجد الحرام شود بهیچ امری اشتغال ننماید الا عقب میا[illegible]
دوازدهم طواف که قبل ازین مذکور شد و بعد از آن بی فاصله شروع در طواف
عمره کند مگر آنکه وقت نماز واجب داخل شده باشد یا ترسد که نماز جماعت از او

شود دوّم بوسیدن حجر اسود در هر شوطی و همچنین رخ خود را بر آن گذاشتن سیّم بوسیدن
هر رکنی از چهار رکن خانهٔ کعبه بتخصیص رکن یمانی و رکن عراقی چهارم یک طرف ردای
خود را از زیر بغل راست بیرون آورد و بر دوش چپ اندازد و دوش راست را برهنه
گذارد پنجم گامهای خود در حین طواف کوتاه گردانیدن چرا که بواسطهٔ هر گامی شش هزار
حسنه جهة آنکس نوشته می شود ششم نزدیک شادروان طواف کردن هر چند که
کمتر شود که نزدیکی بلاذ زیادتی کلام میکند هفتم آنکه راه رفتن در اثنای طواف
نه تند باشد و نه آهسته بلکه میانه باشد هشتم آنکه در اثنای طواف این دعا بخواند
اللّهمّ انّی اسئلک باسمک الّذی یُمشی به علی ظلل الماء کما یُمشی به علی
جدد الارض و اسئلک باسمک الّذی تهتزّ له اقدام ملائکتک و
اسئلک باسمک الّذی دعاک به موسی من جانب الطّور فاستجبت له
و القیت علیه محبّة منک و اسئلک باسمک الّذی غفرت به لمحمّد صلّی الله
علیه و آله ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر و اتممت علیه نعمتک و بعد از آن
حاجت خود از حق تعالی طلب نماید نهم آنکه در اثنای طواف هر گاه محاذی در خانهٔ کعبه
شود صلوة فرستد دهم آنکه هر وقت که در اثنای طواف بدیوار کوتاه که در طرف

ناودان

ناودان خانهٔ کعبه است برسد این دعا بخواند اللّهمّ ادخلنی الجنّة برحمتک و
عافنی من السّقم و اوسع علیّ من الرّزق الحلال و ادرأ عنّی شرّ فسقة
الجنّ و الانس و شرّ فسقة العرب و العجم یازدهم آنکه چون در شوط هفتم
به مستجار برسد و آن در زمان سابق در خانهٔ کعبه بوده الحال بسته شده و علامت
آن نمایانست پس باید که دو پای کشد و خود را بدان بچسباند و این دعا بخواند اللّهمّ
البیت بیتک و العبد عبدک و هذا مکان العائذ بک من النّار و در آن وقت
بگناهان خود یک یک اقرار کند چه در حدیث وارد است که هر مؤمنی که در آن مکان
شریف اقرار بگناهان خود کند البته حق تعالی گناهان او را می بخشد دوازدهم آنکه
بعد از اقرار بگناهان خود این دعا بخواند اللّهمّ من قبلک الرّوح و الفرج
و العافیة اللّهمّ انّ عملی ضعیف فضاعفه لی و اغفر لی ما اطّلعت علیه
منّی و خفی علی خلقک استجیر بالله من النّار اللّهمّ قنّعنی بما رزقتنی
و بارک لی فیما آتیتنی و بعد از گذاردن دو رکعت نماز طواف سنّت است که نزد
حجر اسود آید و آن را ببوسد و بجانب چاه زمزم آید و یک دلو یا دو دلو آب
بکشد و از آن آب بخورد و بر تن و سر خود ریزد و در وقت ریختن بگوید اللّهمّ

اجعله علماً نافعاً ورزقاً واسعاً وشفاءً من كل داءٍ وسقمٍ وبعد از ان
متوجه سعی مابین صفا ومروه شود **مقصد سیم** در بیان سعی مابین صفا ومروه و
مقدمات وشروط ان بدانکه انچه تعلق بسعی دارد هیچ امر است چه امر واجب
و چه سنت امر سنت اما چه امر واجب اول نیت سعی است باین طریق که سعی میکنم میانه
صفا ومروه وهفت شوط در عمره تمتع برای انکه واجب است تقرب بخدا دوم انکه
در وقت نیت باشد پای او برشته اول صفا چسبیده باشد سیم مقارن ساختن
نیت با ابتدای رفتن بجانب مروه چهارم استدامت حکمی یعنی قصد امری که منافی
نیت است نکند پنجم انکه از راه متعارف مابین صفا ومروه رود نه از راه مسجد الحرام
وغیر ان ششم انکه سعی از هفت شوط بیشتر وکمتر نباشد هفتم موالات یعنی همه
هفت شوط از پی یکدیگر باشد بی فاصله بطریقی که در طواف مذکور شد وبعضی از
مجتهدین گفته‌اند که موالات شرط نیست هشتم انکه جمیع مسافت مابین صفا ومروه را قطع
کند وچیزی درمیان نگذارد پس چون از صفا بمروه رسد چنانکه انگشتان پا برشته
اول مروه برسد وچون خواهد که از مروه بصفا رود پاشنه پا را برشته اول مروه
ملصق سازد وبجانب صفا رود واین قاعده را منظور دارد تا هفت شوط بانجام

دسد

دسن نهم انکه اگر طواف را بروز کرده باشد سعی را بروز دیگر تاخیر نکند بلکه بشب بجا
آورد وبعضی از مجتهدین تاخیر بروز دیگر را جایز داشته‌اند دهم انکه سعی بعد از
طواف بفعل اید پس اگر قبل از طواف واقع شود باطل خواهد بود واما ان هفت
امری که در سعی سنت است اول انکه چون از مسجد الحرام بجهة سعی بیرون رود باید
که از در صفا بیرون رود وجای ان الحال داخل مسجد الحرام است اما دو ستون
بجهة علامت ان گذاشته‌اند پس باید که از مابین دو ستون بگذرد دوم
طهارت از حدث اکبر واصغر سیم ازالهٔ نجاسات از بدن ورخت چهارم انکه
چون از مسجد الحرام بیرون اید به بالای صفا رود ورو بکعبه بایستد در مقابل
رکنی که حجر الاسود درو است وهفت نوبت الله اکبر بگوید وهفت نوبت لا اله الا
الله وسه نوبت لا اله الا الله وحده لا شریك له له الملك وله الحمد یحیی
ویمیت ویمیت ویحیی وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
بعد از ان صلوات بفرستد وسه نوبت بگوید الله اکبر الحمد لله علی ما هدانا
والحمد لله علی ما ابلانا والحمد لله الحی القیوم والحمد لله الحی الدائم
وسه نوبت اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله

لا نعبد الا اياه مخلصين له الدين ولو كره المشركون وسه نوبت اللهم
انی اسئلك العفو والعافية واليقين فی الدنيا والاخرة وسه نوبت بگوید
اللهم اتنا فی الدنيا حسنة وفی الاخرة حسنة وقنا عذاب النار بعد از ان
الله اکبر صد نوبت لا اله الا الله صد نوبت والحمد لله صد نوبت سبحان الله
صد نوبت بعد از ان بگوید لا اله الا الله انجز وعده ونصر عبده وغلب
الاحزاب وحده فله الملك وله الحمد وحده اللهم بارك لی فی الموت
وفيما بعد الموت اللهم انی اعوذ بك من ظلمة القبر ووحشته اللهم
اظلنی فی ظل عرشك يوم لا ظل الا ظلك الا استودع الله الرحمن الرحيم
الذی لا تضيع ودائعه دينی ونفسی واهلی اللهم استعملنی علی كتابك
وسنة نبيك وتوفنی علی ملته واعذنی من مضلات الفتن اللهم اغفر لی
كل ذنب اذنبته قط فان عدت فعد علی بالمغفرة انك انت الغفور الرحيم
وانا المحتاج الی رحمتك فيا من انا محتاج الی رحمته ارحمنی اللهم
افعل بی ما انت اهله ولا تفعل بی ما انا اهله فانك ان تفعل
بی ما انا اهله تعذبنی ولن تظلمنی اصبحت اتقی عدلك ولا اخاف

جورك

جورك فيا من هو عدل لا يجور ارحمنی واگر فرصت خواندن کل این دعاها
وذکرها نداشته باشد انچه از انجمله میسر شود بخواند چون فارغ شود از صفا بزیر
اید وشروع در سعی نماید وبدانکه بر بالای صفا رفتن وانجا این دعاها خواندن
مردان را سنتست اما زنان را سنت نیست پنجم از سنتهای سعی انست که در اخر شوط
اول چون بمروه رسد بر بالای ان رود ودر مقابل خانه کعبه بایستد وادعیه
که بر بالای صفا خوانده انجا بخواند ششم انکه پیاده سعی کند مگر انکه برسد که بواسطه
ضعف نتواند بتوجه تمام بدعا مشغول شود هفتم انکه در اول هر شوط واخر ان
تند براه رود مگر درمابین مناره که جنب عطاران که انجا تند رفتن اولیست
خواه پیاده باشد وخواه سواره واین تند رفتن مردان را سنتست وزنان را
سنت نیست هشتم انکه در اثنای سعی این دعا بخواند اللهم اغفر وارحم
وتجاوز عما تعلم انك انت الاعز الاجل الاكرم الاكرم یا
ذا المن والفضل والكرم والنعماء والجود اغفر لی ذنوبی انه لا یغفر
الذنوب الا انت **مقصد چهارم** در بیان احکام تقصیر واحرام حج بدانکه
بعد از فارغ شدن از سعی باید که تقصیر کند یعنی چیزی از ناخن بگیرد خواه

ناخن دست وخواه ناخن پا یا از موی بدن چیزی ازاله کند اگرچه یک مو باشد
خواه بمقراض وخواه بکندن وخواه بنوره و تراشیدن همه سر جایز نیست اما
تراشیدن بعضی جایز است و نیت چنین کند که تقصیر میکنم در عمره تمتع از برای
آنکه واجب است تقرب بخدا و مقارن نیت به تقصیر مشغول شود و چون
تقصیر بفعل آید جمیع آنچه در احرام حرام شده بود حلال میشود و تقصیر
آخر افعال عمره است و سنت است که تقصیر بمروه واقع شود و مکروه است طواف
خانه کعبه بعد از سعی و قبل از تقصیر و واجب است که بعد از تقصیر باحرام حج اشتغال
نماید و جمیع آنچه در احرام عمره مذکور شد از مقدمات و غیر آن در احرام حج
معتبر است و میقات این احرام شهر مکه است و نیت چنین کند که احرام حج تمتع
بجای آورم از برای آنکه واجب است تقرب بخدا و نیت را مقارن سازد به تلبیه
و سه امر درین احرام سنت است اول آنکه روز هشتم ذی الحجه واقع شود دوم
آنکه در مسجد الحرام باشد و افضل آنست که زیر ناودان خانه کعبه واقع شود
سیم تلبیه گفتن در مکانی که آنجا احرام بسته اگر پیاده باشد و اگر سواره باشد
در وقتی که شتری که بران سوار است از جای برخیزد و واجب است که بعد از احرام

ستین بعرفات رود از وقت پیشین تا وقت شام در عرفات توقف نماید بعد از آن
بمنا رود و آنجا روز عید میل را که آنجا جمره عقبه گویند بهفت سنگریزه بزند و
بعد از آن قربانی کند و بعد از آن سر تراشد که بمکه مراجعت نماید بجهت طواف
زیارت و سعی و طواف نسا بعد از آن بمنا عود کند بجهت بودن آنجا در شبهای
تشریق و رمی جمرات ثلثه و این اعمال در چهار فصل تفصیل مذکور میشود فصل اول
در بیان احکام وقوف عرفات بدانکه مراد از وقوف عرفات بودن در آن
موضع شریف است از پیشین تا شام خواه نشسته و خواه ایستاده باشد و خواه
تکیه کرده و خواه سواره و خواه پیاده و پیش از داخل شدن بعرفات هفت امر
سنت است اول آنکه رفتن از مکه بجانب عرفات در روز هشتم ذی الحجه باشد نه قبل
از آن و آن روز را یوم الترویه گویند اما اگر بیمار شود یا از کثرت ازدحام مردم
در راه ملاحظه نماید قبل از یوم الترویه بیک روز یا دو روز یا سه روز از مکه بیرون
رفتن او مضایقه ندارد دوم آنکه چون متوجه عرفات شود این دعا بخواند
اللّهمّ إليك صمدتُ وإيّاك اعتمدتُ ووجهك أردتُ أسألك
أن تبارك لي في رحلتي وأن تقضي لي حاجتي وأن تجعلني ممّن تباهي به

اليوم من هو أفضل منّي سیم آنکه چون در راه عرفات بمنا رسد این دعا بخواند
اللّهمّ هذه منى وهي ممّا مننت به علينا من المناسك فأسألك أن تمنّ
عليّ بما مننت به على أنبيائك فإنّما أنا عبدك وفي قبضتك چهارم آنکه
ظهر و عصر و مغرب و عشا را در منا بگذارد پنجم آنکه در شب نهم ذی الحجه که شب
عرفه است در منی تا طلوع فجر توقف نماید ششم آنکه نماز صبح را نیز در منا بگذارد و افضل آنست
که تا طلوع آفتاب در منا توقف نماید بعد از آن از منا متوجه عرفات گردد هفتم آنکه
خیمه خود را در بیرون زمین عرفات بزند در مکانی که بعرفات متصل است و آن
مکان را نمره گویند و واجب است که اول وقت پیشین نیت وقوف عرفات کند باین طریق
که توقف در عرفات میکنم ازین وقت تا بوقت شام در حج اسلام حج تمتع برای آنکه
واجب است تقرب بخدا و بر حکم نیت نماید تا وقت شام و بعد از دخول در عرفات
دوازده امر سنت است که در اثنای وقوف بفعل آورد اول غسل جهت وقوف و
نیت چنین کند که غسل وقوف عرفات میکنم از برای آنکه واجب است تقرب بخدا
و باید که این غسل بعد از ظهر در اول وقت وقوف واقع شود دوم با وضو بودن
سیم ظهر و عصر را در اول وقت باهم جمع کردن بیک اذان و دو اقامت چهارم

بر پا ایستادن از وقت ظهر تا وقت شام پنجم رو بقبله بودن از اول تا وقت آخر
وقت ششم خاطر خود را بهیچ امر مشغول نساختن مگر توجه بدرگاه الهی هفتم
آنکه میان او و آسمان حایلی نباشد مثل خیمه و غیر آن هشتم گناهان خود را یک
یک شمردن و استغفار کردن نهم دعا کردن از برای برادران مؤمن باید که
کمتر از چهل نفر نباشد دهم آنکه صد نوبت الحمد لله و صد نوبت لا إله إلّا الله
و صد نوبت الله اکبر و صد نوبت سبحان الله بگوید یازدهم آنکه صد نوبت
قل هو الله احد بخواند دوازدهم آنکه این دعا بخواند اللّهمّ إنّي عبدك
فلا تجعلني من أخيب وفدك وارحم مسيري إليك من الفجّ العميق
اللّهمّ ربّ المشاعر كلّها فكّ رقبتي من النار وأوسع عليّ من رزقك
الحلال وادرأ عنّي شرّ فسقة الجنّ والإنس وشرّ فسقة العرب والعجم
اللّهمّ لا تمكر بي ولا تخدعني ولا تستدرجني اللّهمّ إنّي أسألك
بحولك وقوّتك وجودك وكرمك ومنّك وفضلك يا أسمع
السامعين ويا أبصر الناظرين ويا أسرع الحاسبين ويا أرحم الراحمين
أن تصلّي على محمّد وآل محمّد و حاجت خود را طلب نماید از حق تعالی و بعد از آن

رو بجانب آسمان کند و بگوید اللهم حاجتي اليك التي إن اعطيتنيها لم
يضرني ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني اسئلك خلاص
رقبتي من النار اللهم اني عبدك وملك يديك ناصيتي بيدك واجلي
بعلمك اسئلك ان توفقني لما يرضيك عني وان تسلم مني مناسكي
التي اريتها خليلك ابراهيم عليه السلام ودللت عليها نبيك محمد
صلى الله عليه وآله اللهم اجعلني ممن رضيت عمله واطلت عمره
واحييته بعد الموت حيوة طيبة لا اله الا الله وحده لا شريك له
له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على
كل شيء قدير اللهم لك الحمد كالذي تقول وخيرا مما نقول وفوق
ما يقول القائلون اللهم اني اعوذ بك من الفقر ومن وساوس
الصدور ومن شتات الامر ومن عذاب القبر اللهم اجعل في قلبي نورا
وفي سمعي نورا وفي بصري نورا وفي لحمي نورا وفي دمي نورا وعظامي و
عروقي ومقامي ومقعدي ومدخلي ومخرجي نورا واعظم لي نورا يا رب
يوم القاك انك على كل شيء قدير و بداند که دعاهای روز عرفات

کار

